

آثار توسعه‌ای بورس‌های کالایی
در بازارهای نوظهور

شرکت بورس کالای ایران
(سهامی عام)

کنفرانس تجارت و توسعه‌ی سازمان ملل متحد
گزارش گروه مطالعه‌ی آنکتاد در زمینه بورس‌های کالایی نوظهور

آثار توسعه‌ای بورس‌های کالایی در بازارهای نوظهور

سازمان ملل متحد
نیویورک و ژنو، ۲۰۰۹

نشرمهرنوروز
۱۳۹۳

عنوان و نام پدیدآور	: آثار توسعه‌ای بورس‌های کالایی در بازارهای نوظهور/ [گزارش گروه مطالعه‌ی آنکتاد در زمینه بورس‌های کالایی نوظهور]؛ مترجم شرکت بورس کالای ایران.
مشخصات نشر	: تهران: مهر نوروز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۲ ص.: مصور(بخشی رنگی)، جدول(بخشی رنگی)، نمودار(بخشی رنگی) .
شابک	: ۲۰۰۰۰۰ ریال: ۸-۸-۹۳۳۳۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Development Impacts of Commodity Exchanges in Emerging Markets
موضوع	: بورس کالا -- کشورهای در حال رشد
موضوع	: معاملات آتی کالا -- کشورهای در حال رشد
موضوع	: فراورده‌های کشاورزی -- کشورهای در حال رشد -- صنعت و تجارت
شناسه افزوده	: شرکت بورس کالای ایران
شناسه افزوده	: کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد
شناسه افزوده	: United Nations Conference on Trade and Development
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۲آ۵ک/ HG۶۰۵۱
رده بندی دیویی	: ۳۳۲/۶۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۲۴۹۳۲

نشرمهرنوروز

عنوان:	**آثار توسعه‌ای بورس‌های کالایی در بازارهای نوظهور**
پدیدآور:	شرکت بورس کالای ایران
طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی:	ساباگرافیک
چاپ اول:	۱۳۹۳
شمارگان:	۱۵۰۰ جلد
شابک:	۸-۸-۹۳۳۳۲-۶۰۰-۹۷۸
نشانی الکترونیک بورس کالای ایران :	ime.co.ir
قیمت:	۲۰۰۰۰ تومان

تلفن دفتر نشر: ۸۸۵۱۳۹۰۶
دورنگار: ۸۸۵۱۱۸۰۷
www.mehrenorouz.com
info@mehrenorouz.com

سخنی با خوانندگان

یکی از دلایل اصلی توسعه کشورهای پیشرفته، استقرار نظام اقتصادی مبتنی بر بازار در آن‌ها می‌باشد. به همین دلیل نهادهایی نظیر بورس‌های کالایی که زمینه لازم جهت عملیاتی نمودن این ساختار اقتصادی را فراهم می‌نمایند، از اهمیت برجسته‌ای جهت دستیابی به رشد اقتصادی پایدار برخوردار می‌باشند. با توجه به این موضوع بسیاری از کشورهای در حال توسعه در چند دهه گذشته با شناسایی سودمندی این نهادهای تأثیر گذار اقدام به تأسیس آن‌ها متناسب با ساختار اقتصادی خود نموده‌اند. کشف قیمت شفاف و منصفانه، پوشش و مدیریت ریسک از جمله کارکردهای اساسی بورس‌های کالایی هستند که در نهایت به کاهش هزینه‌های مبادله و توسعه مبادلات اقتصادی منجر می‌گردند. در کشورهای در حال توسعه که بخش قابل توجهی از جمعیت در معرض ریسک نوسانات قیمتی کالاها قرار دارند، مطمئناً ابزارهای پوشش ریسک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. علاو بر این بورس‌هایی که عمدتاً معاملات فیزیکی در آن‌ها انجام می‌گیرد کارکردهایی دیگری نیز دارند که از آن جمله می‌توان به توسعه زیرساخت‌های بازار نظیر انبارداری، تسهیل تأمین مالی، استانداردسازی محصولات و کاهش نابرابری‌های اطلاعاتی موجود بازار که به نفع بازیگران بزرگ است اشاره نمود.

با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع، بورس کالای ایران در راستای اهداف سازمانی خود و همچنین افزایش میزان آگاهی فعالان بازارهای کالایی و سیاست گذاران این حوزه نسبت به کارکردهای بورس‌های کالایی برای اقتصاد ملی و تقویت تعاملات موجود در این زمینه، اقدام به ترجمه کتاب حاضر به عنون یکی از مطالعات تجربی برتر که تا کنون در زمینه نقش بورس‌های کالایی در توسعه بخش کشاورزی در

کشورهای در حال توسعه انجام گرفته است، نمود.
از جملـــه مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب بررســـی تجربـــی، میدانی و موردی نقش بورس‌های کالایی در توسعه بخش کشاورزی در کشورهای مختلف می‌باشد. در این مطالعه نه تنها کارکردهای بورس‌های کالایی به طور دقیق و تجربی در کشـــورهای مختلف شناســـایی گردیده است بلکه سیر تاریخی و تکاملی این نهادها و همچنین دستاوردهای آن‌ها و عوامل مؤثر در این زمینه به خوبی تبیین شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بورس‌های کالایی نه تنها در ساختارهای اقتصادی مختلف دســـتاوردهای ارزشمندی برای فعالان بازار و اقتصاد داشته است، بلکه در بلندمدت ثبات آفرین نیز می‌باشند.
مطالعه این کتاب برای تمامی فعالان بازارهای کالایی، سیاســـت گذاران اقتصادی، محافل علمی و دانشگاهی و سایر علاقمندان بخش‌هایی کالایی توصیه می‌گردد.
در پایان ضمن ســـپاس از زحمات آقایان افشـــین خاکباز به عنوان مترجم و احمد محمدی به عنوان ویراســـتار فنی و تخصصی و علی پناهی که بازبینی نهایی متن را عهده‌دار بودند؛ از کلیه اندیشمندان، محققین، اساتید، دانشجویان و فعالان بازارهای کالایی و ســـرمایه کشور اســـتدعا داریم با در میان گذاشتن نظرات خود در رابطه با این کتاب ما را در رفع نواقص احتمالی یاری نمایند.

حسین پناهیان
مدیر عامل بورس کالای ایران

تقدیر و تشکر

مطالعه‌ی حاضر، حاصل تلاش و همکاری پنج بورس کالا در کشورهای درحال توسعه و آنکتاد است که توسط آدام گراس و لیونلا سانتانا از دبیرخانه آنکتاد با همکاری تنی چند از دست‌اندرکاران بورس‌هایی که در این مطالعه شرکت داشتند و سایر دست‌اندرکاران بخش کالایی این کشورها تدوین شد و پیش‌نویس آن تهیه گردید:
از خائو لورو آمارال، جفرسن برگامو، برناردو آلنوسو سالوما گارسیا، تادو دیاس لاندرونی، روبرتو باب، ریکاردو باربوسا ماکادو، آنا کارولینا مآتیه‌لا، پاولا آدریانا دو بیرتو مورو، فبیانا سالگوئه رو پروبه لی، فلیکس شوچانا، نوئه نیو اسپینولا، ایوان ودکین در بورس کالا و معاملات آتی برزیل سپاسگزاریم.
در بورس کالای دالیان، از انپینگ چن، رویگانگ چن، گا گانگ، شانسونگ گو گانگزو هو، گیو کی، یاو لی، یون انگ لی، یو لی، ری لیو، یوگوانگ لیو، سون شاوهونگ، وانگ شی جی، سوبو وانگ، جانگ وی، گیو زیاولی، فنگ یانگجون، ینگیون ژانگ و یوفی وانگ برای زحماتشان تشکر می‌نماییم.
در چین، افراد دیگری همچون ژی کائو، زیگوی لی و زیاوهوی وانگ از مرکز ملّی اطلاعات غلات و دانه‌های روغنی در اداره ملّی غلات، لائوکینگ از شرکت ملی روغن نباتی چین، چن ونگینگ از شرکت ملّی تجارت حبوبات، وانگ یو، جسیکا ژائو و یو ژی چنگ از گروه شرکت‌های غلات و روغن چین، لی لی از بانک کشاورزی چین، و ژو هوان از بانک مرکزی چین برای کمک‌هایشان تشکر می‌نماییم.
در شرکت بورس کالاهای هند، از جوزف ماسی، شیلپا باسکنها پرادیپ، لامون روتن، آناند شیون، وی شونموگام، ریتامبهارا سینگ و بهارتی سوناوان که ما را در اجرای این مطاله یاری رساندند سپاسگزاریم.
در بورس کالای مالزی، زاینی لانگ، شو منگ چان، موریازی محمد، رغبیر بهارت، رویستون وی انگ لیم، اروین ونگ، چی سیونگ و مازلان یحیی کمک زیادی به اجرای این پژوهش کردند. در مالزی، از جایا گوپال از هیئت روغن خرمای مالزی، داتوک مازلان بن جمال‌الدین از انجمن ملّی زمین داران کوچک، تان بنگ هات از انجمن روغن خرمای

مالزی، وان زلاها امبونگ از آژانس فدرال توسعه‌ی زمین، مارتین بک نیلسون از شرکت یونایتد پلانتیشنز، ابو سما حاجی سمسوری از شرکت کومپولان گوتری[1] و مایکل کاک از شرکت سایم داربی[2] که در انجام این تحقیق به ما کمک کردند سپاسگزاریم.
از راد گراولت بلوندین و کریس استورگس در بخش محصولات کشاورزی سافکس بورس ژوهانسبورگ برای کمک ارزشمندی که در اجرای این برنامه داشتند تشکر می‌نماییم.
همچنین از درک ماتیوس، شاین برد از کارگیل، نیکو هاوکینز و ساکی ون زیل از شرکت غلات آفریقای جنوبی سپاسگزاریم. لولین فورد از بانک استاندارد، ویم لمبرشت از شرکت پرگرین سکیوریتیز، فردی مایر از شرکت راه‌حل‌های مدیریتی رانین گرین[3]، ژانی دو ویلیرز از اتاق ملی آرد سازی/ انجمن ملی تولید کنندگان آرد ذرت، پیتر وات از شرکت آفگری تریدینگ، یوهان ترون از بانک راند مرچنت و رودی سوین پل از فارم وایز گرینز به دلیل کمک‌هایشان سپاسگزاریم.
در آخر، از آقای دیوید هونگ به دلیل کمک سخاوتمندانه در ترجمه‌ی مطالب این تحقیق تشکر می‌نماییم. همچنین از بورس کالاهای هند که با حمایت مالی خود اجرای این مطالعه را امکان پذیر ساخت سپاسگزاریم.

1 - Kumpulan Guthrie Berhad
2 - Sime Darby Berhad
3 - Ronin Grain Management solutions

فهرست

سخنی با خوانندگان ۵
تقدیر و تشکر ۷
خلاصهٔ مدیریتی ۱۱

بخش یک: مقدمه ۱۵
فصل ۱– مطالعه ۱۷
فصل ۲– شرایط سیاستی ۲۹
فصل ۳– بورس‌های کالا: کارکردها و سوابق عملکرد در کشورهای درحال توسعه ۴۳
فصل ٤–بورس‌های کالا و نظارت بر بازار ٤۹
فصل ۵– تأثیرات ۵۳

بخش دو: مطالعهٔ کشورها ۷۷
فصل ٦– برزیل ۷۹
فصل ۷– چین ۱۲۳
فصل ۸–هند ۱٦۳
فصل ۹– مالزی ۲۲۷
فصل ۱۰– آفریقای جنوبی ۲۵۵

بخش سه: خلاصه یافته‌ها و پیامدهای توسعه ۲۹۹
فصل ۱۱– خلاصه‌ی یافته‌ها ۳۰۱
فصل ۱۲– پیامدهای توسعه ۳٤۳
فصل ۱۳– پیشنهادات ۳٦۳
فصل ۱٤– فهرست منابع ۳٦۷

ضمیمه ۱– مشخصات مهم قراردادها ۳۷۵
ضمیمه ۲– خلاصه‌ی ویژگی‌های نظارتی اصلی در هر بازار ۳۷۷
ضمیمه ۳– فرضیات تاثیر ۳۷۹
ضمیمه ٤– عملکرد تاثیرات در هر بورس ۳۸۱
ضمیمه ۵– منابع داده‌ها ۳۸۳
ضمیمه ٦– نحوه‌ی پوشش ریسک: راهبردهای ساده با استفاده از قراردادهای آتی و اختیار معامله ۳۸۷
ضمیمه ۷– تاریخچه، مقالات و انتشارات آنکتاد ۳۹۱

خلاصهٔ مدیریتی

گروه مطالعه‌ی آنکتـــاد در زمینه‌ی بورس‌های نوظهور کالایـــی، بورس‌های برتر پنج کشـــور درحال توســـعه (برزیل، چین، هند، مالزی و آفریقای جنوبی) را شامل می‌شود و کنفرانس تجارت و توســـعه‌ی ســـازمان ملل متحد (آنکتاد) هماهنگی آن را بر عهده دارد. این گروه مطالعه برای افزایش آگاهی درباره‌ی نقش و عملکرد بورس‌های کالای نوظهور به‌منظور به اشـــتراک گذاردن تجربیات و دیدگاه‌ها، ارتقای فعالیت‌های نواورانه و تقویت گفتگو میان کشورهای جنوب تشکیل شده است. باتلاش گروه مطالعه، تحقیقی تجربی در زمینه تأثیرات بورس‌های کالای کشـــورهای درحال توسعه بر توسعه‌ی این کشورها اجرا شده است که بر بخش کشاورزی متمرکز بوده و تولیدکنندگان خرده‌پای کالا (حوزه‌ای که معمولاًدر قلب دل‌مشغولی‌های توسعه‌ای در بازارهای نوظهور قراردارد) را نیز دربر گرفته است. هدف این گروه شناســـایی، تحلیل و ارزیابی تأثیرات بورس‌های کالایی کشورهای درحال توســـعه بر رشد اقتصادی، توســـعه و کاهش فقر در این کشورها بوده و بر بخش کشاورزی و کشاورزان تأکید ویژه‌ای دارد.

بورس‌های دارای معاملات قراردادهای آتی[1] کالا به‌عنوان موضوع این مطالعه انتخاب شـــده‌اند؛ چون پیچیده‌ترین بورس‌های کالا محسوب می‌شـــوند. طیف تأثیراتی که ایجاد گردیده به‌صورت بالقوه بســـیار گسترده اســـت. بورس‌های کالایی که خدمات معاملات قراردادهای آتی ارائه نمی‌دهند، ممکن اســـت تأثیراتی را ایجاد نماید که تنها بخشـــی از تأثیرات بورس‌های معاملات آتی کالا را شامل شود. با این وجود، این بدان معنا نیست که همواره مناسب‌ترین شکل بورس در هر بازار و برای هر کالا، بورس معاملات آتی است.

گزارش حاضر به بررسی سه مسئله اختصاص دارد:

• این گزارش با استفاده از رویکرد کشور پژوهی، به بررسی جامع بورس‌های کالاهای کشـــاورزی در پنج کشـــور درحال توسعه می‌پردازد و شرایط شـــکل‌گیری این بورس‌ها و عواملی را که باعث توســـعه‌ی کنونی آن‌ها شـــده است بررســـی می‌کند. شاید تجربه و

1- Futures Contracts

درس‌هایی که از کشـــور پژوهی حاصل می‌گردد به کشورهای درحال توسعه برای درک بورس‌های کالا کمک کند (این مســـئله که آیا برخورداری از بورس کالا سودمند است یا خیر؟ و چه نوع بورس و چارچوب نهادی‌ای مناسب است؟).

• رویکـــردی که در این مطالعه به‌کار گرفته شـــده اســـت، چارچوبی را برای تحلیل طیف گسترده‌ای از تأثیرات توسعه‌ای بالقوه که ممکن است ناشی از بورس‌های کالاهای کشاورزی باشد ایجاد می‌کند. کشورهای درحال توسعه ممکن است درصورتی‌که تصمیم به تأســـیس بورس کالا بگیرند از چنیـــن چارچوبی برای تعیین اهـــداف و پایش میزان پیشرفت استفاده کنند.

• این گزارش با مســـتند ســـازی نتایج تحقیـــق تجربی در زمینـــه عملکرد بورس در کشورهای مورد نظر، تأثیرات توســـعه‌ای ناشی از بورس‌های کالای کشاورزی را ارزیابی می‌کند. این ارزیابی ممکن اســـت حسی از فرصت‌ها، چالش‌ها و محدودیت‌های مرتبط با تأسیس بورس کالا را برای کشورهای درحال توسعه ایجاد کند.

براساس پژوهش حاضر، بورس کالا (و قراردادهای خاص کالا) را می‌توان با موفقیت درطیف گسترده‌ای از شـــرایط بازارهای مختلف تأسیس کرد. بورس‌ها در اقتصادهای باز عملکرد مناســـبی داشـــته و همچنین در اقتصادهایی که با محدودیت‌هایی روبرو هستند نیز عملکرد خوبی داشـــته‌اند. این بورس‌ها در شـــرایط اصلاحات اقتصادی، گذار سیاسی و همچنین به‌عنوان بخشـــی از فرآیند توسعه‌ی مســـتمر بازار ایجاد شده‌اند. این نهادها در کشـــورهایی که تولید بنگاه‌های اقتصادی کوچک شـــیوه اصلی تولید است و همچنین در کشـــورهایی که در آن‌ها دوگانگی میان تولیدکنندگان کوچک و تولید تجاری وجود دارد توســـعه یافته‌اند. برای کالاهایی که عمدتاً برای مصرف داخلی تولید می‌شوند و کالاهایی که عمدتاً به بازارهای بین‌المللی صادر می‌شـــوند قراردادهایی منعقد شده است. درحالی‌که بســـیاری از بورس‌ها در کشـــورهایی فعالیت می‌کنند که از زیرســـاخت‌های بازار، نهادها و رویه‌های بســـیار توســـعه یافته و بازارهای ملّی یکپارچه برخوردارند؛ این مطالعه نشان می‌دهد که این نهادها در کشـــورهایی که بازارها نیازمند توسعه و یکپارچگی بیشتر است نیز با موفقیت تأسیس شده‌اند.

بورس‌ها توانسته‌اند در این موقعیت‌های بسیار متفاوت، با اهداف، ساختارها، کارکردها و خدمات بســـیار متنوعی به فعالیت ادامه دهند. این نهادها بر اساس الزامات مشخصی که ناشـــی از شرایط محلی بوده و در پاسخ به نیازهای مشـــخص ذینفعانی که در بخش‌های مختلف زنجیره‌ی کالای مورد نظر قرار دارند، شکل گرفته‌اند.

به دلیل این تنوع، الگوی تأثیرات توســـعه‌ای که در طول این پژوهش تجربی به دست

آمده نیز در کشـــورهای مختلف دارای تفاوت‌های بســـیاری اســـت. از میان ۸۱ فرضیه‌ی موجود درباره‌ی تأثیرات توســـعه‌ای ناشـــی از بورس‌های کالا، شواهد از وقوع ٦٩ فرضیه دست کم در یکی از کشورهای مورد نظر حکایت دارد.

یافته‌های این پژوهش نشـــان می‌دهد که کشـــاورزان می‌توانند بـــرای افزایش توانایی بازاریابی و مدیریت ریســـک خود به شـــیوه‌هایی همچون کاهش آســـیب‌پذیری در برابر تغییرات قیمت و ریســـک‌های تولید، از خدمات بورس استفاده کنند. درحالی‌که برخی از تولیدکنندگان تجاری مســـتقیماً از بازار اســـتفاده می‌کنند، در بسیاری از موارد، کشاورزان به‌صورت غیرمســـتقیم و از طریق عقد موافقت‌نامه با تعاونی‌هـــا، بانک‌ها یا خریداران از خدمات بورس بهره‌مند می‌شـــوند. یکی از امکان‌های گســـترش دسترســـی، به‌ویژه برای کشـــاورزان خرده‌پا، که تا کنون توجه بایســـته‌ای را به خود جلب نکرده اســـت می‌تواند گنجاندن راه‌حل‌های مبتنی بر بورس در جعبه ابزار تأمین وام‌های کوچک باشد.

برای تولیدکنندگان کوچک، مدیریت ریسک –قیمت ممکن است بهترین خدماتی که از یک بورس کالا دریافت می‌کنند نباشـــد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به‌ویژه در چین و هند که تولیدکنندگان کوچک الگوی اصلی تولید هســـتند، بورس می‌تواند تأثیرات دیگری داشته باشد که می‌توان گفت از مدیریت ریسک – قیمت اهمیت بیشتری دارند:

افزایش دسترســـی به بازارها؛ توانا ساختن کشـــاورزان برای اتخاذ تصمیمات بهتر در زمینه برداشـــت و فروش محصولات؛ کاهش نابرابـــری اطلاعاتی که قبلاً به نفع بازیگران قدرتمندتر بازار بود؛ روزآمد کردن زیرســـاخت‌های انبارســـازی، درجه بندی و فناوری و گســـترش دسترســـی به منابع ارزان‌تر تأمین مالی. در نتیجه، برای تحقق بســـیاری از این تأثیرات، لزومی ندارد که بورس در زمینه‌ی معامله‌ی قراردادهای آتی فعالیت داشته باشد.

باید بر این نکته تأکید کرد که بورس‌های کالا بر عملکرد بخش‌هایی که معیشت بخش چشمگیری از جمعیت کشورهای درحال توسعه به آن متکی است تأثیر می‌گذارد. بنابراین، به ذینفعان توصیه می‌شود در رویکرد خود نسبت به تأسیس و توسعه بورس مراقب باشند. به‌ویژه برای بورس کالای آتی، به نظر می‌رسد چارچوب مناسب و توانبخش، نظارت موثر و مســـتمر و پایبندی دولت به احترام به مکانیزم قیمت‌گذاری بازار، از بنیان‌های اساســـی باشـــند. همچنین شایان ذکر است که بورس نوشداروی مشکلات کشورهای مورد بررسی نبوده اســـت. درنتیجه، توســـعه‌ی یک بورس باید با راهبرد کلی کشور در زمینه‌ی کالا نیز همراه باشد که شامل اقدامات تکمیلی برای افزایش ظرفیت تولیدی و بازاری کشاورزان و ارتقای زیرساخت‌ها و نهادهای بخشی است.

تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که بازارهای معاملات آتی ثبات آفرین هستند. با وجود

این، در کوتاه‌مدت، به‌ویژه پس از آغاز به‌کار یک بورس یا معرفی یک قرار داد جدید، ممکن است با دوره‌ای از تعدیل و تغییر روبرو باشیم. آموزش، در تضمین اینکه منافع حاصل از فعالیت بورس عادلانه است و همه ذینفعان را دربر می‌گیرد نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین، اطمینان از اینکه همه ذینفعان درباره‌ی بازارها آموزش کامل دیده‌اند و در زمینه‌ی نحوه استفاده‌ی موثر از آن‌ها آگاهی دارند اهمیت زیادی دارد. همچنین همکاری نزدیک بورس‌ها با دولت و نهادهای نظارتی در زمینه‌ی توسعه‌ی چارچوب نظارتی اثر بخش اهمیت زیادی دارد. بدین ترتیب فضایی برای رشد بازارها فراهم می‌شود و در عین‌حال از سرمایه گذارانی که ابتدا فاقد تجربه‌ی کافی هستند و گاهی مسئولیت پذیر نیستند، در فرصت‌های جدیدی که بورس فراهم می‌آورد حمایت می‌شود.

آنچه در پی می‌آید، پیشنهادات اصلی‌ای است که در این پژوهش مطرح می‌شود:

اتخاذ رویکردی شراکتی میان بخش‌های عمومی و خصوصی برای ایجاد و توسعه‌ی بورس‌های کالا، همراه با حمایت موثر از جانب جامعه مدنی و جامعه بین‌المللی؛ افزایش اطلاعات بورس‌های کشورهای درحال توسعه در زمینه‌ی تأثیرات واقعی و بالقوه و اذعان به اینکه این تأثیرات، راه‌حل برد – برد را برای بورس و جامعه فراهم می‌سازند؛ حداکثرسازی تأثیرات توسعه‌ای از طریق به‌کارگیری خلاقانه محصولات، خدمات، فناوری‌ها و برنامه‌های ظرفیت سازی؛ و پایبندی دولت به چارچوب نظارتی قدرتمند ولی انعطاف‌پذیر و رویکرد مبتنی بر قوانین و اصول به کنترل و حکمرانی (در مقابل رویکرد دل‌بخواهی و سلیقه‌ای)، بنیان‌های ضروری برای موفقیت بورس هستند.

بخش یک

مقدمه

فصل ۱- مطالعه

۱-۱ منطق مطالعه

می‌تـــوان فرض کرد، یک بورس کالا که حجم بزرگـــی از تجارت را تولید می‌کند به نوعی سود ملموسی را نصیب ذینفعانش می‌نماید. هرچه باشد، بورس‌های کالا هزینه‌های اضافی از قبیل حق عضویت، هزینه‌ی معامله و هزینه‌های پیروی ازمقررات را بر شـــرکت کننـــدگان تحمیل می‌کنند. واحدهای تجاری وجهی پرداخت نمی‌کنند، مگر اینکه در ازای مشارکت خود پاداش متناســـبی را دریافت نمایند. ولی بورس‌های کالا چه نوع سودی را ارائه می‌دهند؟ چه کســـی سود می‌برد و چه کسی زیان می‌بیند؟ این نهادها در کشورهای درحال توسعه چگونه کار می‌کنند؟ آیا تأثیر بورس‌ها بر توسعه چشم گیر است؟

تعریف توســـعه با بحث‌های ســـنگینی همراه و بنابراین مفهومی چالش برانگیز است. ارائه‌ی شـــرحی کامل یا مناسب از این مفهوم در محدوده‌ی این گزارش نمی‌گنجد. اگرچه تعاریفـــی که از این مفهوم ارائه شـــده دارای تفاوت‌های بســـیاری هســـتند، رویکردهای توســـعه‌ای معمولاً آمیزه‌ای از دو هدف کلی، یعنی کاهش فقر و رشـــد اقتصادی هستند[1]. گزارش توسعه‌ی جهانی سال ۲۰۰۱ (با عنوان "حمله به فقر") سه حوزه اولویت‌دار را برای عمل مشخص می‌کند:

• **ارتقای فرصت‌ها:** گســـترش فرصت‌های اقتصادی برای فقرا با افزایش رشـــد کلی اقتصـــادی، افزایش میزان دارایی‌های فقرا و نرخ بازگشـــت این دارایی‌هـــا؛ با آمیزه‌ای از اقدامات بازاری و غیر بازاری.

• **تسهیل توانمند سازی:** پاسخگوتر ساختن نهادهای دولتی و جوابگوتر کردن آن‌ها در برابر فقرا، تقویت مشارکت فقرا در فرایندهای سیاسی و تصمیم گیری‌های محلی و حذف موانع اجتماعی که از تفاوت در جایگاه جنسیتی، قومی، نژادی و اجتماعی ناشی می‌شود.

• **افزایش امنیت**: کاهش آســـیب‌پذیری فقرا در برابر بیماری، شـــوک‌های اقتصادی،

۱- در این ارتباط، اهداف توسعه‌ای هزاره سازمان ملل متحد (MDGs) هشت هدف مشخص را برای افزایش توسعه، به‌ویژه در میان فقیرترین مردمان جهان ذکر می‌کنند. برای اطلاعات بیشتر به http://www.un.org/millenniumgoals نگاه کنید.

نابســـامانی‌های ناشی از سیاست‌های اتخاذ شـــده، حوادث طبیعی و خشونت و همچنین کمک به آن‌ها برای مواجهه با شوک‌های نامطلوب (بانک جهانی، ۲۰۰۱:۳۳).

همان‌طـــور که به تفصیل بحـــث خواهیم کرد، محدوده‌ی فعالیـــت بورس‌های کالای کشورهای درحال توسعه، برای کمک در هر یک از این حوزه‌ها، در گزارشات قبلی آنکتاد تشـــریح شده است[۱]: تسهیل داد و ستد، میسر ســـاختن مدیریت ریسک و تأمین ابزارها و تکنیک‌های جدید که برای کشـــاورزان و ســـایر عناصر فعال در بخش‌های کالا سودمند اســـت. علاوه بر ایـــن، همان‌طور که در فصل بعد خواهیم دیـــد، نقش بورس‌های کالا با برخی بحث‌های گســـترده درباره‌ی سیاست‌گذاری هم‌خوانی دارد: ریسک‌ها و هزینه‌های معامله در کشاورزی، نقش کنونی و آینده‌ی زمین‌داران کوچک در کشاورزی و واکنش‌های سیاستی مناســـب به نوســـانات قیمت کالاها. با این وجود، تا جایی که می‌دانیم، تأثیرات توسعه‌ای بورس‌های کالا هنوز به گونه‌ای تجربی و نظام‌مند بررسی نشده است.

۲-۱ مقاصد و اهداف مطالعه

۱-۲-۱ مقصد

شناســـایی، تحلیل و ارزیابی تأثیرات بورس‌های کالای کشـــورهای درحال توسعه بر توسعه، کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی، با تأکید ویژه بر بخش کشاورزی و کشاورزان.

۲-۲-۱ اهداف

افزایش آگاهی: افزایش آگاهی از راه‌حل‌هایی که بورس‌های کالا فراهم می‌ســـازند و ســـوابق اجرای این راه‌حل‌ها در میان ذینفعان اصلـــی ملّی، منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله دولت‌ها، ناظران بازار[۲]، بخش خصوصی، جامعه‌ی مدنی و رسانه‌ها.

انباشـــت دانش: تولید گزارشـــی با کیفیت که به دانش موجود افزوده و در قالب یک چارچوب منســـجم، تأثیرات ماندگاری را که بورس‌هـــای کالا در طول زمان در بازارهای اصلی ایجاد می‌کنند، به تصویر کشاند.

ترویج بهترین عملکرد: به‌منظور شناسایی عملکردهای مبتکرانه و موثری که می‌تواند

۱- به‌ویژه به مطالب زیر نگاه کنید:
(a) UNCTAD. Emerging commodity exchanges: from potential to success. United Nations publication. UNCTAD/ITCD/COM/4. New York and Geneva. 1997; (b) UNCTAD. A survey of commodity risk management instruments. United Nations publication. UNCTAD/COM/15/Rev.2. New York and Geneva. 1998; (c) UNCTAD. Farmers and farmers' associations in developing countries and their use of modern financial instruments. UNCTAD/ITCD/COM/35. 2002; (d) UNCTAD. Progress in the development of African commodity exchanges. UNCTAD/DITC/COM/2005/9. 2005.
2- Regulators

به عنوان مدلی برای توسعه بورس و بازار مطرح گردد.

کاربرد جهانی: نمایش اینکه موفقیت بورس‌ها در ارتقای بخش کالا و تقویت توسعه را تا چه حد می‌توان بخشی از پدیده‌ای جهانی دانست؟

تبادل اطلاعات: به اشـــتراک گذاشتن اطلاعات، تجربه و چشم اندازهای مناطق عمده کشورهای درحال توسعه.

شبکه سازی: به‌منظـــور تشکیل یک گروه مطالعه که بورس‌های نوظهور معاملات آتی را هدایت کند و گفتگو و همکاری جنوب –جنوب را تقویت نماید.

۳-۱ محدوده‌ی پروژه

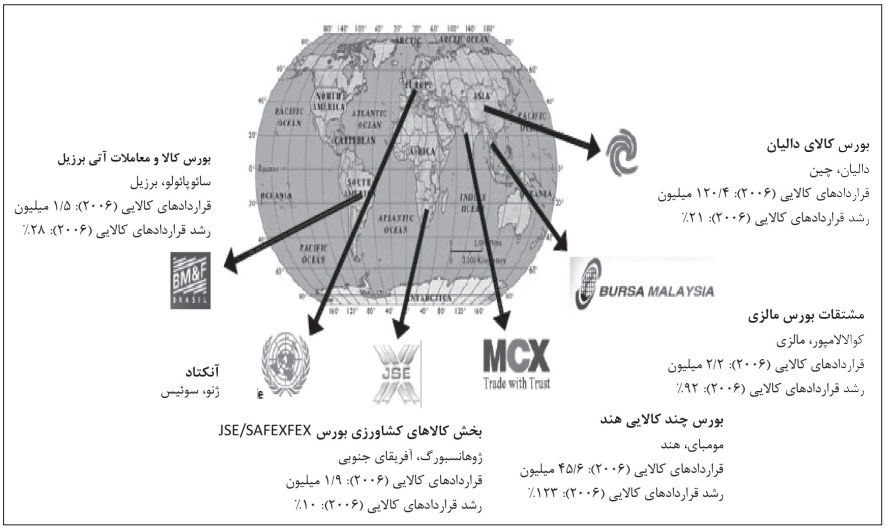
۱-۳-۱ ترکیب

پنج بـــورس کالا موافقت کردند تا در گروه مطالعه‌ی ســـازمان ملل‌متحد در زمینه‌ی بورس‌های کالای نوظهور شـــرکت کنند. در زمان نگارش این کتاب، شرکت کنندگان در این مطالعه همگی در زمره‌ی بورس‌های معاملات آتی به شـــمار می‌آمدند. علاوه بر این، هر یک از این بورس‌ها از نظـــر حجم معاملات قراردادهای آتی و اختیار معامله، بورس پیشـــرو در یکی از مناطق اصلی درحال توســـعه هستند: بورس چند کالایی هند از منطقه جنوب آســـیا، بورس کالا و معاملات آتی برزیـــل از آمریکای لاتین، بورس کالای دالیان چین از شـــرق آسیا، شـــرکت بورس مالزی از جنوب شرقی آســـیا و رینگ محصولات کشـــاورزی بورس معاملات آتی آفریقای جنوبی از منطقه‌ی زیر خط صحرای آفریقا (به تصویر ۱ نگاه کنید). از ســـوی دیگر هریک از این بورس‌ها در بخش کشاورزی فعالیت چشمگیری دارند.

از هر بورس خواسته شد تا دو کالای کشاورزی را که برای آن‌ها قراردادهای آتی ارائه می‌دهند تعیین کنند[۱]. بازارهای این دو کالا در محدوده‌ی پژوهش حاضر ارزیابی شـــدند. همچنین تصریح گردیده بود، تا جایی که ممکن است، حجم کنونی معاملات قراردادهای انتخاب شده باید چشمگیر باشد.

۱- به ا ستثنای بورس مالزی که یک قرارداد با درجه نقدشوندگی بالا، یعنی روغن خرما را پیشنهاد کرد.

تصویر ۱: شرکت کنندگان در گروه مطالعه‌ی آنکتاد درباره‌ی بورس‌های کالای نوظهور



۲-۳-۱ توجیه

محدوده‌ی کار پروژه سه پرسش را به ذهن متبادر می‌کند:

(الف) چرا تنها بورس‌های معاملات آتی کالا برای این مطالعه انتخاب شدند؟

دلیل انتخاب بورس‌های معاملات آتی کالا برای پژوهش حاضر این بود که آن‌ها پیچیده‌ترین نوع بورس کالا هستند. طیف تأثیراتی که این بورس‌ها ایجاد می‌کنند (و بنابراین طیف بینش‌های بالقوه‌ای که در اختیار ما می‌گذارند) به‌صورت بالقوه گسترده‌ترین طیف ممکن است. یک بورس کالا که خدمات دیگری بجز قراردادهای آتی را ارائه می‌دهد (به‌طور مثال معامله سایر ابزارهای تجاری یا خدمات غیر تجاری از قبیل ثبت یا تسویه)، احتمالاً تنها بخشی از اثرات بورس‌های معاملات آتی کالا را در پی خواهد داشت. با وجود این، باید بر این نکته تأکید کرد که این انتخاب به معنای این نیست که بورس معاملات آتی کالا همواره مناسب‌ترین بورسی است که باید در هر بازار یا برای هر کالا ایجاد شود؛ یا هر بازار معاملات آتی کالا همواره در مقایسه با سایر شکل‌های بورس کالا تأثیرات گسترده‌تری خواهد داشت؛ یا اینکه بورس‌های معاملات آتی کالا همواره همان تأثیراتی را خواهند داشت که در این مطالعه مطرح شده است.

(ب) چرا تنها قراردادهای آتی کالاهایی که حجم معاملاتی بالایی دارند برای این مطالعه انتخاب شدند؟

به‌منظور سنجش مجموعه تأثیرات بورس معاملات آتی کالا باید این تأثیرات را زمانی

اندازه‌گیری کرد که این قرارداد از پذیرش کامل بازار برخوردار باشد (ویژگی‌ای که با حجم بالای معاملات نشان داده می‌شود که اصطلاحاً به آن نقدشوندگی[1] می‌گویند). قراردادهای آتی که هنوز کاملاً در بازار جا نیافتاده‌اند یا بازار آن‌ها را نپذیرفته اســت، اطلاعات دقیقی دربــاره‌ی تأثیرات بالقوه‌ی بورس‌های معاملات آتی کالا ارائــه نمی‌دهد. البته یافتن دلیل ناکامــی قراردادهای آتی، یــا ناکامی آن‌ها در جلب نظر بازار و اینکــه آیا هر یک از این دو ســناریو تأثیرات چشــمگیری را در پی دارند یا خیر؟ موضوعات جالبی هستند که در محدوده پژوهش حاضر نمی‌گنجند.

(ج) چرا تنها بورس‌های کشــورهای درحال توسعه‌ای که درآمدی متوسط دارند برای این مطالعه انتخاب شده‌اند؟

یکی از دلایل محدود شدن نمونه مورد بررسی این مطالعه به بورس‌های معاملات آتی با حجم معاملات بالا در زمینه محصولات کشاورزی این است که تعداد این نهادها محدود است و همه‌ی آن‌ها در کشورهای درحال توسعه با درآمد متوسط قرار دارند. البته این بدان معنا نیســت که تأسیس بورس معاملات آتی کالا در کشورها یا مناطق کم درآمدتر ممکن نیست ولی معمولاً چنین کشورهایی معمولاً با چالش‌های بسیار بیشتری روبرو هستند.

۱-۴ مفهوم پردازی و روش پژوهش

مطالعه‌ی حاضر برای بررسی تأثیرات مورد نظر، دو رویکرد را ترکیب می‌کند. برای هر یک از بورس‌های مورد مطالعه، ابتدا ارزیابی کلانی از توســعه‌ی بخش کشاورزی، ظهور بورس و چارچوب نظارتی و تنظیمی که بورس در آن فعالیت می‌کند، ارائه می‌شود. هدف از این ارزیابی اطمینان از این است که تجربه‌ی هر کشور و هر بورس در متن اجتماعی – سیاسی و اقتصادی مناسب خود ارزیابی می‌شود. برای هر یک از بازارهای مورد نظر پرسش‌هایی مطرح می‌شود:

- الزامات اصلی توسعه که ناشی از شرایط کشاورزی بوده‌اند کدامند؟
- بورس معاملات آتی کالا چگونه در این شرایط ایجاد شده است؟
- چارچوب نظارتی چگونه شــکل گرفته و چه راه‌کارهایی را برای نظارت پیش‌بینی کرده است؟

آنــگاه به شناســایی و تحلیل نظام‌منــد تأثیرات کلان و خرد هــر یک از بورس‌های کالا می‌پردازیم. پرســش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شوند برای درک رویکردی که به‌کار گرفته‌ایم اهمیت دارند:

1- Liquidity

۱-۴-۱ منظور از تأثیر چیست؟

تأثیر، به نتایج پروژه‌ای اشـــاره دارد که با توجه به اهداف بلندمدت ارزیابی می‌شود. در این مفهوم، تأثیرات، نمایانگر تغییرات برنامه‌ریزی شده یا برنامه‌ریزی نشده، مثبت یا منفی‌ای هستند که یک پروژه در شرایط خاصی ایجاد می‌کند. هدف از این کار ارزیابی این است که چگونه ذینفعان هدف، خانواده‌های آن‌ها، جوامع و کشورهایشان در بلندمدت از نتایج یک پروژه بهره‌مند می‌شـــوند. ارزیابی تأثیرات در معنای گسترده، تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی یک برنامه بر مردم را ارزیابی می‌کند (مالیک، داسگوپتا و احمد، ۲۰۰۲:۱).

۱-۴-۲ چگونه تأثیر را اندازه‌گیری می‌کنند؟

اندازه‌گیری تأثیر از طریق شاخص‌هایی است که تغییرات در شرایط مشخصی را نشان می‌دهند که ناشـــی از پروژه‌ها یا دخالت‌های مشخص هســـتند. این شاخص‌ها شواهدی را برای پیشـــرفت در دســـتیابی به اهداف ارائه می‌دهند و نشانه‌های از پیش تعیین شده‌ای هســـتند که با عملکرد خوب و دستیابی به اهداف پروژه ارتباط دارند. بدین منظور از سه نوع شاخص استفاده می‌شود:

شـــاخص‌های کمّی، کیفی و جایگزین[1] (پراکسی). شاخص‌های کمّی یا کیفی را باید بر مبنای ماهیت تأثیری انتخاب کرد که قرار است ارزیابی شود. در مواردی که پیچیدگی، هزینه و زمانبر بودن گرداوری داده‌ها مانع از ســـنجش مســـتقیم نتایج شود، می‌توان برای سنجش روندهای عملکرد از شاخص‌های جایگزین یا پراکسی استفاده کرد.

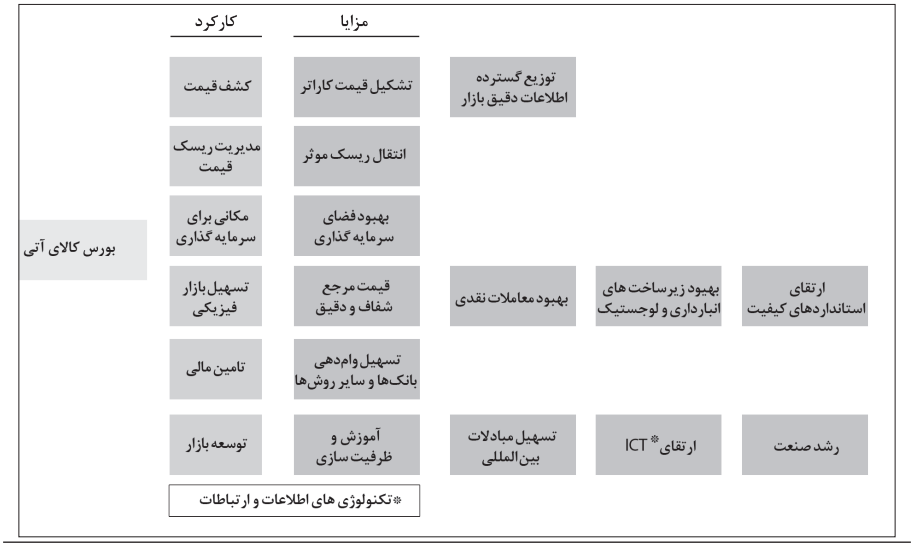
۱-۴-۳ چگونه می‌توان روش پژوهشی "ارزیابی تأثیرات" را در زمینه بورس‌های کالا به‌کار گرفت؟

رویکرد مطالعاتی مبتنی بر ارزیابی تأثیرات[2] به‌عنوان یکی از شـــیوه‌های پژوهشـــی در تعدادی از حوزه‌ها از قبیل بهداشـــت، محیط زیست و تأمین مالی خرد جایگاه مستحکمی به دست آورده است. با وجود این، تا جایی‌که می‌دانیم، هیچ مطالعه‌ی نظام‌مند یا تجربی‌ای درباره‌ی تأثیرات توسعه‌ای بورس‌های کالا در بازارهای نوظهور انجام نشده است. با مطالعه روش‌های ارزیابی تأثیرات که در حوزه‌های دیگر شناســـایی شـــده‌اند و با در نظر گرفتن محدودیت‌های خاص این روش در هنگام بکارگیری آن در زمینه بورس‌های کالا (که در زیر درباره‌ی آن بحث می‌کنیم)، روش زیر اتخاذ گردید:

1- Proxy
2- Lmpact Assessment Studies

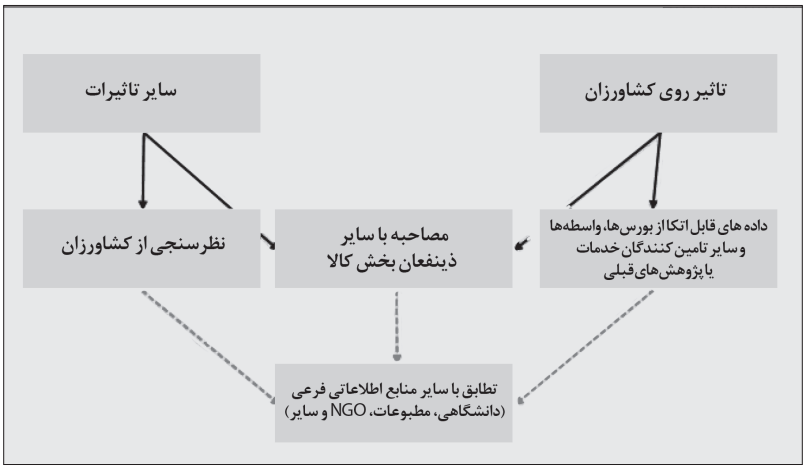
گام ۱: پس از بررسی دقیق منابع موجود و بهره‌گیری از تجربه‌ی انباشته‌ی آنکتاد و بورس‌هایی که در این مطالعه شرکت کرده‌اند، شش کارکرد بالقوه‌ی بورس‌های معاملات آتی کالا شناسایی گردید. از این میان، بورس‌های کالا باید سه کارکرد اصلی را انجام دهند: کشف قیمت[1]، مدیریت قیمت –ریسک (هجینگ)[2] و فراهم آوردن مکانی برای سرمایه‌گذاری (سوداگری[3]). سه کارکرد بعد را می‌توان کارکردهای گسترده‌تری دانست که می‌تواند پیامد اجرای وظایف اصلی بورس باشد: تسهیل معامله فیزیکی (یا نقدی) کالا، تسهیل تأمین مالی بخش کشاورزی و ایفای نقش در توسعه‌ی بازار.گام ۲: براساس همین منابع، مجموعه‌ای از فرضیات درباره‌ی مزیت‌های هر یک از این کارکردها شناسایی گردید (ن.ک تصویر ۲).گام ۳: با استفاده از همین منابع و بر اساس تحلیلی که در فصل ۵ این کتاب ارائه شده است، فرضیات مختلفی درباره‌ی تأثیرات ناشی از هر یک از مزیت‌های مذکور ارائه گردید. به‌طور کلی، ۸۱ فرضیه تأثیرات شناسایی گردید که از این میان، ۳۷ مورد صراحتاً یا عمدتاً برای کشاورزان بود و ٤٤ مورد با بخش کالا در کل اقتصاد ارتباط داشت. فهرست کامل فرضیات مربوط به این تأثیرات در ضمیمه ۳ این مطالعه مستند گردیده و عملکرد تأثیرات در هر بورس نیز در ضمیمه ٤ ارائه شده است.گام ٤: پژوهش حاضر، به دنبال گرد آوردن شاخص‌های کمّی و کیفی به‌منظور تعیین میزان این تأثیرات بر کشاورزان و سایر ذینفعان بخش کالاست. نحوه ترکیب منابع مختلف داده‌ها در این مطالعه در تصویر ۳ ارائه شده است.

تصویر ۲: کارکردهای بورس های کالایی و فرضیات مربوط به مزایای این کارکردها



1- Price Discovery
2- Price-Risk Management (Hedging),
3- Speculation

تصویر ۳: برنامه گرداوری منابع داده‌های موجود در مطالعه



گام ۵: آنکتـــاد از مارس تا ژوئن ســـال ۲۰۰۷ کارگاه‌هایی را در هر یک از بورس‌های شرکت‌کننده برگزار کرد و رویکرد مبتنی بر همکاری را در پیش گرفت. نمایندگان بورس با آنکتاد همکاری می‌کردند و در زمینه‌ی روش‌کار و شناســـایی داده‌های مناســـب و منابع اطلاعات مورد نیاز برای ارزیابی تأثیرات کمک کردند. مجموعه‌ی نهایی خروجی‌ها تا حد زیادی بر اساس منابع و زمان موجود در هر بورس تعیین می‌شد[1]. گام ٦: پس از برگزاری کارگاه‌هـــا، بورس‌ها به تولید و گرداوری اطلاعات پرداختند. یکی از بورس‌های مورد نظر (هند) یک نظرسنجی بازار برگزار کرد (یک منبع ثمربخش اطلاعات که بر اساس نمونه‌ای که بر مبنای عملکردهای پژوهشـــی استاندارد انتخاب شـــده بودند، نتایج قابل اتکایی را اســـتخراج می‌کرد). رویکردهای دیگر برای جمع آوری اطلاعات یکی شـــامل ملاقات با نمایندگان ارشـــد بخش صنعت که بازخوردهای کیفی و در برخی موارد اطلاعات معتبری را ارائـــه می‌دادند (مالزی و آفریقای جنوبی) و دیگـــری مطالعات موردی و اطلاعاتی که بورس‌ها با مشـــارکت ذینفعان یا ســـایر نهادها فراهم می‌نمودند(برزیل و چین) بود. این داده‌ها همراه با اسناد کامل منابع و نمونه‌گیری‌های مورد نیاز برای آنکتاد ارسال می‌شد. به دنبال آن، آنکتاد بادر نظر گرفتن منابع و بازخوردهایی که بورس‌ها و ســـایر ذینفعان فراهم ساخته بودند و با رعایت حفظ استقلال تحلیل، پیش‌نویس گزارش را ارائه نمود.

۱- شایان ذکر است که در طول دوره‌ی مطالعه، بورس کالای مالزی درگیر فرایند پذیرش در بورس اوراق بهادار بود و بورس معاملات آتی کالای برزیل، بورس کالای ژوهانسبورگ و مالزی نیز درحال راه‌اندزای سیستم‌های معاملاتی جدید بودند. این فعالیت‌های زمان بر تا حدی منابع و ورودی‌هایی را که این بورس‌ها می‌توانستند فراهم کنند محدود می‌ساختند.

۱-۴-۴ محدودیت‌های این مطالعه کدامند؟

نخست اینکه به دلیل محدودیت‌های مالی و چارچوب زمانی مطالعه، بورس‌ها پرسنل خود را برای تولید و گردآوری داده‌های مرتبط با بازارهای خود به‌کار گرفتند. اگرچه این رویکرد ممکن است در مقایسه با استفاده از پژوهشگران مستقل بهینه نباشد، اما به‌منظور اطمینـــان یافتن از بی‌طرف بودن بورس‌ها در انجام مطالعه، ترکیبی از اقدامات مختلف به عمل آمد:

• از بورس‌ها خواسته شـــد تا درصورتی‌که قرار است پژوهش اصلی را انجام دهند، روش انتخاب نمونه را کاملاً مشـــخص کنند. همچنین از آن‌ها درخواســـت شـــد تا همه خروجی‌های پژوهش را ثبت نمایند.

• تصریـــح گردید که همه ادعاهای بورس‌ها در ارتباط با تأثیرات باید همراه با مدرک و ســـند باشـــد که در صورت امکان به تأیید دو یا چند منبع مستقل رسیده باشد. هرگونه ادعایی درباره‌ی تأثیرات، همراه با اســـناد مربوطه در مکان مناســـب در گزارش گنجانده می‌شد و درصورتی‌که فاقد چنین اسنادی بود حذف می‌گردید.

• آنکتاد، به‌عنوان هماهنگ کننده‌ی مطالعه، از طریق تأیید اعتبار داده‌هایی که هر بورس ارائه می‌دهد به دنبال اطمینان از دقت و پیوســـتگی اطلاعات است و حتی استانداردهای لازم در خصوص تفایسر مربوطه را نیز به‌کار می‌بندد.

دوم اینکه همه ســـازمان‌ها و نهادهایی که در این مطالعه شرکت دارند، در حوزه‌هایی که با آن ناآشـــنا بودند گام برمی‌داشتند. ارزیابی تأثیرات این محدوده برای نخستین بار در بورس‌های کالای کشـــورهای درحال توسعه انجام می‌شود. تجربه نشان می‌دهد که بعید اســـت فرایند یا نتیجه‌ی کار در نخستین بار کامل باشد یا به کمال نزدیک شود. با وجود این، این مطالعه ممکن است با ایجاد بنیانی برای مطالعات بعدی سودمند باشد.

ســـوم اینکه بورس‌های کالا معمولاً سیســـتم‌های پایش و ثبت اطلاعاتی را مســـتقر نساخته‌اند که برای گرداوری داده‌های معتبر درباره‌ی تأثیرات بر ذینفعان مختلف طراحی شـــده باشند. این شرایط با نهادهای تأمین‌کننده‌ی منابع مالی خرد که اغلب برای پایش و ثبت تأثیرات انگیزه بالایی دارند (یکی از مهم‌ترین آن‌ها پاسخگویی در برابر کمک‌کنندگان منابع مالی است) تفاوت دارد. به همین دلیل است که الزام به ارزیابی ادواری در ساختار و فرایندهای اصلی فعالیت‌های بسیاری از موسسات تأمین منابع مالی خرد گنجانده شده است. در مقابل، بســـیاری از بورس‌های کالا معمولاً به دلیل اینکه بر مبنای تجاری عمل می‌کنند با چنین فشـــارهایی روبرو نیستند. علاوه‌بر این، بورس‌ها اغلب یک گام عقب‌تر از کاربران نهایی خدمات خود هستند: اکثر کاربران معمولاً از طریق واسطه‌هایی همچون

کارگزاران[1] با بورس ارتباط برقرار می‌کنند.

بنابراین، به جای کاربران نهایی، کارگزاران مشـــتری مستقیم بورس‌ها هستند. به دلیل محرمانه بودن مشتریان و الزامات امنیت اطلاعات، دسترسی به اطلاعات کارگزاران اغلب محدود اســـت. در نتیجه، بورس‌ها معمولاً داده‌های مرتبط با تأثیر نهایی خدمات خود بر کاربران نهایی از جمله کشـــاورزان را نگهداری نمی‌کننـــد. بنابراین، با وجود تلاش‌های خوبی که انجام گرفته، رویکرد ارزیابی تأثیرات که در اینجا به‌کار گرفته شـــد ممکن است به‌روشـــنی و وضوح بسیاری از مطالعاتی که در حوزه‌های دیگر انجام شده، نباشد. با این همه، این بدان معنا نیز هســـت که شاید پژوهش حاضر، شکاف‌های موجود در داده‌ها را آشـــکار کند و از این منظر جالب باشد. بنابراین، شاید این پژوهش برای سازمان‌هایی که در حوزه‌ی توســـعه فعالیت دارند و به‌کاربران نهایی خدمات بـــورس (از قبیل بنگاه‌های دولتی، جامعه‌ی مدنی، موسســـات پژوهشی و سایرین) مستقیماً دسترسی دارند، سودمند بوده و نقش پایش و بازخورد را ایفا در این زمینه نماید که در این‌صورت به‌نوعی بخشی از فضای تاریکی که به دلیل نبود اطلاعات ناشـــناخته مانده اســـت را روشـــن می‌سازد. در نهایت، یافته‌های پژوهش حاضر از طیف گســـترده‌ای از تجربیات کالاها، کشـــورها، مناطق، فرهنگ‌ها و عملکردها اســـتفاده می‌کند. از این منظر، این مطالعه می‌تواند پدیده‌ای جهانی را مســـتند کند. از ســـوی دیگر، و همان‌طور که در فـــوق گفتیم، پژوهش حاضر یافته‌های کشـــورهای درحال توسعه‌ی کم درآمدتر، از جمله کشـــورهایی که از کمترین میزان توســـعه بهره‌مندند و یا بازارهای آتی کالا در کشورهای دارای درآمد متوسط که در ایجاد حجم‌های بالای معاملات موفق نبوده‌اند را مســـتند نمی‌کند. البته می‌توان بر اساس شـــباهت‌های میان کشورهای درحال توسعه‌ی کم درآمد و دارای درآمد متوسط، بر مبنای تجربیات پنج کشور درحال توسعه‌ی دارای درآمد متوسط پیشنهادهایی را ارائه داد که در همه کشورهای درحال توسعه کاربرد دارند. با وجود این، در ارائه چنین پیشنهاداتی نهایت دقت و احتیاط را به‌کار می‌بندیم.

۱-۵ ساختار گزارش پژوهش

بخش نخست این گزارش، نگاهی اجمالی به شرایط پژوهش است که به درک یافته‌ها و پروراندن مفاهیمی که در اینجا نهفته است کمک می‌کند: طرح مطالعه، شرایط سیاستی، کارکردها و عملکرد بورس‌های کالا در کشورهای درحال توسعه، نقش نظارت بر بازار و

1- Brokers

نگاهی اجمالی به تأثیراتی که به‌عنوان بخشی از این پژوهش شناسایی و ارزیابی شده‌اند. بخش دوم مطالعه موردی هر یک از پنج کشـــور موضوع مطالعه را ارائه می‌دهد. گزارش حاضر، تحولات تاریخی اخیر بازارهای کشاورزی، ظهور بورس کالا و قراردادهای کالای مورد مطالعه در هر یک از این کشـــورها و چارچوب نظارتی را تحلیل می‌کند که مبنای عمل بورس هســـتند. ســـپس به ارزیابی تجربی تأثیرات ناشی از بورس‌های کالای مورد نظر و قراردادهای کالای مورد بررســـی می‌پردازد (مستندات عملکرد تأثیر در هر بورس در پیوســـت ٤ و منابع داده‌ها در پیوست ٥ ارائه شده‌اند). بخش ۳ گزارش، خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش را ارائه می‌دهد، پیامدهای توســـعه‌ای را توضیح می‌دهد و سیاست‌های پیشنهادی برای ذینفعان را ارائه می‌دهد.

فصل ۲-شرایط سیاستی

۲-۱ ریسک‌ها و هزینه‌های معاملاتی در بخش کشاورزی

کارگروه دولت هند درباره‌ی مدیریت ریســـک کشاورزی، ریسک کشاورزی را این گونه تعریف می‌کند: "ریسک کشاورزی با نتایج منفی‌ای ارتباط دارد که از متغیرهای زیستی، جوی و قیمتی که کاملاً قابل پیش‌بینی نیستند ناشی می‌شود. این متغیرها شامل مشکلات طبیعی (از قبیل آفات و بیماری‌ها) و عوامل جوی هســـتند که در کنترل کشاورزان نیستند. تغییرات نامطلوب قیمت‌های نهاده‌ها و ستاده‌ها نیزدر زمره‌ی این متغیرهاست" (دولت هند، ۲۰۰۷ ب، ٦). نواقص موجود در زیرساخت‌ها و بازار، نابرابری اطلاعاتی و آسیب‌پذیری وضعیت معیشت که ناشی از فقر و دلایل ریشه‌ای آن است، این ریسک‌ها را تشدید می‌کنند (از جمله می‌توان به دسترسی به تسهیلات بهداشتی، آموزشی، امنیت اجتماعی، زمین و سرمایه اشاره کرد).

ریسک‌های مختلفی را می‌توان شناسایی کرد:

- ریسک تولید مرتبط با عدم اطمینان درباره‌ی کیفیت و کمیت محصول.
- ریســـک قیمت که با نوسانات قیمت کالاها ارتباط دارد که به عدم اطمینان از سطح بازگشت سرمایه و دارایی‌ها منجر می‌شود.
- ریسک بازار که با عدم اطمینان از کفایت وثیقه‌ها برای پوشش سرمایه کاری در طول فصل و سرمایه‌گذاری برای محصولات سال آینده ارتباط دارد.
- ریسک شرکای تجاری که با عدم اطمینان از اینکه طرف‌های مقابل معامله به تعهدات قراردادی خود عمل می‌کنند یا خیرمرتبط است.
- ریســـک اعتبار، که با عدم اطمینان در زمینه نحوه فعالیت صندوق های حمایتی جهت پوشـــش دادن سرمایه مورد نیاز برای انجام فعالیت های کشاورزی در سال زراعی جاری و همچین سال آینده ارتباط دارد. ریسک نهادی که با عدم اطمینان از تغییرات مقررات عمومی یا رژیم‌های حمایتی دولت ارتباط دارد که ممکن است بر تولید کننده اثر منفی بگذارند.

کشـــاورزان برای مقابله با این ریســـک‌ها از مکانیزم‌های مختلف استفاده می‌کنند (به جدول ۱ نگاه کنید).

جدول ۱: راهبردهای مدیریت ریسک در کشاورزی

		مکانیزم‌های غیر رسمی	راهکارهای رسمی	
			مبتنی بر بازار	خدمات عمومی
استراتژی‌های قبل از وقوع یک رخداد نامطلوب	در مزرعه	• پرهیز از ریسک • تنوع بخشیدن به محصولات • تنوع بخشیدن به زمین‌ها • کشاورزی ترکیبی • تنوع بخشیدن به منابع درآمد • انباشت محصولات یا دارایی‌های نقد شونده • استفاده از تکنیک‌های پیشرفته برداشت محصول (کوددهی، آبیاری، استفاده از بذرهای مقاوم)		• گسترش کشاورزی • تأمین بذر و نهاده‌های با کیفیت • سیستم‌های مدیریت آفات • زیرساخت‌ها (جاده، سد، سیستم‌های آبیاری)
	تسهیم ریسک با دیگران	• محصول شراکتی • شراکت در تجهیزات کشاورزی، منابع آبیاری و غیره • شراکت غیر رسمی در ریسک	بازاریابی قرارداد قراردادهای آتی بیمه	
استراتژی‌های بعد از وقوع یک رخداد نامطلوب	مقابله با شوک‌ها	• الگوهای کاهش مصرف • تعویق یا کند کردن کارکردهای اجتماعی و خانوادگی • فروش دارایی‌ها • مهاجرت • باز تخصیص نیروی کار • کمک‌های متقابل	اعتبار	• کمک‌های اجتماعی (کمک در مصائب، کار در برابر غذا و غیره) • تجدید نظر در زمان بازپرداخت وام‌ها • بیمه کشاورزی • تسهیل فرایند و روش خرید بذر • تأمین علوفه • کمک‌های نقدی

منبع: کار گروه دولت هند در باره‌ی مدیریت ریسک کشاورزی (۲۰۰۷)

از آنچه گفتیم می‌توان نتیجه گرفت که ریسک قیمت تنها یکی از ریسک‌هایی است که کشاورزان با آن روبرو هستند و قراردادهای آتی تنها یکی از راهکارهای مواجهه با این ریسک‌ها هستند. با وجود این، در این پژوهش این استدلال را مطرح می‌کنیم که بورس‌های کالا تنها به ارائه خدمات پوشش ریسک[1] نمی‌پردازند که به تولید کنندگان امکان می‌دهد تا ریسک قیمت را مدیریت کنند (اگرچه این چیزی است که با آن شناخته شده‌اند). بورس‌های کالا نهادهای پویا و انعطاف‌پذیری هستند که به دستگاه‌های فعال در بخش کشاورزی امکان می‌دهند با چالش‌های اصلی‌ای که در برابر بازار آن‌ها قرار دارد مقابله کنند. دراین پژوهش نشان خواهیم داد که این بورس‌ها طیفی از ابزارهای مختلف را برای کنترل ریسک قیمت و ریسک‌های بالقوه‌ی تولید، بازار، شرکای تجاری و اعتبار

1- Hedging Services

ارائه می‌دهند.

کادر ۱: هزینه های معاملاتی در اقتصاد کالایی

هزینه‌های قبل از انجام معامله: کسب اطلاعات و سنجش متغییرها:

- یافتن خریدار یا فروشنده‌ای برای انجام معامله
- ارزیابی اعتماد پذیری شریک تجاری
- تعیین و نهایی کردن قیمت قابل قبول
- اطمینان از کیفیت کالا
- تأمین منابع مالی معامله
- تعریف شرایط و شیوه‌های تحویل، پرداخت و سایر شرایط قراردادی

هزینه‌های اجرا/ رعایت شرایط قرارداد پس از معامله:

- مدیریت اعتبار و جریان نقدینگی
- نظارت بر تحویل
- درجه‌بندی کیفیت محصول
- حل و فصل اختلاف نظرها
- بیمه در برابر نکول یا جبران آن
- مجازات و حذف نکول کنندگان

هنگامیکه نقش بورس‌های کالا در بحث‌های سیاستی را در نظر می‌گیریم، نقش هزینه‌های معامله نیز پررنگ می‌گردد. آنکتاد می‌گوید که "مطلوبیت یک بورس کالا... در توانایی نهادی آن برای حذف یا کاهش هزینه‌های معامله‌ی سنگین دست‌اندرکاران زنجیره‌ی تأمین کالا در کشورهای درحال توسعه است" (آنکتاد، ۲۰۰۷، ٤). در مطالعه‌ی حاضر نشان خواهیم داد که طرفین معامله‌ی کالا، تعداد چشمگیری از هزینه‌های تدریجی غیر تولیدی را تحمل می‌کنند (به کادر ۱ نگاه کنید). این هزینه‌ها به همراه یکدیگر هزینه‌ی قابل توجهی را تشکیل می‌دهند و منابع مالی و زمان زیادی را مصرف می‌کنند. علاوه‌براین، هزینه‌های معامله معمولاً در اقتصادهای درحال توسعه سنگین‌تر از کشورهای توسعه یافته است و این، یکی از پیامدهای نقایص بازار و ضعف یا فقدان زیرساخت‌ها و نهادهای حمایتی بخشی است.

در این مطالعه خواهیم گفت که بورس‌های کالا می‌توانند با کاهش چشمگیر بسیاری از هزینه‌های معامله که در فوق برشمردیم، معاملات را تسهیل کنند.

۲-۲ نقش کنونی و آینده زمین‌داران کوچک در کشاورزی

گزارش آنکتاد به‌گونه‌ای مستند نشان می‌دهد که سه چهارم از ۱/۲ میلیارد نفری که در مناطق روستایی زندگی و کار می‌کنند با درآمدی کمتر از روزی یک دلار زندگی می‌کنند. علاوه بر این حدود نیمی از گرسنگان جهان را کشاورزان خرده‌پا، حدود ۲۰ درصد دیگر [از این گرسنگان جهان] را کشاورزان فاقد زمین و ده درصد باقیمانده نیز در جوامعی زندگی می‌کنند که معیشت آن‌ها به گله‌داری، ماهی‌گیری یا منابع جنگلی متکی است"(آنکتاد، ۲۰۰۶، ۳، ب). همچنین به این نکته اشاره شده است که بهبود بهره‌وری کشاورزان خرده‌پا، همچون موجی مزیت‌های این شرایط را در سرتاسر جوامع فقیر روستایی گسترش می‌دهد... و درآمدهای جمعیت روستایی از جمله کارگران بی‌زمینی را افزایش می‌دهد که بخش عمده‌ای از جمعیت فقیر و گرسنه در بسیاری از کشورها را تشکیل می‌دهند "(سازمان غذا و کشاورزی، ۳٤: ۲۰۰٤).

اگرچه بی‌تردید وضعیت زمین‌داران کوچک در بحث توسعه و کاهش فقر اهمیت زیادی دارد، معلوم نیست که آیا کشاورزی بر زمین‌های کوچک، به‌عنوان مدل تولید یک کشور درحال توسعه باید حفظ و تشویق شود یا اینکه حذف گردد و از کانون توجه بیرون آید؟ اگر قرار بر تشویق کشاورزی در زمین‌های کوچک باشد، چگونه زمین‌داران کوچک می‌توانند در بازارهای ملّی و جهانی کالا، که در سال‌های اخیر دستخوش تحولات ساختاری گسترده‌ای شده است، رقابت کنند؟ اگر قرار بر حذف این شیوه کشاورزی باشد، چه جایگزین‌هایی برای آن وجود دارد و بهترین راه تحقق این هدف چیست؟

چه آینده‌ای در انتظار زمین‌داران خرده پاست؟



با پذیرش اینکه در دفاع از هر دو موقعیت فوق استدلال‌های قدرتمندی مطرح می‌شود، مقاله‌ای که اخیراً توسط «موسسه‌ی بین المللی مطالعات سیاسیت‌های غذایی[1]» منتشر شده، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که "دفاع از توسعه تولیدات کشاورزی زمین‌داران خرده‌پا به‌عنوان یکـــی از راهکارهای اصلی کاهش فقـــر، همچنان قانع کننده اســـت" (هازل و همکاران، ۲۰۰۷). با وجود این، در عرصه‌های تولید و بازاریابی با چالش‌های دشواری روبرو هستیم. آزادســـازی و مقررات زدایـــی بازارها، کاهش یا حذف خدمـــات حمایتی دولت، تقویت خریداران و تســـلط بـــر زنجیره‌ی عرضه، از جمله مهمترین تحـــولات رخ داده در بخش کشـــاورزی اســـت که همواره در این زمینه مورد بحث بوده‌اند و بر استدال‌ها تأثیر گذار می‌باشند. با پذیرش این واقعیت، چالشی که فراروی ما قرار دارد بهبود کارکردهای بازارها از نظر ســـتاده‌ها، نهاده‌ها و خدمات مالی برای غلبه بر ناکامی‌های بازار است. رویارویی با این چالش نیازمند نوآوری در نهادها، کار مشترک میان کشاورزان، شرکت‌های خصوصی و ســـازمان‌های غیر دولتی و ایفای نقش جدید و تســـهیل‌گرانه‌تری توسط وزارتخانه‌های کشاورزی و سایر بنگاه‌های عمومی است"(هازل و همکاران، ۱۵: ۲۰۰۷).

با بررســـی بحث‌های سیاســـتی در نقـــاط مختلف جهان، مدل‌هـــای مختلفی پدیدار می‌شـــوند. از یک سو، اکنون بسیاری از کشـــورها به دنبال ترویج سازماندهی زمین‌داران کوچک و برنامه‌های تجاری‌سازی به‌عنوان شیوه‌ای برای تقویت بهره‌وری و توان رقابت هســـتند (برای مثال می‌توان به برنامه نهم مالزی (دولت مالـــزی، ۲۰۰۶) یا قانون جدید چین اشـــاره کرد که در جولای ســـال ۲۰۰۷ اجرایی شد و توسعه تعاونی‌های کشاورزی را تشـــویق می‌کند). با گسترده‌تر کردن مقیاس فعالیت‌های کشاورزی، تعاونی‌ها دسترسی کشـــاورزان به خدمات، آموزش، ظرفیت سازی، تأمین نهاده‌ها، اعتبار و سایر راهکارهای بازار را بهبود می‌بخشند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری عمومی در زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی، هنگامی‌که کشـــاورزان خرده‌پا به‌گونه‌ای منسجم سازماندهی شوند، می‌تواند دقیق‌تر و به‌لحاظ هزینه‌ای اثربخش‌تر باشد.

یـــک امکان دیگر (که با مورد قبلی منافاتی نـــدارد)، افزایش تنوع فعالیت‌های خارج از مزرعه اســـت. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی یکی از طرفداران قدرتمند این رویکرد اســـت و اســـتدلال می‌نماید که " آینده‌ی بلندمدت اکثر خانوارهایی که معیشت آن‌ها به کشاورزی وابسته است در خارج از بخش کشاورزی قرار دارد و بنابراین، نیازمند اقداماتی هســـتند که تنوع درآمدها و بهره‌برداری از فعالیت‌های غیر کشاورزی را تسهیل

1- The International Food Policy Research Institute (IFPRI)

کند" (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۷:۱٤). به‌ویژه می‌توان به تجربه چین در توسعه‌ی سریع صنایع روستایی غیرکشاورزی در دهه ۱۹۹۰ به‌منظور جذب نیروی کار مازاد روستایی اشاره کرد که یکی از موفقیت‌های اصلی چین در کاهش فقر گسترده‌ی روستایی بود. با وجود این، حتی با وجود کاهش فقر، باید توجه داشت که در چین، همچون بسیاری از کشورهای دیگر، هنوز نابرابری‌های گسترده‌ای بین مناطق روستایی و شهری وجود دارد و در واقع این نابرابری‌ها تشدید شده‌اند.

سومین امکان تلویحی، راهبرد "عدم اقدام" است که علت آن، اهمال عامدانه یا ناخواسته سیاست‌گذاران است. با وجود این، تجربیات قبلی نشان می‌دهد که فقر، بیکاری و سوءتغذیه در مناطق روستایی می‌تواند به سطوح غیر قابل تحملی از مهاجرت از روستا به شهر منجر شود که زیرساخت‌های شهری را که در بسیاری از کشورهای درحال توسعه نمی‌توانند جریان سریع مهاجران را جذب کنند تحت فشار قرار می‌دهد.

بورس‌های کالا در این تصویر چه جایگاهی دارند؟ همان‌طور که قبلاً گفتیم، هزینه‌های معامله مهم‌ترین نکته جهت درک دلیل سودمندی بورس‌های کالا می باشد. کشاورزان خرده‌پا معمولاً برای مشارکت در بازار با سنگین‌ترین هزینه‌های معامله روبرو هستند. این مسئله ناشی از عواملی همچون ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل، انبارسازی و ارتباطات، فقدان دسترسی به اطلاعات و تجربیات و دسترسی محدود به منابع تأمین مالیبه علت نبود تضامین کافی، است. این معضل اغلب این تولیدکنندگان را وادار می‌کند که تنها برای گذران زندگی فعالیت کنند. استفاده مبتکرانه از فناوری‌های نوظهور اطلاعات و ارتباطات، به بورس‌های کالا امکان می‌دهد تا گنجاندن تولیدکنندگان خرده‌پا در زنجیره‌ی عرضه را تسریع کنند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دسترسی به اطلاعات بازار و تخصص‌های مورد نیاز از طریق اینترنت، ارتباط ماهواره‌ای با بورس‌های کالا و سایر ارائه دهندگان خدمات و تقویت مشارکت با مالکان شبکه‌های توزیع روستایی از قبیل بانک‌ها یا دفاتر پست با بهره‌گیری از فناوری، تنها برخی از پیشرفت‌های ساختاری ناشی از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات هستند که بر موانع زیرساختی دیرپایی که در برابر مشارکت تولیدکنندگان کوچک هندی در بازارها قرار دارد، غلبه کرده است.

در این پژوهش، بر این نکته تأکید خواهد شد که از کشاورزان خرده‌پا انتظار نمی‌رود که (دست کم تا زمانی که دانش، منابع و ظرفیت‌های مورد نیاز را ایجاد نکرده‌اند) مستقیماً در بازار معاملات قراردادهای آتی مشارکت کنند. در عوض، انتشار اطلاعات قیمت‌ها و سایر اطلاعات بازار (همراه با آموزش کشاورزان خرده‌پا در زمینه‌ی نحوه‌ی استفاده از این اطلاعات) یکی از راه‌های افزایش ظرفیت و مقاوم سازی کشاورزان است. در چین، بورس

کالای دالیان در سال ۲۰۰٤ به‌منظور تحقق این هدف، برنامه آموزشی "هزار دهکده، ده هزار کشاورز" را آغاز کرد. تا اوایل سال ۲۰۰۷، بیش از ٤۰۰۰۰ کشاورز درباره‌ی نحوه‌ی استفاده از قیمت‌های قراردادهای آتی برای اتخاذ تصمیمات بهینه‌ی کشت آموزش دیدند. علاوه‌بر این، سازمان‌های واسطه از قبیل تعاونی‌ها، تأمین‌کنندگان نهاده‌ها، خریداران و تأمین‌کنندگان مالی (از جمله سازمان‌های تأمین‌کننده‌ی اعتبارات خرد) می‌توانند کارکرد پوشش ریسک را در شـــرایط قراردادهایی که به کشاورزان پیشنهاد می‌کنند بگنجانند. بدین ترتیب کشاورزان خرده‌پا می‌توانند بدون تخصیص زمان و منابع قابل توجهی که دخالت مستقیم در بازارهای آتی کالا طلب می‌کند، از مزیت‌های مدیریت قیمت – ریسک برخوردار شوند.

۳-۲ بحث درباره‌ی نوسان قیمت کالا و واکنش‌های سیاستی مناسب

به لحاظ تاریخی، نوســـانات نامطلوب قیمت‌های جهانی کالا یکی از موانع توســـعه در کشورهای در حال توسعه است. در این زمینه دو گرایش مشخص را می توان تشخیص داد:

نخســـت، قیمت‌های کالا اغلب در کوتاه مدت دارای نوســـانات شدیدی است و از یک ســـال به سال دیگر تغییرات چشمگیری دارد. دوم اینکه، قیمت کالا در بلند مدت از نظر قیمت‌های مطلق و همچنین در مقایسه با قیمت‌های بخش صنعت و خدمات کاهش داشته اســـت. تأثیر این گرایشات در کشورهای در حال توسعه، هم در سطح کلان و هم در ســـطح خرد احساس شده است. در سطح کلان، کشورهای در حال توسعه دریافته‌اند که شوک‌های قیمت در کالاهای وارداتی اصلی (به‌ویژه مواد خوراکی و سوخت) می‌تواند به کاهش رشـــد، افزایش شـــدید تورم و در برخی شـــرایط، بی‌ثباتی سیاسی منجر شود. دولت‌هایی کـــه به دنبال حفظ قیمت‌های داخلی این کالاها در ســـطوح پایین و با ثبات هســـتند ممکن است با فشارهای بودجه‌ای شـــدیدی روبرو شوند و از این‌رو لازم باشد منابـــع خود را به‌ســـوی حوزه‌های مهمی از مخارج هدایت کنند و بدین ترتیب، ســـطح بدهی‌های عمومی آن‌ها افزایش یابد.

کشورهای درحال توســـعه‌ی صادر کننده‌ی کالا دریافته‌اند که کاهش قیمت کالاهای صادراتی (شـــوک‌های کوتاه‌مدت یا کاهش‌های بلندمدت) ثبات مالی را تضعیف می‌کند، فقر روســـتایی را تشـــدید می‌نماید و به توانای دولت در گســـترش و حفظ برنامه‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت، به‌ویژه برنامه‌هایی که به دنبال تأمین نیازهای اساسی و توسعه‌ی زیرساخت‌ها هستند آسیب می‌رساند. هر چه کشوری بیشتر به صادرات تعداد محدودی از کالاها وابسته باشد، وضعیت وخیم‌تر خواهد بود. علاوه‌بر این، برای کشورهایی که دارای

بدهی‌های سنگین هستند[1](HIPCs)، نوسان قیمت‌ها ممکن است بر ثبات نسبت‌های مالی پایداری[2] (نسبت بدهی‌ها به تولید ناخالص داخلی و نسبت بدهی‌ها به صادرات) تأثیر جدی بگذارد و این مسئله به نوبه‌ی خود بر بار تعهدات ناشی از تسویه بدهی‌ها می‌افزاید. کاهش قیمت کالاهای صادراتی اصلی، همراه با افزایش هزینه کالاهای وارداتی حساس می‌تواند بار سنگینی را به تراز پرداخت‌های کشور تحمیل کند و بر نرخ تسعیر پول ملی نیز اثر بگذارد. این سناریو به همراه وخامت بلند مدت شرایط تجاری کشورهای درحال توسعه‌ای که به واردات متکی هستند، چالش‌های توسعه‌ای شدیدی را ایجاد می‌کند و تلاش‌هایی را که برای تحقق اهداف توسعه‌ای هزاره[3] به عمل می‌آید تضعیف می‌کند.

متأسفانه در سطح خرد، شوک‌های کوتاه مدت نامطلوب در قیمت کالاهای وارداتی یا صادراتی اصلی می‌تواند معیشت جمعیت‌های کشورهای درحال توسعه را که فعالیت‌های اقتصادی آنان به حاشیه‌ی سود محدود وابسته است و فضای بسیار کمی برای اشتباه در مدیریت سرمایه کاری دارند تضعیف کند. به‌ویژه، در این مطالعه نشان داده‌ایم که آسیب‌پذیری در برابر نوسانات قیمت، کشاورزان را تشویق می‌کند تا راهبردهای کاهش ریسک را اتخاذ کنند. پیامدهای این مسئله این است که سرمایه‌گذاری در تولید محدود می‌شود و کاشت محصولات درآمدزاتری که ریسک بیشتری دارند دور از دسترس قرار می‌گیرد (گروه بین‌المللی مدیریت ریسک کالا[4]، ۲۰۰۳). اگرچه این مسئله به‌ویژه برای تولیدکنندگان روستایی و کارگران بخش غیر رسمی صادق است، حتی یک شرکت نسبتاً پیچیده بخش خصوصی ممکن است از افزایش شدید قیمت‌های سوخت یا مواد خام اصلی، یا کاهش چشمگیر هر ساله قیمت‌های تحقق یافته به شدت آسیب ببیند. علاوه‌بر این، نوسان قیمت‌ها بیشترین تأثیر مخرب را بر فقرای کشورهای کم درآمد می‌گذارد که به دلیل وضعیت نامناسب بخش مالی و محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی که بر ماهیت و نوع دخالت‌های دولت تأثیر می‌گذارد، توانایی محدودی برای مقابله با شرایط دارند (اداره‌ی ملی پژوهش‌های اقتصادی[5]، الف ۲۰۰۴).

دولت‌ها استراتژی‌های مختلفی برای مقابله با نوسانات قیمتی کالاها به‌کار گرفته اند. (به کادر ۲ نگاه کنید)[6]. در گذشته، تلاش‌ها بیشتر بر برنامه‌های تثبیت قیمت‌های داخلی

1- Heavily Indebted Poor Countries (HIPCs)
2- Sustainability Ratios
3- Millennium Development Goals (MDGs)
4- International Task Force on Commodity Risk Management (ITF–CRM)
5- National Bureau of Economic Research
۶- برای دیدگاه‌هایی در زمینه گزینه‌های سیاستی مختلف برای برخورد با نوسانات قیمت کالاها به منبع زیر نگاه کنید:
Larson, Anderson and Varangis (2004), South Centre (2004) and International Institute for Sustainable Development (2007).

و بین‌المللـــی متمرکز بود. متاســـفانه در مواردی که دولت‌ها تـــلاش می‌کنند تا قیمت‌ها را بـــرای تولیدکننـــدگان و مصرف‌کنندگان داخلی ثابت نگه دارند، بســـیاری از دولت‌ها ریســـک حرکت‌های نامطلوب قیمت‌ها را به خارج از اقتصـــاد منتقل نمی‌کنند. درنتیجه، شـــوک‌های بیرونی قیمت عمدتاً توســـط بودجه دولت جذب می‌شد (کلیسنس و کوین ۱۹۹۱). برنامه‌های بین‌المللی تثبیت قیمت شـــامل برنامه‌های مدیریت عرضه است که در موافقت‌نامه‌های بین المللی کالا[1] گنجانده شـــده‌اند. اکثر این برنامه‌ها بی‌تأثیر بوده‌اند و به دلیل فشـــارهای داخلی یا خارجی شکست خورده‌اند. مکانیزم‌های تأمین مالی جبرانی از قبیل صندوق جبرانی تأمین مالی صندوق بین‌المللی پول[2] و برنامه اســـتابکس اتحادیه‌ی اروپا[3] نیز در زمره‌ی این برنامه‌ها هستند. اگرچه تأمین مالی جبرانی ممکن است درصورت حل رضایت‌بخش چالش‌های ســـاختاری که مانـــع از برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه‌ی اروپا می‌شـــوند از پتانســـیل چشـــمگیری برخوردار باشد، اما درحال حاضر سودمندی این راهکارها اثبات نشده‌اند.

در سال‌های اخیر، دولت‌های کشـــورهای درحال توسعه برای حل مشکلات دیرپای توسعه‌ای به راه‌حل‌های مبتنی بر بازار متوسل شده‌اند. آزادسازی و کنترل‌زدایی به حذف انزوای حمایتی بخش‌های کالا و توقف بسیاری از کارکردهای حمایتی سابق دولت منجر شـــده است. بنابراین، نوســـان قیمت‌های کالا اکنون در سطح کشاورزان (که ضعیف‌ترین و آســـیب‌پذیرترین حلقه در زنجیره‌ی عرضه هستند) احساس می‌شود. در چنین شرایطی اســـت که رویکردهای جدید به مدیریت ریسک قیمت کالاها که در استفاده از ابزارهای بازار (و موسســـاتی همچون بورس‌های کالا که آن‌ها را تســـهیل می‌کنند) ریشه دارند در کشورهای درحال توسعه اهمیت بیشتری یافته‌اند.

کادر ۲: مواجه با نوسانات قیمتی کالاها: گزینه های سیاستی برای تثبیت درآمدهای بخش کالایی

- راهبردهای متنوع سازی: کاهش وابستگی به جریان‌های محدود و تغییرپذیر، با کشت محصولات جدید با تحولات قیمتی غیر مرتبط.
- مدیریت عرضه: کنترل تأمین یک کالا به تناسب تقاضا به‌منظور تأثیرگذاری بر قیمت‌ها.

1- International Commodity Agreements (ICAs).
2- International Monetary Fund's Compensatory Finance Fund
3- European Union's Stabex programme

- مدیریت درآمدهای ملّی: مدیریت بودجه به‌منظور هموار کردن هزینه‌های دولت در طول زمان از طریق صندوق تثبیت مالی و قوانین هزینه کرد منابع دولتی.
- تامین مالی جبرانی: پرداخت وام به کشورهایی که به‌دلیل کاهش درآمدهای صادراتی کالاها در موقعیت نامناسبی قرار گرفته‌اند.
- ابزارهای مدیریت ریسک مبتنی بر بازار: ابزارهایی که برای جبران ریسک قیمت از طریق بازارهای مالی یا سایر موسسات به‌کار می‌روند.

۲-۴ تحولات بورس‌های کالا در سطح بین المللی

مزیت‌ها و اهمیت مدیریت ریسک قیمت در چند دهه‌ی گذشته توسط متخصصان بانک جهانی، آنکتاد و سایر سازمان‌ها و موسسات پژوهشی بین‌المللی به خوبی مشخص شده‌اند (برای نمونه به وارانگیس و لارسن ۱۹۹۶ نگاه کنید). این بنیان‌های فکری از اواخر دهه ۱۹۹۰ با تأسیس گروه ضربت بین‌المللی مدیریت ریسک کالا در کشورهای درحال توسعه (پروژه‌ای با مشارکت موسسات بخش خصوصی و بخش عمومی به رهبری بانک جهانی که آنکتاد نیز در آن شرکت داشت) به اجرا درآمد. این گروه ضربت، برای ارزیابی تولیدکنندگان خرده‌پا در کشورهای درحال توسعه به‌منظور مدیریت بهتر آسیب‌پذیری در برابر ریسک‌های کالا از جمله ریسک قیمت و شرایط جوی، رویکردهای خلاقانه‌ای را به‌کار بسته است. در ارتباط با ریسک قیمت، تاکید بر ایجاد ارتباط میان کشاورزان کشورهای درحال توسعه با بازارهای مشتقات در کشورهای توسعه یافته بوده است. این اقدام، به‌ویژه در مواردی که نهادهای سازمان یافته‌ای همچون تعاونی‌های کشاورزان و تأمین‌کنندگان مالی برای تجمیع نیازمندی‌های کشاورزان در صحنه حضور داشته‌اند تا حدی با موفقیت همراه بوده است[۱]. ولی در بسیاری از شرایط، این رویکرد با چالش‌های بزرگی روبروست که گاهی غیرقابل حل هستند (به کادر ۳ نگاه کنید).

به مدت بیش از دو دهه، آنکتاد نیز برای دستیابی به رویکرد جایگزین (تأسیس

۱- برای مجموعه‌ی ارزشمندی از تجارب مستند به http://www.itf-commrisk.org نگاه کنید. همچنین توجه داشته باشید که موفقیت دیگری که اخیراً به دست آمده، کمک به دولت مالاوی برای پوشش ریسک نوسان قیمت از طریق بورس سافکس ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی بوده است. در فصل ۱۰ در این باره سخن گفته‌ایم.

بورس‌های کالای محلی در کشورهای درحال توسعه) تلاش کرده است[1]. در سال ۱۹۸۳، آنکتاد نخستین گزارش خود درباره‌ی این موضوع را با عنوان "بورس‌های کالا و تأثیر آنان بر تجارت در کشورهای درحال توسعه " منتشر نمود (TD/B/C.1/۲٤۸). این مسئله رسماً در دستور کار سال ۱۹۹۲ سازمان در هشتمین کنفرانس آنکتاد که در کارتنای کلمبیا برگزار شد گنجانده شد. به دنبال آن، آنکتاد برنامه‌ی گسترده‌ی حمایت فنی و پژوهشی مستقیم، توصیه‌های سیاستی و آگاهی بخشی را با هدف ایجاد و تقویت بورس‌های کالا در کشورهای درحال توسعه به اجرا گذاشته است.

کادر ۳: چالش‌های موسسات کشورهای درحال توسعه برای پوشش ریسک[2] در بازارهای بین‌المللی مشتقات

- فقدان افراد یا نهادهایی که از توانایی یا ظرفیت کافی برای پوشش ریسک برخوردار باشند.
- قراردادهایی که در بازارهای بین‌المللی معامله می‌شود ممکن است برای نیازهای کشورهای درحال توسعه بیش از حد بزرگ باشد.
- کنترل نقل و انتقال منابع ارزی و آسیب‌پذیری در برابر نوسانات نرخ ارز، امکان یا سود حاصل از پوشش ریسک را به شدت محدود می‌کند.
- ریسک پایه بین بازارهای داخلی و بین‌المللی ممکن است زیاد باشد. این بدان معناست که ممکن است بین قیمت‌ها در بازارهای فیزیکی محلی و بازارهای بین‌المللی معاملات آتی اختلاف گسترده‌ای وجود داشته باشد که اثر بخشی اقدامات پوششی را محدود می‌کند.
- دسترسی به بازارهای بین‌المللی در نتیجه‌ی اعمال الزامات سخت‌گیرانه‌تر شناسایی مشتری و ارائه خطوط اعتباری محدودتر، توسط نهادهای واسطه‌ای مالی در بازارهای توسعه یافته محدودتر شده است.

کار آنکتاد در زمینه بورس‌های کالا تنها بر مدیریت ریسک قیمت متمرکز نیست. همان‌طور که در این پژوهش خواهیم دید، بورس‌های کالا می‌توانند طیف گسترده‌ای

۱- باید بر این نکته تاکید کرد که کار آنکتاد به‌عنوان مکمل رویکرد گروه ضربت بین‌المللی مدیریت ریسک در کشورهای توسعه یافته است نه اینکه جایگزینی برای آن باشد.

2- Hedging

از تأثیرات مثبت را برای بخش کالایی کشـــورهای درحال توســـعه داشته باشد که شامل مدیریت ریسک قیمت اســـت ولی محدود به آن نیست. علاوه‌بر این، این مطالعه پویایی و انعطاف‌پذیری چنین نهادهایی را در انطباق با شـــرایط محلی و رویارویی با چالش‌های جدید مستند می‌سازد: مزیت‌هایی که در صورت مراجعه فعالان بخش کالایی به خارج از کشور برای دستیابی به پوشش ریسک مورد نیاز، تحقق نمی‌یابد.

بـــا وجود این، مجدداً بر این نکته تأکید می‌کنیم که این بدان معنا نیســـت که باید در هرکشـــور توسعه یافته‌ای یک بورس کالا (یا دســـت کم یک بورس معاملات آتی کالا) تشکیل شـــود. اینکه آیا بورس نهاد مناسبی است یا چه نوع خدماتی را باید ارائه دهد به ویژگی‌های خاص شرایط هر محیط بستگی دارد. بورس‌های کالا در همه نقاط به موفقیت دست نیافته‌اند. به‌ویژه آفریقا میزان بالایی از ناکامی بورس‌های کالا را تجربه کرده است و تنها بورس ســـافکس ژوهانسبورگ توانسته است از آزمون گذر زمان سربلند بیرون بیاید. این موضوع دارای دلایل متعددی اســـت. از جمله می‌توان به فقدان محیط نظارتی شفاف و قدرتمند، چالش اعتمادســـازی و مشارکت معامله‌گران و دخالت‌های غیرقابل پیش‌بینی دولت اشاره کرد که فرایند شکل‌گیری قیمت را تحریف یا تضعیف کرده است.

بـــه چنین دلایلـــی، ایجاد موفقیت‌آمیز یـــک بورس کالا وظیفه‌ی ســـاده و همواره و در همه‌ی شـــرایط نیز گزینه‌ی مناســـبی نیســـت. در برخی موارد، هزینه‌هایی که بورس تحمیل می‌کند ممکن اســـت از سود آن برای بخش‌های کالایی بیشتر باشد. ولی برای آن جایگزین‌هایـــی وجود دارد. از جمله می‌توان به رویکرد گروه ضربت بین‌المللی مدیریت ریسک در کشـــورهای در حال توسعه برای تسهیل دسترســـی به بورس‌های بین‌المللی موجود و همچنین تسهیل معاملات و راه‌حل‌های غیربورسی مدیریت ریسک اشاره کرد. البته هر یک از این گزینه‌ها نیز با ریســـک‌ها و چالش‌هایی همراه اســـت. در نهایت، در مواردی که بورس کالا بتواند تأثیر مثبتی بر بخش‌های کالایی کشـــورهای درحال توسعه بگذارد، نباید بورس را نوشدارو و حلال همه‌ی مشکلات دانست. بلکه باید آن را یکی از عناصر بالقوه (البته عنصری مهم و پویا) در بسته‌ی سیاست‌های کلی دانست.

برخی از کشـــورهای درحال توســـعه با توجه به دشـــواری‌هایی که دراین راه وجود دارد، رویکرد منطقه‌ای برای تأســـیس یا توسعه‌ی بورس‌های کالا را برگزیده‌اند. از سال ۱۹۹۱، ســـازمان اتحاد آفریقا[1] که بعداً به اتحادیه آفریقـــا تغییر نام داد دریافت که بورس کالا می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای یکپارچه‌ســـازی آفریقا عمـــل کند[2]. آنکتاد در زمینه‌ی

1- Organization African Unity

۲- معاهده ابوجا (Abuja Treaty) که در سال ۱۹۹۱ به تاسیس جامعه اقتصادی آفریقا منجر شد.

توسعه‌ی بورس کالا و مشتقات آفریقا[1] با اتحادیه‌ی آفریقا، دولت‌های ملّی و بخش خصوصی همکاری کرده است. این بورس که مقر آن در بوتسوانا قرار دارد به صورت یک قطب تجاری، بورس محلی و انبارهای موجود در کشورهای مختلف را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. در این پروژه، همه بورس‌های محلی از سیستم معاملات و سیستم اداری مشترکی استفاده می‌کنند. این بستر مشترک علاوه‌بر امکان‌پذیر ساختن معاملات محلی، انجام معامله میان بورس‌های کالا در کشورهای مختلفی که در این طرح مشارکت دارند را نیز میسر می‌سازد. این رویکرد که به آن مدل هسته‌ی مرکزی و اعضا[2] گفته می‌شود، بر مشکل هزینه‌های بالای ایجاد بورس که بازارهای کوچک آفریقا ممکن است توانایی غلبه بر آن را نداشته باشند، فایق گردیده و در عین‌حال، با توجه به اینکه از یک فناوری مشترک استفاده می‌گردد نقدشوندگی معاملات افزایش یافته، فرآیند کشف قیمت کاراتر شده و بدین ترتیب توانایی تولیدکنندگان آفریقایی برای عرضه‌ی محصولات خود به بازار و مدیریت ریسک‌هایشان افزایش خواهد یافت. در این رابطه رویکرد مشابهی نیز در آمریکای لاتین با همکاری آنکتاد در حال شکل‌گیری است.

1- Pan-African Commodity and Derivatives Exchange
2- Hob and Spoke

فصل ۳- بورس‌های کالا: کارکردها و سوابق عملکرد در کشورهای درحال توسعه

۳-۱ بورس کالا چیست؟

بورس کالا بازاری اســـت که در آن، فروشـــندگان و خریداران متعدد، بر مبنای قوانین و رویه‌هـــای بورس، به داد و ســـتد قراردادهای مرتبط با کالا می‌پردازند. در کشـــورهای توسعه یافته و در تعداد روز افزونی از کشورهای درحال توسعه، چنین بورس‌هایی معمولاً به‌عنوان بســـتری برای معاملات قراردادهای آتی[1] یا پیمان‌های آتی[2] عمل می‌کنند. در سایر کشورهای درحال توسعه، بورس کالا ممکن است به شیوه‌های بسیار متنوعی عمل کند تا تجارت در بخش کالا را تحریک نماید. این کار ممکن است از طریق استفاده از ابزارهایی بجز قرادادهای آتی، از قبیل معاملات نقدی یا آنی[3] برای تحویل فوری، پیمان‌های آتی بر مبنای قبض انبار و یا معامله موافقت‌نامه‌های خرید مجدد[4] کشاورزان برای تأمین مالی (که به ریپوز[5] معروفند) انجام شود. همچنین ممکن است همچون ترکیه که بورس‌ها به عنوان مراکـــز ثبت معاملات برای اهداف مالیاتی تبدیل شـــده‌اند، به جای فعالیت‌های تجاری بر فعالیت‌های تسهیل‌گرانه تمرکز کرد.

۳-۲ چرا بورس‌های کالا سودمندند؟ این بورس‌ها چه کارکردی دارند؟

همان‌طور که گفتیم، ســـودمندی بورس‌های کالا در توانایی نهادی آن‌ها برای حذف یا کاهش هزینه‌های سنگین معاملات نهفته است که اغلب بر دوش دست‌اندرکاران زنجیره‌ی عرضه در کشـــورهای درحال توسعه ســـنگینی می‌کند. بورس کالا هزینه‌های معامله را، با ارائـــه خدمات ارزان‌تر از هزینه‌هایی که در صورت اقـــدام در خارج از چارچوب نهادی

1- Futures Contracts
2- Forward Contracts
3- Spot Trade
4- Repurchase
5- “Repos”

بورس کالا بر آن‌ها تحمیل می‌شـــود کاهش می‌دهد. از جمله می‌توان به هزینه‌های مرتبط با یافتن خریدار یا فروشـــنده‌ی مناسب، مذاکره بر سر شـــرایط قرارداد، تأمین منابع مالی برای معاملات، مدیریت اعتبـــارات، نقدینگی و انتقال محصولات و داوری در بحث‌های میان طرف‌های قراردادی اشاره کرد. بنابراین، با کاهش هزینه‌های طرف‌های یک معامله‌ی بالقـــوه، بورس کالا می‌تواند تجارت را تحریک کنـــد. علاوه‌بر این، بورس‌های کالایی که کارکرد صحیحـــی دارند می‌توانند به تولید، انبارســـازی، بازاریابی و فرآوری محصولات کشـــاورزی کمک کنند و عملکرد کلی بخش کشـــاورزی را بهبود ببخشند. دقیقاً به دلیل این مزیت‌هاست که اقتصادهای درحال گذار و در حال توسعه که دارای بخش کشاورزی بزرگی هستند در سال‌های اخیر از بورس‌های کالا استقبال کرده‌اند (سیگر ٢٠٠٤).

به‌طور مشـــخص، یک بورس کالا می‌تواند یک یا چند نوع کارکرد بالقوه داشته باشد و اینکه در عمل چه کارکردی دارد، به ماهیت بورس و شـــرایط محلی بستگی دارد. برای بورس‌هایی که معاملات نقدی یا فعالیت‌های پشتیبانی ارائه می‌کنند، کارکرد نهادی بورس کالا در تســـهیل معامله، یعنی گرد هم آوردن خریداران و فروشـــندگان و ســـپس تحمیل چارچوبـــی از قوانین که اعتماد مورد نیاز برای معامله را ایجاد می‌کند، آشـــکار می‌گردد. رویه‌های قدرتمنـــد نظارت بر این معاملات می‌تواند به بهبود کارایی و زیرســـاخت‌های بازارهای نقدی کالا نیز منجر شود (مثلاً از طریق ارتقای زیرساخت‌های انبارداری و پشتیبانی مورد تأیید بورس، پذیرش مشـــخصات کیفی تعریف شده بورس در میان دست‌اندرکاران بازار و کاهش سطح نکول[1] از طریق میانجی‌گری بورس در تسویه و بستن قراردادها).

کادر ٤: قراردادهای مرتبط با کالا

نقدی: قراردادهای خریـــد یا فروش کالا با تحویـــل فوری (یعنی ظرف چند روز).

پیمان‌های آتی: قراردادهای خرید یا فروش یک کالا با تحویل در آینده

قراردادهای آتی: پیمان‌های آتی استاندارد که نمایانگر تعهد به تحویل دادن یا تحویل گرفتن مقدار و کیفیت معینی از یک کالا در یک مکان مشخص اســـت. برخلاف پیمان‌های آتی، قراردادهای آتی اغلب به تحویل فیزیکی کالا منجر نمی‌گردد، چون می‌توان با اتخاذ یک موقیت معاملاتی معکوس، قبل از تاریخ تحویل کالا، قرارداد مربوطه را بست.

1- Default

قراردادهای اختیار معامله[1]: قراردادهایی که حق، ولی نه تعهد، خرید یا فروش یک قرارداد آتی به قیمت مشخص یا قبل از تاریخ مشخصی را ایجاد می‌کند. خریـــدار برای دریافت چنین قراردادی باید قیمت اختیار[2] را پرداخت نماید (حداکثر زیانی که در این معامله متوجه خریدار این قرارداد اســـت به مبلغ این پیش‌پرداخت محدود می‌گردد). فروشنده‌ی یک قرارداد اختیار معامله، قیمت اختیار رادریافت می‌کند ولی زیان بالقوه به لحاظ نظری نامحدود است.

قراردادهای معاوضه یا ســـواپ[3]: تبادل زنجیـــره‌ای از پرداخت‌های آتی مشخص بین دو طرف معامله.

بورس‌های کالایی که ابزارهایی همچون پیمان‌های آتی و قراردادهای آتی را ارائه می‌کنند، ابزاری برای مدیریت ریســـک ناشی از نوسانات قیمت کالا را نیز در اختیار دست‌اندرکاران این بخش قرار می‌دهند. این مسئله اهمیت زیادی دارد؛ چون قیمت‌های جهانی کالا اغلب در دوره‌های کوتاه نوســـانات بسیار شـــدیدی دارند و گاهی ظرف یک سال، بیش از ۵۰٪ نوسان دارند. این ابزارهای پوششی می‌تواند اطمینان بیشتری را درباره‌ی چرخه‌ی کشت و کار برای تولیدکننـــدگان ایجاد کند و در عین‌حال، به فراورندگان، معامله‌گران و خریداران امکان دســـتیابی به توافقی سودآور را فراهم می‌نماید. این مسئله به فعالان بخش کالا امکان می‌دهـــد تا به ســـرمایه‌گذاری‌هایی بپردازند که منافع بلند مدت‌تـــری را در پی دارد، و به کشاورزان امکان می‌دهد محصولات سودآورتر و در عین حال پرریسک‌تری را تولید کنند. حتی در مواجه با کاهش بلند مدت قیمت کالاهای خود، توانایی پوشـــش ریسک نوسانات کوتاه مدت‌تر قیمت‌ها، فرصتی در اختیار کشاورزان قرار می‌دهد تا بتوانند الگوهای برداشت محصول خود را اصلاح کرده و سبد ریسک خود را متنوع‌تر کنند.

در نهایت، در مواردی که معاملات نقدی، پیمان‌های آتی و قراردادهای آتی در بورس کالا رخ می‌دهد، اطلاعات قیمتی ناشـــی از این معامله (راهکار موســـوم به کشف قیمت) نیـــز کارکرد اقتصادی حیاتی‌ای را ایفـــا می کند. از آنجا که قیمت‌هـــای بورس نمایانگر اطلاعات بازار اســـت، این قیمت‌ها بازتاب دقیق وضعیت واقعی عرضه و تقاضا هســـتند. این مسئله علایم قدرتمندی را ارسال می‌کند که به دست‌اندرکاران بازار امکان می‌دهد در زمینه‌ی تولید، خرید و سرمایه‌گذاری آگاهانه تصمیم بگیرند. علاوه‌بر این، دسترسی به یک

1- Option
2- Premium
3- Swaps

مرجـــع قیمت بی‌طرف و معتبر می‌تواند بر نابرابری‌های اطلاعاتی که اغلب به زیان فعالان کوچک‌تر یا فعالانی که از ارتباطات کمتری برخوردارند، غلبه کند.

۳-۳ این مسئله با وضعیت بخش‌های کالای کشورهای درحال توسعه چه ارتباطی دارد؟

بســـیاری از بخش‌های کالا در اقتصادهای درحال توســـعه و درحال گذار، در دهه‌های اخیر دستخوش اصلاحات ساختاری شدیدی شده‌اند. آزادسازی گسترده به حذف چشمگیر حمایت دولت از این بخش منجر شده است. درنتیجه، زنجیره‌های عرضه‌ای که فعالان بخش کالا به آن‌ها عادت داشـــتند، در بســـیاری از موارد دیگر کارایی لازم را ندارد. دسترســـی به بازارها نیز همچون دسترسی به خدمات جانبی که نهادهای شبه دولتی بازاریابی ارائه می‌دادند غیرقابل پیش‌بینی‌تر شده اســـت. این خدمات جانبی اغلب شامل حمایت در تعیین قیمت، اطلاعات بازار، انبارسازی و تدارکات، تأمین مالی، خدمات گسترشی و تأمین نهاده‌ها است.

بدون نهادهای ثبات‌آفرین و مجموعه‌ی ریشـــه‌داری از عملکردهایی که قبلاً مشارکت در زنجیره عرضه‌ی کالاها را تسهیل می‌کردند، هزینه‌های معامله‌ی بسیاری از فعالان بخش کالا به شـــدت افزایش یافته است. بدین ترتیب، بورس کالا که می‌تواند بسیاری از خدمات نهادهای بازاریابی شـــبه‌دولتی را به‌گونه‌ای که به لحاظ مالی مناسب باشد ارائه دهد، ممکن است یکی از بهترین شیوه‌های پر کردن خلاء ناشی از عقب‌نشینی دولت از این بخش باشد.

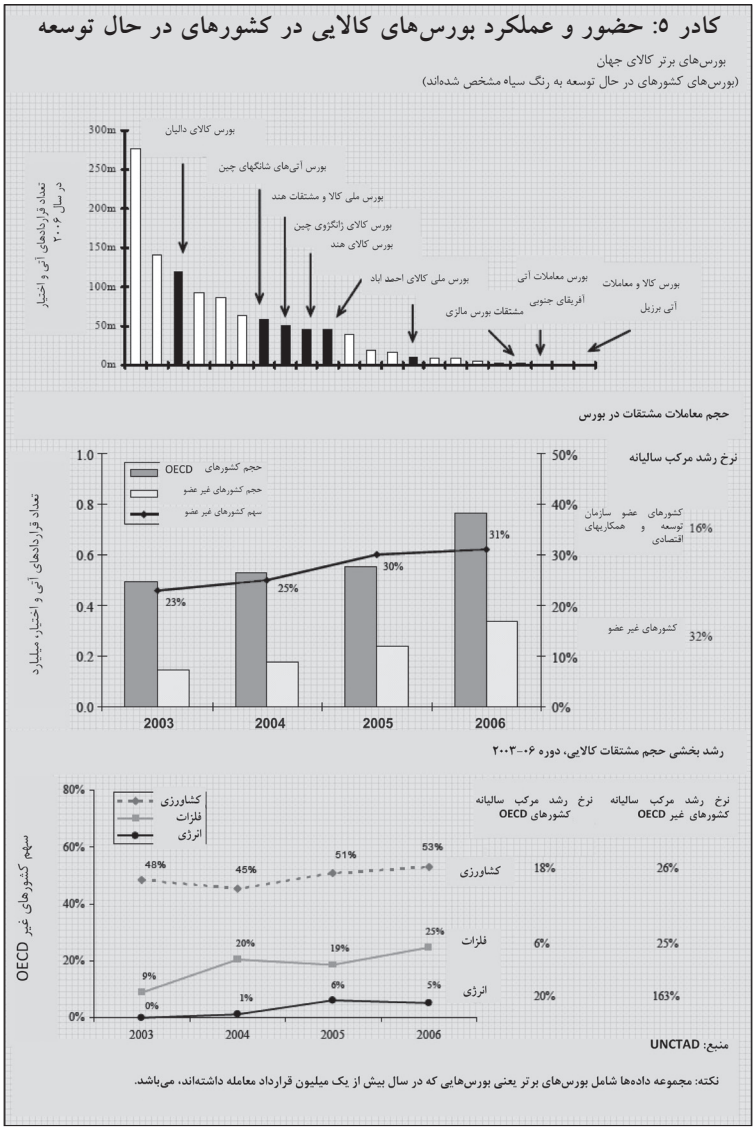
۳-۴ آیا در کشورهای درحال توسعه، نمونه‌های واقعی بورس‌های موفق کالا ایجاد شده‌اند؟ از تأسیس این بورس‌ها چه تجربه‌ای کسب کرده‌ایم؟

از نظر حجم قرارداد، از میان۲۲ بورس عمده معاملات آتی کالا در جهان[1]، ۹ بورس اکنون درکشورهای درحال توسعه قرار دارند (به کادر ۵ نگاه کنید). ازجمله می‌توان به سه بورس در هر یک از کشورهای چین و هند، و بورس‌های دیگری در برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی اشـــاره کرد. اکثر این بورس‌ها در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در واکنش به آزادسازی بازارهای کالا توســـط دولت تأسیس شدند. با وجود این، سه بورس هند در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ تاسیس شـــدند و از این میان، دو بورس در زمره ۱۰ بورس برتر جهان هستند و توانسته‌اند گوی سبقت را از موسسات ریشه‌داری همچون هیآت تجاری نیویورک[2] بربایند.

۱- به گزارش آنکتاد (ب ۲۰۰۶) نگاه کنید. در این گزارش، بورس‌های عمده‌ی کالا به‌عنوان بورس‌هایی تعریف شده‌اند که در هر سال بیش از یک میلیون قرارداد آتی کالا مبادله می‌کنند.

2- New York Board of Trade

کادر ۵: حضور و عملکرد بورس‌های کالایی در کشورهای در حال توسعه



این داده‌ها همچنین نشـــان می‌دهد که از ســـال ۲۰۰۳، بورس‌های کالا در کشورهای درحال توســـعه نرخ رشد حجمی را تجربه کرده‌اند که دو برابر همتایان سابقه‌دار آن‌ها در بازارهای کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی بوده است. این مسئله سبب گردیده است تا سهم کشورهای درحال توسعه از کل معاملات آتی و اختیار معامله کالا به حدود یک سوم افزایش یابد و این افزایش هنوز هم به‌سرعت ادامه دارد. علاوه‌بر این، وقتی داده‌ها بر اســـاس بخش‌های مختلف تقسیم می‌شـــوند، مشخص می‌گردد که

حجم قراردادهای کشورهای درحال توسعه اکنون در بخشی همچون کشاورزی که برای توسعه کشورهای درحال توسعه اهمیت بسیاری دارد، از کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی پیشـــی گرفته است. رشـــد سریع حجم معاملات در بخش‌های فلزات و انرژی کشورهای درحال توسعه نیز افزایش یافته است (اگرچه به دلیل تحریک معاملات انرژی در کشـــورهای عضو سازمان توســـعه و همکاری‌های اقتصادی به دلیل نوســـانات قیمت‌ها، سهم کشورهای درحال توســـعه در حوزه‌ی انرژی هنوز هم محدود است).

بایـــد به این نکته توجه کرد که بســـیاری از بورس‌های کوچک‌تـــر در نقاط مختلف کشـــورهای در حال توســـعه قرار دارند و تنها محدود به کشورهای دارای درآمد متوسط نیستند[1]. تعداد چشـــمگیری از این بورس‌ها به جای قراردادهای آتی، بر معاملات نقدی و پیمان‌های آتی متمرکز هســـتند. برخی، به‌ویژه بعضی از بورس‌های آمریکای لاتین، در زمینه‌ی کاربـــرد راهکارهای بورس برای تأمین راه‌حل‌هایی در حوزه‌هایی همچون تأمین مالی کالا و تخصیص سهمیه واردات نوآوری‌های خوبی از خود نشان داده‌اند.

۱- برای اطلاعات بیشتر به آنکتاد، ب ۲۰۰۶ نگاه کنید.

فصل ۴- بورس‌های کالا و نظارت بر بازار

نهادهای تسهیل کننده‌ی معاملات، با کاهش هزینه و عدم اطمینان ورود به معاملات، تجارت را تقویت می‌کنند. یکی از راه‌هایی که این نهادها بدین منظور به‌کار می‌بندند، استفاده از چارچوب قوانین و رویه‌هایی برای نظارت معاملات است که اعتماد افراد و سازمان‌ها را برای ورود به معاملاتی که برای هر دو طرف سودآور است افزایش می‌دهد.

همان‌طور که آنکتاد (۱۹۹۷) به تفصیل بیان کرده است، در ورای نظارت اساسی برای اطمینان از اینکه حراج‌ها دستکاری نشده‌اند، دو آستانه‌ی مهم وجود دارد که در آن، چارچوب نظارتی به بنیانی مهم برای فعالیت‌های بورس کالا تبدیل می‌شود. نخستین آستانه، هنگامی است که بورسی از معامله‌ی فیزیکی کالاها به سمت معامله‌ی کاغذهایی حرکت می‌کند که نمایانگر حق مالکیت آن کالا هستند. این حقوق باید قابل اعمال باشد، و این کار با ارائه تعریف روشنی از حقوق و تعهدات قراردادی ناشی از معاملات بورس و راهکارهایی انجام می‌شود که این حقوق را تنفیذ می‌کنند. دومین آستانه، هنگامی است که واسطه‌ها به نیابت از مصرف‌کننده‌ی نهایی در بازار ایفای نقش می‌کنند؛ فعالیت‌های این واسطه‌ها باید تحت نظارت باشد تا از اینکه تعهدات خود را اجرا می‌کنند اطمینان حاصل شود. در صورت عبور از هر یک از این آستانه‌ها، بورس موظف است به عنوان یک نهاد خود انتظام فعالیت‌هایی را که در این بازار رخ می‌دهد تنظیم کند، و دولت نیز باید چارچوب کلی‌ای را برای نظارت ایجاد نماید.

بر اساس "اهداف و اصول نظارتی اوراق بهادار" (سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار [1] ۲۰۰۳)، نظارت بر بازار دارای سه هدف کلی است: حمایت از سرمایه‌گذاران؛ اطمینان از منصفانه، کارآمد و شفاف بودن بازارها؛ و کاهش ریسک سیستمی.

• **حمایت از سرمایه‌گذاران**: اقداماتی که برای حمایت از سرمایه‌گذاران (که در اینجا به معنای همه فعالان بازاراست) در برابر اقدامات غیرمسئولانه یا ناآگاهانه بورس‌ها، طرف‌های تجاری و یا واسطه‌هایی انجام می‌شود که ممکن است با آن‌ها تعامل داشته

1- International Organization of Securities Commissions (IOSCO)

باشند. راهکارهای معمولی که برای برای حمایت از سرمایه‌گذاران به‌کار می‌رود شامل این موارد است: تعیین صلاحیت‌های کارگزاران؛ ملزم نمودن کارگزاران به جداکردن وجوه خود از وجوه مشتریان و راهکارهای الزام‌آور داوری برای حل اختلافات.

• **اطمینان از بازارهای منصفانه، کارآمد و شفاف**: اقداماتی به‌منظور حصول اطمینان از اینکه قیمت‌های بازار واقعاً نمایانگر اطلاعات موجود درباره‌ی بازار است، محدود ساختن "سوداگری افراطی[1]" و پرهیز از دستکاری قیمت‌ها یا موجودی فیزیکی کالاها. راهکارهای معمولی که برای حفظ سلامت بازار به‌کار می‌روند عبارتند از: اطمینان از ممیزی همه فعالیت‌های معاملاتی در زمان مشخص؛ وضع محدودیت‌هایی در خصوص تعداد موقعیت‌های معاملاتی[2] سوداگران از جمله محدودیت‌های سخت‌تر در تعداد ماه‌های تحویل؛ پایش مستمر معاملات برای یافتن الگوهای مشکوک؛ انتشار آزاد و شفاف داده‌ها؛ فرایند تأیید قراردادهای جدید توسط ناظر بازار به‌منظور اطمینان از عرضه‌ی مناسب و قابل تحویل کالا (و عوامل دیگر) و الزامات "شناسایی مشتری" برای کارگزاران.

• **کاهش ریسک سیستمی**: اقداماتی که برای مدیریت اثربخش ریسک‌های سیستمی ناشی از عملیات بازار، کاهش ریسک نکول[3] به سطحی قابل قبول و اطمینان از اینکه سیستم به‌طور کلی از ظرفیت کافی برای تحمل شوک‌هایی از قبیل نوسانات شدید یا سقوط یکی از معامله‌گران بزرگ برخوردار است. راهکارهایی که معمولاً برای کاهش خطرات سیستمی به‌کار می‌رود عبارتند از: الزامات مربوط به حداقل سرمایه‌ی مورد نیاز به‌منظور شرکت در بازارها؛ استفاده‌ی گسترده از سیستم تعیین وجه تضمین احتیاطی[4] که در آن سطوح وجه تضمین با توجه به ریسک بازار مشخص می‌گردد (از جمله الزامات وجه تضمین بالاتر در دوره‌های افزایش نوسان در طول دوره‌های تحویل)؛ محدود ساختن نوسانات قیمت روزانه که معاملات روزانه را در محدوده‌ی عوامل قیمتی مشخصی محدود می‌کند؛ و نظام سلسله مراتبی ریسک برای اطمینان از اینکه اعضای بورس موقعیت‌های مشتریان خود را در صورت نکول مشتری پوشش می‌دهند و صندوق تضمین اتاق پایاپای مواضع اعضای خود را درصورت نکول آنان پوشش می‌دهد.

در یک ساختار بالغ، نظارت نهاد ناظر (با هدف تحقق هر یک از اهداف سه گانه فوق)، می‌تواند در سه سطح وجود داشته باشد:

ناظر بیرونی: یک بنگاه دولتی یا بنگاه مستقل که در برابر دولت پاسخگوست و نظارت

1- Speculative Excess
2- Position
3- Default
4- Margining

تنظیمـــی را در کل بازارهای ملـــی ارائه می‌دهد. یک ناظر بیرونی ممکن اســـت به‌منظور اطمینان از کنترل مناســـب مبادلاتی که ماهیتی میان بخشی دارند، به‌عنوان نقطه‌ی تماس با ناظران بیرونی سایر بازارهای ملّی نیز ارتباط برقرار کند.

بورس به‌عنوان یک سازمان خود انتظام: پرسنل و سیستم‌های خود بورس که نظارت تنظیمی را بر فعالیت‌های بـــورس از جمله معامله و (در مواردی که این فعالیت در داخل بورس انجام می‌گیرد) کارکردهای پایاپای و تسویه اعمال می‌کنند.

ســـازمان خود انتظام صنعت: دســـتگاهی که نماینده‌ی واســـطه‌های بازار (از طرف کارگزاران و سایر عناصر فعال در بازارها) است، یا توسط دولت برای نظارت بر فعالیت‌های واسطه‌های بازار منصوب شده است. یک ســـازمان صنعتی خود انتظام به‌ویژه می‌تواند با نظارت بر روابط میان واسطه‌ها و کاربر نهایی، حمایت از سرمایه‌گذاران را تضمین کند.

همان‌طور که در پیوســـت ۲ مستند شده است، هر سطح از نظارت شامل طیفی اغلب گســـترده از راهکارها و ابزارهاست. این چارچوب باید از سلامت کامل برخوردار باشد تـــا اهداف نظارتی را محقق ســـازد. با وجود این، باید بین منافـــع و هزینه‌های تنظیم، و همچنین بین میزان کنترل بیرونی و خودتنظیمی توازنی ایجاد شود. تا جایی‌که به نخستین توازنی که نام بردیم مربوط اســـت، اطمینان از وزن بهینه‌ی کنترل تا حد زیادی به ســـطح اطمینانـــی که فعالان بازار نیازمندند بســـتگی دارد. بازارهایی که از فعالیت‌ها و روابط جا افتاده و حســـن‌نیت دســـت‌اندرکاران برخوردارند ممکن است در مقایسه با بازارهایی که دست‌اندرکاران آن با نهادها، شرکا و رویه‌های بازار آشنا نیستند یا از کار با آن‌ها احساس راحتی نمی‌کننـــد، مدل تنظیمی منعطف‌تر و ملایم‌تر را مناســـب‌تر بدانند. تا جایی‌که به توازن میان نظارت بیرونی و خود انتظامی مربوط است، توازن مناسب ممکن است تابعی از ســـطح اعتماد دولت و دست‌اندرکاران بازار به نهادهای بازار (خود انتظامهای بورس‌ها و صنعت) باشد که بطور بالقوه می‌توانند به عنوان خود انتظام عمل کنند.

نقش دولت در ســـاختار نظارتی معمولاً نقشی دوگانه و شامل نقش نظارتی (منضبط ساختن کسانی‌که سعی می‌کنند از بازارها به نفع خوداستفاده کنند، و اطمینان از احترام به قراردادها) و نقش توانمندسازی است (تأمین چارچوب حقوقی و تنظیمی مورد نیاز و در برخی شـــرایط، عناصری از زیرساخت‌های فیزیکی از قبیل انبارها، پشتیبانی، و شبکه‌های مخابرات و اطلاعات) که بدون آن‌ها بازارها نمی‌توانند وظایف خود را انجام دهند.

در ارتباط با ماهیت دخالت دولت در بازارهای کالا، یک بررسی تاریخی از دخالت‌های صورت گرفته که به تازگی منتشر شده چنین نتیجه‌گیری کرده است:

"دخالت‌هایی کـــه در بازارهای تحت نظارت معاملات آتی انجام می‌شـــود می‌تواند

تشـــخیصی یا خودکار (که اغلب قاعدمند نامیده می‌شـــود) باشـــد و ممکن است توسط بورس به‌عنوان یک ســـازمان خود انتظام یاناظری که مسئولیت نظارت بر بازار را برعهده دارد انجام شـــود. دخالت‌های تشخیصی در بازارهای معاملات آتی معمولاً شامل محدود ســـازی، تعلیق یا توقف معامله در بازار یک قرارداد مشـــخص باشـــد... بررسی تاریخی دخالت‌های بازار نشـــان می‌دهد که، درحالی‌که دخالت‌های قاعدمند می‌تواند در اقتصاد بازار موفق باشـــد، دخالت‌های تشـــخیصی اغلب به اهداف سیاستی پیش بینی شده خود دســـت نمی‌یابند. در واقع، دخالت‌های تشخیصی اغلب پیامدهای ناخواسته‌ی متعددی را در پی دارند که برای دولت پرهزینه و برای اکثر کســـانی‌که در تولید و بازاریابی کالاهای هدف مشارکت دارند زیان‌بار است"(هاتاوی ۲۰۰۷:۳).

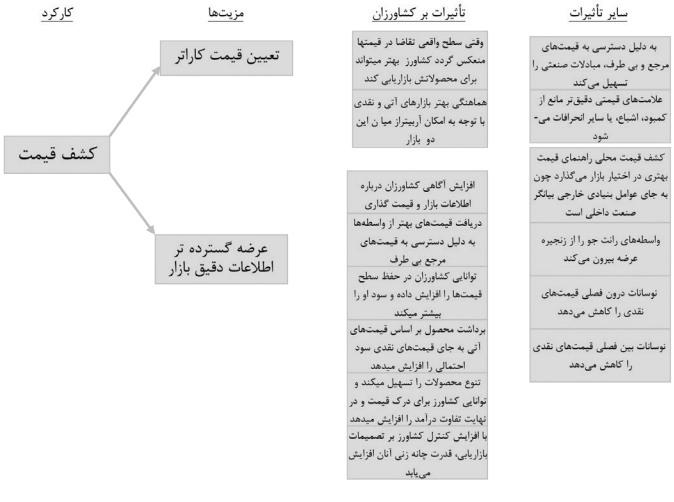
بنابراین، اگرچه شاید دخالت ضروری و سودمند باشد، دولت‌ها ممکن است بخواهند شیوه‌ها و اهداف چنین دخالت‌هایی را به دقت بررسی کنند.

فصل ۵- تأثیرات

پس از بررســـی دقیق ادبیات موجود و با بهره‌گیری از تجربیات انباشته آنکتاد و بورس‌هایی که در این مطالعه شرکت داشتند، شش کارکرد بالقوه بورس‌های معاملات آتی کالا شناسایی شدند. سه کارکرد نخســـت را می‌توان کارکردهای اصلی نامید که بورس‌های معاملات آتی کالا باید انجام دهند: کشف قیمت، مدیریت ریسک قیمت (پوشش ریسک یا هجینگ) و مکانی برای سرمایه‌گذاری (سوداگری). سه کارکرد بعد را می‌توان کارکردهای گسترده‌تر دانست که می‌تواند در نتیجه‌ی اجرای کارکردهای اصلی یک بورس ایجاد شود: تسهیل معاملات فیزیکی (یا نقدی) کالا، تسهیل تأمین مالی فعالیت‌های بخش کشاورزی، و ایفای نقش در توسعه‌ی بازار. از این کارکردها، مجموعه‌ی دیگری از مزیت‌ها را می‌توان شناســـایی کرد که در نهایت به ۸۱ فرضیـــه در خصوص تأثیر بورس‌های کالایی (فرضیه تأثیر) منتهی می‌گردد: ۳۷ فرضیه که مخصوص کشاورزان هستند یا عمدتاً با آن‌ها مرتبط هستند و ٤٤ فرضیه دیگر که با بخش گسترده‌تری از کالاها یا کل اقتصاد ارتباط دارند. از میان این تأثیرات، ۷٦ فرضیه در خصوص تأثیرات مثبت و ۵ فرضیه دیگر در خصوص تأثیر منفی هستند. فهرست کامل فرضیات تأثیر در پیوست ۳ پژوهش حاضر ارائه شده است و عملکرد تأثیر در هر بورس در پیوست ٤ مستند شده است.

۵-۱ کشف قیمت

۵-۱-۱ خلاصه‌ی فرضیات تأثیر



۲-۱-۵ توجیه

کشف قیمت به مکانیزمی اشاره دارد که از طریق آن، قیمت‌ها اطلاعات بازار را منعکس می‌کنند. بنابراین سطح قیمت‌ها که در بازار آزاد تعیین می‌شود می‌تواند نمایانگر تصویری دقیق از وضعیت کلی عرضه/تقاضا در بازارهای نقدی کالا برای تحویل‌های جاری یا در بازار پیمان‌ها و قراردادهای آتی برای تحویل در زمان‌های آینده باشد. مزیت‌های کشف قیمت را می‌توان به مزیت‌های ناشی از فرایند کارآمدتر شکل‌گیری قیمت و مزیت‌های برخاسته از عرضه‌ی گسترده‌تر اطلاعات بیشتر (و دقیق‌تر) بازار تقسیم کرد. مزیت‌های فرایند کارآمدتر شکل‌گیری قیمت ناشی از توازن مناسب‌تر میان عرضه و تقاضا است و تضمین می‌کند با توجه به علامت‌هایی که تعیین قیمت ارسال می‌کند، دست‌اندرکاران این بخش در زمینه‌ی تولید، خرید و سرمایه‌گذاری تصمیمات کارآمدتری را اتخاذ کنند. نوع دوم به مزیت‌هایی اشاره دارد که ناشی از انتشار و توزیع اطلاعات بازار هستند[1] و به شفافیت قیمت‌ها منجر می‌شوند که مرجع قیمت آسان، معتبر و بی‌طرفانه‌ای را برای دست‌اندرکاران این بخش فراهم می‌آورد.

سه گروه از تأثیرات، توجه ویژه‌ای را طلب می‌کنند:

توزیع اطلاعات قیمت، کاهش نابرابری اطلاعاتی، و بهبود سود کشاورزان: سهولت دسترسی به قیمت‌های مرجع می‌تواند به نفع کشاورزان باشد چرا که در غیراین‌صورت ارتباط خود با بازار را از دست می‌دهند و در برابر دریافت قیمت‌ها و شرایط غیربهینه از واسطه‌ها که اطلاعات بیشتری دارند آسیب‌پذیر می‌شوند. بنابراین اطلاعاتی که توسط بورس منتشر می‌شود می‌تواند نابرابری‌های اطلاعاتی را که به نفع واسطه‌هاست کاهش دهد و به دست‌اندرکاران بخش کالا قدرت دهد تا در پرتوی درک دقیق‌تر از شرایط بازار تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. مثلاً با اشاره به اتیوپی، مجله‌ی اکونومیست (۲۰۰۷) به‌طور مستند نشان داد که چگونه سود واسطه‌ها و سایر اختلالات بازار، ۲۰ درصد به هزینه غلات اضافه کرد. این نشریه دلیل این وضعیت را کمیابی اطلاعات می‌داند که در معامله کارآمد اهمیت بسیاری دارد. ولی به لطف فناوری، شرایط بهبود یافته است. تلفن‌های همراه به کشاورزان کمک می‌کنند تا از تفاوت قیمت‌ها که می‌تواند به نفع آنان باشد آگاه شوند. در برخی موارد، اطلاعات بهتر درباره‌ی بازار، کشاورزان را به متنوع‌سازی محصولات خود ترغیب کرده است.

بهبود سود کشاورزان و کاهش نوسانات بازار نقدی: دراینجا دو پدیده درکار است

۱- یک بورس اغلب در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند شکل‌های مختلف اطلاعات بازار را که فراتر از اطلاعات مرتبط با قیمت هستند منتشر کند. این اطلاعات ممکن است شامل حجم موقعیت‌های باز، عمق یا نقد شوندگی بازار، موجودی و گردش اقلام در انبار و استانداردهای قابل قبول کیفی از جمله پاداش یا تخفیف برای کیفیت بهتر یا بدتر باشد.

که هر دو با این مسئله ارتباط دارند که اطلاعات قیمت‌های بازار، حساسیت تولیدکنندگان در برابر سطوح قیمت پیش‌بینی شده را افزایش می‌دهد و به آن‌ها اجازه می‌دهد رفتار خود را بر این مبنا تعدیل کنند:

• **کاهش نوسانات درون فصلی:** در سطح خرد، در دسترس بودن اطلاعات قیمت‌های بازار به تولیدکنندگان نشان می‌دهد که در طول فصل، تغییرات قیمت چگونه است و انتظار می‌رود چگونه باشد. این اطلاعات به آن‌ها امکان می‌دهد درباره‌ی بهترین زمان برای ارائه کالا به بازار تصمیم گیری کنند. در سطح کلان، این مسئله می‌تواند به معنای کاهش نوسانات فصلی قیمت باشد. بدین ترتیب ورود کالا به بازار، به جای اینکه به‌صورت مقادیر عظیم و در دفعات معدود باشد که ممکن است به افت و خیز شدید قیمت‌ها منجر شود، به صورت تدریجی و در دفعات متعدد صورت می‌گیرد. با وجود این، باید به این نکته توجه کرد که کشاورز برای برخورداری از انتخاب موثر درباره‌ی زمان ارائه کالا به بازار، علاوه‌بر دسترسی به اطلاعات، به دسترسی به انبار و منابع مالی نیز وابسته است. مطالعه‌ای که مورگان (۱۹۹۹) انجام داد، با اشاره به بازار سیب‌زمینی بریتانیا پس از راه‌اندازی بازار معاملات آتی سیب‌زمینی لندن در سال ۱۹۸۰، می‌گوید که تصمیمات کشاورزان درباره‌ی ذخیره‌سازی، بر مبنای اطلاعات قراردادهای آتی، یکی از انگیزه‌های مهم کاهش نوسان قیمت‌های معاملات نقدی بود.

کاهش نوسانات میان فصلی: در سطح خرد، دسترسی به قیمت‌های معاملات آتی برای فصل آینده، راهنمای موثری را برای تصمیم‌گیری درباره‌ی اینکه چه محصولاتی و به چه مقدار باید کاشته شوند در اختیار کشاورزان قرار می‌دهد تا سود مورد انتظار خود در زمان برداشت محصول در سال بعد را به حداکثر برسانند. استفاده از قیمت‌های نقدی به‌عنوان یک رهنمود (همان شیوه‌ای که بسیاری از کشاورزان اکنون استفاده می‌کنند) می‌تواند به تشدید نوسانات فصلی منجر شود. این مسئله، اثر تارعنکبوتی نوسانات فصلی قیمت نام گرفته است[1]. قیمت کشف شده در معاملات آتی معمولاً شاخص دقیق‌تری از قیمت نقدی آینده در زمان برداشت است. بنابراین، در سطح کلان، اگر بازار کمبود کالایی مشخص در فصل بعد را پیش‌بینی کند، قیمت معاملات آتی آن کالا افزایش می‌یابد و کشاورزان برای کاشت آن محصول انگیزه‌ی بیشتری دارند و بدین ترتیب، کمبود مورد

۱- یک نمونه‌ی ساده شده‌ی اثر تارعنکبوتی: بر مبنای قیمت‌های نقدی بالا برای محصولی در فصل ۱، کشاورزان تولید آن محصول در فصل ۲ را افزایش می‌دهند. در هنگام برداشت محصول در فصل ۲، سیلی از آن کالا وارد بازار می‌شود و به پایین آمدن قیمت‌ها منجر می‌شود. کشاورزان آن‌گاه تولید آن محصول را برای فصل ۳ کاهش می‌دهند، این مسئله به افزایش قیمت‌ها منجرمی‌شود و این چرخه همچنان ادامه می‌یابد.

انتظـــار کاهش می‌یابد (و برعکـــس). با وجود این، باید به ایـــن نکته توجه کرد که یک کشـــاورز، به دسترســـی به نهاده‌ها و تخصص، و محیطی طبیعی که چرخش محصولات یا برداشـــت محصولات مختلف را میسر ســـازد نیز وابسته است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که راه اندازی قراردادهای مدرن آتی در هیئت تجاری شـــیکاگو[1] در حوالی دهه ۱۸۷۰ به کاهش شدید در نوسان قیمت فصلی معاملات نقدی نیز منجر شد (برای نمونه به چندلر ۱۹۷۷ و سانتوس ۲۰۰۲ نگاه کنید).

تعیین قیمت کارآمدتر و علامت‌های موثر برای تصمیمات مرتبط با تولید، خرید و سرمایه‌گذاری: تعییـــن قیمت کارآمد برای کالاهای کشاورزی می‌تواند به افزایش کارایی تخصیصی بخش کشـــاورزی منجر شـــود. قیمت‌ها معمولاً به‌عنوان علامتی عمل می‌کنند که بر تصمیمات دســـت‌اندرکاران بازار در زمینه‌ی تولید کالا، خرید و سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارند. بنابراین، هر چه قیمت‌گذاری دراین بخش، از مبانی عرضه- تقاضا بیشتر تأثیر بپذیرد، این تصمیمات به نتایج موثرتری منجر می‌شوند که می‌توانند رفاه دست‌اندرکاران ایـــن بخش را افزایش دهند. بـــا وجود این، قیمت معاملات آتی که توســـط بازار تعیین می‌شـــود تنها زمانی می‌تواند به عنون شـــاخص بی‌طرفانـــه‌ای از قیمت‌های نقدی آینده مطرح باشـــد که گروه‌های ذینفع مختلفی که در زنجیره‌ی عرضه‌ی کالا حضور دارند در این بازارها مشـــارکت داشته باشند. با ارائه بســـتری کارآمد، آزاد و شفاف برای معامله‌ی روزانه و مســـتمر، بورس‌های معاملات آتی کالا می‌توانند به بستری موثر برای تحقق این هدف تبدیل شـــوند. سطح بالای مشـــارکت گروه‌های اصلی تولیدکنندگان، فرآورندگان محصـــولات و خریداران (محلی یا بین‌المللی) مکانیزم کشـــف قیمت را تقویت می‌کند. برعکس، فقدان مشـــارکت فعالان صنعت، این فرایند را تضعیف می‌کند. علاوه‌براین، در شـــرایطی که تعیین قیمت در صنعت محلی با قیمت‌های بازار جهانی تفاوت چشمگیری دارد، برخورداری از سیســـتم معاملات محلی‌ای که نمایانگر عوامل بنیادین داخلی باشد می‌تواند علامت‌های بهتری را برای صنعت داخلی ارسال کند.

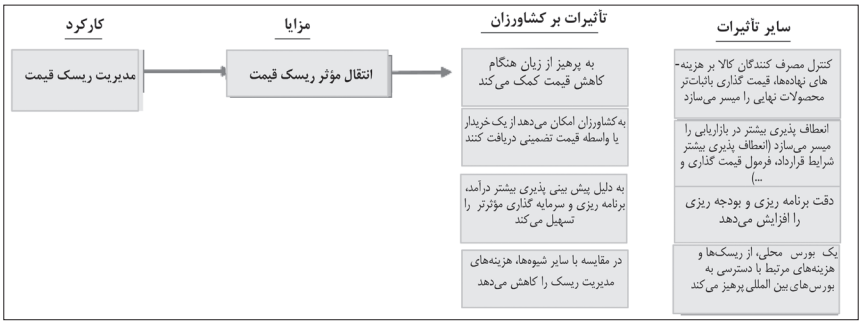
در نهایت، بورس معاملات آتی کالا چارچوبی برای همگرایی میان قیمت‌های معاملات آتی و نقدی ایجاد می‌کند و تعیین قیمت کلی در زمان‌های مختلف را کارآمدتر می‌کند. این مسئله به دو شیوه عمل می‌کند:

نخســـت اینکه اگر قیمت‌های آتی و نقدی با یکدیگر هم‌خوانی نداشته باشند (مثلاً به دلیل تحریف ناشی از حرکت‌های سوداگرانه)، شرکت‌کنندگان در بازار می‌توانند همزمان

1- Chicago Board of Trade

در بازارهـــای نقدی خرید کنند و در بازارهای آتی بفروشـــند (یا برعکس) تا از این عدم هماهنگی سود کسب کنند (آربیتراژ) و این دو بازار را با یکدیگر هماهنگ کنند. دوم اینکه وقتـــی یک قرارداد آتی قبل از زمان انقضا وارد دوره تحویل شـــود، فعالان بازار می‌توانند خواســـتار دریافت یا تحویل محصول فیزیکی از طریق بورس شـــوند. تهدید تحویل، با نزدیک شدن به زمان انقضا باعث همگرایی قیمت معاملات نقدی و آتی می‌شود.

۵-۲ مدیریت ریسک



۵-۲-۱ خلاصه‌ی فرضیات تأثیرات
۵-۲-۲ توجیه

یـــک بورس کالا می‌تواند با ارائه‌ی معاملات قراردادهـــای آتی و اختیار معامله کالاها راه‌حل‌هایی را برای مدیریت ریســـک قیمت ارائه دهد[۱]. این ابزارها به این واقعیت اشاره دارند که با عقب کشـــیدن دولت‌ها از بخش کالا، فعالان این بخش به نحو روز افزونی در معرض خطر نوســـانات شدید قیمت قرار دارند که از مدت‌ها قبل بازارهای جهانی کالا را گرفتار خود کرده است (به نمودار ۱ نگاه کنید که به کالاهایی اشاره دارد که در این پژوهش بررسی شده‌اند). نوسان قیمت‌ها به ایجاد ریسک می‌انجامد و آسیب‌پذیری در برابر ریسک یکی از چهار جنبه‌ای است که فقر را ایجاد می‌کند[۲]. وقتی کشاورزان قیمت‌هایی را دریافت

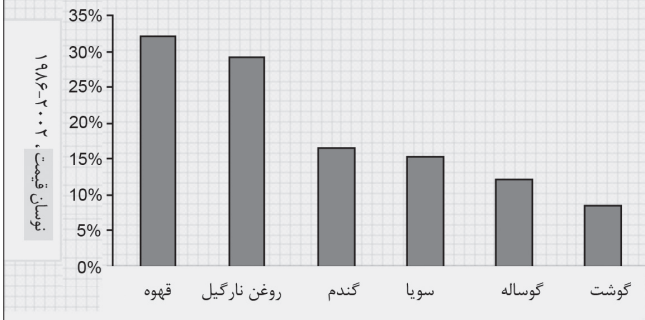
۱- برخی از ابزارهای مدیریت ریسک کالا معمولاً به‌صورت مستقیم میان طرفین معامله در خارج از بورس‌ها یا در فرابورس معامله شـــوند. از جمله می‌توان به پیمان‌های آتی، قراردادهای اختیار معامله غیر مرســـوم و سواپ اشاره کرد. با وجود این، برای این ابزارها، بورس‌ها به‌نحو روزافزونی خدمات ثبت و تسویه معامله را ارائه می‌دهند. برای شرح مختصر ابزارهای مدیریت ریسک کالا به تصویر ۴ دراین گزراش نگاه کنید و برای شرحی مفصل‌تر به آنکتاد (۱۹۹۸) نگاه کنید.

2- World Bank. World Development Report 2000/2001. 2001.

این چهار جنبه عبارتند از فقر درآمد، محرومیت از بهداشت و آموزش، آسیب‌پذیری در برابر ریسک، و عدم توانایی اظهار نظر کردن/ بی قدرت بودن.

می‌کنند که بی‌ثبات و غیرقطعی هستند، از لحظه‌ای که تصمیم به کاشت می‌گیرند و هر بار که به خرید و استفاده از نهاده‌هایی همچون کود یا سم اقدام و یا از کارگر مزدبگیر استفاده می‌کنند با ریسک قیمت روبرو هستند. آن‌ها هرگز نمی‌دانند که قیمتی که در پایان دریافت می‌کنند هزینه‌های آن‌ها را پوشـــش می‌دهد و ارزش تلاش‌هایشان را دارد یا خیر؟ چنین ریسک‌هایی می‌تواند کشاورزان را از سرمایه‌گذاری‌های مهم در ارتقای فعالیت‌های تولیدی خویش منصرف کند و آن‌ها را گرفتار چرخه‌های باطل نوسانات قیمت کند که عامل ایجاد و تداوم فقر روستایی است.

نمودار ۱: نوسان قیمت کالای منتخب، ۲۰۰۲-۱۹۸۶



منبع: گیلبرت (۲۰۰۴)

نکته: نوسانات به صورت انحراف معیار تغییرات سالیانه لگاریتم قیمت‌های تورم زدایی شده محاسبه شده است.

استفاده از ابزارهای مرتبط با کالا برای پوشش ریسک قیمت می‌تواند اطمینان بیشتری را درباره‌ی چرخه کاشت ایجاد کند و به کسانی که در بخش کالا فعال هستند اجازه دهد ســـرمایه‌گذاری‌هایی را برعهده بگیرند که ســـود بلندمدت‌تری دارد و کاشت محصولات پرریسک و پردرآمد را معقول‌تر کند. حتی با وجود کاهش بلند مدت قیمت کالاها، توانایی پوشش ریسک جهش‌های قیمت، فرصتی را در اختیار کشاورزان قرار می‌دهد تا الگوهای کاشت خود را تغییر دهند و سیاست‌های مقابله با ریسک خود را متنوع‌تر سازند. وارانگیس، لارسن و آندرسن (۲۰۰۲:٦) با ذکر مجموعه‌ای از پژوهش‌ها می‌گویند که شواهد غیر قابل انکاری حکایت از این دارد که کشاورزان جوامع فقیر روستایی از ریسک پرهیز می‌کنند و اقداماتی را انجام می‌دهند که به درآمدهای پایین‌تر ولی ثابت‌تر منتهی می‌شود". درحالی‌که بســـیاری از مکانیزم‌هایی که درحال حاضر به‌کار می‌روند غیر رسمی هستند (به جدول ۱

این گزراش نگاه کنید)، نیاز کشـــاورزان به کاهش آســـیب‌پذیری از ریسک به معنای این اســـت که برای راه‌حل‌های مدیریت ریســـک مبتنی بر بازار، فضای زیادی وجود دارد. با وجود این، باید به خاطر داشت که ریسک قیمت تنها یکی از ریسک‌هایی است که در برابر کشـــاورزان قرار دارد (به بخش ۱-۲ نگاه کنید)، این مسئله می‌تواند به ایجاد روابط متقابل پیچیده‌ای با سایر ریسک‌ها منجر شود (فافچامپس ۲۰۰۰) و شاید، به‌ویژه در موقعیت‌هایی که بخش نسبتاً بزرگی از درآمد کشاورزان ازمنابع غیرکشاورزی تولید می‌شود، فوری‌ترین ریسک نباشد.

همان‌طور که در فصل ۲ تشریح کردیم، دولت‌ها ، از نوسانات قیمت کالا تأثیر می‌پذیرند (هم کشورهای وارد کننده‌ای که برای امنیت غذایی و امنیت انرژی به واردات متکی هستند و هم کشورهای صادر کننده که ممکن است برای درآمد و مبادلات خارجی به شدت به کالاها وابسته باشند و در عین حال به عنوان عامل اصلی اشتغال‌زایی، رشد و فقرزدایی مطرح باشند). بنابراین همان نیاز تولیدکنندگان به مدیریت ریسک قیمت، برای دولت‌ها نیز صادق است.

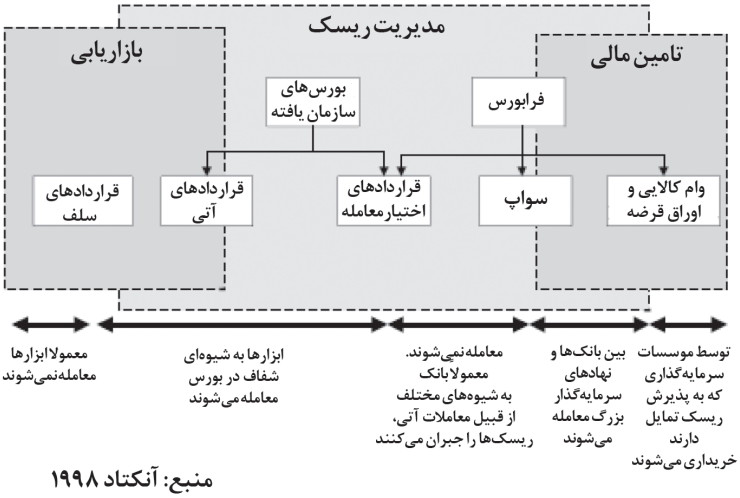
ابزارهای مدریت ریسک قیمت که در بورس معامله می‌شوند ممکن است توسط یک کشاورز یا ســـایر فعالان بخش کالا به‌صورت مستقیم (از طریق عضویت مستقیم در یک بورس، یا به احتمال بیشتر از طریق کارگزار مورد تأیید بورس) به‌کار بروند. ولی مشارکت مســـتقیم کشـــاورزان در بازارهای معاملات آتی با موانع متعددی روبروست که به‌خوبی مستند شـــده‌اند: بزرگی قراردادها که ممکن است بسیار فراتر از میزان تولید سالیانه باشد؛ فقدان دانش، منابع و ظرفیت مورد نیاز؛ نقایص زیرســـاخت‌ها؛ فرایند کند اجرا که ممکن اســـت فراتر از توان کشـــاورز باشـــد؛ و عدم تمایل کارگزاران به ارتباط با تولید کنندگان خرده‌پا به‌عنوان مشـــتریان جدید ناآشنا که با هزینه‌های سنگین معامله، کاهش دسترسی به اعتبار، و ریسک عملکرد همراه است .(IFT-CRM,2003:۲)

از سوی دیگر، کشاورزان ممکن است به صورت غیرمستقیم، یعنی از طریق واسطه‌هایی همچون اتحادیه‌ی کشاورزان از ابزارهای بورس استفاده کنند. واسطه‌ها می‌توانند نیازهای پوشش ریسک چندین کشاورز خرده پا را تجمیع کنند، موقعیت‌های بازار را مدیریت کنند، و سپس قرارداد را در زمان مناسب نقد کنند. شکل دیگری از استفاده‌ی غیرمستقیم ممکن است شامل ابزاری باشـــد که در فرابورس[1] بین دو طرف معامله می‌شود. این کار انعطاف بیشـــتر میان تأمین‌کننده‌ی یک ابزار(که معمولاً یک موسسه مالی است) و دریافت‌کننده‌ی آن ابزار (یک تولیدکننده یا تجمیع‌کننده) را میسر می‌کند. مطالعاتی که در زمینه بازار قهوه

1- Over-the Counter

انجام گرفته است از معاملات ابزارهای فرابورسی نظیر قراردادهای اختیار قیمت میانگین[1] و قراردادهای اختیار هزینه صفر[2] خبر می‌دهند (روتن و یوسف ۲۰۰۷)[3].

تصویر ٤: نوع شناسی ابزارهای مدیریت



منبع: آنکتاد ۱۹۹۸

در نهایت، مدیریت ریســـک قیمت می‌تواند در قراردادهای معاملات فیزیکی میان فعالان بازار در امتداد زنجیره‌ی عرضه نیز گنجانده شـــود. همچنین مدیریت ریســـک را می‌توان در قراردادهـــای میان یک فعال بخش کالا و یک تأمین‌کننده‌ی خدمات ازقبیل یک تأمین‌کننده‌ی مالی یا تأمین‌کننده‌ی نهاده‌ها گنجاند[4]. بر اساس این ترتیبات، طرف معامله، پوشش ریسک[5] را انجام می‌دهد و منافع حاصل از آن را به تولیدکننده منتقل می‌کند (مثلاً در اینجا امکان دارد که قیمت از قبل تعیین شود و یا با توجه به معیار مورد توافق طرفین در زمان تحویل تثبیت شود؛ این موضوع به‌طور قطع منافعی برای تولیدکننده دارد).پیمان‌های آتی، قراردادهای آتی، اختیار و ســـواپ رایجترین ابزارهای موجود برای مدیریت ریســـک قیمت کالا هستند (به تصویر ٤ نگاه کنید). با وجود این، هر ابزاری دارای کارکرد متفاوت، الزامات کاربرد متفاوت و پیامدهای

1- Average Price Options
2- Zero cost options
۳- اختیارات قیمت میانگین (که اختیارهای آسیایی نیز نامیده می شوند) بر خلاف قراردادهای اختیار بورس که بر اساس نوســـانات روزانه قیمت تعیین می‌شوند، بر اساس میانگین فصلی قیمت یک کالا انجام می‌شوند. اختیارهای هزینه صفر به تولیدکننده امکان می‌دهند تا در برابر صرف‌نظر کردن از بخشی یا همه سود بالقوه‌ی ناشی از افزایش قیمت‌ها، در برابر سقوط قیمت‌ها از حمایت برخوردار شوند.
۴- برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی گنجاندن مدیریت ریسک قیمت در قراردادهای معامله فیزیکی به آنکتاد (۲۰۰۲) نگاه کنید.
5- Hedging

هزینه‌ای متفاوت است و این مسئله انتخاب ابزار را به نوع کاربر و مشخصات وضعیت کاربر وابسته می‌سازد (به کادر ٦ نگاه کنید). گروه ضربت بین‌المللی مدیریت ریسک کالا، بر خرید "قراردادهای اختیار فروش"[1] (اختیاری که بر اساس آن، دارنده حق دارد، ولی متعهد نیست، که کالای خود را به قیمت معینی در تاریخ یا قبل از تاریخ سررسید بفروشد) به‌عنوان مناسب‌ترین راه‌حل برای تولیدکنندگان کالا تاکید می‌کند: برای تأمین‌کنندگان منابع مالی، مهمترین محدودیت تجارت با تولیدکنندگان کالا در کشورهای درحال توسعه، ریسک اعتبار است. سامان بخشیدن به ساختار معاملات و کسب و کار با استفاده از یک قرارداد مشتقه ساده اختیار معامله، ریسک اعتبار را از نظر تأمین‌کننده حذف می‌کند و درهای معامله با مشـــتریانی را می‌گشـــاید که در غیراین‌صورت امکان معامله با آن‌ها وجود نداشت. مشتریان کشورهای درحال توسعه همچنین تمایلی به استفاده از راهبردهای پوشش ریسک پیچیده ندارند، بلکه ترجیح می‌دهند در ابتدا از ابزارهای ســـاده‌تری استفاده کنند. آن‌ها پس از اینکه از پختگی بیشتری در استفاده ازابزارهای پوششی برخوردار شدند و وثیقه قابل قبول برای تأمین کننده را یافتند، می‌توانند به سوی استفاده از سایر شکل‌های ابزارهای پوشـــش ریسک حرکت کنند (گروه ضربت بین‌المللی مدیریت ریسک کالا، ٢٠٠٣:٤).

کادر ٦: قراردادهای آتی، پیمان‌های آتی و اختیار معامله: نقاط ضعف و قوت برای کشاورزان

	پیمان‌های آتی	قراردادهای آتی	اختیار	اختیار معامله فرابورس
معامله در بورس	خیر	بله	بله	خیر
ریسک طرف معامله	بسته به طرف معامله مکن است بالا باشد	حداقل	حداقل	بسته به طرف معامله مکن است بالا باشد
شرایط قراردادی	منعطف	غیرمنعطف	غیرمنعطف	منعطف
انتظار تحویل	بله	خیر	خیر	بسته به قرارداد
انعطاف زمانی	خیر	بله	بله	بسته به قرارداد
نظارت از طرف ناظر بازار	کم	زیاد	زیاد	کم
جریان وجوه	هزینه کم - معمولاً در زمان خرید توسط خریدار از پرداخت کسر می‌شود.	الزامات وجه تضمین غیرقطعی تا زمان بسته شدن قرار داد.	خریدار اختیار: پیش پرداخت طی یک مرحله - می‌تواند زیاد باشد. فروشندگان اختیار: الزامات وجه تضمین غیرقطعی تا زمان اعمال یا انقضا قرارداد	بسته به قرارداد

چالش اصلی گروه ضربت بین‌المللی مدیریت ریسک کالا، ایجاد مدل‌های کارآمد همکاری با استفاده از تجمیع‌کننده‌های محلی بوده است و بنابراین، هدف اصلی این گروه بر ارائه کمک‌های

1- Put Options

فنی و آموزش و ایجاد تفاهم میان جوامع کشاورز متمرکز است. سهولت نسبی معاملات اختیار فروش در این زمینه کمک بسیاری کرده است. با وجود این، دو مسئله مطرح شده است: نخست، معاملات اختیار گاهی می‌تواند بیش از حد گران باشـــد، چون قیمت اختیار اغلب در مواقعی که بیش از همیشـــه به آن‌ها نیاز است گرانترین قیمت را دارند و دوم اینکه این ابزارها معمولاً فقیرترین فقرا راهدف نمی‌گیرند، بلکه برای کشـــاورزانی مناسب هستند که به تجارت گرایش دارند (وارانگیس، لارسن و آندرسن ۲۰۰۲). بنابراین درس اصلی‌ای که از تجربه گروه ضربت بین‌المللی مدیریت ریسک کالا می‌گیریم این است که سازماندهی و آشنایی کشاورزان با اصول تجارت، پیش‌نیاز استفاده سودمند آن‌ها از ابزارهای مدیریت ریسک قیمت است. در کشورهای در حال توســـعه، استفاده از بورس‌های محلی برای مدیریت ریسک می‌تواند در برخی شرایط خاص، در مقایسه با استفاده از بورس‌های بین‌المللی با سابقه، سودمندتر باشد. چالش‌هایی که در راه دسترسی به بورس‌های بین‌المللی وجود دارد معمولاً شامل کنترل جریان‌های نقدینگی، سرمایه و کالا؛ نوسان نرخ‌های ارز و الزامات سخت‌گیرانه اعتباری و شناسایی مشتریان است که اغلب مانع از این می‌شود که کارگزاران کشورهای توسعه یافته بتوانند با کشورهای درحال توسعه معامله کنند (به کادر ۳ نگاه کنید). نکته‌ی بسیار حساس دیگر این است که در اکثر موارد ریسک مبنای گسترده‌ای نیز وجود دارد (واگرایی اساسی میان قیمت بازارهای معاملات آتی بین‌المللی و بازارهای نقدی داخلی) که اثربخشی ابزارهای پوشش ریسک را تضعیف می‌کند. بسیاری از این مسایل را می‌توان با یک بورس داخلی به شیوه‌ای رضایت‌بخش پاسخ داد. از سوی دیگر، بسیاری از بورس‌ها در تلاش برای معرفی قرارداد کالایی که با قرارداد معیار بین‌المللی تفاوت دارد و معامله‌ی آن با پول ملّی و بر اســـاس یک بورس محلی است با مشکلات زیادی مواجه گردیده‌اند. در پاره‌ای از موارد بورس‌ها تلاش نموده‌اند تا با عاریت گرفتن مشـــخصات قرارداد و قیمت آن از یک بورس بین المللی و در نهایت تســـویه قرارداد بر اســـاس پول ملی خود، بر مشکلات گفته شده غلبه نمایند. این رویکرد می‌تواند عملکردهای بازارهای نقدی محلی را با بازارهای بین‌المللی ریشه‌دار هم‌راستا کند؛ چون فعالان محلی خود را با ویژگی‌های قراردادهای بین‌المللی وفق می‌دهند. این رویکرد همچنین از توان بالقوه‌ی سودآوری در هر دو بازار نقدی و آتی (به‌صورت محلی و بین‌المللی) به‌منظور هماهنگ‌سازی بهتر قیمت‌های این دو نوع بازار نیز برخوردار است. در نهایت، راه‌حل‌های مبتنی‌بر بازار ممکن است در مقایسه با دخالت دولت در رویارویی با نااطمینانی در قیمت کالاها مزیت‌های چشمگیری داشته باشد. وارانگیس و لارسن (۱۹۹۶) چهار مزیت را شناسایی کرده‌اند:

• این راه‌حل‌ها به جای قیمت‌هایی که به‌صورت دســـتوری تعیین شده بر قیمت‌هایی متکی هستند که بازار تعیین کرده است؛

• ریسک را به دستگاه‌هایی منتقل می‌کنند که برای پذیرش ریسک از توانایی و تمایل بیشتری برخوردارند؛

• می‌توانند با ابزارهای تأمین مالی مرتبط شوند و در برخی موارد، تأمین مالی با هزینه‌ی پایینتر را میسر سازند؛

• در برخی موارد، هزینه‌ی آن‌ها کمتر از برنامه‌های دولتی دخالت در قیمت‌هاست.

یک رویکرد بازارنگر که از ابزارهای معاملاتی بورس استفاده می‌کند ممکن است بتواند تقریباً به‌صورت مستقیم برنامه‌های موجود دولت را تکرار کند. مثلاً سن (۲۰۰۵) می‌گوید که استفاده مناسب از قراردادهای اختیار معامله در بورس می‌تواند جایگزین برنامه‌ی دولت هند برای اتخاذ راهکار حداقل قیمت حمایتی برای گندم شود که بسته به ساختار و هدف برنامه، می‌تواند بین ۳۵ تا ۱۵۱ دلار در هر تن در هزینه‌ها صرفه جویی نمایند[1].

۵-۳ محلی برای سرمایه‌گذاری

۵-۳-۱ خلاصه فرضیات تأثیر



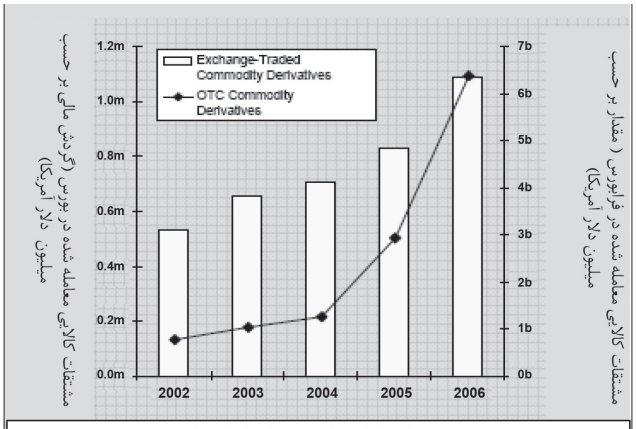
۱- این رقم براساس ۱۴۰ تا ۶۱۰ روپیه به ازای هر کنتال که در این مقاله ذکر شده بود، با نرخ برابری روپیه- دلار در جولای سال ۲۰۰۷ به نرخ بین بانکی ۱: ۴۰/۳ و ضریب تبدیل کنتال به تن ۱:۱۰ محاسبه شده است.

۲-۳-۵ توجیه

در سال‌های اخیر، بازارهای مشتقات کالا رشد سریعی را تجربه کرده‌اند (به نمودار ۲ نگاه کنید). رشد معاملات بورس (۳۱ درصد در سال ۲۰۰٦، ۲۰ درصد میانگین رشد مرکب سالیانه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰٦)، با رشد فراتر از آن در فرابورس همراه بوده است (٦۹ درصد در سال ۲۰۰٦؛ ۱۱۷درصد میانگین رشد سالیانه ترکیبی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰٦). بخشی از این رشد را می‌توان به مشارکت بیشتر فعالان بازارهای فیزیکی نسبت داد. با وجود این، سرمایه‌گذاران نهادی و حقوقی نیز با افزایش قیمت‌ها و نوسانات روزافزون به این بازار جذب شده‌اند.

سرمایه‌گذاران به‌نحو روزافزونی کالاها را همچون نوعی دارایی می‌بینند (بانک فرانسه ۲۰۰٦). همان‌طور که نمودار ۳ نشان می‌دهد، بخش کالا ترکیبی از بازگشت سرمایه بالا و نوسان زیاد را ارائه می‌دهد (از هر دو لحاظ در رتبه دوم). همان‌طور که شاخص کالای گلدمن‌ساش نشان می‌دهد، کالاها از نظر سود سالیانه بر همه گروه‌های دارایی، بجز بازار نوظهور دیون، پیشی گرفته‌اند و از نظر مقاصد سرمایه‌گذاری نیز، بعد از بازار سهام قرار گرفته‌اند.

نمودار ۲: رشد معاملات مشتقات در بورس و فرابورس: ۲۰۰٦-۲۰۰۲

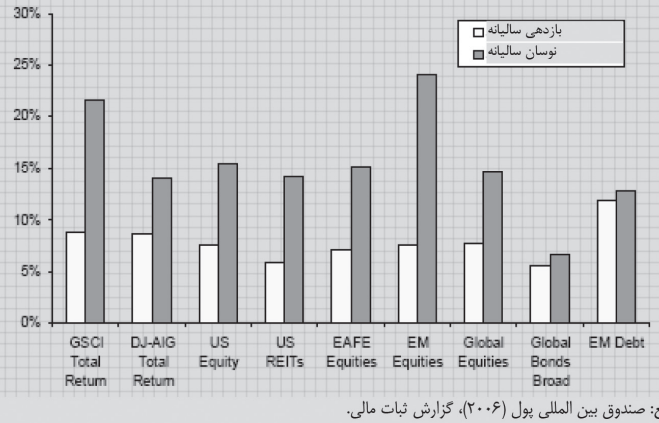


منبع: داده‌های فرابورس: Bank for Intrnational Settlements
داده‌های بورس: موسسه قراردادهای آتی

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در بازارهای معاملات آتی کالا تأثیرات مثبت دیگری نیز دارد. ازجمله می‌توان به مصونیت بالقوه در برابر تورم (تورم مورد انتظار و غیرقابل‌پیش‌بینی)، و افزایش تنوع سبد دارایی‌ها به دلیل ارتباط کم رشد قیمت‌ها با طبقات سنتی دارایی اشاره کرد (ایبوتسون ۲۰۰٦؛ اداره‌ی ملّی پژوهش‌های اقتصادی

۲۰۰٤ ب). متنوع‌ســـازی سبد دارایی‌ها برای صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های بیمه که معمولاً تراز دقیق ریســـک‌ها و ســـودها را برای تحقق تعهدات بلند مدت خویش در برابر مشـــتریان دنبال می‌کنند اهمیت زیادی دارد. به گفته‌ی یکی از سرمایه‌گذاران کالا در یک صندوق بزرگ بازنشستگی هلند، "... ارزش افزوده کالا بیش ازهر چیز، به توانایی در کاهش ریسک کلی بدون فدا کردن سود مورد انتظار بستگی دارد. وقتی پای متنوع‌سازی قـــدرت کالاها به‌عنوان یک گروه از دارایی‌ها در میان باشـــد، کوچک‌ترین نکته می‌تواند پیامدهای زیادی داشته باشد"(بینن ۲۰۰۵:٦۱).

نمودار ۳: ویژگی‌های طبقات دارایی: جذابیت کالاها



منبع: صندوق بین المللی پول (۲۰۰۶)، گزارش ثبات مالی.

نکته: بازدهی سالیانه برای ده سال منتهی جولای ۲۰۰۶ محاسبه شده است. نوسان سالیانه بر اساس داده‌های همبستگی یک دوره ده ساله منتهی به جولای ۲۰۰۶ محاسبه شده است.

علائم اختصاری:
DJ-AGI: داوجونز- گروه صنعتی آمریکا؛ EAFE: اروپا، اقیانوسیه و خاور دور؛ EM: بازارهای در حال توسعه؛ GSCI: شاخص کالایی گلدمن ساچس؛ REITs: تراست‌های سرمایه گذاری در املاک

یکی دیگر از تأثیرات بالقوه توانایی برخی از انواع موسســـات مالی برای آربیتراژ اســـت. آربیتراژ را می‌توان به‌عنوان فروش و خرید همزمان دو قرارداد مرتبط برای بهره‌گیری از تفاوت قیمت میان آن‌ها تعریف کرد. این معامله می‌تواند در شرایط محلی میان قراردادهای یک کالا که در ماه‌های تقویمی متفاوتی منقضی می‌شوند انجام شود. این شیوه را اسپرد تقویمی[1] می‌نامند

1- calendar spread

(نمونه‌ای از این شیوه، خرید آتی گندم با تاریخ سررسید ماه آینده و فروش همزمان یک قرارداد آتی گندم به سررسید شش ماهه است). همچنین می‌توان از این شیوه، بین قراردادهای یک کالا در مراحل مختلف در زنجیره‌ی عرضه آن کالا نیز استفاده کرد. مثلاً می‌توان به قرارداد "اسپرد دانه‌های سویا"، بین سویا و مشتقات آن (روغن سویا و خوراک سویا) اشاره کرد. در شرایط محلی، حضور چنین معامله‌گرانی می‌تواند قیمت‌های بازارهای داخلی را به‌صورت موثری هماهنگ نگه دارد. در شرایط بین‌المللی، آربیتراژ ممکن است بین دو کالا در بازارهای بین‌المللی متفاوت انجام شود. ازجمله می‌توان به معامله دانه‌ی سویا در هیئت تجاری شیکاگو و معامله‌ی دانه‌های سویا در بورس معاملات آتی برزیل اشاره کرد. این مسئله می‌تواند قیمت‌های بازارهای محلی را به‌نحو موثری با نوسانات قیمت‌های بین‌المللی هماهنگ کند.بورس‌های کالا و معاملات آتی به‌عنوان مکانی برای سرمایه‌گذاری، مزیت‌های دیگری نیز دارند. نخست اینکه اتاق پایاپای[1] بورس به‌عنوان طرف همه معاملات عمل می‌کند و این مسئله ریسک نکول طرف معامله را کاهش می‌دهد و شرایط قابل اعتمادتری را برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند[2]. دوم اینکه قوانین، مقررات و رویه‌های بورس و مراجع نظارتی و واسطه‌های آن، چارچوب قاعده‌مند منظمی را ایجاد می‌کنند که بر اساس آن می‌توان فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را افزایش داد و اختلافات را حل و فصل کرد. سوم اینکه منافع سوداگرانه‌ای که این چارچوب ایجاد می‌کند معمولاً برای تأمین نقدشوندگی مورد نیاز برای پوشش ریسک موثر ضروری است (کورکوران و همکاران، ۲۰۰۳).با وجود این، نقش مشارکت سوداگرانه در بازارهای قراردادهای آتی کالا با بحث و جدل‌های زیادی همراه است. در برخی شرایط، ممکن است دولت یا جامعه، سوداگری را فعالیتی اسراف‌کارانه یا به لحاظ اخلاقی نامطلوب بداند. گاهی ابهام مفهوم سوداگری و اینکه سوداگران کیستند این مسئله را پیچیده‌تر می‌کند. سوداگری را می‌توان به‌عنوان مشارکت در بازار با هدف منتفع شدن از پیش‌بینی صحیح حرکت‌های آینده قیمت تعریف کرد. بسیاری از شکل‌های سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی نوعی سوداگری هستند (قیمت‌های سهام، اوراق قرضه و مستغلات نیز همچون قیمت کالا، علاوه‌بر افزایش ممکن است کاهش نیز بیابند). کشاورزی که به امید افزایش قیمت‌ها در آینده، محصولات خود را در انبار نگه می‌دارد ولی اقدامات پوشش ریسک لازم را برای این وضعیت اتخاذ نمی‌کند نیز نوعی سوداگر است (در صورت کاهش قیمت‌ها این کشاورز زیان می‌بیند). سازمان‌های دیگری که در زنجیره‌های

1- Clearing House

۲- پس از معامله قراردادهای آتی، اتاق پایاپای بورس، از طریق فرایندی که تبدیل تعهد نام دارد، عملکرد همه قراردادها را با قرار گرفتن در بین طرفین معامله (به عنوان خریدار برای هر فروشنده و فروشنده برای هر خریدار) تضمین می‌کند. بدین ترتیب اتاق پایاپای ریسک‌های ناشی از تضمین خود را از طریق طیفی از راهکارهایی همچون سیستم وجه تضمین با تعدیل روزانه و الزامات حداقل سرمایه لازم برای همه فعالان بازار، کنترل می کند.

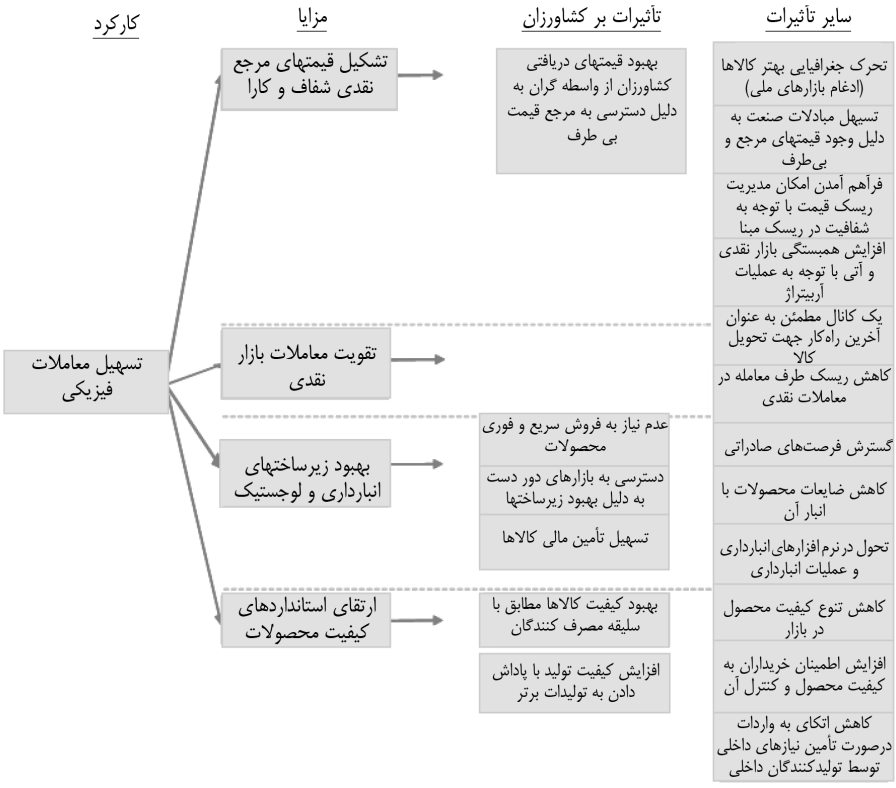
عرضه مشـــارکت دارند نیز ممکن است ســـوداگری کنند و حتماً نیز می‌کنند. موقعیت‌های سوداگری ممکن است مسئولانه یا غیرمسئولانه باشد (مواضع غیرمسئولانه مواضعی هستند که سوداگر را در برابر زیان‌هایی قرار می‌دهد که توان تحمل آن‌ها را ندارند). برخی از موقعیت‌ها، سوداگری افراطی هستند: موقعیت‌هایی که ممکن است باعث نوسانات ناگهانی یا غیرمعقول یا تغییرات توجیه‌ناپذیر درقیمت چنین کالاهایی شوند (دولت ایالات متحده آمریکا، قانون بورس کالا، ١٩٣٦، ١(الف٦))؛ بورس‌ها و ناظران آن‌ها چنین موقعیت‌هایی را کنترل می‌کنند. همچنین بین سوداگری و دستکاری بازار تفاوت مهمی وجود دارد. دستکاری به معنای "رفتاری آگاهانه است که برای فریب سرمایه‌گذاران از طریق کنترل یا تأثیرگذاری مصنوعی بر بازار اوراق بهادار انجام می‌شود" (کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده، ٢٠٠٧).تأثیرات سوداگری بر بازارها به‌هیچ وجه روشـــن نیست. از یک سو، بر اساس شواهد تحلیلی، سوداگران در زمینه اتخاذ موقعیت‌های معاملاتی از پوشش‌دهندگان ریسک [1] پیروی می‌کنند. این بدان معناست که مســـئولیت هدایت تغییرات قیمت برعهده‌ی پوشش‌دهندگان ریسک است نه سوداگران (صندوق بین‌المللی پول، ب ٢٠٠٦؛ هایگ هرانیووا و اوســـوالد ٢٠٠٥). از سوی دیگر، شاید این نیز حقیقت داشته باشد که با حضور سوداگران فعال در بازار، قیمت‌ها در برابر اطلاعات جدید به‌ســـرعت واکنش نشان می‌دهند و این واکنش گاهی بیش از حد است و به نوسانات شـــدید در کوتاه مدت منجر می‌شود؛ نوســـاناتی که ممکن است مدیریت موقعیت‌های باز [2] را برای پوشـــش‌دهندگان ریسک دشـــوار کند. این دوگانگی دیدگاه در ارزیابی بانک تسویه بین‌الملل [3] نمایان است:"می‌توان انتظار داشت که ورود جریان‌های بزرگ نقدینگی به بازارهای کالا باعث افزایش شدید قیمت‌ها شود وآن‌ها را احتمالاً به سطوحی برساند که براساس مبانی اقتصادی قابل توجیه نیســـت. به نظر می‌رسد شواهد مقدماتی از این دیدگاه حمایت می‌کند، چون در چهار سال گذشته، فعالیت مالی به موازات قیمت‌ها به شدت افزایش یافته است. با وجود این، تأثیر حضور روزافزون سرمایه‌گذاران مالی بر قیمت‌های کالا چندان روشن نیست. مطالعات متعددی که اخیراً درباره‌ی رابطه‌ی میان فعالیت سرمایه‌گذاران و قیمت کالاها انجام شده است نشان می‌دهد که تغییرات قیمت به تغییرعلایق سرمایه‌گذاران منجر شده است نه برعکس. ...صرف‌نظر از همه این عوامل، به ســـختی می‌توان افزایش قیمت قراردادهای آتی، به‌ویژه معاملات قراردادهای آتی مس تا میانه ســـال ٢٠٠٦ را با مبانی اقتصادی آشـــتی داد " (بانک تسویه بین‌الملل [4]، ٢٠٠٧:٦١). اگر به این بحث از زاویه‌ای دیگر نگاه کنیم، انتساب دلیل

1- Hedger
2- Open positions
3- Bank for International Settlements
4- Bank for International Settlements

افزایش قیمت‌ها به فعالیت‌های سوداگرانه اغلب به نفع آن دسته از فعالان بازار است که از افزایش قیمت‌ها زیان می‌بینند (خریداران و مصرف کنندگان). این مسئله ممکن است یک نوع پیش‌دستی جهت دخالت دولت برای کاهش قیمت‌ها باشد. در سوی دیگر بحث، کشاورزان و سایر تولیدکنندگان معمولاً از افزایش قیمت سود می‌برند (به شرطی که مزایای افزایش قیمت در امتداد زنجیره‌ی عرضه توزیع شود). دیدگاه سوم این است که بورس تنها یک واسطه است. بورس تنها به دنبال ایجاد بازار منصفانه، کارآمد و شفافی است که نظارت‌های مناسب را مستقر سازد و معمولاً در زمینه قیمت‌هایی که در بازار شکل می‌گیرد مسئولیتی ندارد.

۵-۴ تسهیل معاملات فیزیکی کالا

۵-۴-۱ خلاصه‌ی فرضیات تأثیر



۵-۴-۲ توجیه

نظریه‌ی رسمی می‌گوید بازارهای معاملات آتی پس از توسعه‌ی بازار نقدی منظم ایجاد می‌شوند (نایر ۲۰۰۴). با وجود این، تجربیات اخیر نشان می‌دهد که در برخی شرایط،

معرفی بازار قراردادهای آتی کالا می‌تواند توسعه‌ی بازارهای نقدی را تحریک کند. در مرکز این تجربه، مفهوم بورس به‌عنوان "جزیره تعالی" قرار دارد که در آن سایر کارکردهای بورس به دنبال کارکردهای سه‌گانه‌ی اصلی آن نمایان گردیده و در خدمت بازار فیزیکی مربوطه قرار می‌گیرد. این تأثیر دارای چهار جنبه است:

قیمت‌گذاری نقدی را بهبود می‌بخشد: بازارهای قراردادهای آتی برای کارکرد اثربخش نیازمند دسترسی به مرجع قیمت نقدی معتبری هستند که در اختیار فعالان بازار قرار داشته باشد. معاملات پوشش ریسک تنها در صورتی موثر می باشند که توسعه‌ی قیمت در بازارهای آتی و نقدی با یکدیگر ارتباط نزدیکی داشته باشد. دلیل این مسئله این است که پوشش ریسک در بازار قراردادهای آتی باید احتمال زیان ناشی از نوسان قیمت در بازار نقدی را جبران کند. اگر اختلاف قیمت این دو بازار (که قیمت مبنا نامیده می‌شود) زیاد باشد، آنگاه پوشش‌دهندگان ریسک، در معرض ریسک مبنا[1] قرار می‌گیرند. با حذف ارتباط و همبستگی میان تحولات قیمتی در بازار قراردادهای آتی و نقدی، ریسک مبنا افزایش می‌یابد. هرچه ریسک مبنا بزرگ‌تر باشد، معامله پوشش ریسک در بازار قراردادهای آتی در جبران آسیب‌پذیری در بازار نقدی تأثیر کمتری خواهد داشت. ولی در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، بازارهای کالای فیزیکی ممکن است ازهم‌گسیخته و نابسامان باشند. درچنین شرایطی، معمولاً نمی‌توان قیمت نقدی ملّی را برای یک کالا تعیین کرد. در چنین موقعیت‌هایی، ممکن است بورس‌های آتی مجبور شوند خود نسبت به تعیین قیمت نقدی مرجع تصمیم‌گیری کنند تا قیمت مبنا و ریسک مبنایی که فعالان بازار متحمل می‌شوند شفاف باشد.یک قیمت نقدی بی‌طرفانه و معتبر می‌تواند مرجع مهمی برای کشاورزان و سایر فعالان بازار کالا در اجرای معامله با خریداران و واسطه‌ها باشد. علاوه‌بر این، با تثبیت تفاوت شفاف هزینه‌ای مرتبط با خرید یا تحویل در مکان‌های جغرافیایی مختلف، بورس می‌تواند بازارهای ملّی را از طریق تحرک اثربخش‌تر کالاها در سرتاسر کشور یکپارچه کند.

معاملات بازار نقدی را تقویت می‌کند: فعالان بازار کالا در هنگام ورود به بازارهای جدید یا ناشناخته، می‌خواهند دست‌کم سه تردید عمده را برطرف کنند: آیا این بازار می‌تواند در زمانی که من نیاز دارم به فروش یا خرید کالا بپردازد؟ آیا طرف معامله‌ی من شرایط معامله را رعایت می‌کند؟ آیا کالاهایی که دریافت می‌کنم دارای استانداردهای کیفی مورد نیاز من هستند (یا برای فروشنده، آیا خریدار، کالاهایی را که تحویل می‌دهم به‌عنوان کالای با کیفیت می‌پذیرد؟). بورس کالا و معاملات آتی می‌تواند با عمل به‌عنوان آخرین مجرای تحویل، این اطمینان خاطر را ایجاد کند. اگرچه اکثر قراردادهای آتی به تحویل فیزیکی منجر نمی‌شوند،

1- Basis Risk

امکان تحویل، دســـت‌اندرکاران بازار را مطمئن می‌کند کـــه درصورتی‌که مجراهای معمول مبادلات نقدی کالا عمل نکند هم، امکان تحویل کالا وجود دارد. علاوه‌بر این، بورس به‌عنوان طرف اصلی معامله[۱]، عملکرد قرارداد با مشخصات منتشر شده را تضمین می‌کند و بدین ترتیب اعتماد فعالان بازار برای معامله را افزایش می‌دهد. الزام اعتماد به مجراهای خرید فیزیکی تنها به شـــرکت‌ها محدود نیست. با در نظر داشتن این نکته، مدیر اجرایی برنامه جهانی غذا که از بزرگ‌ترین خریداران غلات اتیوپی است، بر این باور است که "بورس کالای اتیوپی به افزایش کارایی خرید و حتی استفاده از قراردادهای آتی کمک می‌کند" (اکونومیست ۲۰۰۷). از آنجا که برنامه‌ی جهانی غذا بخش بیشتری از خرید خود را از بازارهای نقدی محلی کشورهای درحال توسعه انجام می‌دهد (که غالباً شـــرایط و عملکردی پایین‌تر از استاندارد دارند) "کشورهای کمک‌کننده به‌تدریج به این فکر می‌افتند که بورس‌های کالایی همچون بورس کالای اتیوپی می‌توانند در کاهش گرسنگی در سرتاسر آفریقا نقش مهمی ایفا کنند" (اکونومیست ۲۰۰۷).

تقویت زیرساخت‌ها: وقتی بورس به‌نحو فزاینده‌ای برای بهبود کارایی فرایندهای تحویل و مدیریت وثیقه در صدد بهبود شبکه انبارداری برمی‌آید، می‌تواند زیرساخت‌های انبارش و پشتیبانی برای کالاها را به میزان زیادی تقویت کند. مستندات زیادی حکایت از این دارد که کشورهای درحال توسعه با هزینه‌های بالای انبارسازی و حمل و نقل روبرو هستند[۲]. بورس می‌تواند گسترش ظرفیت انبارسازی را تسریع کند. علاوه‌بر این، تأسیسات انبار مورد تأیید بورس، برای فعالیت‌های موثر نظارت، تحویل، رتبه‌بندی کالای تحویلی و تضمین انبارش مســـتمر در محیطی مناسب و امن، انگیزه‌های قدرتمندی ایجاد می‌کند. این مسئله می‌تواند هزینه‌های ناشـــی از رویه‌های طولانی یا نامناسب تحویل را کاهش دهد و ضایعات ناشی از فساد کالاهای انبار شده در شرایط نامناسب را کمتر کند. با درنظر داشتن بازار صادرات، انبارش باکیفیت و قابل دســـترس در بنادر می‌توانـــد یکی از پیش‌نیازهای اصلی تجارت و معامله باشد.یک سیستم قابل اتکای مدیریت تضامین، و به‌ویژه رسیدهای انبار، می‌تواند ارائه خدمات تأمین مالی کالا به این بخش را به پیشنهادی جذاب‌تر برای تأمین‌کنندگان مالی تبدیل کند. بدین ترتیب می‌توان از فروش‌های اضطراری پرهیز کرد؛ چون کشـــاورزان می‌توانند کالاهای خود را در تأسیســـات امنی ذخیره کنند، برای پوشش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و جاری به منابع تأمین مالی دسترسی داشته باشند و می‌توانند برای شرایط بازاری صبر کنند که در مقایسه با شرایطی که بلافاصله پس از برداشت محصولات حکم‌فرماست و قیمت‌ها

۱- به پانویس ۱۸ نگاه کنید.

۲- مثلاً در تانزانیا، هزینه‌های حمل حدود ۶۰ درصد از کل هزینه‌ی ارائه ذرت به بازار را تشکیل می‌دهد و زیان‌های ناشی از تاسیسات نامناسب انبارش حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد تولید برآورد می‌شود. به آنکتاد ۲۰۰۱ نگاه کنید.

در پایین‌ترین سطح خود هستند، مناسب‌تر هستند. درنتیجه، کشاورزان می‌توانند به هدف بهبود درآمد دست یابند و برای سرمایه‌گذاری‌های میان‌مدت یا بلندمدت در جایگاه بهتری قرار داشته باشند. علاوه‌بر این، می‌توان نوسانات فصلی در بازارهای کشاورزی را محدود کرد، چون انبارش بهتر، شرایط ارائه تدریجی کالا به بازار در طول فصل را فراهم می‌سازد.

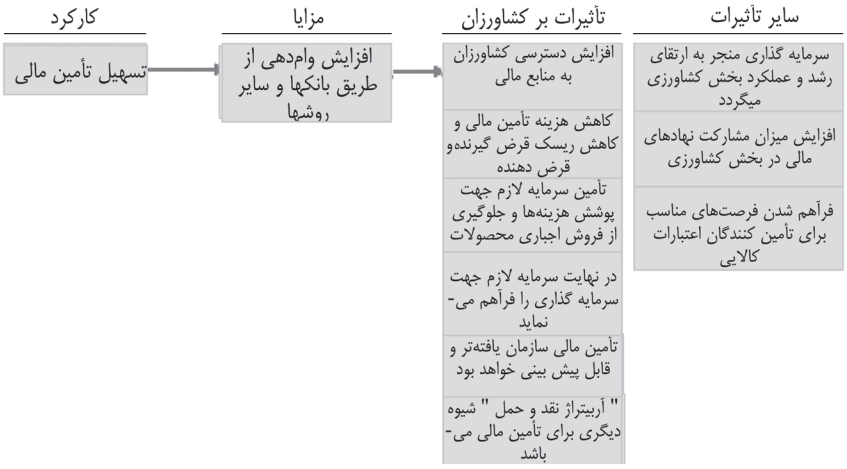
ارتقای کیفیت: وقتی بورس مشخصات کالاهای واجد شرایط تحویل در بورس را استاندارد می‌کند، به موازات نیازهای صنعت، می‌تواند به‌تدریج مجموعه‌ی شفافی از استانداردهای کیفی را ایجاد کند. درنتیجه، آگاهی کشاورزان از الزامات کیفی و توانایی آن‌ها در تحقق این الزامات می‌تواند افزایش یابد. استانداردهای کیفی شفاف و قابل‌قبول، به‌ویژه استانداردهایی که برای کالاهای با کیفیت‌تر پاداشی را در نظر می‌گیرند، انگیزه‌ی قدرتمندی را برای کشاورزان ایجاد می‌کند تا کیفیت محصولات خود را ارتقاء دهند و الزامات زنجیره‌ی عرضه کالا را که در آن‌ها، استانداردهای کیفی نقش مهمی را ایفا می‌کنند برآورده کنند.

می‌توان سه رویکرد به استانداردهای کیفی را شناسایی کرد. یک امکان، تصریح کیفیت میانگین عادلانه است که بخش چشمگیری از محصولات را پوشش می‌دهد (مثلاً روغن خام نارگیل بورس مالزی). این مسئله در شرایطی که تنوع رده‌های کیفی پایین باشد سودمند است. یک امکان دیگر این است که رده مرجعی را تعیین کنیم که مجموعه‌ای از پاداش‌ها وتخفیف‌ها را بتوان بر مبنای آن ارائه کرد (مثلاً دانه‌های سویا در بورس دالیان چین). این رویکرد به‌ویژه در مواردی که رده‌بندی‌ها شفاف و بر تفاوت‌های کاملاً قابل درک، از قبیل عدم خلوص دانه سویای تحویلی، مبتنی هستند سودمند است. سومین امکان، تعیین کیفیت مطلوب کالای تحویلی است (مثلاً هل بورس کالای هند). این شیوه در مواردی که خریدار یا بازارهای صادراتی در برابر کیفیت حساسیت زیادی دارند سودمنداست. در چنین وضعیتی، شاید بتوان برای تحویل کالاهای پایین‌تر از این استاندارد تخفیف ارائه کرد یا اینکه کالای دارای کیفیت کمتر را نپذیرفت. به هرترتیب، تعیین کیفیت مطلوب به‌عنوان کالای قابل تحویل، به خریداران و صادرکنندگانی که به کیفیت حساس هستند اطمینان می‌دهد که کالای خود را از این بازار تأمین کنند؛ چون بورس‌ها ضامن نهایی محصولات باکیفیتی که درخواست می‌کنند هستند. هر ساختاری که انتخاب شود، نتیجه می‌تواند افزایش حساسیت تولیدکنندگان و فراوران به کیفیت باشد. تولیدکنندگان می‌توانند درباره‌ی مسایل کیفی در بازار آگاهی بیشتری پیدا کنند و برای بهبود کیفیت محصولات خود گام‌هایی را بردارند. با وجود این، باید بر این نکته تاکید کرد که سایر نابرابری‌ها (از قبیل اینکه کدام کنش‌گران بازار قدرت تعین استاندارد را دارند و کدامیک از توانایی رعایت استانداردها برخوردارند) ممکن است پابرجا بمانند یا حتی تشدید شوند. همچنین در زمینه‌ی اینکه کدام استانداردهای

رده‌بندی کیفیت مناسب هستند نیز محدودیت‌هایی وجود دارد. نیاز به نقدشوندگی در بازار قراردادهای آتی به معنای آن اســـت که بعید است بتوان مشخصات کیفی یکسانی را برای بازارهـــای ویژه تعیین کرد. برای پرهیز از احتمال دســـتکاری بازار، عرضه‌ی کالاهای قابل تحویل باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا مانع از احساس کمبود کالا شود.

۵-۵ تسهیل کارکرد بخش کشاورزی

۵-۵-۱ خلاصه‌ی فرضیات تأثیرات



۵-۵-۲ توجیه

عدم دسترســـی به منابع تأمین مالی یکی از محدودیت‌های چشـــمگیری است که در برابر بســـیاری از نهادهای کشورهای درحال توسعه قرار دارد. تأمین‌کنندگان مالی، اغلب کشاورزی را برای شـــیوه‌های استاندارد وام‌های بانکی بسیار پرخطر و کم‌سود می‌دانند. این بدان معناست که کشـــاورزان و سایر فعالان بخش کشـــاورزی معمولاً برای دریافت وام از مجاری رسمی و غیررسمی، بهره‌ی سنگینی پرداخت می‌کنند. از سوی دیگر، آن‌ها ممکن است کاملاً از دریافت وام خودداری کنند و در چرخه‌ی سرمایه‌گذاری پایین و سود ناچیز گرفتار شوند. با وجود این، شکل‌هایی از تأمین مالی کالا ایجاد شده‌اند که می‌توانند با مرتبط ساختن ابزارهای سنتی تأمین مالی با خدمات بورس‌های کالا، ریســـک‌ها و هزینه‌های تحویل تأمین‌کنندگان مالی را کاهش دهند. کاهش ریسک‌ها و هزینه‌های ناشی از استفاده از این خدمات، بانکداران را متقاعد می‌کند که نرخ‌های بهره‌ای را که از وام گیرندگان دریافت می‌کنند کاهش دهند. شاید ساده‌ترین مدل، تأمین مالی موجودی انبار باشد که از قبوض انبار به‌عنوان وثیقه استفاده می‌کند. قبض انبار وثیقه‌ی

مطمئنـــی را در اختیار تأمین کننده‌ی مالی قرار می‌دهد و درصورت نکول وام گیرنده، به‌راحتی قابلیت نقد شـــوندگی دارد. بورس برای محافظت در برابر تغییر ارزش کالا و نقد کردن وثیقه درصورت نکول وام گیرنده، راهکار ارزیابی وثیقه را در اختیار تأمین‌کنندگان مالی قرار می‌دهد. همچنین بورس ممکن است با ارزیابی و تأیید انبارهایی که محل انبارش کالای فیزیکی هستند امنیت این فرایند را افزایش دهد. عوامل اصلی‌ای که این مدل به آن وابسته است عبارتند از:

قابلیت ردگیری قبض انبار، سیســـتم مطمئن انبار و بنگاه‌های مدیریت تضامین و مجوز بانک‌ها برای مشارکت در بازار قراردادهای آتی کالا.

مکانیزم دیگری نیز هســـت که براســـاس آن، بورس خود می‌تواند دسترســـی مستقیم تولیدکنندگان را به منابع مالی کالا و سرمایه‌گذاران بازار سرمایه‌ی کالا فراهم کند. این ابزار، موافقت‌نامه‌های خرید مجدد کشاورزان هستند که در بورس معامله می‌شوند و به نام ریپوز معروفند. ســـاختار این موافقت‌نامه‌ها را می‌توان براساس موجودی انبار و یا کالاهای قابل دریافت در آینده ایجاد کرد. برای کالاهایی که تولید شـــده‌اند، قبض انبار به کارگزار بورس منتقل می‌شـــود و مالک کالا موافقت‌نامه‌ای را امضا می‌کند که براساس آن، پس از دوره‌ای مشخص (مثلاً سه ماه) کالا را با قیمت مشخصی (مثلاً ۱۰۰۰ دلار) مجدداً خریداری می‌کند. کارگزار این بسته را در شبکه بورس منتشر می‌کند و سرمایه‌گذاران می‌توانند برای خرید آن پیشـــنهاد دهند. سرمایه‌گذاران می‌دانند که پس از سه ماه، آن‌ها ۱۰۰۰ دلار دریافت می‌کنند. هرچه قیمت پیشنهادی بالاتر باشد، نرخ بهره موثری که دریافت می‌کنند کمتر خواهد بود. در مواردی که قراردادهای خرید مجدد به‌جای محصول تولید شـــده، پیرامون کالاهای قابل دریافت در آینده ســـاختار بیابند، برای کاهش ریسک مالی و فیزیکی سازماندهی بیشتری باید صورت پذیرد. ولی در هرصورت، بورس نقش واســـطه‌ای بانک‌ها را حذف می‌کند و بدین ترتیب، دسترسی وام‌گیرنده را افزایش و هزینه‌ی تأمین مالی را برای او کاهش می‌دهد.

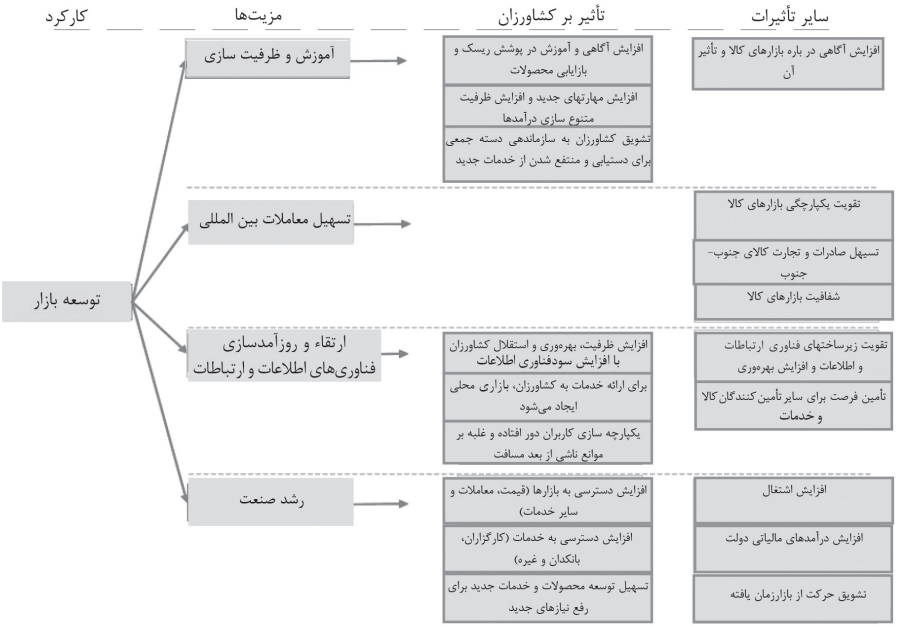
ســـومین امکان برای دسترسی نسبتاً ساده‌ی فعالان بخش کالا به منابع تأمین مالی، اجرای "آربیتراژ نقد و حمل"[1] است. قیمت قراردادهای آتی یک کالا باید برابر با قیمت نقدی آن کالا به‌علاوه‌ی هزینه‌ی حمل (یعنی هزینه‌های انبارداری و بهره‌ی مرتبط با نگهداری کالا تا زمان تحویل به بورس در سررسید مقرر قرارداد قراردادهای آتی) باشد. وقتی قیمت‌های قرارداد آتی بیش از هزینه‌ی واقعی حمل افزایش می‌یابد، فعال بازار می‌تواند با خرید کالا در بازار نقدی و همزمان فروش آن در بازار آتی سود خود را تثبیت کند. در سررسید قرارداد، کالا در بورس تحویل می‌شود تا سود وی تحقق یابد (برعکس این حالت زمانی است که قیمت آتی به زیر

1- Cash and Carry Arbitrage

هزینه‌ی واقعی حمل کاهش می‌یابد). این یک منبع نسبتاً ساده‌ی تأمین نقدینگی برای یک فعال بازار است که به کالای فیزیکی دسترسی دارد. مهم این است که این استراتژی به‌عنوان کنترلی بر سوداگران نیز عمل می‌کند که فعالیت‌های آن‌ها، ممکن است قیمت‌ها را از سطوحی که با مبانی عرضه/تقاضا توجیه پذیر است منحرف کند. در این موقعیت، آربیتراژ نقد و حمل قیمت‌ها را به سطحی که براساس عوامل بنیادی بازار قابل توجیه است باز می‌گرداند.آخر اینکه برای ایجاد پیوندهایی میان تأمین مالی و مدیریت ریسک قیمت در موافقت‌نامه‌های تأمین مالی و همچنین در قراردادهای تحویل فیزیکی راه‌های متعددی هست. نمونه‌ای از هر یک از این راه‌حل‌ها توسط وارانگیس و لارسن (۱۹۹٦) ارائه شده است. نخستین راه، مرتبط ساختن شرایط بازپرداخت وام تولیدکننده به قیمت کالای مورد نظر با استفاده از ابزارهای مشتقات است: اگر قیمت‌ها کاهش بیابند، تولیدکننده بهره‌ی کمتری پرداخت می‌کند و بالعکس. دومین شیوه، در حالتی به‌کار می‌رود که یک صادرکننده و یک خریدار بر سر قیمت ثابتی برای حجم معینی از یک کالا توافق می‌کنند. آنگاه خریدار خط اعتباری را برای صادرکننده ایجاد می‌کند که بعد از انجام صادرات به اتمام می‌رسد. در مقابل، خریدار کالا را برای تحویل در آینده می‌فروشد یا ریسک قیمت را در بازار قراردادهای اختیار معامله پوشش می‌دهد.

۶-۵ توسعه‌ی بازار

۱-۶-۵ خلاصه‌ی فرضیات تأثیر



۲-۶-۵ توجیه

در این گروه، چهار تأثیر توسعه‌ای شناسایی شده است که براساس آن، بورس‌ها می‌توانند به کشاورزان و کل بازار سود برسانند:

آگاهی بخشی، آموزش و ظرفیت‌سازی: بورس‌های کالا از وارد نمودن کاربران جدید به بازارها، از جمله کشاورزان (گروهی که به‌صورت بالقوه بزرگ و منبع بکر حجم معاملات است) سود می‌برند. با وجود این، ابتدا باید آگاهی از راه‌حل‌هایی که بورس ارائه می‌دهد افزایش یابد. استفاده‌ی اثربخش از ابزارهای مرتبط با کالا نیازمند تفاهم، تخصص و توانایی فنی است که کشاورزان و سایر فعالان بازار ممکن است از آن بی‌بهره باشند. بنابراین، بورس‌ها (اکثراً با مشارکت واسطه‌هایی همچون کارگزاران یا نمایندگان صنعت) اغلب برنامه‌های آگاهی‌بخشی، آموزش و ظرفیت‌سازی را به‌کاربران ارائه می‌دهند. در مقابل، کشاورزان از درک و استفاده از ابزارهایی که بورس‌های کالا فراهم می‌سازند منتفع می‌شوند. خدمات مدیریت ریسک، اطلاعات بازار، تأمین مالی و سایر خدمات بورس، ابزارهای بالقوه‌ای را برای ارتقای بنیادین عملکردهای بازاریابی و افزایش قدرت خویش در مقایسه با واسطه‌ها و خریداران در اختیار کشاورزان قرار می‌دهد. بدین ترتیب، برنامه‌های آموزشی که توسط بورس ارائه یا تسهیل می‌شوند می‌تواند راه‌حل برد –برد برای کشاورزان و بورس باشد.

تسهیل تجارت بین‌المللی: یک بورس کالا می‌تواند با ایجاد محفلی که در آن خریداران و فروشندگان متعدد به معامله‌ی قراردادهای مرتبط با کالا می‌پردازند به خلق بازار بپردازد. این مسئله هزینه‌های مرتبط با یافتن خریدار یا فروشنده‌ی طرف معامله را کاهش می‌دهد. این منطق شاید در مورد تسهیل تجارت بین‌المللی، خواه در سطح منطقه‌ای یا جهانی، مصداق بیشتری داشته باشد. هزینه‌های انجام تجارت بین المللی معمولاً بیشتر از تجارت داخلی است. دلیل این مسئله عواملی همچون فاصله، نابرابری‌های اطلاعاتی عمیق‌تر، موانع تجارت، تفاوت در عملکردهای تجاری، و تفاوت‌های فرهنگی و زبانی است. یک بورس کالا به‌عنوان کانون معاملات در یک منطقه جغرافیایی یا سرزمینی می‌تواند در ایجاد شیوه‌هایی برای مبادلات فرامرزی و ایجاد پیوندهایی میان فعالان بخش کالا در سرزمین‌های مختلف جایگاه مناسبی داشته باشد و بدین ترتیب، یکپارچگی منطقه‌ای و مبادلات جنوب –جنوب را تشویق می‌کند.

روزآمدسازی و ارتقای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات: در ده سال گذشته شاهد گذار فزاینده از معاملات حراج برمبنای حضور فیزیکی کاربران بازار در تالار معاملاتی بورس به‌سوی معاملات الکترونیکی از راه دور توسط کاربران هستیم. اتخاذ

و ارتقـــای فناوری‌های تأمین مالی و معاملاتی اکنون از اولویت‌های نخســـت بورس‌های کالای سرتاسر جهان است. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از پتانسیل افزایش سرعت و کارایی عملکرد بازار و کاهش هزینه‌های افزایش حجم معاملات و توســـعه محصولات جدید برخوردار است. علاوه‌بر این، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات امکان‌هایی را برای یکپارچه‌سازی خدماتی که قبلاً به‌صورت پراکنده ارائه می‌شدند، در چارچوب بسته‌های خدمات ایجاد می‌کنند. مهم اینکه فناوری‌هـــای اطلاعات و ارتباطات به بورس‌ها امکان می‌دهند تا بر موانع دسترســـی به بازار که در برابر کشاورزان خرده‌پا قراردارد و ناشی از فاصله‌ی جغرافیایی و ضعف زیرســـاخت‌های فیزیکی اســـت غلبه کنند. علاوه‌بر این، با گســـترش دسترسی به بازارهایی که قبلاً به حاشیه رانده شـــده بودند و اکنون از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند، بورس‌ها می‌توانند راه ارائه‌ی خدمات الکترونیکی دیگر را نیز بگشـــایند. ازجمله می‌توان به خدمات مشـــورتی بانکی، بیمه، آب و هوا، و مدل‌های تجارت الکترونیکی برای عرضه نهادها و تجهیزات اشاره کرد.

رشد صنعت: رشد صنعت دارای مزیت‌های مشـــروطی است که از بورس‌های کالا حمایت می‌کند. با گسترش کارگزاران و سایر واسطه‌ها (که ممکن است شعبه‌های جدیدی را در شهرها و روستاها ایجاد کنند) دسترسی کاربران جدید، ازجمله کشاورزان به بازارها و خدمـــات جدید افزایش می‌یابد. کاربران بازار ممکن اســـت قبـــلاً از طریق مجراهای غیررســـمی یا حتی غیرقانونی به خدمات مشابه دسترسی داشـــته باشند. بنابراین بورس می‌تواند به چارچوب بسیار سازمان‌یافته‌ای برای عملیات و قوانین کسب‌وکار منجر شود. گســـترش صنعت ممکن است به ایجاد اشتغال در بورس و نهادهای مرتبط با آن از قبیل کارگزاری ها، انبارها، نهادهای نظارتی و مراکز رتبه‌بندی و صدور گواهی نیز منجر شود. در برخی شـــرایط خاص، معاملات بورس می‌تواند برای دولت درآمدهای مالیاتی تولید کند. در نهایت، با طی کردن مســـیر توســـعه، یک بورس (از طریق تعامل با فعالان بازار در گفت‌گویی مســـتمر و نزدیک) به‌سرعت از موانعی که در برابر توسعه بازار قراردارد و ریسک‌های مهمی که کاربران بازار به کاهش آن‌ها علاقمندند آگاه می‌شود. بازارهای مالی به‌سرعت نوآوری می‌کنند و بورس، که با ذینفعان بخش کالا کار می‌کند، می‌تواند به‌عنوان موتوری برای تولید محصولات جدید و پویا عمل کند که برای پاســـخگویی به نیازهای فزاینده کاربران بازار سازمان داده شده‌اند.

بخش دو

مطالعه‌ی کشورها

فصل ۶- برزیل

۶-۱ توسعه‌ی تاریخی بازارهای کشاورزی و بازار کالاهای مورد بررسی

۶-۱-۱ وضعیت کشور[۱]

تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار آمریکا، به قیمت‌های جاری) سال ۲۰۰۶	۱۰۶۸	میانگین رشد تولید ناخالص داخلی ۲۰۰۶-۱۹۹۰	٪۴/۸
سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی (دلار آمریکا، به قیمت‌های جاری) ۲۰۰۶:	۵۷۱۷	رشد سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی:	٪۶۵
جمعیت (میلیون نفر) ۲۰۰۶:	۱۸۷	رشد جمعیت ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۲۷
شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۱۹۹۰ (سال ۲۰۰۰ به‌عنوان سال پایه ۱۰۰):	۰/۰۰۱	شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۲۰۰۵(سال ۲۰۰۰ به‌عنوان سال پایه ۱۰۰):	۱۵۱
تراز حساب جاری (میلیارد دلار آمریکا)۱۹۹۰:	-۳/۸	تراز حساب جاری (میلیارد دلار آمریکا):	۱۳/۶
کشاورزی- سهم از تولید ناخالص داخلی ۲۰۰۶:	٪۸	سهم کشاورزی از درآمدهای صادراتی ۲۰۰۵:	٪۲۸
کشاورزی- سهم از اشتغال در سال ۲۰۰۳:	٪۱۹	سهم ۲۰٪ فقیرترین افراد از درآمد ملی:	٪۲/۴
نرخ باسوادی بزرگسالان ۲۰۰۶:	٪۸۹	امید به زندگی در بدو تولد (سال):	۷۱
مساحت (میلیون کیلومتر مربع) در سال ۲۰۰۵:	۸/۵		

۶-۱-۲ تحولات تاریخی

بخش کشاورزی برزیل پس از جنگ، با وضعیت کلی اقتصادی و اهداف توسعه‌ی راهبردی این کشور ارتباط نزدیکی داشته است. در آغاز دوران پس از جنگ، وجه مشخصه‌ی کشاورزی برزیل عبارت بود از یک بخش صادرات تجاری که بیشتر بر قهوه، کتان، و شکر متمرکز بود و یک بخش شبه معیشتی که تولیدات آن به بازارهای داخلی ارائه می‌گردید. در مفهوم گسترده‌تر، ویژگی برزیل نابربری‌های گسترده در درآمد،

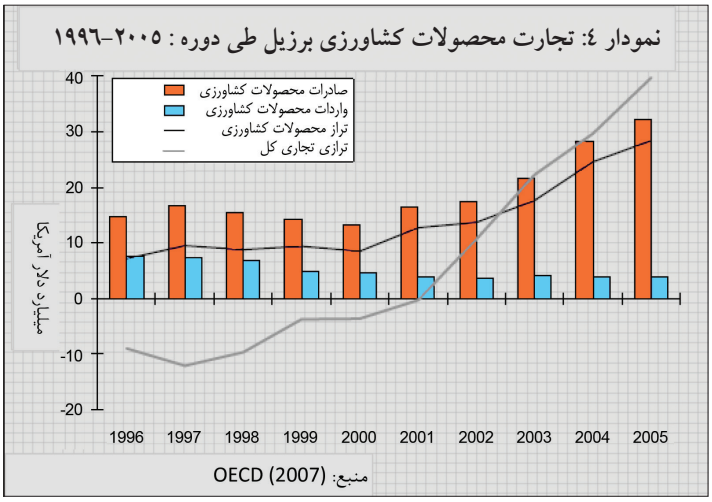
۱- منابع داده‌های بخش وضعیت کشور: تولید ناخالص داخلی، جمعیت، تورم، و داده‌های حساب‌جاری از صندوق بین‌المللی پول، بانک اطلاعات چشم‌انداز اقتصاد جهان (۲۰۰۷)؛ سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی، اشتغال و درآمدهای صادراتی از گزراش سال ۲۰۰۷ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی؛ داده‌های مساحت، امید به زندگی در بدو تولد، و سواد بزرگسالان از بانک جهانی، شاخص‌های توسعه‌ی جهانی سال ۲۰۰۶؛ سهم فقیرترین افراد از درآمد ملّی از بانک جهانی، شاخص‌های توسعه‌ی جهانی ۲۰۰۵ (نرخ میانگین سالیانه از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۳).

مالکیت دارایی‌ها و دسترسی به زمین بود. با اتخاذ سیاست‌های جایگزینی واردات در دهه ۱۹۵۰، شـــاهد اخذ مالیات آشکار از ارز خارجی که صادرکنندگان محصولات کشاورزی به‌دســـت می‌آوردند و مالیات پنهان مســـتمر بودیم که ناشـــی از پایین نگه داشتن قیمت کالاها برای حمایت از گســـترش صنعت بود. با وجود این، با گسترش کشاورزی در این کشور پهناور و مهیا شدن زمین‌های بیشـــتر برای کشاورزی، به‌ویژه برای بخش تجاری، کشاورزی به‌سرعت رشـــد کرد و بدین ترتیب نابرابری‌های موجود تقویت شد (هادسن ۱۹۹۷).

پس از به قدرت رســـیدن نظامیان در سال ۱۹٦٤، با سرازیر شدن سیل مردم به شهرها که پیامد تشـــدید راهبرد جایگزینی واردات بود، امنیت غذایی به یکی از دلمشغولی‌های عمده تبدیل شـــد. دولت در این بخش با اســـتفاده از مکانیزم‌های مختلف از قبیل کنترل قیمت‌ها، خرید و انبارســـازی گســـترده‌ی کالاها، وضع تعرفه‌های سنگین و جریان‌های بزرگ اعتبارات یارانه‌ای (شـــداد و یانک ۲۰۰٦) به شـــدت دخالت می‌کرد. همچنین در زمینه‌ی پژوهش و گســـترش زیرساخت‌ها نیز ســـرمایه‌گذاری سنگینی انجام شد؛ در این زمان افزایش بهره‌وری جایگزین توسعه زمین به‌عنوان اولویت نخست دولت برای افزایش رشد کشاورزی گردید (هادسن ۱۹۹۷).

بحـــران بدهی‌ها که در دهه‌ی ۱۹۸۰ آمریکای لاتین را در کام خود فروبرد ســـطوحی از تورم را در پی داشـــت که ثبات را برهم می‌زد و به توقف رشـــد اقتصادی منجر شـــد. دولت مجبور شـــد دخالت‌های خود را در بخش کشـــاورزی به شـــدت کاهش دهد و قیمت‌گذاری‌هـــای حمایتی، اعتبـــارات یارانه‌ای و برنامه‌های ســـرمایه‌گذاری در بخش عمومی را متوقف کند و بدین ترتیب، تور ایمنی را که برای این بخش گســـترده شده بود به میزان چشمگیری کاهش دهد. اصلاحات ساختاری که به دنبال این سیاست‌ها آغاز شد به کنترل‌زدایی و آزادسازی گسترده‌ی کشاورزی برزیل در جنبه‌های سیاست‌های تجاری، بازاریابی، تأمین مالی و مالیاتی منجر شـــد. از اوایل تا میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ برزیل شـــاهد فشار شـــدید برای دگرگون ساختن این کشور و تبدیل آن به یکی از اقتصادهای مبتنی‌بر صادرات محصولات کشـــاورزی خوراکی بود. درنتیجه، در این دوره شـــاهد دگرگونی چشمگیر در تراز تجارت محصولات کشاورزی بودیم (به نمودار ٤ نگاه کنید).

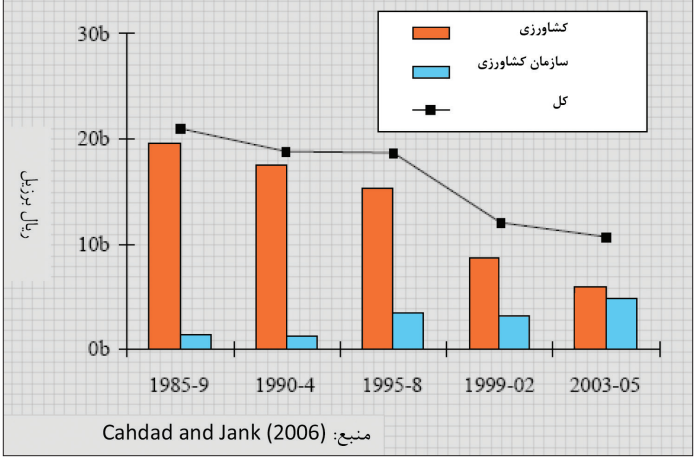
نمودار ٤: تجارت محصولات کشاورزی برزیل طی دوره : ۲۰۰۵-۱۹۹٦



منبع: OECD (2007)

ولی از سال ۱۹۹۵، دولت آقای کاردوسو تغییر چشمگیری را در اولویت‌های کشاورزی دولت ایجاد کرد. در واکنش به فقر روستایی مستمر و نابرابری دسترسی به منابع که یکی از شدیدترین نابرابری‌ها در سطح جهان است (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۷)، اصلاحات ارضی و توسعه‌ی کشاورزان خرده‌پا یا کشاورزی خانوادگی در کانون توجه قرار گرفت. این مسئله در سهم فزاینده‌ی منابع عمومی که به سمت سازمان کشاورزی هدایت می‌شد نمایان است (یک نهاد دولتی که با تقسیم زمین و اسکان مجدد روستاییان فاقد زمین ارتباط داشت) (به نمودار ۵ نگاه کنید).

نمودار ۵: هزینه‌های دولت برزیل در بخش کشاورزی طی دوره: ۲۰۰۵-۱۹۸۵



منبع: Cahdad and Jank (2006)

فعالیت‌های دولت برای حمایت از اسکان مجدد روستاییان فاقد زمین شامل تخصیص زمین به نیازمندان و ایفای نقشی فعال در توسعه‌ی زیرساخت‌ها، ارائه خدمات توسعه و اعتبار با نگاهی به ایجاد نهادهای تولیدکننده‌ی زیست‌پذیر است. تأسیس وزارت توسعه‌ی کشاورزی در سال ۲۰۰۰ به موازات وزارت کشاورزی و آغاز دومین برنامه‌ی ملّی اصلاحات کشاورزی در سال ۲۰۰۳ از دیگر اقدامات دولت بود. نکته مهم این است که دولت می‌خواست بدون به چالش کشیدن ثبات اقتصادی کلانی که برزیل سرانجام در هزاره جدید به آن دست یافت، از تجاری‌سازی بخش کشاورزان خرده‌پا/ خانوادگی حمایت کند. بدین منظور، طیفی از ابزارهای مبتنی‌بر بازار مبتکرانه ولی پیچیده‌ی خرید، حمایت از قیمت‌ها، اعتبار و بیمه ایجاد شد. دولت همچنین تمرکز مجدد بر پژوهش‌های کشاورزی را آغاز کرده و در مذاکرات تجاری بین‌المللی برای گسترش دسترسی به بازار، فعالانه عمل کرده است (شداد و یانک ۲۰۰۶).

با وجود تمرکز دولت بر فقرا، بخش تجاری نیز دگرگونی انقلابی‌ای را تجربه کرده است. ورود شرکت‌های بین‌المللی بزرگ محصولات خوراکی کشاورزی (و سرمایه‌گذاری چشمگیر آن‌ها) با تحکیم سریع جایگاه آنان در میان فراوران و خرده‌فروشان همراه بوده است. از یک سو، این مسئله درآمد، اشتغال و درآمدهای صادراتی و همچنین مدرن‌سازی عملکردهای بخشی و سرمایه‌بری فعالیت‌ها را به شدت افزایش داد و از سوی دیگر، یکپارچه‌سازی زنجیره‌های عرضه، کشاورزان را در معرض بازارهایی قرار داده است که از نظر کیفیت و ایمنی محصولات غذایی سخت‌گیرانه‌تر هستند، از تمرکز و هماهنگی عمودی بیشتری برخوردارند و در برابر رقابت بین‌المللی بازتر هستند"(شداد و یانک ۲۰۰۶:۲۹).

به‌طور بالقوه، "برزیل، با منابع سرشار آب و زمین‌های قابل کشاورزی می‌تواند بسیاری از محصولات کشاورزی مورد نیاز چین، هند، و سایر کشورهای درحال توسعه را تولید کند" (شرکت بونژ، ۲۰۰۶:۳). با وجود این، چالش‌های بزرگی همچنان باقی می‌ماند. درحالی‌که دومین برنامه‌ی ملّی اصلاحات کشاورزی هدف منتفع ساختن مستقیم یک میلیون خانواده و سود رساندن غیرمستقیم به پنج میلیون خانواده دیگر را دنبال می‌کند، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی بر این باور است که بعید است اصلاحات ارضی و سیاست‌های قیمتی و اعتباری مورد نظر، بتوانند ساختار بسیار متمرکز و دوگانه تولید در برزیل را دگرگون کنند (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۷). ضعف زیرساخت‌ها، به‌ویژه در شبکه‌های حمل‌ونقل و تدارکات که باید در سرتاسر این سرزمین پهناور کشیده شوند یکی از تنگناهای مهم است و این درحالی است که دسترسی به

اعتبارات نیز از محدودیت‌های عمده است (با وجود ثبات بیشتر دراقتصاد کلان، نرخ‌های بالای بهره همچنان ادامه دارد) (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۵). علاوه‌بر این، تعادل میان رشـــد کشاورزی و حفاظت از محیط‌زیســـت، به‌ویژه جنگل‌های بارانی آمازون، هنوز یکی از معضلات اساسی سیاست‌های برزیل است (کاتانگو ۲۰۰۲).

۶-۱-۳ خلاصه‌ی چالش‌های اصلی کشاورزی در گذر زمان

- ایجاد بخش کشاورزی‌ای که از توانایی رقابت در عرصه‌های بین‌المللی برخوردار باشد
- پرداختن به نابرابری‌های گسترده و دوگانگی ریشه‌دار در این بخش.
- تحکیم و تجاری‌سازی بخش کشاورزان خرده‌پا.
- اجرای کارکردهای حمایتی دولت از طریق عملیات پایدار به رهبری بخش خصوصی.
- گسترش بازارهای صادراتی اصلی به‌ویژه در آسیا و سایر کشورهای درحال توسعه.

۶-۱-۴ کالاهای مورد مطالعه: قهوه، و دام زنده

(الف) قهوه

ویژگی‌ها و فرایند صنعت

قهوه‌ی عربی یکی از گونه‌های قهوه است که بومی اتیوپی است و در مقایسه با قهوه ربوستا (گونه عمده‌ی دیگر قهوه که با اهداف تجاری کشت می‌شود) دارای کافئین کمتری است. بنابراین، اکثر قهوه‌های مرغوب از قهوه‌ی عربی تولید می‌شوند. نوع تجاری گیاه قهوه معمولاً تا ارتفاع ۵ متر رشد می‌کند و تقریباً ۷ سال طول می‌کشد تا رشد آن کامل شود، ولی از سه تا چهار سالگی میوه می‌دهد. قهوه‌ی خام از دانه‌های این گیاه گرفته می‌شود. کشت این گیاه دشوار و در برابر شرایط جوی و تکنیک کاشت حساس است و بنابراین میزان تولید آن بین نیم تا ۵ کیلوگرم متفاوت است. در اکثر شرایط، گیاه قهوه در فصل زمستان برداشت می‌شود ولی در برخی شرایط ایده‌آل، می‌توان محصول آن را در سرتاسر سال برداشت کرد. معمولاً قهوه در ارتفاع ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ متری رشد می‌کند ولی می‌تواند خود را با ارتفاعات پایین‌تر یا بالاتر از این هم تطبیق دهد. دانه‌های قهوه معمولاً با دست چیده می‌شوند. ابتدا گوشت آن را جدا می‌کنند و بعد، آن را تخمیر می‌کنند. بعد از خشک کردن و انبارسازی، دانه‌های قهوه را برشته و عمدتاً برای درست کردن نوشیدنی مصرف می‌کنند، ولی در برخی از غذاهای دیگر نیز از آن استفاده می‌شود.

ساختار صنعت و زنجیره‌ی عرضه

قهوه، صنعتی جهانی اســـت. بخش عمده‌ی محصول این صنعت در مناطق گرمســـیر کشـــورهای درحال توسعه تولید می‌شود و بسیاری از کشاورزان خرده‌پا برای امرار معاش به این محصول متکی هستند. درمقابل، چهار شرکت که در زمینه برشته کردن دانه‌های قهوه فعالیت دارند (کرافت، نستله، پراکتر و گمبل، و سارا لی) در کشورهای توسعه یافته مستقر هستند و بیش از ۵۰ درصد از تولید سالیانه‌ی جهان را خریداری می‌کنند.



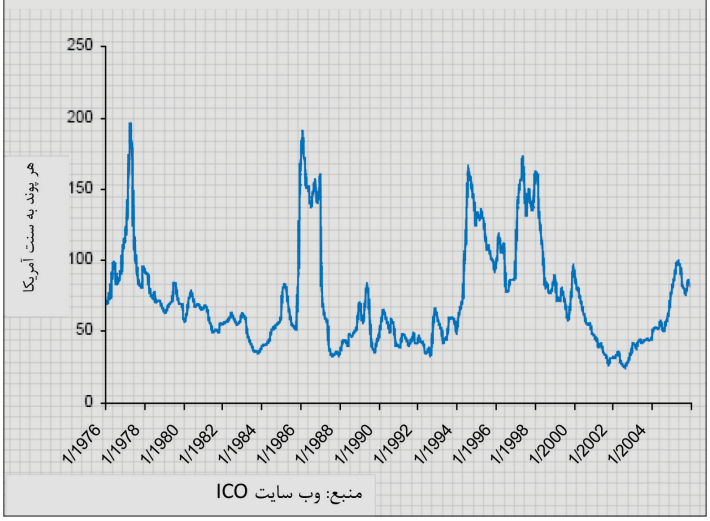
قیمت‌ها برای کشـــاورزان قهوه دارای نوسانات شدیدی است (به نمودار ٦ نگاه کنید). این نوسان با ساختار نامتقارن بازار تشدید می‌شود که بر اثر آن، کاهش‌های شدید در قیمت جهانی معمولاً به کاهش‌های مشـــابه در قیمت‌هایی که کشـــاورزان دریافت می‌کنند منجر می‌شـــود. با وجوداین، سود ناشـــی از افزایش قیمت کاملاً به آن‌ها منتقل نمی‌شود (تحلیل آنکتاد، برمبنای داده‌های سازمان بین‌المللی قهوه[1]). درنتیجه، قهوه یکی از کالاهای اصلی بوده است که برای آن، تجارت عادلانه و پایدار در صدر اولویت‌های توسعه قرار گرفته است.

برزیل بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده‌ی قهوه اســـت و براســـاس آمار ســـازمان بین‌المللی قهوه، ۳۰درصد از تولید و ۲۸درصد از صادرات قهوه‌ی جهان را در دست دارد. ویتنام، دومین تولیدکننده و صادرکننده‌ی قهوه، ۱۳ درصد از تولید و ۱۵ درصد از صادرات قهوه جهان را در دســـت دارد. ارزش ناخالص تولید قهوه‌ی برزیل در سال ۲۰۰٦ تقریباً ۵ میلیارد دلار آمریکا بود (حدود ٦/۵ درصد کل درآمد کشـــاورزی کشور). زنجیره‌ی تولید قهوه ٦/٦ درصد از صادرات کالاهای تجاری کشـــاورزی در سال ۲۰۰٦ را تشکیل می‌دهد (در مقایسه با ۱۱/۵ درصد در سال ۱۹۹۵)[2].

1- International Coffee Organization (ICO)

۲- در کتاب حاضر، تجارت کالاهای کشاورزی تولید، فراروی و کاربری صنعتی را در بر می گیرد.

نمودار ٦: قیمت دریافتی کشاورزان قهوه عربی در برزیل طی دوره: ۲۰۰۵-۱۹۷٦



تولید قهوه‌ی برزیلی (قهوه‌ی عربی و روبوستا – کونیلون) در ایالت‌های میناس گرایس، اسپیریتو سانتو و سائوپولو متمرکز است. براساس داده‌های شرکت ملّی عرضه‌ی مواد خوراکی[1] این ایالت‌ها به ترتیب ۵۱/۷، ۲۱/۹، و ۱۰/۵ درصد از برداشت قهوه در سال‌های ۲۰۰٦ و ۲۰۰۷ را به خود اختصاص داده‌اند. قهوه‌ی عربی تقریباً ۷۰ درصداز کل تولید قهوه در برزیل را تشکیل می‌دهد و کونیلون که عمدتاً در ایالت اسپیریتو سانتو تولید می‌شود، ۳۰ درصد باقیمانده را به خود اختصاص داده است.

توسعه صنعت

قهوه یکی از مهمترین کالاهای اساسی جهان است. اقتصاد قهوه از زمان شکست موافقت‌نامه بین‌المللی قهوه در سال ۱۹۸۹ شاهد نوسان و بحران بوده است (اوسوریو ، ۲۰۰٤). کمبود عرضه باعث افزایش نسبی قیمت‌ها در میانه دهه ۱۹۹۰ شد. ولی این مسئله به نوبه‌ی خود افزایش شدید عرضه را در پی داشت. مهمترین تحول، رشد سریع ویتنام به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده بود که صادرات آن از صفر در سال ۱۹۸۰، به ۱/۱ میلیون کیسه در سال ۱۹۹۰، و ۱٤/٦ میلیون کیسه در سال ۲۰۰۰ رسید (داده‌های سازمان بین‌المللی قهوه) که پس از برزیل در جایگاه دوم قرار دارد.

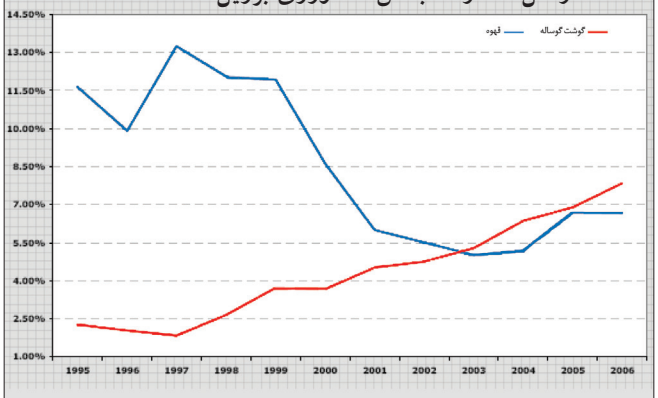
1- National Company of Food Supply (CONAB)

براســـاس داده‌های وزارت کشـــاورزی ایالات متحده آمریکا، تولید قهوه‌ی برزیل در سال زراعی ۲۰۰۸–۲۰۰۷ به ۳٦/۲ میلیون کیسه خواهد رسید. انتظار می‌رود تولید این محصول در مقایسه با برداشت سال زراعی ۲۰۰۷–۲۰۰٦ به میزان ۲۲/۵ درصد کاهش یابد. این کاهش ناشی از ماهیت دوسالانه درختان قهوه است که یک سال پرمحصول و یک سال کم‌محصول را دربر میگیرد. تولید کمتر در سال زراعی ۲۰۰۸ –۲۰۰۷ موجودی انبارها را جذب می‌کند و احتمالاً این موجودی را از ۹/۱ میلیون کیسه در آغاز دوری برداشت، به تقریباً ٤ میلیون کیسه می‌رساند.

کاربران و کاربردها

قهوه به‌صورت فراوری شده و خام برای مصرف به‌عنوان نوشیدنی و همچنین به‌عنوان یکی از اجزای برخی از مواد خوراکی به‌کار می‌رود. براساس داده‌های سازمان بین‌المللی قهوه، قهوه‌ی صادراتی برزیل از ســـال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ حدود ۷۰ درصد از تولید این محصول در این کشـــور (تقریباً ۲٤/۹ میلیون کیســـه در سال) را تشکیل می‌داده است. حجم صادرات و نسبت تولیدی که صادر می‌شـــود از دهه ۱۹۷۰ افزایش یافته است. میانگین صادرات از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹، ۵۸ درصد (تقریباً ۱۱/۳ میلیون کیسه در سال) بوده است. سهم برزیل از صادرات جهانی نیز به ســـرعت رشد کرده و از میانگین ۲۰ درصد بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹، به ۲۸ درصد از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ افزایش یافته است. از سوی دیگر، سهم قهوه از صادرات محصولات کشاورزی برزیل از اواخر دهه ۱۹۹۰ به شدت کاهش یافته است (به نمودار ۷ نگاه کنید). این مسئله به جای زوال صنعت قهوه‌ی برزیل، نمایانگر رشد و تغییر ساختار چشمگیر کشاورزی برزیل بوده است.

نمودار ۷: روند سهم صادرات قهوه و گوشت گوساله از کل صادرات بخش کشاورزی برزیل: ۲۰۰٦–۱۹۹۵



منبع: اداره بازرگانی خارجی (SECEX)/ وزارت توسعه، صنعت و تجارت خارجی (MDIC)

بازارهای صادراتی اصلی قهوه آمریکای شمالی و اروپا هستند و ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰٤، ۲۰ درصد از واردات قهوه‌ی جهان را به خود اختصاص داده بود. در همین دوره، آلمان با ۱۵ درصد و ژاپن و ایتالیا با ٦ درصد در جایگاه‌های بعدی واردکنندگان قهوه ایستاده بودند. از نظر تقاضا، تکامل اقتصاد قهوه در کشورهای واردکننده الگویی کاملاً متفاوت و در واقع بسیار مثبت را نشان داده است. در این صنعت شکوفا شده، محصولات جدیدی ایجاد شـــده‌اند، ارزش بازار خرده‌فروشی بیش از دو برابر شده است و سود نیز افزایش یافته است (اوسوریو ۱:۲۰۰٤). شـــاید این فرایند به بهترین وجه در افزایش زنجیره‌های خرده‌فروشی تخصصی قهوه که عمدتاً در آمریکای شـــمالی و اروپا ریشـــه دارند ولی به‌نحو روزافزونی گستره‌ی جهانی خود را افزایش می‌دهند نمایان باشد. این زنجیره‌ها کمیت قهوه‌ی مصرفی و آگاهی مصرف‌کنندگان، از جمله مصرف‌کنندگان عمده‌ی بازار از کیفیت را افزایش داده‌اند.

(ب) گاو زنده

ویژگی‌ها و فرایند صنعت

در برزیل دو نژاد گاو وجود دارد: بو توروس(گاوی که منشا اروپایی دارد ولی اکنون در سرتاسر جهان یافت می‌شود) و بوزیندیکوس (زبو یا گاو کوهان دار) که معمولاًدر نواحی گرمســـیری از جمله آفریقا، آسیای جنوبی و (از اوایل سده بیستم) برزیل زندگی می‌کنند. پیشینه‌ی پرورش گاوهای اهلی شاید به دوران نوسنگی بازگردد و از طریق تولید گوشت یا محصولات لنبی، به‌عنوان منبعی برای محصولات پوســـت و چرم یا حیوان بارکش برای حمل یا کار در مزرعه به امرار معاش جوامع کشـــاورز در سرتاســـر جهان کمک می‌کرده است. گله‌های بزرگ گاو معمولاً در چراگاه‌های وسیع و تخصصی و گله‌های کوچک‌تر بر روی زمین‌های کوچک‌تری پرورش می‌یابند که تنها مخصوص چرای دام نیستند.



ساختار و زنجیره‌ی عرضه صنعت

برزیل با ۱۸۰ میلیون راس گاو، پس از هند دارای بزرگ‌ترین گله‌ی گاو در جهان است. این کشور بزرگ‌ترین صادرکننده و دومین تولیدکننده‌ی گوشت گاو پس از ایالات متحده آمریکا نیز می‌باشد. ارزش ناخالص تولید گوشت گاو این کشور در سال ۲۰۰۶ تقریباً ۱۴ میلیارد دلار آمریکا (حدود ۱۷/۷ درصد از کل تولیدات کشاورزی این کشور) بود.

این گله‌ها در چندین ایالت پراکنده و بیشتر در منطقه‌ی مرکزی برزیل متمرکز هستند. در حال حاضر این گله‌ها به ترتیب زیر در میان ایالات مختلف تقسیم شده‌اند: (۱) ایالت ماتوگروسو ۱۲/۹ درصد، (۲) ماتو گروسو دو سول ۱۱/۸درصد، (۳) میناس گریاس ۱۰/۳ درصد، و (٤) گویاس ۱۰ درصد. در منطقه شمالی برزیل، ایالات اصلی تولیدکننده ایالت‌های پارا با ۸/۷ درصد، و راندونیا با ۵/۵ درصد هستند، درحالی‌که در منطقه‌ی جنوب، ایالت ریوگراند دو سول ٦/۹ درصد از گله‌های ملی را در خود جای داده است (که اکثراً از نژاد اروپایی هستند). اگرچه تعداد گاوهای سائوپولو به ٦/۵ درصد کل گاوهای این کشور کاهش یافته، بخش‌های فراوری و صادرات گوشت گاو این ایالت هنوز در کشور مهمترین هستند.

توسعه‌ی صنعت

زنجیره‌ی تولید گاو زنده ۷/۸ درصد از صادرات تجاری بخش کشاورزی در سال ۲۰۰٦ را تشکیل می‌داده است. درحالی‌که این میزان در سال ۱۹۹۵ برابر با ۲/۳ درصد بوده است (به نمودار ٦ نگاه کنید). این امر نمایانگر تغییرات عمیق در پیکربندی کشاورزی تجاری برزیل است که سبب گردیده است اهمیت گوشت گاو (و مرغ و خوک) به‌عنوان صادرات کشاورزی به‌سرعت افزایش یابد. از سال ۱۹۹٤، گله‌های ملی ۲٤ درصد، حجم صادرات ٤۵۰ درصد، و ارزش صادرات نیز ۳۸۵ درصد افزایش یافته است (مجله Choices، ۲۰۰٦). اخیراً سهم این بخش از صادرات، از ۱۰/۸ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۲۱/۸ درصد در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است (به جدول ۲ نگاه کنید). یکی دیگر از شیوه‌های کمّی سازی این حرکت به‌سوی بازارهای خارجی، توجه به این نکته است که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷، تولید به میزان ۳۲ درصد افزایش یافته و مصرف داخلی تنها ۱٦ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که صادرات ۱٦۵ درصد افزایش پیدا کرده است.

جدول ۲: آمارهای عرضه و تقاضای گوشت گاو برزیل، ۲۰۰۷-۲۰۰۱ (هزار تن)

سال	تولید	صادرات	مصرف داخلی	سهم از صادرات
۲۰۰۱	۶۸۹۵	۷۴۸	۶۱۹۱	٪۱۰/۸
۲۰۰۲	۷۲۴۰	۸۸۱	۶۴۳۷	٪۱۲/۲
۲۰۰۳	۷۳۸۵	۱۱۷۵	۶۲۷۳	٪۱۵/۹
۲۳۳۴	۷۹۷۵	۱۶۲۸	۶۴۰۰	٪۲۰/۴
۲۰۰۵	۸۵۹۲	۱۸۶۷	۶۷۷۴	٪۲۱/۷
۲۰۰۶ *	۸۸۵۰	۱۹۴۵	۶۹۳۵	٪۲۲/۰
۲۰۰۷**	۹۱۲۰	۱۹۸۵	۷۱۸۰	٪۲۱/۸

* مقدماتی **برآورد منبع: USDA

این افزایش سطوح بهره‌وری و صادرات صنعت گاوداری برزیل ناشی از آمیزه‌ای از عواملی همچون اصلاح ژنتیک، برنامه‌های اعتباری یارانه‌ای برای حمایت از صنعت از جمله صندوق‌های ویژه‌ی حفاظت از مراتع، ماشین آلات مزارع، زیرساخت‌های انبارش و آبیاری و ترویج گوشت گاو برزیلی در کشورهای خارجی توسط انجمن فراوری‌کنندگان و صادرکنندگان گوشت گاو برزیل[1]، با همکاری سازمان ملّی توسعه صادرات[2] بود (مجله Choices, ۲۰۰۶). مکان فیزیکی گله‌های ملی گاو در نقشه‌ی جدید تجارت کشاورزی برزیل نمایان است که در آن، تولید به‌سوی مناطق مرکزی، غربی و شمالی برزیل حرکت کرده و در ایالات پارا، راندونیا، و توکانتینس متمرکز شده است. توسعه‌ی سریع گله‌های گاو در این مناطق نتیجه‌ی مستقیم افزایش قطعات زمین در مناطق شهری‌تر جنوب و رقابت بر سر مراتع است که به‌نحو روزافزونی به سمت سایر محصولات پرسود هدایت می‌شود. یکی دیگر از عواملی که در این میان نقش دارد این است که صنعت فراوری گوشت، عملیات خود را به نواحی غربی و شمالی منتقل کرده و بدین ترتیب هزینه‌های سنگین حمل دام در فواصل طولانی برای کشتار را حذف کرده است.

با وجوداین، گسترش صنعت گاوداری برزیل با محدودیت‌های بزرگی روبروست. ازجمله می‌توان به عوامل اجتماعی، زیست محیطی و بهداشتی اشاره کرد. جنبش اصلاحات کشاورزی به دنبال دگرگون ساختن اولویت‌های کاربری زمین است و بر اسکان کارگران یا دهقانان بی‌زمین تأکید دارد، درحالی‌که حفاظت از جنگل‌های بارانی آمازون یکی از الزامات زیست محیطی اصلی است. صنعت گاوداری با چندین موج بیماری‌های پا و دهان نیز مواجه شد. این مسئله دسترسی به بازارهای بزرگی از قبیل ایالات متحده آمریکا را محدود کرد. کنترل کیفی و قابلیت ردگیری چالش‌های اصلی این صنعت هستند (مجله Choices، ۲۰۰۶).

1- The Brazilian Beef Processors and Exporters Association
2- National Export Promotion Agency

کاربران و کاربردها

گاو زنده به‌عنوان منبعی برای گوشـــت، محصولات لبنی و پوست/چرم به‌کار می‌رود. صنعت فراوری در زمینه کشتار، فراوری و توزیع گوشت برای مصارف انسانی، مستقیماً از طریق خرده‌فروشان و رستوران‌ها، یا به‌طور غیرمستقیم از طریق فراورندگان و تولیدکنندگان کالاهای خوراکی فعالیت دارد. انتظار می‌رود صادرات به چین، رشد این صنعت را تسریع کند، چون ســـطح درآمد و ذائقه‌ی مشـــتریان چینی رو به افزایش است. صنعت لبنیات در زمینه‌ی تولید شـــیر و مواد غذایی برگرفته از شیر، از قبیل پنیر، کره و بستنی فعالیت دارد. صنعت پوست و چرم در زمینه‌ی دباغی پوست این حیوانات فعالیت دارد که به‌عنوان یکی از نهاده‌های صنایع پوشـــاک و کفش، لوازم منزل و دکوراسیون به‌کار می‌رود. صنعت چرم در برزیل حدود ۲۱ میلیارد دلار گردش ســـرمایه دارد، برای ۵۰۰۰۰۰ نفر اشـــتغال ایجاد می‌کند، و درآمد حاصل از صادرات چرم و کفش در ســـال ۲۰۰۶ حدود ٤/٥ میلیارد دلار بوده است (مجله برزیل، ۲۰۰۷).

خلاصه: ویژگی‌های برجسته‌ی بازار فیزیکی

- کالاهایی بسیار رقابتی که در سطح جهان معامله می‌شوند، همراه با رقابت میان کشورهای متعدد تولیدکننده و صادرکننده برای عرضه به طیف گسترده‌ای از بازارهای وارداتی
- صنعت صادرات کالاهای مهمی که به دلیل منابع جدید رشـــد تقاضا، رشـــد بسیار سریعی دارد (به‌ویژه صنعت دام)
- نوسان چشمگیر قیمت‌ها به‌ویژه برای قهوه
- عوامل بیرونی که طیفی از چالش‌های اجتماعی، زیســـت محیطی و بهداشـــتی را در برابر این صنعت ایجاد می‌کند
- قهوه: تولید گسترده توسط کشاورزان خرده‌پا

۲-۶ ظهور بورس و توسعه قراردادها -بورس کالا و معاملات آتی برزیل (BM&F)

سال تأسیس: ۱۹۸۵	محل: سائوپولوی برزیل
ابزارهای معامله شده: (۱)در بورس BM&F: قراردادهای آتی و اختیار معامله مالی (شاخص سهام، نرخ بهره، ارز)؛ قراردادهای آتی و اختیار معامله کالا ازجمله قراردادهای خرد؛ ثبت قراردادهای سواپ و اختیار معامله فرابورس؛ اوراق قرضه‌ی دولتی؛ ثبت و مزایده حق انتشار کربن (۲) در بخش بورس کالای BM&F : معاملات نقدی کالای فیزیکی؛ ثبت پیمان‌های آتی؛ و بازار فرعی برای ابزارهای تأمین مالی روستایی/ اوراق بهادار بخش کشاورزی	کالاهای معامله شده: ۱۱- الکل خالص، قهوه‌ی عربی، قهوه‌ی روبوستا کونیلون، ذرت، کتان، شکر، اتانول، چارپایان پرواری، طلا، دام زنده، دانه‌ی سویا

سال تأسیس: ۱۹۸۵	محل: سائوپولوی برزیل
مالکیت: سازمان غیرانتفاعی متعلق به اعضا (قرار است در اواخر سال ۲۰۰۷، این شرکت در بورس سهام پذیرفته شود)	سیستم معاملاتی: تالار معاملات مزایده و سیستمهای معاملات الکترونیک شامل سیستم معاملات جهانی (GTS) برای همه بازارهای مشتقات و معالات اینترنتی (WTr)، سکوی سفارشی برای معامله قراردادهای خرد
اتاق پایاپای: سه اتاق پایاپای داخلی ازجمله اتاق پایاپای تخصصی مشتقات	ناظر بازار: سی‌وی‌ام (Comissao de Valores Mobiliarios) و بانک مرکزی برزیل
حجم کل قراردادهای آتی و اختیارات در سال ۲۰۰۶: ۲۸۳/۶ میلیون	حجم معاملات قراردادهای آتی کالا در سال ۲۰۰۶: ۱/۵ میلیون
رتبه میان بورس‌های معاملات آتی جهان (بر مبنای حجم کل معاملات مشتقات) در سال ۲۰۰۶ از نظر موسسه صنعت قراردادهای آتی[۱]: ۹	رتبه‌بندی جهانی این بورس از نظر آنکتاد در سال ۲۰۰۶: ۲۲(رتبه میان بورس‌های کالایی - با در نظر گرفتن فقط حجم معاملات مشتقات کالایی)

بـــورس کالا و معامـــلات آتی برزیل بزرگ‌ترین و مهمترین بـــورس کالای آمریکای لاتین اســـت. ۲۹ بورس بسیار کوچک‌تر نیز در برزیل فعالیت دارند که در سرتاسر کشور پراکنده‌انـــد[۲]. این بورس‌ها در زمینه‌ی معاملات کالا برای تحویل فوری یا تحویل در آینده فعالیت دارند، ولی شـــبکه الکترونیکی‌ای که بیشتر بورس‌های کشور را با یکدیگر مرتبط می‌کند، معامله‌ی قراردادهای آتی را نیز امکان پذیر می‌کند.

بورس کالا و معاملات آتی برزیل در جولای ســـال ۱۹۸۵ تأسیس گردید و معاملات خود را از ژانویه سال بعد آغاز کرد. در ماه می سال ۱۹۹۱، این بورس برای ادغام با بورس کالای ســـائوپولو[۳] که در سال ۱۹۱۷ تأسیس شده بود موافقت‌نامه‌ای عملیاتی را امضا کرد. بورس کالای سائوپولو نخستین موسســـه‌ی برزیلی‌ای بود که معاملات پیمان‌های آتی را ارائه کرد. با گذشـــت زمان، این بورس سنتی غنی را در معامله کالاهای کشاورزی، به‌ویژه قهـــوه و گاو زنده بنیان نهاد. در ۳۰ ژوئن ســـال ۱۹۹۷، موافقت‌نامه‌ی عملیاتی دیگری با بورس برزیلی معاملات آتی ریودوژانیرو که در ســـال ۱۹۸۳ تأســـیس شـــده بود به امضا رســـید. هدف از این موافقت‌نامه تقویت بازار کالای داخلی و تحکیم جایگاه بورس کالا و معاملات آتی برزیل به‌عنوان مرکز اصلی معامله‌ی مشـــتقات در بازار مشـــترک جنوب[۴] بود که با ورود برزیل به دوران دردناک تعدیل ســـاختاری برای اعاده‌ی ثبات اقتصاد کلان اهمیت بیشـــتری می‌یافـــت. این بورس فعالیت‌های خود را بـــه ارزهای خارجی و اوراق

1- Futures Industry Association (FIA)

۲- فهرست این بورس‌ها،همراه با شبکه‌های معاملات الکترونیکی آن‌ها در پایگاه اینترنتی بانک برزیل ارائه شده است:
: http://www.agronegocios-e.com.br/leilao/informacoes.lel
از این میان، چند بورس فعال نیستند و سه چهارم آن‌ها دارای پایگاه اینترنتی نیستند.

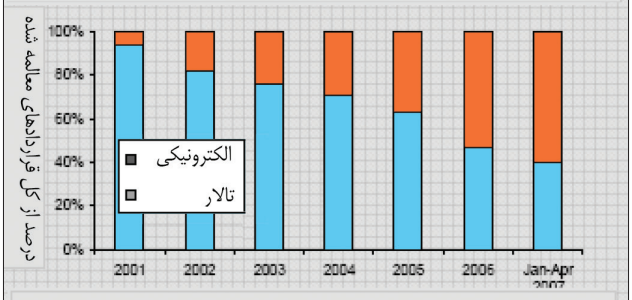
3- São Paulo Commodities Exchange (BMSP)

4- Mercosur

قرضه با درآمد ثابت نیز گسترش داد. با این ابتکارات، بورس کالا و معاملات آتی برزیل ظرفیت خود برای تبدیل شدن به اتاق پایاپای اصلی آمریکای لاتین را افزایش داد و به ارائه مجموعه‌ی یکپارچه‌ای از خدمات پایاپای ارز خارجی، اوراق قرضه و مشتقات پرداخت.

معاملات در این بورس در تالار معاملات و معاونت الکترونیک صورت می‌گیرد. در سال ۲۰۰۰ معاملات الکترونیکی نیز در این بورس از طریق سیستم معاملات جهانی[1] (GTS) آغاز شد و بنابراین در حال حاضر، معاملات به هر دو شیوه‌ی معامله در تالار بورس و معاملات الکترونیکی انجام می‌شوند. با وجود این، در سال‌های اخیر، حجم معاملات به‌سوی تالارهای الکترونیکی بورس گرایش یافته است (به نمودار ۸ نگاه کنید). در سال ۲۰۰۶، برای نخستین بار اکثر قراردادهای این بورس به‌صورت الکترونیکی معامله شد.

نمودار ۸: حرکت به سمت معاملات الکترونیکی در بورس کالا و معاملات آتی برزیل: ۲۰۰۷-۲۰۰۱



منبع: بورس کالا و معاملات آتی برزیل BM&F

بازارهای بورس کالا و معاملات آتی برزیل دارای اتاق پایاپای مشتقات داخلی هستند که ساختاری جدا از اتاق‌های پایاپای اوراق قرضه و ارز خارجی دارد. این بورس یک سازمان خصوصی و غیرانتفاعی است که مالکیت آن به اعضا تعلق دارد و براساس قوانین کشوری و مقررات کمیسیون اوراق بهادار[2] و بانک مرکزی برزیل[3] اداره می‌شود. عضویت در این بورس به چند دسته تقسیم می‌شود که براساس کارکردها و شیوه‌های دسترسی به سیستم‌های بورس با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین برخی اعضای غیرسهامدار نیز در این بورس عضویت دارند. ازجمله می‌توان به دو نوع عضویت برای شرکت کنندگانی که تنها در بازارهای کشاورزی فعالیت دارند (اعضای اتاق کارگزاران محصولات کشاورزی و

1- Global Trading System (GTS)
2- Commissão de Valores Mobiliários (CVM)
3- Banco Central do Brasil (BCB)

اعضای محلی کالاهای کشاورزی) اشاره کرد.

براســـاس ساختار اشتراکی این بورس، مجمع عمومی اعضا که هر سال دو بار تشکیل جلســـه می‌دهد عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در این بورس اســـت. اختیارات این مجمع شامل انتخاب هیئت حکام و مدیر اجرایی ارشد، تأیید بودجه و اتخاذ سایر تصمیمات مهم اســـت. مدیریت این بورس بر عهده‌ی هیئت مدیران اجرایی اســـت که در اجرای وظایف خـــود از حمایت هیئت و کمیته‌های مشـــورتی ازجمله کمیته‌هـــای تخصصی بازار که از دست‌اندرکاران صنایع کالاهای مورد معامله ازجمله قهوه و دام تشکیل شده‌اند برخوردار اســـت. به دلیل الزام به مشارکت در گســـترش و تحکیم جایگاه خود در میان بورس‌های بین‌المللی، مجمع عمومی بورس کالا و معاملات آتی برزیل در دسامبر سال ۲۰۰۶ به هیئت حکام اجازه داد تا امکان تبدیل این بورس به شـــرکت سهامی عام [1] را بررسی کنند. انتظار می‌رود این کار در اواخر سال ۲۰۰۷ محقق شود.

از زمان تأســـیس بورس کالا و معاملات آتی برزیل در سال ۱۹۸۶، کمیته‌های مشورتی محصولات، بخشی تفکیک ناپذیر از ساختار حکمرانی این بورس بوده‌اند. ازجمله می‌توان به کمیته‌های مشورتی قهوه و دام زنده اشاره کرد. این کمیته‌ها رابطه‌ای مستمر میان بورس و دست‌اندرکاران بازار را میسر ساخته‌اند که هدف اصلی آن، ارتقای رشد بازار است. بهبود قراردادها، تأثیر مالیات بر بازارهای فیزیکی و مشتقات و تأثیر سیاست‌های دولتی، برخی از موضوعاتی هستند که در این کمیته‌ها به بحث گذارده می‌شوند.

در برزیل، معاملات بورس از اوایل ســـده بیستم که برای نخستین بار در بورس کالای ســـائوپولو آغاز شد همواره قانونی بوده اســـت. با وجود این، نوسان میزان دخالت دولت در بخش کشـــاورزی دامنه فعالیت بورس در طول زمان را با تغییراتی همراه کرده اســـت. همچون ســـایر کشـــورهای آمریکای لاتین، تلاش این بورس بـــرای یافتن جایگاهی در بازارهای کالا که اغلب تحت فشار دخالت‌های دولت بوده‌اند، به ایجاد کاربردهای جدید متعدد برای مکانیزم‌های بورس منجر شـــده اســـت. برنامه‌های دولت برزیل (که از طریق وزارت کشـــاورزی و وزارت توسعه‌ی کشـــاورزی اعمال می‌شد) خدمات بسیاری را در اختیار کشـــاورزان خرده‌پا قرار داده اســـت. درنتیجه، بورس معاملات آتی کالاهای برزیل راه‌هـــای دیگری را برای ارائه خدمات به بخش تجاری و کشـــاورزان خرده‌پا ایجاد کرده است که ازجمله می‌توان به مکانیزم‌های اجرای سیاست‌های کشاورزی دولت اشاره کرد.

ابزار اصلی این کار، بورس کالای برزیل [2] بود که در آگوســـت سال ۲۰۰۲ فعالیت خود

1- Demutualization
2- Brazilian Commodity Exchange

را آغاز کرد. این سازمان بورس‌های کالای ایالت‌های سائوپولو، گویاس، ماتو گروسو دو سول، میناس گریاس، پارانا و ریو گراند دو سول و شهر اوبرلاندیا را با یکدیگر متحد و این بورس‌ها را به مراکز عملیاتی منطقه‌ای تبدیل کرد. بورس کالا و معاملات آتی برزیل خدمات پایاپای و تسویه را به این بورس جدید ارائه می‌دهد. حاصل این کار، ایجاد بازار داخلی یکپارچه برای کالاهای کشاورزی، همراه با راهکارهای مدرن کشف قیمت و ساختار سازمان یافته بازاریابی بود. بورس کالای برزیل در اکتبر سال ۲۰۰۲ معاملات خود را آغاز کرد. در سال ۲۰۰٤، مرکز عملیات منطقه‌ای دیگری در ایالت سیرا تأسیس شد و دفتر میدانی مرتبط با مرکز عملیات پارانا در فلوریانوپولیس (ایالت سانتا کاترینا) افتتاح شد.

در سپتامبر سال ۲۰۰۵، بورس معاملات آتی کالاهای برزیل واحد کربن خود را راه‌اندازی کرد. هدف اصلی این ابتکار، توسعه بازار کربن برزیل بود که مشوق‌هایی را برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ایجاد می‌کرد. این بخش از طریق سیستم الکترونیکی‌ای عمل می‌کند که برای ثبت برخط پروژه‌هایی که براساس اصول پروتکل کیوتو از پتانسیل تولید اعتبارات کربن برخوردارند طراحی شده است.

به‌طور خلاصه، دستاورد اصلی بورس کالا و معاملات آتی برزیل در شرایط محلی، تأمین ابزارها و خدماتی است که از تجاری‌سازی اقتصاد کشاورزی برزیل حمایت کرده‌اند. این هدف با اقدامات زیر تحقق یافته است:

• میسر ساختن ورود جریان موثر سرمایه به این بخش، با تأمین بازارهای جانبی برای ابزارهای تأمین مالی. بورس معاملات آتی و کالای برزیل با هماهنگی بانک مرکزی برزیل فعالیت کرده که نهاد اصلی ارائه وام‌های روستایی (در خارج از برنامه یارانه دولتی) در کشور است؛

• پوشش ریسک قیمت از طریق بازار قراردادهای آتی؛

• افزایش کارایی، شفافیت و ماندگاری سیاست‌های دولت با تأمین راهکارهای مبادله برای دخالت‌های دولت در حوزه‌های خرید و تأمین مالی؛

• یکپارچه‌سازی بازار فیزیکی محلی از طریق شعبه‌های بورس کالای برزیل؛

• تسهیل توسعه بازار صادرات از طریق فعالیت‌های مختلف در تحکیم پیوندها با چین؛

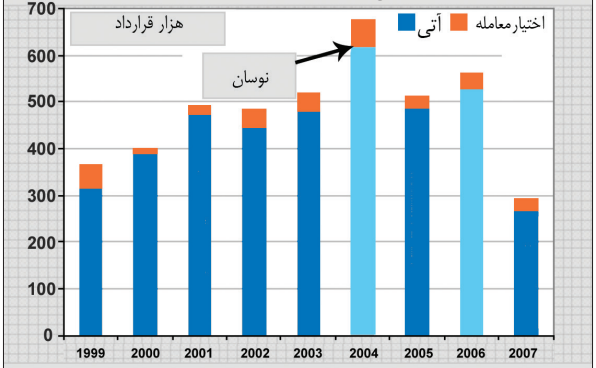
مشارکت مستقیم در بازارهای کشاورزی بورس کالا و معاملات آتی برزیل در شهرها و بخش تجارت کالاهای کشاورزی متمرکز بوده است. تا همین اواخر، بازار معاملات اختیار کالاهای کشاورزی بورس کالا و معاملات آتی برزیل کوچک بود. این بورس این چالش‌ها را دریافته و به دنبال راه‌هایی برای حل آن‌هاست. بورس کالا و معاملات آتی برزیل در زمینه‌ی یافتن فرصت‌های مرتبط با تسهیل تجارت بین‌المللی ازجمله یکپارچه‌سازی منطقه‌ای بازارهای کالای آمریکای لاتین و تحکیم پیوندهای صادرات کالاهای کشاورزی

میان برزیل و چین نیز فعال بوده اســـت. ابتکارات اصلی که اخیراً دراین ارتباط اجرا شده و در بخـــش (٤ -٦) درباره‌ی آن بحث کرده‌ایم شـــامل برنامه توزیع معاملات قراردادهای مشتقات[1] برای گسترش مشارکت در بخش کالاهای کشاورزی، ادغام (منطقه‌ای) با بورس قراردادهای آتی روســـاریو (ROFEX) آرژانتین[2] و رویه تسهیل صادرات دانه‌های سویا به چین هستند.

قهوه

قرارداد قهوه‌ی عربی از سال ۱۹۷۸در برزیل معامله شده است. این محصول ابتدا در بورس کالای سائوپولو و سپس از سال ۱۹۹۱در بورس کالا و معاملات آتی برزیل معامله می‌شد.

نمودار۹: حجم معاملات قرارداد قهوه عربی در بورس BM&F ۲۰۰۷-۱۹۹۹



منبع: بورس BM&F

قیمت قرارداد قهوه، برحســـب دلار آمریکا برای کیســـه‌های قهوه به وزن خالص ٦٠ کیلوگرم و ۱۰۰ کیســـه قهوه‌ی عربی (یا ٦ تن) با تســـویه براساس تحویل فیزیکی اعلام می‌شـــود. بورس معاملات آتی کالاهای برزیل دارای بخشی برای تحلیل و صدور گواهی طبقه‌بندی قهوه است. همه‌ی فعالانی که به تسویه معاملات خود از طریق تحویل فیزیکی علاقـــه دارند باید محموله‌های قهوه را به انبارهای مورد تأیید بورس کالا و معاملات آتی برزیل بسپارند.

در آگوست سال ۲۰۰۲، با راه‌اندازی سیستم طبقه‌بندی و تحویل فیزیکی قهوه، انبارهای مورد تأیید و اتاق‌های کارگزاری با بورس کالا و معاملات آتی برزیل مرتبط گردیده و در

1- Derivatives Distribution Agent (ADD)
2- Rosario Futures Exchange (ROFEX) of Argentina

عین حال امنیت و سرعت ارائه خدمات افزایش یافت. همه انبارهای مورد تأیید بورس به این سیستم دسترسی دارند که به آن‌ها اجازه می‌دهد درخواست‌های طبقه‌بندی و داوری را ثبت کنند و به همین ترتیب نام صاحبان کالا، تعداد کیسه‌ها و شماره محموله‌ها را ثبت کنند و به‌صورت خودکار شماره گواهی را تولید کنند. به محض درخواست سیستم، بورس معاملات آتی و کالای برزیل مهرهای دارای بارکد انبار را ارسال می‌کند که باید به قوطی‌های محتوی نمونه‌های قهوه چسبانده شود.

استانداردهای طبقه‌بندی بورس کالا و معاملات آتی برزیل براساس طبقه‌بندی رسمی قهوه برزیل و بر مبنای قوانین مربوطه هستند و معیارهای زیر را برای محموله ذکر می‌کنند:

دانه‌های سبز قهوه که در برزیل تولید شده‌اند، گونه‌ی قهوه‌ی عربی، نوع ٦ یا بهتر. این قانون چارچوب رسمی را برای طبقه‌بندی قهوه ایجاد می‌کند که از نوع ۲ (با چهار عیب) تا نوع ۸ (با ۳٦۰ عیب) را دربر می‌گیرد. قهوه‌ای که به خوبی خشک نشده باشد، با باران آسیب دیده باشد، از رطوبت آسیب دیده باشد (حداکثر رطوبت مجاز ۱۲/۵ درصد)، گل یا آفات به آن آسیب زده باشد، یا دارای طعمی باشد که برای قهوه عربی معمول نیست قابل تحویل نیست. پس از تحلیل نمونه‌های قهوه، نتایج طبقه‌بندی در سیستم الکترونیک بورس کالا و معاملات آتی برزیل ثبت می‌شوند. محموله‌هایی که دارای گواهی کیفیت مناسب برای تسویه‌ی قرارداد هستند به‌صورت ادواری توسط ناظران بورس کالا و معاملات آتی برزیل بازرسی می‌شوند که وضعیت کیسه‌ها و شرایط انبار مجاز را تأیید می‌کند. نمونه‌ها در پرونده‌های بورس معاملات آتی و کالای برزیل نگهداری می‌شوند تا بر حسب درخواست، از طریق اتاق کارگزاری، خریداران بتوانند برای تأیید کیفیت قهوه‌ای که خریداری می‌کنند آن‌ها را امتحان کنند. این نمونه‌ها تا زمانی که محموله مربوطه در انبار قرارداد در پرونده بورس باقی می‌مانند.

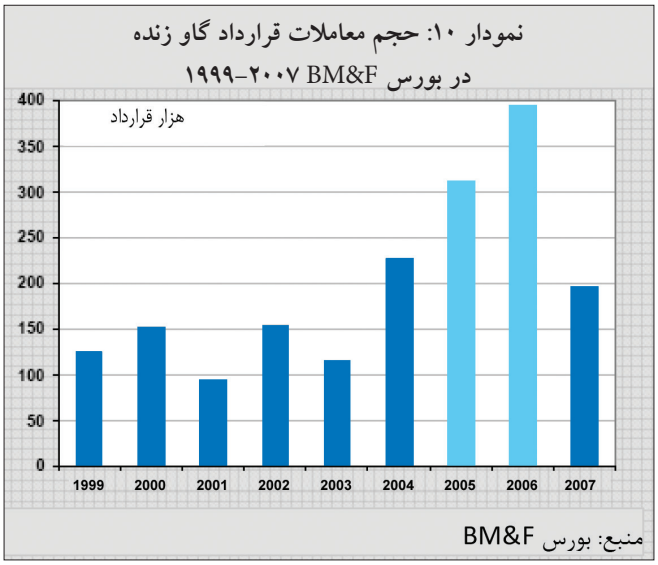
بازار معاملات اختیار قهوه‌ی عربی بازار کوچکی است ولی ممکن است ظرف مدت کوتاهی، با دریافت مجوز موسسات مالی برای تأمین مالی مشارکت تولیدکنندگان روستایی در بازارها، ازجمله از طریق پرداخت حق معامله رونق بگیرد. بورس کالا و معاملات آتی برزیل کارکنان بانک مرکزی برزیل را برای تسهیل این مبادلات آموزش می‌دهد.

دام زنده

قرارداد آتی دام زنده از سال ۱۹۸۰ در برزیل معامله می‌شود. این قرارداد ابتدا در بورس کالای سائوپولو و سپس از سال ۱۹۹۱ در بورس کالا و معاملات آتی برزیل معامله شد.

در سال ۱۹۹٤، این قرارداد از نظر شکل تسویه تغییراتی کرد. این قرارداد که تا سال ۱۹۹٤ براســـاس تحویل فیزیکی معامله می‌شـــد، از آن زمان به‌صورت نقدی و بر مبنای شاخص قیمت نقدی دام زنده که مشـــترکاً توسط کالج کشـــاورزی لوئی دو کویرو بورس کالا و معاملات آتی برزیل (ESALQ/BM&F) محاسبه می‌گردد، معامله می‌شود[1]. اکنون تسویه با تحول فیزیکی تنها در موارد خاصی مجاز اســـت که خریدار و فروشـــنده هر دو به این مسئله علاقمند باشند.

نمودار ۱۰: حجم معاملات قرارداد گاو زنده در بورس BM&F ۲۰۰۷-۱۹۹۹



منبع: بورس BM&F

شـــاخص قیمت نقدی دام زنده ESALQ/BM&F به‌گونه‌ای طراحی شـــده بود که شـــاخص قیمت نقدی در ایالت سائوپولو باشد. این شـــاخص به‌صورت روزانه محاسبه می‌شـــود و بر مبنای میانگین وزنی قیمت‌های دام زنـــده در چهار منطقه‌ای که بزرگ‌ترین تولیدکننده در این ایالت هســـتند، یعنی پرزیدنت پرودنت، آراکاتوبا، بورو/ماریلیا، و سائو خـــوزه دو ریو پرتو/ باره توس مبتنی اســـت. این شـــاخص، قیمت‌هـــای مذاکره‌ای میان تولیدکنندگان و کشتارگاه‌ها و همچنین عواملی همچون چارچوب زمانی کشتارگاه (یعنی دوره‌ی زمانـــی از فروش حیوانات تا ذبح آن‌ها) را در نظر می‌گیرد و بدین ترتیب، افزودن این دوره‌ی زمانی به دوره‌ی جاری پرداخت را میســـر می‌ســـازد. این مسئله برای محاسبه قیمت نقدی با توجه به نرخ بالای بهره در برزیل اهمیت دارد.

۱- این شـــاخص توسط مرکز مطالعات پیشرفته اقتصاد کاربردی در دانشـــگاه کشاورزی لویی دو کوئیرو، دانشگاه سائوپاولو محاسبه شده است.

در سال ۲۰۰۰، قرارداد گاو زنده دستخوش تغییر دیگری نیز شد که واحد پول آن را از دلار آمریکا به ازای هر آروبا (۱۵ کیلوگرم لاشـــه) به ریال برزیل (BRL) به ازای هر اروبا تغییر داد. حجم قراداد نیز ۳۳۰ آروبای خالص (تقریباً ۵ تن خالص لاشه) است.

دستاوردهای اصلی بورس کالا و معاملات آتی برزیل در داخل کشور

- تقویت تجاری‌سازی اقتصاد کشاورزی برزیل

عوامل موفقیت:

- رویکردی گسترده به توسعه بازار، استفاده از قراردادهای آتی و ابزارهای نقدی و تأمین مالی
- توسعه‌ی کاربردهای مبتکرانه برای مکانیزم‌های بورس
- رابطه‌ی کاری نزدیک با بانک مرکزی برزیل
- تاکید بر آموزش

چالش‌ها

- گسترش حضور جغرافیایی از طریق برزیل
- گسترش آمیزه فعالان در بازار
- توسعه‌ی نقد شوندگی در بازار قراردادهای اختیار معامله

فرصت‌های پیشرو

- راهبردهای یکپارچگی منطقه‌ای در بازارهای کالای آمریکای لاتین
- تحکیم و تعمیق پیوندهای صادراتی با چین

۳-۶ چارچوب نظارتی: کمیسیون اوراق بهادار

بورس کالا و معاملات آتی برزیل تحت نظارت دو مرجع بیرونی است. بانک مرکزی برزیل ریســـک سیســـتمی و پایاپای را کنترل می‌کند. کمیسیون اوراق بهادار، محصولات و ســـرمایه‌گذاران را کنترل می‌کند. این کمیســـیون یک دستگاه دولتی مستقل است که با وزارت دارایـــی ارتباط دارد و از اختیارات اداری مســـتقلی برخوردار اســـت. چارچوب کمیسیون اوراق بهادار و تنظیم بازار براساس قانون ٦/٣٨٥ مورخ دسامبر سال ١٩٧٦ ایجاد شده است. برخی از کارکردهای کمیسیون اوراق بهادار عبارتند از:

•اطمینان از کارکرد مناسب بورس و بازارهای فرابورس

• حمایـــت از همه‌ی دارندگان اوراق بهادار در برابر کلاهبرداری و اقدامات غیرقانونی مدیران شرکت‌ها، سهامداران عمده، یا مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک

• پرهیز یا پیشگیری از هر نوع تقلب یا سوء استفاده‌ای که ممکن است به شکل‌گیری قیمت‌های مصنوعی در بازار منجر شود

• اطمینان از دسترســـی عموم به همه اطلاعات مورد نیاز درباره‌ی اوراق بهادار معامله شده و شرکت‌های صادرکننده‌ی آن‌ها

• اطمینان از اینکه همه فعالان بازار عملکردهای معاملاتی منصفانه‌ای را به‌کار می‌بندند

• تشویق تشکیل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری آن در اوراق بهادار

• ترویج گســـترش و کارایی بازار اوراق بهادار و افزایش سرمایه[1] شرکت‌های عمومی برزیل (سایت کمیسیون اوراق بهادار برزیل، ۲۶ جولای ۲۰۰۷).

در این ســـاختار، بـــورس کالا و معاملات آتی برزیل محدوده‌ی فعالیت گســـترده‌ای دارد. امکان مشـــارکت در این بازار برای فعالان کشـــورهای دیگر فراهم است. نظارت بر کارکردهای بازار عمدتاً در اتاق پایاپای این بورس متمرکز اســـت. این بورس برای معرفی قراردادهـــای جدید آزادی عمل کامـــل دارد و در زمینه‌ی ابزارهای معاملاتی رایج از قبیل معاملات اختیار یا شاخص با محدودیت یا منع عمده‌ای روبرو نیست. یکی از موانعی که اخیراً در برابر مشـــارکت روستائیان ایجاد شده است (منع تأمین مالی بانکی برای حمایت از فعالیت در بازار قراردادهای آتی) در ســـپتامبر سال ۲۰۰۶ لغو شد. انتظار می‌رود به‌دنبال همکاری میان بانک مرکزی برزیل و بورس معاملات آتی کالای برزیل، بانک‌ها در آینده‌ای نزدیک تأمین اعتبارات برای وثیقه معاملات اختیار، عوارض بورس و الزامات وجه تضمین بورس را آغاز کنند.

بورس کالا و معاملات آتی برزیل راهکارهای مناســـبی برای پایش و کنترل بازارهای خود و همچنینجلب اطمینان شـــرکت کنندگان نسبت به ضمانت حسن انجام معاملات از طرف بورس، بکار بسته است. در جولای سال ۲۰۰۲، نهاد ناظر بازار ایالات متحده آمریکا (کمیســـیون معاملات قراردادهای آتـــی کالا – CFTC –) قوانین و مقررات بورس کالا و معاملات آتی برزیل و همچنین سیستم‌ها و راهکارهای آن را با سیستم‌ها و قوانین صنایع واســـطه‌ی مالی ایالات متحده آمریکا یا قوانینی که بـــرای بازارهای محلی ایالات متحده آمریکا اعمال می‌شوند، قابل قیاس دانسته است.

1- Capitalization

این بورس به‌عنوان نهادی خود انتظام:

• قوانین ومقررات مورد نیاز برای حمایت از معاملات منصفانه و اصول بازار و همچنین استانداردهای اخلاقی برای افرادی که مستقیم یا غیرمستقیم در بورس فعالیت دارند را ایجاد می‌کند؛

• مبادلات اعضای خود را پایش و نظارت می‌کند؛

• مسایل عملیاتی را حل می‌کند؛

• ناقضان قوانین کنترلی و عملیاتی را مجازات می‌کند؛

• براساس برنامه‌ها و اهداف خود، اعتبار عملیاتی در اختیار اعضا قرارمی‌دهد؛

• از منافع خود و منافع مرتبط بااعضا در برابر مقامات و مراجع حمایت می‌کند؛

• با استفاده از برنامه‌های تحصیلی، آموزشی و انتشارات، بازار (و استفاده‌ی مسئولانه از آن) را ترویج می‌کند.

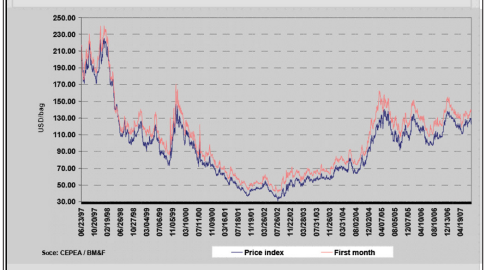
۴-۶ تأثیرات

۱-۴-۶ کشف قیمت

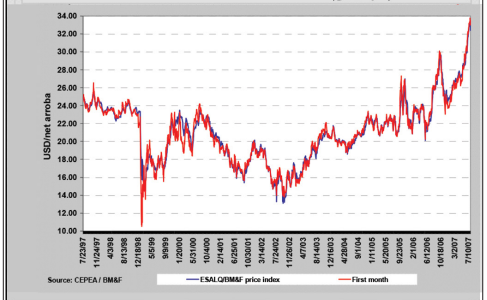
انتشار قیمت: به‌منظور انتشار قیمت‌های مذاکره‌ای در تالار معاملاتی و تالارهای الکترونیکی، بورس کالا و معاملات آتی برزیل ساختار انتشار اطلاعاتی را ایجاد کرده که شامل فروشندگان، دسترسی اینترنتی و برنامه‌های تلویزیونی است. فروشندگان (شرکت‌های خبری و اطلاعاتی) سیگنال‌های تالار معاملاتی بورس را خریداری می‌کنند و در آن واحد به مشترکان خود ارائه می‌دهند. قیمت‌ها با ۱۵ دقیقه تاخیر و پیشینه‌ی قیمت‌ها به‌صورت مجانی در پایگاه اینترنتی بورس در دسترس هستند. این بورس اطلاعات را از طریق بولتن‌های خبری روزانه در اختیار مطبوعات قرار می‌دهد. بورس کالا و معاملات آتی برزیل همچنین از ایستگاه‌های تلویزیونی و امکانات زیربنایی لازم برای پخش بولتن‌ها و برنامه از داخل تأسیسات خود نیز برخوردار است. این بورس در حال حاضر دارای شش کانال تلویزیونی، ازجمله شبکه‌های اختصاصی کشاورزی روستایی و کانال‌های مخصوص صنعت از قبیل صنعت دام است که در مجموع روزانه ۱۰ ساعت برنامه درباره‌ی بورس پخش می‌کند. همبستگی میان بازارهای نقدی و آتی (به کادر ۷ نگاه کنید) نشان می‌دهد که بورس، تابلوی محلی موثری برای کشف قیمت ارائه می‌دهد که با بازار فیزیکی ارتباط قدرتمندی دارد.

کادر ۷: همبستگی قیمت‌های نقدی و آتی قراردادهای قهوه عربی و گاو زنده در بورس BM&F ۲۰۰۷-۱۹۹۹

الف) قهوه عربی
شاخص قیمت اولین ماه قهوه BM&F (نمودار قرمز)/ شاخص قیمت نقدی BM&F (نمودار آبی)



ب) گاو زنده
شاخص قیمت اولین ماه گاو زنده BM&F (نمودار قرمز)/ شاخص قیمت نقدی گاو زنده BM&F (نمودار آبی)



منبع: بورس BM&F

اســـتفاده از اطلاعات بازار: در ادبیات موجود در این زمینه، شواهد دیگری نیز وجود دارد که صنعت در مذاکرات خود با تولیدکنندگان جهت تعیین قیمت تحویل در آینده، از قیمت‌های مرجع بورس کالا و معاملات آتی برزیل اســـتفاده می‌کند (گلوبورورال ۲۰۰۷ الف) و کشاورزان از قیمت قراردادهای آتی برای اتخاذ تصمیمات تولیدی و بازاریابی بهتر اســـتفاده می‌کنند (گلوبو رورال، ۲۰۰۷ ج). ازجمله می‌توان به تصمیم برای تنوع بخشیدن به محصولات بر مبنای مقایسه‌ی قیمت‌های نسبی پیش‌بینی شده اشاره کرد (گلوبو رورال ۲۰۰۶ الف و ب). فقدان اطلاعات بیشـــتر درباره‌ی استفاده تولیدکنندگان از داده‌های این بورس ارزیابی تأثیرات آن بر روی کشاورزان در این حوزه را ناممکن می‌سازد.

۲-۴-۶ مدیریت ریسک قیمت

نخســـت اینکه باید به این نکته توجه کرد که در مورد قراردادهای قهوه‌ی عربی و گاو زنده کـــه در بورس کالا و معاملات آتی برزیل معامله می‌شـــوند، پیش‌نیازهای اصلی در

محیط معاملاتی که مدیریت اثربخش ریسک قیمت را میسر می‌سازند به ترتیب زیر است:

• بازارهای نقد شونده وجود دارند – نسبتی از تولید که در سال ۲۰۰۶ در بورس کالا و معاملات آتی برزیل از اقدامات پوشش ریسک استفاده کرده‌اند برای قهوه‌ی عربی ۱/۷۰ و برای گاوزنده ۰/۷۷ بود.

• معامله در شرایط معاملاتی کنترل شده و قانونمند براساس قوانین و آیین‌نامه‌های این بورس و با نظارت کمیسیون اوراق بهادار و بانک مرکزی برزیل انجام می‌شود.

• اطلاعات بازار به‌صورت شفاف منتشر می‌شود تا از نابرابری‌هایی که ممکن است به نفع برخی گروه‌های همسود و به زیان دیگران باشد پرهیز شود.

• اتـــاق پایاپای بـــورس به‌عنوان طرف اصلـــی معامله عمل می‌کند تـــا عملکرد همه قراردادهایی که از طریق بورس منعقد شده‌اند تضمین شود.

یک بازار معاملات آتی درصورتی کارآمد اســـت که بین قیمت بازار آتی و قیمت بازار نقدی در زمان سررسید[1] قرارداد همگرایی وجود داشته باشد. براساس این معیار، همان‌طور که در کادر ۷ می‌بینیـــم، قراردادهای قهوه‌ی عربی و گاو زنده بورس معاملات آتی کالای برزیل قراردادهایی کارآمد هستند.

داده‌هـــای بورس کالا و معاملات آتی برزیل ترســـیم تصویری دقیق از ترکیب بازار را میسر می‌سازد. کادر ۸ توزیع موقعیت‌های معاملاتی باز برحسب نوع فعالان در تاریخ‌های معاملاتـــی اول مارس ۲۰۰۰ و ۳۱ جولای ۲۰۰۷ را نشـــان می‌دهد. اگرچه این اطلاعات نمی‌تواند فعالان این بازار را دقیقا براساس مواضع پوشش ریسک و سوداگرانه تقسیم‌بندی کند، تعادل خوبی را میان این دو نشان می‌دهد.

کادر ۸: تغییـــر ترکیب بازار در قهوه‌ی عربی بورس کالا و معاملات آتی برزیل و بازارهای گاو زنده، ۲۰۰۷–۲۰۰۱

(۱)وضعیت‌فعالان قراردادهای‌قهوه‌ی عربی در بورس کالا و معاملات آتی برزیل

قهوه‌ی عربی اول مارس ۲۰۰۱			
موقعیت خرید		موقعیت فروش	
شرکت‌های مالی	٪۸/۹۷	شرکت‌های مالی	٪۸/۵۴
نهادهای سرمایه‌گذار	٪۳/۰۷	نهادهای سرمایه‌گذار	٪۱۴/۶۳
سرمایه‌گذاران غیرمقیم	٪۶/۴۳	سرمایه‌گذاران غیرمقیم	٪۱/۵۷

1- Maturity

قهوه‌ی عربی اول مارس ۲۰۰۱			
موقعیت خرید		موقعیت فروش	
شرکت‌های غیرمالی	٪۷۴/۶۰	شرکت‌های غیرمالی	٪۶۲/۹۹
اشخاص حقیقی	٪۶/۹۳	اشخاص حقیقی	٪۱۲/۲۶
موقعیت‌های معاملاتی باز [۹۱]	۱۰۷۳۳	موقعیت‌های معاملاتی باز	۱۰۷۳۳
۳۱ جولای ۲۰۰۷			
موقعیت خرید		موقعیت فروش	
شرکت‌های مالی	٪۴/۹۸	شرکت‌های مالی	٪۱۰/۳۹
نهادهای سرمایه گذار	٪۲/۶۷	نهادهای سرمایه گذار	٪۹/۸۰
سرمایه گذاران غیر مقیم	٪۳۴/۱۶	سرمایه گذاران غیر مقیم	٪۳۹/۲۴
شرکت‌های غیر مالی	٪۴۹/۶۵	شرکت‌های غیر مالی	٪۳۲/۴۲
اشخاص حقیقی	٪۸/۵۵	اشخاص حقیقی	٪۸/۱۵

منبع: بورس کالا و معاملات آتی برزیل

(۲)وضعیت فعالان قراردادهای گاو زنده در بورس کالا و معاملات آتی برزیل

گاو زنده اول مارس ۲۰۰۱			
موقعیت خرید		موقعیت فروش	
شرکت‌های مالی	٪۲۰/۰۳	شرکت‌های مالی	٪۱۰/۶۵
نهادهای سرمایه‌گذار	٪۵/۸۳	نهادهای سرمایه‌گذار	٪۶/۱۶
شرکت‌های غیر مالی	٪۱۸/۳۵	شرکت‌های غیرمالی	٪۱۶/۲۱
اشخاص حقیقی	٪۵۵/۷۹	اشخاص حقیقی	٪۶۶/۹۸
موقعیت‌های معاملاتی باز [۹۲]	۱۴۹۳	موقعیت‌های معاملاتی باز	۱۴۹۳
۳۱ جولای ۲۰۰۷			
موقعیت خرید		موقعیت فروش	
شرکت‌های مالی	٪۴/۹۳	شرکت‌های مالی	٪۱۰/۳۹
نهادهای سرمایه‌گذار	٪۲۲/۳۹	نهادهای سرمایه‌گذار	٪۳/۴۴
سرمایه‌گذاران غیرمقیم	٪۲/۸۸	سرمایه‌گذاران غیرمقیم	٪۲۴/۹۳
شرکت‌های غیرمالی	٪۳۰/۴۰	شرکت‌های غیرمالی	٪۱۴/۷۹
اشخاص حقیقی	٪۳۹/۴۰	اشخاص حقیقی	٪۸/۱۵
موقعیت‌های معاملاتی باز	۵۰۱۶۰	موقعیت‌های معاملاتی باز	۵۰۱۶۰

منبع: بورس کالا و معاملات آتی برزیل

1- Open Interest
2- Open Interest

در بازار قهوه‌ی عربی سال ۲۰۰۷، فعالان تجاری زنجیره‌ی عرضه (شرکت‌های غیرمالی) ازجمله تعاونی‌ها، صنایع تأمین نهاده‌ها و شـــرکت‌های تجاری،۵۰ درصد موقعیت خرید باز و ۳۲ درصد موقعیت‌های فروش باز را در اختیار داشـــتند. این میزان در مقایسه با سال ۲۰۰۱ کاهش نشان می‌دهد. در آن سال، این آمارها به ترتیب ۷۵ درصد و ٦۳ درصد بود. با وجود این، در این دوره موقعیت‌های معاملاتی باز بیش از چهار برابر شده‌اند. بدین ترتیب از نظر مقدار مطلـــق، موقعیت‌های تجاری در بلندمدت ۱۷۱ درصد و در کوتاه‌مدت ۱۱۰ درصد افزایش یافته‌اند.

در بازار گاو زنده ســـال ۲۰۰۷، فعالان تجاری زنجیره‌ی عرضه کالا نمایانگر ۳۰ درصد موقعیت‌های خرید باز و ٤۸ درصد موقعیت‌های فروش باز بودند. این میزان در مقایسه با سال ۲۰۰۱ که این ارقام به ترتیب ۱۸ و ۱٦ درصد بود افزایش یافته است. در همین دوره، موقعیت‌های معاملاتی باز از ۱۵۰۰ به ۵۰۰۰۰ قرارداد افزایش یافته که از نظر مقادیر مطلق برای مواضع خرید و فروش به ترتیب ۵۷ و ۹۸ برابر شده است.

همچنیـــن برخی از ســـرمایه‌گذاران غیرمقیم، به‌ویژه ســـرمایه‌گذارانی که واردکننده و مصرف‌کننده کالاهای برزیلی هســـتند نیز ممکن اســـت به جای سوداگر، به‌عنوان پوشش دهنده‌ی ریســـک در این بازار فعالیت کنند. موسسات مالی اغلب به‌عنوان پوشش دهنده‌ی ریسک نیز عمل می‌کنند. آن‌ها ممکن است وثیقه‌های روستایی را تأمین مالی کنند که آن‌ها را در برابر نوسانات قیمت کالای مبنا آسیب‌پذیر می‌کند.

کشاورزان ادعا می‌کنند که استفاده از قراردادهای آتی و اختیار بورس کالا و معاملات آتی برزیل به آن‌ها کمک کرده است تا زیان‌های شدید ناشی از سقوط قیمت‌ها را کاهش دهند (پورتال اکزم ۲۰۰۷). در این مصاحبه‌ها، به این نکته نیز اشـــاره شد که خریداران صنعت و واسطه‌ها توانسته‌اند در قراردادهای فیزیکی به کشاورزان قیمت‌های تضمین شده ارائه دهند. این مسئله توسط بورس کالا میسر گشته که قیمت‌های مرجع و راهکار پوشش ریسکی را فراهم ساخته اســـت. در این ادبیات همچنین مستند شده است که چگونه قراردادهای آتی به کشاورزان و سایر فعالان بخش کالا امکان می‌دهد تا در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و پیش‌بینی فعالیت‌هـــای خود بهتر عمل کنند (گلوبو رورال ۲۰۰۷ ب). با وجود این، در زمینه‌ی میزان مشارکت کشاورزان به‌عنوان پوشش دهنده‌ی ریسک در بازار اطلاعاتی در دسترس نیست.

یکی دیگر از خدمات پوشش ریسک بورس کالا و معاملات آتی برزیل، ثبت معاملات فرابورس یا اکســـپیت[1] بازار قهوه است. معامله اکسپیت معامله‌ای بین یک کشاورز و یک

1- Expit

صنعت یا شرکت تجاری اســـت که در آن، کشاورز محصول را تحویل می‌دهد و از بازار قراردادهای آتی برای تعیین قیمت اســـتفاده می‌شـــود. داده‌های بورس نشان می‌دهد که تا کنون ۲۱۵۱ قرارداد به این شـــیوه اجرا شده‌اند که ارزشـــی بالغبر ۵۹ میلیون ریال برزیل (حدودا ۲۹ میلیون دلار آمریکا براساس قیمت‌های آگوست سال ۲۰۰۷) دارند.

برنامه توزیع مشـــتقات که قرار است ســـال ۲۰۰۷ اجرا گردد (که در بخش ٦-٤-٦ در باره‌ی آن بحث گردید) ممکن اســـت تأثیر چشـــمگیری جهت افزایش مشارکت جوامع تولیدکنندگان محصولات کشـــاورزی از سرتاســـر برزیل به بازارها داشته باشد. دو ابزار مبتکرانه دیگر بورس کالا و معاملات آتی برزیل (که درباره‌ی هر دو در بخش بعد بیشـــتر ســـخن می‌گوییم) می‌توانند زمینه را برای گسترش مشارکت تولیدکنندگان کوچک فراهم نمایند. این دو ابزار عبارتنداز:

• **صندوق معاملات بازار کشـــاورزی**[1] ، که سطح وجه تضمین‌های مورد نیاز برای فعالان بخش کشـــاورزی را کاهش می‌دهد. در عوض، صندوق ضمانتی‌ای تأسیس شده اســـت که از بازار در برابر نکول حمایت کند. این صندوق در حال حاضر به دنبال جذب معامله‌گران کالا و آربیراژ گران بزرگ‌تر است تا الزامات وجه تضمین برزیل را با الزامات بورس‌هـــای خارجی هماهنـــگ کند. با وجود این، از همین منطـــق می‌توان برای کاهش الزامات وجه تضمین برای شـــرکت کنندگان کوچک‌تر بخش کالا اســـتفاده کرد. ازجمله می‌توان دقیقاً همین ســـاختار را نســـخه‌برداری کرد. از ســـوی دیگر، دولت یا یک بانک عمومی می‌تواند صندوق ضمانتی را که برای مدیریت ریســـک مناســـب در برابر امکان نکول موردنیاز است تأمین کند (برای اطلاعات بیشتر به کادر ۹ نگاه کنید)؛

• **سامانه معاملات الکترونیکی**، که یک سیستم اختصاصی برای معامله قراردادهایی با اندازه کوچکتر نســـبت به قرارداد اصلی (مینی قرارداد)، میباشـــد. در این سیستم برای حفظ نقدشـــوندگی معاملات و همچنین حفظ ارتباط قیمـــت با بازار اصلی از تخصص آربیتراژگران مجرب اســـتفاده می شود. سیســـتم مذکور از زمان راه‌اندازی در سال ۲۰۰۵ شـــاهد رشد سریعی بوده است. اگرچه این سیســـتم در حال حاضر برای سرمایه‌گذاران کوچک مورداســـتفاده قرار می‌گیرد، می‌توان آن را برای تولیدکنندگان کوچک محصولات کشـــاورزی نیز به‌کار برد ودر نتیجه می توان ابزار مدیریت ریســـک بهتری در اختیار آنها قرار داد که بر خلاف قراردادهای اصلی تناســـب بیشـــتری با میزان تولید این دســـته از تولیدکنندگان دارد.

1- Agricultural Market Trading Fund (FOMA)

۳-۴-۶ مکانی برای سرمایه گذاری

نخست باید به این نکته توجه کرد که برای قراردادهای قهوه‌ی عربی و گاو زنده، پیش نیازهـــای اصلی‌ای در محیط معاملاتی وجود دارد که بورس کالا و معاملات آتی برزیل را بـــه مکانی جذاب و امن برای ســـرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند. ازجمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بازارها نقد شونده هستند؛
- معامله در محیطی کنترل شـــده و قانونمند انجام می‌شود که تحت پوشش قوانین و آیین‌نامه‌های بورس کالا و معاملات آتی برزیل و نظارت کمیســـیون اوراق بهادار و بانک مرکزی برزیل قرار دارد؛
- اطلاعات بازار به‌صورت شفاف منتشر می‌شود تا از نابرابری‌هایی که ممکن است به نفع برخی گروه‌ها باشد پرهیز شود؛
- اتاق پایاپای بورس به‌عنوان طرف اصلی معاملات عمل می‌کند تا عملکرد قراردادهایی که از طریق بورس منعقد شده‌اند تضمین شود.

ترکیب موقعیت‌های معاملاتی باز در سال ۲۰۰۷ نمایانگر حضور قدرتمند و روزافزون ســـرمایه‌گذاران در هر دو بازار قهوه‌ی عربی و گاو زنده بورس کالا و معاملات آتی برزیل اســـت (به کادر ۸ نگاه کنید). به نظر می‌رسد فعالان نهادی، خرده‌فروشی (افراد) و فعالان غیرمقیم در این بازار حضور قدرتمندی دارند. در اینجا بر دو نکته تأکید می‌شود:

نخست اینکه حضور سرمایه‌گذاران در بازار گاو زنده بسیار بیشتر از بازار قهوه عربی اســـت؛ چون قرارداد گاو زنده‌ی این بورس دارای تسویه نقدی است و خطر درخواست تحویـــل از طرف‌های معامله وجود ندارد. دوم اینکه برخلاف برخی از بورس‌های کالا از قبیل بورس‌های چین و هند، هیچ گونه محدودیت در خصوص نوع سرمایه‌گذارانی که در این بورس به فعالیت می‌پردازند وجود ندارد به اســـتثنای اینکه تمامی سرمایه گذاران باید الزامات همیشگی حداقل نقدینگی را رعایت نمایند.

در بازار قهوه‌ی عربی، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ حجم موقعیت‌های معاملاتی باز از ۱۰۷۳۳ قرارداد به ٤۳۷٤٤ قرارداد افزایش یافت. در سال ۲۰۰۱، بزرگ‌ترین شرکت کنندگان بازار افراد و شرکت‌های غیرمالی (تعاونی‌ها، صنایع تولید نهاده‌ها و شرکت‌های تجاری) بودند. درســـال ۲۰۰۷، مشارکت سرمایه‌گذاران غیرمقیم، شـــرکت‌های مالی (بانک‌ها) و نهادهای ســـرمایه‌گذار (صندوق‌ها) در کانون توجه قرار داشـــت، درحالی‌که مشارکت شرکت‌های غیرمالی همچنان چشمگیر بود.

یکی از ویژگی‌های مهم بازار قهوه‌ی عربی برزیل، نقش اساســـی ســـرمایه گذاران نهادی

در ســـازماندهی "معاملات با قیمت ثابت"[1] از طریق ترکیب قبض محصولات روستایی[2] (به بخش ۵-٤-٦ نگاه کنید) با بازار قراردادهای آتی، می‌باشـــد. مثلاً اجازه بدهید فرض کنیم که سرمایه‌گذاری قبض تولیدکننده‌ای را در ماه مارس، با سررسید ماه دسامبر، خریداری می‌کند. از طریق این راهکار، سرمایه‌گذار منابع مالی را در ماه مارس به تولیدکننده قرض می‌دهد تا منابع مالی محصول را تا زمان برداشت تأمین کند. تولیدکننده به‌عنوان وثیقه‌ای برای وام، تعهد تحویل تعداد مشخصی کیسه‌ی محصول را به سرمایه‌گذار در ماه دسامبر می‌پذیرد. وقتی این منابع مالی از طریق قبض محصول روستایی در اختیار تولیدکننده قرار می‌گیرند، سرمایه‌گذار می‌تواند با انعقاد قراردادهای آتی قهوه برای ماه دســـامبر، قیمت فروش قهوه را تثبیت کند. بدین ترتیب، سرمایه‌گذار می‌تواند سطح سود را با ترکیب قیمت‌های خرید با قیمت‌های فروش تعیین کند تا نرخ بازگشتی را که بالاتر از نرخ بهره‌ی پایه برزیل است تضمین کند. براساس قوانین برزیل، تحویل فیزیکی کالا توسط صندوق‌های ســـرمایه‌گذاری ممنوع است. بنابراین، صندوق‌های سرمایه‌گذاری این قرادادها را با شرکت‌های برشته‌سازی قهوه و/ یا شرکت‌های صادراتی معامله می‌کنند که تحویل گیرنده‌ی قهوه هستند. از طریق این مبادله، نهادهای سرمایه‌گذار می‌توانند به قراردادهای آتی قوه‌ی عربی به‌عنوان بخشـــی از راهبرد متنوع سازی سبد محصولات خود دسترسی داشته باشند. در حال حاضر، بازارهای قهوه‌ی عربی و گاو زنده از حجم معاملات کافی برخوردارند که به نهادهای سرمایه‌گذار اجازه می‌دهد این انواع معاملات را بدون رویارویی با محدودیت‌های نقدشوندگی اجرا کنند.

نمودار ۱۱: قهوه عربی بورس کالا و معاملات آتی برزیل: همبستگی با معیار بین‌المللی هیأت تجاری شیکاگو، دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۷



منبع: بورس کالا و معاملات آتی برزیل

1- Fixed-rate Transactions
2- Rural Product Notes (CPR)

قهوه‌ی عربی بورس کالا و معاملات آتی برزیل به‌عنوان بازار بازی که کالایی بین‌المللی را معامله می‌کند، به دقت تحولات بورس بین‌المللی مرجع، یعنی هیئت تجاری نیویورک را دنبال می‌کند (به نمودار ۱۱ نگاه کنید). (بورس معیار برای قهوه روبوستا بورس بین‌المللی قراردادهای آتی مالی لندن بود که اکنون بخشی از NYSE–Euronext است). درنتیجه، تعیین قیمت متناسب با تحولات بازار بین‌المللی است. نوسان قیمت (که جذاب‌ترین نکته برای جلب سوداگری است) نیز معمولاً از بازار بین‌المللی تبعیت می‌کند.

در بازار گاو زنده، افزایش نقدشوندگی در سال ۲۰۰۶ به جذب فعالان جدید، به‌ویژه سرمایه‌گذاران نهادی منجر شد. بدین ترتیب وضعیت فعالانی که قراردادهای گاو زنده را معامله می‌کردند ظرف چند سال به میزان چشمگیری تغییر کرد. این جهش در موقعیت‌های معاملاتی باز از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ بسیار چشمگیر بود و از ۱۴۹۳ قرارداد به ۵۰۱۶۰ قرارداد افزایش یافت. در سال ۲۰۰۱، بزرگ‌ترین شرکت کنندگان اشخاص حقیقی بودند و پس از آن، نهادهای مالی و شرکت‌های غیرمالی قرار داشتند. ولی در سال ۲۰۰۷، مشارکت اشخاص حقیقی در مقایسه با شرکت‌های غیرمالی، سرمایه‌گذاران حقوقی و سرمایه‌گذاران غیرمقیم به میزان چشمگیری کاهش یافت.

معلوم نیست چه میزان از سوداگری‌های سرمایه‌گذاران کوچک و کشاورزان در بازارهای برزیل قابل اجرا نیست. با وجود این، اقدامات نظارتی برای کنترل سطح سوداگری در بازارها، محدود ساختن امکان نکول و ترویج سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه، انجام گرفته است (به پیوست ۲ نگاه کنید).

بورس کالا و معاملات آتی برزیل برای افزایش جذابیت بازارهای خود برای سرمایه‌گذاران، ابتکارات متعددی را به اجرا درآورده است. یکی از این ابتکارات، صندوق معاملات بازار کشاورزی است (کادر ۹) که برای افزایش نقد شوندگی بازارهای این بورس بدون تضعیف ثبات مالی یا یکپارچگی بازار طراحی شده است.

کادر۹: صندوق معاملات بازار کشاورزی بورس معاملات آتی کالای برزیل

درسپتامبر سال ۲۰۰۶، بورس کالا و معاملات آتی برزیل صندوق معاملات بازار کشاورزی یا FOMA را تأسیس کرد. هدف ازاین صندوق، کاهش هزینه‌های معامله و افزایش جذابیت قراردادهای مشتقات کشاورزی که در برزیل معامله می‌شوند و در عین حال حفظ سلامت ساختار حمایتی اتاق پایاپای مشتقات این بورس بود.

این تصمیم بورس واکنشی به تقاضای بازار بود و پس از مطالعه‌ای اتخاذ شد که توسط بورس انجام گرفت و الزامات وجه تضمین‌گذاری خود را با الزامات بورس‌های بین‌المللی، به‌ویژه بورس‌هایی مقایسه کرد که محصولاتی شـــبیه به این بورس را معامله می‌کنند. کاهش هزینه‌های وجه تضمین بین ۳۰ تا ۵۰ درصد بوده اســـت و برای افزایش نقدشـــوندگی برای بازارهای کشاورزی و پرهیز از انتقال مبادلات به بازارهای خارجی طراحی شده بود. FOMA از منابع بورس کالا و معاملات آتی برزیل تشکیل شده و دارای ۵۰ میلیون ریال برزیل (حدود ۲۶ میلیون دلار) وجه تضمین است. برای اهداف حسابداری، FOMA در ترازنامه‌ی این بورس تحت سرفصل "تعهد بلندمدت" آمده است. تنها هدف FOMA بیمه کردن بورس کالا و معاملات آتی برزیل در برابر نکول اعضا در ارتباط با قراردادهای مشـــتقات کشاورزی است که از طریق اتاق پایاپای مشـــتقات تسویه می‌شوند. با ایجاد FOMA، برخی از ریسک‌های ناشی از معاملات قراردادهای کشاورزی به منابع FOMA منتقل شده و بنابراین دیگر نیازی به پوشش آن‌ها از طریق وثایق فعالان بازار نیست.

راهکار دوم، تالارهـــای معاملاتی پایگاه اینترنتی بـــورس کالا و معاملات آتی برزیل (WTr) اســـت که یک تالار اینترنتی است که در ســـال ۲۰۰۵ برای معامله‌ی قراردادهای کوچک (قراردادهایی که یک دهم قراردادهای کامل هستند) آغاز به‌کار کرد و به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران کوچک طراحی شده‌اند. هدف از این راهکار ایجاد نقدشوندگی در معاملات کوچک قراردادهای آتی ایبووسپا[1]، دلار آمریکا، گاو زنده، و قهوه است. در سال ۲۰۰۵، تنها بیش از یک میلیون قرارداد معامله شـــد. این میزان به سرعت رشد کرد و در سال ۲۰۰۶ به ۸/۸ میلیون قرارداد و تنها در فصل نخست سال ۲۰۰۷ به ۵ میلیون قرارداد رسید.

در هنگام اســـتفاده از WTr، سفارشات مســـتقیماً توسط مصرف‌کننده و از طریق وب سایت یکی از اعضای بورس کالا و معاملات آتی برزیل ثبت می‌شوند. یکی از نوآوری‌های سیستم جدید، مکانیزم وثیقه‌ی پیش وجه تضمین است که شامل سپردن وجوه برای اطمینان از پوشـــش مناسب ریسک ناشی از معاملات شرکت کننده به محض ایجاد موقعیت است. یک نوآوری دیگر، موقعیت معامله‌ی آربیتراژ[2] اســـت. نقش آربیتراژگر تأمین نقدشوندگی بـــرای قراردادهای کوچک و اطمینان از هم‌خوانـــی قیمت‌ها با بازار اصلی ازطریق حذف

1- Ibovespa
2- Arbitrageur

تفاوت‌های قیمتی اســـت که مشاهده می‌شود. این آربیتراژگران توسط کارگزاری‌ها[1] مامور می‌شـــوند و برای اینکه واجد صلاحیت شناخته شوند باید چندین شرط را محقق کنند. با وجود این، آن‌ها پس از تأیید صلاحیت از امتیازاتی همچون کاهش هزینه‌ی معاملات خود برخوردار می‌شوند.

این دو راهکار به‌طور بالقوه نمونه‌های آزمایشی هستند که می‌توانند به‌عنوان مدل‌هایی برای افزایش مشارکت کشاورزان خرده‌پا در بازارهای معاملات آتی به‌کار روند. درحالی‌که قراردادهای کوچک[2] بیشـــتر برای ســـرمایه‌گذاران کوچک طراحی شـــده‌اند، این تابلوی اختصاصی می‌تواند به‌طور بالقوه ابزار پوشـــش ریســـک مناســـبی را برای تولیدکنندگان کوچک کالاها فراهم کند که ممکن اســـت قراردادهای کامل قهوه و گاو زنده برای آن‌ها بیش از حد بزرگ باشـــد. همچنین، اگرچه FOMA برای ســـرمایه‌گذاران و معامله‌گران بین‌المللی آربیتراژ طراحی شده است، می‌توان از آن به‌عنوان راهی برای کاهش هزینه‌های جانبی تولیدکنندگان کوچک نیز اســـتفاده کرد. به جـــای صندوقی که تولیدکنندگان کالا ســـرمایه‌ی آن را تأمین کنند، شاید دولت یا بانک‌های عمومی منابع جایگزین برای تأمین سرمایه‌ی این صندوق باشند.

۴-۴-۶ تسهیل معاملات فیزیکی کالا

بورس کالا و معاملات آتی برزیل گام نوآورانه‌ی عمده‌ای را در راستای یکپارچه‌سازی بازارهای فیزیکی و تأمین طیفی از خدمات از طریق شـــعبه خود در بورس کالای برزیل برداشته است. این بورس که در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد، یک بورس اختصاصی معامله‌ی کالاهای کشـــاورزی است که پیوندی را میان کشاورزی، تجارت، صنعت، و دولت ایجاد می‌کنـــد. اهداف این بورس، روزآمد کردن و تجاری‌ســـازی بخش کشـــاورزی و تأمین راهکاری قابل اتکا و شفاف برای اعمال سیاست‌های دولت در بخش کشاورزی است.

این بورس، بورس‌های ایالات ســـائوپولو، گویاس، ماتو گروســـو دو ســـول، میناس گریاس، پارانا ریو گراند دو سول و اوبرلاندیا را که قبلاً جدا از یکدیگر بودند بایکدیگر متحد کرده اســـت. در ســـال ۲۰۰٤، بورس دیگری از ســـیرا به این سیستم پیوست. در ســـاختار جدید، این بورس‌ها به مراکز عملیاتی منطقه‌ای تبدیل شده‌اند که اعضای آن از طریق تابلوی الکترونیکی که از طریق اینترنت قابل دسترسی است معامله می‌کنند. بورس کالا و معامـــلات آتـــی برزیل کارکردهای پایاپای و تســـویه را ارائه می‌دهد. خدماتی که

1- Brokerage House
2- Mini-contract

بورس کالای برزیل ارائه می‌دهد شامل معامله‌ی کالاهای فیزیکی، پیمان‌های آتی، قبوض محصولات کشـــاورزی، اعتبارهای اسنادی معاملات کالاهای کشاورزی، حراج موجودی انبارهای دولتی و یک بازار فرعی برای اوراق بهادار، مناقصات عمومی و خریدهای بخش خصوصی است.

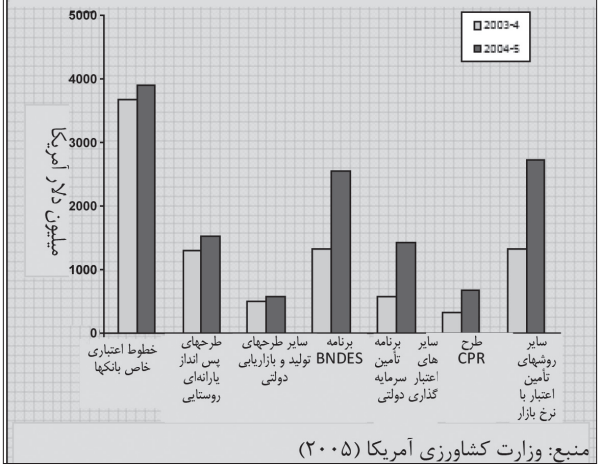
نتیجه‌ی این کار، بازار داخلی یکپارچه کالاهای کشـــاورزی بوده اســـت. راهکارهای مدرن کشـــف قیمت، قیمت‌های مرجع شـــفاف و بی‌طرفانه‌ای را ایجاد می‌کند و ساختار بازاریابی ســـازمان یافته، ذینفعان مختلف را بر مبنای بازاری قابل دسترس و باز، گردهم می‌آورد. ارتقای زیرساخت‌های بخشی از طریق بهبود امکانات انبارش و پشتیبانی محقق شـــده است. در نهایت، ثبت معاملات و چارچوب قانونمند بورس، که شامل راهکارهای داوری و ضمانت پرداخت است (یا سیستم پرداخت در ازای تحویل)، اعتماد طرفین برای ورود به معامله را افزایش می‌دهند و نقد شوندگی و موقعیت‌های تجاری جدیدی را فراهم می‌آورند. در ســـال ۲۰۰٤، بورس به‌منظور حمایت از برنامه‌ی "حذف گرسنگی" دولت برزیل، یک برنامه‌ی کاهش گرســـنگی که با همـــکاری آژانس عمومی توزیع محصولات کشاورزی[1] انجام شد، در مزایده خرید محصولات کشاورزی شرکت کرد.

۵-۴-۶ تسهیل تأمین مالی بخش کشاورزی

دراوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، هنگامی که بدترین بحران بدهی‌ها ضربه‌ی خود را بر آمریکای لاتین فرود آورد، نیاز به کاهش کسری بودجه‌ی بخش عمومی، به کاهش منابع بودجه‌ای دولت فدرال برزیل برای بخش کشـــاورزی منجر شد. دولت مجبور شد برای تأمین منابع مالی بخش کشاورزی و به‌ویژه تأمین سرمایه‌ی کاری برای کشاورزان راهکارهای دیگری بیابد. شکل‌های جدید تأمین مالی ایجاد شد. یکی از معاملاتی که در آن زمان از محبوبیت زیادی برخوردار شد معامله‌ی ســـویای سبز بود که از طریق آن، تولیدکنندگان بخشی از تولید خود را حتی قبل از کاشـــت محصول می‌فروختند. ایـــن معاملات، پیمان‌های آتی میان تولیدکنندگان و شرکت‌های معامله‌گر، صنایع تولیدکنندگان نهاده‌ها یا صنایع آسیاب بودند. دراین نوع معامله، تولیدکننده منابع یا نهاده‌ها را در زمان کاشت دریافت می‌کند تا بتواند فرایند تولید را آغاز کند. سپس، در زمان برداشت، تولیدکننده بهای وام دریافتی را به‌صورت نقدی یا تحویل فیزیکی کالا می‌پردازد.

1- The Public Agricultural Distribution Agency (CONAB)

نمودار ۱۲: منابع تامین مالی بخش روستایی در برزیل، سال‌های ۲۰۰۳/٤ و ۲۰۰٤/۵



منبع: وزارت کشاورزی آمریکا (۲۰۰۵)

محبوبیت این قراردادها با امکان کسب منابع مالی برای فعالیت‌های تولیدی در طول دوره‌ی کمبود اعتبارات دولتی مرتبط بود. این پیمان‌های آتی به تولیدکنندگان اجازه می‌دهد فعالیت‌های خود را برنامه‌ریزی کنند و به شرکت‌های معامله‌گر و صنایع فراوری نیز امکان می‌دهد خریدهای خود را از پیش انجام دهند. امروزه بخش اعظم اعتبارات روستایی در برزیل (تقریباً ۷۵ درصد منابع ۱۳/٤ میلیارد دلاری در سال‌های ۲۰۰٤ و ۲۰۰۵) از طریق برنامه‌های دولتی ارائه می‌شود (به نمودار ۱۲ نگاه کنید) (وزارت کشاورزی آمریکا، ۲۰۰۵). ٤۵ درصد از کل این اعتبارات از طریق برنامه‌های تولید و بازاریابی تحویل می‌شود که معمولاً از محل منابع مالی ذخیره شده و تسهیلات پس‌انداز در صندوق‌های یارانه‌ای تأمین می‌شود. ۳۰ درصد از این اعتبارات، از طریق برنامه‌های اعتبارات سرمایه‌گذاری دولت از جمله بانک ملی توسعه اقتصادی و اجتماعی[1] توزیع می‌شود که وام‌های بلندمدت را برای حمایت از تولید کشاورزی و درآمد مزارع با نرخ بهره‌ی یارانه‌ای توزیع می‌کند. ۲۵ درصد باقیمانده ناشی از ارائه‌ی وام با نرخ‌های بازار است که بخش عمده‌ی آن توسط تسهیلات بانکی استاندارد تأمین می‌شود. با وجود این، ابزارهای ویژه از قبیل قبض محصولات روستایی، سهم کوچک ولی مهمی از این وام‌ها را به خوداختصاص می‌دهند (به کادر ۱۰ نگاه کنید).این ابزارهای مبتنی بر بازار که از طریق بانک مرکزی برزیل (که اصلی‌ترین بانک عمومی برزیل است) صادر می‌شود و در یک بازار جانبی در شعبه بورس کالا و معاملات آتی برزیل (بورس کالای برزیل) ثبت و معامله می‌شود، ۵ درصد از کل اعتبارات

1- Banco Nacional de Desenvolvimento Econômico e Social (BNDES)

روستایی در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰٤ را به خود اختصاص داده و ارزشی بالغ بر ٦۷۸ میلیون دلار آمریکا داشته است که از ۳/۷ درصد در سال ۲۰۰٤ -۲۰۰۳ بیشتراست.

دو البمیدا و زیلبرشتاین (۲۰۰۷) با بررسی نرخ‌های بهره‌ی واقعی در آوریل سال ۲۰۰۷ به این نکته اشاره کردند که قبوض محصولات روستایی هر سال بین ۱۲/۸ تا ۲۸/۳ درصد بوده است (دلیل این دامنه بزرگ، تنوع قبوض محصولات روستایی موجود است (به کادر ۱۰ نگاه کنید)). این نرخ با نرخ‌های برنامه‌های اعتبارات روستایی مختلف که اعتبارات را با نرخ سالیانه ۸/۷۵ درصد ارائه می‌دهد، و نرخ بازار آزاد که سالیانه بین۱۵/٦ تا ۲۰/۷ درصد است قابل مقایسه است. بنابراین، قبض محصولات روستایی (اگرچه یک ارواق بهره معاف ازمالیات است) تقریباً معادل با یک ابزار اعتباری غیریارانه‌ای است. وزارت کشاورزی آمریکا (۲۰۰۵) به این نکته نیز اشاره کرده است که استفاده از قبوض محصولات روستایی، با تسهیل دسترسی به منابع مالی مورد نیاز برای صادرات، به‌عنوان ابزاری برای تشویق صادرات نیز عمل می‌کند. در این مدل، پیش پرداختی معادل با ۵۰ درصد از کل ارزش صادراتی محموله به‌عنوان پیش پرداخت نقدی از بانک مرکزی برزیل انجام می‌گیرد و قبض محصولات کشاورزی به‌عنوان وثیقه‌ی آن منظور می‌شود.

جدول ۳: سطح معاملات اوراق بهادار بخش کشاورزی، از زمان راه‌اندازی تا دسامبر ۲۰۰٤

	تعداد معاملات	مبلغ (میلیون دلار)
گواهی اوراق قرضه اعتباری معاملات محصولات کشاورزی	۱۵۹۹	۷۰۵
اعتبار اسنادی معاملات محصولات کشاورزی	۳۵۰	۳۳۹
گواهی وجه تضمین کشاورزی و ضمانت کشاورزی	۱۹۲۵	۲۰۲۷
کل	۳۸۷۷	۳۰۷۱

گواهی وجه تضمین کشاورزی[1] و ضمانت کشاورزی[2]، سایر اوراق بهادار روستایی هستند که در بورس کالا و معاملات آتی برزیل یا بورس کالای برزیل معامله می‌شوند و به ثبت می‌رسند. این ابزارها، ابزارهای تأمین مالی برای بازاریابی محصولات کشاورزی هستند.

همچنین برای تضمین و تأمین مجدد تجارت کشاورزی از سه نوع وثیقه استفاده می‌شود: گواهی اوراق قرضه‌ی اعتباری معاملات محصولات کشاورزی[3]، اعتبار اسنادی معاملات

1- Agricultural Deposit Certificate
2- Agricultural Warrant
3- Agrobusiness Credit Bond Certificate

محصولات کشـــاورزی[1] و گواهی دریافتنی‌های محصولات کشـــاورزی[2]. جدول شماره ۳ تعداد کل مبادلات با اوراق بهادار جدید، از زمان راه اندازی آن‌ها در دسامبر سال ۲۰۰٤ را نشان می‌دهد. این اوراق با اسنادی که بیانگر وام‌های قبلی هستند، یعنی دریافتنی‌های صادره توسط تولیدکنندگان روستایی تضمین می‌شوند که نمایانگر وعده پرداخت در آینده است. قبض‌های اعتباری روستایی[3]، قبض‌های محصولات روستایی، قبض‌های طلب روستایی[4]، قبض‌های پذیرش روستایی و قراردادهای عرضه و صادرات (مادامی که توسط تولیدکنندگان یا تعاونی‌های روستایی صادر شده باشند) برخی از نمونه‌های این اسناد هستند. تفاوت میان گواهی اوراق قرضه‌ی اعتباری معاملات محصولات کشـــاورزی، اعتبار اســـنادی معاملات محصولات کشـــاورزی و گواهی دریافتنی‌های محصولات کشـــاورزی در صادر کننده‌ی آن‌هاســـت: به ترتیب شـــرکت‌های فعال در امر تجارت محصولات کشاورزی (تعاونی‌ها، عرضه‌کنندگان نهاده‌ها و خریداران) بانک‌ها و شـــرکت‌های تضمینی تخصصی. همه‌ی این اوراق بهادار از مالیات معاملات مالی معاف هستند. از ژوئن سال ۲۰۰٦، افراد از کل مالیات بر درآمد مرتبط با این اوراق، ازجمله قبض‌های محصولات روستایی، معاف شده‌اند.

کادر ۱۰: بورس کالا و معاملات آتی برزیل و قبض محصولات روستایی به عنوان ابزار تأمین مالی روستایی

"در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، ویژگی بخش کشاورزی برزیل وفور اعتبارات یارانه‌ای و تضامین حداقل قیمت بود. ولی از طریق آزادسازی تدریجی در دهه‌ی ۱۹۹۰، وضعیت بخش کشاورزی با تضمین بدهی‌های معوقه‌ی روستایی، تغییر موقعیت دولت که به‌صورت محلی‌تر و شفاف‌تر عمل کرد و خصوصی سازی تأمین مالی و بازاریابی بخش کشاورزی بهبود یافت. با وجود این پیشرفت‌ها، برای نظارت بر وام‌های بخش کشاورزی راهکارهای رسمی و مطمئنی وجود نداشت و تضمینی برای وام‌های کشـــاورزی نبود. در واکنش به این شرایط، در سال ۱۹۹٤ و براساس قانون شماره ۸۹۲۹ قبض محصولات کشاورزی ایجاد شد. قبض محصولات کشـــاورزی اوراق قرضه‌ای اســـت کـــه تولیدکنندگان، انجمن‌ها و تعاونی‌های روســـتایی صادر می‌کنند تا منابع مالی مورد نیاز را

1- Agribusiness Letters of Credit
2- Agribusiness Recievables Certificate
3- Rural Credit Notes
4- Rural Promissory Notes

برای تولید به دست آورند. سه نوع قبض محصولات کشاورزی وجود دارد:

۱- قبض فیزیکی محصولات کشاورزی: وقتی که اوراق قرضه صادر شد، تولیدکننـــده وجه نقد یا نهاده‌هـــا را دریافت می‌کند و باید مقدار محصول توافق شده را در تاریخ و مکان توافق شده تحویل دهد.

۲- قبض محصول کشاورزی مالی: تولید کننده وجه نقد یا نهادها را پس از صدور اوراق قرضه دریافت می‌کند، ولی بدهی خود را به جای محصول، با وجه نقد تسویه می‌کند.

۳- قبض محصول کشاورزی با شاخص قرارداد آتی: تولیدکننده پس از صدور اوراق قرضه وجه نقد یا نهاده‌ها را دریافت می‌کند، ولی تسویه بر مبنای میزان تولید مندرج در اوراق قرضه ضرب در قیمت مرجع مورد توافق در هنگام تسویه است.

منفعت اصلی قبض محصولات کشـــاورزی این است که با کاهش ریسک، تأمین‌کنندگان مالی جدیدی را وارد بازارهای مالی کشـــاورزی می‌کند. قبض محصولات کشاورزی، از طریق راهکار حل و فصل دعاوی بدون مراجعه به مراجع قضایی، پرداخت در صورت عدم اجرای تعهدات یا نقض پیمان توسط صادر کننده‌ی اوراق قرضه را تضمین می‌کند. این مسئله ریسک خطرات اخلاقی را کاهش می‌دهد و در صورت نیاز، سرعت بازیافت وام را افزایش می‌دهد.

سیر تکاملی قبض محصولات کشاورزی نیز یکی از کلیدهای موفقیت این بازار است. در ابتدا، قبض محصولات کشاورزی فیزیکی تعداد سرمایه‌گذاران معدودی را جذب می‌کرد؛ چون بسیاری از تأمین‌کنندگان مالی نمی‌خواستند ریسک دریافت کالاهای فیزیکی را بپذیرند. در واکنش به این مشکل، قبض محصولات کشاورزی مالی ایجاد شد که تعداد بیشتری از سرمایه‌گذاران را جذب کرد؛ چون تسویه‌ی آن به‌صورت نقدی انجام می‌گرفت. اصلاح بیشتر قراردادهای قبض محصولات کشاورزی به ایجاد قبض شاخص محصولات کشاورزی منجر شد که علاوه‌بر تسویه نقدی، ریسک قیمت را نیز از فروشنده این اوراق به خریدار منتقل می‌کند.

علاوه‌بر این، قبوض محصولات کشاورزی در شرایطی معامله می‌شوند که رویت پذیری، شفافیت و امنیت عملیات را تضمین می‌کند. بورس کالا و معاملات آتی برزیل، همراه با هفت بورس دیگر، به‌منظور ایجاد محیط ثبت و پایاپای الکترونیکی معاملات قراردادهای کشاورزی از جمله عملیات قبض محصولات کشاورزی، بورس کالای برزیل را تأسیس کردند. این سیستم دسترسی الکترونیکی به اطلاعات

و فرصت‌های تجاری را برای حدود ٤٠ معامله‌گر در سرتاسر برزیل فراهم می‌آورد. معامله‌گران می‌توانند به پیشنهاد و خرید قرارداد، ثبت عملیات و تضمین اوراق قرضه بپردازند. سیستم بورس کالای برزیل حتی به سرمایه‌گذاران بالقوه اجازه می‌دهد تا اوراق قرضه‌ای که به‌عنوان ضمانت عملیات آن‌هاست را مشاهده کنند. منبع: بانک جهانی (۲۰۰٤)

بورس کالا و معاملات آتی برزیل و شـــعبه‌ی آن، یعنی بورس کالای برزیل، نقش مهمی به‌عنوان واســـطه‌ی میان بازار فیزیکی، بازار اوراق بهادار تجارت محصولات کشاورزی و بازار قراردادهای آتی ایفا می‌کنند. نقد شـــوندگی این اوراق بهادار جدید محصولات کشاورزی، به نهادهای سرمایه‌گذار امکان می‌دهد تا در بازار فیزیکی محصولات کشاورزی مشارکت داشته باشند، محصولات را با هزینه کمتری حمل کنند و بدین ترتیب، با تثبیت قیمت‌های قراردادهای آتـــی در بورس کالا و معاملات آتی برزیل، معامله‌ی ایـــن اوراق را به معاملاتی با نرخ ثابت تبدیـــل کنند. بدین ترتیب، بورس کالا و معامـــلات آتی برزیل پلی را برای تأمین مالی بخش کشاورزی برزیل ایجاد کرده و به نوسازی سیستم کشاورزی برزیل، به‌ویژه تأمین منابع مالی و تجاری‌سازی این بخش کمک کرده است. علاوه‌بر این، این بورس سیستم کنترل اوراق بهادار تجارت محصولات کشاورزی مخصوص خود را ایجاد کرده که به نهادها اجازه می‌دهد اوراق بهادار خود را در بازار جانبی به‌صورت الکترونیکی ثبت و معامله کنند. اتاق پایاپای ابزار مشتقه بورس کالا و معاملات آتی برزیل ممکن اســـت برای تحقق الزامات وجه تضمین گذاری در بازارهای مشتقه، براساس معیارهای از پیش تعریف شده، قبوض محصولات کشاورزی‌ای را که در سیستم کنترل اوراق بهادار تجارت محصولات کشاورزی[1] به ثبت رسیده است، بپذیرد.

قبوض محصولات کشاورزی را که در سیستم کنترل اوراق بهادار تجارت محصولات کشـــاورزی به ثبت می رسند، می‌توان در بازارهای جانبی با اینترنت و از طریق سیستمی که بورس کالای برزیل فراهم ساخته است نیز معامله کرد.

تأمین مالی بخش کشاورزی همچنان به رشد شتابان خود ادامه می‌دهد. براساس قانون بانک‌ها موظف شـــده‌اند که بخشـــی از وجه تضمین‌های مورد نیاز اعتبارات روستایی را تأمین کنند و بدین ترتیب خود را در معرض ریسک‌های مرتبط با کشاورزی قرار داده‌اند. با وجود این، از سپتامبر سال ۲۰۰٦، بخشنامه ۳٤۰۳ بانک مرکزی برزیل به نهادهای مالی اجازه داده است تا منابع مالی مورد نیاز برای مدیریت ریسک قیمت توسط تولیدکنندگان

1- Registration System for Agribusiness Securities Custody

و تعاونی‌ها را تأمین کنند. بنابراین، اکنون موسسات مالی می‌توانند اعتبارات روستایی را در اختیار تولیدکنندگان و تعاونی‌های اعتباری قرار دهند تا در زمینه‌های زیر به‌کار رود:

• تأمین مالی وجه تضمین اولیه، وجه تضمین اضافی و تغییرات روزانه وجه تضمین در بخش معاملات قراردادهای آتی در بورس‌های کالا و آتی ملّی؛

• تأمین مالی پرداخت حق‌العمل قراردادهای اختیار معامله محصولات کشاورزی در بورس‌های ملّی کالا و معاملات آتی؛

• تأمین مالی پرداخت حق‌الزحمه بورس‌های ملّی کالا و معاملات آتی.

حداکثر وام قابل پرداخت به هر ذینفع ۱۰۰۰۰۰ ریال برزیل (حدود ۵۳۰۰۰ دلار) و با نرخ بهره‌ی سالیانه ٦/٧٥ درصد است. تعاونی‌ها اجازه دارند به ازای هر یک از اعضای فعال خود تا ٤٠٠٠٠ ریال (حدود ۲۲۰۰۰ دلار) وام بگیرند. انتظار می‌رود بانک مرکزی برزیل به دلیل سهم زیاد ریسک محصولات کشاورزی در سبد فعالیت‌های خود، در این زمینه پیش‌گام باشد. علاوه‌بر این، کارکنان این بانک توسط بورس کالا و معاملات آتی برزیل آموزش می‌بینند تا در آینده برای تولیدکنندگان کالاهای کشاورزی قراردادهای اختیار معامله تنظیم کنند.

۶-۴-۶ توسعه‌ی بازار

آموزش و ظرفیت سازی: بورس کالا و معاملات آتی برزیل از طریق موسسه‌ی آموزش، بخش فنی و مشاوران خارجی خود اقداماتی را برای آموزش فعالان بازار درباره‌ی قراردادهای آتی کالاها آغاز کرده است. ازجمله می‌توان به برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت با تاکید ویژه بر بازارهای کشاورزی، دوره‌های بلندمدتی که همه محصولات مورد معامله در بورس کالا و معاملات آتی برزیل را دربر می‌گیرد، دوره‌های عالی مدیریت، دوره‌های آموزش الکترونیکی، آموزش‌های درون شرکتی و انتشار نشریاتی همچون دو هفته نامه‌ی تحلیل بازار کشاورزی در زمینه‌ی کالاهای کشاورزی این بورس اشاره کرد.

در شش سال گذشته، بورس کالا و معاملات آتی برزیل سمینارهایی را با مشارکت وزارت کشاورزی، دام زنده و غله، درباره‌ی موضوعاتی همچون چشم‌انداز آینده محصولات کشاورزی برگزار کرده و در آن مسائلی که امکان دارد در سال‌های آینده بر تجارت کالاهای کشاورزی تأثیرگذار باشد مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است. در این بحث‌ها هشت محصول شکر، الکل، کتان، برنج، ذرت، گاو، سویا و گندم در کانون توجه قرار دارند. به منظور برای افزایش آگاهی تولیدکنندگان روستایی برزیل، بورس کالا و معاملات آتی برزیل و بانک مرکزی برزیل مشارکتی عملیاتی را به‌منظور اجرای فعالیت‌های زیر آغاز کرده‌اند:

• افزایش آگاهی مدیران شعب بانک در زمینه‌ی مشتقه‌های بورس کالا و معاملات

آتی برزیل و معاملات مرتبط با آن؛

• به حداقل رساندن هزینه‌های اعتباری که بر تولیدکنندگان تحمیل می‌شود، از طریق پوشش ریسک در بازارهای اختیار معامله؛

• ترویج فرهنگ پوشش ریسک در میان مدیران شعب بانک؛

• گسترش فرهنگ پوشش ریسک در سطح ملّی از طریق آموزش مدیران شعب در زمینه‌ی ابتکاراتی که بامشارکت بانک مرکزی انجام شده است.

انتظار می‌رود این آموزش‌ها به ٤٠ مدیر در ١٠ رده ارائه شوند. این دوره که در بورس کالا و معاملات برزیل برگزار می‌شود ٤٠ ساعت است.

تسهیل معاملات بین المللی: بورس کالا و معاملات آتی دارای پویاترین مبادلات در حمایت از بین‌المللی سازی بازارهای کالای خود، گنجاندن ابتکارات خود در زمینه‌ی ترویج صادرات، یکپارچگی منطقه‌ای و تجارت جنوب –جنوب است.

ترویج صادرات: در آگوست سال ٢٠٠٣، بورس کالا و معاملات آتی برزیل نخستین مرکز اطلاعات صادرات[1] خود را در ایالت سائوپولو افتتاح کرد. در سال ٢٠٠٤ دفاتر دیگری در ایالات ریو دوژانیرو، میناس گریاس و ریو گراند دو سول و بعدها در ایالات ماتو گروسو و ماتو گروسو دو سول تأسیس شدند. این مرکز یک سیستم ارائه‌ی مشاوره برای شرکت‌های کوچک صادرکننده است و اطلاعاتی درباره‌ی ابزارهای موجود برای صادرکنندگان و همچنین مشورت‌های فنی را در اختیار آنان قرار می‌دهد. کارآفرینان در دفاتر این مراکز از مشاوره تلفنی، اینترنتی یا فردی استفاده می‌کنند. این خدمات توسط بورس و دولت‌های ایالتی به‌صورت مجانی ارائه می‌شوند. هدف از این کار، توسعه‌ی بخش تجارت خارجی، از طریق افزایش تعداد صادرکنندگان و تنوع محصولات صادراتی است. این سرویس همچنین دسترسی آسان به شرکت‌های تجارت خارجی و اتاق‌های کارگزاری مخصوص اعضای بورس کالا و معاملات آتی را، برای دریافت اطلاعات درباره‌ی پوشش ریسک ارز یا سایر محصولات فراهم می‌کند. مرکز سائوپولو در طول نخستین سال راه‌اندازی خود به ١٢٠ شرکت کمک کرد. دفتر ریو در سه ماه نخست فعالیت خود به ٥٠ شرکت کمک کرد و در مرکز میناس گریاس، ١٥٠ شرکت در نخستین ماه فعالیت این مرکز از خدمات آن استفاده کردند. در اکتبر سال ٢٠٠٤ موافقت‌نامه‌ی دیگری به امضا رسید که براساس آن، استعلام‌های مربوط به تأمین مالی معاملات و سایرخدمات بانکی از این مراکز به بانک مرکزی برزیل ارسال می‌شود تا طیف مشاوره‌ها و تخصص‌های فنی‌ای که به صادرکنندگان ارائه می‌شود گسترش یابد.

یکپارچگی منطقه‌ای: از سال ٢٠٠٤، بورس کالا و معاملات آتی برزیل فرایند یکپارچه‌سازی

1- Cal center

منطقه‌ای بازارهای سویا و گندم منطقه‌ی آمریکای لاتین را آغاز کرد. تولید سویای برزیل و آرژانتین به همراه یکدیگر از ایالات متحده آمریکا بیشتر است. با وجود این، قیمت مرجع جهانی در بورس معیار بین‌المللی[1] یعنی هیأت تجاری شیکاگو کشف می‌شود. بورس کالا و معاملات آتی برزیل و بورس معاملات آتی روساریو[2] آرژانتین (روفکس) در سال ۲۰۰٤ موافقت کردند تا برای ایجاد بازار الکترونیکی معاملات آتی دانه‌ی سویا که توسط هر دو سازمان اداره شود تلاش کنند. هدف از این کار ایجاد بازاری بود که به ارائه‌ی پوشش ریسک مناسب به تولیدکنندگان آمریکای لاتین بپردازد، ریسک مبنای این کشـــورها را به حداقل ممکن برساند و قدرت قیمت‌گذاری را در بزرگ‌ترین بازارهای تولیدکننده ایجاد کند. در سال ۲۰۰۷، تست‌های یکپارچگی میان سیستم معاملات جهانی[3] بورس کالا و معاملات آتی برزیل و سیســـتم معاملاتی الکترونیکی روفکس[4]، از طریق پروتکل مبادله‌ی اطلاعات مالی (فیکس)[5] که یک زبان استاندارد معاملات بین‌المللی است آغاز شد. این یکی از مراحل اصلی در فرایند یکپارچه‌سازی است و انتظار می‌رود تحولات دیگری نیز رخ دهد.

تجارت جنوب- جنوب: بورس کالا و معاملات آتی برزیل در زمینه‌ی توسعه تجارت کالای جنوب -جنوب میان برزیل و چین به خصوص در زمینه دانه ســـویا پیشتاز است (کادر ۱۱ را ببینید).

توســـعه صنعت: ابتکارات بورس کالا و معاملات آتی برزیل از ســـه جنبه به توسعه صنعت کمک نموده است: افزایش دسترسی به بازارها از طریق برنامه‌ی "نمایندگان توزیع و تبلیغ گســـترده معاملات مشتقات"، ســـازماندهی کارگزاری‌ها و توسعه‌ی محصولات جدید از طریق ابزار مالی کربن اشاره کرد.

افزایش دسترســـی به بازارها: به‌منظور گسترش مرزهای بازار منطقه‌ای و ترویج استفاده از ابزارهای مشتقه بخش کشـــاورزی، بورس کالا و معاملات آتی برزیل در سال ۲۰۰٦ برنامه‌ی "نمایندگان توزیع و تبلیغ گســـترده معاملات مشتقات" را در دستور کار خود قرار داد که قرار بود به شـــرط تأیید نهادهای ناظر، درسال ۲۰۰۷ آغاز به‌کار کند. هدف این برنامه که بر بخش کشاورزی متمرکز بود، افزایش دسترسی به بازارها در محدوده‌ی جغرافیایی وسیع برزیل است و در آن، گستره این بازارها، به حوزه‌ها و انواع جدید فعالان گسترش داده می‌شود. نمایندگان واجد صلاحیت و دارای مجوز در واقع همان نقشی را ایفا می‌کنند که کارگزاران در آمریکا ایفا می‌کنند، به‌عنوان بازوی عملیاتی یک اتاق کارگزاری عمل می‌کنند و خدمات فروش، پشتیبانی

1- CBOT
2- Rosario Futures Exchange (ROFEX)
3- Global Trafing System
4- e-Rofex
5- Financial Information Exchange (FIX)

و مشورتی را به فعالان جدید بازار ارائه می دهند. بورس کالا و معاملات آتی برزیل از طریق آموزش و برنامه‌ی انگیزشی از برنامه‌ی نمایندگان توزیع قراردادهای مشتقه حمایت می‌کند.

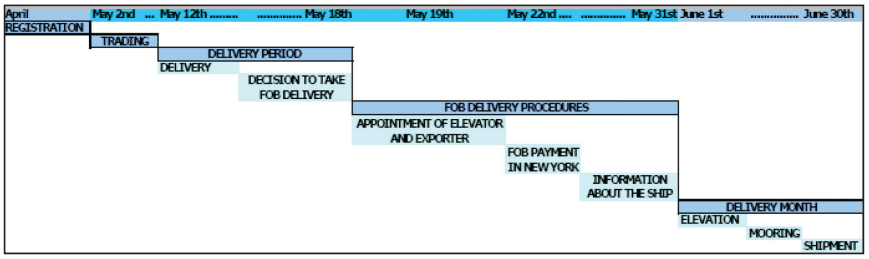
کادر ۱۱: بورس کالا و معاملات آتی برزیل و پیوندهای صادراتی با چین

در سال ۰۵-۲۰۰٤، واردکنندگان چینی سویا با قیمت‌های بالای سویا در هنگام مراجعه به بازار و قیمت‌های پایین در هنگام عرضه‌ی سویای چینی به بازار روبرو بودند. بسیاری بر این باور بودند که شرکت‌های تجاری ایالات متحده آمریکا بر قیمت‌گذاری سویا در بورس مرجع بین‌المللی و واردات سویای ایالات متحده آمریکا به چین مسلط بودند و این به زیان صنعت چین بود. اگرچه واردکنندگان چینی علاوه بر آمریکا از کشـــورهای آمریکای لاتین نیز سویا وارد می‌کردند، معاملات همواره از مسیر شرکت‌های تجاری آمریکایی در بورس مرجع بین‌المللی انجام می‌شـــد. بنابراین، در واکنش به افزایش تنش در روابط با شـــرکت‌های تجاری آمریکا، این صنعت تصمیم راهبردی ایجاد پیوندهای تجاری مستقیم با تولیدکنندگان برزیلی و آرژانتینی سویا را اتخاذ کرد. ولی در برابر تجارت مستقیم گسترده‌ی بین واردکنندگان چینی و کشاورزان آمریکای جنوبی موانع عمده‌ای قرار داشت. ازجمله می‌توان به فقدان اعتماد در تضامین مشترک و دشواری‌های اقدامات تدارکاتی برای شیوه‌های پرداخت و حمل و نقل اشاره کرد.

همزمان، تولیدکنندگان برزیلی سویا از ظهور چین به‌عنوان بزرگ‌ترین بازار برای سویای خود آگاه بودند. بورس کالا و معاملات آتی برزیل به نیابت از صنعت، در سال ۲۰۰٤ به‌منظور تسهیل پیوندهای میان تولیدکنندگان برزیلی و واردکنندگان چینی دفتری را در شـــانگهای تأســـیس کرد. تعـــدادی از دولت‌های ایالتی نیز نمایندگانی را در این دفتر که محل سازماندهی هیئت‌ها و رخدادهای صادراتی بود مستقر کردند. هیئتی از فراوران چینی روغن سویا در بهار سال ۲۰۰۵ از آمریکای جنوبی بازدید کردند. بورس کالا و معاملات آتی و بورس دالیان چین پیوندهایی را ایجاد کردند و همکاری فعال در طراحی راه‌حلی برای خرید مستقیم صنعت چین از برزیل را آغاز کردند. به‌منظور ارتقای معامله ســـویا با آمریکای جنوبی، بورس کالا و معاملات آتی برزیل با همراهی بورس دالیان چین و بورس روفکس آرژانتین، در آوریل ســـال ۲۰۰٦ بازدیدی را در شهرهای چینی پکن، زیانگهای، دالیان و شـــنزن ســـازماندهی کردند. به دنبال آن، محفل معاملات سویای چین

–امریکای جنوبی و سمینار بین‌المللی مدیریت ریسک صنعت سویا برگزار شد که بیش از ۵۰ تاجر چینی و دلالان و متخصصان سویای بورس کالا و معاملات آتی برزیل در آن شرکت داشتند. در جولای سال ۲۰۰۶، سمیناری به نام "سرمایه گذاری در چین – راهکارهای موجود برای شرکت‌های برزیلی" برگزار شد که درباره جنبه‌های حقوقی روابط تجاری میان برزیل و چین، به‌ویژه تدابیر امنیتی و حمایت‌های قانونی موجود، فرصت‌ها و چالش‌های سرمایه‌گذاری، آربیتراژ، حمایت از حقوق تولیدات فکری، ادغام‌ها و تملک‌ها در چین بحث می‌کرد.

به دنبال این رخدادها، راه‌حلی ارائه شد که هنوز نهایی نشده است. واردکنندگان چینی سویا از طریق قرارداد آتی سویای بورس کالا و معاملات آتی برزیل ریسک خود را پوشش می‌دهند و کالا را به‌صورت تحویل در عرشه کشتی (FOB) در کریدور صادراتی اصلی در پاراناگوا تحویل می‌گیرند. ارزش تسویه[1] این معاملات برابر با ارزش تســـویه قرارداد آتی بعلاوه‌ی هزینه‌ها و بهای خدمات مرتبط با انتقال ســـویا از انبار مورد تأیید بورس به کشتی‌ای که خریدار تعیین می‌کند و هزینه‌ای مالی‌ای است که بانک تعیین می‌نماید. بورس کالا و معاملات آتی برزیل تضمین می‌کند که کیفیت محصولی که بر روی کشتی تحویل می‌شود با رتبه‌بندی اســـتاندارد صادرات سویای برزیل مطابقت دارد. علاوه‌بر این، مشتری ریسک ارز برزیل را تقبل نمی‌کند، چون همه وجه تضمین‌ها براساس دلار آمریکا و در حساب‌هایی در نیویورک هستند. این فرایند در نمودار زیر نشان داده شده است:



منبع: هفته‌نامه‌ی تجاری چین (۲۰۰۵)؛ بورس کالا و معاملات آتی برزیل

ســـازماندهی و ارتقای بازار: برنامه تقویت بخـــش کارگزاری بورس کالا و معاملات برزیل، ابتکاری اســـت که برای ارتقای این صنعت به عمل آمده است. این برنامه در سال ۲۰۰۵ با ایجاد الزامات جدید برای اتاق‌های کارگزاری عضو در ارتباط با سرمایه، ساختار

1- Settlement Value

سازمانی و صلاحیت‌های حرفه‌ای آغاز شـــد. مرحله نخست این برنامه اجباری در سال ۲۰۰۶ آغاز شـــد و براســـاس آن، همه اتاق‌های کارگزاری عضو بورس کالا و معاملات آتی برزیل مجموعه‌ای از الزامـــات مرتبط با صلاحیت را رعایت نمودند. مرحله دوم که داوطلبانه بود و در ســـال ۲۰۰۷ آغاز شد، شامل ارائه‌ی پروانه کیفیت به موسسات واجد صلاحیت بود که با معیارهای بازار آن‌ها، ازجمله بازار کشاورزی هم‌خوانی داشت. هدف از این کار، توسعه‌ی صنعت کارگزاری قدرتمندی بود که بتواند به افزایش حجم تجارت کمک کرده و برنامه‌های راهبردی و خدمات با کیفیت به مشتریان را ارائه دهد.

ارائه‌ی محصولات و خدمات جدید: در ســـپتامبر سال ۲۰۰۵، بورس کالا و معاملات آتی برزیل با همراهی وزارت توسعه، صنعت و تجارت خارجی، بازار کربن برزیل را راه‌اندازی کرد. هدف اصلی این ابتکار، توسعه‌ی یک سیستم معاملاتی کارآمد برای معامله گواهی‌های زیست محیطی براساس اصول پروتکل کیوتو بود. در این فرآیند دو مرحله‌ای، نخست، سامانه کربن بورس کالا و معاملات برزیل ایجاد شد. در این سامانه پروژه‌هایی که به تشخیص آژانس‌های صدور گواهی مورد تأیید سازمان ملل متحدد، طبق معیارهای مکانیسم توسعه‌ی پاک پروتکل کیوتو[1]، واجد شـــرایط می‌باشند، ثبت گردیده و بر این اساس سامانه برای آن‌ها اعتبار کربن یا مجوز تولید کربن صادر می‌نماید. در این سامانه همچنین امکان ثبت پروپزال‌های مربوط کاهش انتشار کربن، جهت دریاف مجوز تولید کربن مربوطه نیز وجود دارد. هدف از این کار، تأمین ابزارهای تشـــویقی برای جذب سرمایه‌گذاری در مجوز تولید کربن مرتبط با این پروژه‌ها و یا معامله مجوزهای مذکور است. علاوه بر این در سامانه مذکور امکان ثبت تمایل نیز وجود دارد و در آن سرمایه‌گذاران خارجی که تمایل به خرید مجوز کربن دارند می‌توانند علاقه‌مندی خود را با تشریح ویژگی‌های فعالیت‌های پروژه مبنای مورد نظر خود به ثبت برسانند. دومین مرحله، راه‌اندازی تابلوی مبتنی بر وب سایت برای مزایده مجوزهای کربن است که قرار است دراواخر سال ۲۰۰۷ انجام شود. این مســـئله معامله‌ی مجوزهای کربن که بواسطه پروژه‌های مطابق با مکانیسم توسعه پاک تولید می‌گردند را میسر می‌سازد. همچنین برای معامله‌ی مجوزهای کربنی که هنوز در فرایند تولید و تأیید هستند نیز یک بازار معاملات پیمان‌های آتی ایجاد می‌شود.

همزمان، همان‌طور که در بخش فوق و در هنگام بحث درباره‌ی تسهیل بازار فیزیکی گفتیـــم، بورس کالای برزیل که شـــعبه‌ای از بورس کالا و معاملات آتی برزیل اســـت با اســـتفاده از مکانیســـم‌های بورس، خدماتی جهت ثبت و معامله ابزارهای متعددی نظیر ارواق بهادار روستایی و برنامه‌های خرید دولت، ارائه می‌نماید.

1- Kyoto Protocol's Clean Development Mechanism (CDM)

فصل ۷- چین

۷-۱ توسعه‌ی تاریخی بازارهای کشاورزی و بازارهای ویژه‌ی کالاهای تحت بررسی

۷-۱-۱ وضعیت کشور

تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۶ (میلیارد دلار آمریکا، به قیمت‌های جاری):	۲۶۳۰	میانگین رشد تولید ناخالص داخلی طی ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۱۲/۷
سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۶ (دلار آمریکا، به قیمت‌های جاری) :	۲۰۰۲	رشد سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی طی ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۴۹۰
جمعیت در سال ۲۰۰۶ (میلیون نفر):	۱۳۱۴	رشد جمعیت طی ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۱۵
شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۱۹۹۰ (سال ۲۰۰۰ به‌عنوان ۱۰۰):	۵۰	شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۲۰۰۵ (سال ۲۰۰۰ به‌عنوان ۱۰۰):	۱۰۷
تراز حساب جاری در سال ۱۱۹۰ (میلیارد دلار آمریکا):	۱۲	تراز حساب جاری در سال ۲۰۰۶ (میلیارد دلار آمریکا):	۲۳۸/۵
کشاورزی- سهم از تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۶:	٪۱۳	سهم کشاورزی از درآمدهای صادراتی در سال ۲۰۰۵:	٪۴
کشاورزی- سهم از اشتغال در سال ۲۰۰۳:	٪۴۰	سهم ۲۰٪ فقیرترین افراد از درآمد ملی:	٪۴/۷
مساحت (میلیون کیلومتر مربع) سال۲۰۰۵:	۹/۶	امید به زندگی در بدو تولد در سال ۲۰۰۵:	۷۲
نرخ باسوادی بزرگسالان در سال ۲۰۰۶:	٪۹۱		

۷-۱-۲ تحولات تاریخی

انقلاب فرهنگی چین کشـــاورزی این کشـــور و دهقانان را که بخـــش قابل توجهی از جمعیت این کشـــور را تشـــکیل می‌دادند به ورطه‌ی هرج و مرج کشانده و به مرز بحران رســـاند. تقریباً یک ســـوم جامعه ۸۰۰ میلیون نفری دهقانان چین به ورطه‌ی فقر افتادند و کشور به واردات چشـــمگیر مواد خوراکی متکی شد (رون شنگ ۲۰۰۶). به‌عنوان بخشی

از اصلاحات گسترده‌تر دنگ شیا ئوپنگ در سال ۱۹۷۸ که نوسازی چهارگانه[1] نام گرفت، دوره اصلاحات کشـــاورزی همراه با تجدید ســـاختار بنیادین صنعت، علوم و فناوری و دفاع ملّی آغاز شـــد. این فرایند که نمایانگر گسســـت از افراطی گرایی‌ای بود که ویژگی بارز انقلاب فرهنگی و سال‌های آخر زمامداری مائو تسه دونگ محسوب می‌شد، به‌عنوان تلاش برای استقرار" اقتصاد بازار سوسیالیستی" یا "سوسیالیسم چینی" معروف شد.

تا دوره اصلاحات، همه زمین‌ها و نیروی کار مناطق روستایی چین در اختیار کمون‌های خلـــق بود. مالکیت خصوصی زمیـــن و روابط پیمانی خصوصـــی غیرقانونی بود. اهداف سیاست‌های کشـــاورزی برابری روستایی و تأمین غذای ارزان، سرمایه و نیروی کار برای حمایت از توسعه صنعتی سریع بود. در عین حال، بازاریابی محصولات و تجارت به شدت کنترل می‌شدند و قیمت‌های خرید معمولاً پایینتر از قیمت‌های بین‌المللی نگه داشته می‌شد (فن و کوهن ،۱۹۹۹).

کادر ۱۲: وظایف ده‌گانه چین برای مناطق روستایی، ۲۰۰۰

۱-تعدیل راهبردی
۲-اطمینان از کمیت محصولات غله (بهبود برداشت محصول)
۳-انتقال تدریجی نیروی کار روستایی به سایر بخش‌ها
٤-اصلاح سیستم مالیات و عوارض روستایی
۵-افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی
٦-بهبود تحصیلات در روستاها (علوم و فناوری کشاورزی)
۷-اصلاح تعاونی‌های اعتباری (تأمین مالی روستایی)
۸-استمرار برنامه‌ریزی شده‌ی کاهش فقر
۹-باز کردن درها بر روی تجارت جهانی
۱۰-افزایش پیشرفت اجتماعی
منبع: سولوت ۲۰۰٦

اصلاحات کشـــاورزی در دو مرحله اجرا شـــد (دو برا، هوانـــگ و روزل،۲۰۰٤؛ فن براون،گولاتـــی و فن ۲۰۰۵ الف). نخســـتین اصلاحات که از ســـال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸٤ ادامه

1- Four Modernizations

داشـــت، شـــاهد خارج نمودن مزارع از حالت جمعی و تمرکـــز زدایی تصمیم‌گیری‌های کشـــاورزی بود. در این دوره سیستم مســـئولیت خانوار (HRS) آغاز شد که براساس آن، هرخانواده می‌توانســـت زمینی را به مدت سی سال اجاره کند و مازاد محصول خود را در بازار آزاد بفروشد. این مسئله به کشاورزان انگیزه داد تا تولید را افزایش دهند و آن‌ها را از اختیار تصمیم‌گیری مورد نیاز برای این کار برخوردار کرد؛ افزایش بهره‌وری کشاورزی در طول این دوره از صفر به ٦ درصد در سال رسید. ویژگی اصلاحات بعدی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵، آزادسازی تدریجی قیمت‌ها و بازاریابی و توسعه نهادهای بازار (ازجمله تاسیس نخستین بورس کالا در ســـال ۱۹۹۰) بود. با تلاش چین برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، که انگیزه‌ی آن نیاز اقتصادی پیوستن به بازارهای جهانی بود، دور دیگری از سیاست‌ها برای تعدیل رژیم حمایتی کشاورزی چین آغاز شد[1].

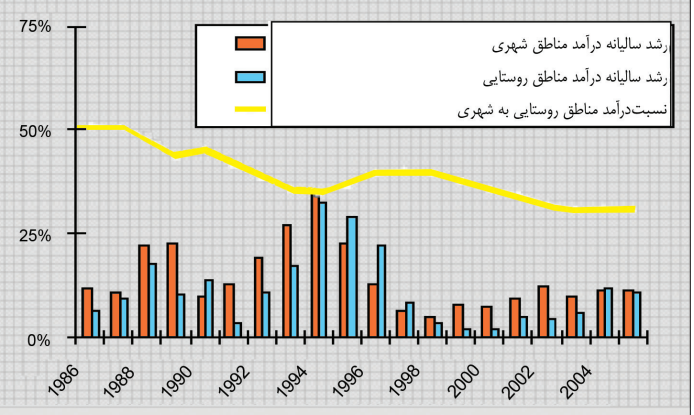
از نظر ســـولوت (۲۰۰٦) سیاست‌های بخش کشـــاورزی چین از اواخر دهه ۱۹۹۰ به بعد ســـه هدف اصلی را دنبـــال می‌کرده؛ موضوعی که تحت عنوان "معمای ســـه وجهی سیاست کشاورزی چین"[2] شـــناخته می‌شود: افزایش سطح درآمد کشاورزان، حفظ امنیت مواد غذایی و خودکفایی در غلات و آزادســـازی تجاری و پیوســـتن به بازارهای جهانی. آمیزه‌ی سیاست‌هایی که به‌طور هم‌زمان برای دستیابی به این اهداف به‌کار رفته‌اند آمیزه‌ای عجیب از آزادسازی و حمایت و ترویج ابزارهای مبتنی بر بازار و دخالت دولت است که ماهیت آن در وظایف ده‌گانه مناطق روستایی که رهبری مرکزی چین در سال ۲۰۰۰ صادر کرد منعکس شده است (کادر ۱۲).

ولی یکی از این وظایف (جذب سهم زیادی از نیروی کار مزارع از طریق رشد شدید صنایع روستایی) در کمک به چین برای ترکیب افزایش شدید تولیدات کشاورزی با کاهش شـــدید فقر و بهبود چشـــمگیر میزان و کیفیت مواد خوراکی موجود نقش مهمی ایفا کرده اســـت (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۵:۱). بخش روستایی غیرکشاورزی در چین از ســـهم تقریباً صفر درصد از تولید ناخالص داخلی در دهه‌ی ۱۹۵۰ به بیش از یک ســـوم تولید ناخالص داخلی در حال حاضر رســـیده است (فن براون، گولاتی، و فن، ۲۰۵ الف).

۱- سیســـتم مسئولیت غله استاندار، مســـئولیت ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضای غلات در استان را به استانداران می‌داد. سیستم "چهار تفکیک و یک تکمیل" (four separations and one perfection) به دنبال هم‌راستا سازی مجدد و اثربخش‌تر اقامات کشاورزی بخش‌های خصوصی و عمومی بود.

2- China`s agricultural policy trilemma

نمودار۱۳: نابرابری مناطق شهری و روستایی چین، دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۶



منبع: سالنامه آماری چین (سالهای ۱۹۹۶ و ۲۰۰۶)

با وجود این، چنین موفقیت‌هایی مشکلات خاص خود را نیز داشته است. رشد صنعتی چندین سال از رشد کشاورزی پیشی گرفته است و این بدان معناست که به رغم پیشرفت چشمگیر در کاهش فقر روستایی، نابرابری درآمدی میان روستاها و شهرها افزایش مستمر ولی به‌طور بالقوه ناپایداری را تجربه کرده است. درآمد متوسط روستایی که در سال ۱۹۸٦ برابر با ۵۱ درصد میانگین درآمد شـــهری بوده اســـت، تا سال ۲۰۰۵ به ۳۱ درصد کاهش یافته اســـت (به نمودار ۱۳ نگاه کنید). درنتیجه، کشاورزی دوباره به اولویت اصلی دولت تبدیل شـــده است. سند شماره ۱ (حوزه سیاســـتی اصلی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین) از سال ۲۰۰٤ درباره‌ی موضوع کشاورزی و رفاه دهقانان بوده است. این مسئله سبب بازگشت اقداماتی گردید که آخرین بار بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸٦ اجرا می‌شد.

شرکت‌های تجاری دولتی هنوز کنترل مقادیر چشمگیری از تجارت داخلی و واردات و صادرات کالا از چین را در دســـت دارند. ولی تولید همچنان در دســـتان تولیدکنندگان خرده‌پاست. این میراث ساختار کمونی قبل از اصلاحات و سیستم مسئولیت خانوار است کـــه مالکیت دایمی یا فروش زمین را مجاز نمی‌شـــمرد. با وجـــود این، دولت برای ادغام تولیدکنندگان کوچک در شرکت‌های بزرگ‌تر، ازجمله از طریق تشکیل شرکت‌های تعاونی و تشویق رشد شرکت‌های زراعی تجاری انگیزه جدیدی دارد. شرکت‌های تعاونی در چین وجود دارند ولی توسعه‌ی چندانی نیافته‌اند. علاوه‌بر این، وضعیت در مناطق مختلف بسیار متفاوت اســـت. انتظار می‌رود با تصویب قانون جدیـــدی در زمینه‌ی تعاونی‌های حرفه‌ای کشـــاورزان که در اکتبر ســـال ۲۰۰٦ به تصویب کنگره ملّی خلق رسید و در جولای سال ۲۰۰۷ به اجرا درآمد، توســـعه‌ی شـــرکت‌های تعاونی تشویق شود. این قانون، با نگاهی به

افزایش مشارکت بازار و افزایش قابلیت رقابت کلی، جایگاه حقوقی و رویه‌ای حکمرانی تعاونی‌ها ونقش آن‌ها در ترویج مدیریت و تجاری‌سازی واحدهای کشاورزی کوچک را تقویت می‌کند. نکته مهم این است که این قانون دولت را مکلف می‌کند تا از طریق اقداماتی همچون حمایت مالی، پاداش‌های مالیاتی، حمایت‌های فناوری و انسانی و رهنمودهای سیاست‌های صنعتی، توسعه تعاونی‌های حرفه‌ای زراعی را ترویج کند. علاوه‌بر این، این قانون موسسات پژوهشی، آژانس‌های گسترش کشاورزی و سازمان‌های دیگری را که جزئی از زنجیره‌های عرضه کالا هستند، تشویق می‌کند تا در زمینه‌ی سیاست‌ها، فناوری، اطلاعات و بازاریابی به تعاونی‌ها کمک کنند.

۷-۱-۳ چکیده‌ی چالش‌های عمده بخش کشاورزی در طول زمان

- گذار به سیستم کشاورزی مبتنی بر بازار
- ایجاد نهادهای بازار برای تسهیل و تنظیم تجارت و تضمین پیوند با سایر بخش‌های اقتصاد
- توسعه‌ی صنایع پایین دستی دارای ارزش افزوده (صنایع روستایی غیرکشاورزی)
- تلاش برای حل نابرابری‌های روزافزون میان شهر و مناطق روستایی
- تحکیم و تجاری‌سازی بخش واحدهای کوچک کشاورزی

۷-۱-۴ کالاهای ویژه مورد مطالعه: دانه‌های سویا و ذرت

سویا

ویژگی‌ها و فرایند صنعتی

سویا، گلیسین ماکس[1]، به خانواده‌ی لگومینوزا[2] تعلق دارد که از گونه‌های فرعی پاپیلیونوید[3] است. سویا در گروه دانه‌های روغنی طبقه‌بندی می‌شود. این گیاه گیاهی یک ساله است و از ارتفاع ۲۰ تا ۱۸۰ سانتیمتر رشد می‌کند و دارای گل و غوزه سفید یا بنفش رنگ است. غوزه این گیاه که معمولاً حاوی دو یا سه بذر است، در امتداد محور برگ‌ها تشکیل می‌شود (صندوق جهانی طبیعت-WWF). بهترین شرایط برای کشت این گیاه در مناطقی فراهم است که تابستان‌های گرم دارند، چون این گیاه نیازمند دمای بیش از ۲۰ درجه سانتیگراد است. دانه‌ی سویا برای تولید روغن سویا و تهیه خوراک سویا چرخ می‌شود.

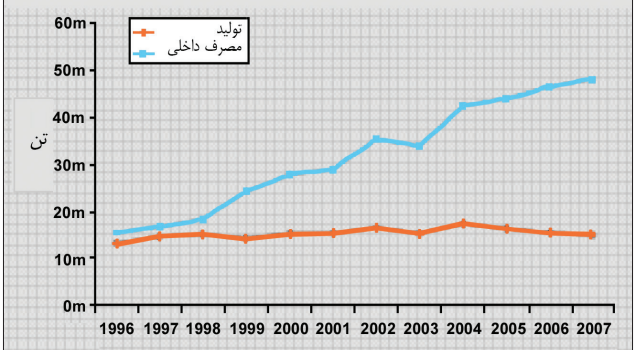
1- Glycine max
2- Leguminosae
3- Papilionoideae

ساختار صنعت و زنجیره‌ی عرضه

در چین، سویایی که در داخل کشور تولید می‌شود بیشتر مصرف مستقیم خوراکی دارد. سویای وارداتی که معمولاً دارای روغن بیشتری است برای روغن کشی و تهیه شیره سویا به‌کار می‌رود. تولید سویای چینی عمدتاً در شمال شرق کشور متمرکز است که می‌توان آن را به‌صورت چرخشی با ذرت کاشت. تولید سالیانه در سال ۲۰۰۵ تقریباً ۲۷ میلیون تن بود و با وجود این، ظرفیت روغن کشی نزدیک به ۷۰ میلیون تن است. تفاوت میان این دو عدد نمایانگر حجم زیاد سویای وارداتی چین است. ظرفیت روغن کشی به تدریج به‌سوی مناطق بندری حرکت می‌کند که نمایانگر نسبت روزافزون سویای وارداتی به کل سویای خرد شده است.



نمودار۱٤: وضعیت عرضه و تقاضای سویا در چین، دوره ۲۰۰۷-۱۹۹٦



منبع: مرکز ملی غلات و دانه‌های روغنی چین

توسعه‌ی صنعت

چین در زمینه‌ی کشـــت سویا سابقه‌ای دیرینه (شاید ۶۰۰۰ ساله) دارد. تا سده هفدهم، سویا در سرتاسر چین کشت می‌شـــد و تا اوایل سده‌ی بیستم، سویا یکی از سه محصول صادراتی اصلی کشـــور بـــه بازارهای جهانی بـــود (WWF، ۲۰۰۲). در حال حاضر، چین چهارمین تولیدکننده‌ی بزرگ سویا در جهان و دومین مصرف‌کننده‌ی بزرگ این محصول است. سویا که سرشار از پروتئین است، بخش مهمی از رژیم غذایی مردم چین را تشکیل می‌دهد و برای تولید شـــیره‌ی ســـویا (توفو) نیز به‌کار می‌رود. ســـویا به نحو روز افزونی به‌عنوان خـــوراک دام نیز به‌کار می‌رود و درنتیجه، به موازات افزایش رشـــد اقتصادی در دهه‌ی گذشته تقاضا برای این محصول نیز افزایش یافته است. محصولاتی که از سویا گرفته می‌شوند شامل خوراک سویا و روغن سویاست. تا همین اواخر، روغن سویا محبوب‌ترین روغن گیاهی‌ای بود که برای آشـــپزی و سایر مصارف به‌کار می‌رفت. با وجود این، اکنون و به دنبال گسترش سریع تولید روغن نارگیل در مالزی و اندونزی، این محصول از روغن سویا پیشی گرفته است.

بازار سویای چین در اوایل فرایند اصلاحات چین آزاد شد و بنابراین بازار بازی است که به شـــدت از تحولات بازار بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. چین که تا اواســـط دهه‌ی ۱۹۹۰ صادرکننده ســـویا بود، به واردکننده‌ی سویا تبدیل شده و حجم معاملات سویای آن اغلب چشمگیر است.

از دهه ۱۹۹۰، سویا یکی از محصولات بیوتک (محصولاتی که مورد اصلاح ژنتیکی قرار گرفته‌اند) بوده اســـت. مونسانتو در سال ۱۹۹۵ گونه‌ی "رانداپ ردی"[1] را روانه‌ی بازار کرد. در حال حاضر، ســـویایی که اصلاح ژنتیکی شده بخش عمده‌ی تولید سویای ایالات متحده آمریکا را تشکیل می‌دهد که بخش چشمگیری از آن به چین وارد می‌شود. در مقابل، براساس سیاست‌های دولت چین، تولید سویای چین منحصراً به‌سویای معمولی اختصاص دارد.

کاربردها و استفاده کنندگان

با گســـترش طبقه‌ی متوسط چین و ثروتمندتر شدن آن که به تغییر ذائقه‌ی آن‌ها منجر شده است، تقاضا برای سویا نیز به موازات رشد تقاضا برای گوشت و مرغ افزایش یافته است. روغن سویا به‌عنوان روغن گیاهی برای آشپزی و موارد مشابه به‌کار می‌رود. دانه‌ی سویا برای تولید شیر و شیره‌ی سویا نیز به‌کار می‌رود.

1- Roundup Ready

ذرت

ویژگی‌ها و فرایند صنعتی

ذرت (ذی مایز[1]) در زمره‌ی غلات محسوب و در سرتاسر جهان کشت می‌شود. ذرت سفید معمولاً مصارف خوراکی دارد ولی ذرت زرد معمولاً به‌عنوان خوراک دام به‌کار می‌رود.



ساختار صنعت و زنجیره‌ی عرضه

ذرت یکی از مهمترین غلاتی است که در چین تولید می‌شود و تولید سالیانه‌ی آن بیش از یک سوم تولید غله این کشور را تشکیل می‌دهد و صدها میلیون کشاورز برای گذران زندگی به این محصول وابسته هستند. با تولید سالیانه ۱۲۰ میلیون تن، چین دومین تولیدکننده‌ی بزرگ و دومین مصرف‌کننده‌ی ذرت جهان است و بین ۱۷ تا ۱۸ درصد از تولید و مصرف جهانی را به خود اختصاص داده است.

سیزده استان که عمدتاً در شمال شرق چین متمرکز هستند، ۸۰ درصد تولید غلات چین را در دست دارند. چین که از اواسط دهه ۱۹۹۰ صادرکننده‌ی مطلق ذرت بود، صادرات خود را از بندر اصلی خود در شهر دالیان در شمال شرقی این کشور انجام می‌داد و ژاپن، مالزی و جمهوری کره بازارهای اصلی صادرات آن بودند. با وجود این، اگر چین می‌خواست به واردکننده‌ی مطلق ذرت تبدیل شود، تأسیسات وارداتی اصلی احتمالاً در جنوب و شرق کشور و در اطراف مراکز جمعیتی عمده در ساحل تشکیل می‌شدند.

زنجیره‌ی عرضه ذرت زنجیره‌ای طولانی است و دست‌اندرکاران زیادی دارد. این مسئله عمدتاً ناشی از کاربردهای متعدد این محصول است، ولی تا حدی ناشی از تعداد زیاد واسطه‌ها نیز می‌باشد که در گردآوری محصول از کشاورزان خرده‌پا و توزیع آن در

1- Zea Mays

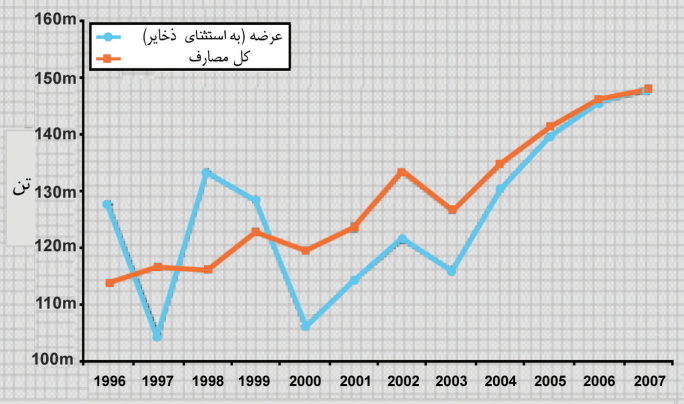
میان فراوران و خریداران فعالیت دارند[۱].

تولیدکنندگان ماکیان و گوشت (خریداران ذرت برای مصارف خوراک دام و مرغداری‌ها)، به مزارع صنعتی (۲۰ تا ۳۰ درصد تولید گوشت خوک و ۶۰ تا ۷۰ درصد تولید گوشت ماکیان)، مزارع بزرگ (۲۰ درصد تولید خوک) و مزارع کوچک خانوادگی تقسیم می‌شوند. تولیدکنندگان نشاسته و الکل اتانول از کاربران صنعتی ذرت هستند که محصولات مورد نیاز خود را عمدتاً از داخل تأمین می‌کنند، ولی باتوجه به افزایش اخیر قیمت‌ها، برای نخستین بار در ده سال گذشته واردات ذرت از ایالات متحده آمریکا و سایر بازارها را نیز آغاز کرده‌اند.

توسعه‌ی صنعت

از آنجا که ذرت کالایی راهبردی است، بازار ذرت چین تا مدت‌ها پس از آغاز اصلاحات کشاورزی عمده این کشور همچنان تا حد زیادی تحت کنترل دولت بود. با وجود این، در ده سال گذشته بازار دستخوش تحولات چشمگیری شده است و تولید به سختی توانسته است هم‌پای رشد قدرتمند تقاضای داخلی حرکت کند (به نمودار ۱۵ نگاه کنید).

نمودار۱۵: وضعیت عرضه و تقاضای ذرت در چین، دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۶



منبع: مرکز ملی غلات و دانه‌های روغنی چین

کنترل قیمت‌های ذرت ابتدا در سال ۱۹۹۷ کاهش یافت. با وجود این، حداقل قیمت‌های حمایتی و سایر شکل‌های حمایت و پشتیبانی همچنان ادامه داشت. حتی امروزه، تجارت ذرت

۱۲۹- این پاراگراف عمدتاً بر گرفته از کار Gain ۲۰۰۷ می‌باشد.

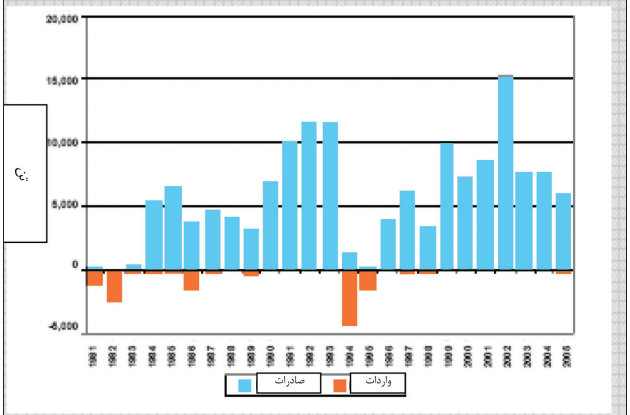
محدود به شرکت‌های معاملاتی دولتی است. این مسئله با هدف راهبردی چین که خودکفایی بلندمدت در دانه‌های خوراکی (برنج، گندم، و ذرت) است هم‌خوانی دارد. با وجود این، برخی عوامل، سیاست‌گذاران چینی را بر آن داشته است تا خواستار آزادسازی بازار ذرت شوند:

نخست اینکه ذرت عمدتاً به جای مصرف مستقیم انسانی برای تغذیه‌ی دام به‌کار می‌رود. دوم اینکه پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۲، در ارتباط با آزادسازی بازار ذرت داخلی و حذف رژیم سخاوتمندانه‌ی یارانه صادراتی که در نهایت در سال ۲۰۰٤ متوقف گردید تعهدات جدیدی را برای این کشور ایجاد کرد. سوم اینکه چین به‌سرعت تقاضای داخلی خود را افزایش می‌داد و احتمال اینکه این کشور بسیار زود به واردکننده مطلق ذرت تبدیل شود (شبکه اقتصادی چین، ۲۰۰٦) دولت را وادار کرد تا آزادسازی را به‌عنوان راهی برای افزایش کارایی و کاهش هزینه برنامه متمرکز سهمیه بندی، قیمت‌گذاری و حمایت برای این بخش محسوب کند.

کاربران و کاربردها

رشد اقتصادی سریع به افزایش سریع تقاضای چین برای ذرت منجر شد (که از نهاده‌های مهم برای خوراک دام، شکر و محصولات شکر، نوشیدنی و الکل است). رشد تقاضای ذرت به‌عنوان یکی از اجزای خوراک دام با رشد تقاضای گوشت قرمز و مرغ همراه بود که از پیامدهای گسترش و ثروتمندتر شدن طبقه‌ی متوسط چین و تغییر سریع ذائقه‌ی آن‌هاست.

نمودار۱٦: معاملات ذرت در چین، دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۰



منبع: مرکز ملی غلات و دانه‌های روغنی چین (۲۰۰۶)

در حال حاضر نشاسه ذرت ۸۵ درصد از نشاسته چین را تشکیل می‌دهد، ولی جایگزین‌هایی همچون نشاسته کاساوا و سیب زمینی شیرین و همچنین برنج و گندم نیز ممکن است به‌کار رود. همین مسئله درباره‌ی اتانول نیز صادق است، و هر دو بخش ظرف پنج سال گذشته رشد سالانه ۱۵درصدی را تجربه کرده‌اند (گین، ۲۰۰۷). به‌منظور تشویق استفاده از محصولاتی بجز ذرت در سال‌های اخیر، دولت چین از سال ۲۰۰۶ تعرفه واردات چیپس کاساوا از کشورهای عضو اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی (آ سه ان) را حذف کرد و در نخستین سال پس از این تغییر، واردات از این کشورها ٤٥ درصد افزایش یافت.صنعت اتانول تا کنون ۸۰ درصد تولید سوخت زیستی چین را تشکیل داده است (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۷). با وجود این، در تغییر اخیر سیاست‌های دولت که با انگیزه‌ی تأمین امنیت غذایی انجام شد، دولت چین نشان داده است که ذرت دیگر در کانون توجه تولید سوخت زیستی قرار ندارد. در عوض، دولت قصد دارد به تدریج به سمت منابع دیگر از جمله کاساوا، سیب زمینی شیرین، ذرت شیرین و سلولز حرکت کند (شینهوا، ۲۰۰۷).

خلاصه: ویژگی‌های برجسته‌ی بازار فیزیکی

- محصولاتی که برای امنیت غذایی چین حیاتی هستند و تقاضا برای آن‌ها به‌سرعت رشد می‌کند؛
- عمدتاً تولیدات تولیدکنندگان خرده‌پا؛
- نیاز چشمگیر برای توسعه‌ی زیرساخت‌ها و بهبود عملکردهای تولیدی؛
- سویا: بازارهای مختلف بین سویای وارداتی که به لحاظ ژنتیک اصلاح شده‌اند(GMO) و تولید محلی که بدون دستکاری ژنتیک است تقسیم شده‌اند.

۲-۷ ظهور بورس و توسعه‌ی قراردادها: بورس کالای دالیان

سال تاسیس: ۱۹۹۳	مکان: دالیان چین
ابزارهای مورد معامله: فقط قراردادهای معاملات آتی کالا	کالاهای مورد معامله: ۶- ذرت، سویا (X۲)، روغن سویا، خوراک سویا، LLDPE (پلی اتیلن سبک خطی)
مالکیت : بورس غیرانتفاعی، متعلق به اعضا	سیستم معاملاتی: سیستم معاملات الکترونیک، سفارشی شده توسط فروشنده نرم افزار مستقل با امکان ارائه‌ی معامله‌ی الکترونیکی در تالار معاملاتی بورس و معاملات از راه دور با اینترنت و تبادل داده‌ها
اتاق پایاپای: دپارتمان‌های پایاپای و تسویه‌ی داخلی	ناظر: کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین (CSRC)
حجم کل معاملات آتی و اختیار در سال ۲۰۰۶: ۱۲۰/۴ میلیون	حجم معاملات آتی و اختیار کالا در سال ۲۰۰۶: ۱۲۰/۴ میلیون
رتبه کسب شده طبق رتبه‌بندی جهانی FIA در سال ۲۰۰۶ (همه بورس‌های معاملات آتی بر مبنای حجم کل مشتقه‌ها) : ۱۷	رتبه کسب شده طبق رتبه بندی جهانی آنکتاد در سال ۲۰۰۶ (بورس‌های کالایی براساس حجم مشتقه‌های کالا):۳

سایت: http://www.dce.com.cn

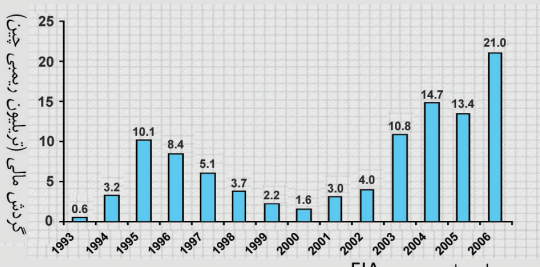
چین در ابتدای سده‌ی بیستم دارای ده‌ها بورس کالا بود. این بورس‌ها عمدتاً در طول دهه‌ی ۱۹۳۰ از صحنه محو شـــدند. پس از انتظاری طولانی، نخســـتین بورس کالا (بازار عمده‌ی فروشـــی غلات زنگ ژائوی چین) در اکتبر ســـال ۱۹۹۰ دوباره راه اندازی شـــد و به دنبال آن بورس‌های متعدد دیگری نیز تأســـیس شـــدند. این مسئله در طول دوره‌ی اصلاحات کشـــاورزی چین رخ داد (دوره‌ای که ویژگی آن، آزادسازی قیمت‌ها و بازار، و توســـعه نهادهای بازار بود). این بورس‌های، مراکز معاملات نقدی و معاملات پیمان‌های آتی بودند. نخســـتین بازار قراردادهای آتی کالا نیز اولین بار در ماه می سال۱۹۹۳ در رنگ ژائو تاسیس شد.

ابتدا دولت مرکزی در برابر توسعه‌ی بورس سیاست اقتصاد آزاد را در پیش گرفت (در بخش مربوط به کنترل و تنظیم بازار دراین‌باره بیشـــتر سخن می‌گوییم). با سرعت گرفتن تبدیـــل چین از اقتصادی با برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصاد بازار محور، بیش از چهل بورس تا اواخر سال ۱۹۹۳ تأسیس شد. این موسسات اغلب از حمایت دولت برخوردار بودند و علاوه‌بـــر این، دولت فعالیت‌های آنان را تنظیم می‌کرد. کالاهای اصلی که در این بورس‌ها معامله می‌شدند شامل کالاهای اساسی کشـــاورزی ازجمله گندم، ذرت و سویا بود که از مدت‌ها قبل به دلیل اهمیتی که در توسعه‌ی اقتصادی و حفظ ثبات سیاسی داشتند کالاهای استراتژیک محسوب می‌شدند.

از سال ۱۹۹٤ تا ۱۹۹۷، دست کم ده رسوایی عمده در بورس‌های داخلی چین رخ داد. این رسوایی‌ها، همراه با زیان حدوداً یک میلیارد دلاری معامله‌گران چینی که در بازارهای خارجی معاملات آتی شرکت داشـــتند (زوشین و گورهام، ۲۰۰۲)، نهاد ناظر بازار دولتی (کمیســـیون ناظر بازار اوراق بهادار چین [1]) را وادار به دخالت کرد. اقدامات این کمیسیون در چارچـــوب دو اقدام اصلاحی در بازار قرار می‌گیرند، ولی در دوره‌ای طولانی، یعنی از ســـال ۱۹۹٤ تا ۲۰۰۰ رخ داد. دوره نخستین اصلاح شاهد کاهش تعداد بورس‌ها به پانزده بورس بود و در دوره دوم، تنها به ســـه بـــورس کاهش یافت: بورس کالای دالیان، بورس کالای زنگ ژائو [2] و بورس قراردادهای آتی شـــانگ‌های[3]. این سه بورس کالا هنوز هم در چین به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

1- China Security Regulatory Commission (CSRC)
2- Zhengzhou Commodity Exchange (ZCE)
3- Shanghai Futures Exchange (SHFE)

نمودار۱۷: ارزش کل موقعیت‌های اتخاذ شده در بازار معاملات آتی بورس‌های چین، دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۳



منبع: داده‌های بورس، FIA

وضعیت رشـــد صنعت تا حد زیادی از تغییرات مربوط به ساختار نظارتی بازار پیروی می‌کند (به نمودار ۱۷ نگاه کنید). پس از افزایش در مراحل نخســـت، با تجدید ســـاختار شـــدیدی که از میانه تا اواخر دهه ۱۹۹۰ روی داد، ارزش کل موقعیت‌های اتخاذ شده در بازار[1] به عنوان شاخصی از ارزش کلی بازار، به شدت سقوط کرد. ولی از سال ۲۰۰۰، بازار هر سال رشد خوبی را نشان داده است که سه بورس چین را در زمره‌ی بورس‌های کالای برتر جهان قرار داده است. این مسئله نمایانگر محیطی امن‌تر برای مشارکت سرمایه‌گذاران در بازارها و تحمیل یک رژیم نظارتی قدرتمند است (که در بخش ۳-۷ درباره‌ی چارچوب نظارتی بیشتر به آن می‌پردازیم).

بورس کالای دالیان در فوریه ســـال ۱۹۹۳ به‌عنوان یک نهاد غیرانتفاعی و خود انتظام که مالکیت آن به اعضا تعلق داشـــت تشـــکیل شد. معامله در بورس کالای دالیان چین نیز همچون ســـایر بورس‌های کالای چین، ترکیبی از معامـــلات الکترونیکی مبتنی بر صفحه نمایشگر بورس و تالار معاملاتی است. هدف از این کار ایجاد فضای تالار معاملاتی و در عین حال منتفع شـــدن از کارایی معاملات الکترونیکی است. معاملات الکترونیکی بورس کالای دالیان چین همچنین به اعضایی که با تأسیســـات بورس فاصله دارند اجازه می‌دهد تا با استفاده از اینترنت یا ارتباط داده‌ای مستقیماً در بازار شرکت کنند. بورس کالای دالیان که با محدودیت‌های نظارتی روبروســـت، تنها معامله‌ی ابزارهای آتی را ارائه می‌دهد. قبل از نخستین اصلاح در سال ۱۹۹٤، بورس کالای دالیان محصولاتی همچون دانه‌های سویا، ذرت، خوراک ســـویا، دانه‌ی نخود فرنگی، دانه‌ی آذزوکی قرمز و برنج را با ســـهم بازاری که رتبه پنجم چین را برای آن کســـب کرد معامله می‌کرد. پس از دومین اصلاح، به‌عنوان یکی از سه بورسی که اجازه یافتند معاملات خود را ارائه دهند، بورس کالای دالیان اجازه

1- Notional Value

یافت به معامله‌ی دانه‌ی سویا، خوراک سویا و آبجو بپردازد. در سال ۲۰۰۲، بورس کالای دالیان چین نخستین قرارداد آتی دانه‌های سویای خود را بر مبنای دانه‌های سویای اصلاح ژنتیک نشـــده روانه‌ی بازار کرد. این قرارداد بزرگ‌ترین قرارداد معاملات آتی محصولات کشاورزی در چین و بزرگ‌ترین معامله‌ی قراردادهای آتی این سویا در جهان بود. در سال ۲۰۰٤، بورس کالای دالیان چین قرارداد معاملات آتی ذرت خود را در ســـپتامبر و قرارداد شماره ۲ دانه‌های سویا (یعنی سویای اصلاح ژنتیک شده) را در دسامبر به بازار فرستاد. در ژانویه سال ۲۰۰٦، بورس کالای دالیان چین معامله قراردادهای آتی روغن سویا و اخیراً در جولای سال ۲۰۰۷، معاملات پروپیلن سبک خطی را (که به‌عنوان ماده خام پلاستیک به‌کار می‌رود) آغاز کرد. خوک زنده، اتانول و روغن نارگیل سایر قراردادهای بالقوه‌ای هستند که در حال حاضر در بورس در دست ارزیابی هستند (لی، ۲۰۰۷). معاملات اختیار و قرارداد شـــاخص وضعیت جوی[1] نیز در حال آماده سازی هستند و در صورت صدور مجوز نهاد ناظـــر بازار برای این ابزارها به بازار روانه می‌شـــوند. حجم معاملات بورس کالای دالیان از ســـال ۲۰۰۰ بیشـــترین حجم معاملات در چین بوده است، اگرچه بورس معاملات آتی شـــانگهای که عمدتاً بر فلزات متمرکز است، از نظر گردش ارزش موقعیت‌های معاملاتی اتخاذ شده بزرگ‌ترین بورس است.

نسبت بزرگی از نقدشـــوندگی در بازارها توسط شـــرکت‌هایی که در مالکیت دولت هستند[2] تأمین می‌شود. این شرکت‌ها اجازه دارند در بازارهای داخلی و خارجی معاملات قراردادهای آتی به پوشش ریسک بپردازند. بورس کالای دالیان چین با شرکت‌های دولتی برای اســـتفاده از تجربیات این شرکت‌ها در طراحی و توسعه‌ی بازارهای معاملات آتی که برای شرایط چین مناسب باشند همکاری نزدیکی داشته است[3].

از ســـال ۲۰۰٤، بورس کالای دالیان چین از حامیـــان قدرتمند معاملات آتی به‌عنوان ابزاری برای کمک به تجاری‌ســـازی کشـــاورزان خرده‌پا از جنبه‌های مختلف بوده است. مهمترین اقدام این بود که در ۱۰۰۰ دهکده‌ای که تحت پوشـــش این بورس بود، ۱۰۰۰۰ برنامه‌ی آموزش و ظرفیت ســـازی برای کشاورزان برگزار شد و کشاورزان را در زمینه‌ی تکنیک‌هـــای مدرن بازاریابی، ازجمله اطلاعات معامـــلات آتی برای راهنمایی در زمینه‌ی الگوهای برداشـــت محصول آمـــوزش داد. همین برنامه پیوندهایی را میان کشـــاورزان و

1- weather index contract
2- State-owned enterprises (SOEs)
۳- همچنین باید به این نکته نیز توجه کرد که شـــرکت ســـوخت هوانوردی چین که از شرکت‌های دولتی برجسته و واردکننده‌ی اصلی ســـوخت هواپیما در چین است و انحصارعرضه‌ی سوخت هواپیما را تقریباً در همه‌ی فرودگاه‌های چین در دست دارد، از معامله‌ی مشتقه‌های سوخت در سنگاپور ۵۵۰ میلیون دلار آمریکا ضرر کرد.

شرکت‌های بزرگ معاملاتی ایجاد کرد تا پوشش ریسک کشاورزان از طریق فعالیت‌های این شرکت‌ها در بازار معاملات آتی را میسر سازد.

سویا

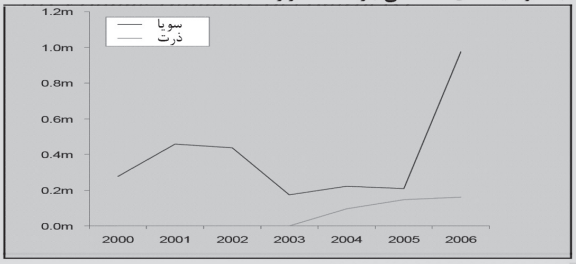
قرارداد آتی سویا نخستین بار در سال ۱۹۹۳ در بورس کالای دالیان چین به ثبت رسید. تا سال ۲۰۰۱، این بورس حجم‌های بسیار بزرگی از قرارداد سویا را معامله می‌کرد (بیش از ٤٥ میلیون قرارداد در هر سال). در مارس سال ۲۰۰۲، دولت قانون مدیریت ملّی ارگانیسم‌هایی را که اصلاح ژنتیک شده‌اند صادر کرد. براساس این قانون، تحویل دانه‌های سویای وارداتی اصلاح ژنتیکی شده در قراردادهای سویای بورس دالیان چین ممنوع شد. در واکنش به این کار، بورس کالای دالیان مشخصات قرارداد سویای خود را تغییر داد و قرارداد شماره ۱ سویای زرد (بدون اصلاح ژنتیکی) را در مارس سال ۲۰۰۲ روانه بازار کرد. بر اساس این قرارداد، تنها سویای تولید داخل تحویل می‌شد.

نمودار۱۸: معیارهای عملکرد قراردادهای سویا و ذرت چین، ۲۰۰۰–۲۰۰٦

الف) حجم (تعداد قراردادها)



ب) موقعیت‌های معاملاتی باز (تعداد قراردادها)



مبنع: بورس کالای دالیان

با وجود این، صنعت روغن خوراکی چین دو سوم از سویای مورد نیاز خود را از سویای وارداتی تأمین می‌کند و بنابراین، باید به‌عنوان راهی برای پوشش ریسک به بورس

معیار بین‌المللی اتکا کند. از این نظر، واردکنندگان سویای چین از سلطه‌ی معامله‌گران آمریکایی در بازارهای سویای بورس معیار بین‌المللی نگران بودند. این مسئله سبب می‌شد تا هنگام ورود خریداران چینی به بازار قیمت‌ها همواره بالا باشد، ولی در هنگام عرضه‌ی سویای چین به بازار، قیمت‌ها پایین باشد. در اواخر سال ۲۰۰۳، واردکنندگان چینی در مواجهه با رشد سریع واردات سویای چین به‌سوی بورس معیار بین‌المللی حرکت کردند و امیدوار بودند قراردادهای آتی سویای ارزان را بخرند تا از بار افزایش قیمت پرهیز کنند. با وجود این، قیمت معاملات آتی بورس معیار بین‌المللی برای سویا از آگوست سال ۲۰۰۳ تا آوریل سال ۲۰۰٤ (ظاهرا به دلیل پیش‌بینی کاهش محصول سویای آمریکا در سال ۲۰۰٤ و افزایش فعالیت صندوق‌های ایالات متحده آمریکا) دو برابر شد. به دنبال این افزایش شدید، کاهش شدید قیمت‌های نقدی و آتی آغاز شد که ناشی از برداشت زیاد محصول سویا در آمریکای جنوبی و افزایش کاشت سویا در ایالات متحده آمریکا بود. تا میانه‌ی ماه ژوئن، قیمت‌ها حدود ۳۰ درصد کاهش یافته بود. هم‌زمان، تعدیل اقتصاد کلان چین سبب سخت‌گیری در ارائه وام‌های بانکی شد. خریداران سویا توان پرداخت بهای سویایی را که با قیمت‌های بالا در بورس معیار بین‌المللی خریداری کرده بودند نداشتند. گروهی از واردکنندگان سویای چین مجبور به نکول در قراردادهای خود شدند و این مسئله زیان‌های جدی را در پی داشت.

در چنین شرایطی بود که بورس کالای دالیان قرارداد شماره ۲ سویای زرد را روانه‌ی بازار کرد که تلاشی برای تأمین بازاری قابل دسترس‌تر و قابل مدیریت‌تر برای معامله‌گران چینی بود تا بتوانند از زیان‌هایی که در بورس معیار بین‌المللی متحمل می‌شدند پرهیز کنند. در این قرارداد میزان روغن به‌عنوان مشخصات کیفی تعیین شد. هر دو نوع سویای داخلی و وارداتی با این قرارداد قابل تحویل بودند که نمایانگر عرضه‌ی فیزیکی تئوریک ۲۰۰ میلیون تن بود. در مقابل، قرارداد سویای بورس معیار بین‌المللی تنها در بازار فیزیکی‌ای به حجم تقریبی ٦۰ میلیون تن معامله می‌شد. با وجود این، از اوایل تا میانه‌ی سال ۲۰۰۵، معامله‌ی سویای شماره ۲ کم رونق باقی ماند. همزمان، قرارداد شماره ۱ سویای بورس کالای دالیان در سال‌های ۲۰۰٤ و ۲۰۰۵ از نظر حجم به بزرگ‌ترین قرارداد کشاورزی تبدیل شد و حجم معاملات آن بیش از دوبرابر حجم معاملات سویای بورس معیار بین‌المللی بود[1]. مشخص شد که مشکل قرارداد شماره ۲ سویا، تعریف مبهم رتبه‌ی قابل تحویل بود. بنابراین، در اکتبر سال ۲۰۰۵، قرارداد جدید سویای شماره ۲ روانه بازار

۱- با وجود این، قرارداد ۵۰۰۰ بوشل (که تقریبا ۱۳۶ تن است) بسیار بزرگ‌تر از قرارداد ده تنی بورس کالای دالیان چین است.

شـــد. ویژگی‌های رتبه‌بندی این محصول با محصولاتی که توسط صنعت خردسازی سویا مصرف می‌شـــود که به نحو روزافزونی از سویای وارداتی‌ای استفاده می‌کند که قیمت آن در بازارهای بین‌المللی نوســـان بیشتری دارد شباهت بیشـــتری دارد. بنابراین، تقسیم‌بندی تعریف شـــده‌ای که بین قرارداد سویای شماره ۱ که ســـویای داخلی را به‌عنوان استاندارد خود محسوب می‌کند و قرارداد سویای شماره ۲ که سویای وارداتی را به‌عنوان مرجع قرار می‌دهد محترم شـــمرده می‌شد. کاربران صنعتی سویا توانستند به راهکارهای کشف قیمت و پوشش ریســـک جداگانه‌ای برای معاملات سویای داخلی غیر GMO خود و معاملات سویای وارداتی GMO دسترسی پیدا کنند.

با وجود این، از اواخر سال ۲۰۰٤ کاهش حجم معاملات سویا در بورس کالای دالیان آغاز شده بود. از یک سو، صنعت چین با کاهش تولید داخلی، افزایش واردات و افزایش سهم شـــرکت‌های خارجی در بازار، دوران تجدید ساختار را آغاز کرد. از سوی دیگر، به دنبال تغییرات قیمتی در بورس معیار بین‌الملل، قیمت‌های ســـویا درآوریل سال ۲۰۰٤ به بالاترین سطح خود در طول تاریخ رسید (بیش از ٤۱۰۰RMB در هرتن). سپس این قیمت به RMB ۲۵۰۰ در هر تن ســـقوط کرد و در نتیجه بســـیاری از فعالان بازار پول خود را از دست دادند. برخی از افرادی که به دنبال سوداگری بودند بازار را کلا ترک کردند و برخی نیز به ســـمت قرارداد ذرت جدید بورس کالای دالیان رفتند. حجم معاملات از تقریباً ٦۰ میلیون معامله در ســـال ۲۰۰٤ به ٤۰ میلیون در ســـال ۲۰۰۵ کاهش یافت و در سال ۲۰۰٦ به ۱۰ میلیون رســـید. با وجود این، سال ۲۰۰۷ با ثبات ســـاختارهای صنعت شاهد بهبود چشمگیر عملکرد قراداد شماره ۱ سویا بود. ولی قرارداد شماره ۲ هنوز از نظر رشد حجم معاملات به اندازه ســـایر قراردادهای بورس کالای دالیان موفق نبوده است. شاید دلیل این مسئله قوانینی باشد که معاملات نقدی سویای GMO را محدود می‌کند.

ذرت

بورس کالای دالیان قرارداد ذرت خود را در ســـپتامبر ســـال ۲۰۰٤ روانه‌ی بازار کرد. ازســـال ۱۹۹۸ که دخالت دولت سبب گردید تا بسیاری از قراردادهای آتی کالا در کشور از بورس حذف شـــوند، این نخستین قرارداد آتی کالاهای خوراکی اساسی بود که مقامات چینی مجوز آن را صادر کردند.

قرارداد ذرت بورس کالای دالیان، بعد از اینکه روانه‌ی بازار شـــد رشد حجم معاملات شـــگفت‌انگیزی را تجربه کرد (به نمودار ۱۸ نگاه کنید). تا پایان سال ۲۰۰٤، یعنی تنها سه

ماه و نیم بعد از آغاز این قرارداد، بیش از ۵ میلیون قرارداد معامله شـــد. این میزان در سال ۲۰۰۵ به ۲۰ میلیون و در سال ۲۰۰٦ به تقریباً ۷۰ میلوین افزایش یافت و حجم معاملات روزانه آن به ۱/۵ میلیون قرارداد و ۱/٦ میلیون موقعیت معاملاتی باز رسید.

بورس کالای دالیان دلیل این رشد سریع را آمیزه‌ای از چهار عامل می‌داند:

• برای ابزار کشـــف قیمت و مدیریت ریسک، از سوی بخشی بزرگ و متنوع تقاضای زیادی وجود داشت؛

• در دهه ۱۹۹۰، قرارداد ذرت روانه‌ی بازار شده بود که قبل از اینکه در دوران اصلاح بازار حذف شود موفقیت خوبی کسب کرده بود؛

• یک سال قبل از آغاز این قرارداد، بورس کالای دالیان فرایند گسترده آموزش کاربران تجاری و کارگزاران در حوزه‌ی تولیدات اصلی را ارائه داده بود؛

• به دلیل دوران تجدید ســـاختار در بازار ســـویا، نقدینگی به‌سرعت از سویا به ذرت انتقال یافت.

در مفهوم وســـیع‌تر، آغاز قراردادهای آتی ذرت بـــورس کالای دالیان در راهبرد چین برای حرکت به‌ســـوی بازار آزاد ذرت نقش مهمی ایفا کرد؛ چون این کشور برای پیوستن به ســـازمان تجارت جهانی متعهد گردیده بود نظام حمایتی کشور درباره ذرت را اصلاح کند. قرارداد بورس کالای دالیان کمی بعد از حذف حمایت دولت از ذرت و همچنین بعد از لغو یارانه‌های صادرات در اوایل ســـال ۲۰۰٤ روانه‌ی بازار شد. با وجود این، برخلاف بازار سویا، واردات و صادرات ذرت هنوز در کنترل دولت است. انتظار می‌رود آزادسازی در این بخش به‌ســـرعت آغاز شـــود، چون پیش‌بینی می‌شود که چین که هم اکنون از نظر تولید ذرت خودکفاست، ظرف چندسال آینده به وارد کننده این محصول تبدیل شود. بدین ترتیب، معرفی قرارداد آتی ذرت گامی مهم به‌سوی آزادسازی بازار است (رویترز ،۲۰۰٤).

در جغرافیای تولیدات کشـــاورزی داخلی چین، ذرت در همان مناطق شـــمال شرقی کشـــور که محل کشت سویاست کاشت می‌شود. گسترش قیمت‌گذاری بازار برای هر دو کالا، بازار معاملات آتی (به جای دولت) را قادر ســـاخته اســـت تا به‌عنوان منبع راهنمایی کشـــاورزان در الگوهای کاشـــت و فروش عمل کند. انتظار می‌رود این مسئله هزینه‌ها و ریســـک‌هایی را که سیستم قیمت‌گذاری ســـابق برای دولت ایجاد کرده بود کاهش دهد (رویترز ۲۰۰٤). درنتیجه، مقدار زیادی از تلاش‌های آموزشـــی بورس کالای دالیان برای کشاورزان خرده‌پا (به‌ویژه برنامه‌ی ۱۰۰۰ دهکده، ۱۰۰۰۰ کشاورز) بر کمک به کشاورزان برای استفاده از اطلاعات بازار معاملات آتی برای برداشت و فروش اثربخش متمرکز است. بورس کالای دالیان تا کنون بیش از ۳۰۰۰۰ کشـــاورز را آموزش داده و با شرکت‌هایی که

در مالکیت دولت هســـتند نیز برای اطمینان از اینکه کشاورزان می‌توانند از سیستم جدید (ابزاری مهم برای ایجاد چارچوب ورود به بازار) برای افزایش درآمد خود اســـتفاده کنند همکاری کرده است.

دستاورد اصلی بوس کالای دالیان در شرایط محلی

• ایجاد سطوح بالای نقدشوندگی برای بازارهای کالاهای اساسی کشاورزی

عوامل موفقیت:

• توسعه‌ی سریع حجم قراردادهای جدید
• بهره‌گیری از تخصص انباشته منافع تجاری و نهادی
• ایجاد محیطی امن برای مشارکت سرمایه‌گذاران کوچک

چالش‌ها:

• تضمین سود کشاورزان خرده‌پا از کشف قیمت و مدیریت ریسک
• مدیریت در چارچوب مجموعه‌ی منســـجمی ازمحدودیت‌های سیاسی و نظارتی و نهاد ناظری که ذهنیتی محافظه‌کارانه دارد

فرصت‌های آینده

• توسعه فعالیت‌های تأمین مالی که باخدمات بورس مرتبط هستند؛
• ایجاد مشارکت نهادها و سرمایه‌گذاران خارجی براساس مجوز نهاد ناظر بازار؛
• توسعه معاملات اختیار معامله و شاخص.

۳-۷ چارچوب نظارتی

کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین[1]

مرحله‌ی نخست توســـعه‌ی بورس‌های کالای چین (از سال ۱۹۹۰ تا میانه‌ی آن دهه) در شـــرایطی رخ داد که ویژگی آن "هرج و مرج ناشـــی از عدم نظارت" بود (زوژن و گورهام، ۲۰۰۲). کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین در اکتبر سال ۱۹۹۲، یعنی دو سال بعد از تاسیس نخســـتین بورس کالای چین تاسیس شـــد و وظیفه اولیه آن تنها نظارت بر بازار اوراق بهادار بود. نخستین قراردادهای آتی کالا در ماه می سال ۱۹۹۳ و در شرایطی که هیچ‌گونه چارچوب

1- China Securities Regulatory Commission (CSRC)

نظارتی متمرکز و یک‌دستی وجود نداشت روانه‌ی بازار شدند (به کادر ۱۳ نگاه کنید).

در نوامبر سال ۱۹۹۳ بود که کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین، پس از دخالت یک شورای دولتی از طریق اعلام ممانعت جدی از توسعه‌ی کورکورانه بازار قراردادهای آتی، مسئولیت نظارت بر بازارهای قراردادهای آتی کالا را برعهده گرفت. "ولی این کمیسیون در دوره‌ی نخست حضور خود، کنترل مستقیم ناچیزی را بر بورس‌های جدید کالا اعمال می‌کرد" (پک، ۲۰۰٤:۱٤).

کادر ۱۳: بازارهای معاملات آتی در خلأ نظارتی – تجربه نخست چین

چین در میانه‌ی اصلاحات اقتصادی بود و بورس‌ها نماد این اصلاحات بودند. هر جامعه‌ای می‌خواست بازار معاملات آتی خود را داشته باشد. از آنجا که هیچ قانون یا مقررات هم‌پوشانی برای این بازارها وجود نداشت، این بورس‌ها به دنبال کسب تأیید از هر مقامی بودند که برای اهدافشان مناسب بود. درحالی‌که برخی از تأییدیه‌ها توسط دولت ملّی صادر شده بود، برخی دیگر از سوی دولت‌های استانی یا حتی شهری ارائه می‌شدند. در بسیاری از موارد، دستگاه دولتی استانی که بورس را تأیید می‌کرد سرمایه‌ی ابتدایی بورس را هم تأمین می‌نمود و بنابراین، گویی در واقع خود را تأیید کرده بود. در این فضای هرج و مرج ناشی از عدم نظارت بر بازار، صنعت معاملات آتی به‌سرعت رشد کرد و تا سال ۱۹۹۳، بیش از ٤۰ بورس، ۳۰۰ شرکت کارگزاری و ٤۰ شرکت عضو بورس تاسیس شده بود.

بسیاری از شهرها دارای چند بورس بودند. شانگهای هفت بورس داشت؛ تیانجین و چنگدو هر دو دارای سه بورس بودند. بسیاری از بورس‌ها یک نوع کالا را معامله می‌کردند. هفت بورس به معامله شکر اشتغال داشتند، پانزده بورس محصولات فلزی را معامله می‌کردند، نه بورس مس و آلومینیوم و هشت بورس گازوئیل را ارائه می‌دادند... . دستگاه‌های دولتی از منابع مالی عمومی برای حمایت تعداد بسیار زیادی از بورس‌ها استفاده می‌کردند که معمولاً در یک شهر، بر سر یک نوع محصول با یکدیگر رقابت داشتند. این به معنای ناکارایی شدید بود.

نگرانی دیگر دولت چین این واقعیت بود که اکثر شرکت‌های کارگزاری هم برای مشتریان وهم برای خود معامله می‌کردند (هیچ قانونی آنان را ملزم

نمی‌کرد که صندوق‌های مشتریان و کارگزاری را از یکدیگر جدا کنند). عدم نقدینگی کافی شرکت‌ها نیز این مشکلات را پیچیده‌تر می‌کرد. در این مرحله نخست، هیچ الزامی درباره‌ی سرمایه و نقدینگی شرکت‌های کارگزاری وضع نشده بود و شرکت‌ها با افزایش مشتریان خود، سرمایه‌ی خود را نیز افزایش نمی‌دادند. بدین ترتیب شـــرکت‌هایی که مشتریان بسیار زیادی داشتند برای رویارویی با نوسانات شدید و ناگهانی بازار آمادگی نداشتند... . علاوه‌بر این، شرکت‌های کارگزاری رسوایی‌های زیادی به بار آورده بودند. مثلاً در سال ۱۹۹٤ نیویورک تایمز واقعه‌ای را گزارش داد که در آن بورس معاملات آتی زینگودا برای جذب سرمایه قول سود ماهیانه‌ی ۳۰ درصد را داده بود و بعد ناگهان درهای خود را بسته بود و بدین اعتراض مردم را برانگیخت.

مبارزات بزرگ میان خریداران و فروشـــندگان غیرمعمول نبود و هر طرف ســـعی می‌کرد با تداوم فروش یا خریـــد قراردادها بازار را در جهت خود هدایت کند.... . تلاش معامله‌گران بزرگ برای تأثیرگذاری بر بازار به چندین رســـوایی در بورس‌های مختلف منجر شد.... . در نهایت تقریباً سه چهارم کارگزاران در بورس‌های خارج از کشور فعالیت می‌کردند. در یک مطالعه معلوم شـــد ۹۰ درصد مشتریانی که در بورس‌های خارجی فعالیت داشتند پول خود را از دست می‌دادند. براساس برآوردها مبلغ کل زیان معامله‌گران چینی در بورس‌های خارجی بیش از یک میلیارد دلار بود.

منبع: ژوجین و گورهام (۲۰۰۲:۱)

این وضعیت به‌ســـرعت با دو اقدام اصلاحی در بازار تغییر کرد. در نخســـتین برنامه‌ی اصلاحی، که تا ســـال ۱۹۹۸ به طول انجامید، کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین تعداد بورس‌ها را به شـــدت کاهش داد، بورس‌ها را به جای دســـتگاه‌های استانی دولتی، تحت کنترل اعضا و کمیسیون درآورد، قوانین و رویه‌های سخت‌گیرانه‌تری برای معاملات وضع کرد، قراردادهای مورد معامله را یکپارچه و عقلانی کرد (از جمله تعلیق معامله قراردادهای مالی آتی) و الزامات صدور مجوزی را وضع کرد که تعداد واسطه‌ها را کاهش و فعالیت‌های آن‌ها را افزایش داد. در طول دوره‌ی اصلاح دوم که از سال۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ به طول انجامید، تعداد بورس‌ها بارها کاهش یافت، کارگزاران بیشـــتر کنترل شـــدند (ازجمله از طریق منع انجام معاملات برای خود)، وجه تضمین‌ها تعدیل و استاندارد شد و معاملات قراردادهای

آتی در خارج از کشور به شدت محدود شد (ژوجین و گورهام ۲۰۰۲).

کمیســـیون ناظر بازار اوراق بهادار چین ابتدا به‌عنوان بازوی اجرایی کمیسیون اوراق بهادار شورای دولت (مرجع دولتی مسئول نظارت متمرکز بازار) سازماندهی شد. ولی در آوریل سال ۱۹۹۸، این دو ســـازمان رسماً در یکدیگر ادغام شدند و موسسه‌ای در حد وزارتخانه را ایجاد کردند که تحت نظر شورای کشور، مرجع اداری اصلی چین فعالیت می‌کرد.

امروزه نظارت بر بازار معاملات آتی در چین شامل سه لایه است:

• کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین، که نهاد ناظر خارجی دولتی است و مسئولیت کلی نظارت بر بازار را برعهده دار؛

• انجمن معاملات آتی چین[1] که یک مرجع خود انتظام صنعتی است که کارگزاران باید به آن ملحق شوند؛

• بورس‌های معاملات آتی که بر معاملات، پایاپای و تسویه معاملات نظارت می‌کنند.

بازار معاملات آتی براســـاس قانون موقت مدیریت معاملات آتی کنترل می‌شـــود که در ســـال ۱۹۹۹، همراه با چهار قانون دیگر به تصویب شورای کشور رسید. این مقررات عبارتند از:

(۱) مقررات مدیریت بورس‌های آتـــی، (۲) مقررات مدیریت کارگزاران قراردادهای آتی، (۳) مقررات مدیریت مدیران ارشـــد، و (٤)مقـــررات مدیریت حرفه‌ای. جدیدترین تغییری که در چارچوب نظارتی ایجاد شـــده، یعنی مقررات اداری معاملات آتی، به‌عنوان فرمان شـــماره ٤۹۸ شورای کشور در فوریه‌ی ســـال ۲۰۰۷ صادر شد و در آوریل ۲۰۰۷ اجرایی گردید. این تغییر معافیت چارچوب نظارتی را به قراردادهای آتی مالی نیز توسعه داد که اکنون در چین در بورس قراردادهای آتی مالی چین [2] ارائه می‌شـــود که در سپتامبر سال ۲۰۰٦ افتتاح گردید و در شانگهای مستقر است.

برخی از کارکردهای بورس قراردادهای آتی مالی چین به ترتیب زیر است:

• ایجاد سیستم نظارتی متمرکز برای بازارهای اوراق بهادار و معاملات آتی و به‌دست گرفتن رهبری مستقیم مراجع نظارتی بازارهای اوراق بهادار و معاملات آتی؛

• تقویت نظارت بر معاملات اوراق بهادار و قراردادهای آتی، بازارهای بورس ســـهام و قراردادهای آتی، شـــرکت‌های ثبت شده در بورس، شرکت‌های مدیریت منابع مالی که در زمینه‌ی اوراق بهادار ســـرمایه‌گذاری می‌کنند، شرکت‌های مشاور سرمایه‌گذاری اوراق بهادار و قراردادهای آتی، و ســـایر واســـطه های مالی که در بازار اوراق بهادار و معاملات

1- China Futures Association (CFA
2- China Financial Futures Exchange (CFFE)

آتی فعالیت دارند؛

• افزایش استاندارد افشای اطلاعات؛

•افزایش توانایی پیشگیری و کنترل بحران‌های مالی؛

• سازماندهی تهیه پیش‌نویس قوانین و مقررات برای بازارهای اوراق بهادار. مطالعه و تدوین اصول، سیاست‌ها و قوانین مرتبط با بازارهای اوراق بهادار. فرمول‌بندی برنامه‌های توسعه و برنامه‌ی سالیانه‌ی مرتبط با اوراق بهادار در مناطق مختلف و دپارتمان‌های مربوطه، هدایت، برنامه‌ریزی و هماهنگی عملیات آزمایشی بازارهای معاملات آتی؛

• اعمال نظارت متمرکز بر کسب و کار اوراق بهادار (پایگاه اینترنتی کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین، ۲۶ جولای سال ۲۰۰۷).

به موجب قانون، بورس‌ها موظفند پنج راهکار مدیریت ریسک را ایجاد کنند:

سیستم وجه تضمین که کاملاً رعایت می‌شود؛ سیستم محدودیت قیمت؛ سیستم محدودیت موضع معاملاتی؛ سیستم گزارش موقعیت‌های معاملاتی معامله‌گران بزرگ بازار[1] و سیستم ذخیره‌ی احتیاطی ریسک[2]. در موارد نوسانات یا الگوهای معاملاتی نامنظم، بورس می‌تواند سطح وجه تضمین‌ها را افزایش دهد، محدوده‌ی قیمت را تنظیم کند، برای اعضا یا مشتریان سقف مواضع معاملاتی باز را تعیین کند و معاملات را به‌طور موقت متوقف کند. بورس‌ها همچنین باید برای اصلاح اساسنامه یا مقررات معاملاتی خود، ثبت یا توقف قراردادهای جدید و ادغام و سایر تغییرات ساختاری تأیید کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین را کسب نمایند. علاوه بر این، بورس‌ها موظفند به موقع اطلاعاتی از قبیل حجم دقیق معاملات، قیمت‌های معاملاتی، حجم موقعیت‌های معاملاتی، بالاترین و پایین‌ترین قیمت‌ها و قیمت‌های ابتدا و انتهای روز کاری را اعلام نمایند. کارگزاران براساس قانون موظفند حداقل سرمایه‌ی ثبت شده ۳۰ میلیون یوان چین را داشته باشند، از مدیریت واجد صلاحیت با شخصیت مناسب برخوردار باشند و کنترل‌های داخلی مدیریت ریسک موثری را داشته باشند. کارگزاران باید صندوق‌های سرمایه‌ی مشتریان را از سرمایه‌ی خود جدا کنند (شورای کشور، ۲۰۰۷).

کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین، از دوره‌ی اصلاحات سه محدودیت مهم را برای بازارهای آتی کالا وضع نموده است:

• **شرکت کنندگان مجاز:** موسسات مالی مجاز به معامله نیستند و شرکت‌های دولتی تنها می‌توانند به‌عنوان پوشش‌دهنده‌ی ریسک در بازار مشارکت داشته باشند. بنابراین،

1- Large open positions
2- Risk reserve system

مشارکت سوداگرانه به سرمایه‌گذاران خرده‌پا و شرکت‌های کوچک محدود شده است. همچنین سیاست‌های کنترلی، مشارکت خارجی‌ها در بازار چین و مشارکت چینی‌ها در بازارهای خارجی را نیز تا حد زیادی ممنوع کرده است.

• **قراردادها و ابزارها**: کمیسیون تنظیم بازار اوراق بهادار به دقت قراردادهای جدیدی را که هر بورس می‌تواند ارائه دهد کنترل می‌کند. در دوره‌ی هشت ساله‌ای که از اقدامات اصلاحی می‌گذرد، به هر بورس تنها اجازه‌ی ارائه‌ی قراردادهای جدید معدودی را داده است. قراردادهای اختیار معامله، معامله شاخص و قراردادهای آتی مالی ممنوع شده‌اند.

• **محدودیت‌های کارگزاری**: کارگزاران تنها می‌توانند به نیابت از مشتریان خود در بازارهای آتی معامله کنند و مجاز به معامله برای خود نیستند. به گفته پنگ، یونگ و سو (۲۰۰٦)، این مسئله دارای دو پیامد است: نخست اینکه بسیاری از واسطه‌ها تنها به خدمات کم سود کارگزاری متکی هستند و برای بقا مبارزه می‌کنند و دوم اینکه به دلیل فقدان خدمات متمایز یا ارزش افزوده، جنگ‌های قیمت نوع رایجی از رقابت بوده‌اند.

با وجود این، از سال ۲۰۰٦، محدودیت‌های نظارتی با تغییر گرایش دولت درباره‌ی بورس‌های کالا از گرایش "محافظه‌کارانه به گرایش مثبت" کاهش یافته‌اند (لی، ۲۰۰۷:٦). بازارهای معاملات آتی کالا اکنون نهاد جدیدی برای خدمت به کشاورزی، مناطق روستایی و کشاورزان و ارائه اطلاعات بازار به‌منظور راهنمایی تولید، تثبیت بازار و انتقال ریسک محسوب می‌شود (لی ، ۲۰۰۷:٦). این ذهنیت جدید در تعدادی از بیانیه‌ها و اقدامات سیاسی دولت ازجمله "بیانیه‌های نه‌گانه توسعه‌ی بازار سرمایه" (۲۰۰٤) و سند شماره ۱ مارس سال ۲۰۰۷ به نام "برخی گرایشات به‌سوی توسعه‌ی فعالانه کشاورزی مدرن و تقویت سوسیال دمکراسی قدرتمند در ایجاد منطقه‌ی کشاورزی جدید" نمایان است.

مهمتر اینکه در آوریل سال ۲۰۰۷ چارچوب نظارتی جدیدی ایجاد گردید که محدوده‌ی نظارت را به قراردادهای آتی مالی گسترش می‌داد که برای نخستین بار از دهه ۱۹۹۰ مجاز شمرده شده بود. چارچوب جدید دیگر نهادهای مالی را از معامله‌ی قراردادهای آتی یا فعالیت‌های مرتبط با آن منع نمی‌کند، به واسطه‌ها اجازه می‌دهد علاوه‌بر کارگزاری طیف گسترده‌تری از خدمات را ارائه دهند و مبنایی را برای معرفی محصولات جدید ازجمله معامله‌ی شاخص و قراردادهای اختیار معامله ایجاد می‌کند (چاینا دیلی، ۲۰۰۷). مجوزهای مورد نیاز برای ارائه‌ی معاملات اختیار و شاخص در آینده‌ی نزدیک صادر می‌شوند. این مسئله امکان‌های چشمگیری را برای بورس‌ها ایجاد می‌کند تا محدوده‌ی ابزارها و خدماتی را که ارائه می‌دهند گسترش دهند. مثلاً قرارداد شاخص وضعیت آب و هوایی که در بورس کالای دالیان طراحی شده است به تولیدکنندگان اجازه می‌دهد علاوه‌بر ریسک قیمت، ریسک تولید را نیز پوشش دهند.

۷-۴ تأثیرات

۷-۴-۱ کشف قیمت

انتشار قیمت: بورس کالای دالیان اطلاعات بازار قراردادهای آتی و بازارهای نقدی را به‌صورت مجانی به تولیدکنندگان، سازمان‌های دهکده و شرکت‌هایی که در مناطق تولیدی اصلی در زنجیره‌ی عرضه‌ی کالا فعالیت دارند ارائه می‌دهد. بورس همچنین اطلاعات بازار در زمینه‌ی سویا و ذرت را از تعدادی از بنگاه‌های خدمات اطلاعاتی خصوصی و دولتی ازجمله مرکز ملّی اطلاعات غلات و روغن[1] و مرکز پایش قیمت کمیسیون ملّی توسعه و اصلاحات دولت دریافت و منتشر می‌کند. بدین منظور از رسانه‌های مختلف ازجمله رادیو، تلویزیون، مطبوعات، پایگاه‌های اینترنتی و هفته‌نامه اطلاعات که توسط بورس کالای دالیان منتشر می‌شود استفاده می‌شود.

بورس کالای دالیان همچنین با دو شریک اطلاعاتی نیز برای ارائه‌ی مشاوره‌ی مجانی تلفنی ۲۴ ساعته به کشاورزان همکاری می‌کند: شبکه سویای چین و شبکه ذرت چین. تحلیل‌گران این دو سازمان هرروز صبح برای تحلیل وضعیت بازار و دستیابی به اجماع درباره‌ی اطلاعات مهمی که ممکن است فعالان بازار در طول روز درخواست کنند با یکدیگر ملاقات می‌کنند. از ماه می سال ۲۰۰۷، بیش از ۱۰۰۰۰۰ مشاوره رایگان تلفنی به کشاورزان ارائه شده است. سرویس پیام کوتاه مجرای مهم دیگری برای ارائه اطلاعات است؛ داده‌های این مبادلات نشان می‌دهد که از ماه می سال ۲۰۰۷، ۲۰۰۰ عضو خدمات شبکه‌ی سویا و شبکه ذرت را دریافت کرده‌اند. طی سال ۲۰۰۶، ۴۱۰۰۰۰ پیام کوتاه ارسال گردید که حاوی اطلاعات جدید بازار بود.

استفاده از اطلاعات بازار: بورس دالیان چین بر کمک به کشاورزان برای استفاده از قیمت‌های قراردادهای آتی بورس برای راهنمایی خرید و الگوهای برداشت محصول به جای استفاده از قیمت‌های نقدی که رویکرد سنتی است تأکید زیادی کرده است. این بورس با انجام پژوهه‌های موردی نشان داده است که این شیوه درآمد کشاورزان را به میزان چشمگیری افزایش داده است (بخش چشمگیری از فعالیت‌های بورس در زمینه‌ی آگاهی بخشی و فعالیت‌های آموزشی بورس دالیان تحت برنامه" ۱۰۰۰ روستا، ۱۰۰۰۰ کشاورز " انجام شده که در کادر ۱۴ به تفصیل بررسی شده است).

تغییر الگوهای برداشت: از سال ۲۰۰۵، قیمت‌های سویا در مقایسه باذرت کاهش یافته است. کشاورزان استان هیلونگ جیانگ (منطقه‌ی اصلی تولید سویا و ذرت در چین) سطح

1- National Grain and Oils Information Centre

زیر کشت ذرت را افزایش داده‌اند. براساس آمارهایی که این استان ارئه داده است، در سال ۲۰۰٦ زمین‌های زیر کشـــت ذرت در مقایسه با سال ۲۰۰۵ تقریباً ۳٤۰ هزار هکتار افزایش یافته‌اند. بورس بر این باور است که این مسئله درآمد کشاورزان را تقریباً یک میلیارد یوان افزایش داده است (۱۳۰ میلیون دلار بر اساس نرخ تسعیر جولای سال ۲۰۰۷). شهر هایلون در اســـتان هیلونگ جیان از مراکز اصلی کاشت سویاست. در طول فصل کاشت بهاره در سال ۲۰۰٦، کشـــاورزان محلی که با کاهش قیمت‌های سویا روبرو بودند نمی‌دانستند چه محصولی را بکارند. آن‌ها با اســـتفاده از اطلاعـــات قیمت بورس کالای دالیان دریافتند که کشـــت ذرت عواید آنان را افزایش می‌دهد و براســـاس تولید ۱۷۵۰ کیلوگرم سویا در هر هکتار و با قیمت جاری ۲/٤ یوان برای هر کیســـه، درآمـــد آن‌ها از هر هکتار ٤۲۰۰ یوان خواهد بود. ولی با تولید ۹۰۰۰ کیلوگرم ذرت در هر هکتار و قیمت جاری ۰/۹ یوان به ازای هر کیلوگرم، درآمد آن‌ها از هر هکتار ۸۱۰۰ یوان خواهد بود. درصورتی‌که هزینه‌ی کاشت هر هکتار ذرت حدود ۷۰۰ یوان بیشتر از سویاست، حرکت از کاشت سویا به کاشت ذرت درآمد آنان از هر هکتار را ۳۲۰۰ یوان افزایش می‌دهد. علاوه‌بر این، برای پرهیز از زیان‌های احتمالی ناشی از کاهش قیمت‌ها تا زمان برداشت، کشاورزان سفارش‌هایی را برای فروش ذرت به شرکت‌های محلی امضا کردند و بدین ترتیب سود خود را تضمین نمودند. آنگاه شرکت‌ها این سفارشات را در بازار معاملات آتی به فروش رساندند.

تغییر الگوهای فروش: در ابتدای سال ۲۰۰۵، قیمت نقدی سویا در منطقه وانگ کویی در اســـتان هیلونگ جیانگ بین ۲/۳٤ تا ۲/٤ یوان/کیلوگرم بود، ولی قیمت معامله آتی در آن زمان در حال افزایش بود. دولت محلی بلافاصله این اطلاعات را از طریق تلویزیون و سایر رسانه‌ها منتشر کرد. تا اوایل مارس، که قیمت معاملات آتی سویا به ۳ تا ۳/۱٤ یوان در هر کیلو گرم رسید، بخشداری به کشاورزان توصیه کرد تا محصولات خود را بفروشند و بنابراین کشاورزان درآمد بیشتری کسب کردند. سال ۲۰۰۵ شاهد سقوط قیمت سویا از اوج تاریخی بود و برخی کشاورزان یهلونگ جیانگ روند رو به افت قیمت‌ها را دیدند و خبردار شدند که حجم کل تولید بین‌المللی ۲۰ درصد افزایش می‌یابد. آن‌ها فورا موجودی خود را فروختند و بدین ترتیب از زیان احتمالی جلوگیری کردند. در نوامبر همان ســـال، ســـازمان‌های مرتبط در بخش وانگ کویی با اشـــاره به اطلاعات قیمت معاملات آتی، به کشاورزان توصیه کردند تا سویای خود را بفروشند. درنتیجه کشاورزان سویای خود را ۰/٤ یوان بیشـــتر از مناطق اطراف فروختند. بنابراین بورس بر این باور است که آن‌ها از حدود ٤۳۰۰۰ هکتار سویا ۱۲ میلیون یوان درآمد اضافه کسب کردند.

کاهش نابرابری‌های اطلاعاتی: در ســـال ۲۰۰۳، قیمت‌های معاملات آتی ســـویا به

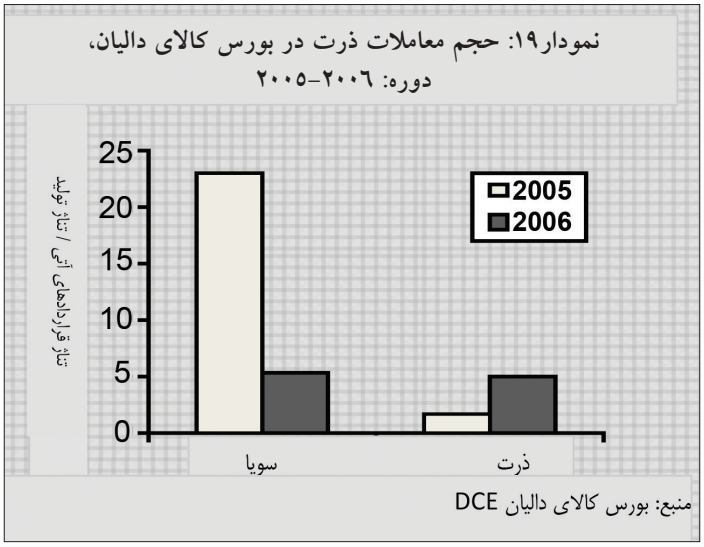
بالاترین سطح ظرف هفت سال گذشته رسید. با توجه به اینکه اکثر کشاورزان استان هیلونگ جیانگ فاقد اطلاعات بازار بودند و هنوز محصولات خود با به قیمت‌های پایین می‌فروختند، بورس کالای دالیان پیشنهاد کرد که کمیسیون حزب و دولت هیلونگ جیونگ برای انتشار قیمت معاملات آتی در میان کشاورزان تلاش کنند. رسانه‌های مختلف برای انتشار اطلاعات قیمت قراردادهای آتی سویا و راهنمایی کشاورزان سویا برای استفاده از قیمت‌های آتی در فروش محصولات خود به‌کار گرفته شد. بورس بر این باور است که این مسئله به کشاورزان سویا در استان هیلونگ جیانگ امکان داده است تا از افزایش قیمت سویا مطلع شوند و در طول سال، یک میلیارد یوآن درآمد اضافی نصیب آنان کرده است.

کارایی تشکیل قیمت: فعالیت بورس از این لحاظ تأثیرات زیادی بر جای نهاده است. نخست اینکه همبستگی نسبتا قدرتمند میان بازارهای نقدی و آتی (به نمودار ۲۰ نگاه کنید) نشان‌دهنده‌ی توازی کارآمد این دو بازار است. دوم اینکه یک راهکار کشف قیمت محلی برای صنایع محلی سودمند است و این مسئله به‌ویژه در صنعت سویا که تولید داخلی تنها به‌سویای بدون اصلاح ژنتیک محدود است اهمیت زیادی دارد. بورس کالای دالیان موفق شده است نقدشونده‌ترین قرارداد سویای غیراصلاح ژنتیکی شده‌ی جهان را ایجاد کند که می‌تواند قیمت مرجع معاملات این نوع سویا باشد.

۲-۴-۷ مدیریت ریسک قیمت

نخست، باید به این نکته توجه کرد که در مورد قراردادهای سویا و ذرت که در بورس کالای دالیان معامله می‌شوند، اساسی‌ترین پیش‌نیازها در محیط معاملاتی که مدیریت ریسک اثربخش را میسر می‌سازند موارد زیر هستند:

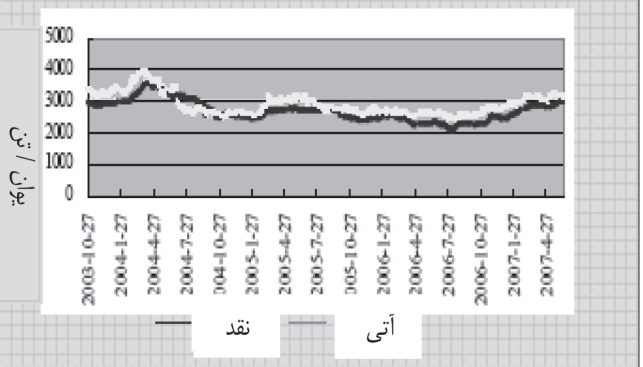
- وجود بازارهای نقد شونده –حجم معاملات هر یک از این دو محصول تقریباً پنج برابر حجم تولید در سال ۲۰۰۶ بود (به نمودار ۱۹ نگاه کنید)؛
- معامله در محیط معاملاتی کنترل شده و قانونمند و براساس قوانین و آیین‌نامه‌های بورس کالای دالیان و نظارت کمیسیون تنظیم بازار اوراق بهادار انجام می‌شود (به بخش ۳-۷ نگاه کنید)؛
- اطلاعات بازار به‌صورت شفاف منتشر می‌شود تا از نابرابری‌هایی که ممکن است به نفع برخی گروه‌ها باشد پرهیز شود؛
- اتاق پایاپای بورس، برای تضمین عملکرد همه قراردادهایی که در بورس منعقد می‌شود به‌عنوان طرف معامله مرکزی عمل می‌کند.



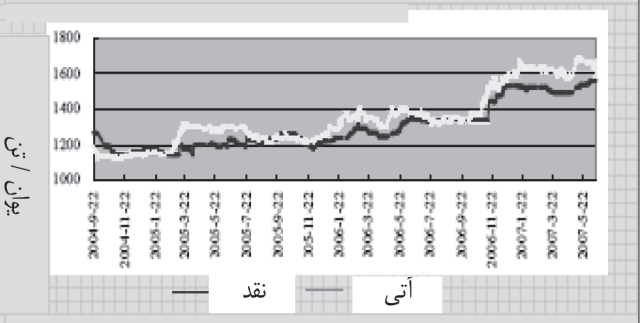
پژوهش درباره‌ی یکپارچه‌سازی بازارهای معاملات نقدی و آتی کالای چین پیام‌های متناقضی را ارسال می‌کند. براساس داده‌هایی که بورس کالای دالیان ارائه داده است، در زمینه‌ی سویا همبستگی زیادی بین بازارهای نقدی و آتی وجود دارد و این نشانه‌ی رابطه‌ی خوب میان این دو بازار است. ولی به نظر می‌رسد واگرایی میان بازارهای نقدی و آتی ذرت بیشتر باشد (به نمودار ۲۰ نگاه کنید). در مقابل، لی (۲۰۰۷) دریافت که با وجود اینکه ضریب همبستگی میان بازارهای نقدی و آتی ذرت ۸۷ درصد است، در مورد سویا این میزان به میزان چشمگیری پایین‌تر و حدود ٦۲ درصد است. پژوهش‌های هانگ (۲۰۰٦) همبستگی قدرتمندی را میان قیمت‌های نقدی و آتی سویا نشان داد و دریافت که قیمت قراردادهای آتی معمولاً راهنمای قیمت‌های نقدی است. ولی پژوهش پنگ، یونگ و سو (۲۰۰٦:٤) نشان می‌داد که آزمون‌های علیت نشان می‌دهند که بین تغییرات قیمت‌های آتی و نقدی سویا ارتباطی وجود ندارد. آن‌ها همچنین به این نکته اشاره کردند که تفاوت در نتایج تجربی ممکن است ناشی از تفاوت در دوره‌های نمونه‌گیری باشد و نمونه‌های آن‌ها جدیدترین تحولات را منعکس می‌کند. با وجود این، این نکته نیز مطرح شد که تحلیل پنگ، یونگ و سو بر قرارداد شماره ۲ سویای اصلاح شده که نقد شوندگی کمتری دارد و عمدتاً توسط واردکنندگان و خردکنندگانی استفاده می‌شود که از سویای وارداتی استفاده می‌کنند متمرکز بوده است و قرارداد شماره یک را که نقد شوندگی بیشتری دارد و توسط تولیدکنندگان داخلی سویا به‌کار می‌رود در نظر نگرفته است.

نمودار ۲۰: قراردادهای سویا و ذرت بورس کالای دالیان، همبستگی قیمت‌های نقدی و آتی، دوره: ۲۰۰۷-۲۰۰٤

الف) سویا



ب) ذرت



منبع: بورس کالای دالیان

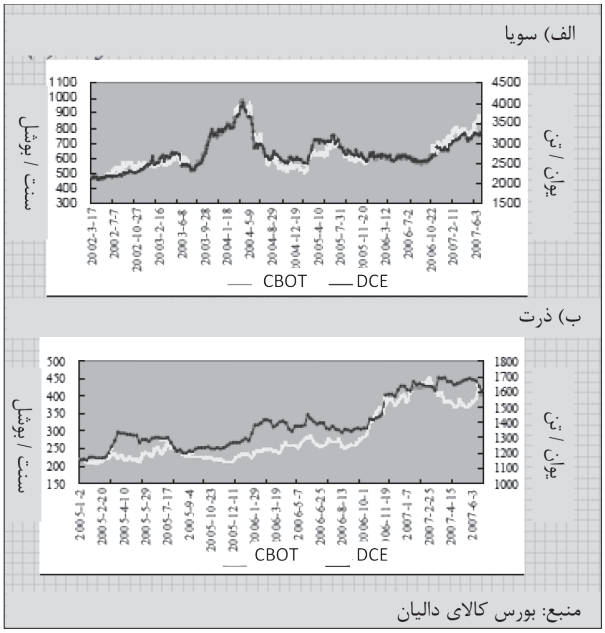
همبستگی میان توسعه‌ی قیمت‌ها در بورس کالای دالیان و بورس مرجع بین‌المللی (بورس بین‌المللی که قیمت‌های مرجع جهانی را تولید می‌کند) نیز در مورد سویا و ذرت متفاوت است (به نمودار ۲۱ نگاه کنید). سویا و ذرت هر دو کالاهایی هستند که در سطح جهان معامله می‌شوند و برای آن‌ها قیمت بازار جهانی وجود دارد. با وجود این، ارتباط میان قیمت‌های سویای بورس کالای دالیان با بورس مرجع بین‌المللی از ارتباط قیمت‌های ذرت این بورس با بورس مرجع بیشتر است.

این واقعیت که چین در زمینه‌ی تولید ذرت خودکفاست و هنوز به واردکننده تبدیل نشده است این مسئله را تا حد زیادی توضیح می‌دهد. بنابراین قیمت بورس کالای دالیان، بیش از وضعیت جهانی نمایانگر بنیان‌های عرضه و تقاضای چین است، ولی قیمت‌های

ذرت در هر دو بورس معمولاً در جهت مشـــابهی حرکت می‌کنند. بنابراین در مورد ذرت، پوشـــش ریسک در یک بورس بین‌المللی می‌تواند مبنای ریسک گسترده‌تری را ایجاد کند که با پوشش ریسک بر مبنای یک سکوی محلی می‌توان از آن پرهیز کرد.

از نظر مشـــارکت پوشش‌دهندگان ریسک در بازارهای بورس کالای دالیان، این بورس گفته اســـت که اکثر واردکنندگان و صادرکنندگان دولتی عمده‌ای که در بازار سویا و ذرت فعالیت دارند از این بازار برای اهداف پوشش ریسک استفاده می‌کنند. (شرکت‌های دولتی براســـاس قانون اجازه فعالیت‌های ســـوداگرانه در بازار را ندارند). این مسئله در جلسه‌ای با نمایندگان تجاری شـــرکت‌های دولتی که در بخش‌هـــای مختلف کالا فعالیت دارند نیز تأیید شـــد. بورس و نمایندگان شـــرکت‌های دولتی هر دو اعلام کردند که استفاده از بازار معاملات آتی در بهبود برنامه‌ریزی نقش داشـــته و بـــه واردات منظم کالا کمک می‌کند و در عین حال، خطرات ریســـک قیمت مرتبط با معاملات بین‌المللی را نیز مدیریت می‌کند. همزمان، فعالیت‌های آربیتراژ نیز موازنه میان قیمت‌گذاری در بازارهای داخلی و بین‌المللی را افزایش می‌دهد. بورس کالای دالیان برخی از شرکت‌های دولتی اصلی را که در بازارها به فعالیت‌های پوشش ریسک می‌پردازند شناسایی کرده است:

نمودار ۲۱: ذرت و سویای بورس کالای دالیان (DCE)، همبستگی با هیأت تجاری شیکاگو (CBOT) به عنوان معیار بین‌المللی



منبع: بورس کالای دالیان

• **شـــرکت ملّی واردات و صادرات غلات، روغن، و مواد خوراکی**[1]: این شرکت که در ســـال ۱۹۵۲ تاسیس شد و یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های واردات و صادرات چین است، هر سال ۳ میلیون تن سویا را روغن کشی می‌کند که عمدتاً سویای وارداتی است. به دلیل حمل از فواصل طولانی، بین خرید و فراوری یک فاصله زمانی وجود دارد. به‌منظور پرهیز از خطر کاهش قیمت‌ها در طول دوره‌ی حمل، همه ســـویای وارداتی که توسط این شرکت خریداری می‌شود نزد بورس کالای دالیان پوشش ریسک می‌شود.

• **گروه علوم و فناوری غلات و دانه‌های روغنی چین**[2]: این شـــرکت که سال‌هاست در بازارهای آتی و نقدی فعالیت دارد، مدل مستحکمی را برای مدیریت ریسک ایجاد کرده است و اکنون پوشش ریسک، بخش اصلی مدیریت این گروه را تشکیل می‌دهد. این گروه از خدمات تیم ویژه‌ای برخوردار اســـت که برنامه‌های پوشش ریسک ماهیانه را براساس حجـــم کل معاملاتش تدوین می‌کنـــد. این برنامه‌ها به‌عنـــوان راهنمایی برای فعالیت‌های پوشش ریسک شرکت‌های وابسته عمل می‌کنند. در حال حاضر، این گروه هر سال حدود ٦ تا ۷ میلیون تن ذرت و سویا را معامله می‌کند که از این میان، حدود ۵۰ درصد از طریق بازار معاملات آتی پوشش ریسک می‌شود.

• **گروه غلات جیلین**[3]: گروه غلات جیلین یک شـــرکت معامله‌ی غلات اســـت. در سال‌های اخیر، این شرکت همواره عملیات پوشش ریسک خود را از طریق بازارهای آتی انجام داده است. مثلاً در سال ۲۰۰٦، این گروه بیش از یک میلیون تن ذرت خریداری کرد که ۷۰ درصد آن از طریق بازارهای آتی پوشش ریسک شده بود. این عملیات بیش از ۱۸ میلیون یوان سود برای این شرکت داشت.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این اســـت کـــه بازار معاملات آتی به نحو روزافزونی برای جامعه‌ی تولیدکنندگان، به‌ویژه کشاورزان خرده‌پا اهمیت می‌یابد. به دلیل چرخه‌های طولانی تولید و تغییرات قیمت در بازار، تولیدکنندگان چینی با ریسک قیمت قابل توجهی روبرو هستند. در سال‌های اخیر، بورس کالای دالیان (تحت پوشش برنامه‌ی ۱۰۰۰ روستا، ۱۰۰۰۰ کشاورز خود) به‌طور فعال کشاورزان و خریداران/شرکت‌های فراوری کننده شمال شرقی چین را به مشارکت در پروژه آزمایشی شرکت + مزرعه، آتی+ سفارش تشویق کرده است تا مدیریت ریسک قیمت را بهبود بخشند. در این مدل، شرکت‌ها پیمان‌های بلندمدت آتی را به کشاورزان پیشنهاد می‌کنند. قیمت‌ها قبل از فصل کاشت تعیین می‌شوند و سپس

1- China National Cereals, Oils andFoodstuffs Import and Export Corporation (COFCO)
2- China Grains and Oils Group Science and Technology Corporation (CGOGST)
3- Jilin Grain Group

شرکت‌ها ریسک قیمت خود را از طریق بازار معاملات آتی پوشش می‌دهند بورس کالای دالیان بر این باور اســـت که همان‌طور که مطالعه موردی زیر نشان می‌دهد، این پروژه در کمک به تضمین بهبود درآمد کشاورزان از طریق خرید توسط خریداران موفق بوده است.

قبل از آغاز فصل کاشـــت در بهار سال۲۰۰٦، ۱۵۰ کشاورز عمده‌ی غلات از روستای لازیگو در استان جیلین از طریق تعاونی غلات خود، محصول ۳۰۰ هکتار ذرتی را که باید در پاییز برداشت می‌شد به فروش رساندند. خریدار، انبارگاه پینگ دونگ در شهر سایپینگ بـــود و قیمت مورد توافق، قیمت مرجع قراردادهـــای آتی به قرار ۱۲۰۰ یوان برای هر تن بود. آنگاه شرکت انبار پینگ دونگ ریسک خود را در بازار معاملات آتی پوشش داد. بدین ترتیب هر دو طرف توانســـتند درآمد خود را تثبیت کنند: کشاورزان سود محصولات خود را تضمین کردند و انبار نیز منبع قابل اتکایی از غلات را یافت و در عین‌حال از ریسک از بین رفتن حاشیه‌ی سود خود به‌دلیل نوسان قیمت‌ها پرهیز کرد. درنتیجه، قیمت‌های ذرت به بیش از ۱۵۰۰ یوان در هر تن رسید و انبار پینگ دونگ سفارشات ذرت خود را در بازار معاملات آتی فروخت. بدین ترتیب و براساس موافقت‌نامه شراکت در سود با کشاورزان، انبار ۲۷۰۰۰۰ یوان از سود اضافی خود در بازار معاملات آتی را به ۱۵۰ کشاورز انتقال داد. مطالعه گروه China Economic Net ۲۰۰۷ نیز مدل مشابهی از پوشش ریسک را در بازار غله‌ی بورس کالای ژنگدو[1] مستند کرده است.

اگرچه بسیاری از شرکت‌های خریدار، دولتی هستند و بنابراین ملزم به کمک در توسعه ملّی هســـتند، معلوم نیســـت که آیا انگیزه‌ی کافی برای ایجاد مدلی مشابه در سیستمی که شرکت‌های خصوصی بر آن مسلط هستند وجود دارد یا خیر؟ از یک سو، مزیت توسعه‌ی منبع با ثبات عرضه (به‌ویژه منبعی که تولید آن همواره از کیفیت بالایی برخوردار باشـــد) می‌تواند انگیزه ایجاد کند. از ســـوی دیگر، معلوم نیســـت که این مدل شراکت در سود، با الزامات بیشـــینه سازی سود بازار آزاد هم‌خوانی داشته باشد. یکی از عوامل تعیین کننده‌ی اصلی می‌تواند میزان رقابت میان خریداران برای خرید از منابع محدود عرضه باشد.

در زمینه‌ی مشارکت مســـتقیم ولی محدود کشاورزان در بازار معاملات آتی شواهدی وجود دارد. لی (۲۰۰۷) به این نکته اشاره کرد که به‌عنوان مکملی برای برنامه ۱۰۰۰ روستا ۱۰۰۰۰ کشـــاورز، کشاورزان توانمندتر توانسته‌اند مســـتقیماً در بازار مشارکت کنند. البته بورس کالای دالیان نمی‌تواند میزان این مشـــارکت را تأیید کند. معرفی قراردادهای اختیار معامله ممکن است مشارکت کشاورزان خرده‌پا را افزایش دهد. ولی در حال حاضر، به نظر

1- Zhengzhou Commodity Exchange (ZCE)

می‌رسد تأکید کلی بر تأثیرات مدیریت ریسک قیمت برای تولیدکنندگان کوچک چینی از طریق مکانیزم غیرمستقیم است که از طریق آن خریدار قیمت تحویل در آینده را در اختیار تولیدکننده قرار می‌دهد و منافع آن را با آن‌ها تقسیم می‌کند.

۳-۴-۷ مکانی برای سرمایه گذاری

نخست، باید به این نکته توجه داشت که برای هر دو قرارداد سویا و ذرت، پیش‌نیازهای اصلی در شرایط معاملاتی که بورس کالای دالیان را به مکانی جذاب و امن برای سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند به قرار زیر است:

- بازارهای نقد شونده؛
- معاملات در محیط معاملاتی کنترل شده و قانونمند و براساس قوانین و آیین‌نامه‌های بورس کالای دالیان و با نظارت کمیسیون ناظر بازار اوراق بهادار چین انجام می‌شوند؛
- اطلاعات بازار به گونه‌ای شفاف منتشر می‌شود تا از نابرابری اطلاعاتی به نفع برخی گروه‌ها پرهیز شود؛
- اتاق پایاپای بورس به‌عنوان طرف معامله اصلی محسوب می‌شود تا عملکرد همه قراردادهایی که از طریق بورس منعقد شده‌اند تضمین شود؛

داده‌های ترکیب فعالان بازار که توسط بورس کالای دالیان فراهم می‌شوند نشان دهنده‌ی تغییر شرایط کل بازار در سال ۲۰۰۶ است (به جدول ٤ نگاه کنید). این داده‌ها نشان می‌دهد که حجم و معاملات باز به گونه‌ای متوازن میان سرمایه‌گذاران خرد حقیقی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری تجاری حقوقی توزیع شده‌اند.

جدول ٤: ترکیب فعالان بازار بورس کالای دالیان چین در سال ۲۰۰٦

	افراد	نهادها
تعداد شرکت کنندگان	٪۹۵	٪۵
حجم معاملات	٪۶۵	٪۳۵
موقعیت‌های معاملاتی باز	٪۶۰	٪۴۰

منبع: بورس کالای دالیان چین

تعداد زیاد شرکت کنندگان فردی در بازار (۹۵ درصد) نشان می‌دهد که چگونه مشارکت سوداگرانه در بازار چین تا حد زیادی ناشی از سرمایه‌گذاران کوچک است. این مسئله مشاهدات پنگ، یونگ و سو (۲۰٦) را نیز تأیید می‌کند. تا زمان تغییر چارچوب

نظارتی در اوایل سال ۲۰۰۷، موسسات مالی و شرکت کنندگان خارجی، اجازه‌ی مشارکت را نداشـــتند و اتاق‌های پایاپای کارگزاری‌ها نیز از انجام معامله به نفع خود منع می‌شدند.[۱] به گفته پرسنل بورس، مشارکت سرمایه‌گذاران کوچک ناشی از فقدان مکان‌های جایگزین برای ســـرمایه‌گذاری است (پس‌اندازهای بانکی نرخ ســـود واقعی بسیار ناچیزی دارند). اگرچه بســـیاری از سرمایه‌گذاران خرد از بازارهای آتی کالا اطلاع چندانی ندارند، پرسنل بورس می‌گویند که بعد از گشـــایش یک حســـاب معاملاتی، آن‌ها توســـط کارگزاران در زمینه‌ی ریسک آموزش می‌بینند.

به هر حال نتیجه‌گیری پنگ، یونگ و سو (۲۰۰٦:۸) که وجود سوداگران خرده‌پا تاحدی "نقدشوندگی نسبتا پایین در بسیاری از معاملات آتی کالا که در بورس‌ها معامله می‌شوند را توضیح می‌دهد" صحیح به نظر نمی‌رسد. داده‌های حجم معاملات بورس نشان می‌دهد که قراردادهای بورس کالای دالیان برای ذرت و ســـویا (به‌ویژه قرارداد شماره ۱سویا) نقد شـــوندگی بالایی دارند. همچنین پوشش دهندگان ریسک از تمرکز بیشتری برخوردارند و سهم زیادی از معاملات پوشش ریسک از شرکت‌های بزرگ دولتی نشات می‌گیرد.

در ارتباط با تحول و نوسان قیمت‌ها، همان‌طور که قبلاً نیز گفتیم، ذرت و سویا هر دو کالاهایی هستند که در بازارهای جهانی معامله می‌شوند و دارای قیمت جهانی بازار هستند. قیمت‌های چین با قیمت‌های جهانی سویا ارتباط نزدیکی دارند، چون چین یک واردکننده اســـت، ولی بین قیمت‌های ذرت در چین و بازارهای جهانی ارتباط ضعیف‌تری به چشم می خورد، چون این کشور در حال حاضر از نظر تولید ذرت خودکفاست. بنابراین، قیمت ذرت بورس کالای دالیان بیش از اینکه نمایانگر بنیان‌های عرضه و تقاضای جهانی باشـــد، نمایانگر عوامل بنیادین داخلی است. با وجود این، هر دو بازار معمولاً جهت‌گیری مشابهی دارند. افزایش چشـــمگیر قیمت ذرت از اواخر ســـال ۲۰۰۵ (که تا حدی ناشی از افزایش تقاضا برای ســـوخت زیستی اســـت) در هر دو بازار بورس کالای دالیان و بورس مرجع بین‌المللی رخ داده است. بنابراین، نمی‌توان گفت افراط‌گری‌های سوداگرانه باعث افزایش قیمت در بازار ذرت (یا در بازار سویا) در چین هستند.

معلوم نیست که سرمایه‌گذاری‌های کوچک در معاملات ذرت یا سویا چه سهمی از سبد فعالیت‌های سرمایه‌گذاران خرده‌پا را تشکیل می‌دهد، یا فعالیت‌های سرمایه‌گذاران و کشاورزان در این زمینه تا چه حد ســـوداگری‌هایی اســـت که از ظرفیت آن‌ها خارج است. با وجود این، اقدامات نظارتی انجام شده‌اند (به پیوست ۲ نگاه کنید) که سطح سوداگری در بازارها را کنترل

۱- مشارکت خارجی هنوز هم ممنوع است.

می‌کنند، امکان نکول را محدود می‌کنند و سرمایه‌گذاری مسئولانه را تشویق می‌کنند.

پرسنل بورس و فعالان بازار موافقت کرده‌اند که بین بورس کالای دالیان و بورس مرجع بین‌المللی ذرت و سویا آربیتراژ صورت بگیرد تا قیمت‌های داخلی با قیمت‌های بین‌المللی هم‌خوانی پیدا کنند. به دلیل رابطه معمولاً نزدیک میان بورس کالای دالیان و حرکت‌های قیمت بورس مرجع بین‌المللی این مسئله چندان عجیب نیست. اگرچه درهای بازارهای چین بر روی مشارکت خارجی بسته شده است و مشارکت چینی‌ها در بازارهای بین‌المللی محدود شده است، دو کانال برای آربیتراژ وجود دارد: (۱) شرکت‌های دولتی چین اجازه پوشش ریسک در بازارهای بین‌المللی ازجمله بورس مرجع بین‌المللی را دارند؛ (۲) بسیاری از خرد کنندگان سویا در چین، در واقع حاصل طرح‌های سرمایه گذاری مشترک میان شرکت‌های چینی و خارجی هستند بطوریکه شریک خارجی در بورس معیار بین‌المللی و شریک چینی در بورس کالای دالیان فعالیت می‌کند.

۷-۴-۴ تسهیل معاملات کالای فیزیکی

بهبود قیمت‌گذاری نقدی: بورس کالای دالیان در سال ۱۹۹۳ تاسیس شد و بازارهای آن در امتداد سیستم قیمت‌گذاری بازار در چین توسعه یافتند. سیستم قیمت‌گذاری نقدی در چین از طریق نظر سنجی از آژانس‌های دولتی در هر یک از استان‌های چین ایجاد شد. بورس خود مسئولیت مستقیم ارائه قیمت‌های نقدی را ندارد. ولی بورس کالای دالیان استدلال می‌کند که معرفی بازارهای معاملات آتی مکانیزیم‌های قدرتمندی را برای کشف قیمت ایجاد کرده است که کارایی سیستم توزیع را افزایش داده و بازار ملّی را یکپارچه کرده است.

با استفاده از اطلاعات بازار معاملات آتی، فاصله‌ی زمانی در گردش اطلاعات میان و درون مناطق به میزان چشمگیری کاهش یافته و اختلاف میان قیمت‌های نقدی در میان و داخل مناطق کمتر شده است. چند سال قبل، انتقال اطلاعات نوسانات قیمت از بازار بین‌المللی سویا و بازارهای منطقه‌ای به خرده‌فروشان پانزده روز طول می‌کشید و یک هفته دیگر نیز برای رسیدن اطلاعات از خرده‌فروشان به کشاورزان لازم بود. ولی اکنون، خرده‌فروشان و کشاورزان می‌توانند اطلاعات قیمت سویا را در بازارهای بین‌المللی و داخلی در همان روز از طریق بازارهای معاملات آتی دریافت کنند.

از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲، تفاوت‌های منطقه‌ای قیمت سویا در استان هیلونگ جیانگ نسبتا زیاد بود. مثلاً تفاوت قیمت‌های سویا بین هاربین و جیاموزی تقریباً ۶۰ یوان در هر تن بود. با وجود این، از سال ۲۰۰۳، تفاوت‌های قیمت در مناطق مختلف عمدتاً نمایانگر

هزینه‌های حمل و گاهی تقریباً صفر است. قبل از سال ۲۰۰۲، حمل سویا از هاربین به دالیان برای فروش، بعد از کسر هزینه‌ی حمل به‌طور میانگین تقریباً ۸۰ یوان در هر تن سود داشت. اکنون این میزان به ۱۰ یوان در هر تن رسیده است. در مورد ذرت، قبل از ایجاد بازار معاملات آتی، تفاوت‌های قیمت منطقه‌ای بین استان‌های جیلین و هیلونگ جیانگ دست کم ٦۰ یوان در هر تن بود که اکنون تقریباً به صفر رسیده است.

تقویت مبادلات بازار نقدی: داده‌های بورس نشان می‌دهد که حجم چشمگیری از معاملات سویا و ذرت در انبارهای بورس کالای دالیان ثبت شده است (درسال ۲۰۰٦، ٦۰۰۰۰ تن سویا که تقریباً ٤/۰٪ تولید چین است و ۲۰۰۰۰ تن ذرت که یک صدم درصد تولید چین است به بورس تحویل شد). این نشان می‌دهد که بازار، سیستم تحویل را به‌عنوان یک مجرای کارآمد تحویل یا خرید (البته به‌عنوان آخرین راه چاره) پذیرفته است و این کارکردی است که بازار معاملات آتی باید داشته باشد. از آنجا که این تحویل‌ها تضمین می‌شوند، بنابراین بورس ریسک طرف معامله در مبادلات بازار نقدی را کاهش می‌دهد.

بهبود زیرساخت‌ها: بورس کالای دالیان با ایجاد مجموعه‌ی جامعی از الزامات که همه انبارهایی که می‌خواهد به‌عنوان انبار تحویل مورد تأیید بورس کالای دالیان باشند ملزم به رعایت آن‌ها هستند زیرساخت‌های انبارش را بهبود بخشیده است. ازجمله می‌توان به الزامات زیر اشاره کرد:

- دریافت مجوز از مراجع اداری صنعتی و تجاری ذیربط؛
- برخورداری از حداقل دارایی‌های ثابت و ثبت شده برای اطمینان از توان مالی؛
- کنترل صلاحیت‌های فردی مدیر انبار ازجمله سه سال بدون هیچ جرم جدی و دست کم ۵ سال تجربه مدیریت انبار برای مدیریت ارشد؛
- رعایت قوانین و رویه‌های تحویل بورس؛
- برخورداری از حداقل ظرفیت مورد نیاز همراه با شرایط مناسب برای انبارش کالاهایی که در بورس معامله می‌شوند؛
- مجموعه کاملی از تجهیزات مدرن که توسط بورس تعریف می‌شوند؛
- سیستم انبار داری و مدیریت موجودی مناسب؛
- انبارش مناسب سوابق و مقررات انبارداری مناسب؛
- ارتباطات خوب با سیستم‌های حمل و نقل؛
- سیستم جامع و سخت‌گیرانه رده‌بندی کالاهای تحویلی؛

فعالان صنعت تأیید می‌کنند که انبارهای بورس کالای دالیان در مقایسه با سایر انبارها از کیفیت برتری برخوردارند. با وجود این، در زمینه‌ی اینکه آیا این مسئله به کاهش

ملموس ضایعات منجر شده است یا خیر اطلاعی در دست نیست.

ارتقای کیفیت: مشـــخصات قراردادهای بورس کالای دالیان دقیقا همان مشـــخصات پذیرفته شده در بازار فیزیکی است. استاندارد قرارداد شماره ۱ سویا، سویای درجه ۳ زرد است. جایگزین آن درجه‌های ۱، ۲ و ٤ هستند. هر یک از این‌ها را می‌توان با قرارداد شماره ۱ تحویل داد، ولی سیســـتم صرف و کســـر نیز وجود دارد. بنابراین سویای درجه ۱ زرد صرف ۳۰ یوان در هر تن، ســـویای زرد درجه ۲ به میزان ۱۰ یوان در تن صرف و سویای درجه ٤ به میزان ۳۰ یوان در تن کسر دارد.

بورس کالای دالیان در دفاع از این ادعای پرســـنل بورس که این سیستم صرف و کسر قیمـــت، با ارائه صرف قیمت برای ســـویای با کیفیت‌تر به ارتقای کیفیت انجامیده اســـت می‌گوید که در سال ۲۰۰۳، سویای استاندارد درجه ۳ حدود ٥٦ درصد از کل سویای انبار شده در تأسیسات این بورس را تشکیل می‌داد. در سال ۲۰۰٤، سویای درجه ۲ بیش از ۵۰ درصد سویای انبار شده را به خود اختصاص داد که بیش از تقاضا برای سویای استاندارد بود. به گفته بورس کالای دالیان، این مسئله نشان می‌دهد که سیستم صرف و کسر قیمت، سویای درجه ۲ را به اقتصادی‌ترین کالا برای تحویل تبدیل کرده است. ولی این داده‌ها به تنهایی نشـــان نمی‌دهد که آیا این مسئله بر کیفیت کلی اجناس مورد معامله در بازار تأثیر گذاشته است یا خیر و یا اینکه تولیدکنندگانی که کالای خود را در بورس تحویل می‌دهند تولیدکنندگانی هستند که کالای با کیفیت‌تری تولید می‌کنند یا خیر؟ همان‌طور که قبلاً نیز گفتیم، بورس کالای دالیان در ایجاد قراردادهایی که نمایانگر قوانینی هستند که دولت ملی چین در مارس ســـال ۲۰۰۲ برای دانه‌ی اصلاح ژنتیکی شده وضع کرد نقش داشته است. این بورس تولیدکننده‌ی اســـتانداردهای مورد نیاز برای جدا کردن این دو بازار [ســـویای اصلاح شـــده و اصلاح نشده] نبوده است بلکه تنها از این استانداردها استفاده کرده است، می‌توان گفت که در افزایش اعتماد خریداران به سیســـتم کنترل کیفی و تأیید داخلی نقش مهمی ایفا کرده است. درنتیجه، خریدارانی که سویای شماره ۱ را در بورس دالیان تحویل می‌گیرند می‌توانند مطمئن باشند که سویای غیراصلاح شده را تحویل گرفته‌اند.

۵-۴-۷ تسهیل تأمین مالی بخش کشاورزی

تـــا همین اواخر، قوانیـــن چین دخالت بانک‌ها در بازار معامـــلات آتی را، بجز برای بانک‌های پایاپای کننده که برای ارائه خدمات وجه تضمین اصلی و مدیریت حساب‌های مشـــتری به‌کار می‌روند مجاز نمی‌شمرد. افراد یا شـــرکت‌ها حق نداشتند برای استفاده از بازار معاملات آتی از هیچ گونه منابع مالی بانکی اســـتفاده کنند و بانک‌ها مجاز نبودند به

حساب خود یا به نیابت از مشتریانشان معامله‌ای انجام دهند. تغییر در چارچوب نظارتی در اوایل سال ۲۰۰۷ به معنای این بود که بانک‌های چینی دیگر با ممنوعیت حمایت از مشتریان در عملیات پوشش ریسک روبرو نیستند (با وجود این، بانک‌ها هنوز هم اجازه ندارند مستقیماً در این بازارها معامله کنند). در حالیکه تغییر و تحولاتی که در این حوزه رخ داده است بسیار جدید می‌باشند، بورس کالای دالیان توضیح داده که چگونه بانک توسعه کشاورزی چین[1] ایجاد یک مدل پرداخت وام‌های کشاورزی را آغاز کرده است که از مکانیزم تحویل فیزیکی و سکوی پوشش ریسک برای کاهش ریسک پرداخت وام به بخش کشاورزی استفاده می‌کند. بانک توسعه کشاورزی چین در مناطق عمده‌ی تولید غلات، استفاده از مدل "کشاورز + شرکت + بانک توسعه کشاورزی چین + بازار معاملات آتی" را آغاز کرده است. این شیوه راه‌حل برد –برد برای تمام طرفین درگیر است که ناشی از بهبود جریان تأمین اعتبار برای عناصر زنجیره عرضه‌ی کالاست. شرکت‌ها برای خرید قراردادهای آتی غلات از بانک توسعه کشاورزی چین وام دریافت می‌کنند و از این وام‌ها برای خریدهای غلات خود در آینده که از طریق بورس کالای دالیان ریسک آن مورد پوشش قرار داده خواهد شد، استفاده می‌نمایند. بورس کالای دالیان از طریق سیستم تحویل، محصول را تضمین می‌کند و شرکت کارگزاری معاملات آتی در انتقال رسیدهای انبار و نقدینگی برای میسر ساختن مبادله کالاها در زمان سررسید قرارداد، نقش واسطه را ایفا می‌کند. در همان حال، بانک در طول دوران حیات این چرخه خدمات نظارتی را ارائه می‌دهد. در هر مرحله، بانک توسعه کشاورزی چین موافقت‌نامه‌های نظارتی جداگانه‌ای با هر شرکت امضا می‌کند که براساس آن، هر عملیاتی نیازمند تأیید کتبی بانک است. بدین ترتیب شرکت مجاز نیست به صورت یک‌جانبه هیچ گونه اقدامی انجام دهد. بنابراین، نه تنها اجرای عملیات پوشش ریسک میسر می‌شود، بلکه از فعالیت‌های سوداگرانه نیز جلوگیری می‌شود. این چرخه‌ی تأمین مالی به تسهیل مبادلات کالای فیزیکی کمک می‌کند و در عین حال، شرکت نیز می‌تواند سود خود را با پوشش ریسک کاهش قیمت تثبیت کند. بدین ترتیب این شیوه ریسک اعتبار بانک را که ناشی از عدم توانایی شرکت در بازپرداخت وام خود به دلیل زیان‌های ناشی از سقوط قیمت‌هاست کاهش می‌دهد. این مدل هنوز در مراحل نخست است و بنابراین نیازمند تأیید است. با وجود این، این پتانسیل ایجاد شده و بورس انتظار دارد که مدل‌های تأمین مالی کالا که از مکانیزم‌های بورس کالای دالیان استفاده می‌کنند به‌سرعت گسترش یابند.

1- Agricultural Development Bank of China (ADBC)

۶-۴-۷ توسعه بازار

آموزش و ظرفیت سازی: بورس کالای دالیان برنامه‌های منظم آموزش و سمینارهای آگاهی بخشی را برگزار می‌نماید. از سال ۲۰۰٤، کانون تمرکز این برنامه‌ها یک برنامه‌ی عمده به نام ابتکار " ۱۰۰۰ روستا ۱۰۰۰۰ کشاورز" بود (به کادر ١٤ نگاه کنید).

از یک سو، این مسئله نمایانگر این است که بورس در هدایت فعالیت‌های آموزشی گسترده برای کشاورزان چینی سازمانی پویاست. از سوی دیگر، این مسئله نشان دهنده محدودیت‌های بورس نیز هست. درحالی‌که آموزش ٤۰۰۰۰ کشاورز تا اوایل سال ۲۰۰۷ دستاوردی چشمگیر برای سازمانی نسبتا کوچک است که در غیر این صورت بر معاملات کالا متمرکز می‌بود، این تعداد در مقایسه با کل تعداد کشاورزان سویا و ذرت در چین بسیار پایین است. با وجود این، بورس در زمینه‌ی سایر ذینفعان دولتی و نهادی که هدف توسعه‌ی روستایی و کشاورزان را دنبال می کنند (مدلی بالقوه برای افزایش گستره چنین برنامه‌هایی) نیز فعال بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد در تقسیم‌بندی ایده آل نیروی کار، بورس به‌عنوان توسعه دهنده‌ی دوره‌های آموزشی و سمینارهای مناسب در زمینه‌ی بازارهای کالا و آموزش دهنده در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد بهتر باشد سازمان‌هایی که از منابع یا جایگاه مناسب‌تری برخوردارند این خدمات را در مقیاس مورد نیاز ارائه دهند.

دسترسی به بازار، ظرفیت سازی و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات: اگرچه نمی‌توان گفت که بورس کالای دالیان به تقویت استفاده از تلفن همراه یا اینترنت در چین کمک چندانی کرده است، مسلما این نهادها از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات موجود برای غلبه بر موانع فاصله و کمبود امکانات زیربنایی، دسترسی مستقیم به کشاورزان و مرتبط ساختن کشاورزان با بازارها استفاده کرده‌اند. همان‌طور که در فوق گفتیم، استفاده از پیام کوتاه برای انتشار اطلاعات بازار یکی از این جنبه هاست. جنبه دیگر، استفاده از اینترنت و مراکز مخابراتی برای طرح پرسش‌های فنی کشاورزان با متخصصان است.

توسعه‌ی محصولات و خدمات جدید: بورس کالای دالیان به دلیل محدودیت‌های نظارتی نمی‌تواند بسیاری از محصولات و خدمات را ارائه دهد. تمرکز توسعه محصولات در حال حاضر بر قراردادهای آتی کالاهای جدید است؛ برای نخستین بار در جولای سال ۲۰۰۷ قرارداد آتی یک کالای صنعتی توسط بورس روانه بازار شد. با وجود این، بورس کالای دالیان امکان معرفی شاخص وضعیت آب و هوایی و شاخص سایر مشتقه‌ها و همچنین قراردادهای اختیار معامله در صورت تأیید این نوع ابزارها را بررسی می‌کند.

کادر ۱۴: برنامه‌ی آموزشی ۱۰۰۰ روستا، ۱۰۰۰۰ کشاورز بورس کالای دالیان

ابتکار ۱۰۰۰ روستا، ۱۰۰۰۰ کشاورز برنامه‌ای نظام‌مند برای آموزش کشاورزان است. با همکاری سازمان‌های ذیربط، دولت محلی، مجموعه‌ای از سمینارهای آموزش ادواری را برگزار کرده است. در طول سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶، بیش از ۳۰۰ سمینار آموزشی برگزارشد که ۳۰۰۰۰ نفر از ۴۴ شهر و بخش از سه استان و یک بخش در شمال شرقی چین را آموزش داد. تا میانه سال ۲۰۰۷، بیش از ۴۰۰۰۰ نفر آموزش دریافت کردند که اکثراً از میان کشاورزان عمده، کارگزاران روستایی، مردم عادی دهکده و شرکت‌های فعال در زمینه معاملات نقدی بازار بودند.

این ابتکار از یک برنامه‌ی سه مرحله‌ای پیروی کرده است:

• مرحله نخست که از سال ۲۰۰۴ آغاز شد و شامل برنامه‌ی آموزش گسترده کشاورزان و سایر فعالان بازار در زمینه‌ی نحوه‌ی استفاده از اطلاعات بازار معاملات آتی بود.

• در طول سال ۲۰۰۶، بورس کالای دالیان "برنامه خدمت به خانوارهای روستایی" را آغاز کرد که تمرینی عمده در تأمین اطلاعات بود. در این برنامه، اطلاعات بازارهای ذرت و سویا در اختیار کشاورزان شمال شرقی چین قرار گرفت.کشاورزان تشویق می‌شدند تا از این اطلاعات برای ایجاد انتظارات بیشتر درباره‌ی توسعه‌ی قیمت‌های آتی این دو محصول و درنتیجه برای بهبود برنامه‌ریزی و تصمیمات برداشت و فروش استفاده کنند.

• مرحله نهایی در آوریل سال ۲۰۰۷ آغاز شد. برنامه تقویت بازار هدف کمک به شرکت‌ها برای درک و استفاده از بازار معاملات آتی به‌منظور مدیریت ریسک و تثبیت درآمد را دنبال می‌کند و نکته مهم این است که شرکت‌ها درباره‌ی نحوه‌ی گنجاندن کارکرد پوشش ریسک در قراردادهای فیزیکی کشاورزان و بدین ترتیب، انتقال بخشی از سود مدیریت ریسک در طول زنجیره‌ی عرضه آموزش می‌بینند.

فصل ۸- هند

۸-۱ توسعه‌ی تاریخی بازارهای کشاورزی و بازارهای کالاهای خاص مورد نظر

۸-۱-۱ وضعیت کشور

تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۶ (میلیارد دلار آمریکا، به قیمت‌های جاری):	۸۸۷	میانگین رشد تولید ناخالص داخلی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۶/۷
سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۶ (دلار آمریکا به قیمت‌های جاری):	۷۹۷	رشد سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی در دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۱۱۱
جمعیت در سال ۲۰۰۶ (میلیون نفر):	۱۱۱۳	رشد جمعیت در دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۳۳
شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۱۹۹۰ (سال ۲۰۰۰ به‌عنوان ۱۰۰):	۴۲	شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۲۰۰۵ (سال ۲۰۰۰ به‌عنوان ۱۰۰):	۱۲۹
تراز حساب جاری در سال ۱۹۹۰ (میلیارد دلار آمریکا):	-۷/۹	تراز حساب جاری در سال ۲۰۰۶(میلیارد دلار آمریکا):	-۱۹/۳
کشاورزی - سهم از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۶ :	٪۱۹	سهم کشاورزی از درآمدهای صادراتی در سال ۲۰۰۵:	٪۱۰
کشاورزی - سهم از اشتغال در سال ۲۰۰۳:	٪۵۶	سهم ۲۰٪ فقیرترین افراد از درآمد ملی:	٪۸/۹
مساحت در سال ۲۰۰۵ (میلیون کیلومتر مربع):	۳/۳	امید به زندگی در بدو تولد در سال ۲۰۰۵:	۶۴
نرخ باسوادی بزرگسالان در سال ۲۰۰۶:	٪۶۱		

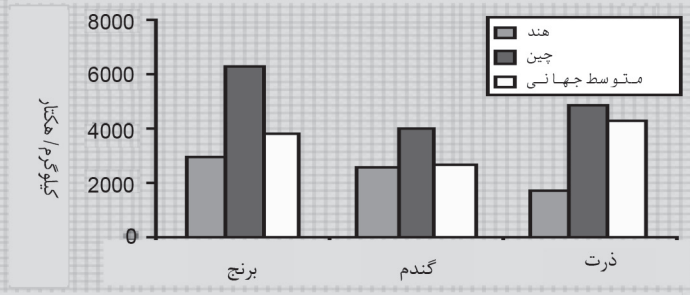
۸-۱-۲ توسعه‌ی تاریخی

با آغاز برنامه‌ی "میعاد با سرنوشت" هند در سال ۱۹۴۷، ظهور این ملت جدید با میراثی از اهمال در زمینه‌ی کشاورزی، قحطی و گرسنگی و به‌ویژه قحطی ویرانگر بنگال در سال ۱۹۴۳ آغاز شد که حدود پنج میلیون نفر در آن جان باختند. بنابراین دولت هند، خودکفایی در زمینه‌ی اقلام خوراکی را به‌عنوان هدف راهبردی اصلی خود برای توسعه‌ی کشاورزی

و توسعه ملّی برگزید[1]. علاوه‌بر این، وابستگی شدید کشور به کشاورزی برای ایجاد اشتغال و درآمد، قرار گرفتن کشاورزی در صدر اولویت‌های سیاست گذاران را تضمین می‌کرد و انگیزه‌ی کاهش فقر، به مبنای تصمیم‌گیری‌های کشاورزی تبدیل شد.

نخستین دوره پس از استقلال شاهد تمرکز بر اصلاحات ارضی و توسعه سیستم‌های آبیاری بود. این دوره همچنین شاهد ایجاد بنیان‌های اقتصاد کشاورزی بسیار کنترل شده هند نیز بود. در سطح ملّی، قانون کالاهای اساسی سال ۱۹۵۵، سیستم دریافت مجوز و کنترل قیمت‌ها و انبار سازی و سفارشات خرید و فروش کالاهای راهبردی را الزامی کرد. در سطح ایالتی، قوانین تنظیم بازار محصولات کشاورزی برای کنترل بازارهای محلی ارائه شد. این قوانین اغلب به تشخیص دولت، از حمایت ابزارهای دیگر نیز برخوردار می‌شدند (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۷).

نمودار۲۲: حجم تولید غلات در سال ۱۹۹۹: هند، چین و متوسط جهانی



منبع: دهمین برنامه پنج ساله توسعه دولت هند، ۲۰۰۷-۲۰۰۲

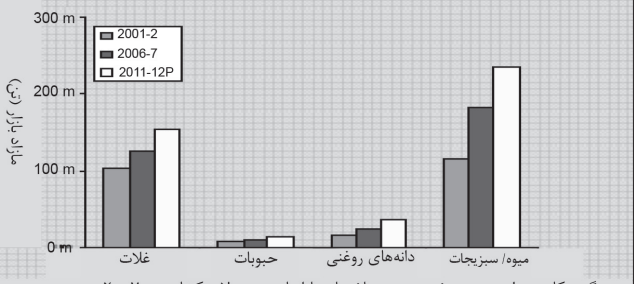
انقلاب سبز در طول دهه‌ی ۱۹٦۰ و ۱۹۷۰ شاهد جهش‌های شدید هند در تولید و سطح درآمد کشاورزان بود (فن براون، گولتای و فن، الف ۲۰۰۵) که تا امروز مایه‌ی مباهات و غرور در کشور است. این مسئله با معرفی گونه‌های پرمحصول کالاهای اساسی از طریق پژوهش‌های کشاورزی و پیشرفت در زمینه‌ی توسعه و انگیزه‌های افزایش دسترسی به نهاده‌ها، آبیاری، اعتبار و سایر امکانات زیر بنایی که از حمایت دولت برخوردار بود میسر گردید (مهادیوان، ۲۰۰۳).

با وجود این، اگرچه در طول تاریخ پس از استقلال هند برداشت محصولات کشاورزی

۱- آمارتیا سن اقتصاددان هندی برنده جایزه نوبل اقتصاد بعدها استدلال کرد که دلیل این قحطی بیش از اینکه کمبود مواد خوراکی باشد شایعه کمبود بود که ذخیره سازی وسیع را سبب شد. به دنبال آن، افزایش قیمت مواد خوراکی بسیاری از فقرا را از بازار مواد خوراکی بیرون راند.

همواره افزایش داشته اســـت، اغلب به شدت پایین‌تر از سطوح میانگین جهانی است (به نمودار ۲۲ نگاه کنید). برخی تحلیلگران بر این باورند که موفقیت‌های سابق انقلاب سبز به تدریج به رکود گراییده است (مثلاً فن براون و همکاران، ب ۲۰۰۵) و تلاش برای انقلاب سبز دوم در آمال و آرزوهایی که سیاستمداران، متخصصان کشاورزی، اقتصاددانان و بخش خصوصی بیان می‌کردند جایگاه ویژه‌ای داشـــت (مثلاً به نظر سنجی اقتصادی ۲۰۰۶/۰۷ دولت هند که در سال ۲۰۰۷ منتشر شد نگاه کنید).

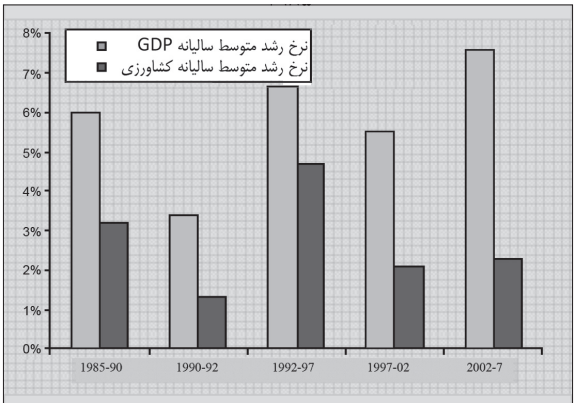
نمودار۲۳: مقادیر مازاد بازار واقعی و پیش‌بینی شده هند، ۲۰۱۲-۲۰۰۱جهانی



منبع: گروه کاری دولت هند در خصوص زیرساختهای بازاریابی محصولات کشاورزی، ۲۰۰۷
توجه: داده‌های سال زراعی ۲۰۱۲- ۲۰۱۱ مقادیر پیش بینی شده می‌باشد.

از ســـال ۱۹۹۱، دولت هند برنامه آزادسازی اقتصادی گســـترده‌ای را به رهبری وزیر دارایی وقت و نخســـت وزیر کنونی، مانموهان سینگ آغاز کرد. عضویت هند در سازمان تجارت جهانی از نخســـتین روز تاسیسش در سال ۱۹۹۵ اهمیت این برنامه را بیشتر کرد. این برنامه با اصلاحات خارجی در نرخ تبدیل ارز، سیاست‌های معاملاتی و سرمایه‌گذاری خارجی و اصلاحات داخلی در سیاست‌های صنعتی، کنترل‌های قیمت و توزیع و تجدید ســـاختار بخش‌های مالی و عمومی همراه بود (مهادیوان ۲۰۰۳). در زمینه‌ی کشـــاورزی، تعرفه‌هـــا از ۱۱۳ درصد در ســـال ۱۹۹۰/۹۱ به ۲۶ درصـــد در ۱۹۹۷/۹۸ کاهش یافت. با وجود این، کاهش موانع سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم و حذف کنترل‌های بوروکراتیک با سرعت کمتری به پیش می‌رفت. درحالی‌که رشد کشاورزی در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ به بیش از سالانه ٤ درصد رسید، در ابتدای هزاره جدید دوباره به کمتر از دو درصد کاهش یافت.

نمودار۲٤: نرخ رشد اقتصادی کشاورزی و GDF هند، دوره: ۲۰۰۷-۱۹۸۵



منبع: بررسی‌های اقتصادی ۲۰۰۶/۷ وزارت اقتصاد، GOI

هند به هدف خودکفایی در زمینه‌ی محصولات خوراکی دست یافته و در زمینه کالاهای راهبردی مازاد تولید خود را به صورت مستمر به بازارها روانه کرده است (به نمودار ۲۳ نگاه کنید). با وجود این، هزینه‌های این دستاورد به نحو روزافزونی آشکار می‌شود: اغلب مقادیر عظیمی از دانه‌های خوراکی تولید می‌شود (فن براون، گولاتی و فن، الف ۲۰۰۵)؛ سطح یارانه‌ها افزایش یافته و از کاهش هزینه‌ی سرمایه‌گذاری عمومی در زیرساخت‌های کشاورزی تأثیر پذیرفته است (جیها ۲۰۰۷). از سوی دیگر، تولید به‌سوی کالاهای اساسی نسبتا کم ارزش هدایت شده و از کالاهای پر ارزش موردنیاز طبقه‌ی متوسط هند و بازارهای صادرات جهانی که به نحو روزافزونی مشکل پسندتر می‌شوند فاصله گرفته است (فن براون و همکاران، الف ۲۰۰۵ و ب ۲۰۰۵).

با وجود رشد سریع اقتصاد که افزایش درآمدها و ذخایر ارزی را به همراه داشته است، در هند هنوز میلیون‌ها نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. رشد بخش کشاورزی هند به میزان چشمگیری عقب‌تر از رشد کلی تولید ناخالص داخلی است (به نمودار ۲٤ نگاه کنید) و دولت هند به نحو سیستماتیک برخی از چالش‌های سهمگینی را که نیازمند راه‌حلی سریع است شناسایی کرده است (به کادر ۱۵ نگاه کنید).

کادر ۱۵: چالش‌های بخش کشاورزی هند

- کاهش میزان رشد تولید و بهره‌وری
- کاهش سرمایه‌گذاری‌های عمومی و بدتر شدن کیفیت خدمات عمومی

- افزایش کمبود آب
- استفاده نامتعادل از کود شیمیایی
- از بین رفتن شدید و گسترده‌ی مرغوبیت زمین‌های کشاورزی
- دسترسی کم به نهاده‌ها، آبیاری و آفت‌کش
- کمبود بذر و نرخ‌های جایگزینی
- عدم دسترسی مناسب به ماشین آلات و تجهیزات
- خدمات اطلاعاتی قدیمی
- کمبود تأسیسات انبارسازی و زیرساخت‌های مربوطه
- تعمیر و نگهداری نامناسب جاده‌های روستایی و کانال‌ها
- عدم کارایی فرایندهای حمایتی بازار
- کاهش نسبت اعتبارات پرداختی روستایی به حجم سپرده‌های بانکی

منبع: برنامه پنج ساله دهم دولت هند، ۲۰۰۷-۲۰۰۲

با وجود این، بنیان‌های مناسب و فرصت‌های چشمگیری نیز هست. ازجمله می‌توان به تنوع بالقوه محصولات کشاورزی باارزش‌تر (فن بارون و همکاران ب ۲۰۰۵) و حوزه‌های ارزشمندتر زنجیره‌ی تأمین (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۷)، بخش خصوصی پویا و مبتکری که با ابتکار در زمینه‌ی فناوری به دنبال توسعه و خدمت‌رسانی به بازارهایی است که در کف هرم قرار دارند (پراهالاد، ۲۰۰٤)، نهادهای روستایی توسعه یافته‌ی هند ازجمله تعاونی‌های کشاورزان، موسسات مالی خرد و بانک‌های اعتبار روستایی که در زمینه‌ی اطلاع رسانی، تأمین اعتبار و خدمات گسترشی فعالیت دارند (فن براون، گولاتی و فن، الف ۲۰۰۵) اشاره کرد. در چنین فضایی، برنامه رادیکال دولت هند برای بورس ملّی کالاهای هند ایجاد شده که نیم نگاهی به تسهیل توسعه اکوسیستم کشاورزی دارد.

بخش کشاورزی هند به میزان زیادی از تولیدکنندگان خرد تشکیل شده است که حدود ۷۸ درصد از کل این بخش را تشکیل می‌دهند (برنامه پنج ساله دهم دولت هند، ۲۰۰۷-۲۰۰۲). میانگین وسعت زمین‌های کشاورزان هندی در دهه‌ی ۱۹۹۰، برابر با ۱/٦ هکتار بود که نسبت به ۲/۳ هکتار در سال ۱۹۷۰ کاهش چشمگیری پیدا کرده است. فرصت‌های محدود خارج از بخش کشاورزی و سیستم وراثت، دو عاملی هستند که این ساختار را تقویت می‌کند (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۷)، و محدودیت‌های رشد

تجارت داخلی محصولات کشاورزی و محدودیت ورود شرکت‌های خارجی نیز از عوامل دیگری هستند که به این مسئله کمک می‌کنند (فن براون و همکاران، ب ۲۰۰۵).

کشاورزان خرده‌پای هند به شـــدت به واسطه‌هایی که "آرتیا" نامیده می‌شوند وابسته‌اند و اغلب تحت ســـلطه‌ی آن‌ها قرار دارند (برنامه پنج ساله‌ی دهم دولت هند، ۲۰۰۷–۲۰۰۲). ســـاختار بازارهای عمده فروشی کشـــاورزان که مانع از رقابت در میان خریداران می‌شود، نابرابری‌های اطلاعاتی شـــدید به نفع آرتیاها، فقدان آموزش در میان کشـــاورزان و نقایص زیرســـاختی که به‌عنوان مانعی بزرگ در برابر دسترســـی مستقیم کشـــاورزان به بازارها و تأسیسات انبار سازی عمل می‌کنند برخی از این دلایل هستند. هزینه‌های این سیستم سنگین اســـت: به موجب برآوردها، این هزینه از ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزش محصولات کشـــاورزان را تشـــکیل می‌دهد (دولت هند، ب ۲۰۰۷) و بین قیمـــت محصولات درمزرعه و قیمت برای مصرف‌کنندگان فاصله‌ی زیادی وجود دارد (دولت هند، برنامه پنج ساله دهم، ۲۰۰۷–۲۰۰۵).

با وجوداین، چنین شـــرایطی طی سالیان دراز ایجاد شـــده و رابطه کشاورز – آرتیا را نباید تنها ناشـــی از استثمار دانست. این سیستم را می‌توان به‌عنوان شکلی از عرضه‌ی کلیه خدمات مورد نیاز در یک مرکز دانست که در آن، "حق‌العمل کار پیوندهای ضروری برای کشت و زرع و خرید... و خدماتی همچون ارائه اعتبارات، بیمه، قیمت‌های ثابت، حمل و نقل و انبار ســـازی" را فراهم می‌کند (دولت هند، ب ۱۱۳: ۲۰۰۷). از آنجا که آرتیاها در جامعه‌ی روســـتایی ریشه دارند، اغلب می‌توانند انعطاف‌پذیری و سرعت واکنشی را ارائه دهند که ســـایر موسسات برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند. از سوی دیگر، هند از میزان بالای خودکشـــی در میان کشاورزان مقروضی که توان بازپرداخت وام‌های خود را ندارند رنج می‌برد[1]. تراژدی خودکشـــی کشاورزان بســـیار حساس است و کشاورزی را در صدر اولویت‌های سیاست‌های ملّی و ایالتی قرار می‌دهد.

یکی دیگر از ویژگی‌های کشـــاورزی هند، چندپارگی شدید بازارهای فیزیکی است. حدود ۷۵۰۰ بازار عمده فروشی در هند وجود دارد که به کمیته‌های بازاریابی محصولات کشاورزی معروفند. بسیاری از این بازارها به تأسیسات اساسی از قبیل سکوهای فروش و

۱- آمار دقیق میزان خودکشـــی کشاورزان در دسترس نیست. ولی هاردیکر (۲۰۰۶) می‌گوید که در منطقه ویداربها در ایالت مهاراشترا در شمال شرقی کشور، یک کمیته دولتی دریافت که ۲/۸ میلیون نفر از ۳/۲ میلیون کشاورز پنبه این منطقه ورشکسته‌اند و ۸۰ درصد وام‌های جدیدیی که دریافت می‌شود برای بازپرداخت وام‌های قبلی است. در این منطقه، حکومت ایالتی از ســـال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶، ۱۹۲۰ خودکشـــی کشاورزان را ثبت کرده است، درحالی‌که یکی از سازمان‌های کشاورزی تنها در دوازده ماهه ۲۰۰۵تا ۲۰۰۶، بالغبر ۷۸۲ خودکشی و در پنج ماهه نخست سال ۲۰۰۷ نیز ۴۰۱ خودکشی را ثبت کرده است.

مزایده، برق، آب آشـــامیدنی،جاده‌های ارتباطی، تأسیسات معامله‌گران، تسهیلات مدیریت بعد از برداشـــت محصول و مواردی از این دست مجهز نیستند"(دولت هند، برنامه‌ی پنج ســـاله دهم، ۲۰۰۷– ۲۰۰۵، ص ۵۵۰). آزادسازی ساختارهای بازاریابی به‌منظور یکپارچه سازی بازار ملّی از سال ۲۰۰۲ در زمره‌ی اولویت‌های ملّی بوده است (سینها، ۲۰۰۲).

۸-۱-۳ چکیده چالش‌های اصلی کشاورزی در سال‌های گذشته

- گذار به اقتصاد مبتنی بر بازار و ایجاد نهادهای بازار برای تسهیل و تنظیم معاملات؛
- ایجاد امنیت غذایی برای جمعیتی که به‌ســـرعت در حال رشـــد است و کاهش فقر روستایی؛
- یکپارچه‌سازی بازارهای فیزیکی چندپاره و ناکارآمد؛
- متنوع‌ســـازی مبنای کشاورزی با حرکت به‌ســـوی محصولات پرارزشی که قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را دارند؛
- ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و نهادی؛
- تقویت و تجاری‌سازی بخش تولیدکنندگان خرد.

۸-۱-۴ کالاهای خاص مورد مطالعه: هل و روغن نعنا

دو کالایی که در این مطالعه بررســـی شـــده‌اند هر دو منحصرا و برای نخستین بار در هند به‌عنوان قراردادهای آتی معامله می‌شـــوند. هل یک نوع ادویه اســـت که هند بعد از گواتمالا دومین تولیدکننده و صادرکننده‌ی بزرگ آن اســـت. روغن نعنا (عصاره گیاه نعنا) دارای کاربردهای صنعتی و پزشـــکی مختلفی است. هند با فاصله‌ی زیاد از سایر کشورها، بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده‌ی روغن نعنا است. دولت در بازار هیچ یک از این دو کالا دخالت نمی‌کند.

الف) هل

ویژگی‌ها و فرایند صنعتی

هل یکی از جذاب‌ترین ادویه‌هاســـت و دارای عطر گیاهی و طعم منحصر به فردی است. این گیاه کاربردهای متعددی دارد و رایحه‌ی خوشی را به خوراکی‌های شیرین و تند می‌افزاید.

بهترین شرایط کشت هل، جنگل‌های گرمسیری و درارتفاعات ۶۰۰ تا ۱۵۰۰ متر است که دارای بارش ســـالیانه‌ی بیش از ۱۵۰ ســـانتیمتر و دمایی بین ۱۰ تا ۳۵ درجه سانتیگراد اســـت. هند در کرالا (۷۰٪ تولید) و همچنین در کارناتاکا (۲۰٪)، و تامیل نادو (۱۰٪)، در

مناطق مرتفع قات و در باریکه‌ای به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر در جنوب کشور، گونه مالابار را کشت می‌دهد. بخش ایدوکی در کرالا مرکز اصلی کشت و معامله‌ی این محصول است. دو گونه‌ی تجاری عمده این محصول، گونه‌های مالابار و گواتمالایی هستند. گونه مالابار که به‌صورت هل سبز معامله می‌شود با کیفیت‌ترین هل در جهان است.



ادویه از دانه‌های این گیاه گرفته می‌شـــود که شاخه‌هایی پره مانند دارد که به ارتفاع ۲ تا ۳ متر رشـــد می‌کند. در قسمت پایین هر گیاه، غلاف‌های دندانه دندانه‌ای قراردارند که حاوی دانه‌های هل اســـت. هر غلاف حاوی چهار تا شش دانه کوچک و تیره‌ی هل است که منبع عطر و طعم هل هستند. فصل برداشت از ماه آگوست تا ژانویه طول می‌کشد، ولی گاهی تا مارس نیز ادامه دارد. کشاورزان غلاف‌های نرسیده سبز را قبل از رسیدن می‌کنند تا مانع از از بین رفتن رنگ و شکافته شدن آن شوند. ابتدا غلاف‌ها را تمیز می‌کنند و سپس در اتاق‌های هوای گرم، توســـط دمش هوا یا با کمک ماشین‌های پیشرفته‌ای که در مناطق کاشـــت هل در دسترس هستند خشـــک می‌کنند. بعد از خشک کردن، این محصول را به صورت فله و به قیمت متوسطی که بر مبنای کیفیت کل محموله تعیین می‌شود می‌فروشند. گزینه‌ی دیگر تقســـیم محموله‌ی فله براســـاس کیفیت‌های مختلف بر مبنای طول غلاف است: ۷ میلیمتر، ٦ میلیمتر و بقیه محموله. بدین ترتیب می‌توان برای محصول درجه یک بهای بیشتری دریافت کرد و قیمت میانگین کل محصول را بهبود بخشید.

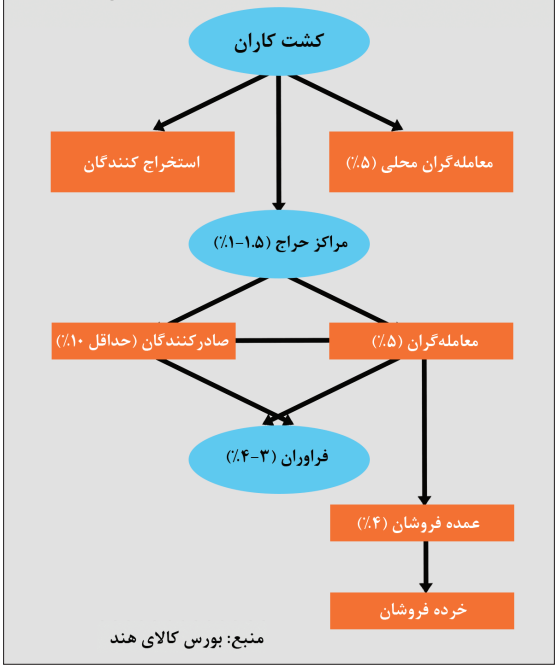
به‌طور ســـنتی، کشـــاورزان محصول خود را به هفت مرکز حراج منطقه می‌برند یا آن را از طریق معامله‌گران محلی می‌فروشند (به تصویر ۵ نگاه کنید). شرکت فراوری و عرضه هل کارلا[1] بزرگ‌ترین مرکز حراج اســـت و هر هفته دو بار حـــراج برگزار می‌کند. در هنگام حراج، قبل از آغاز حراج و در طول آن، نمونه‌هایی از محصول هر کشاورز در میان خریداران توزیع می‌شود.

1- The Kerala Cardamom Processing and Marketing Company

ساختار صنعت و زنجیره‌ی عرضه

هل در مراکز حراج عرضه می‌شـــود. هیئت ادویه[1] به معامله‌گران مجوز فعالیت می‌دهد و آن‌هـــا برای حراج در بازارهای مختلف شـــرکت می‌کنند. کشـــاورزان محصول خود را بـــه مراکز حراج می‌آورند و این محصول در این مراکز تمیز، درجه‌بندی و در کیســـه‌های پلی‌اتیلن بسته‌بندی و در انبارهای این مراکز نگهداری می‌شوند. بعد از حراج، معامله‌گرانی که محصول را خریداری کرده‌اند آن را به مراکز معامله در کوچی منتقل می‌کنند و از آنجا به بازارهای داخل کشور منتقل یا به خارج صادر می‌کنند.

تصویر۵: زنجیره عرضه قبل از آغاز به کار بورس کالای هند و میزان حاشیه مربوطه: هل



منبع: بورس کالای هند

توسعه‌ی صنعت

تولید و برداشت هند در سال‌های اخیر به‌طور منظم افزایش یافته است. تولید در سال ۲۰۰۵/۰۶ برابر با ۱۲۵۰۰ تن بود. در پنج ســـال گذشته، هند بیشتر هل تولیدی خود را به مصرف داخلی رسانده است و تنها حدود ۵ درصد از کل تولید خود را صادر می‌کند.

1- Spices Board

جدول ۵: آمار تولید هند: هل ، ۲۰۰۶-۲۰۰۰
هل- مساحت زیر کشت، تولید و جزئیات صادرات هند

سال	مساحت (هکتار)	تولید (تن)	محصول (کیلوگرم/هکتار)	صادرات
۲۰۰۰-۰۱	۷۲۳۲۰	۱۰۴۸۰	۱۹۵	۱۵۴۵
۲۰۰۱-۰۲	۷۲۶۶۳	۱۱۳۶۵	۲۱۰	۱۰۳۱
۲۰۰۲-۰۳	۷۳۱۲۵	۱۱۹۲۰	۲۱۸	۶۸۲
۲۰۰۳-۰۴	۷۳۲۷۳	۱۱۵۸۰	۲۱۰	۶۹۰
۲۰۰۴-۰۵	۷۳۷۲۵	۱۱۴۱۵		۶۵۰
۲۰۰۵-۰۶	۷۳۷۹۵	۱۲۵۴۰		۸۷۵

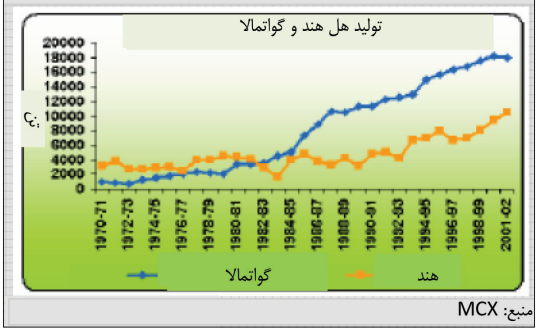
منبع: هیأت ادویه هند

کل تولید هل جهان در سال ۲۰۰۶ کمی بیش از ۳۰۰۰۰ تن بود. بزرگ‌ترین تولیدکننده هل جهان گواتمالاســـت که تولید آن در سال ۲۰۰۶ بین ۱۸۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ تن بوده است (به نمودار ۲۵ نگاه کنید).هل در کامبوج، مکزیک، نپال، گینه نوی پاپوا، سریلانکا، تایلند و جمهوری متحد تانزانیا و ویتنام نیز در مقیاس کوچک کشت می‌شود.

کاربران و کاربردها

هند صادرکننده‌ی ســـنتی هل به کشورهای خاورمیانه بوده است که از آن برای تهیه‌ی قهوه (یک نوشـــیدنی قوی که مخلوطی از قهوه و هل است) اســـتفاده می‌کنند. صادرات محصولات دارای ارزش افزوده هل از قبیل روغن هل و رزین‌های روغنی به کشـــورهایی از قبیل آلمان، هلند و بریتانیا نیز افزایش یافته است. براساس تخمین‌ها، میزان صادرات هل هند در سال ۲۰۰۵/۰۶ حدود ۸۷۵ تن (۳۵درصد بالاتر از سال قبل) بوده است. کشورهای عربی واردکنندگان عمده‌ی هل هستند و تقریباً ۶۰ درصد از کل واردات هل جهان را انجام می‌دهند. ژاپن و عربستان سعودی واردکنندگان عمده‌ی هل هندوستان هستند.

نمودار ۲۵: تولید هل هند و گواتمالا، دوره: ۲۰۰۵-۱۹۷۰



منبع: MCX

قیمت‌های نقدی هل دارای تغییرات چشـــمگیری است و از عواملی همچون عرضه و تقاضای داخلی و بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. با وجود اینکه تقاضا روند افزایشـــی مثبتی را نشان می‌دهد، عرضه دستخوش نوسانات زیادی است. معمولاً ماه رمضان دوره اوج تقاضا برای این محصول است. محصول هل گواتمالا و هند معمولاً در طول این ماه به بازار عرضه می‌شـــود. این محصول در برابر آفات، بیماری‌ها و نوســـانات باران‌های فصلی آسیب‌پذیر است. این عوامل بر قیمت‌ها نیز به شدت تأثیر می‌گذارند. از دیدگاه تولیدکنندگان، عواملی همچون تازگی، رنگ، عطر، اندازه‌ی دانه‌های هل، شرایط جوی مناطق کشت، میزان تولید سالیانه‌ی هل در هند و سایر تولیدکنندگان عمده، موجودی پایان سال انبارها و تقاضا برای صادرات نیز بر قیمت تأثیر می‌گذارند.

(ب) روغن نعنا

ویژگی‌ها و فرایند صنعت

کمربند نعنای هند در منطقه‌ی بردبسکت، نواری از دشت‌ها و دامنه‌هایی به طول تقریبی ۱۵۰ کیلومتر و عـــرض ۲۵۰ کیلومتر، در جنوب هیمالیا قـــرار دارد و ایالت‌های پنجاب، هیماچال پرادش، هاریانا، دوتارپرادش و بیهار را دربر می‌گیرد.

نعنا محصولی بهاره اســـت و کاشت آن در فوریه و مارس انجام می‌شود. این محصول در ماه‌های می و ژوئن در ابتدای زمان گل دادن که می‌گویند گیاه در این موقع بیشـــترین میزان روغن را دارد برداشـــت می‌شود. بعد از برداشت، نعنا را در آفتاب خشک می‌کنند و برگهایش را با بخار تقطیر می‌نمایند. فرایند تقطیر منجر به تولید عصاره نعنا می‌شود.

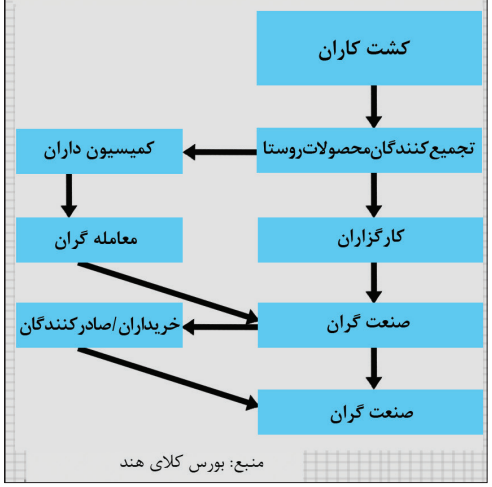
روغن نعنا به‌عنوان یکی از نهاده‌های ســـاخت کریســـتال نعنا نیز به‌کار می‌رود که ماده خامی است که در تهیه محصولات مصرفی مختلف کاربرد دارد.



ساختار صنعت و زنجیره‌ی عرضه

در هند معمولاً کشاورزان کوچک به کشت نعنا می‌پردازند. این کشاورزان معمولاً علاوه‌بر نعنا، در ماه‌های دسامبر و اکتبر به کشت برنج، لوبیا چشم بلبلی، ذرت یا سویا و از اکتبر تا نوامبر به کشت سیب زمینی، خردل، گندم یا نخود می‌پردازند که بین فوریه تا آوریل برداشت می‌شود. شـــرایط جوی در مراکز تولید در طول دوره‌ی برداشـــت، میزان آلودگی به آفات و بیماری‌ها، حجم منطقه‌ی زیر کشت، همراه با سطوح تقاضای بین‌المللی و قیمت‌های صادراتی از عوامل اصلی موثر بر قیمت‌ها هستند.قبل از معرفی قرارداد نعنای بورس کالای هند، حدود ۸۰ درصد کشاورزان روغن نعنای خود را به نمایندگانی که تمامی محصول دهکده را تجمیع می‌کردند، ارائه می‌دادند که بدون مراجعه به معیارهای بیرونی درباره قیمت تصمیم‌گیری می‌کردند. بنابراین بازارها در خلا عمل می‌کردند و این تجمیع کنندگان روستاها در زنجیره‌ی عرضه سودی تقریباً ۷ درصدی را به خود اختصاص می‌دادند. در مرحله بعد کمیسیون داران محصولات را از تجمیع کنندگان روستاها خریداری کرده و آن‌ها نیز محصولات را به کارگزاران و تاجران می‌فروختند. این فعالان نیز در نهایت محصول را به تولیدکنندگان کریســـتال روغن نعنا تحویل می‌دادند. عمده‌فروشان یا صادرکنندگان کریستال نعنا را از تولیدکنندگان با سود چهار درصد می‌خریدند تا در بازارهای مختلف محلی و بین‌المللی، برای استفاده در محصولات مصرفی به فروش برسانند. به‌طور خلاصه، درنتیجه این زنجیره‌ی عرضه‌ی بلند، مبلغ زیادی به بهای این محصول افزوده می‌شد (تقریباً حدود ۱۲۵روپیه در هر کیلو که برابر با ۳/۱۰ دلار یا ۱۱ تا ۱۲ درصد است (به نمودار ٦ نگاه کنید)).

تصویر٦: زنجیره عرضه روغن نعنا قبل از تاسیس بورس کالای هند و حاشیه‌های مربوطه

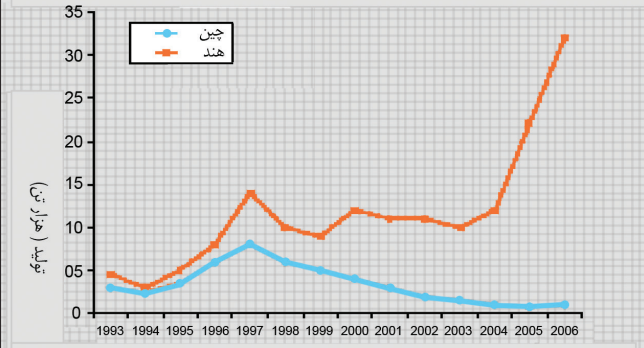


منبع: بورس کلای هند

توسعه صنعت

ظرف چند دهه‌ی گذشـــته، جمعیت روزافزون هنـــد، برای تأمین تقاضای محصولات خوراکی عاری از آفات و بیماری‌ها فشـــار بیشـــتری را بر زمین‌های کشاورزی وارد کرده اســـت. در این شرایط نعنا به محصول مهمی تبدیل شده است. علاوه‌بر تأمین مازاد سالیانه برای کشاورزان، کاشت چرخشی نعنا با سایر محصولات خوراکی راه مناسبی برای کمک به کنترل آفات و بیماریها بود. تقاضای جهانی برای نعنا و محصولات مشـــتقه‌اش نیز آغاز شده و رو به افزایش است و شرایط جوی و جغرافیایی بخش‌هایی از هند برای تولید این محصول بسیار مناسب هستند.

نمودار ۲۶: تولید روغن نعنای طبیعی و جوهر نعنای خشک هند و چین، دوره: ۲۰۰۶-۱۹۹۳



منبع: منابع اطلاعاتی صنعت روغن نعنا

تا حدود بیست سال قبل، بخش عمده نعنای آرونسیس جهان از برزیل و چین می‌آمد. کشت نعنا در هند در دهه‌ی ۱۹۸۰ آغاز شد. ولی ناآگاهی کشاورزان مانع از گسترش این محصول شد. موسسه‌ی مرکزی گیاهان دارویی و معطر [1] با برگزاری سمینارهای آموزشی برای کشاورزانی که در کمربند نعنا قرار دادشتند بر این کمبود آگاهی غلبه کرد. دانشمندان این سازمان همچنین از رسانه‌ها ازجمله حضور در برنامه‌های رادیو و تلویزیون برای بحث درباره‌ی جنبه‌هایی از سیستم تولید نعنا استفاده کردند. درنتیجه، اعتماد و رغبت کشاورزان به کشت نعنا به میزان چشمگیری افزایش یافته است. به دنبال آن، حجم تولید نعنا در هند ابتدا از برزیل و بعد از چین پیشی گرفت. امروزه هند حدود ۸۰ درصد نعنا جهان را تولید می‌کند (به نمودار ۲۶ نگاه کنید).

1- The Central Institute of Medicinal and Aromatic Plants (CIMAP)

یکی از ویژگی‌های برجسته بازار نعنا در هند، گرایش دست‌اندرکاران تولید نعنا به سوداگری بوده است. بورس کالای هند گزارش می‌دهد که قبل از معرفی قراردادهای آتی این بورس برای نعنا، فعالان محلی ده‌ها سال در بازارهای نقدی و پیمان‌های آتی غیررسمی فعالیت داشته‌اند. معامله‌گران خرده‌پا در برابر دستکاری بازار توسط معامله‌گران بزرگ آسیب‌پذیر بودند و زیان‌ها معمولاً به کشاورزان منتقل می‌شد. همچنین ریسک نکول نیز وجود داشت، چون معاملات به صورت شفاهی و بدون وجه تضمین انجام می‌شد. در برخی موارد، درصورتی‌که خریدار در سررسید معامله وجه نقد برای خرید نداشت، معامله‌گران تحویل فیزیکی در برابر قول پرداخت شفاهی را می‌پذیرفتند. ولی بیشتر قراردادها به‌صورت نقدی تسویه می‌شدند. در چنین شرایطی، معامله‌گران اغلب شرایط بازار را به نفع خود دستکاری می‌کردند.

کاربران و کاربردها

روغن نعنا در صنایع غذایی، طعم دهنده‌ها، دارویی و آرایشی مصرف زیادی دارد. در سرتاسر جهان، سالانه تقریباً ۱۰۰۰۰ تن نعنای طبیعی و ۲۰۰۰ تن نعنای مصنوعی در صنایع دارویی- آرایشی و تولید سیگار مصرف می‌شود. طیف کاربردهای خاص گسترده و متنوع است و نعنا در تولید شیرینی، روغن‌های دارویی، خمیر دندان، مرهم، لوسیون، شامپو و آدامس به‌کار می‌رود.

ایالات متحده آمریکا مصرف‌کننده‌ی عمده نعناست و حدود ۵۰ درصد کل صادرات هند را به خود اختصاص می‌دهد. چین، فرانسه، سایر کشورهای اتحادیه اروپا، ژاپن، پاراگوئه و سنگاپور سایر مقصدهای مهم صادرات نعنای هند هستند.

خلاصه: ویژگی‌های اصلی بازار فیزیکی

- کالاهای ارزشمند با طیفی از فرصت‌های بازاریابی ارزش افزوده؛
- فرصت‌های صادراتی چشمگیر برای طیف وسیعی از بازارهای پرسود؛
- عمدتاً توسط کشاورزان کوچک تولید می‌شود؛
- نیاز چشمگیر به توسعه زیرساخت‌ها و عملکردهای تولیدی بهتر؛
- حضور واسطه‌ها که سهم چشمگیری از ارزش کالای نهایی را به خود اختصاص می‌دهند؛
- هل: تغییر قیمت یکی از مسایل اصلی است چون اغلب محصول اصلی کشاورزان و سطح تغییر قیمت‌ها می‌تواند زیاد باشد؛
- نعنا: محصولی که به دلیل پتانسیل بالا برای کشت چرخشی با محصولات دیگر برای کمک درآمد کشاورزان خرده‌پا به‌کارمی‌رود.

۸-۲ ظهور بورس و توسعه‌ی قرارداد

بورس کالای هند

سال تاسیس: ۲۰۰۳	محل: مومبای، هند
ابزارهای مورد معامله: فقط قراردادهای آتی کالا (یک شاخص کالایی ارائه شده ولی هنوز قابل معامله نیست؛ بورس ملی نقدی در صورت تأیید مراجع نظارتی به زودی افتتاح می‌شود)	کالاهای مورد معامله: ۷۰ قرارداد برای ۵۶ کالای مختلف فهرست شده‌اند. ازجمله می‌توان ۲ قرارداد فلزات گرانبها، ۷ قرارداد فلزات پایه، ۵ قرارداد انرژی، ۳ قرارداد مواد پتروشیمی، ۱۸ قرارداد دانه‌های روغنی، ۵ قرارداد ادویه، ۲ قرارداد الیاف، سه قرارداد غلات، یک قرارداد حبوبات، ۴ قرارداد محصولات کشتزاری و ۶ قرارداد محصولات کشاورزی متفرقه اشاره کرد
مالکیت: بورس کالای هند شرکتی خصوصی است که از زمان تاسیس سرمایه‌ی آن توسط بخش خصوصی تأمین شده است. گروه فناوری‌های مالی که از توسعه دهندگان فناوری برجسته هند است صاحب اصلی بورس محسوب می‌شود و اکثر سهام آن را در اختیار دارد. انتظار می‌رود این بورس در آینده نزدیک سهام خود را برای عرضه به عموم ارائه کند.	سیستم معاملاتی: سیستم معاملات الکترونیکی، که توسط شرکت فناوری‌های مالی به‌صورت سفارشی برای این بورس نوشته شده است.
اتاق پایاپای: دپارتمان‌های داخلی اتاق پایاپای و تسویه	ناظر بازار: کمیسیون بازار قراردادهای آتی هند
حجم کل معاملات آتی و اختیار درسال ۲۰۰۶: ۴۵/۶ میلیون	حجم معاملات آتی و اختیار در سال ۲۰۰۶: ۴۵/۶ میلیون
رتبه کسب شده بر اساس رتبه‌بندی جهانی FIA در سال ۲۰۰۶ (با در نظر گرفتن همه مبادلات قراردادهای آتی براساس حجم معاملات مشتقه‌ها) : ۳۱	رتبه کسب شده بر اساس رتبه‌بندی جهانی آنکتاد در سال ۲۰۰۶ (بورس‌های کالا - فقط حجم مشتقه‌های کالا) : ۱۰

وب‌سایت: http://www.mcxindia.com

هند یکی از نخستین کشورهای جهان بود که بورس‌های کالا را راه‌اندازی کرد و نخستین بورس این کشور، انجمن معاملات کتان بمبئی[1] بود که در دهه ۱۸۸۰ تاسیس شد. نخستین بازار سازمان یافته معاملات آتی این کشور برای انواع مختلف کتان در سال ۱۹۲۱ راه‌اندازی شد و به دنبال آن، معاملات رونق گرفت.

تا زمان استقلال هند، طیف گسترده‌ای از نهادها و کالاها در مراکز معاملاتی عمده ایجاد شده بود. در دهه‌های بعد از استقلال، با حرکت هند به‌سوی اقتصاد برنامه‌ریزی شده، محدودیت‌های شدید و ممنوعیت کامل معاملات ایجاد شد. با وجود این، در نیمه دوم این قرن، با تکامل کشاورزی هند و عبور آن از مرز خودکفایی و باز شدن درهای آن بر روی بازارهای رقابتی جهانی، دولت هند متوجه شد که اقدامات مداخله جویانه قبلی برای تحمیل کنترل هزینه‌ی زیادی دارد و توان رقابت هند را محدود می‌کند. توسعه مکانیزم‌های مبتنی‌بر بازار در بخش کالا، ازجمله بازارهای معاملات آتی، راه مناسبی محسوب می‌شد (سیگر، ۲۰۰٤).

بورس‌ها ابتدا در نیمه دوم سده بیستم به بازار هند باز گشتند که محدود به تعداد

1- Bombay Cotton-trading Community

معدودی از بورس‌های محلی بود که هر یک، فعالیت‌های خود را بر یک نوع کالا متمرکز می‌کردنـــد. این بورس‌ها توســـط جوامع محلی یا منطقه‌ای معامله‌گران اداره می‌شـــدند و استفاده از آن‌ها نیز منحصر به همین جوامع بود. حجم معاملات این بورس‌ها محدود بود و مشارکت در بازار تا حد زیادی محدود به اتاق‌های معامله‌ی برجسته بود. با استمرار عقب ماندگی رشد کشاورزی در مقایسه با رشد تولید ناخالص داخلی و با چندپارگی بازارهای نقدی و نقایص زیرســـاختی، دولت هند دریافت که ارتقاء و تســـریع رشـــد در سرتاسر اکوسیستم گسترده و متنوع هند نیازمند رویکردی بلند پروازانه‌تراست.

بعد از بررســـی‌های مفصل و با حمایت جامعه‌ی بین‌المللی ازجمله آنکتاد، دولت هند انقلابی در ســـاختار بورس‌های کالای کشـــور ایجاد کرد و موانع عمده حقوقی، نظارتی و سیاســـتی که مانع از توسعه بازارهای معاملات آتی کالا می‌شدند حذف گردیدند. ازجمله می‌توان به حـــذف محدودیت‌های قراردادهای بازرگانی بلندمدت بین طرفین معاملاتی و ممنوعیت معاملات آتی بسیاری از کالاها اشاره کرد. دولت هند معیارهایی را برای تاسیس نســـل جدید بورس‌های ملّی معاملات آتی کالا ایجاد کرد. تنها شرکت‌هایی به مناقصات دعوت می‌شدند که سه اصل عمده‌ی زیر را رعایت کنند:

• بورس‌ها ملزم هســـتند تا معاملات خود را در سرتاســـر کشور ارائه دهند (برخلاف بورس‌های منطقه‌ای)؛

• بورس‌ها باید تحت مدیریتی حرفه‌ای عمل کنند، از همان به صورت شرکت سهامی عمل نموده و بنابراین گروه‌های خاصی ذینفع در منافع شرکت نباشند؛

• به‌منظور گســـترش دسترســـی به بازار، به‌ویژه برای جوامع روستایی، بورس‌ها باید معاملات را منحصراً از طریق سیستم‌های معاملاتی الکترونیکی انجام دهند.

در مقابل، دولت هند به این موسســـات مجوز دایمـــی معامله کلیه‌ی کالاهای مجاز را می‌دهد. درنتیجه، سه بورس جدید در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ تاسیس گردید:

بورس چند کالایی هند واقع در مومبای (به اختصار همان بورس کالای هند)؛ بورس ملی کالا و مشتقات[1] در مومبای؛ و بورس ملّی چند کالایی [2] در احمد آباد[3].

این موسســـات از نظر حجم معاملات رشد سریعی داشته‌اند و ظرف سه تا چهار سال از آغاز فعالیت‌شان توانسته‌اند در زمره‌ی بورس‌های کالای برجسته‌ی جهان جای بگیرند.

1- the National Commodity and Derivatives Exchange (NCDEX).

2- National Multi-Commodity Exchange (NMCE).

۳- بـــورس چهارمـــی نیز (هیئت ملّی تجارت که در ایـــن دوره در ایالت مادیاپرادش قـــرار دارد و بزرگ‌ترین بورس منطقه‌ای موجود است) به شرکت سهامی تبدیل نگردیده و بنابراین نتوانست این جایگاه را کسب کند.

بازارهای نقد شـــونده برای طیف گسترده‌ای از کالاها ایجاد شده است و این موسسات در زمینه‌ی ایجاد معاملات دارای تکنولوژی پیشـــرفته، کم‌هزینه و مبتنی‌بر وب که دسترســـی آسان به جوامع دور افتاده‌ی سرتاسر هند را فراهم می‌کند پیشینه خوبی بر جای گذاشته‌اند.

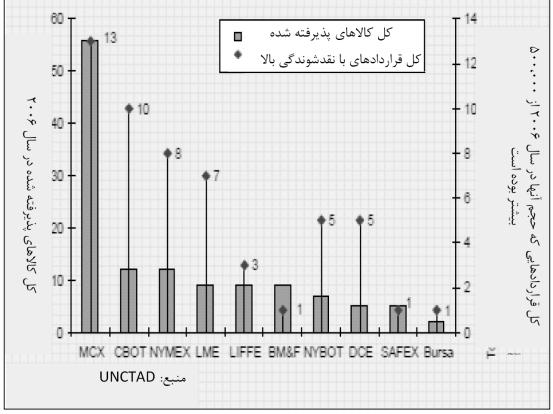
همچنین باید به خاطر داشـــت که ماهیت فرایند اصلاحـــات دو ویژگی مرتبط را در بازارهای معاملات آتی کالای هند ایجاد کرده اســـت که آن‌ها را از سایر ساختارهای بازار در جهان متمایز می‌ســـازد. نخســـت اینکه دولت هند آشـــکارا همه‌ی بورس‌ها را تشویق می‌کند تا طیف گســـترده‌ای از قراردادها را، از محصولات کشـــاورزی گرفته تا بخش‌های فلزات و انرژی، به بـــازار ارائه کنند که ازجمله‌ی آن می‌توان به بازارهای آتی محصولات بومی که در هیچ کشور دیگری تولید نمی‌شوند، مثل هل و روغن نعنا اشاره کرد. همچنین کالاهای پر طرفدار در بازارهای جهانی، ازجمله ســـویا، گندم، طلا و نفت خام نیز در این بورس‌ها معامله می‌شوند. بورس‌های هند سکویی محلی را برای معامله‌ی این کالاها ایجاد می‌کنند و به فعالان بازار امکان می‌دهند تا از ریســـک‌های ارز پرهیز کرده و ریسک مبنا را به حداقل ممکن برسانند. درنتیجه، سه بورس کالای ملّی به ارائه معاملات کالاهای متعدد و بخش‌های مختلف کالاها می‌پردازند؛ تنـــوع قراردادهای آتی برای کالاهای مختلف که ویژگی اصلی این بورس‌ها است از هر بورس دیگری در دیگر نقاط جهان بیشتر است.

باید به خاطر داشـــت که گستره بازار معمولاً نمی‌تواند عمق آن را جبران کند. درحالی‌که بسیاری از قراردادهای ارائه شده در این بورس‌ها نقد شونده هستند، معاملات بورس کالای هند و بورس ملّی کالای احمدآباد در مقایسه با سایر بورس‌های کالای جهان از درجه نقدشوندگی بالاتری برخوردار است (که در اینجا به قراردادهایی که بیش از نیم میلیون در سال معامله می‌شوند اطلاق می‌شود) و بورس ملی کالای احمد آباد با فاصله نه چندان زیادی از آن‌ها حرکت می‌کند. این وضعیت با سیســـتم‌های فناوری که گنجاندن قراردادهای جدید در سیستم‌های معامله و پایاپای بورس با هزینه‌های ناچیز را میسر می‌سازد تا میزان زیادی تسهیل شده است. در عین حال، وفور نیروی کار تحصیل کرده و هزینه‌ی پایین آن در مقایسه با کشورهای توسعه یافته به بورس‌ها اجازه داده است تا برای حمایت از افزایش تعداد قراردادهای خود پرسنل توانمندی را در زمینه‌ی مدیریت محصولات، تجارت و پژوهش استخدام نمایند. با وجود این، این سبد بزرگ محصولات، چالش‌های چشمگیری را برای اطمینان از همراستایی موثر ابعاد نظارتی و فیزیکی معاملات آتی ایجاد می‌کند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نموده: محل‌های بهینه‌ی تحویل؛ مشـــخصات کیفی مناسب؛ صدور سریع و دقیق گواهی در نقاط تحویل کالا؛ توانایی، کیفیت و اعتمادپذیری تأسیسات انبار و نظارت کنترلی مناسب.

دومین ویژگی منحصر به فرد ساختار بازار هند این است که رقابت در میان این سه بورس به

خوبی تقویت شده است. حتی قراردادهایی که از بیشترین حجم معاملاتی و از این‌رو نقدشوندگی در یک بورس خاص دارا هستند نیز همواره از طرف رقبا مورد چالش قرار می‌گیرند. رقابت بسیار شدید و در برخی موارد تنگاتنگ است. این ساختار رویکرد بسیار پویایی را ایجاد کرده است که در آن، فرایند توسعه‌ی قرارداد تسریع می‌شود و مزیت‌های خدمات بورس به‌سرعت در اختیار فعالان متعدد زنجیره‌ی عرضه‌ی کالای هند قرار می‌گیرد (که شاید یکی از انگیزه‌های اصلی رشد سریعی است که بورس‌ها تجربه کرده‌اند). در مواردی که بتوان بیش از یک قرارداد را برای هر کالا ایجاد کرد، رویکرد تجربه و خطا تشویق می‌شود و بازار می‌تواند درباره‌ی اینکه کدام مشخصات فنی را ترجیح می‌دهد تصمیمی دموکراتیک بگیرد. علاوه‌بر این، فرصت‌های آربیتراژ میان قراردادهای بورس‌های مختلف فراوان است و درصورتی‌که موانع مرتبط با نقد شونده‌ترین قرارداد یک کالای خاص افزایش یابد، می‌توان از شیوه‌ی معامله‌ی جایگزینی استفاده کرد. با وجود این، رقابت شدید بورس‌ها ممکن است گاهی سبب شود که توسعه‌ی بورس در مقایسه با توسعه‌ی کل بازار در اولویت بالاتری قرار بگیرد، درحالی‌که بسیاری از دست‌اندرکاران بازار با مزیت‌های معاملات آتی ناآشنا هستند و همچنین ممکن است در تلاش برای افزایش حجم معاملات نسبت به رقبا افراط شود. مثلاً بورس‌ها برای اینکه بتوانند خود را به عنوان اولین مبدع یک قرارداد معرفی نموده و از امتیازات آن استفاده کنند، گاهی قراردادهای جدید را بدون مشورت‌های گسترده و آموزش‌هایی که برای افزایش نقد شوندگی ضروری است روانه‌ی بازار می‌کنند. با وجود این، برخلاف سایر بازارها (ازجمله بازار اوراق بهادار هند)، صنعت معاملات آتی کالای هند تا کنون در بیش از سه سال فعالیت خود رسوایی جدی‌ای را تجربه نکرده است.

نمودار ۲۷: گستره و عمق پرتفوی بورس‌های مورد مطالعه و معیار ملاک بین‌المللی مربوطه



منبع: UNCTAD

دولت هند در زمینه‌ی بازارهای معاملات آتی کالا بلند پرواز بوده و هنوز هم هست (به کادر ۱۶ نگاه کنید). با وجود اینکه بورس‌ها تنها چند سالی است که فعالیت خود را آغاز کرده‌اند و به رغم مشارکت بسیار محدود کشاورزان در بازارهای سایر کشورهای درحال توسعه، بارها از مشارکت کم کشاورزان در بازارهای معاملات آتی انتقاد گردیده است. در هر حال باید توجه نمود که محدودیت‌های نظارتی موجود، مانع از افزایش مشارکت کشاورزان می‌شود. استفاده از ابزارهایی از قبیل قراردادهای اختیار معامله، معامله‌ی شاخص و معامله کالاهای غیرملموس[1] (از قبیل قراردادهای مشتقه وضعیت جوی، حمل و نقل و زیست محیطی) ممنوع است. قراردادهای اختیار معامله به‌عنوان ابزاری برای پوشش ریسک کشاورزان کاربرد زیادی دارد. موسسات مالی ازجمله بانک‌ها، مجاز به مشارکت در بازارها نیستند و سرمایه‌گذاران خارجی نیز با چنین ممنوعیتی روبرو هستند.

اگرچه در زمینه‌ی زیرساخت‌های صدور و معامله قبض انبارهای الکترونیکی سرمایه‌گذاری‌های چشمگیری انجام شده است، هنوز هم به دلیل تأخیر در تصویب قوانین مورد نیاز، این رسیدها قابل معامله نیستند. وجود چنین مشکلاتی سرمایه‌گذاری در توسعه‌ی زیرساخت‌های انبارداری، هدایت جریان اعتبارات به سمت بخش کشاورزی و توسعه قراردادهای که را که به‌طور همزمان تأمین مالی، پوشش ریسک و مبادلات نقدی کالا تسهیل می‌نماید محدود ساخته است.

کادر ۱۶: برنامه‌های بلند پروازانه‌ی دولت هند برای بورس‌های کالای ملّی، به‌عنوان راهکاری برای کشاورزان خرده‌پای هند

کار گروه دولت هند در زمینه‌ی مدیریت ریسک کشاورزی برای برنامه‌ی پنج ساله یازدهم:

"اگر چه سیستم آرتیا (سیستم واسطه‌ی هند) سالیان دراز رواج داشته، هزینه‌ی این سیستم برای کشاورزان زیاد بوده است چون کشاورز بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از ارزش محصول خود را به واسطه و یا نماینده مربوطه در این سیستم پرداخت می‌کند. با وجود این، ارائه برخی خدمات از قبیل اعتبار، بیمه، قیمت‌های ثابت، حمل و نقل، انبارش و خرید مجدد این سیستم را در روستاها جاری نگه داشته است. مسئله این است که آیا می‌توانیم همین تسهیلات را با کارایی بیشتری ارائه دهیم و بدین ترتیب، هزینه‌های معامله را به اندازه‌ای کاهش دهیم که

1- Intangibles

کشاورز، در چارچوب ترتیبات نهادی مشخص، بتواند همراه با کسب سود بیشتر قیمت بهتری را دریافت کند یا خیر؟ پاسخ به این پرسش در استفاده از سکوهای بورس کالا برای تحقق این مزیت‌ها نهفته است.

... با وجود این، به دلیل تسلط کشاورزان کوچک و حاشیه‌نشین، فقدان آگاهی و سایر محدودیت‌ها، تا کنون مشارکت کشاورزان هند در بازار معاملات آتی کالا بسیار اندک بوده است. ایجاد شرایطی برای دسترسی به کشاورزان روستایی چالشی برای برنامه‌ریزان سیاست‌های کشاورزی است" (دولت هند، ۱۱۳: ب ۲۰۰۷).

کار گروه دولت هند در زمینه زیرساخت‌های بازاریابی کشاورزی و سیاست‌های مورد نیاز برای معاملات داخلی و خارجی برای برنامه‌ی پنج ساله یازدهم:

"افزایش حجم معاملات بازارهای آتی در حال حاضر برای کشاورزان اهمیت چندانی ندارد. بدون شک کارکرد کشف قیمت در حال نشان دادن تأثیرات خود از طریق معاملات تحویل در آینده است. با وجود این، یکی از موضوعات مورد انتظار دیگر در این خصوص، یعنی کاهش ریسک قیمت برای کشاورزان از طریق معاملات قراردادهای آتی با واقعیت فاصله زیادی دارد.

یکپارچه‌سازی بازارهای معاملات آتی با بازارهای نقدی و ایجاد زیرساخت‌هایی از قبیل تسهیلات انبارش، درجه‌بندی، جابجایی کالاها، راهکارهای حمل و نقل کارآمد، و مواردی از این دست، همراه با راهکارهای نظارتی از قبیل ارتقای درجه‌بندی و استانداردسازی، سیستم قبض انبار، امکان مشارکت کشاورزان در معاملات پیمان‌های آتی در درب مزرعه، آشناسازی با قراردادهای آتی از طریق افزایش آگاهی، وضع قانون تحویل فیزیکی حداقل ۲۵ درصد ارزش قراردادی هر معامله و تنظیم و کنترل موثر می‌تواند دستیابی به هدف کاهش ریسک کشاورزان را تضمین کند.

گسترش معاملات آتی [بهتر است] به‌صورت بازارهای نقدی ملّی باشد تا از طریق آن، بدون هیچ گونه مانعی بازارهای ملی ایجاد گردند. بورس‌های کالا از قرار معلوم برای ایجاد این بورس‌های نقدی ایجاد شده‌اند. به‌منظور اطمینان از اینکه کشاورزان در مرکز این ابتکار قرار دارند، تدابیر زیر درباره انتخاب بازارهای بورس نقدی اتخاذ شده است. این اقدامات [که در این گزارش به آن اشاره‌ای نمی‌گردد] برای پیشگیری از تبدیل بازارهای نقدی

به قطب معاملات سوداگرانه ضروری هستند (کار گروه دولت هند در زمینه زیرساخت‌های بازاریابی محصولات کشاورزی و سیاست‌های مورد نیاز برای معاملات داخلی و خارجی، ۱۳٦: ۲۰۰۷).

علاوه‌بر این، یکی از مهمترین محدودیت‌های بورس‌ها، بازار فیزیکی چند پاره است. آقای سی کی جی نایر، مدیر سابق دپارتمان امور مصرف‌کنندگان دولت هند (وزارتخانه‌ای که مسئولیت نظارت بر بازار معاملات آتی کالا را برعهده دارد) می‌گوید: مانع اصلی بر سر راه توسعه‌ی بازارهای معاملات آتی کالا در هند، چند پارگی بازارهای فیزیکی/ نقدی است" (نیر، ۳: ۲۰۰٤). به رغم اقداماتی که دولت برای آزادسازی این بخش انجام داده است و به رغم بیانیه‌های متعدد دولت که در این زمینه، هنوز موانعی وجود دارد که مانع از توسعه و یکپارچگی بازار فیزیکی می‌شوند. ازجمله می‌توان به "موانع حرکت آزاد کالاها به شکل محدودیت‌های فیزیکی (با توجه به قانون کالاهای اساسی، قانون کمیته‌های بازاریابی محصولات کشاورزی[1] و محدودیت‌های صدور مجوز) و موانع مالی (تفاوت‌های مالیاتی، عوارض و ...) اشاره کرد ... بهبود شرایط بازار نقدی وظیفه‌ای بسیار دشوار است، چون فهرست بلند بالایی از مشکلاتی را دربر می‌گیرد که در حیطه‌ی وظایف وزارت‌خانه‌ها، دوایر و سازمان‌های مختلف و دولت‌های ایالتی هستند" (نیر، ۳: ۲۰۰٤).

راه اندازی بورس‌های الکترونیکی نقدی ملّی پیشنهادی، توسط بورس‌های ملّی معاملات آتی کالا نمونه‌ی مناسبی است. در سخنرانی بودجه وزیر دارایی هند برای سال مالی ۲۰۰۳ -۲۰۰۲ که به‌عنوان سرآغاز راه‌اندازی سه بورس ملّی کالا محسوب می‌شود، وزیر دارایی اعلام کرد: "اکنون می‌توانیم به بازار یکپارچه‌ی مناطق روستایی برای محصولات کشاورزی بی‌اندیشیم". پنج سال بعد، محدودیت‌های نظارتی هنوز مانع از راه‌اندازی بورس‌های نقدی توسط بورس کالای هند و بورس ملی کالای احمد آباد بود. با وجود این، این به معنای بی‌توجهی دولت به این ابتکار نیست. یکی از پیشنهادات اصلی که در گزارش کار گروه زیرساخت‌های بازاریابی کشاورزی برای برنامه پنج ساله یازدهم دولت هند ارائه شده است (دولت هند ، ۱۰: ج ۲۰۰۷) این بود که: "برای رسیدن به مزیت‌های بازارهای معاملات آتی کالا به کشاورزان، باید بازارهای نقدی الکترونیک ملّی ترویج شوند". بنابراین بورس‌های ملّی نقدی الکترونیک گامی مهم در توسعه‌ی کشاورزی هند هستند.

با وجود رشد سریع حجم معاملات و گسترش بازار، تأثیر معاملات قراردادهای

1- Agricultural Products Marketing Committee(APMC).

آتی کالا در هند هنوز بحث برانگیز اســت. از یک ســو، دسترســی به بازار کالا، انتشار اطلاعات، کاهش واســطه‌ها در زنجیره‌ی عرضه، زیرساخت‌های بخش، مدیریت ریسک قیمت و امکان‌های تأمین مالی بدون شــک بهبود یافته اســت. از سوی دیگر، دولت هند استدلال‌هایی را بررســی می‌کند که براساس آن، بورس‌ها عاملی در افزایش تورم قیمت کالاهای اساســی از قبیل گندم، برنج و چندین حبوبات بوده است. معامله‌ی قراردادهای آتی این کالاها در اوایل ســال ۲۰۰۷ به تعلیق درآمد. این اقدام بحث شدیدی را درکشور درباره اینکه آیا بورس‌ها واقعا دلیل افزایش قیمت کالاها هســتند؟ یا اینکه افزایش اخیر قیمت‌ها نمایانگر روندهای دیگری از قبیل تغییر بنیان‌های عرضه/تقاضا یا تغییر ساختاری در قیمت‌گذاری کالاها بعد از آغاز به‌کار بورس‌های جدید بوده‌اند؟ ایجاد کرده است.

هل

بورس ملی کالای احمد آباد نخستین بار معاملات آتی هل را در فوریه‌ی سال ۲۰۰٤ آغاز کرد. مشخصات دارایی پایه این قرارداد، هل آلپی سبز[1] (AGB) با غلاف ٦ میلیمتری و وزن ٤۱۵ گرم است (به کادر ۱۷ نگاه کنید). انبار تحویلی که این بورس برای هل تعیین کرده بود بر مبنای تحویل در کوچی در کرالا است. به گفته‌ی فعالان بازار فیزیکی هل در مناطق عمده کشت این محصول، تأسیسات انبارش موجود در کوچی در مکان مناسبی واقع نشده‌اند. این انبار حدودا ۱۵۰ کیلومتر با مناطق کشت فاصله دارد و هزینه‌های حمل نسبتا سنگین هستند. علاوه‌بر این، برخی از دست‌اندرکاران بازار ادعا می‌کنند که محصولی که از بورس ملّی کالای احمد آباد دریافت کرده‌اند از لحاظ کیفی نیز مشکلاتی داشته است. یکی از دلایل این مشکل ممکن است رطوبت هوای کوچی باشد که برای انبارسازی بلندمدت مناسب نیست.

بــورس کالای هند قرارداد قراردادهای آتی هل خود را در فوریه ســال ۲۰۰٦ روانه‌ی بازار کرد. مشخصات دارایی پایه این قرارداد، هل سبز دانه‌بلند[2] (AGEB) با طول غلاف ۷ میلیمتر و بیشتر (هل درجه یک) است. قرارداد آتی بورس کالای هند یک قرارداد با تحویل اجباری است و وزن هر بسته‌ی قابل تحویل ۱۰۰ کیلوگرم است.

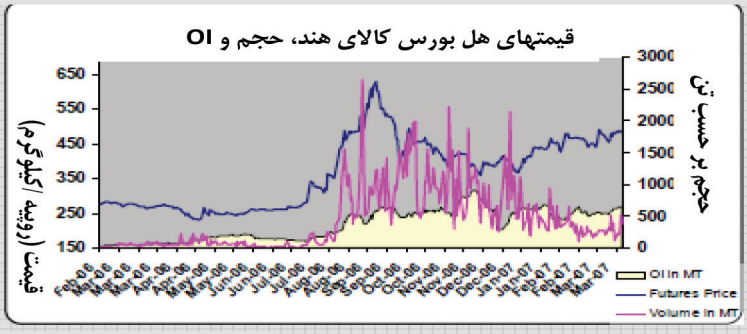
کادر ۱۷: درجه‌های صادراتی استاندارد هل

درجه‌های مختلف هل براساس بزرگی غلاف و وزن

1- Alleppey Green Bold
2- Alleppey Green Extra Bold

هل سبز دانه بلند آلپی (AGEB): ابعاد ۷ میلیمتر و بیشتر، وزن ٤۳۵ گرم، درجه‌ی استاندارد بورس کالای هند
هل دانه سبز آلپی (AGB): ابعاد ٦ میلیمتر و بیشتر، وزن ٤۱۵ گرم، درجه‌ی استاندارد بورس ملّی کالای احمد آباد (این درجه با کسر قیمت مورد قبول است)
هل آلپی سبز برتر (AGS): ابعاد ۵ میلیمتر و بیشتر، ۳۸۵ گرم
هل آلپی سبز همراه با حمل ۱(AGS-۱): ابعاد ٤ میلیمتر و بیشتر، ۳۵۰ گرم
منبع: بورس کالای هند

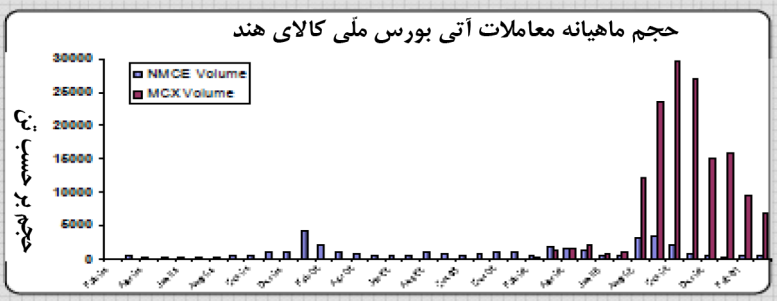
نمودار ۲۸: عملکرد قرارداد هل بورس کالای هند، ۲۰۰۷-۲۰۰٦



منبع: بورس کالای هند

قرارداد هل از زمان ارائه در بورس، یکی از کالاهای کشـــاورزی پرطرفدار در سکوی معاملات بورس کالای هند بوده اســـت. میانگیـــن گردش روزانه‌ی این محصول در فصل برداشـــت (آگوست تا ژانویه) به ۸۸٤ تن رســـیده است و بیشترین گردش ۲٦٤۲ تن بود که در سپتامبر ســـال ۲۰۰٦ به دست آمد. کل حجم تحویل این محصول تا کنون ۱۲۰ تن بوده است. عملکرد این قرارداد را می‌توان با توجه به سطوح بالای موقعیت‌های معاملاتی آن مورد بررســـی قرار داد (به نمودار ۲۸ نگاه کنید). علاوه‌بر این، هل بورس کالای هند، به‌عنوان نقد شونده‌ترین ابزار مدیریت ریسک هل در بازار، به‌سرعت از قرارداد هل بورس ملّی کالای احمد آباد پیشی گرفته است (نمودار ۲۹). در سال مالی ۲۰۰۷ -۲۰۰٦، بورس کالای هند ۹۱ درصد از سهم معاملات قراردادهای آتی هل را در دست داشت.

نمودار ۲۹: حجم معاملات آتی هل بورس ملی کالای هند و بورس کالای هند ۲۰۰۷-۲۰۰٤



منبع: بورس کالای هند

این مسئله کارکرد ساختار بورس‌های کالا را نشان می‌دهد که رقابت میان این سه بورس را امکان‌پذیر ساخته است. مشخصات قرارداد بورس کالای هند از نظر انتخاب محل تحویل و مشخصات کیفی محصول، با قرارداد بورس ملّی کالای احمد آباد تفاوت داشت. در نهایت، بعد از اینکه قرارداد بورس کالای هند (که دو سال بعد از قرارداد بورس ملّی کالای احمد آباد روانه بازار شد) به نخستین قراردادی تبدیل شد که برای محصول هل نقد شوندگی بسیار بالایی داشت، بازار انتخاب دموکراتیکی را انجام داد.

براساس نظرسنجی از ۳۰ فعال بازار در پنج منطقه‌ی کشت در مراکز عمده‌ی تولید و سایر فعالان در قطب معامله‌ی منطقه‌ای (ازجمله کشاورزان، معامله‌گران، فراوران، دلالان و صادرکنندگان) نتایج زیر به دست آمد:

- در طول نخستین سال قرارداد آتی هل بورس کالای هند، مشارکت کشاورزان و معامله‌گران به نحو مستمری افزایش یافت؛
- تقریباً ۵ تا ۱۰ درصد کشت‌کاران در بازار معاملات آتی هل مشارکت داشتند. مشارکت کشت‌کاران بزرگ‌تر در مقایسه با کشاورزان کوچک بیشتر است. کشت‌کاران بزرگ مستقیماً در بازار معامله می‌کنند. کشت‌کاران کوچک تشکیل گروه‌هایی برای معامله را آغاز کرده‌اند؛
- صادرکنندگان یکی از مهمترین عناصر زنجیره‌ی ارزش هل هستند و در بازار معالات آتی هل فعالانه مشارکت دارند؛
- از زمان معرفی قرارداد هل بورس کالای هند، روند کاهش مستمر قیمت‌ها تثبیت شده و اکنون قیمت‌ها روندی افزایشی یافته‌اند؛
- تعامل با کشت‌کاران نشان می‌دهد که آن‌ها نیازمند صرف پول مستمر برای آبیاری،

کود و آفت‌کش برای بهبود محصول هل هستند. این تنها درصورتی میسر است که در ازای محصول خود بهای بیشـــتری دریافت کنند. باتوجه به اینکه در حال حاضر قیمت‌ها رو به افزایش است، آن‌ها احساس می‌کنند که اگر این قیمت‌های افزایش یافته در آینده نیز حفظ شود، می‌توانند به‌منظور تحقق بهبود محصول سرمایه‌گذاری کنند.

در حرکتی که اخیراً انجام شـــد، بورس کالای هند تصمیم گرفت که از ســـپتامبر سال ۲۰۰۷، قـــرارداد تحویل دانه‌ای هل ٦ تا ۷ میلیمتری را بپذیرد. تحویل این درجه هل با ۱۵ درصد تخفیف نســـبت به هل درجه یک که ابعاد غلاف آن هفت میلیمتر و بیشـــتر است پذیرفته می‌شـــود. درحالی‌که هل دارای ابعاد غلاف ۷ میلیمتـــر و بالاتر حدود ۳۰ درصد تولیدی هل قابل تحویل هند را تشکیل می‌دهد، هل ٦ تا ۷ میلیمتری ٤۰ تا ٤۵ درصد دیگر به تولید این محصول در هند می‌افزاید.

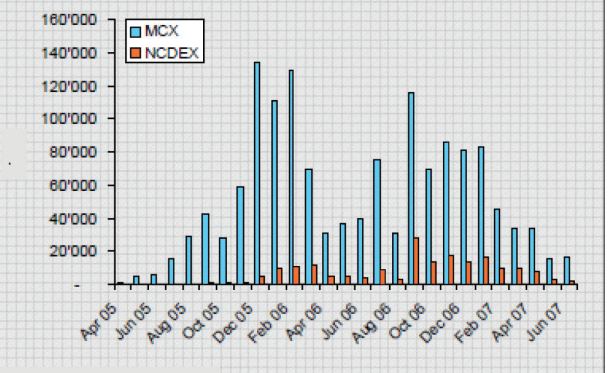
روغن نعنا

بورس کالای هند در آوریل ســـال ۲۰۰۵ قرارداد معاملات آتـــی روغن نعنا را به بازار روانه کرد. بورس ملّی کالا و مشتقات (NCDEX) نیز در آگوست همان سال اقدام مشابهی را انجام داد. این دو قرارداد دارای مشـــخصاتی هستند که از نظر فنی تفاوت دارند. بورس کالای هنـــد می‌گوید: روش packed column که برای تســـت میزان روغن موجود در نعنا به‌کار می‌برد در میان کشاورزان و معامله‌گران داخلی مقبولیت گسترده‌ای دارد و قبل از آغاز معاملات قراردادهای آتی روال اســـتاندارد بازار بوده است. شیوهایی که بورس ملّی کالا و مشتقه برای سنجش میزان روغن به‌کار می‌برد برای معاملات صادراتی مناسب است. دلیل اینکه بورس کالای هند روش packed column را انتخاب کرد این بود که این شیوه در بازار داخلی به شدت رایج بود و فعالان محلی با آن راحت بودند. حجم معاملات بورس کالای هند به میزان چشـــمگیری بیش از حجم معاملات بورس ملّی کالا و مشتقه است و بورس کالای هند معتقد اســـت که شـــیوه capillary column که بورس ملّی کالا و مشتقات برای تست میزان روغن موجود در نعنا به‌کار می‌گیرد با عرف بازار همخوانی ندارد. همچنین باید به این نکته نیز توجه کرد که سومین بورس ملّی کالای هند، یعنی بورس ملّی کالای احمد آباد، کریستال نعنا معامله می‌کند که محصولات نهایی مشتق از فراوری روغن نعنا است.

حتی بعد از معرفی بازارهای معاملات آتی، معاملات غیر رســـمی همچنان مسلط است (تامیز، الف ۲۰۰۷). شرکت در این بازارها معامله‌گران را همچون معاملات قراردادهای آتی‌ی که در بورس معامله می‌شوند ملزم به وجه تضمین‌گذاری نمی‌کند. اگرچه فعالان بازار با استفاده

از این بازارها ریسک طرف معامله بزرگی را تحمل می‌کنند، عدم الزام به وجه تضمین‌گذاری آن‌ها را جذاب می‌کند. بنابراین، معاملات غیررسمی هنوز هم حجم چشمگیری از معاملات را به خود جذب می‌کنند. از زمان آغاز معاملات آتی در بورس کالای هند، معامله‌گرانی که این بازارهای غیررسمی را اداره می‌کنند از قیمت‌های بورس کالای هند تقلید و در برخی موارد، این قیمت‌ها را به قیمت معیار خود تبدیل کرده‌اند. آن‌ها همچنین از طریق دو قرارداد متفاوت که به "خولی" و "باند" معروف هستند قراردادهای اختیار معامله فروشنده و خریدار را نیز ارائه داده‌اند. بـــورس کالای هند برای آموزش مردم درباره‌ی مزیت‌های معامله از طریق بازارهای سازمان یافته به جای بازارهای غیررسمی یا غیرقانونی، برنامه‌های آموزشی برگزار کرده است.

نمودار ۳۰: حجم معاملات روغن نعنا در بورس کالای هند و بورس ملی کالا و مشتقات هند، دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۵



منبع: بورس کالای هند

براساس نظر سنجی از ٤٥ کشاورز بر مبنای دو منطقه از مناطق چهارگانه‌ی کشت نعنا و منتخبی از سایر فعالان بازار که با آن‌ها مصاحبه شده است، نتایج زیر به دست آمد:

• از زمان آغاز معاملات آتی، قیمت‌ها از حدود ۳۳۰ روپیه به ازای هر کیلوگرم به ٥٤٠ روپیه به ازای هر کیلوگرم افزایش یافته است؛

• با کاهش تعداد واسطه‌ها، کشاورزان به تدریج سهم بیشتری از ارزش محصول را به خود اختصاص می‌دهند؛

• از زمان تشـــکیل بورس کالای هند، فعالان بازار بر این باورند نوسانات بازار بیشتر شـــده است. ولی ۸۰ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که به دلیل فعالیت بورس کالای هند قیمت‌های بالاتری را دریافت می‌کنند؛

• بیشـــترین تأثیر در سطح ملّی بوده اســـت، هند به بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی یکی از نهاده‌های مهم چندین صنعت بزرگ تبدیل شـــده است. این مسئله علاقه دولت و مردم به

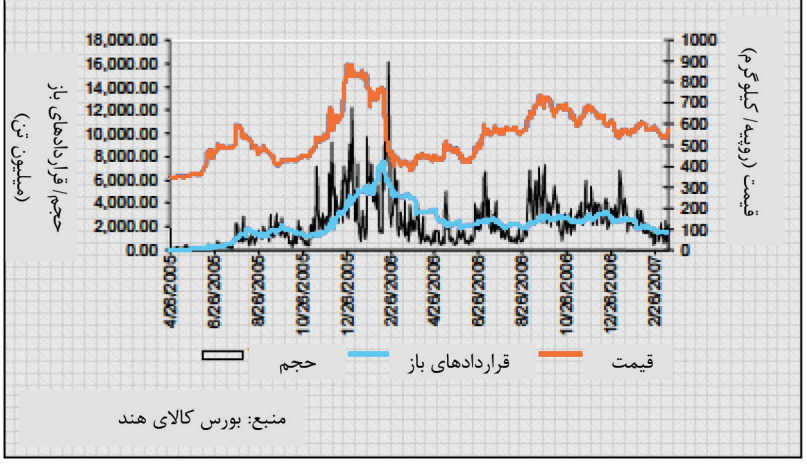
محصولات نعنا را افزایش داده است؛

• یکی از کشـــاورزان نعنا که در این نظر ســـنجی با وی مصاحبه شد می‌گوید: "در دو سال گذشته سطح زیرکشت نعنا را افزایش داده‌ایم، چون قیمت‌های بهتری بابت روغن نعنا دریافت می‌کنیم. از طریق پایانه‌ی بورس کالای هند، به راحتی می‌توانیم اطلاعات بازار را به زبان محلی خود از اینترنت دریافت کنیم و بر این مبنا درباره‌ی خرید یا فروش تصمیم بگیریم. این محصول برای ما به یک معدن طلای نقد شونده تبدیل شده است"؛

• حداکثر ســـود نصیب افرادی کـــه در دو انتهای زنجیره‌ی عرضه قـــرار دارند، یعنی کشاورزان و صادرکنندگان می‌شـــود. یکی از صادرکنندگانی که در این نظر سنجی با وی مصاحبه شـــد می‌گوید: "بورس کالای هند انحصار حق‌العمل‌کاران[1] در بازار را شکســـته است. بورس کالای هند با تأمین قیمت‌های بهتر برای کشاورزان و همچنین به دلیل تشویق آن‌ها به تولید بیشـــتر، موفقیت بزرگی را در زمینه‌ی تولید روغن نعنا رقم زده است. اکنون هند بزرگ‌ترین صادرکننده‌ی کریستال نعنا در جهان است. این تنها کالایی است که در آن، کشاورزان و صادرکنندگان هر دو از طریق بورس کالای هند سود می‌برند"؛

• اکثر دســـت‌اندرکاران نظام اقتصادی بر این باورند که بازار قراردادهای آتی روغن نعنا، بازار بسیار سوداگرانه‌ای است. بسیاری از معامله‌گران و حق‌العمل‌کاران در این بازار پول خود را از دســـت داده‌اند (و ممکن است این زیان‌ها علاوه‌بر بازارهای غیررسمی یا غیرقانونی که تحت کنترل نیستند، در بازارهای کنترل شده‌ی معاملات قراردادهای نیز ایجاد شده باشد).

نمودار ۳۱: روغن نعنای بورس کالای هند: سنجه عملکرد، (۲۰۰۷-۲۰۰۵)



منبع: بورس کالای هند

1- Commission Agents

دستاوردهای اصلی بورس کالای هند در شرایط محلی

• تسریع توسعه‌ی اکوسیستم گسترده‌تر کالا

عوامل موفقیت

• ایجاد بازارهای نقد شونده برای کالاهای داخلی؛
• مدیریت سبد بزرگی از قراردادهای کالایی؛
• استفاده اثربخش فناوری‌هایی که به تغییر الگو می‌انجامند؛
• تأثیرگذاری شدید بر فرهنگ معاملاتی در هند؛
• تأکید بر آموزش.

چالش‌ها:

• افزایش مشارکت پوشش دهندگان ریسک (کشاورزان تجاری و کشاورزان کوچک)؛
• افزایش قدرت و انسجام مکانیزم تحویل؛
• مدیریت در چارچوب محدودیت‌های سفت و سخت سیاسی و نظارتی و با توجه به عدم قطعیت‌هایی که ناشی از سیستم‌های تنظیمی است.

فرصت‌های آینده:

• راه‌اندازی بورس نقدی الکترونیک ملّی برای یکپارچه‌سازی بازارهای ملّی نقدی کالا؛
• توسعه‌ی قراردادهای اختیار معامله، شاخص و سایر کالاهای غیرملموس (از قبیل وضعیت جوی، حمل و نقل) بعد از لغو ممنوعیت‌ها؛
• مشارکت سرمایه‌گذاران حقوقی و خارجی بعد از رفع ممنوعیت‌ها؛
• یکپارچه‌سازی کامل‌تر بازارهای کالا با تأمین مالی، با تبدیل قبض انبار به ابزارهای قابل معامله.

۳-۸ چارچوب نظارتی: کمیسیون بازار قراردادهای آتی[1]

کمیسیون بازار قراردادهای آتی نهاد ناظر بازار قراردادهای آتی هند است. این مرجع تحت نظارت وزارت امور مصرف‌کنندگان و توزیع عمومی فعالیت می‌کند و در سال ۱۹۵۳براساس قانون تنظیم پیمان های آتی مصوب سال ۱۹۵۲ تأسیس شد. کارکردهای کمیسیون بازار قراردادهای آتی عبارتند از:

1- Forward Markets Commission (FMC)

الف) ارائه مشـــاوره به دولت مرکزی در زمینه‌ی تأیید یا عدم تأیید انجمن‌های مرتبط با قراردادهای آتی یا ســـایر جنبه‌های مرتبط با اعمال قانون تنظیم پیمان های آتی مصوب سال ۱۹۵۲؛

ب) تداوم نظارت بر بازار قراردادهای آتی و ســـایر فعالیت‌هایی که به موجب قانون به وی تفویض شده است؛

ج) گرد آوری و در مواردی که کمیســـیون ضروری بداند، انتشار اطلاعات مربوط به معاملات کالاهایی که مشـــمول مفاد این قانون هستند، ازجمله اطلاعات مرتبط با عرضه، تقاضـــا، قیمت‌ها و ارائـــه‌ی گزارش‌های ادواری به دولت مرکزی دربـــاره‌ی کارکرد بازار معاملات قراردادهای آتی در ارتباط با چنین کالاهایی؛

د) ارائه پیشنهادات کلی با نگاهی به بهبود سازمان و کارکرد بازارهای معاملات آتی؛

ه) پذیرش مســـئولیت بازرسی حساب‌ها و سایر اسناد انجمن‌های شناخته شده یا ثبت شده یا هر یک از اعضای این انجمن‌ها هرگاه که ضروری باشد (وب سایت کمیسیون بازار قراردادهای آتی، ۱۰ آگوست سال ۲۰۰۷).

در سال‌های اخیر، کمیسیون بازار قراردادهای آتی در توسعه‌ی بازار و افزایش ظرفیت ازجمله جلب توجه سیاســـت‌گذاران و سایر دســـت‌اندرکاران بازار به بازارهای معاملات آتی کالا نقش مهمی ایفا کرده اســـت. یکی از جلوه‌های این مســـئله، همکاری کمیسیون بازار قراردادهای آتی با بورس‌های ملّی و منطقه‌ای در زمینه‌ی ایجاد آگاهی و ســـمینارهای ظرفیت‌سازی است. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۵، این کمیسیون ۲٤ سمینار برگزار کرد که در هر یک بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از کشـــاورزان، اعضای تعاونی‌ها، سازمان‌های غیردولتی، معامله‌گران، صنایع، بانک‌ها، واردکنندگان و صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران شرکت کردند.

بورس‌های کالا همچنین از اختیارات خود انتظامی چشمگیری برخوردارند (به ضمیمه ۲ نگاه کنید). مکانیزم‌های نظارتی در سطح بورس از معیارهای بین‌المللی ازجمله سیستم وجه تضمین، محدودیت تعداد معاملات برای ســـوداگران و محدودیت نوســـان روزانه‌ی قیمت پیروی می‌کنند. استفاده از فناوری مدرن معاملات الکترونیکی امکان نظارت و پایش بازارها را ارتقاء بخشـــیده است که از این جمله می‌توان به تجزیه و تحلیل فوری ریسک موقعیت‌های معاملاتی اعضا اشاره نمود.

با توجه به ساختار بازار که توسط آن، بورس‌های ملّی و منطقه‌ای متعدد، با فهرست کردن قراردادهای محصولات مشابه مستقیماً با یکدیگر رقابت می‌کنند، این الزام (که در هند بیش از سایر بازارهای مورد بررسی ضروری است) وجود دارد که بورس‌ها با نهاد ناظر بیرونی بازار کاملاً هماهنگ باشـــند. از این منظر، گزارش مواضع معاملاتی بزرگ در هر بورس و فرایند

تأیید راه‌اندازی قراردادهای جدید، مکانیزم‌های نظارتی مهمی در هند هستند.

توسعه‌ی بازار در هند از منع تقریباً همه اَشکال معاملات قراردادهای آتی در دهه ۱۹۷۰ به‌سوی تاسیس بورس‌های ملّی کالا در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳، حرکت نموده و به‌سرعت در حال رشد هستند. درحالی‌که این حرکت ناشی از عزم دولت برای استقرار راهکاری جهت معامله‌ی قراردادهای آتی است (سایت کمیسیون بازار قراردادهای آتی، ۱۰ آگوست ۲۰۰۷)، میراث دوره‌ی قبل در محدودیت‌های چشمگیری که هنوز برجای مانده است مشخص است. ازجمله می‌توان به محدودیت‌های زیر اشاره کرد:

- معامله‌ی قراردادهای اختیار معامله و کالاهای غیرملموس[1] ممنوع است؛
- فعالان بالقوه‌ی مهم بازار، یعنی بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، حق مشارکت در بازارها را ندارند؛
- درهای بازارهای فیزیکی بر روی مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی بسته است (مشارکت محدود هندی‌ها در بازارهای خارج از کشور مجاز است)؛
- بازارهای فیزیکی کالاهایی که قراردادهای آتی آن‌ها معامله می‌شوند هنوز گاهی با محدودیت حرکت روبرو هستند که نمایانگر چندپارگی تاریخی بازارهای عمده‌ی هند است.

چندین سال، نشانه‌هایی وجود داشت که بسیاری از این محدودیت‌ها (در بازارهای معاملات فیزیکی و آتی کالا) اصلاح یا آزاد خواهند شد. با وجود این، پیشرفت در این زمینه کند بوده است و قوانین مورد نیاز به دلایل مختلف متوقف شدند یا به تأخیر افتادند.

ساختار نظارتی بازارهای سرمایه‌ی هند چندپاره هستند. مسئولیت بازار معاملات قراردادهای آتی بین کمیسیون قراردادهای آتی که نظارت بر بازار قراردادهای آتی کالا را برعهده دارد و هیئت بورس و اوراق بهادار هند[2] که نظارت بر قراردادهای آتی مالی و بازارهای مالی اوراق بهادار را برعهده دارد تقسیم شده است (رزرو بانک هند [بانک مرکزی هند] که صنعت بانکداری را کنترل می‌کند، سازمان نظارتی و توسعه‌ی بیمه که صنعت بیمه را کنترل می‌کند و سازمان تنظیم و توسعه صندوق بازنشستگی جدید براساس شرایط قانون مصوب سال ۲۰۰۵ از دیگر نهادهای نظارتی بازار هستند).

اگر چه هیئت بورس و اوراق بهادار هند سازمانی مستقل است، کمیسیون معاملات آتی در حال حاضر تحت نظارت یکی از وزارتخانه‌های دولت مرکزی است. این مسئله فضایی را برای مشارکت سیاسی در اتخاذ تصمیم‌گیری‌های کنترلی فراهم کرده است.

۱- به عبارت دیگر، قراردادهای مرتبط با پدیده‌هایی که به‌صورت غیرفیزیکی تحویل می‌شوند ازجمله شاخص‌ها، مشتقه‌های شرایط جوی و حمل و نقل.

2- the Securities and Exchange Board of India.

در هند درباره‌ی اصلاح ساختار نظارتی در دو حوزه بحث‌هایی مطرح است:

نخستین حوزه، تقویت استقلال کمیسیون بازار قراردادهای آتی به‌منظور برکنار نگه داشتن آن از دخالت‌های سیاسی است و حوزه دوم، امکان گنجاندن ناظران بازار قراردادهای آتی مالی و کالا در یک سازمان واحد است. کمیته‌ای که توسط دولت منصوب شده (گروه مطالعاتی بین وزارتخانه‌ای همگرایی بازارهای اوراق بهادار و مشتقه‌های کالا[1] به ریاست آقای حبیب الله) گزارش مساعدی را در زمینه هر دوی این امکان‌ها و نیاز عمومی‌تر افزایش انسجام نظارتی در بازارهای کالای هند ارائه داد (به کادر ۱۸ نگاه کنید).

ولی یکی از نگرانی‌های عمده این است که نظارت بر بازار کالا ممکن است در رژیمی همگراتر اولویت خود را از دست بدهد. نگرانی‌های عمده در این زمینه به ترتیب زیر است:

- از دست رفتن بالقوه تخصص در زمینه تأثیر بازارهای معاملات آتی کالا در بازارهای فیزیکی، که حدودا ٦٠ میلیون هندی از محل آن امرار معاش می‌کنند؛
- این امکان که تنظیم کننده خدمات مالی ممکن است بخش کالا را فراموش کند و تخصیص منابع به حوزه‌های دیگر را در اولویت قرار دهد؛
- و این احتمال که توسعه رژیم همگرا ممکن است خود ناشی از دغدغه درباره سایر بخش‌ها باشد.

در نهایت، دولت هند به لحاظ تاریخی همواره به دخالت مستقیم در کارکرد بازارهای کالای کشور گرایش داشته است. غلبه بر این گرایش در یکی از گزارشات برجسته‌ی سال ۲۰۰٤ به‌عنوان یکی از چالش‌های عمده‌ی توسعه‌ی بورس‌های کالای هند مطرح شده است (سیگر، ۱۱: ۲۰۰٤). در همان گزارش، یکی از روسای سابق کمیسیون بازار قراردادهای آتی برای روشن کردن این موضوع می‌گوید:

"در دهه‌ی ۱۹۸۰ که رییس کمیسیون بازار قراردادهای آتی بودم، یک سال میزان بارندگی کم بود و در آگوست، قیمت‌های بازارهای آتی برای شکر گور[2] در ماه‌های پیش‌رو افزایش یافت. وزیر منابع عمرانی مرا به دهلی فراخواند تا به من اطلاع دهد که نگران این است که با توجه به نزدیکی زمان جشنواره‌های گانش چاتوری، ناوراتری، و دیوالی، افزایش قیمت شکر گور مشکلاتی را ایجاد کند. من به‌عنوان رییس کمیسیون، باید برای پایین آوردن قیمت شکر گور کاری می کردم" (سیگر، ۲۰۰٤:۱۱).

گزارش در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌کند که: "دولت هند باید برای ایجاد بخش کشاوری مبتنی بر بازاری که قابلیت رقابت در بازارهای بین‌المللی را داشته باشد تلاش

1- Inter-Ministerial Task Force on Convergence of Securities and Commodity Derivative Markets.
2- Gur (Jaggery)

کند. این بدان معناست که برخلاف گذشته، وقتی مصیبتی بر بخش کشاورزی نازل می‌شود، سیاست‌گذاران باید به خاطر داشته باشند که نوسان قیمت‌ها معمولاً ریشه در واقعیات دارد و ناشی از شرایط عرضه و تقاضاست. باید در برابر تمایل تاریخی به منع معاملات آتی کالا به‌عنوان راه‌حلی مقبول، مقاومت کرد" (سیگر ۲۰۰٤:۱۱).

کادر ۱۸: پیشنهادات گزارش حبیب الله درباره‌ی همگرایی بازار

٤-٤ نقش نهادهای نظارتی در توسعه‌ی بازار اهمیت زیادی دارد. نهاد ناظر باید از نظر تخصص، منابع، قدرت و انعطاف‌پذیری عملیاتی برای رویارویی با چالش‌ها توانمند باشد. ساختار کمیسیون بازار قراردادهای آتی که در سال ۱۹۵۳ به‌عنوان مرجعی مشورتی تشکیل گردید، برای چالش‌های بازارهای نوظهور کاملاً مناسب نیست. ساختار این کمیسیون باید کاملاً اصلاح شود تا این مرجع نیز همچون بسیاری از مراجع نظارتی دیگری که اخیراً ایجاد شده‌اند، از استقلال و منابع مورد نیاز برخوردار باشد. بعد از بررسی رویکردهای مختلف به همگرایی، چینش بخش‌های مختلف و بحث بر سر تعیین اولویت‌های فوق، گروه مطالعاتی به اتفاق آرا پیشنهادات زیر را ارائه می‌کند:

۱- در میان‌مدت، اداره امور مصرف‌کنندگان باید تصمیمات اداری‌ای را اتخاذ کند که به تقویت و افزایش قدرت کمیسیون بازار قراردادهای آتی منجر شود. بلافاصله، کمیسیون بازار قراردادهای آتی باید از طریق احکام اجرایی به سازمانی مستقل و خودمختار تبدیل شود. این استقلال باید در حوزه‌هایی همچون مسایل پرسنلی و مالی نیز باشد.

۲- برخی از سیاست‌های مرتبط با بازارهای نقدی که نیروهای عرضه و تقاضا را منحرف می‌کنند، مانع از توسعه‌ی بازارهای مشتقه‌های کالا می‌شود. این سیاست‌ها شامل حداقل قیمت حمایتی، برنامه‌ی خرید انحصاری، قانون کمیته‌های بازاریابی محصولات کشاورزی، قانون بازارسیاه، مالیات فروش تشخیصی، مالیات‌های حق تمبر و مجوز ورودی هستند که دولت‌های ایالتی مختلف تحمیل می‌کنند. این سیاست‌ها که به انحراف و چندپارگی بازار منجر می‌شوند، باید به‌سرعت اصلاح شوند.

۳- ابتدا محدودیت‌های مشارکت موسسات بانکی در بازارهای کالا، دست کم برای اهداف پوشش ریسک، باید با اصلاح بخش ٦ قانون تنظیم عملیات

بانکداری[1] اصلاح شود.

٤- اجرای نظام جامع انبارداری در سطح کشور برای هموار کردن امکان معامله قبوض انبار صادره از سوی انبارهای تحت کنترل باید تسریع شود. باید چارچوب حقوقی و نظارتی ایجاد شود که از طریق آن، معامله‌پذیری و ردگیری قبوض انبار میسر شود.

۵- چارچـــوب قانونی جدید باید محدوده بازار قراردادهای آتی را به گونه‌ای گسترش دهد که کالاهای غیرملموس مرتبط با بخش کالا از قبیل شاخص‌های کالا، قراردادهای مبنا و اسپرد[2]، وضعیت جوی، الکتریسیته و حمل و نقل را در بر بگیرد. محدودیت مشارکت صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و سرمایه‌گذاران نهادی خارجی باید با تغییر مقررات هیئت بورس و اوراق بهادار هند حذف شود.

٦- وزیر امور مصرف‌کنندگان باید به عضویت کمیته عالی بازارهای سرمایه[3] درآید.

۷- به موازات این، تغییرات قانونی باید صورت پذیرد که از طریق آن، نظارت بر بازارهای معاملات آتی کالا و بازارهای مالی در دستگاه واحدی تجمیع گردد. این مسئله ممکن است نیازمند اصلاح، تغییر یا لغو قانون (تنظیم) پیمان‌های آتی مصوب سال ۱۹۵۲ باشد. در این سازمان واحد، باید یکی از اعضای تمام وقت هیئت مدیره بر بازارهای معاملات آتی نظارت داشته باشد. بدین ترتیب از تمرکز کافی بر بازارهای کالا در سازمان یکپارچه اطمینان حاصل می‌شود.

۸- مسایل مرتبط با همگرایی با شرکت‌های کارگزاری و بورس‌ها که صرفه‌های به مقیاس در این حوزه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید به محض آغاز به‌کار این سازمان یکپارچه، به این سازمان محول شوند.

۹- این تغییرات، در مرحله‌ی اجرا دقت و تجزیه و تحلیل بالایی را طلب می‌کند و بنابراین، باید برای نظارت بر بازارهای معاملات آتی و بازارهای مالی تحت نظارت این سازمان واحد، به‌ویژه جنبه‌های اداری آن، یک کار گروه تشکیل شود.

منبع: حبیب الله (۳۰: ۲۰۰۳).

با وجود این، در اوایل ســـال ۲۰۰۷، به دنبـــال افزایش قیمت برخی کالاهای مهم و در شـــرایط افزایش فشـــارهای تورمی، دولت معامله‌ی چهار قرارداد آتی، یعنی قرارداد گندم، قـــرارداد برنج و دو قرارداد حبوبات را ممنوع کرد. قرار اســـت کمیته تحقیق و تفحص از

1- Banking Regulation Act.
2- Spreads
3- the High-level Committee on Capital Markets.

کارکرد بازارهای معاملات آتی کالا در این زمینه در اواخر سال ۲۰۰۷ گزارشی را منتشر کند.

با وجـــود دخالت‌های اخیر دولت و با پیشـــرفت هند در مرحلـــه‌ی برنامه‌ریزی برای آماده‌سازی یازدهمین برنامه پنج ســـاله (۲۰۱۲–۲۰۰۷)، سیاست‌گذاران ارشد براین باورند کـــه بازارهای معاملات آتی می‌توانند نقش مهمی ایفا کننـــد. بدین ترتیب، کار گروه دولت هند درباره‌ی مدیریت ریسک کشـــاورزی برای یازدهمین برنامه پنج ساله (۲۰۱۲–۲۰۰۷)، همان‌طور که قبلاً نیز ذکر گردید بورس‌های کالا را "راهی برای ارائه کارآمد خدمات اعتباری، بیمه، قیمت‌های ثابت، حمل و نقل، انبارش و خرید مجدد... در شـــرایطی نهادی و قانونمند می‌داند "(دولت هند، ۱۱۳: ۲۰۰۷). کار گروه دولت هند درباره‌ی زیرساخت‌ها و سیاست‌های بازاریابی کشاورزی مورد نیاز برای معاملات داخلی و خارجی برای برنامه‌ی پنج ساله یازدهم (۲۰۱۲–۲۰۰۷) بر این باور است که بورس‌های معاملات آتی کالا در زمینه‌ی کشف قیمت، تحویل و کاهش ریسک کشاورزان نقش مهمی ایفا می‌کند و بر توسعه بورس‌های نقدی ملّی الکترونیک به‌عنوان راهکاری برای گسترش بیشتر این مزیت‌ها تأکید می‌کند.

۸–۴ تأثیرات

۸–۴–۱ کشف قیمت

انتشار قیمت: در هند، در ابتدا برای انتشار قیمت بر نمایشگرهای الکترونیکی قیمت تأکید می‌شـــد که توسط بورس کالای هند و سایر بورس‌ها در بازارهای کشاورزان (ماندیس) و در نقاط پر بیننده‌ی اطراف کشور ارائه می‌شـــوند. در حال حاضر، ۲۹۰ ماندیس در ماهاراشترا، ۱۵۰ مرکز در آندراپرادش و ٦٤ مرکز در مادیا پرادش، به‌صورت الکترونیکی قیمت‌های بورس کالای هند را ارایه می‌دهند. ماندیس ایالت هاریانا نیز به زودی به این شبکه متصل می‌شود.



نمایش قیمت‌های بورس کالای هند
در اداره پست دهکده در چالکائون

سایر کانال‌هایی که بدین منظور به‌کار می‌روند عبارتند از: تلویزیون، روزنامه، رادیو، اینترنت، پایانه‌های معاملاتی و تلفن‌های همراه. در ظرف ۱۲ ماه منتهی به ماه می سال ۲۰۰۷، تقریباً ۳۰۰۰۰۰ پیامک قیمت کالاها به تلفن‌های همراه کاربران بازار ارسال شد.

قیمت‌های بورس کالای هند در حدود ۲۵ روزنامه‌ی منطقه‌ای و ملی نیز منتشر می‌شوند که هر یک تقریبا به دست یک چهارم کشاورزان هند می‌رسد. زبان در هند عامل مهمی محسوب می‌شود و زبان‌های متعددی در این کشور به‌کار می‌روند: هندو، اردو، انگلیسی و طیفی از زبان‌های منطقه‌ای. بنابراین، بورس کالای هند اطلاعات بازار را به زبان‌های مختلفی ارائه می‌دهد تا دسترسی کشاورزان به این اطلاعات افزایش یابد.

در نظرسنجی‌هایی که در بازار محصولات نعنا و هل انجام گرفت، اکثر تولیدکنندگان پذیرفتند که از زمان ارائه‌ی این قراردادها به بازار، اطلاعات آن‌ها درباره‌ی بازار افزایش یافته است، ولی یکی از پاسخ‌دهندگان نظرسنجی بازار هل بر این باور بود که باید در مناطق تولیدی تابلوهای نمایشگر الکترونیکی بیشتری نصب کرد.

علاوه‌بر این، بورس کالای هند در زمینه‌ی غلبه بر موانع زیرساختی و جغرافیایی توزیع اطلاعات بازار از طریق همکاری مشترک با پست هند (سرویس پست ملّی کشور) ابتکاراتی را به عمل آورده است (به کادر ۱۹ نگاه کنید). تاکنون، شصت دهکده اطلاعات قیمت‌های پایان روز را از این طریق دریافت می‌کنند.

کادر ۱۹: شراکت کاری در زمینه توزیع اطلاعات برای پل بستن بر مایل آخر - بورس کالای هند و خدمات پست هند

درژوئن سال ۲۰۰۶، بورس کالای هند پیمانی راهبردی با شرکت پست هند منعقد کرد. بورس کالای هند به دنبال ایجاد شراکت برای گسترش دامنه‌ی فعالیت‌های خود در ۶۳۰۰۰۰ روستای هند بود و پست هند نیز به دنبال یافتن شیوه‌های جدید برای حفظ شبکه گسترده ملی خود بود که بیش از ۱۵۵۰۰۰ شعبه داشت. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد این موضوع، اتحاد مناسبی میان دو تأمین کننده‌ی خدمات بسیار متفاوت است که یکدیگر را تکمیل می‌کنند و برای یک بورس کالا، ابتکاری بسیار موثر برای متصل کردن تولیدکنندگان دور دست یا حاشیه‌نشین به بازاراست. حاصل این مشارکت، گرامین سوودا کندرا: مرکز تسهیل دهکده (GSK) بود. این مراکز احتمالاً در دفاتر پست سرتاسر کشور مستقر هستند. این ابتکار، فناوری و زیرساخت‌های فیزیکی موجود را به گونه‌ای

منحصر به‌فرد با یکدیگر ترکیب می‌کند. یک رایانه شـــخصی (که به تجهیزات جانبی و ارتباط اینترنتی مجهزاست) در دفتر پست شهرکوچکی نصب می‌شود. این دفتر به‌عنوان قطب اطلاعات دهکده در مناطق مجاور عمل می‌کند که از طریق حرکت‌های روزانه‌ی پستی به این قطب متصل هستند. با تأمین اطلاعات توسط این قطب، روسای پست‌خانه در دهکده‌ها به‌طور روزانه جدیدترین اطلاعات قیمت را روی تخته ســـیاه‌هایی که به راحتی در دسترس کشاورزان قرار دارند می‌نویسند. برای بخش جالگائون، ۱۶ دفتر پست دهکده به این ترتیب به شبکه متصل هستند و به حدود ۲۰ هزار خانوار خدمات ارائه می‌دهند.

شـــبکه GSK در دو مرحله به ارائه اطلاعات می‌پردازد. ابتدا کشـــاورزان می‌توانند از طریق ارائه‌ی قیمت‌های نقدی و آتی از این مرکز استفاده کنند و این مسئله آن‌ها را تشویق می‌کند تا تصمیمات برداشت و فروش محصولات را بـــه جای قیمت‌های نقدی، بر قیمت‌های بازارهای آتی مبتنی کنند. این مرکز همچنین با ارتباط اینترنتی، کشاورزان را برای دریافت مشاوره و پاسخ پرسش‌هایشـــان به مراکز فنی مرتبط می‌کند. دوم اینکه در آینده، این مرکز به‌عنوان فروشگاهی برای ارائه کلیه‌ی خدمات به کشاورزان به‌کار می‌رود. علاوه بر قیمت‌های برخط معاملات نقدی و آتی، این مراکز ممکن اســـت به ارائه‌ی نهاده‌ها، مشورت درباره‌ی شرایط هوا، بیمه محصولات، پیش‌بینی عرضه و تقاضا، انبارداری و اطلاعات استانداردهای کیفی نیز بپردازند.

کاهش نابرابری‌های اطلاعاتی

شـــواهدی که از نظرسنجی‌های روغن نعنا و هل به دســـت آمده است نشان می‌دهد که عمیق‌ترین تأثیر معرفـــی قراردادهای آتی کالا، تغییر زنجیره‌های عرضه با خارج کردن واسطه‌ها از بازار بوده است (به کادر ۲۰ نگاه کنید). پاسخ دهندگان به نظر سنجی هل به این نکته اشاره کردند که کشت‌کاران قیمت‌های بهتری را از معامله‌گران واسطه و مراکز حراج دریافت می‌کنند و این، حاصل دسترسی به قیمت مرجع است. صادرکنندگان، معامله‌گران و عمده‌فروشـــان از امکان دریافت مستقیم هل فرآوری شده از بستر بورس برخوردارند و نیازی به عبور از مجرای مراکز حراج و یا معامله‌گران ســـنتی ندارند[1]. همچنین مشـــخص

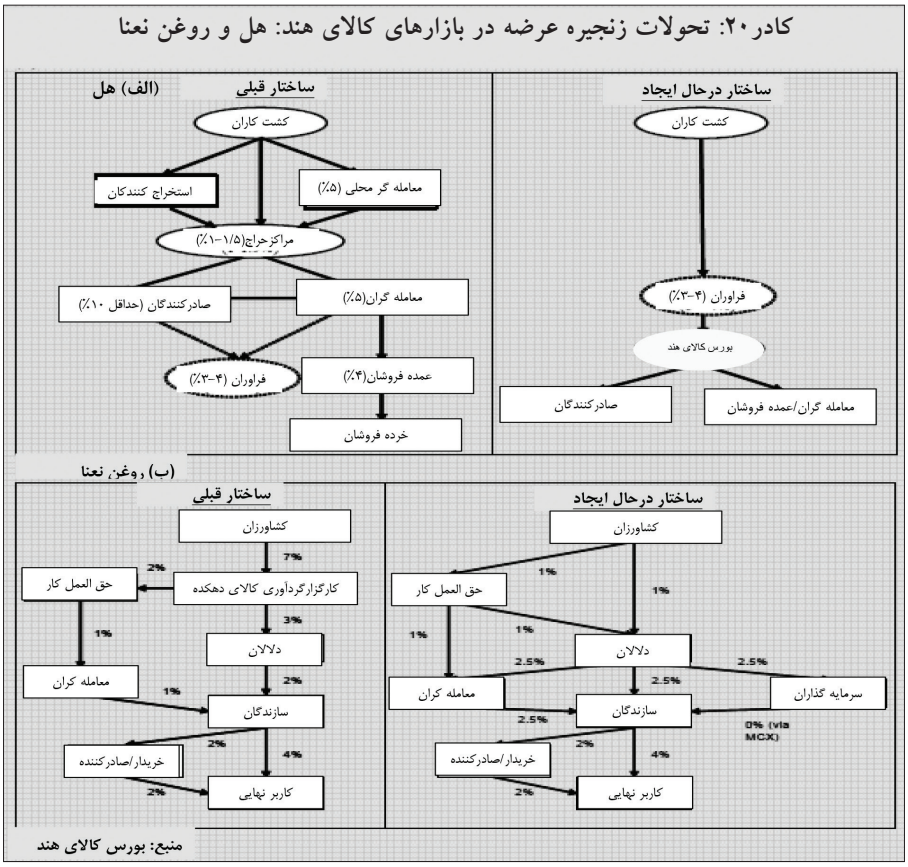
۱- این تغییر زنجیره‌ی عرضه یکی از پیامدهای تحویل فیزیکی کالا در بورس کالای هند است نه اطلاعات بازار. این مسئله به دلایل ساختاری در اینجا ارائه شده و در بخش‌های بعد به آن می‌پردازیم.

گردید که دسترسی به قیمت‌های مرجع معاملات آتی ابزار قدرتمندی علیه سلطه‌ی تعداد معدودی از بازیگران بر بازار است.

کشاورزان در یک دفتر واسطه، در حال کنترل قیمت نعنا از روی یکی از پایانه‌های بورس کالای هند



کادر۲۰: تحولات زنجیره عرضه در بازارهای کالای هند: هل و روغن نعنا



پاســـخ دهندگان به نظرسنجی نعنا به این نکته اشاره کردند که زنجیره‌ی نعنا با حضور واســـطه‌های متعدد طولانی شده است. قبل از معرفی قرارداد بورس کالای هند، حدود ۸۰ درصد کشـــاورزان روغن نعنای خود را بـــه معامله‌گر یا نماینده اصلی دهکده می‌دادند که حدود هفت درصد ســـود را به خود اختصاص می‌داد. معامله‌گـــران و کارگزار، روغن را از این نماینده‌ها می‌خریدند. براســـاس این نظر ســـنجی، از زمان معرفی قراردادهای آتی، کشاورزان می‌توانند مستقیماً محصول خود را به معامله‌گر یا کارگزار بفروشند. علاوه‌بر این، کشاورزان می‌توانند با مقایســـه‌ی قیمت‌هایی که کارگزاران و معامله‌گران پیشنهاد می‌کنند با قیمت‌هایی که بورس کالای هند منتشـــر می‌کند تصمیم بگیرند محصول خود را به کدام کارگزار یا معامله‌گر بفروشـــند. همچنین افزایش رقابـــت میان کارگزاران و معامله‌گران به معنای این است که امکان دستکاری بازار کمتر است.

کشـــاورزان می‌گویند که در مورد هر دو محصول، از زمان آغاز به‌کار قراردادهای آتی، زنجیره‌ی عرضه دگرگون شـــده اســـت. اگرچه این نظرسنجی نشان می‌دهد که اثر حذف نماینده دهکده در تغییر زنجیره‌ی عرضه‌ی نعنا نسبتا گسترده است، میزان تغییر مدل خرید هل برای صادرکنندگان چندان مشـــخص نیست. علاوه‌بر این، اگرچه این نظرسنجی نشان می‌دهد که کشاورزان بزرگ و کوچک هر دو از این شرایط سود می‌برند، توزیع دقیق این سود (یعنی اینکه چه کسی بیشترین سود را می‌برد) مشخص نیست.

نوسان قیمت نقدی: تأثیر معرفی قراردادهای آتی بر نوسان قیمت‌های نقدی ناهمگون بوده است (به جدول ٦ نگاه کنید). در نظرسنجی هل، فعالان بازار بر این باور بودند که از زمان معرفی قراردادهای آتی بورس کالای هند، میزان نوســـان قیمت‌ها کاهش یافته است. مدیـــر اجرایی مرکز حراج هل در کاریلا می‌گوید که: "معامله‌ی برخط قراردادهای آتی به کاهش تغییر قیمت‌ها و ثبات بیشـــتر قیمت‌های نقدی منجر شـــده است ". با وجود این، داده‌های هل و روغن نعنا نشـــان می‌دهد که نوسان قیمت‌های نقدی در واقع افزایش یافته اســـت (و در مورد نعنا، این افزایش چشمگیر بوده است). از سوی دیگر، تغییر قیمت‌های نقدی سایر کالاها، ازجمله گندم و سه نوع حبوبات، کاهش یافته است. دلایل این واکنش ناهمگون بازار ممکن است شامل ناکافی بودن داده‌های گردآوری شده مربوط به قیمت‌های نقدی قبل از راه‌انـــدازی معاملات آتی بورس‌ها، محدودیت‌ها و تنگناهای مختلفی که در بازارهای نقدی هر کالا وجود دارد و تفاوت‌های ســـاختار بازار برای هر کالا باشد. در هر صورت، بازارها هنوز در نخســـتین مراحل توسعه‌ی خود هستند و هنوز برای نتیجه‌گیری نهایی زود است. مسلما در این زمینه باید تحقیقات بیشتری صورت بگیرد؛ چون تغییر در میزان نوسان قیمت‌های نقدی می‌تواند تأثیر مهمی بر همه ذینفعان بخش کالا داشته باشد.

جدول ٦: نوسان قیمت‌های نقدی در هند: قبل و بعد از معرفی بازارهای آتی

کالا	قبل از قراردادهای آتی	بعد از قراردادهای آتی
هل	۷/۶۶	۹/۲۰
نعنا	۱/۴۲	۱۳/۵۶
گندم	۴/۲۳	۳/۰۳
نخود	۱۱/۱۹	۸/۹۰
لوبیا	۵/۸۰	۱/۷۰
اوراد[۱۷۲]	۵/۷۵	۴/۰۶

استفاده از اطلاعات بازار: نظرسنجی نعنا حکایت از این دارد که کشاورزان هندی از قیمت‌های آتی برای بهبود تصمیمات برداشت و فروش محصولات خود استفاده می‌کنند.

تغییر الگوهای برداشـــت: رشد شدید تولید روغن نعنا از زمان افزایش قیمت‌ها نشان می‌دهد که کشـــاورزان برای تصمیمات برداشـــت محصولات از قیمت‌های آتی استفاده می‌کنند. ســـطح زیرکشت نعنا از ۱۰۰ هزار هکتار در ســـال ۲۰۰٤ به ۲۵۰ هزار هکتار در سال ۲۰۰٦ افزایش یافته است. حجم تولید از ۱۲۰۰۰ تن در سال ۲۰۰٤ به ۳۲۰۰۰ تن در سال ۲۰۰٦ افزایش یافته است. این نظرسنجی همچنین نشان می‌دهدکه نعنا معمولاً همراه با ســـایر محصولات به تناوب کشت می‌شود و به دلیل مقاومتش، حتی گاهی بر پشت‌بام خانه‌های کشـــاورزان نیز کشت می‌شود. درنتیجه، نعنا برای بســـیاری ازکشاورزان منطقه به‌عنوان محصولی کاملاً نقدی محسوب می‌شد. آن‌ها نیازهای نقدی فوری و فصل آینده‌ی خود را از طریق محصولاتی از قبیل گندم و ســـیب زمینی تأمین می‌کردند و برای برآورده ســـاختن نیازهای ضروری خود از درآمد حاصل از نعنا اســـتفاده می‌کردند. در مورد هل، از زمان راه‌اندازی قرارداد بورس کالای هند تنها یک ســـال گذشـــته و بنابراین در انتخاب محصول برای کشتزارهای جدید تغییر چشمگیری مشاهده نشده است.

تغییر الگوهای فروش: نظر ســـنجی نعنا نشان می‌دهد که اکنون کشاورزان قیمت‌های بورس کالای هند را قبل از فروش محصولات خود می‌بینند. ۷۰ تا ۷۵ درصد کشاورزانی که در نظرسنجی شرکت کرده‌اند می‌گویند که با پیش‌بینی قیمت‌های بیشتر در فصل‌های پر تقاضا، بخشی از محصول خود را در انبار نگه می‌دارند. داده‌های انجمن روغن نعنا نیز این مسئله را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که ذخیره‌ی این محصول از تقریباً ۳۰۰۰ تا ٤۰۰۰ تن قبل از آغاز معاملات آتی به بیش از ۸۰۰۰ تن تا سال ۲۰۰۷ افزاش یافته است.

1- Urad

کارایی اطلاعات قیمت: یکی از مزیت‌های مهم مدل چند کالایی هند (که در آن، هر یک از سه بورس ملی کالا طیف گسترده‌ای از قراردادها را در رقابت مستقیم با سایر بورس‌ها ارائه می‌کنند) این است که برای نخستین بار، فضایی برای ایجاد تعدادی از مشتقه‌های کالای بومی که در سایر بازارهای جهان معامله نمی‌شوند نیز فراهم شده است. ازجمله می‌توان به دو کالای مورد مطالعه، یعنی هل و روغن نعنا اشاره کرد. با گسترش بازار جهانی این کالاها (که هردو به مقادیر چشمگیری توسط سازندگان و مصرف‌کنندگان سرتاسر جهان به‌کار می‌روند)، چشم‌انداز توسعه‌ی معیاری جهانی روشن‌تر شده است. در واقع، نظرسنجی هل نشان می‌دهد که صادرکنندگان هندی از قیمت‌های بورس کالای هند به‌عنوان مرجعی در مذاکره بر سر معاملات صادراتی استفاده می‌کنند. ولی در حال حاضر، درهای بازارهای معاملات آتی کالای هند همچنان بر روی شرکت کنندگان خارجی بسته است و این مسئله مانع از تبدیل این بورس به یک مرجع واقعی جهانی همچون بورس مالزی در صنعت روغن نارگیل می‌شود. سیب زمینی، کنف هندی و گوار، ادویه‌های مختلف، حبوبات، دانه‌های روغنی و محصولات پتروشیمی از دیگر کالاهایی هستند که قراردادهای آتی آن‌ها تنها در هند معامله می‌شوند.

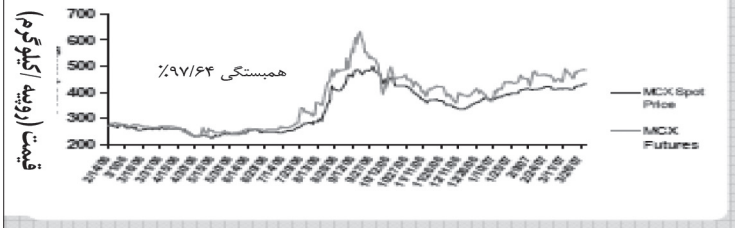
۲-۴-۸ مدیریت ریسک قیمت

نخست اینکه باید به این نکته توجه داشت که برای قراردادهای هل و نعنا که در بورس کالای هند معامله می‌شوند، و همچنین بیش از بیست کالای فهرست شده‌ی دیگر، پیش‌نیازهای اصلی در شرایط تجاری که مدیریت اثربخش ریسک قیمت را میسر می‌سازد به قرار زیر است:

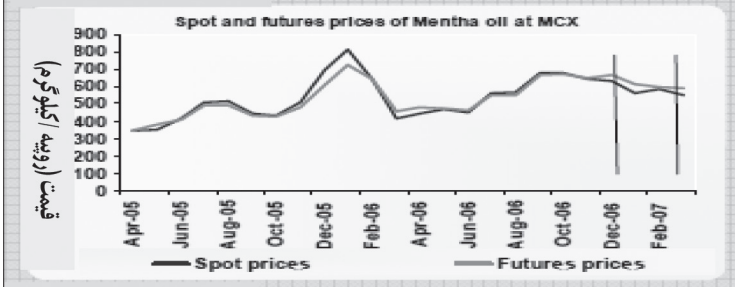
- بازارهای نقد شونده: حجم معاملات هل تقریباً ۱۰ برابر حجم تولید در سال ۲۰۰۶ بود، و حجم معاملات روغن نعنا ۲۶ برابر تولید در همان دوره بود؛
- معاملات در محیط معاملاتی نظارت شده و قانونمند و تحت قوانین و آیین‌نامه‌های بورس کالای هند و با نظارت این بورس انجام می‌شود؛
- اطلاعات بازار به‌صورت شفاف منتشر می‌شوند تا از نابرابری‌های اطلاعاتی که ممکن است به نفع برخی ذینفعان باشد پرهیز شود؛
- اتاق پایاپای بورس به‌عنوان طرف معامله مرکزی عمل می‌کند و عملکرد هر قراردادی را که از طریق بورس ارائه می‌شود تضمین می‌کند.

نمودار۳۲: هل و نعنا در بورس کالای هند: همبستگی قیمت‌های نقدی/آتی

(الف) هل



(ب) روغن نعنا



منبع:بورس کالای هند

بورس کالای ملّی هند کالاهای بومی بسیاری را معامله می‌کند که در جهان، هیچ معیار کشـــف قیمت دیگری برای آن‌ها وجود ندارد و این مســـئله در مورد هل و نعنا نیز صادق اســـت. البته یکی دیگر از بورس‌های هند نیز این کالاها را معامله می‌کند. بین قیمت‌های بازارهای نقدی و آتی هند، ضریب همبســـتگی ۹۸ درصد به دســـت آمده که همبســـتگی قدرتمندی است (به نمودار ۳۲ نگاه کنید). نعنا نیز در طیف مشابهی قرار دارد.

در ارتباط با بسیاری از کالاهای دیگر که در سایر نقاط، قیمت‌های مرجع جهانی برای آن‌ها وجود دارد، بورس‌های هند نسخه‌ی محلی این قراردادها را ارائه می‌کنند (روغن خام نارگیل نمونه‌ای از این قراردادهاســـت که بـــورس کالای مالزی قیمت مرجع آن را تعیین می‌کند و بورس کالای هند، بورس ملی کالا و مشتقات و بورس ملّی کالای احمدآباد هر یک دارای یک قرارداد روغن نارگیل هســـتند که ممکن است یک بستری معاملاتی محلی باشـــد). این مسئله به ما کمک می‌کند تا بر موانع مشـــارکت هند در بورس‌های خارج از کشور و همچنین بر ریسک‌های اعتباری و نرخ تسعیری که با چنین مشارکتی همراه است غلبه کنیم. اگرچه ممکن است شرکت‌های زراعی بزرگ مستقیماً در بورس معیار خارجی

شرکت داشته باشند، قراردادهای محلی فعالان کوچک‌تری را جذب می‌کند که از توانایی دسترسی به بستر مدیریت ریسک بهتری برخوردارند. علاوه‌بر این، آربیتراژگران می‌توانند قیمت‌های محلی را با قیمت‌های بین‌المللی همراستا کنند.

همان‌طور که قبلاً گفتیم، در خصوص هند، در مقایسه با سایر کشورهایی که در این مطالعه بررسی شده‌اند، انتظار اینکه کشاورزان خرده‌پا بتوانند مستقیماً از بازارهای معاملات آتی استفاده کنند بیشتر است. با وجود این، در حال حاضر، تجربه نشان می‌دهد که مشارکت کشاورزان خرده‌پا محدود است. نظرسنجی‌های هل و نعنا نشان می‌دهد که کشاورزان بزرگ هل و نعنا در حال حاضر در این بازار مشارکت دارند. با وجود این، نظرسنجی هل همچنین نشان داده است که استفاده از بازارهای آتی انگیزه‌ای برای کشاورزان ایجاد کرده است تا برای معامله، خود را در قالب گروه‌هایی سازماندهی کنند.

علاوه‌بر این، همان‌طور که مطالعه برگ (۲۰۰۷) در خصوص فعالیت‌های تعاونی‌های هافد[1] در خلال سال‌های ۲۰۰٤ تا ۲۰۰۷ در بازارهای گندم که اکنون به تعلیق درآمده‌اند نشان می‌دهد، فعالیت‌های مدل تعاونی‌های کشاورزی به‌عنوان تجمیع کننده محصولات به نیابت از کشاورزان خرده‌پا در هند عملکرد موفقی داشته است (با کادر ۲۱ نگاه کنید). مشاهدات نشان می‌دهد که این مدل هنوز در کشور گسترش نیافته است و شاید یکی از موانع آن این باشد که بسیاری از کشاورزان خرده‌پا که برای شرکت فردی در بازارها بیش از حد کوچک هستند، ممکن است برای مشارکت جمعی نیز از سازماندهی مناسب برخوردار نباشند.

پاسخ‌هایی که به نظرسنجی هل داده شده است نشان می‌دهد که فعالان بازار استفاده از معاملات آتی به‌عنوان ابزار پوشش ریسک را آغاز کرده‌اند. اگرچه در زمان این نظرسنجی، قراردادهای آتی هل بورس کالای هند تنها یک سال بود که به بازار ارائه شده بودند، ۵ تا ۱۰ درصد از کشاورزان در بازار معاملات آتی شرکت دارند و کشاورزان بزرگ‌تر مشارکت بیشتری در این بازار دارند. با وجوداین، این نظرسنجی به نقل از یکی از کشاورزان کوچک می‌گوید: "من معامله آتی انجام نداده‌ام ولی کشاورزانی رادیده‌ام که از این معاملات سود برده‌اند و احساس می‌کنم که در آینده نیز این معاملات برای کشاورزان مفید است". یک معامله‌گر دیگر درباره‌ی امکان انتقال منافع پوشش ریسک به کشاورزان می‌گوید: "اگر قیمت‌های بهتری دریافت کنم، می‌توانم قیمت‌های بهتری به کشاورزان بدهم. مسلماً معاملات آتی به من کمک کرده است تا قیمت‌های بهتری دریافت کنم". با وجود این، معلوم

1- HAFED

نیســـت معامله‌گران تا چه حد نفع پوشش ریسک را داوطلبانه به کشاورزان منتقل کرده‌اند یا منتقل می‌کنند. انگیزه‌ی آن‌ها برای انجام این کار معلوم نیســـت. این نظرسنجی همچنین نشـــان می‌دهد که صادرکنندگان از معاملات آتی به‌عنوان ابزار پیشگیری از آسیب‌پذیری معاملات پوشش ریسک در برابر ریسک قیمت استفاده می‌کنند.

نظرسنجی نعنا همچنین نشان می‌دهد که از ٤٥ کشاورز بزرگی که با آنان مصاحبه شد تنها یک کشاورز در بازار معاملات آتی مشارکت فعال دارد و موانعی همچون عدم آگاهی، توانایی و انگیزه، مانع از فعالیت ســـایر آن‌ها در این بخش شده است. پژوهش خصوصی یکی از نویسندگان در هند این یافته‌ها را تقویت می‌کند و تنگناهای دیگری را برمی شمارد که معمولاً مانع از مشارکت کشاورزان می‌شود:

- ابعاد قراردادها معمولاً بسیار بزرگ‌تر از حجم کل تولید کشاورزان است؛
- کیفیت بالای محصولات که کشاورزان برای رعایت آن‌ها به شدت تلاش می‌کنند؛
- فاصله‌ی زیاد انبارها از مزارع کشـــاورزان و ارتباطات حمل و نقل نامناســـب برای رسیدن به آن‌ها؛
- محدودیت‌های نظارتی که مانع از معاملات قراردادهای اختیار معامله و مشـــارکت نهادهای مالی در بازار معاملات آتی می‌شود.

برخی از این محدودیت‌ها ممکن اســـت با اقدامات مبتکرانه کاهش یابند. مثلاً می‌توان قراردادهای کوچک را روانه‌ی بازار کرد (برای نمونه به سایت بورس کالا و معاملات آتی بزریل نگاه کنید). مقیاس گســـترش یافته‌ی کســـر و صرف قیمت را می‌توان برای سطوح مختلف کیفیت کالاهایی که به انبارهای بورس تحویل می‌شوند به‌کار برد. الزامات مربوطه به وجه تضمین را می‌توان با ایجاد صندوق ضمانت کاهش داد (به صندوق معاملات بازار کشـــاورزی بورس کالا و معاملات آتی برزیل نگاه کنیـــد). در نهایت، بورس‌های نقدی الکترونیکی ملی پیشـــنهادی نیز ممکن است مشارکت کشـــاورزان در بازار معاملات آتی را افزایش دهد. این بورس‌ها به کشـــاورزان فرصت می‌دهنـــد تا با معاملات الکترونیکی کالاهایی که بهتر می‌فهمند و می‌توانند ســـود زیادی از آن ببرند آشـــنا شوند. علاوه‌بر این، اگر معاملات نقدی و آتی در یک سیســـتم یکپارچه شوند، کشاورزان به راحتی می‌توانند مبادلات بازاریابی و راهبردهای پوشـــش ریسک را همزمان انجام دهند. با وجوداین، مدل تجمیع کننده محصولات (که در کادر ۲۱ به تصویر کشیده شده است) شاید بهترین فرصت ارائه‌ی راه‌حل‌های مدیریت ریسک قیمت برای کشاورزان خرده‌پای هند را فراهم می‌آورد. بورس کالای هند این نکته را دریافته است و تلاش می‌کند به سازمان‌های غیردولتی امکان دهد تا به‌عنوان تجمیع کننده محصولات کشاورزان کوچک عمل کنند.

متاسفانه درباره‌ی میزان پوشش ریسک توسط کاربران تجاری کالاهای هند اطلاعاتی در دست نیست. پژوهش قبلی یکی از نویسندگان نشان می‌دهد که این یکی از چالش‌های عمده‌ای است که در برابر بورس‌های کالا، به‌ویژه برای کالاهای کشاورزی قرار دارد. بسیاری از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان، معامله‌گران و کاربران کالاهای کشاورزی سال‌هاست که اجازه‌ی مشارکت مستقیم در بورس‌های بین‌المللی را داشته‌اند. مهاجرت آنان به سکوهای محلی اغلب با محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ی تعداد معاملات و سیستم نظارتی بوروکراتیک معافیت پوشش‌دهندگان بزرگ ریسک از این محدودیت‌ها روبروست. علاوه‌بر این، در مواردی که شرکت‌ها در بازارهای بین‌المللی کالا مشارکت دارند، احتمال اینکه قیمت مرجع جهانی قیمتی باشد که بیش از سایر قیمت‌ها در مبادلات به‌کار می‌رود زیاد است. بنابراین پوشش ریسک در بورسی که قیمت مرجع جهانی را کشف می‌کند، بهتر از بورسی است که بر مبنای بستر معاملاتی محلی عمل می‌کند. با وجود این، ممکن است ایجاد آگاهی و تغییر ذهنیت نهادهایی که در بورس‌های بین‌المللی مشارکت ندارند و ارائه کمک فنی به‌منظور گنجاندن مدیریت ریسک قیمت در عملیات تجاری عادی آن‌ها چالش افزایش مشارکت آن‌ها در بازار معاملات آتی باشد.

کادر ۲۱: مورد پژوهی: پوشش ریسک تعاونی به‌عنوان تجمیع کننده محصولات کشاورزان خرده‌پا در هند

تعاونی هافد (HAFED) نمونه‌ی کامل نهادهای تعاونی کشاورزی است که دولت در ایالت هاریانا تاسیس کرده است. این نهاد علاوه‌بر عمل به‌عنوان تولیدکننده‌ی گندم تحت برنامه حداقل قیمت‌های حمایتی دولت هند، به‌عنوان یک خریدار، تأمین‌کننده نهاده‌ها و ارائه دهنده‌ی اعتبار برای تولیدکنندگان گندم در هریانا نیز عمل می‌کند. هافد بعد از راه‌اندازی در جولای سال ۲۰۰٤، استفاده از بورس ملّی کالا و مشتقه‌های هند را به‌عنوان یک پوشش دهنده‌ی استاندارد ریسک آغاز کرد. یعنی اینکه قراردادهای آتی کوتاه‌مدت خود را در بورس ملّی کالا و مشتقه‌های هند می‌فروخت و از کشاورزان خرید نقدی می‌کرد.

استفاده هافد از قراردادهای آتی گندم بورس ملّی کالا و مشتقه‌های هند (خریدهای غیر تضمینی تعاونی)

سال	مقدار خریداری شده بر حسب تن (گندم فیزیکی)	مقدار پوشش ریسک شده (موقعیت معاملاتی فروش قرارداد آتی)	مقدار تحویلی، تن (در برابر موقعیت معاملاتی فروش)
۲۰۰۴/۰۵	۷۰۰۰۰	۴۷۷۰	۱۰
۲۰۰۵/۰۶	۳۱۸۱۴	۳۵۷۱۰	۱۳۳۰۰
۲۰۰۶/۰۷	۱۰۷۰۴۳	۸۱۴۵۰	۲۰۸۶۰

جدول فوق نشـــان می‌دهد که هافد به موازات افزایش پیچیدگی و دقت عمل خود، به‌ســـرعت اســـتفاده از معاملات آتی گندم و مکانیزم تحویل محصولات خود را ظرف این سه سال افزایش داده است. در طول سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۶، هافد توانست سود خالص ۱۰۸ روپیه به ازای هر کنتال بعد از کســـر هزینه‌های انبارداری، بهره، مالیات بر ارزش افزوده و هزینه‌های حمل و نقل را برای خود تثبیت کند.

استفاده هافد از قرارداد گندم بورس ملّی کالا و مشتقات هند، نمونه‌ای کتابی از اســـتفاده از خرید نقدی[1] با استفاده از پوشش ریسک کوتاه‌مدت[2] برای محافظت در برابر زیان‌ها و تضمین قیمت جذاب پس از برداشـــت است. هافد با موفقیت از قرارداد گندم بورس ملّی کالا و مشـــتقات هند استفاده کرده است؛ چون خریدهای گندم آن با مشخصات کیفی و کمّی هم‌خوانی دارد، دارای انبارهای معتبری اســـت که می‌توان تحویل را در آن انجام داد و قیمت‌های گندم به نرخی بالاتر از نرخ خرید میانگین معامله می‌شـــوند. همچنین هافد در طراحی راهبرد پوشـــش ریسک خود نیز از اصول کتابی پیـــروی می‌کند: این تعاونی گنـــدم را خریداری می‌کند و در قراردادی که بالاترین قیمت را دارد پوشش ریسک می‌کند. در نهایت، هافد امیدوار بود با توزیع ســـود خود در میان کشاورزان، از مزیت‌های قرارداد آتی بورس ملّی کالا و مشـــتقات هند بهره‌مند شود. این منفعت تنها شامل سود نبود، بلکه پیشـــرفت‌های آموزشی، فناوری و اجتماعی را نیز دربر می‌گرفت که جامعه کشاورزی هرایانا را غنی‌تر می‌سازد.

با توجه به راهبرد محتاطانه‌ی پوشش ریسک – هافد و هم‌خوانی و هماهنگی نزدیک میان قیمت‌های معاملات آتی گندم بورس ملّی کالا و مشتقات هند و معاملات گندم در هند، این گزارش پیشـــنهاد نمی‌کند که تعاونی‌هافد از مکانیزم پوشش ریسک جهانی دیگری، به‌ویژه گندم زمستانه‌ی قرمز بورس معیار بین‌المللی، برای مدیریت تغییر قیمت محلی گندم استفاده کند. اگرچه قرارداد بورس معیار بین‌المللی ممکن اســـت با گندم سفید ارتباط خوبی داشته باشد، مبنای آن امسال ۷۰ دلار در هر تن (از کسر تا صرف قیمت) تفاوت داشـــته اســـت و این مسئله نشان می‌دهد که سطوح مبنا تا چه حد

1- Cash Long
2- Short hedge

خطرناک شـــده‌اند. برخی مناطق مدیریت ریسک در کشورهای دیگر نیز هســـتند (اســـترالیا و اوکراین) که می‌توانند در آینده به‌عنوان مکانیزم‌های پوشـــش ریســـک عمل کنند، ولی این مراکز هرگز نمی‌توانند برای نیل به اهـــداف تعاونی‌هافد به‌عنوان یک تجمیع کننده، شـــریک تولیدکنندگان و تأمین کننده خدمات اطمینان از مرغوبیت با بورس ملّی کالا و مشتقات هند برابری کنند. علاوه‌براین، از آنجا که اکثر بورس‌های ملّی به مشتریان داخلی تمایل دارند، ممکن است اجازه مشارکت خارجی در این مراکز را ندهند. منبع: برگ (۳: ۲۰۰۷)

۳-۴-۸ مکانی برای سرمایه‌گذاری

پیـــش از هر چیز، باید به این نکته توجه کرد که برای هردو قرارداد هل و روغن نعنا، پیش‌نیازهای اصلی در محیط تجاری که بورس کالای هند را به مکانی امن و جذاب برای سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کند عبارتند از:

- بازارهای نقد شونده؛
- معامله در محیطی نظارت شـــده و قانونمند و براساس قوانین و آیین‌نامه‌های بورس کالای هند و تحت نظارت کمیسیون بازار معاملات آتی انجام می‌شود؛
- اطلاعات بازار به‌صورت شـــفاف توزیع می‌شود تا از نابرابری‌هایی که ممکن است به نفع برخی گروه‌های ذینفعان باشد پرهیز شود؛
- اتاق پایاپای بورس به‌عنوان طرف اصلی معامله عمل می‌کند تا عملکرد قراردادهایی که در بورس منعقد می‌شوند تضمین شود.

نقش ســـوداگری در بازارهای کالای هند یکی از منابع همیشـــگی بحث و جدل بوده اســـت. با وجود این، درباره‌ی ترکیب بازار اطلاعات چندانی در دســـت نیســـت، چون بورس کالای هند و ســـایر بورس‌های کالای این کشـــور که کالاهای متعددی را معامله می‌کنند مشتریان را ملزم نمی‌کنند که در هنگام بازکردن حساب‌های خود، به‌عنوان پوشش دهنده‌ی ریســـک یا سوداگر ثبت‌نام کنند[1]. درنتیجه این کمبود داده‌ها، نمی‌توان تعیین کرد بازارهای کالای هند واقعا تا چه حد سوداگرانه هستند.

با بحران اخیر در قیمت مواد خوراکی و در شرایط فشارهای تورمی همه جانبه، دولت

۱- محدودیت‌های مواضع معاملاتی برای همه دست‌اندرکاران بازار براساس نوع کالا متغیر است. با وجود این، درصورتی‌که مدرکی مبنی‌بر پوشش ریسک در فراتر از آن سطح پیدا شود می‌توان از برخی معافیت‌ها استفاده کرد.

هند بر این باور اســـت که معامله‌ی قراردادهای آتی کالا (و به‌ویژه تأثیر سوداگری در این بازارها) دســـت کم تا حدی مسئول این شرایط بوده است. قراردادهای گندم، برنج و دو نوع حبوبات در اوایل ســـال ۲۰۰۷ تعلیق شدند و کمیته‌ی تحقیقی تشکیل شد تا تأثیرات معاملات قراردادهای آتی کالا بر قیمت‌ها را بررســـی کند. درنتیجه، تأثیر قراردادهای آتی کالا بر قیمت‌ها به مسئله‌ای بسیار بحث برانگیز در کشور تبدیل شده است.

گروه‌های مختلف ازجمله پروفســـور آبیجیت ســـن، اقتصاددانی که ریاســـت کمیته تحقیقات را برعهده دارد، در برابر این موضع دولت هند اســـتدلال‌هایی را مطرح کرده‌اند. به گفته‌ی آقای ســـن: " اگرچه ابتدا قیمت‌های نقـــدی افزایش یافت، تأثیر کلی معاملات آتی بر قیمت‌ها، تأثیری ثبات آفرین اســـت". پروفســـور سن همچنین می‌گوید که عوامل اصلی تورم مشـــاهده شـــده، رژیم حمایتی قیمت‌های هند برای محصولات کشاورزی و سیستم توزیع عمومی است (مینت، الف یا ب ۲۰۰۷). بورس کالای هند به نوبه خود این استدلال را مطرح می‌کند که افزایش قیمت‌ها نمایانگر تغییر عوامل بنیادین اقتصاد کالایی جهان است و توسعه‌ی قیمت‌ها در هند تا حد زیادی با سایر بخش‌های جهان هم‌خوانی دارد. آن‌ها همچنین اســـتدلال می‌کنند که معرفی قراردادهای آتی کالا ســـاختار بازارهای بســـیاری از کالاها را تغییر داده‌اند. کشاورزان اکنون در نتیجه‌ی افزایش شفافیت بازار که آن‌هـــا را در موضع بهتری برای مذاکره قرار می‌دهد، می‌توانند قیمت‌های بهتری را طلب کنند. علاوه‌بر این، یک قرارداد تحویل فیزیکی به فعالانی که به کالای فیزیکی دسترســـی دارند این فرصت را می‌دهد تا با اســـتفاده از اســـتراتژی "آربیتراژ خرید نقدی و حمل" (خرید در یک بازار نقدی و فروش همزمان در بازار آتی) در صورت مشـــاهده نوساناتی در قیمت‌های بازار که با عوامل بنیادین آن همخوانی ندارد، با انجام عملیات آربیتراژ و با تحمیل زیان به سوداگران، به تحصیل سود بپردازند.

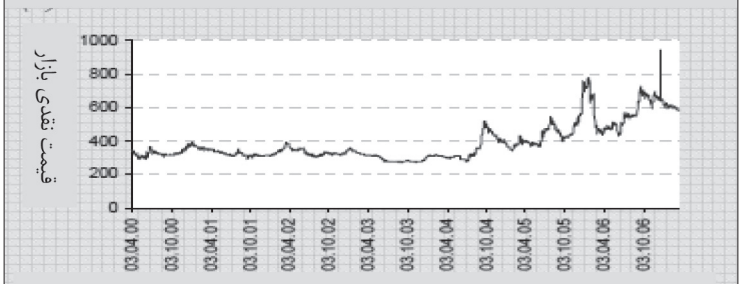
دلیل تورم در هند (خواه از طریق معاملات آتی یا به شیوه‌های دیگر) به جای اشاره به استدلال‌های طرف‌های مختلف، نیازمند تحلیل عمیق اقتصادی است که در گزارش کنونی مجال پرداختن به آن نیست. کمیته‌ی سن قرار است گزارش خود را همراه با نتیجه‌گیری در اواخر سال ۲۰۰۷ منتشر کند.

نگاهی به محصولات مورد مطالعه نشان می‌دهد که نعنا و هل، هر دو از زمان معرفی قراردادهـــای آتی بورس کالای هند افزایش قیمـــت را تجربه کرده‌اند (به نمودار ۳۳ نگاه کنید). کشت‌کاران هل و کشاورزان نعنا هر دو متوجه شده‌اند که از زمان افزایش قیمت‌ها درآمد بیشـــتری را به دست آورده‌اند. در مورد هل، قیمت‌های نزولی نقدی بعد از سال‌ها نزول تثبیت شـــد و از زمان معرفی این قرارداد به‌طور یکنواخت افزایش یافته است. ولی

شایان ذکر است که قیمت‌های هل هنوز هم کمتر از اوج قیمت‌ها در سال ۲۰۰۲ است. در مورد روغن نعنا، قیمت‌ها با سرعت چشمگیری افزایش یافته‌اند. با وجود این، گرایش به افزایش قیمت‌ها قبل از معرفی قرارداد بورس کالای هند آغاز شـــده بود و بنابراین انگیزه این افزایش قیمت‌ها مشخص نیست.

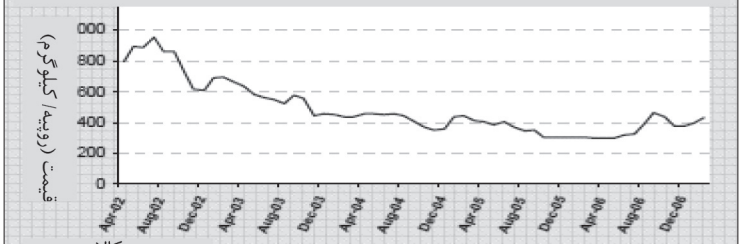
نمودار۳۳: روند قیمت‌های نقدی در هند قبل و بعد از راه‌اندازی قرارداد آتی

الف) روغن نعنا



ب) هل (گرید بورس کالای هند)

میانگین قیمت ماهیانه هل گرید AGEB



منبع: بورس کالای هند

پاسخ دهندگان به نظر سنجی نعنا بر این باورند که بازار روغن نعنا به شدت سوداگرانه است و بسیاری از معامله‌گران و حق‌العمل‌کاران در بازار متحمل زیان‌هایی شده‌اند. همچنین شـــواهد نظرسنجی و رسانه‌های هند (ازجمله اکونومیک تایمز، ب ۲۰۰۷) حکایت از این دارد که برخی از معامله‌گران، سرمایه‌گذاران خرد و کشاورزان کوچک به گونه‌ای که فراتر از توانشـــان است در زمینه‌ی روغن نعنا سوداگری میکنند. با وجود این، معلوم نیست آیا پاسخ دهندگان به نظرسنجی و رسانه‌ها به زیان‌هایی که در بازارهای معاملات آتی نظارتی ایجاد شده است اشاره می‌کنند یا به بازارهای غیررسمی مناطق کشت نعنا اشاره دارند. در بورس کالای هند و ســـایر بورس‌های ملی کالا، برای کنترل سطح سوداگری در بازارها، محدود ساختن امکان نکول و ترویج سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه اقدامات نظارتی انجام می‌شود. با وجود این، ممکن است سوداگری‌ای که از دیرباز در بازارهای فیزیکی وجود

داشته است اکنون وارد بازار قراردادهای آتی شده باشد.

بـــا توجه بـــه رواج بازارهای غیررســـمی و غیرقانونی نعنا، سیاســـت‌گذاران باید در هنگام تصمیم‌گیری محتاط باشـــند. این خطر وجود دارد که درصورتی‌که محدودیت‌های ســـخت‌گیرانه‌تری را بر بازارهای تحت نظارت معامـــلات قراردادهای آتی تحمیل کنند، فعالان بازار به‌سوی مکان‌های سرمایه‌گذاری غیررسمی که ریسک بیشتری دارند هدایت شـــوند. همزمان، شـــاید نهادهای نظارتی و بورس‌های چند کالایی بهتر بتوانند از فعالان بازار محافظت کنند و مانع از رفتارهای غیرمســـئولانه شوند. ازجمله این اقدامات می‌توان بـــه افزایش آموزش و آگاهی فعالان بازار، رویه ســـخت‌گیرانه‌تر ثبـــت معامله و افزایش حداقل ســـرمایه مورد نیاز اشاره کرد. خلاصه اینکه وضعیت نسبتا پیچیده است و این امر از چالش های گسترده اجتماعی – اقتصادی حکایت دارد که فراتر از مباحث مطروحه در زمینه سطح بهینه نظارت بر بازار قراردادهای آتی می باشد.

۸-۴-۴ تسهیل معامله‌ی فیزیکی کالا

بهبود تعیین قیمت نقدی: ساختار چندپاره بازارهای کالای فیزیکی هند، برای بورس معاملات آتی در تولید قیمت‌های نقدی معتبر که در ســـطح ملّی قابل کاربرد باشند نقشی در نظر گرفته اســـت. قبلاً، تنها قیمت برخی از کالاهای خاص محلی در دســـترس بود و هیچ قیمت نقدی ملّی‌ای محاســـبه و منتشر نمی‌شد. اکنون، بورس کالای هند قیمت‌ها را از مجموعه‌ای از بازارهای محلـــی مهم در مراکز معاملاتی عمده برای هر کالا گردآوری می‌کند و براساس فرمولی تعریف شده، قیمت نقدی ملّی را محاسبه می‌کند.

بـــا وجود ایـــن، قیمت‌های نقدی که بورس کالای هند تولید می‌کند کامل نیســـتند و تـــا زمان راه‌اندازی بورس ملّی الکترونیک کالای نقـــدی که در کادر ۲۲ درباره آن بحث کرده‌ایم، می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی موقتی مورد اســـتفاده قرار بگیرد. در اینجا درباره‌ی دو موضوع بحث شـــده است. نخســـت اینکه بورس کالای هند گاهی نمی‌تواند قیمت‌ها را برای درجه کالای خاصی که در قراردادهای آتی‌اش ذکر شـــده ارائه دهد. بازخوردهایی که از نظرسنجی هل گرفته شده است، نشان می‌دهد که این مشکل وجود دارد. دوم اینکه قیمت‌های نقدی که بورس‌های ملّی ارائه می‌کنند در ســـطح مفهومی باقی مانده اســـت. کشـــاورزان نمی‌توانند مطمئن باشـــند که کالای خود را به قیمت منتشـــر شده بفروشند. علاوه‌بـــر این، هیچ دلیلی وجـــود ندارد که این نرخ‌های نقدی کـــه به‌عنوان مبنایی برای مبادلات صنعت به‌کار می‌روند، یا اینکه قیمت‌های نقدی بورس کالای هند به‌عنوان مرجع

برای عملیات "آربیتراژ خرید نقدی و حمل" میان بازارهای نقدی آتی به‌کار گرفته شـــود. با وجود این محدودیت‌ها، تولیدکنندگان به یکی از نویسندگان پژوهش خصوصی گفتند کـــه قیمت نقدی‌ای که بورس کالای هند تولید می‌کند به‌عنوان قیمت مرجع بی‌طرفانه‌ای که می‌توان در مذاکرات با واســـطه‌ها به‌کار برد سودمنداســـت. این قیمت‌ها همچنین به فعالان بازار امکان می‌دهد برای درک اثربخشـــی پوشش ریسک، مبنای بهتری را محاسبه کننـــد (یعنی تفاوت میان قیمت نقدی و قیمت معاملات آتی).قیمت‌گذاری نقدی در هند احتمـــالاً در صورت راه‌اندازی بورس ملی نقدی الکترونیک (به کادر ۲۲ نگاه کنید) بهبود می‌یابد. علاوه‌بر این، با امکان یکپارچه‌ســـازی معاملات نقدی و آتی بر روی یک سکو، امکان افزایش همراستایی میان این دو بازار از طریق آربیتراژ افزایش می‌یابد.

تقویت مبادلات بازار نقدی: در هند، بازارهای فیزیکی کالا به شـــدت چندپاره و به نقایص زیرساختی بسیاری دچار هستند. بنابراین، کانال معتبر حملی که بورس معاملات آتی ارائه می‌کند ممکن اســـت بتواند شـــرکت کنندگانی را که می‌خواهند از آن به‌عنوان مجرایی برای خرید و فروش مســـتمر استفاده کنند به خود جذب کند. برخی مشاهدات نشان می‌دهد که سیستم‌های تحویل بورس‌های ملّی کالا در زمینه‌ی برخی کالاها عملکرد اشتباهی داشـــته‌اند. با توجه به شـــرایط شـــکل‌گیری این بورس‌ها، ممکن است قربانی انتظارات بیش از حد شـــده باشـــند. این دیدگاه که بازارهای آتی، در مقایسه با کانال‌های نقـــدی مجرای تحویل یا خرید بهتری را فراهم می‌کنند، ممکن اســـت به حجم تحویلی منجر شـــود که برای انبـــارداران و تأیید کنندگان کیفیت بیش از حد بوده باشـــد، به‌ویژه در شرایطی که ضعف‌های زیرســـاختی وجود دارد. در مقابل، عملکرد جهانی استاندارد، بازارهای معاملات آتی را تنها در مواردی که راه دیگری وجود نداشـــته باشـــد به‌عنوان مجرایی برای تحویل می‌داند. بورس‌ها معمولاً با وضع هزینه‌های سنگین جابجایی، تأیید و انبارش، سعی می‌کنند تمایل به تحویل حجم بالای کالا را کاهش دهند[1].

کادر ۲۲: یک بورس ملّی نقدی در هند

بازارهای نقدی کالای هند در بیش از ۷۵۰۰ بازار محلی بخش‌های مختلف که "ماندی" نامیده می‌شوند پراکنده‌اند. یکپارچه‌سازی این بازارها از سال ۲۰۰۲ یکی از اولویت‌های ملّی بوده اســـت (سینها، ۲۰۰۲). در سپتامبر سال ۲۰۰۷،

۱- با وجود این، مکانیزم تحویل برای اطمینان از همگرایی میان قیمت‌های نقدی و آتی و تامین ابزاری برای منضبط ساختن سوداگران درصورتیکه قیمت‌ها را بیش از حد از قیمت مبنا دور کنند ضروری است.

بعد از فرایند طولانی‌ای برای کسب تأیید مراجع نظارتی، این رویا ممکن است با راه‌اندازی بورس نقدی‌ای که معامله‌ی کل کالاهای هند از طریق یک بستر الکترونیکی به نام بورس نقدی ملّی را میسر می‌سازد تحقق یابد.

این بستر معاملات قراردادهای استاندارد طیفی از کالاها برای تحویل فوری در مراکز تحویل مشخص را انجام خواهد داد. مراکز تحویل به زیرساخت‌های با کیفیت انبارش و توزیع مجهز خواهند شد، کالاهای تحویلی مشمول رویه‌های سخت‌گیرانه‌ی تأیید و درجه‌بندی خواهند بود و این بستر با خدمات مدیریتی جانبی همراه خواهد شد تا دسترسی آسان به منابع مالی بر مبنای قبض انبارهای الکترونیکی را امکان‌پذیر کند.

احتمال دارد این شیوه مزیت‌های گسترده‌ای داشته باشد.کشاورزان به بازارها دسترسی مستقیم پیدا می‌کنند و وابستگی آن‌ها به واسطه‌ها کاهش می‌یابد. این واسطه‌ها از زنجیره‌ی عرضه بیرون رانده می‌شوند و احتمالاً تحقق قیمت‌های مورد نظر کشاورزان افزایش می‌یابد. خرید مستقیم فله توسط خریداران بزرگ و دولت، بدون الزام خرید محموله‌های کوچک در ماندی‌های پراکنده تسهیل می‌شود. انسجام میان بازار قراردادهای آتی و فیزیکی از طریق شفافیت قیمت‌گذاری نقدی ملّی و بستر بهتری برای برگزاری مناقصه یا تحویل کالا بهبود می‌یابد.

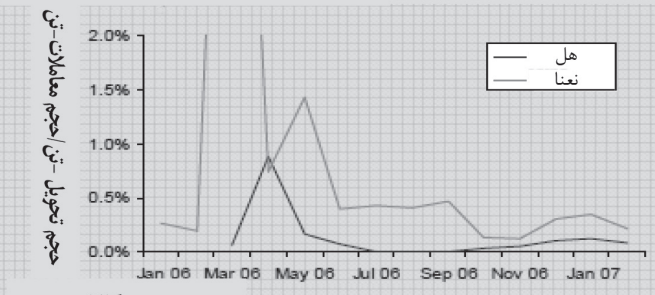
بورس ملّی نقدی ابتکار مشترک بورس کالای هند، شرکت فناوری‌های مالی که شرکت مادر آن محسوب می‌شود و فدراسیون ملّی بازاریابی تعاونی‌های کشاورزی (یکی از سازمان‌های دولتی پیشرو در خرید، توزیع و انبار سازی) است.

باید توجه نمود که با راه اندازی بیش از چهل قرارداد در هر بورس که به تحویل فیزیکی کالاها منجر می‌گردد[1]، توسعه مکانیزیم‌های مناسب تحویل برای هرکالا غیرممکن است. برخلاف بورس کالای آفریقای جنوبی در ژوهانسبورگ که دارای ۱۷۰ نقطه‌ی تحویل در سرتاسر مناطق عمده‌ی کشاورزی آفریقای جنوبی است، بورس‌های هند معمولاً برای هر کالا تنها دارای یک، یا به ندرت دو نقطه‌ی تحویل هستند. هزینه‌های بالای حمل معمولاً تعیین چند نقطه‌ی حمل را غیرممکن می‌کند. بنابراین، فعالان بازار گاهی از اینکه مکانیزم‌های

۱- بورس کالای هند از جولای سال ۲۰۰۷ به‌طور کلی ۵۶ قرارداد برای کالاهای مختلف ارائه می‌دهد.

حمل بورس‌های آتی براساس انتظارات آن‌ها عمل نمی‌کنند سرخورده می‌شوند.

نمودار۳٤: تحویل نعنا و هل در بورس کالای هند، ۲۰۰۷-۲۰۰٦



منبع:بورس کالای هند

نکته: در فوریه سال ۲۰۰۶ مشتقه های نعنا به ۷/۵ درصد معاملات رسید

از سوی دیگر، همان‌طور که در صفحات بعد خواهیم دید، بورس‌های کالای هند اغلب در زمینه‌ی معرفی استانداردهای کیفی، گسترش ظرفیت انبارها و ارتقای عملکرد مدیریت وثایـــق در زنجیره‌ی عرضه‌ی کالا در هنـــگام راه‌اندازی یک قرارداد جدید عملکرد خوبی دارند. همچنین شـــواهد موجود نشان می‌دهد که مکانیزم تحویل در این سه بورس بهبود یافته و به تحویل بیشتر منجر شده است (برای نمونه بهHindu Business Line ۲۰۰۷ نگاه کنید). در ارتباط با تحویل هل و نعنا، میزان تحویل به‌عنوان درصدی از حجم معامله هنوز نســـبتا پایین است (به نمودار ۳٤ نگاه کنید). با وجود این، داده‌های تحویل کالا در بورس نشـــان می‌دهد که در سال مالی ۲۰۰۷-۲۰۰٦، ۹۳/۵ تن (برابر با ٦ درصد کل تولید هل با طول غلاف ۷ میلیمتر و بیشـــتر، و حدود یک درصد کل تولید هل) از بستر بورس کالای هند و توسط صادرکنندگان انجام شد.

علاوه‌بر این، پاســـخ‌های صادرکنندگان به نظرســـنجی هل نشان می‌دهد که ایجاد یک قطـــب معتبر خرید هل صادراتی با کیفیت، پیچیدگی بازار را کاهش داده و واســـطه‌ها را از زنجیره‌ی عرضه بیرون رانده اســـت (در ارتباط با تغییرات زنجیره‌ی عرضه به کادر ۲۰ نگاه کنید). هل درجه یک برای خرید به راحتی از طریق سیستم تحویل بورس کالای هند موجود اســـت: از نظر یکی از صادرکنندگان برتـــر: "اکنون دیگر نباید نگران موجود بودن هل درجه یک در بازار برای معاملات صادراتی باشیم. به راحتی می‌توانیم این محصول را در ســـکوی بورس کالای هند خریداری کنیم و بدون نیاز به فراوری صادر کنیم. همچنین می‌توانیم درحالی‌که معاملات صادراتی خود را نهایی می‌کنیم مراقب قیمت معاملات آتی

نیز باشـــیم". برعکس درمورد نعنا، شـــاید درباره‌ی نقش بورس کالای هند ابهاماتی مطرح باشد: کشاورزان کوچک می‌خواهند تا پرسنل بورس کالای هند در مناطق نزدیک، در طول فصل برداشـــت و روغن کشی، روغن نعنا را مســـتقیماً از کشاورزان خریداری کنند. آن‌ها آماده‌اند تا محصول خود را به بورس کالای هند بفروشند، ولی مشروط به اینکه پرداخت نقدی باشـــد. این پاسخ‌ها نشان دهنده‌ی نیاز به آموزش بیشتر کشاورزان درباره‌ی هدف و کارکردهای بورس قراردادهای آتی کالاست.

توسعه زیرساخت‌ها: ضعف زیرساخت‌های هند از یکی از معضلات اصلی اقتصادی این کشـــور اســـت و قبلاً نیز در این باره بحث گردید. یـــک از اهداف اصلی بورس‌های کالایی و یکی از کارکردهای اصلی آن‌ها ارتقای زیرساخت‌های انبارش در بخش کالا بوده اســـت (به کادر ۲۳ نگاه کنید). شرکت مادر بورس کالای هند، در سال ۲۰۰۵ شرکت ملّی حمل عمده کالاها[1] را به‌عنوان راه‌حلی برای انبارش و حمل عمده محصولات کشـــاورزی تاسیس کرد. تا سال ۲۰۰۷، این شرکت بیش از ۱۲۰۰ تأسیسات انبارش را برای ۳۰ تا ۴۰ کالا تاسیس کرده است. شرکت مذکور جریان منابع مالی بانکی به بخش کالارا نیز تسهیل می‌کند و به دنبال این اســـت که تا ۷۵ درصد از ارزش محصولات آن‌ها را ظرف دو تاسه روز و به نرخ بهره‌ای ۲ تا ۳ درصد پایین‌تر از نرخ وام‌های بانکی معمولی (که در صفحات بعد درباره‌اش بیشـــتر سخن می‌گوییم) در اختیار کشـــاورزان قرار دهد. سایر خدماتی که این شرکت ارائه می‌دهد عبارتند از درجه‌بندی کیفی، تدارکات، گزارش اطلاعات گردش موجودی انبار و تسهیل منابع مالی بانکی برای ساخت یا ارتقای زیرساخت‌ها.

موفقیت بورس به‌عنوان تأمین کننده‌ی مستقیم و تسریع کننده‌ی توسعه‌ی زیرساخت‌ها را می‌توان در پاســـخ‌هایی دید که به نظرسنجی هل و نعنا ارائه شده است. در مورد هل، نقطه تحویل بورس کالای هند در واندانمدو در مرکز منطقه کشـــت هل اســـت و بنابراین به راحتی برای کشـــاورزان قابل دسترسی اســـت. محل انبار به کشاورزان کمک می‌کند تا هزینه‌هـــای حمل و نقلی را که برای حمل کالا به انبارها متحمل می‌شـــوند کاهش دهند. براســـاس بازخوردهایی که از کشاورزان گرفته شده است، حتی اگر محصول هل از لحاظ کیفی رد شود، مشـــکل زیادی ایجاد نمی‌شود چون فاصله‌ی چندانی با مزارع آن‌ها ندارد. انبار واندانمدو نیز از همه‌ی مراکز عمده‌ی حراج به راحتی قابل دسترسی است.

از نظر کیفیت انبارش، پاسخ دهندگان به نظرسنجی می‌پذیرند که انبارهای بورس کالای هند برای تأمین انبارش عملی برای کشاورزان، در مقایسه با انبارهای مستقر در مراکز حراج

1- the National Bulk Handling Corporation (NBHC)

از تجهیزات بهتری برخوردارند. انبارهای مستقر در واندانمدو، برخلاف برخی انبارهای دیگر برای هل طراحی شده‌اند. این انبارها به گونه‌ای احداث شده‌اند که هل را می‌توان برای دوره‌ای طولانی‌تر بدون تغییر رنگ یا سایر نشانه‌های افت کیفیت نگهداری کرد (مثلاً دیوارها و کف با الیاف نارگیل پوشانده شده‌اند، درحالی‌که برخی از انبارهایی که به بورس کالای هند تعلق ندارند تنها اتاق‌های انبارش معمولی هستند و به‌طور اختصاصی برای انبار هل طراحی نشده‌اند).

تاسیس انبار تحویل بورس کالای هند به ظهور مراکز درجه‌بندی و فراوری جدیدی در نواحی همجوار نیز منجر شده است. یکی از پاسخ دهندگان می‌گوید که دو مرکز فراوری و درجه‌بندی را در ماندامدو در نزدیکی انبارهای بورس کالای هند راه‌اندازی کرده است. او نخستین مرکز را بعد از راه‌اندازی معاملات آتی هل بورس کالای هند، یعنی زمانی راه‌اندازی کرد که نیاز به مرکزی در مجاورت منطقه‌ی عمده‌ی کشت هل احساس می‌شد. به دنبال واکنش بسیار خوب کشت‌کاران، او دومین مرکز فراوری را در نزدیکی انبار بورس کالای هند راه‌اندازی کرد. پاسخ دهنده دیگری نیز مرکز فراوری و درجه‌بندی خود را راه‌اندازی کرده است.

تا جایی که به روغن نعنا ارتباط دارد، کشاورزان بزرگ ترجیح می‌دهند از انبارهای بورس کالای هند استفاده کنند، چون از شیوه‌های انبارش علمی‌تر و بهتری بهره می‌گیرند. در منطقه‌ی کشاورزی نزدیک چاندوزی پنج انبار تأیید شده به ظرفیت سه هزارتن وجود دارند. این انبارها از نظر امنیتی بهتر هستند (دارای پرسنل مستقر در انبار و تلویزیون مدار بسته ۲٤ ساعته) و از تجهیزات مناسب توزین و آزمایش برخوردارند. بشکه‌های انبارش روغن توزین، آزمایش و آب‌بندی شده‌اند و براساس بهترین عملکرد، دارای شماره محموله و شماره شناسایی تولیدکننده هستند. کشاورزان کوچک معمولاً روغن نعنا را در خانه انبار می‌کنند، چون میانگین محصول آن‌ها یک یا دو بشکه را به خود اختصاص می‌دهد که جای چندانی نمی‌گیرد. ولی کشاورزانی که به این نظرسنجی پاسخ داده‌اند به ساخت انبارهای بیشتر در همه بخش‌های عمده تولید این محصول تمایل دارند.

توسعه‌ی زیرساخت‌ها تنها ابتکار بورس‌های کالا نبوده است. بورس‌ها شرایط توسعه‌ی فعالیت‌های سایر اپراتورهای انبارهای بخش عمومی و خصوصی را نیز فراهم کرده‌اند. انتظار می‌رود با تصویب قانون انبار (توسعه و نظارت) سال ۲۰۰۵ که در حال حاضر در حال بررسی در پارلمان است زیرساخت‌های انبارش توسعه‌ی بیشتری پیدا کنند. انتظار می‌رود این قانون با ایجاد نهاد ناظر فعالیت‌های انبارداری، یعنی سازمان مرکزی انبارها و چارچوب قانونی برای معامله‌ی قبوض انبار، سرمایه‌گذاری در این زمینه را تشویق کند و

تأمین مالی براساس قبض انبار را نیز رونق ببخشد.

کادر ۲۳: بورس کالای هند و توسعه‌ی انبارها

در بخش انبارداری هند این روزها شاهد شکوفایی دیگری است. شرکت‌های انبارداری در هند به لطف تقاضای شدید برای محصولات کشاورزی مختلف که ناشـــی از افزایش سیســـتم تحویل در بازار معاملات آتی و رونق بازار خرده‌فروشی در سراسر کشور است ظرفیت خود را افزایش می‌دهند.

آنیل چوداری مدیر عامل شرکت ملّی جابجایی کالای فله می‌گوید: "کشاورز هندی، درصورتی‌که بتواند محصولات خود را خوب انبار کند، قیمت بهتری را بابت محصولاتش دریافت می‌کند". او می‌گوید با معامله بیش از ٤٠ کالا که احتمالاً تعداد آنان افزایش می‌یابد، باید در زمینه‌ی تأسیسات انبارش، از درب مزرعه تا محل تحویل سرمایه‌گذاری بیشتری انجام شود. چوداری می‌گوید که شرکت ملّی حمل و نقل عمده کالاها که یکی از شعبه‌های بورس کالای پیشروی هند، یعنی شرکت بورس کالای هند است، ظرف ۳ تا ۵ سال آینده ظرفیت انبارش خود را ۵ میلیون تن افزایش می‌دهد.

منبع: اخبار کالا، "رشد ظرفیت انبارش در هند" (دوشنبه ۹ جولای سال ۲۰۰۷).

بهبود کیفیت: با معرفی قرادادهای آتی بســـیاری از کالاهایی که تا کنون در هیچ بورس دیگری ارائه نشـــده‌اند، بورس کالای هند و ســـایر بورس‌های کالای هند اغلب مشخصات کیفی قراردادهای آتی را برای نخســـتین بار تعریف می‌کنند. در برخی شـــرایط، می‌توان از عملکردهای ریشه‌دار بازار فیزیکی پیروی کرد (مثل بازار هل که از قبل درجه‌بندی تعریف شده‌ای وجود داشـــت). در موارد دیگر از قبیل روغن نعنا که بازار فیزیکی سازمان یافته‌ای وجود نداشـــت، بورس کالای هند باید با الگوهای مناسبی کار می‌کرد. در مورد روغن نعنا، بورس کالای هند با موسسه‌ی پژوهشی سیماپ که پیشگام در توسعه کشت نعنا بود همکاری کرد تا اســـتانداردهای مناسبی را برای تحویل فیزیکی تدوین کند. بدین ترتیب، این بورس معیار شفاف و قابل رویتی را ایجاد کرده است که صنعت فیزیکی می‌تواند از آن پیروی کند.

براساس پاســـخ‌های کشت‌کاران به نظرســـنجی هل، بورس کالای هند مشخصات و روش ارزیابی ســـخت‌گیرانه‌ای را برای کیفیت این کالا وضع کرده است. این مسئله سبب گردیده اســـت که محصول هل با کیفیت به نام هل بورس کالای هند معروف شـــود. به

گفته صادرکنندگان که کیفیت برای آن‌ها اهمیت بسیاری دارد، بورس کالای هند به منبعی مطمئن برای هل با کیفیت ممتاز تبدیل شده است. همچنین صادرکنندگان به این نکته اشاره می‌کنند که قبل از ارائه‌ی قراردادهای بورس کالای هند، خرید هل ممتاز از بازار ساده نبود و نیازمند فرایند خسته کننده‌ی خرید هل فله، فراوری آن و سپس تفکیک هل صادراتی از بقیه محصول بود. علاوه‌بر این، بعد از ارائه قرارداد آتی هل ۷ میلیمتری و بیشتر در بورس کالای هند، قیمت‌های مستقیم این هل در دسترس قرار گرفت که صادرکنندگان در مذاکره برای صادرات، به‌عنوان قیمت مرجع به‌کار می‌برند.

با وجود این، مشخصات کیفی برای کشت‌کاران معایبی دارد. درنتیجه‌ی فرایند اضافی درجه‌بندی قبل از انبار سازی محصول، هزینه‌ی محصول افزایش می‌یابد. هل هفت میلیمتری و بالاتر تنها ۳۰ درصد از کل محصول را تشکیل می‌دهد. علاوه‌بر این، برخی از کشت‌کاران و معامله‌گران با ریسک دریافت قیمت‌هایی پایین‌تر از قبل روبرو هستند، چون بعد از تفکیک هل بورس کالای هند، برای باقیمانده‌ی محصول آن‌ها که هل بی‌کیفیت است قیمت‌های کمتری پرداخت می‌شود.

نظرسنجی نعنا نشان می‌دهد که کشاورزان بزرگ‌تر معمولاً از مشخصات کیفی بورس کالای هند آگاهی دارند. کل محصولی که آن‌ها می‌کارند معمولاً براساس مشخصات هل بورس کالای هند است و در این بورس قابل ارائه و تحویل است. نعنای آروانیس، گونه‌ای از نعناست که مورد تأیید بورس است. گونه‌ی دیگری که اغلب کشت می‌شد نعنای پیپه راتاست که در برابر تغییر شرایط جوی مقاومت کمتری دارد، کم محصول‌تر است، هزینه‌های کاشت بیشتری دارد و تقاضا برای آن نیز کمتر است. با افزایش اطلاعات کشاورزان درباره‌ی نعنای آرونسیس و افزایش چشمگیر قیمت‌های معاملات آتی نعنا از زمان ارائه‌ی قرارداد بورس کالای هند، کشاورزان به نحو چشمگیری از نعنای پیپه راتا به‌سوی نعنای آرونسیس روی آورده‌اند. بنابراین راه‌اندازی قرارداد بورس کالای هند یکی از عواملی است که مسئول بهبود کیفیت و کاهش تنوع محصول در این بخش بوده است.

قبل از ارائه‌ی قراردادهای آتی، آزمایش کیفیت نعنا براساس شیوه‌ی ستون متراکم یا شیوه‌ی ستون مویرگی انجام می‌شد که در آن، روغن را در استوانه‌ای شیشه‌ای می‌ریختند و تکان می‌دادند تا میزان خلوص روغن را تعیین کنند. از زمان ارائه‌ی قراردادهای آتی، تست روغن نعنا در دستگاه کروماتوگرافی گاز- مایع (GLC) انجام می‌شود که شیوه علمی‌تر و موثرتری برای تعیین درصد عصاره نعنای موجود در روغن است. علاوه‌بر این، پاسخ دهندگان به نظرسنجی گفته‌اند که روغنی که با دستگاه GLC تأیید می‌شود در بازار به قیمت بیشتری به فروش می‌رسد. از زمان ارائه‌ی این قرارداد، و به دنبال آن گسترش

تولید نعنا، تعداد آزمایشگاه‌های تست GLC از ۵ آزمایشگاه به ٤٠ تا ۵٠ آزمایشگاه افزایش یافته است. با مطلع شدن کشاورزان از اینکه روغن نعنایی که براساس استانداردهای GLC تست شده قیمت بیشتری دارد، آن‌ها به تست محصولات خود با این شیوه تمایل بیشتری نشـــان می‌دهند. این مسئله باعث گسترش تأسیســـات آزمایش GLC شده است. علاوه‌بر این، از آنجا که این آزمایشگاه‌ها تنها حدود ۵٠ روپیه (۱/۲۵ دلار) بابت آزمایش هرنمونه دریافت می‌کنند و با توجه به ســـود بیشـــتر فروش محصولات درجه‌بندی شده در بازار، هزینه‌ی این تست‌ها قابل تحمل است.

۵-۴-۸ تسهیل تأمین مالی بخش کشاورزی

در هند، بانک‌های تجاری موظف شـــده‌اند ٤٠ درصد از وام‌های خود را به بخش‌هایی که در اولویت قراردارند اختصاص دهند. ازجمله می‌توان به سهم ۱۸ درصدی کشاورزی (برنامه‌ی پنج ساله‌ی دهم دولت هند) اشاره کرد. با وجود این، تا همین اواخر مکانیزم‌های پرداخت وام‌های کشـــاورزی با ریســـک همراه بوده و عملکرد وام‌هایی که به کشاورزان پرداخت می‌شـــده مناسب نبوده است. درنتیجه، بانک‌ها تمایل دارند مکانیزم‌های موثرتر و مطمئن‌تری را برای پرداخت وام به کشاورزان و سایر شرکت‌های زراعی ایجاد کنند.

در چند سال گذشته، زیرساخت‌های مورد نیاز برای میسر ساختن تأمین مالی براساس موجودی بر مبنای قبض انبار، که به‌طور مســـتقیم یا غیرمستقیم از بورس‌های کالای ملّی تأثیر می‌پذیرند به‌ســـرعت افزایش یافته اســـت. این زیرساخت‌ها علاوه‌بر تأسیسات انبار، شامل خدمات انبارداری و سیســـتم‌های صدور و انتقال قبوض غیرفیزیکی (الکترونیکی) نیز هســـت. بانک‌ها، همراه با بورس‌های کالا، از هم اکنون پرداخت وام به عناصر مختلف زنجیره‌ی عرضه براساس قبض انبار را آغاز کرده‌اند.

از سوی دیگر، مقیاس این وام‌ها بسیار چشمگیر است. شرکت ملّی حمل و نقل عمده کالا[1] در دو سال نخست عملیاتش، بیش از ۳۷۰ میلیون دلار منابع مالی را براساس قبوض انبار بیش از یک میلیون تن کالا در اختیار بیش از ۱۰۰۰۰۰ کشـــاورز قرار داده اســـت (به کادر ٢٤ نگاه کنید). از سوی دیگر، با توجه به بزرگی بخش کشاورزی هند، فضای بالقوه برای رشد بسیار بیشتر خواهد بود.

تنگناهای اصلی در برابر گسترش این بخش، موانع نظارتی بوده است. نخست و مهم‌تر از همه اینکه قبوض انبار هنوز براســـاس قانون به‌عنوان ابزارهای قابل معامله شناسایی یا

1- National Bulk Handling Corp Ltd (NBHC)

تعریف نشده‌اند؛ دوم اینکه بانک‌ها نمی‌توانند در بازارهای قراردادهای آتی کالا مشارکت کنند و ریسک آسیب‌پذیری خود در زمینه‌ی نقد سازی کالاها و وثایقی که در دست آن‌هاست را پوشش دهند. نخستین تنگنا را می‌توان همان‌طور که گفتیم، با تصویب قانون سال ۲۰۰۵ توسعه و نظارت بر انبارها در پارلمان هند برطرف کرد.

پاسخ‌هایی که به پرسش‌های نظرسنجی‌های هل و نعنا داده شده، نشان می‌دهد که نفوذ وام‌های بانکی بر مبنای قبض انبار در حال حاضر پایین است. نظرسنجی هل نشان می‌دهد که بسیاری از کشاورزان از تأمین مالی براساس قبض انبار آگاهی دارند. برخی از سیستمی بر مبنای رسیدهایی که مراکز حراج صادر می‌کنند استفاده کرده‌اند. با وجود این، به نظر می‌رسد استفاده از این تسهیلات در حال حاضر ناچیز است. علاوه‌بر این، کشت‌کاران گفته‌اند که نیاز به نقدینگی کوتاه‌مدت برای تأمین هزینه‌های پیش و پس از برداشت محصول (برای تأسیسات آب‌رسانی، کود و آفت‌کش و مواردی از این دست) در اولویت قرار دارد. بنابراین، بخش هل یکی از بخش‌هایی است که در آن، مدل تامین مالی براساس قبض انبار که انبارهای بورس را با یک تأمین کننده‌ی اعتبار مرتبط می‌سازد احتمالاً موفقیت‌آمیز خواهد بود.

نظرسنجی هل همچنین نشان می‌دهد که تعاونی‌های مالی غیربانکی از قبیل گوجیت فاینانس[1] (یکی از بازوهای مالی یک شرکت کارگزاری بزرگ) براساس ارزش ۹۰ درصد محصول کشاورزان به آن‌ها وام می‌دهند. با وجود این، نرخ بهره‌ی ١٤ درصدی این موسسه بالاتر از نرخ ۱۱ تا ۱۲ درصدی بهره‌ی بانک‌های تجاری است. بورس کالای هند به این نکته اشاره می‌کند که گوجیت فاینانس می‌تواند این خدمات را با پوشش بخشی از ریسک خود از طریق بورس‌های کالا ارائه دهد. میزان وام‌هایی که گوجیت فاینانس یا شرکت‌های مشابه پرداخت کرده‌اند مشخص نیست.

در نظرسنجی نعنا، تنها یک کشاورز بزرگ اعلام کرد که از تأمین مالی براساس قبض انبار استفاده می‌کند. سه کشاورز دیگر از طریق سپردن وثیقه از نظام بانکی وام دریافت کرده‌اند. به گفته بورس، دسترسی کشاورزان نعنا به تأمین مالی مبتنی‌بر قبض انبار افزایش یافته است، ولی این نظرسنجی می‌گوید که کشاورزان در این زمینه هنوز اطلاع کافی ندارند. علاوه‌براین، موانع بالقوه دیگر شامل حجم پایین تولید و انبارهایی است که اغلب دور از مزارع هستند. فرصت تأمین مالی همچنین ممکن است برای تولیدکنندگان نعنا کمتر نیز باشد؛ چون نعنا اغلب به‌عنوان محصولی تکمیلی توسط کشاورزان سیب زمینی و گندم کشت می‌شود. گندم در بازار با حداقل قیمت حمایتی دولتی فروخته می‌شود، درحالی‌که

1- Geojit Finance

بانک‌ها در ازای دریافت قبض انبار ســـردخانه‌ی محصول سیب زمینی اعتبارات مالی ارائه می‌دهند. بدین ترتیب، کشـــاورز می‌تواند نیازهای نقدی فوری خود را از طریق این کالاها تأمین کند. روغن نعنا را می‌توان به راحتی انبار کرد، چون عمر این کالا تا ۲۰ سال است. تولیدکننـــدگان می‌توانند این روغن را به بازار ارائـــه کنند تا نیازهای نقدی فوری خود را تأمین نمایند یا تا زمان بهبود قیمت‌های بازار صبر کنند.

کادر ۲٤: بورس کالای هند و گسترش تأمین مالی بانکی در بخش کالا

شرکت ملی جابجایی عمده کالا (یکی از همکاران بورس کالای هند) از طریق روابطش با ۱۲ بانک، تأمین مالی براساس قبض انبار بیش از یک میلیون تن کالا به نفع کشاورزان و معامله‌گران را انجام می‌دهد. این میزان بالغ بر ۵۰ درصد کل جابجایی فله‌ای کالاهایی است که این شرکت انجام می‌دهد.

کشاورزان و معامله‌گرانی که از سکوی معاملات قراردادهای آتی بورس کالای هند استفاده می‌کنند کالاهای خود را به انبارهای این شرکت تحویل می‌دهند، کـــه گواهی‌های تأیید کیفیت و کمیـــت و قبض انبار را به آنان ارائه می‌دهد. با استفاده از این قبوض به‌عنوان وثیقه، کشاورزان و معامله‌گران می‌توانند از بانک‌ها وام بگیرند. درصورت نکول، کالاها به تصرف بانک درمی‌آید... شرکت ملّـــی جابجایی کالا امیدوار بود تا حجم کالاهایی را که برای دریافت وام از بانک به‌کار می‌رود، تا مارس سال ۲۰۰۸ به دو میلیون تن برساند.

آنیل ک.چوداری، مدیر عامل و مدیر اجرایی ارشد شرکت ملّی جابجایی کالا می‌گوید: "به پشـــتوانه‌ی قبوض انبار، تا کنون ۱۵ میلیارد روپیه (۳۷۳ میلیون دلار) وام به پشتوانه‌ی وثیقه‌های شرکت ملی جابجایی کالا ارائه شده است".

بانک‌هایی از قبیل بانک هند، بانـــک HDFC، بانک SBI، بانک UTI، بانک کوتاک میندرا و بانک سندیکا براساس این قبوض به کشاورزان و معامله‌گران وام‌هایی را ارائه داده‌اند. یکی از مقامات ارشـــد بانک UTI که نمی‌خواست نامش فاش شـــود گفت: "بیش از ۱۰۰۰۰۰ کشاورز به‌طور غیرمستقیم از ۱۰ میلیارد روپیه (۲۵۰ میلیون دلار) اعتباری که از طریق بانک ما براساس قبوض انبار ارائه شده بهره‌مند شده‌اند. جالب‌تر اینکه تا کنون که تقریباً دو سال از این اقدام می‌گذرد حتی یک مورد نکول کشاورزان گزارش نشده است". گذشته از شـــرکت ملّی جابجایی کالا، بانک UTI نیز با شـــرکت ملّی سرویس‌های

مدیریت وثایق همکاری دارد و بورس ملّی کالا و مشتقه‌های بورس کالا، و برخی دیگر از شرکت‌های انبارداری بخش خصوصی نیز با آن همکاری دارند.
این مقام بانک UTI همچنین اعلام کرد که این بانک توانسته است اعتبارات خود را با نرخ بهره‌ی عالی ۱۰/۵ تا ۱۱ درصد از طریق تقریباً ۸۰ شعبه خود به کشاورزان پرداخت نماید. نرخ بهره‌ی بانکی رایج که نرخ معیار محسوب می‌شود برای اکثر بانک‌ها بین ۱۲/۵ تا ۱۳/۵ درصد است.
... سودی که نصیب کشاورزان می‌شود این است که هنگامی که تعهد می‌کنند مقدار مشخصی از محصول را تولید کنند و در آینده با قیمت آتی بفروشند، می‌توانند نرخی رقابتی برای محصول خود دریافت کنند که احتمالاً بالاتر از قیمتی اســـت که در ازای فروش محصول در فصل برداشت دریافت می‌کند. کشاورز همچنین از درجه‌بندی، بسته‌بندی، ضدعفونی سازی و ممیزی محصول نیز برخوردار می‌شود که توسط شرکت ملّی جابجایی کالا انجام می‌شود.
بانک‌ها از ارائه‌ی وام در برابر قبض انبار رضایت دارند، چون تعهدات پرداخت وام آنان به این بخش را پوشش می‌دهد. بانک‌ها موظفند ٤٠ درصد از وام‌های خود را به بخش‌هایی که در اولویت هســـتند اختصاص دهند، که از این میان ۱۸ درصد به بخش کشاورزی اختصاص دارد. در سال ۲۰۰۸ – ۲۰۰۷، بانک‌ها ۲/۲۵ میلیارد روپیه به بخش کشـــاورزی وام داده‌اند که در بودجه‌ی آن‌ها ذکر شده است. بین حجم کالاهای انبار شده در انبارها و آنچه در بورس‌های کالا معامله می‌شـــود همبستگی مستقیم وجود دارد. حدود ۳۰ تا ٤٠ درصد کالاها توسط شرکت ملّی جابجایی کالا جابجا می‌شوند که دارای زنجیره‌ای از حدود ۱۲۰۰ انبار است. نیمی از این کالاها در بستر معاملاتی بورس کالای هند معامله می‌شوند. شرکت ملّی جابجایی کالا به بقیه کالاها خدمات جابجایی ارائه می‌دهد.
منبع: نعنا (ب ۲۰۰۷).

۶-۴-۸ توسعه‌ی بازار

آموزش: در تلاش برای افزایش آگاهی کشاورزان درباره‌ی مزیت‌های بورس‌های کالا، برنامه‌های آگاهی بخشـــی به کشاورزان (که شامل عناصری از قبیل معرفی بازارهای آتی، فرایند پوشـــش ریســـک و مزیت‌های مرتبط با این فعالیت‌ها بود) در نقاط مختلف کشور برگزار شده است. به‌طور کلی ده برنامه که بیش از ۲۵۰۰ کشاورز در پنج ایالات را پوشش

داد توسط بورس کالای هند و با همکاری سازمان‌های کشاورزی مختلف، دلالان جوامع محلی و انجمن‌های صنعتی (از قبیل انجمن کشت‌کاران هل) برگزار شده است که حدودا ۶۰۰۰ کشاورز و سایر فعالان زنجیره‌ی عرضه را پوشش داده است. بورس کالای هند همچنین با همکاری دانشگاه‌ها و سایر نهادهای دانشگاهی نیز برنامه‌های را برای افزایش توانایی منابع انسانی در این صنعت برگزار کرده است.

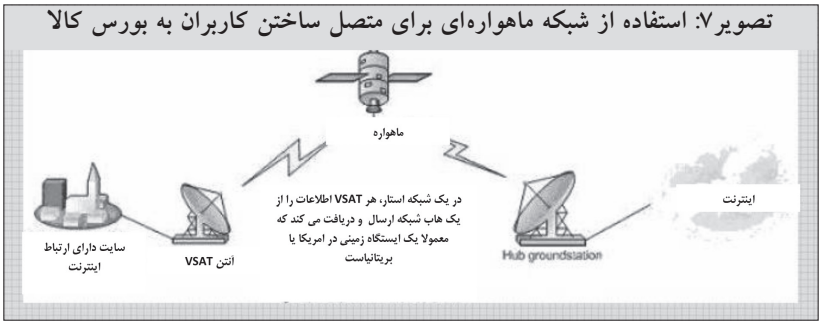
نظرسنجی‌های هل و نعنا نشان می‌دهد که آگاهی کشاورزان درباره‌ی بازارهای آتی و اطلاعات بازار از وضعیت مناسبی برخوردار است. با وجود این هنوز هم شکاف‌هایی وجود دارد: برخی از کشاورزان همچنان از وجود بازار معاملات آتی کاملاً بی‌اطلاعند و برخی دیگر نمی‌دانند این بازارها چه هستند، چه کارکردی دارند یا چگونه باید در این بازارها مشارکت کنند؟ این مسئله نشان دهنده‌ی نیاز به آموزش بیشتر و سمینارهای عملی آموزشی و ظرفیت سازی است.

دسترسی به بازار، ظرفیت‌سازی و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات: در هند، بورس‌های ملّی جدید کالا در استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان ابزاری برای غلبه بر موانع فاصله و ضعف زیرساخت‌ها و ارائه‌ی خدمات بورس به جوامع روستایی پویایی زیادی از خود نشان داده‌اند. نخستین تحول فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، نصب نمایشگرهای قیمت و پایانه‌های معاملاتی در بازارهای دورافتاده به دست بورس‌های کالای هند است. این مسئله کارکرد کشف قیمت بورس را از طریق یک شبکه الکترونیکی یکپارچه به سرتاسر کشور گسترش داده است.

معامله اینترنتی یکی از عناصر مهم رساندن خدمات بورس‌ها به دست کشاورزانی بوده است که اغلب در مناطق دور افتاده سکونت دارند. با وجود این، حتی در مواردی که بستر معاملات الکترونیکی وجود دارد، ممکن است با موانعی روبرو باشیم که ناشی از ضعف امکانات مخابراتی یا شبکه‌های برق باشد. درنتیجه، بورس‌های هند در زمینه‌ی فناوری‌های جدید برای غلبه بر این دشواری‌ها و اطمینان از اینکه خدمات بورس در دسترس دورافتاده‌ترین کاربران نیز قرار می‌گیرد پیشتاز بوده‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان به استفاده از پایانه دریچه‌های بسیار کوچک یا VSAT[1] اشاره کرد. پایانه‌ی دریچه‌های بسیار کوچک، کاربران دور افتاده را از طریق ارتباطات ماهواره‌ای به‌صورت برخط و بر مبنایی تعاملی و دایمی به بورس متصل می‌کند(به تصویر ۷ نگاه کنید).

1- Very Small Aperture Terminal (VSAT).

تصویر۷: استفاده از شبکه ماهواره‌ای برای متصل ساختن کاربران به بورس کالا



این تجهیزات نسبتا ساده است، هزینه‌های نصب و پهنای باند مورد نیاز برای آن معقول است و می‌تواند با افزودن تجهیزاتی که تأمین دایمی برق را تضمین می‌کند در شرایط بسیار نامساعد نیز به‌کار خود ادامه دهد.

داده‌هایی که ساهادیوان (۲۰۰۷) مستند کرده است نقش معامله‌ی الکترونیکی در گسترش دسترسی بازار در سرتاسر هند را نشان می‌دهد. در دسامبر سال ۲۰۰۵، معاملات بورس قراردادهای آتی نعنا از ۱۵٤ شهر در ۱۷ ایالت ثبت گردید. تا فوریه‌ی سال ۲۰۰٦ (تنها دو ماه بعد) مشارکت در ۱۸۳ شهر و بیست ایالت ثبت شده بود. نگاهی به مناطق کشت نشان می‌دهد که ٦۰ پایانه‌ی معاملاتی در منطقه‌ی کشت هل در کرالا و ۷۷ پایانه در منطقه کشت نعنا در اوتارپرادش قرار دارند. علاوه‌بر این، از طریق ابتکاراتی از قبیل همکاری مشترک با شرکت پست هند (به کادر ۱۹ نگاه کنید) و راه‌اندازی بورس نقدی الکترونیکی هند (به کادر ۲۲ نگاه کنید)، بورس برای دسترسی به تأمین کنندگان خدمات معاملات آتی بستری را ایجاد می‌کند.

برای بسیاری از کشاورزان، دسترسی به اطلاعات یا تسهیلات معاملاتی از طریق بورس نخستین برخورد آنان با شکل‌های جدید فناوری است. بنابراین بورس می‌تواند در خط مقدم آشناسازی کشاورزان با کاربردهای مدرن محاسباتی و اینترنتی باشد.

افرادی که در نظرسنجی نعنا شرکت کرده‌اند این نکته را تأیید می‌کنند. همزمان، این نظرسنجی نشان می‌دهد که چگونه بیسوادی هنوز هم یکی از موانع چشمگیر استفاده از فناوری و خدمات بورس است.

باید به خاطر داشت که شرکت مادر بورس کالای هند، شرکتی است که صرفاً در زمینه‌ی توسعه‌ی فناوری‌های مالی فعالیت دارد. از این نظر، بین شرکت‌های فعال در زمینه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات و بورس همگرایی زیادی وجود دارد. راه‌حل‌های سفارشی فناوری اطلاعات و ارتباطات که برای تسهیل رشد بازارهای چندپاره کشاورزی

هند که به ضعف زیرساخت روبرو هستند طراحی شده‌اند، ثمره‌ی فعالیت‌های شرکتی هستند که با شرایط محلی و چالش‌هایی که این شرایط ایجاد می‌کند آشنایی دارد. با وجود این، باید بر این نکته تأکید کرد که بورس‌ها در انتشار فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در میان جمعیت‌های روستایی تنها نیستند. سازمان‌های دیگری نیز از فناوری به نفع جمعیت‌های روستایی استفاده می‌کنند. ازجمله می‌توان به ابتکار E-Choupal در زمینه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اشاره کرد.

توسعه محصولات و خدمات جدید: بورس کالای هند در زمینه‌ی توسعه و راه‌اندازی قراردادهای آتی برای کالاهای متعدد فعالیت زیادی کرده است. همان‌طور که قبلاً تشریح کردیم، تعداد کالاهایی که هر یک از سه بورس کالای هند برای معاملات آتی انجام می‌دهند از سایر بورس‌های کالای جهان بیشتر است. بسیاری از این قراردادها برای نخستین بار در هند ارائه می‌شوند. علاوه‌بر این، قراردادهایی که برای کسب نقدینگی در جاهای دیگر با مشکل روبرو هستند (از قبیل فولاد یا سیب زمینی) اغلب در هند با میزانی از موفقیت روبرو هستند. این مسئله مزیت‌های بازارهای معاملات آتی کالا را در میان بخش‌ها و جوامع تولیدکننده مختلف توزیع می‌کند. با وجود این، توسعه‌ی محصولات و خدمات جدید به دلیل رژیم نظارتی هند که هنوز معاملات قراردادهای اختیار معامله، شاخص و معامله کالاهای غیرملموس از قبیل مشتقه‌های وضعیت آب و هوایی، یا بورس نقدی الکترونیک ملّی که بورس کالای هند مدتهاست برای راه‌اندازی آن آمادگی دارد را منع می‌کند، با محدودیت‌هایی روبروست.

سایر تأثیرات بر توسعه بازار: برخی از تأثیرات دیگر نیز در نظرسنجی‌های نعنا و هل مستند شده‌اند که در این بخش ارائه می‌گردند:

توسعه صنعت: داده‌های بورس نشان می‌دهد که تا مارس سال ۲۰۰۷، بورس کالای هند دارای بیش از ۷۰۰۰ پایانه و ۱۲۰۰۰ دارنده پروانه در تقریباً کلیه ایالت‌های کشور است. شرکت خواهر این بورس که در زمینه‌ی مدیریت وثایق فعالیت دارد، یعنی شرکت ملّی جابجایی کالا، مدیریت شبکه‌ای از حدود ۱۲۰۰ انبار برای ۳۵ تا ٤٠ کالا را بر عهده دارد (مینت، ب ۲۰۰۷). در پاسخ به کمبود شدید منابع انسانی در این صنعت، بورس کالای هند دوره‌های آموزشی دانشگاهی و فنی را به‌صورت مستقیم یا با مشارکت سایر موسسات ارائه نموده است که تنها در سال ۲۰۰٦ حدود ٤۷۰۰ متخصص جدید در این صنعت را تربیت کرده است و قصد دارد در سال ۲۰۰۷، ۱۰۰۰۰ متخصص دیگر نیز تربیت کند (بیزینس استاندارد، ۲۰۰۷). این مسئله نشان می‌دهد که این بورس مستقیماً در سطح ملّی و در مقیاسی چشمگیر، به توسعه صنعت کمک کرده است.

تسهیل معاملات بین‌المللی: در پاسخ به نظر سنجی هل، صادرکنندگان می‌گویند هل ممتاز که از بستر بورس کالای هند به راحتی در دسترس آنان قرار دارد به آن‌ها اجازه داده است تا کسب و کار خود را توسعه دهند و حجم کسب و کار بین‌المللی آن‌ها را افزایش داده است. علاوه‌بر این، قیمت‌های بورس کالای هند معمولاً در هنگام مذاکرات قیمت با شرکای بین‌المللی به‌عنوان قیمت مرجع به‌کار می‌روند. نظرسنجی نعنا مستند کرده است که چگونه (تا حدی تحت تأثیر انگیزه‌ی کشاورزان برای افزایش تولید به دلیل افزایش قیمت‌ها) هند خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی محصول پرارزشی مطرح کرده که نهاد مهمی برای تعدادی از صنایع عمده است.

سازماندهی کشاورزان خرده‌پا: نظرسنجی هل نشان داد که دو مجموعه از کشت‌کاران، برای معاملات آتی خود را در چارچوب گروه‌هایی سازمان‌دهی کرده‌اند. اگرچه این گروه‌ها غیررسمی است و نظرسنجی نمی‌تواند بگویدکه چنین گروه‌بندی‌هایی تا چه حد در کل هند رواج دارد، ولی نشان می‌دهد که کشاورزان به فکر بهبود سازماندهی خود افتاده‌اند تا در بازارها مشارکت موثری داشته باشند.

اشتغال و تولید درآمدهای مالیاتی: به موجب برآوردهای بورس کالای هند، حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر در پیرامون صنعت معاملات آتی کالا فعالیت دارند. ازجمله می‌توان به‌کارکنان شرکت‌های مدیریت انبار، افرادی که در بخش خدمات درجه‌بندی و صدور گواهی فعالیت دارند، تأمین کنندگان خدمات تدارکاتی و افرادی اشاره کرد که مستقیماً در استخدام بورس و کارگزاران در سرتاسر کشور هستند. اگرچه این تعداد دقیق نیست، ولی در بخش‌های فوق اشاره کردیم که بورس کالای هند تنها در سال ۲۰۰٦ حدود ٤۷۰۰ متخصص جدید را تربیت کرده است. نظرسنجی هل نشان می‌دهد که بیش از ۲۰۰ نفر از زمان معرفی قرارداد هل به‌طور مستقیم شاغل شده‌اند (با ایجاد ٦۰ پایانه‌ی معاملاتی و تعدادی از مراکز فراوری جدید که هر یک بین ۱۵ تا ۲۰ نفر پرسنل دارند). نظرسنجی نعنا نشان می‌دهد که صدها شغل جدید ایجاد شده که شامل افراد مورد نیاز برای اداره ۷۷ پایانه معاملاتی بعلاوه فرصت‌های شغلی است که درنتیجه‌ی گسترش تولید یک کالای کاربر ایجاد شده است (به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات، تعیین میزان دقیق میسر نیست). همچنین این مسئله بر درآمدهای مالیاتی دولت نیز، از طریق درآمد کالاهایی که از طریق بورس تحویل فیزیکی می‌شوند تأثیری هر چند کوچک دارد.

فصل ۹- مالزی

۹-۱ توسعه‌ی تاریخی بازارهای کشاورزی و بازارهای ویژه‌ی کالاهای تحت بررسی

۹-۱-۱ وضعیت کشور

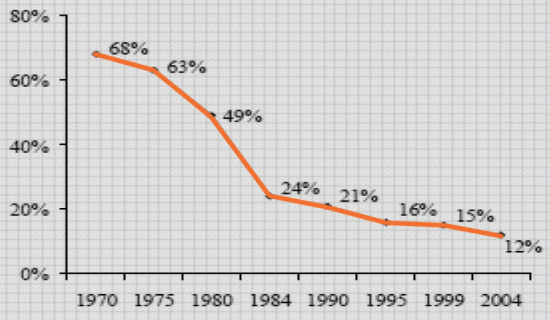
تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار آمریکا، به قیمت‌های جاری) سال ۲۰۰۶:	۱۵۱	میانگین رشد تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۸
سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی (دلار آمریکا، به قیمت‌های جاری) سال ۲۰۰۶:	۵۷۱۸	رشد سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۱۳۵
جمعیت (میلیون نفر) سال ۲۰۰۶:	۲۶	رشد جمعیت طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۴۶
نرخ تورم در سال ۱۹۹۰ (سال ۲۰۰۰ به‌عنوان ۱۰۰):	۷۱	نرخ تورم در سال ۲۰۰۵ (سال ۲۰۰۰ به‌عنوان۱۰۰):	۱۰۹
تراز حساب جاری (میلیارد دلار آمریکا) سال ۱۹۹۰:	-۰/۹	تراز حساب جاری (میلیارد دلار آمریکا) سال ۲۰۰۶:	۲۳/۸
کشاورزی- سهم از تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۶:	٪۸	سهم کشاورزی از درآمدهای صادراتی سال ۲۰۰۵:	٪۱۰
کشاورزی- سهم از اشتغال در سال ۲۰۰۳:	٪۱۲	سهم ۲۰٪ فقیرترین افراد از درآمد ملی:	٪۴/۴
مساحت (میلیون کیلومتر مربع) سال۲۰۰۵:	۰/۳	امید به زندگی در بدو تولد (سال) سال ۲۰۰۵:	۷۴
نرخ باسوادی بزرگسالان ۲۰۰۶:	٪۸۹		

۹-۱-۲ توسعه‌ی تاریخی

در هنگام استقلال در سال ۱۹۵۷، کشاورزی مالزی با چندین الزام بسیار حساس روبرو شد. نخستین الزام،کاهش وابستگی سنگین این کشور به کائوچو و قلع از طریق تنوع محصولات بود؛ بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی در آن زمان ناشی از تولید و صادرات این دو کالا بود. دومین الزام، پرداختن به میراث دوران استعمار بود که سبب گردیده بود مالایی‌های بومی یا بومیپوتراها که در کشاورزی معیشتی سنتی

متمرکز شـــده بودند، از اقتصاد رسمی بیرون باشند و از فقر شدید رنج ببرند. این شرایط با اقتصاد صنعتی و کشتزاری که تحت سلطه‌ی چینی تبارها و گروه‌های همسود خارجی بود تفاوت داشـــت. بنابراین باید از طریق منشور توســـعه روستایی و کشاورزی، به حل چالش‌های همزمان کاهش فقر و یکپارچه‌سازی قومی، یا ملّت سازی همت گمارد.

نمودار ۳۵: میزان فقر روستایی در مالزی، ۲۰۰٤-۱۹۷۰



منبع: برنامه های مالزی

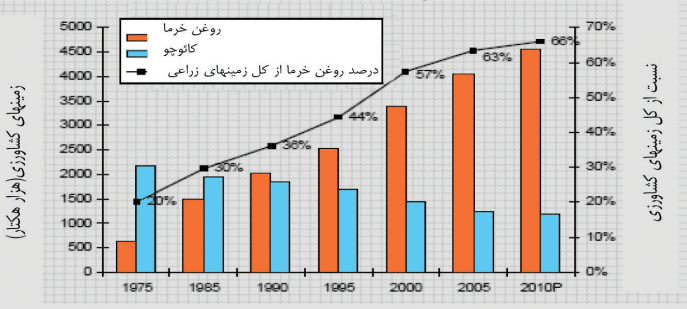
نخستین اقداماتی که از سال ۱۹٦٦ تا ۱۹۷۰ برای بهبود مشارکت اقتصادی بومیپوترا به عمل آمد نتوانســـت این نابرابری را کاهش دهد. تشدید مشکلات اجتماعی به مجموعه‌ای از شـــورش‌های خونین در اواخر دهه‌ی ۱۹٦۰ منتهی شـــد. بنابراین دولت در سال ۱۹۷۱ برنامه‌ی اقتصادی نوین خود را آغاز کرد که شـــرایط قـــرارداد اجتماعی- اقتصادی جدید برای دستیابی به وحدت ملّی از طریق رشد اقتصادی، به‌ویژه در بخش کشاورزی را ترسیم می‌کرد. با رشد سریع اقتصادی که به اندازه‌ای بود که برای افزایش میزان سهم مطلق همه‌ی گروه‌های قومی و همچنین افزایش ســـهم نسبی بومیپوترا کافی بود، دولت مالزی به دنبال این بود تا بدون ایجاد دور جدیدی از ناآرامی‌ها بتواند نابرابری‌های قومی را کاهش دهد.

این دیدگاه در دومین برنامه‌ی پنج ساله مالزی، ۱۹۷۵-۱۹۷۱ تبلور یافته است. این برنامه نقش مهمی را برای روغن خرما در تحقق جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی برنامه‌ی دولت در نظر گرفته است. زمین‌های بایر یا کشت نشده و نیروی کار ارزان در مالزی فراوان است. این دو ویژگی به کانون توجه برنامه‌های دولتی توسعه‌ی زمین و اسکان مجدد زمین‌داران خرده‌پا تبدیل شد که عمدتاً توســـط آژانس فدرال توسعه‌ی زمین[1] اجرا می‌شد. یکی از پیامدهای

1- Federal Land Development Agency (FELDA)

اصلی این رویکرد که رشد تولید کشاورزان خرده‌پا را به موازات بخش کشتزارهای تجاری تقویت می‌کرد، این اســـت که دوگانگی ریشـــه‌داری در کشاورزی مالزی ایجاد شده است (احمد ، ۲۰۰۱). یکی از جنبه‌های مهم دیگر رویکرد دولت در نخستین و دومین برنامه‌های مالزی، گنجاندن توســـعه‌ی بخشـــی در چارچوب بازار آزادی بود که در آن، قیمت‌گذاری توســـط بازار انجام می‌شـــد و "بخش خصوصی، بر خلاف بخش دولتی که سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی سرمایه‌های اجتماعی و فیزیکی را برعهده داشت، نقش موتور رشد را بر عهده داشت" (ارشاد و شمس الدین،۱۹۹۷). تا سال ۱۹۸۰، هنگامی که بورس کالای کوالالامپور نخســـتین قرارداد معاملات آتی روغن خرمای خـــود را روانه‌ی بازار کرد، بازار فیزیکی به خوبی جا افتاده بود و در چارچوب حکمرانی بازار فیزیکی که به خوبی توسط دولت اداره می‌شد، رشد سریعی را تجربه کرده بود.

نمودار ۳۶: متنوع سازی محصولات مالزی با ورود به حوزه روغن خرما، ۲۰۱۰-۱۹۷۵



منبع: هیئت روغن خرمای مالزی ، هیئت کائوچوی مالزی، واحد برنامه ریزی اقتصادی ، وزارت کشاورزی

دولت نخســـتین سیاست کشاورزی ملّی[1] خود را در سال ۱۹۸٤ ارائه داد که بیشتر بر گســـترش سریع سطح زمین‌های زیرکشـــت و حمایت از زیرساخت‌های مورد نیاز برای روغن خرما و ســـایر محصولات کشـــتزاری به‌عنوان ابزاری برای کاهش فقر و افزایش اشـــتغال و ارز متمرکز بود. در بررسی‌ای که در سال ۱۹۹۲ انجام گرفت، تدوین سیاست کشـــاورزی ملی برای ســـال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۲ انجام گرفت که کانون توجه را به گونه‌ای تغییر داد که بر بهره‌وری، کارایی و پایداری و ایجاد پیوندهایی با سایر بخش‌های اقتصاد که از ســـرعت رشد بیشتری برخوردارند تاکید بیشتری بشود. آزادسازی معاملات کشاورزی

1- National Agricultural Policy (NAP)

و مالی، همراه با تأثیرات بحران مالی آســـیا، بازنگری دیگری در سال ۱۹۹۷ را سبب شد که به ایجاد نســـخه سوم سیاست کشاورزی ملی برای سال‌های ۲۰۱۰–۱۹۹۸ منتهی شد. ولی در طول نخستین دهه‌ی اجرای سیاست کشاورزی ملّی، با رشد بخش‌های صنعت و خدمات، اهمیت کشاورزی برای اقتصاد مالزی کاهش یافت (هارون و همکاران، ۲۰۰۱).

کادر ۲۵: اهداف کشاورزی در نهمین برنامه‌ی مالزی، (۲۰۱۰–۲۰۰۶)

- افزایش تولید کشـــاورزی ازجمله از طریق تلاش برای یافتن منابع جدید رشد با مشارکت بیشتر بخش خصوصی
- گسترش فعالیت‌های فراوری محصولات کشاورزی و متنوع سازی محصولات
- تقویت بازاریابی و شبکه سازی جهانی
- افزایش درآمدهای زمین‌داران کوچک، کشاورزان و ماهیگیران
- بهبود سیستم ارائه‌ی خدمات

منبع: نهمین برنامه مالزی (۲۰۰۶)

در هزاره‌ی جدید، "علاقه به کشاورزی دوباره و با حرارت زیادی باز گشته است" (وونگ، ۲۰۰۷). در طول برنامه‌ی پنج ســـاله‌ی هشـــتم (۲۰۰۵–۲۰۰۱)، تاکید بر تجاری‌سازی بخش تولیدکنندگان کوچک با شیوه‌هایی از قبیل به‌کارگیری تکنیک‌های مدرن مدیریت مزرعه برای افزایش درآمد و بهره‌وری اســـت. برنامه‌ی نهم مالـــزی (۲۰۱۰–۲۰۰۶) از این بلند پروازانه‌تر است. بخش کشاورزی به گونه‌ای احیا می‌شود که "به موتور سوم رشد تبدیل شود... و به‌سوی تجاری‌ســـازی بیشتر و افزایش درآمد کشاورزان و ارتقای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از قبیل سرمایه‌گذاری خارجی حرکت کند" (نهمین برنامه‌ی مالزی، ۲۰۱۰–۲۰۰۶، ۸۱: ۲۰۰۶).

۳-۱-۹ خلاصه‌ی چالش‌های کلیدی کشاورزی در طول زمان

- متنوع سازی اقتصاد کشاورزی؛
- افزایش پایدار کشت زمین و تولید محصول؛
- گسترش بازارهای صادراتی به‌عنوان منبعی برای ارز؛
- کاهش فقر، ایجاد اشتغال و تولید درآمد از طریق توسعه کشاورزان کوچک و بعدها از طریق سازماندهی و تجاری‌سازی آن‌ها؛
- توســـعه‌ی صنایع پایین دستی دارای ارزش افزوده و کاربردهایی که با وجود افزایش

تولید در سایر مناطق، سهم آن‌ها را از بازار جهانی حفظ کند.

۴-۱-۹ کالای مورد مطالعه: روغن خرمای خام

ویژگی‌ها و فرایند صنعت[1]:

نخستین کشتزار تجاری روغن خرمای مالزی (الیاس گینینزیس) در سال ۱۹۱۷، یعنی چهل سال بعد از اینکه این‌گونه به‌عنوان درختی تزئینی وارد کشور شد تأسیس گردید. این محصول اکنون به صنعتی واقعا ملّی تبدیل شده و در هر سیزده ایالت مالزی کشت می‌شود. در سال ۲۰۰۵، ۵۷ درصد از منطقه‌ی تولید روغن خرما در ۱۱ ایالت در مناطق شبه جزیره‌ای مالزی قرار داشت و باقیمانده‌ی آن در ایالت‌های سباح و سراواک (دو ایالت مالزی که در جزیره‌ی برونئو واقع هستند) قرار دارند.

برداشت محصول تقریباً ۲٤ تا ۳۰ ماه بعد از کاشت درخت خرما آغاز می‌شود. هر درخت خرما در هر سال و به مدت ۲۵ سال بین ۸ تا ۱۵ خوشه خرمای تازه می‌دهد. بعد از برداشت، خوشه‌های خرمای تازه باید ظرف ۲٤ ساعت به‌کارخانه‌ها برسند و در غیر این صورت، با خطر کاهش شدید کیفیت روبرو می‌شوند. کارخانه به‌صورت فیزیکی روغن خرما و روغن هسته‌ی خرما را از خوشه‌ی خرمای تازه استخراج می‌کند. روغن خام خرما با ترکیب‌های مختلف پالایش می‌شود تا با استانداردهای صنعتی هم‌خوانی داشته باشد (محصولاتی که به دست می‌آید شامل اوله ئین (مایع) و استیرین (جامد) هستند).



۱- در این بخش از داده‌های صندوق جهانی طبیعت (۲۰۰۲) استفاده زیادی شده است. اطلاعات تفضیلی درباره‌ی فرایند و دست‌اندرکاران زنجیره‌ی عرضه را می‌توان در این گزارش یافت.

ساختار صنعت و زنجیره‌ی عرضه[1]

مالکیت زمین به روشنی ساختار دوگانه‌ی تولید روغن خرمای مالزی (تقسیم ٦٠/٤٠ بین کشـــتزارها و برنامه‌های تولید توسط کشاورزان خرده‌پا) را نشان می‌دهد (به جدول ۷ نگاه کنید). کشـــتزارهای بزرگ خرما از نظر بزرگی بین چند صد هکتار تا یکصد هزار هکتار هستند. شرکت‌های بزرگ، اغلب شـــرکت‌هایی هستند که کارکردهای مختلف را به‌صورت عمودی با یکدیگر ترکیب کرده‌اند، یا شـــرکت‌های خواهری هستند که دارای کارخانه، پالایشـــگاه و دارایی‌های تولیدی هستند. برخی از قبیل داربی برهارد یا شرکت IOI مجتمع‌های بزرگی هســـتند که در خارج از زنجیره‌ی روغـــن خرما نیز فعالیت‌های گســـترده‌ای دارند. بسیاری از شرکت‌های کشتزاری مالزی حوزه‌ی فعالیت‌های خود را به اندونزی توســـعه داده‌اند و مسئولیت بخش عظیمی از رشدی که در این کشور همسایه به دست آمده است را برعهده دارند.

زمین‌داران کوچک به‌طورکلی در قالب سه برنامه متفاوت در تولید روغن خرمای مالزی فعالیـــت می‌نمایند: برنامه‌های حمایتی زمین‌داران کوچک، زمین‌داران کوچک مســـتقل و برنامه‌های زمین‌داران جمعی (موسسه‌ی بین‌المللی محیط زیست و توسعه، ۲۰۰٦). فلدا،[2] بزرگ‌ترین برنامه از میان ســـه برنامه‌ی حمایت از زمین‌داران کوچک اســـت که تا کنون توسط دولت به اجرا در آمده است. سایر مراجع عبارتند از سازمان فدرال تحکیم و احیای زمین‌هـــا[3] که به احیای زمین‌های برنامه‌های ناموفق مدیریت ایالتی می‌پردازد و ســـازمان توســـعه صنعت تولیدکنندگان کوچک کائوچو[4] که منابع مالی را در اختیار تولیدکنندگان کوچـــک کائوچوای می‌گذارد که می‌خواهند فعالیت خـــود را به تولید خرما تغییر دهند. هر سه ســـازمان با پرداخت یارانه برای نهاده‌ها، توسعه‌ی زیرساخت‌ها و (در مورد فلدا) مدیریت زنجیره‌ی عرضه ازطریق تأمین اعتبار، نهاده‌ها، خدمات مشورتی، تأمین فناوری و فروش تضمینی به‌کارخانه‌هایی که توسط فلدا اداره می‌شوند، به تولیدکنندگان کوچک کمک می‌کنند.

۱- برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی ساختار صنعت روغن خرمای مالزی به (۲۰۰۲) WWF مراجعه نماید. در زمینه ساختار زمین‌داران کوچک به (۲۰۰۶) IIED مراجعه نمایید.

2- FELDA

3- Federal Land Consolidation and Rehabilitation Authority (FELCRA).

4- Rubber Industry Smallholders Development Authority (RISDA).

جدول ۷: ساختار صنعت روغن خرمای خام

	درصد مناطق زیر کشت روغن خرما در مالزی	
	۱۹۸۰	۲۰۰۵
املاک خصوصی	٪۵۲	٪۶۰
برنامه‌های دولتی		
فلدا	٪۳۰	٪۱۶
سازمان فدرال تحکیم و احیای زمین	٪۲	٪۴
سازمان توسعه‌ی صنعت تولیدکنندگان کوچک کائوچو	٪۲	٪۲
برنامه‌های ایالتی	٪۸	٪۸
زمین‌داران کوچک مستقل	٪۷	٪۱۰

منبع: MPOB

زمین‌داران کوچک مستقل از نظر انتخاب خریدار از انعطاف بیشتری برخوردارند، از تغییر رو به بالا و روبه پایین قیمت‌ها سود می‌برند و در زمینه‌ی کشت متناوب محصولات از آزادی عمل بیشتری برخوردارند. با وجود این، آن‌ها با ریسک‌های قیمت، تولید و بازار روبرو هستند. کارخانه‌ها اغلب به دلیل مسایل کیفی یا کمبود ظرفیت از پذیرش خرمای تازه خودداری می‌کنند. اغلب انتخاب از میان خریداران به دلیل نیاز به تحویل خرمای تازه به کارخانه ظرف یک روز بعد از برداشت و عدم دسترسی به امکانات حمل و نقل محدود می‌شود. واسطه‌ها می‌توانند با اجرای کارکرد تجمیع محصول و مسایل تدارکاتی ارزش افزوده ایجاد کنند و بین تولیدکنندگان کوچک و کارخانه در این میان نقشی ایفا کنند. با وجود این، تولیدکنندگان کوچک اغلب قیمت‌هایی پایین‌تر از قیمت‌های بازار را دریافت می‌کنند که ممکن است گاهی استثماری محسوب شود.

نوع سومی از برنامه‌های حمایت از تولیدکنندگان کوچک که در مالزی به‌عنوان کانسپ بارو[1] معروف است برنامه‌ی تولید جمعی است. این برنامه‌ها شراکت‌هایی را میان کشتزارهای خصوصی، دولتی و جوامع محلی بومی ایجاد می‌کنند تا توسعه‌ی زمین براساس برنامه‌ی حقوق مرسوم بومیان را به انجام برسانند (موسسه‌ی بین‌المللی محیط زیست و توسعه، ۲۰۰۶).

صنعت پایین دستی شامل کارخانه‌ها و پالایشگاه‌ها، و تولیدکنندگان و صادرکنندگان روغن‌های نباتی به‌ویژه روغن و چربی، مواد شیمیایی روغنی و مارگارین است. در صنعت، یکپارچه‌سازی عمودی چشمگیری انجام شده است، به نحوی که کشتزارهای خصوصی و

1- Konsep Baru

فلدا سهم چشمگیری از فعالیت‌های پایین دستی را به خود اختصاص می‌دهند. فلدا هفت پالایشگاه روغن، شش کارخانه دانه شکن و دو کارخانه مارگارین را اداره می‌کند. با وجود این، برخی شرکت‌های تولیدکننده‌ی مستقل و شعبه‌ها یا شرکت‌های وابسته به شرکت‌های چند ملیتی نیز هستند (صندوق جهانی طبیعت، ۲۰۰۲).

توسعه‌ی صنعت

همان‌طور که قبلاً گفتیم، صنعت روغن خرما در مالزی بعد از استقلال مالزی رشد سریعی را تجربه کرده است. رشد و موفقیت روغن خرمای مالزی در رشد سریع سهم آن از کل زمین‌های کشاورزی مالزی جلوه‌گر است که جایگزین کائوچو شده و به محصول طلایی مالزی تبدیل شده است (به نمودار ۳٦ نگاه کنید). مالزی از نظر مناطق زیرکشت روغن خرما و حجم تولید و درآمدهای صادراتی شاهد رشد چشمگیری بوده است. درحالی‌که در سال ۱۹۷۰، سهم روغن خرما از صادرات کشاورزی تنها ۸ درصد بود، این سهم تا سال ۱۹۸۵ به ۲۹ درصد و تا سال ۲۰۰۵ به ۵۱ درصد افزایش یافته است. در مقابل، سهم کائوچو در صادرات کشاورزی در سال ۱۹۷۰ برابر با ۵۰ درصد بود و در سال ۱۹۸۵ به ۲۱ درصد و در سال ۲۰۵ به ۱۵ درصد کاهش یافت.

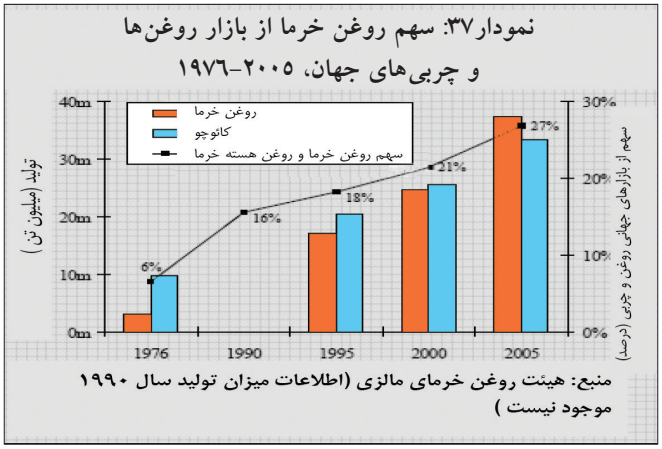
روغن خرما بنیان صنعتی را ایجاد کرد که به‌سرعت در حال رشد است و مالزی به‌سرعت به تولیدکننده و صادرکننده‌ی اصلی این محصول تبدیل شد و تا امروز نیز این موقعیت را حفظ کرده است (اگرچه اندونزی به‌سرعت فاصله خود را با مالزی کم می‌کند). در سال ۱۹۹۵، مالزی ۵۱ درصد از ۱۵ میلیون تن تولید جهانی روغن خرما و ٦٤٪ صادرات ۱۰ میلیون تنی جهانی این محصول را در اختیار داشت. تا سال ۲۰۰۵، این کشور ٤۵ درصد از ۳۳ میلیون تن تولید جهانی و ۵۱ درصد از ۲٦ میلیون تن صادرات جهانی روغن خرما را در اختیار داشت.

پویایی صنعت روغن خرمای مالزی در سهم روزافزون این کشور از بازار روغن‌ها و مواد چرب نیز نمایان است (به نمودار ۳۷ نگاه کنید).

یکی دیگر از جنبه‌های موفقیت، ورود به بخش‌هایی از زنجیره‌ی عرضه که ارزش افزوده‌ی بیشتری دارند و "تبدیل شدن از یک تولیدکننده و صادرکننده‌ی صرف روغن خرمای خام، به صنعتی با دامنه فعالیت‌های متنوع‌تر" و "ایجاد صنایع پایین دستی و حمایتی بیشتر" است (یحیی، ۲: ۱۹۹۵).

کشتزارهای خصوصی، سازمان‌های ایالتی و مراجع عمومی به افزایش رشد کمک کرده‌اند (سیمه و احمد، ۲۰۰۱). در این میان فلدا نقش مهی ایفا کرده است (به جدول

۸ نگاه کنید). این ســـازمان قبل از اســـتقلال در سال ۱۹۵٦ تشکیل شد. نخستین برنامه‌ی توســـعه‌ی زمین و برنامه‌های اســـکان مجدد زمین‌داران کوچک از سال ۱۹۵۸ با کائوچو شـــروع شد و تنها از ســـال ۱۹٦۱ در حوزه‌ی روغن خرما نیز ادامه یافت. در دهه ۱۹۷۰ بود که توســـعه‌ی سریع زمین‌ها و اســـکان مجدد آغاز شد و گسترش کشت روغن خرما ابعاد شگفت‌انگیزی یافت. همچنین رشـــد این محصول از حمایت کارکردهای نظارتی، پژوهش و توسعه و بازاریابی سه آژانس دولتی، یعنی سازمان ثبت و صدور مجوز روغن خرما[1]، موسسه‌ی پژوهشی روغن خرمای مالزی[2] و شورای ترویج روغن خرمای مالزی[3] برخوردار شد[4].



نمودار۳۷: سهم روغن خرما از بازار روغن‌ها و چربی‌های جهان، ۲۰۰۵-۱۹۷٦

منبع: هیئت روغن خرمای مالزی (اطلاعات میزان تولید سال ۱۹۹۰ موجود نیست)

کاربران و کابردها

روغن خرمای مالزی بـــه بازارهای جهانی مختلفی که در مناطق جغرافیایی پراکنده‌ای قرار دادند صادر می‌شود (به نمودار ۳۸ نگاه کنید). این تا حدی نمایانگر عملکرد شورای ترویـــج روغن خرمای مالزی و صندوق ترویج روغن خرما برای بازاریابی روغن خرما در جهان بود. از ســـوی دیگر، این مسئله نمایانگر طیف گسترده‌ای از کاربردهای بالقوه برای روغن خرما و محصولات مرتبط با آن نیز هســـت. از این منظر، نقش موسسه‌ی پژوهشی روغن خرمای مالزی در توسعه‌ی کاربردهای جدید و دارای ارزش افزوده برای محصولات

1- Palm Oil Registration and Licensing Authority (PORLA).
2- Oil Research Institute of Malaysia (PORIM).
3- Malaysian Palm Oil Promotion Council (MPOPC).
۴- ســـازمان ثبت و صدور مجوز روغن خرما و موسســـه پژوهشـــی روغن مالزی در ســـال ۲۰۰۰ براساس قانونی با یکدیگرادغام شدند و هیئت روغن خرمای تشکیل گردید که همان وظایف سازمان قبلی را برعهده داشت.

روغن خرما را نیز نباید فراموش کرد. حدود ۸۰ درصد روغن خرما در کاربردهای مرتبط با مواد خوراکی به‌کار می‌رود. کاربردهای خوراکی شامل مواردی از قبیل روغن‌های پخت و پز و سرخ کردنی، مارگارین،روغن‌های ترد کننده، کره‌ی آب کرده، بستنی و بیسکویت است. کاربردهای غیرخوراکی روغن خرما شامل خوراک حیوانات، صابون، محصولات تمیز کننده، شمع و کابردهای مختلف با استفاده از مشتقه‌های مواد شیمیایی چرب روغن خرماست (صندوق جهانی طبیعت، ۲۰۰۲).

جدول ۸: توسعه فلدا، ۲۰۰۰-۱۹۶۵

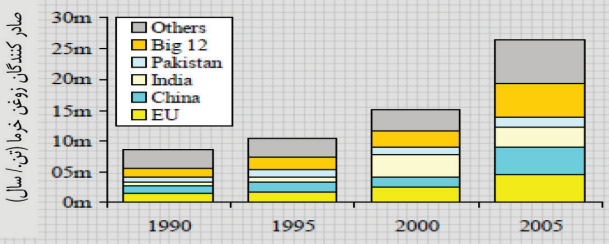
سال	کل سطح زیرکشت روغن خرمای فلدا
۱۹۶۵	۱۰۸۳ (هکتار)
۱۹۷۵	۸۵۲۵۷ (هکتار)
۱۹۸۵	۳۰۶۸۸۷ (هکتار)
۱۹۹۵	۶۷۵۳۹۲ (هکتار)
۲۰۰۰	۶۸۵۵۲۰ (هکتار)

منبع: Simeh and Ahmad (۲۰۰۱)

سوخت‌های زیستی اکنون یکی از بالاترین اولویت‌های صنعت هستند. در سال ۲۰۰۵، دولت سیاست ملّی سوخت زیستی ملّی خود را منتشر کرد. این سیاست بر نقش روغن خرما در یک راهبرد چهار مرحله‌ای مبتنی بود که شامل توسعه‌ی ترکیب سوخت زیستی از ۵ درصد روغن خرمای فراوری شده با ۹۵ درصد گازوئیل بود. سیاست ملّی سوخت‌های زیستی هدف آشکار ترویج منابع بیشتر تقاضا برای روغن خرما در مالزی و سایر کشورها را دنبال می‌کرد.

یکی دیگر از اهداف آشکار این سیاست‌ها اطمینان از قیمت‌های انگیزشی برای کشاورزان بزرگ و کوچک خرما و تأسیس یک کارخانه‌ی سوخت زیستی خرماست. این سیاست شامل ایجاد کارخانه‌ای آزمایشی برای تولید سوخت زیستی برای فصول سرد سال نیز هست که هدف تقویت جذابیت سوخت زیستی مالزی در بازارهای صادراتی را دنبال می‌کند. فعالان بازار بر این باورند که اعلام سیاست سوخت زیستی به افزایش ساختاری شدید در قیمت کالای فیزیکی و قیمت زمین‌های موجود و بالقوه برای کشت روغن خرما نیز منجر شده است. در این ارتباط، درباره‌ی تأثیرات زیست محیطی ناشی از نابودی جنگل‌ها به دلیل گسترش کشتزارهای خرما در مالزی و اندونزی ابراز نگرانی شده است.

نمودار۳۸: بازارهای صادراتی روغن خرمای خام مالزی، ۲۰۰۵-۱۹۹۰



منبع: هیئت روغن خرمای مالزی (Big 12 به دوازده وارد کننده بزرگی که بیش از یکصد هزار تن روغن خرما در سال ۲۰۰۵ وارد کرده اند اشاره دارد)

چکیده: ویژگی‌های بارز بازار فیزیکی

• بازار فیزیکی‌ای که به‌سرعت رشد کرده است و عملکرد روانی دارد، همراه با روابط بسیار توسعه یافته میان فعالان بازار که از حمایت مراجع اثربخش،کارآمد و نظارتی قابل قبول برخوردار است؛

• طیف گسترده‌ای از منافع تجاری در هر مرحله از زنجیره‌ی عرضه که در برابر ریسک قیمت‌ها در بازار آسیب‌پذیر هستند؛

• مجموعـــه‌ی بزرگ و به لحاظ جغرافیایی پهنـــاوری از بازارهای صادراتی که بخش عمده‌ی (اگر نگوییم همـــهٔ) روغن خرمای خود را از مالزی تأمین می‌کنند گه بزرگ‌ترین تولید کننده و صادرکننده‌ی این محصول است؛

• حضور چشمگیرکشاورزان خرده‌پا که می‌توان آن‌ها را به کشاورزان خرده‌پایی که از حمایت برنامه‌های دولتی از قبیل فلدا برخوردارند و کشـــاورزان خرده‌پای مستقلی که در برابر ریسک‌های بازار، قیمت‌ها و تولید آسیب‌پذیرتر هستند تقسیم کرد.

۲-۹ ظهور بورس و توسعه قراردادها: شرکت بورس مالزی

سال تأسیس: ۱۹۷۳(بورس مالزی)؛ ۱۹۸۰ (بورس کالای کوالالامپور)	مکان: کوالالامپور، مالزی
ابزارهای مورد معامله: سهام، قراردادهای آتی و اختیار معامله مالی (شاخص بورس، سهام، نرخ بهره)، قراردادهای آتی و اختیار معامله کالا و عملیات پایاپای قراردادهای آتی کالای فرابورس، محصولات اسلامی بازار سرمایه	کالاهای مورد معامله: روغن خرمای خام و روغن هسته خرمای خام
مالکیت: شرکت سهامی عام ثبت شده در تابلوی اصلی بورس مالزی	سیستم معاملاتی: معامله کاملاً الکترونیکی از طریق سیستمی که توسط یک فروشنده مستقل نرم افزار ساخته شده است.
اتاق پایاپای: اتاق پایاپای داخلی	ناظر بازار: کمیسیون اوراق بهادار

سال تأسیس: ۱۹۷۳(بورس مالزی)؛ ۱۹۸۰ (بورس کالای کوالالامپور)	مکان: کوالالامپور، مالزی
حجم کل معاملات آتی و اختیار در سال ۲۰۰۶: ۴/۲ میلیون	حجم معاملات آتی و اختیار کالا در سال ۲۰۰۶: ۲/۲ میلیون
رتبه کسب شده بر اساس رتبه‌بندی جهانی FIA در سال ۲۰۰۶ (همه بورس‌های معاملات آتی بر مبنای حجم کل مشتقات): ۴۹	رتبه کسب شده بر اساس رتبه‌بندی جهانی آنکتاد در سال ۲۰۰۶ (بورس‌های کالا – فقط حجم مشتقات کالا):۱۹

پایگاه اینترنتی http://www.bursamalaysia.com

بورس مالزی محصول چندین ادغام است؛ این بورس در نهایت سهام نقدی، مشتقه‌های مالی و کالا را در یک موسسه گرد هم آورد (به تصویر ۸ نگاه کنید).

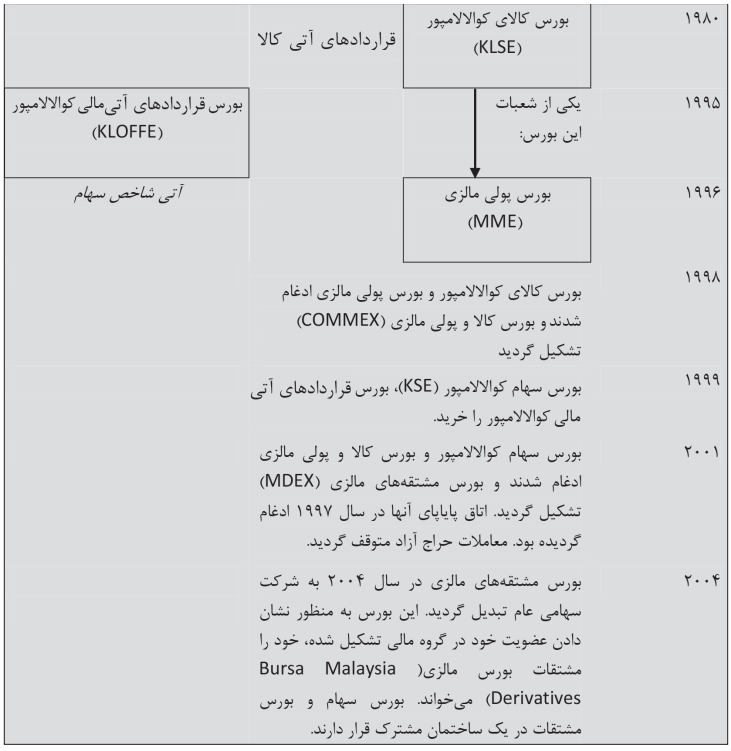
بورس کالای کوالالامپور[1] در جولای سال ۱۹۸۰ تأسیس شد و نخستین بورس معاملات آتی در جنوب شرقی آسیا بود. معامله در این بورس با معاملات قراردادهای آتی روغن خرمای خام (FCPO) در تالار حراج آزاد آغاز شد. به دنبال آن قراردادهای کائوچو، هسته‌ی خرما، قلع، قهوه، RBD پالمولئین و روغن خام هسته‌ی خرما نیز روانه‌ی بازار شده‌اند. تمامی این قراردادها به استثنای FCPO و قراردادهای آتی روغن هسته خرمای خام (FCPKO) از این بورس حذف گردیده‌اند.

در دسامبر سال ۱۹۹۵، بورس قراردادهای اختیار و قراردادهای آتی مالی کوالالامپور[2] به‌منظور معامله‌ی قراردادهای آتی شاخص سهام به صورت الکترونیکی تأسیس گردید. سال بعد، در ماه می سال ۱۹۹۶، بورس پولی مالزی[3] به‌عنوان شعبه‌ای از بورس کالای کوالالامپور تأسیس گردید تا معامله‌ی قرارداد آتی نرخ پیشنهادی بین بانکی کوالالامپور[4] را تسهیل کند که یک قرارداد آتی نرخ سود سه ماهه است. در دسامبر سال ۱۹۹۸، بورس کالای کوالالامپور با بورس پولی مالزی ادغام شد و بورس کالا و پولی مالزی[5] (COM-MEX) تشکیل گردید. که نام آن حکایت از تنوع محصولاتش دارد. در ژانویه‌ی سال ۱۹۹۹، بین بورس سهام کوالالامپور[6] و بورس قراردادهای اختیار و قراردادهای آتی مالی کوالالامپور و بورس کالا و پولی مالزی قراردادی منعقد شد. درنتیجه، بورس قراردادهای اختیار و قراردادهای آتی مالزی به شعبه‌ای از گروه بورس سهام کوالالامپور تبدیل شد. در نهایت، ادغام بورس قراردادهای اختیار و قراردادهای آتی مالزی و بورس کالا و پولی

1- Kuala Lumpur Commodity Exchange (KLCE).
2- Kuala Lumpur Options and Financial Futures Exchange (KLOFFE).
3- Malaysian Monetary Exchange (MME).
4- Kuala Lumpur Interbank Offered Rate (KLIBOR).
5- Commodity and Monetary Exchange of Malaysia (COMMEX).
۶- این بورس در سال ۱۹۷۳ به‌عنوان بورس ملّی سهام مالزی تاسیس شد.

مالزی در سال ۲۰۰۱ به تشکیل بورس مشتقه‌های مالزی[1] منتهی شد که یک بورس یکپارچه مشتقه‌هاســـت که قراردادهای آتی کالا، نرخ بهره و شاخص ســـهام را ارائه می‌دهد. بدین ترتیب بورس مشتقه‌های مالزی به یکی از شعبه‌های بورس سهام مالزی تبدیل شد و معامله قراردادهای آتی روغن خرمای خام(FCPO) به بستر الکترونیکی تالار معاملاتی بورس، بورس قراردادهای اختیار و قراردادهای آتی مالی کوالالامپور منتقل گردید. در سال ۲۰۰٤ بورس سهام کوالالامپور به شرکت سهامی عام تبدیل شد و به بورس مالزی تغییر نام یافت. بورس مشتقه‌های مالزی به مشتقات بورس مالزی[2] تغییر نام یافت. به لحاظ ساختاری، بورس سهام کوالالامپور که یک بورس تضامنی محدود بود و در مالکیت ٦٤ عضو بود به یک شرکت هلدینگ تبدیل شد که بخش‌های عملیاتی مختلف آن (ازجمله مشتقات بورس مالزی) صد در صد به مالیکت شعبه‌هایش در آمد. در سال ۲۰۰۵، بورس مالزی در تالار اصلی خود به ثبت رسید.

تصویر۸: روند تکامل بورس‌های آتی مالزی

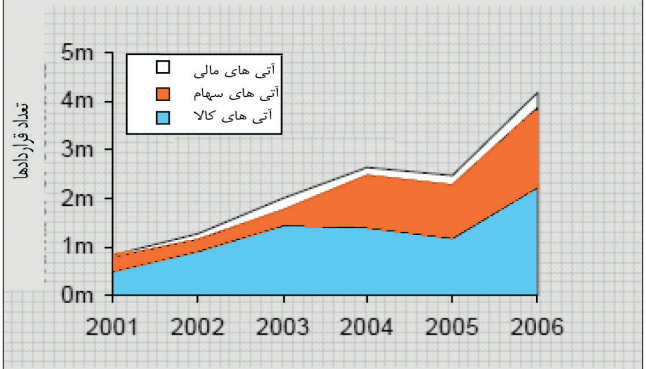


این الگوی ادغام و یکپارچه‌سازی در حوزه‌های پایاپای و نظارت بر بازار نیز دنبال شد

1- Malaysian Derivatives Exchange (MDEX).
2- Bursa Malaysia Derivatives.

(در مورد نظارت بر بازار به بخش مرتبط با تنظیم نگاه کنید). ابتدا عملیات پایاپای بورس کالای کوالالامپور در شـــرکت پایاپای قراردادهای آتی مالزی[1] انجام می‌شـــد که شـــرکت مستقلی است که ۲۸ درصد سهام آن به بورس کالای کوالالامپور تعلق دارد. بعد از تشکیل بورس پولـــی مالزی و بورس قراردادهای اختیار و قراردادهای آتی مالی کوالالامپور، اتاق پایاپای مشـــتقه‌های مالزی[2] تأسیس گردید تا قراردادهای آتی مالی را که در هر دو بورس معامله می‌شـــوند پایاپای نماید. هر یک از این دو بورس ۵۰ درصد مالکیت این شـــرکت را در دســـت داشت. در سال ۱۹۹۷، شرکت پایاپای قراردادهای آتی مالزی و اتاق پایاپای مشـــتقه‌های مالزی ادغام شدند و یک اتاق پایاپای یکپارچه قراردادهای آتی ایجاد گردید. شـــایان ذکر است که این اتاق پایاپای مشترک چهار سال قبل از یکپارچه‌سازی بورس‌های مختلف تشکیل شد. در ســـال ۲۰۰۱، اتاق پایاپای مشتقه‌های مالزی به شعبه‌ای از بورس سهام کوالالامپور تبدیل شد و همراه با تبدیل به شرکت سهامی عام در سال ۲۰۰٤ نام خود را به اتاق پایاپای مشتقات بورس مالزی تغییر داد.

نمودار۳۹: سهم آتی‌های کالا در حجم معاملات مشتقات بورس مالزی، ۲۰۰٦-۲۰۰۱



منبع: بورس مالزی

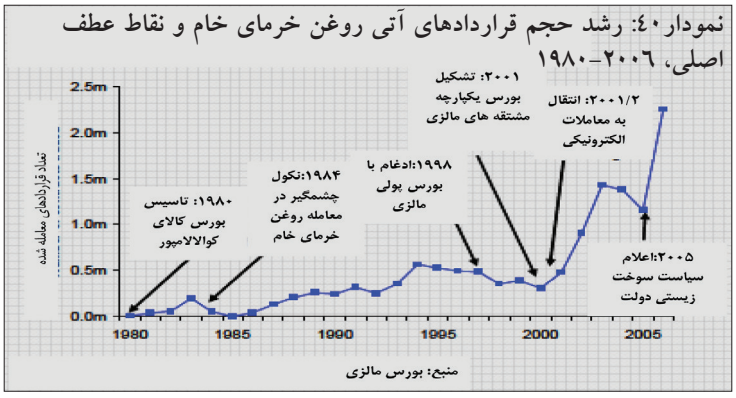
مشـــتقات بورس مالزی در حال حاضر هشت قرارداد آتی ازجمله دو قرارداد آتی کالا (قرارداد آتی روغن خرمای خام و قرارداد آتی روغن هسته‌ی خرمای خام) را ارائه می‌دهد. قراردادهای محصولات روغن خرما از زمان تشـــکیل بورس یکپارچه مشـــتقه‌ها همواره حـــدود ۵۰ درصد از حجم معاملات بورس را به خـــود اختصاص داده‌اند (به نمودار ۳۹

1- Malaysia Futures Clearing Corporation (MFCC).
2- Malaysian Derivatives Clearing House (MDCH)

نگاه کنید) و این بورس قیمت مرجع جهانی صنعت روغن خرما را تعیین می‌کند. همچنین این بورس یکی از معدود بورس‌های کشـــورهای در حال توسعه است که درهای خود را بر روی کاربران بین‌المللی گشـــوده اســـت. برای بورس مالزی و قبل از آن بورس کالای کوالالامپور، تلاش برای توســـعه ســـایر قراردادهای آتی کالا و ابزارهای جدیدی همچون قراردادهای اختیار تا کنون با موفقیت همراه نبوده‌اند.

ابتکارات جدیدی که در حوزه‌ی کالا برنامه‌ریزی شده است، توسعه را بر محصولاتی متمرکز کرده اســـت که قرارداد اصلی آتی روغن خرمـــای خام را تکمیل می‌کند. ازجمله می‌تـــوان به محصولات مبتنی بر دلار ایالات متحده آمریکا و شـــاخص کالا اشـــاره کرد. بورس مالزی همچنین مجوز مشخصات قراردادهای آتی روغن خرمای خام را برای ورود به بورس کالای هند نیز صادر کرده اســـت و با بورس کالای دالیان در زمینه‌ی توســـعه و راه‌اندازی قرارداد روغن خرما در چین همکاری می‌کند.

نمودار ٤٠: رشد حجم قراردادهای آتی روغن خرمای خام و نقاط عطف اصلی، ۲۰۰٦-۱۹۸۰



روغن خرمای خام

قرارداد آتی روغن خرمای خام با تأســـیس بورس کالای کوالالامپور در ســـال ۱۹۸۰ روانه‌ی بازار شـــد. این قرارداد بر مبنای یک بازار فیزیکی موفق و قانونمند تشکیل گردید. ســـازمان‌هایی که بعدها هیئت روغن خرمای مالزی را تشـــکیل دادند در توسعه و تنظیم صنعـــت نقش مهمی ایفا کردند که ازجمله می‌توان به تدوین و انتشـــار قیمت‌های نقدی، تعریف اســـتانداردهای کیفی مورد قبول صنعت، صدور مجوز برای فعالان بازار و صدور گواهی حمل قبل از صادرات اشاره کرد.

دولت مالزی در برنامه‌ی خود برای توسعه‌ی صنعت روغن خرما، نسبت به قیمت‌گذاری رویکرد بازار آزاد را در پیش گرفته اســـت. بنابراین، برخلاف بورس‌های سایر کشورهای

توسعه یافته و به‌ویژه بورس‌هایی که در این مطالعه بررسی شده‌اند، قرارداد آتی این بورس به‌عنوان نتیجه‌ی فرعی فرایند آزادسازی نبود، بلکه ابزاری بود که به بازار نقدی توسعه یافته‌ای اضافه شد.

برخلاف سایر قراردادهایی که بورس کالای کوالالامپور ایجاد کرد، قرارداد آتی روغن خرمای خام نخستین قرارداد در نوع خود بود که در جهان عرضه می‌شد. تا آن زمان، قیمت‌گذاری در بازار پیمان‌های آتی فرابورس رتردام انجام می‌شد. بازارهای فرابورس کشف قیمت شفافی را ایجاد نمی‌کنند و هیچ تضمینی درباره‌ی اعتبار طرفین معامله وجود ندارد. بنابراین، معامله‌ی روغن خرما در رتردام شفاف نیست و اغلب شرایط قیمت‌گذاری آن به زیان جامعه‌ی تولیدکنندگان مالزی بود و ریسک نکول طرف معامله نیز زیاد بود. در زمان راه‌اندازی این قرارداد، مالزی بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده‌ی روغن خرما بود و رشد تولید آن با افزایش پیچیدگی‌های این صنعت در امتداد زنجیره‌ی عرضه‌ی کالا افزایش می‌یافت. بنابراین، جامعه‌ی پراکنده‌ای از کشت‌کاران، کارخانه‌داران، پالایش‌کنندگان، تولیدکنندگان پایین دستی و صادرکنندگان (که توسط سازمان‌هایی که قبل از هیئت روغن خرمای مالزی فعالیت داشتند مجوز دریافت کرده بودند) نیازمند مکانیزم محلی و شفاف کشف قیمت و بستری مطمئن برای مدیریت ریسک قیمت بودند.

در سال ۱۹۸٤، یکی از مشتریان از پذیرش معامله‌ای که یکی از اعضا به نیابت از او انجام داده بود خودداری کرد و این مسئله بازار قرارداد آتی روغن خرمای خام بورس کالای کوالالامپور را به لرزه درآورد و پیامدهای حقوقی جدی در پی داشت. با وجود این، بورس بر این مشکلات غلبه کرد و در سرتاسر دهه‌ی ۱۹۸۰ و تا میانه دهه‌ی ۱۹۹۰ رشدی مستمر را تجربه کرد و به سطح نیم میلیون قرارداد در سال رسید. در میانه‌ی دهه ۱۹۹۰ بورس به حالت ثبات رسید. تأسیس بورس پولی مالزی و بورس قراردادهای اختیار و قراردادهای آتی مالی کوالالامپور بخشی از نقدشوندگی را به خود جذب کرد، ولی قرارداد آتی روغن خرمای خام در سرتاسر این دوره نقدشوندگی خود را حفظ کرد.

از پایان هزاره‌ی دوم، قرارداد آتی روغن خرمای خام شاهد سه دوره رونق چشمگیر در معاملات بود:

نخستین دوره، در سال ۲۰۰۱، با تشکیل بورس مشتقه‌های مالزی به‌عنوان بستر یکپارچه مشتقه‌ها؛ دومین دوره در سال ۲۰۰۲-۲۰۰۱ با انتقال معاملات به بستر معاملاتی الکترونیکی که بیشتر در دسترس بود؛ و سوم، در سال ۲۰۰۵ با راه‌اندازی سیاست ملّی سوخت زیستی دولت مالزی. این سیاست (که بر استفاده از روغن خرما به‌عنوان منبعی برای تولید سوخت تاکید می‌کرد) علاقه‌ی جدید چشمگیری را در بازار ایجاد کرد و به

افزایش حجم معاملات و تغییرپذیری قیمت‌ها انجامید.

دستاوردهای اصلی بورس مالزی در شرایط محلی:

• دادن قدرت قیمت‌گذاری به مالزی برای کالاهای صادراتی اصلی.

عوامل موفقیت:

• همراستایی با بازار فیزیکی مستقر که به‌خوبی تنظیم شده است؛
• هیچ قرارداد آتی روغن خرمای دیگری در هیچ کشور دیگری وجود ندارد؛
• رشد زیاد در بازار فیزیکی.

چالش‌ها:

• غلبه بر یک نکول بزرگ در سال ۱۹۸٤؛
• توسعه‌ی نقدشوندگی در بازار اختیار معامله.

فرصت‌های آینده:

• رشـــد بیشتر بازار آتی (به‌ویژه با سیاست ملّی سوخت زیستی دولت که تأکید زیادی بر روغن خرما دارد)؛
• توسعه‌ی محصولاتی که قرارداد آتی روغن خرمای خام را تکمیل می‌کنند (محصولات مبتنی بر دلار آمریکا و شاخص بورس).

۳-۹ چارچوب نظارتی: کمیسیون اوراق بهادار[1]

این کمیســـیون که در اول مارس ســـال ۱۹۹۳ براســـاس قانون کمیسیون اوراق بهادار مصوب ســـال ۱۹۹۳ تشـــکیل گردید، یک مرجع خود انتظام قانونی است که از اختیارات تحقیق و تنفیذ برخوردار است و به وزیر دارایی گزارش می‌دهد.

در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰، بحث نظارت بر بازار ســـرمایه مالزی با چالش تعدد بورســـها و از اینـــرو نظارت بر آنها مواجه بود. بورس قراردادهـــای اختیار و قراردادهای آتی مالی

1- Suruhanjaya Sekuriti

کوالالامپور قراردادهای آتی شاخص سهام، بورس پولی مالزی قراردادهای آتی نرخ بهره، بورس کالای کوالالامپور قراردادهای آتی کالا و بورس سهام کوالالامپور اوراق بهادار را معامله می‌نمود. نظارت بر بازار قراردادهای آتی بورس کالای کوالالامپور ابتدا توسط کمیسیون معاملات کالایی انجام می‌شد که تحت نظارت وزارت صنایع اصلی و براساس قانون معاملات کالای سال ۱۹۹۳ فعالیت می‌کرد. بازارهای معاملات قراردادهای آتی مالی در بورس پولی مالزی و بورس قراردادهای اختیار و قراردادهای آتی مالی کوالالامپور توسط کمیسیون اوراق بهادار مالزی تنظیم می‌شوند که تحت نظر وزارت دارایی و براساس قانون معاملات قراردادهای آتی صنعتی سال ۱۹۹۳ و قانون کمیسیون اوراق بهادار سال ۱۹۹۳ عمل می‌کند. بدین ترتیب، بین نهادهای ناظر کالا و قراردادهای آتی مالی تقسیم کاری انجام گرفته است[1]. در سال ۱۹۹۷، دولت تصمیم گرفت همگرایی نظارتی ایجاد کند و قانون صنعت معاملات قراردادهای آتی (اصلاح و تحکیم) را تصویب کرد. درنتیجه، قانون معاملات کالای مصوب سال ۱۹۸۵ لغو گردید و کارکردهای دو نهاد نظارتی در کمیسیون اوراق بهادار ادغام شد که تحت نظارت وزارت دارایی فعالیت می‌کرد.

با چنین ساختاری، کارکردهای نظارتی کمیسیون اوراق بهادار به ترتیب زیر است:

- نظارت بر بورس‌ها، اتاق‌های پایاپای و انبارهای مرکزی؛
- مرجع ثبت تعاونی‌ها، به‌جز باشگاه‌های تفریحی ثبت نشده؛
- مرجع تأیید صدور اوراق قرضه‌ی شرکت؛
- نظارت بر کلیه‌ی موضوعات مرتبط با اوراق بهادار و قراردادهای آتی؛
- نظارت بر خریدها و ادغام‌های شرکت‌ها؛
- نظارت بر کلیه‌ی امور مرتبط با صندوق‌های سرمایه گذاری؛
- صدور مجوز و نظارت بر همه‌ی افراد دارای مجوز؛
- تشویق کنترل‌های داخلی؛
- اطمینان از رفتار مناسب موسسات بازار و افراد دارای مجوز (وب سایت کمیسیون اوراق بهادار، ۲٦ جولای سال ۲۰۰۷).

کمیسیون اوراق بهادار همچنین براساس قانون نقش تشویق و ترویج توسعه‌ی بازارهای اوراق بهادار و آتی در مالزی را نیز برعهده دارد. این نقش به بهترین نحو در کارهای این کمیسیون برای پیشبرد بازار سرمایه‌ی اسلامی مالزی نمایان است که مجموعه‌ای از

۱- این با ساختار ایالات متحده آمریکا تفاوت دارد که بین نهاد ناظر اوراق بهادار (کمیسیون بورس و اوراق بهادار) و معاملات آتی (کمیسیون معاملات قراردادهای آتی کالا) تقسیم کار وجود دارد .

ابزارهای مالی مبتنی بر شریعت اسلام است.

تکامل این ساختار از سال ۲۰۰۱ (شامل ادغام همه این نهادها در بورس سهام کوالالامپور و به دنبال آن تبدیل آن به شرکت سهامی عام که به تغییر نام آن به بورس مالزی منجر شد) در محدوده‌ی طرح جامع بازار سرمایه‌ی دولت مالزی قرار دارد. این طرح که در سال ۱۹۹۹ اعلام شد و در سال ۲۰۰۱ آغاز گردید (برنامه‌ای جامع برای توسعه‌ی بلندمدت بازارهای سرمایه‌ی مالزی) ۱۵۲ پیشنهاد در یازده حوزه ارائه داد که یکی از آن‌ها ابزارهای مشتقه بود. اجرای برنامه‌ی جامع بازار سرمایه فرایندی سه مرحله‌ای است که از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۰ به طول انجامید و نخستین مرحله‌ی آن، تقویت ظرفیت‌های داخلی و توسعه‌ی بخش‌های راهبردی و نوپا، دومین مرحله تقویت بیشتر بخش‌های اصلی و آزادسازی تدریجی دسترسی به بازار و مرحله سوم گسترش بیشتر و تقویت فرایندها و زیرساخت‌های بازار و بهبود جایگاه بین‌المللی در حوزه‌هایی است که مالزی دارای مزیت رقابتی و مقایسه‌ای است.

نقطه‌ی قوت مشتقات بورس مالزی به‌عنوان بورس مرجع[1] روغن خرما را می‌توان دست کم تا حدی به شرایط نظارتی تسهیل کننده‌ای نسبت داد که این بورس در آن عمل می‌کند. این بازار، بر روی فعالان سایر کشورها باز است. کارکردهای نظارت بر بازار تا حد زیادی در اتاق پایاپای این بورس متمرکز هستند که به‌عنوان یک مرجع خود انتظام اصلی عمل می‌کند. علاوه‌بر این، کمیسیون اوراق بهادار سیاست نظارتی اصول محوری را به‌کار می‌برد که به جای وضع نمودن قوانین تجویزی، بر ارتقای اصول کلی مرتبط با حفاظت از سرمایه‌گذاران، مدیریت ریسک بازار و رعایت مقررات داخلی متمرکز است.

همچنین در مورد روغن خرمای مالزی باید به این نکته توجه کرد که هیئت روغن خرمای مالزی به‌عنوان یک مرجع خود انتظام بازار فیزیکی کالا نقش مهمی ایفا می‌کند. هیئت روغن خرمای مالزی در سال ۲۰۰۰ با ادغام سازمان ثبت و صدور مجوز روغن خرما و موسسه‌ی پژوهش روغن خرمای مالزی تشکیل شد. بخش صدور مجوز و اجرای مقررات این هیئت (که مسئولیت‌های سازمان ثبت و صدور مجوز روغن خرما را برعهده گرفته است) کارکردهای زیر را برعهده دارد:

- ثبت، تنظیم، هماهنگی و ترویج کلیه‌ی فعالیت‌های مرتبط با کشت، عرضه، فروش، خرید، توزیع، انتقال، انبارسازی، بررسی، آزمایش، بازرسی، صادرات و واردات محصولات روغن خرما و آسیاب کردن خوشه‌های خرمای تازه؛
- کنترل کیفیت محصولات از طریق مجموعه‌ای از برنامه‌های بازرسی‌های کیفی،

1- Benchmark Exchange

کنترل، نمونه برداری، تست و اعمال مقررات؛

• استقرار پایش در نقاط حساس ازجمله تولیدکنندگان بذر و اداره کنندگان قلمستان‌ها و در طـــول کلیه مراحل تولید و فراوری مواد خام، انبارســـازی، جابجایی و حمل به نقطه صادرات ازجمله مخازن کشتی؛

• تعیین و اجرای کارکردهای نظارتی براساس قوانین مربوطه؛

• گردآوری اطلاعات و حفظ سوابق همه‌ی موضوعات مرتبط با صنعت روغن خرما.

۹-۴ تأثیرات

۹-۴-۱ کشف قیمت

انتشار قیمت: بورس مالزی به‌عنوان بورسی یکپارچه که معاملات طبقات مختلفی از دارایی‌ها را ارائه می‌کند عرضه اطلاعات خود را تجاری کرده است. شصت مشترک، ازجمله فروشندگان بزرگ و بین‌المللی اطلاعات از قبیل خبرگزاری‌های رویترز و بلومبرگ اجازه دارند اطلاعات بازار بورس مالـــزی را از طریق کانال‌های متعدد توزیع اطلاعات ازجمله اینترنت، پایانه‌های اختصاصی، تلویزیون، ابزارهای کنترل شـــده، پیامک و نمایشـــگرهای الکترونیکی ارائه دهنـــد. همزمان، بورس مالزی از طریق پایـــگاه اینترنتی خود اطلاعات بـــازار مهم مرتبط با قرارداد آتی روغن خرمای خام خود را به‌صورت مجانی ارائه می‌دهد. ازجمله می‌توان به آمارهای ماهیانه، داده‌های تاریخی، خلاصه‌ی معاملات روزانه، اطلاعات شناخت بازار و قیمت میانگین تسویه‌ی نقدی ماهیانه قرارداد آتی روغن خرمای خام اشاره کرد. پایگاه اینترنتی بورس مالزی هر ماه حدودا ٦۰۰۰۰۰ بازدید کننده دارد و حدود ٤۰۰۰ پایانه یا وسیله، اطلاعات بازار را از طریق فروشندگان اطلاعات دریافت می‌کنند.

بســـتری برای کشف قیمت بین‌المللی: تأثیرات کشف قیمت که ناشی از قراردادهای روغن خرمای بورس مالزی هســـتند در ســـطح بین‌المللی توجه زیادی را به خود جلب کرده‌انـــد. فعالان صنعت تأییـــد کرده‌اند که بورس مالزی قیمـــت مرجع معاملات جهانی روغن خرما را تعیین می‌کند. به‌عبارت دیگر، قرارداد آتی روغن خرمای خام مرجع قیمت معامـــلات بین‌المللی میان صنعت مالزی و خریداران یا اتاق‌هـــای معاملات در بازارهای صادراتی است.

تجربه‌ی بورس مالزی در زمینه‌ی ایجاد بورس مرجع[1] در کشـــورهای در حال توسعه منحصر به فرد است. قیمت‌های مرجع برای هر کالای جهانی دیگری که در بورس معامله

۱- بورس مرجع بورسی است که قیمت‌های مرجع برای کالاهایی که به‌صورت جهانی معامله می‌شوند را تعیین می‌کند.

می‌شود در بورس‌هایی تولید می‌شوند که در کشورهای توسعه یافته قرار دارند و اغلب با بازارهای تولیدکننده فاصله دارند. ولی مالزی که بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی روغن خرماست، محل بورس مرجع این کالا نیز هست.

اهمیت این نکته در این است که تضمین می‌کند کشور تولیدکننده به جای اینکه پذیرنده‌ی قیمت باشد، از اختیار قیمت‌گذاری به‌عنوان یک تعیین کننده قیمت کالای صادراتی اصلی خود در بازارهای جهانی برخوردار باشد. این در حالی است که در ساختار سابق، قیمت‌های جهانی در بازار فرابورس رتردام تعیین می‌شد. این بازار، محفلی غیرشفاف است و می‌گویند که عملکرد آن به نفع چند اتاق پایاپای بزرگ و به زیان جامعه‌ی تولیدکنندگان است. بنابراین، بورس مالزی نابرابری‌های اطلاعاتی در سطح بین‌المللی را کاهش داده و با تضمین اینکه قیمت‌گذاری نمایانگر بنیان‌های عرضه/تقاضا در صنعت روغن خرمای مالزی است که بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده این محصول می‌باشد، کارایی فرایند تشکیل قیمت را بهبود بخشیده است. علاوه‌بر این، با میسر ساختن مشارکت فعالان خارجی، تقاضای جهانی پالایشگاه‌ها و مصرف‌کنندگان روغن خرما و محصولات مشتقه‌ی آن کاملاً در اطلاعات قیمت منعکس می‌شود.

به‌عنوان بازار مرجع جهانی، بورس مالزی مجوز قیمت‌های تسویه‌ی خود را به بورس کالای هند داده است و با بورس کالای دالیان چین در زمینه‌ی توسعه‌ی قرارداد روغن خرمای چین همکاری می‌کند. معامله‌ی روغن خرما در بورس کالای هند بر مبنای مشخصات بورس مالزی و استفاده از قیمت‌های تسویه‌ی آن، بستری محلی را برای مدیریت ریسک در اختیار واردکنندگان، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان این بازار بزرگ قرار داده است. این مسئله به آن‌ها امکان می‌دهد از ریسک‌های ارز و محدودیت‌های نظارتی مشارکت در بازارهای خارجی پرهیز کنند. احتمال دارد یک بورس محلی در چین بتواند به‌کاربران چینی روغن خرما در کاهش ریسک‌های مرتبط با نوسان قیمت‌ها کمک کند. آربیتراژ میان بورس مالزی، بورس کالای هند و بورس کالای دالیان می‌تواند همراستاسازی قیمت‌ها در این بازارهای بین‌المللی را میسر کند. این مسئله تضمین می‌کند که سهم بنیان‌های صنعت در تشکیل قیمت قرارداد آتی روغن خرمای خام مالزی افزایش یابد و در عین حال، عوامل بنیادی خاص بازار محلی در قیمت‌های هند و چین منعکس شود.

در نهایت، با افزایش تقاضا برای روغن خرما به‌عنوان یکی از نهاده‌های تولید سوخت زیستی، بازار قرارداد آتی روغن خرمای خام به‌عنوان دماسنج تغییرات در عوامل بنیادی بازار عمل می‌کند و هموار شفافیت و ایجاد میدان بازی را برای تسهیل این تعدیل فراهم می‌آورد. این تأثیر در افزایش سریع قیمت‌های آتی روغن خرمای خام جلوه‌گر است که به

نظر متخصصان این صنعت، بعد از معرفی سیاست ملّی سوخت زیستی مالزی به آن دامن زده شد که در آن، استفاده از روغن خرما به شدت تشویق می‌شد.

تأثیـــرات داخلی: ظاهرا قیمت‌های معاملات آتی بـــورس مالزی تأثیر محدودتری بر بازار داخلی داشته‌اند. نمایندگان صنعت می‌گویند که میانگین قیمت نقدی روزانه‌ی هیئت روغن خرمای مالزی بیشتر به‌عنوان مبنایی برای مبادلات بازار فیزیکی محلی عمل می‌کند. همچنین، کشـــت‌کاران کوچک خرما در مالزی قبـــل از معرفی قرارداد آتی روغن خرمای خام نیز از قیمت‌ها آگاهی داشتند. میانگین قیمت‌های نقدی روزانه‌ی هیئت روغن خرمای مالزی از طریق رادیو، روزنامه‌ها، تلویزیون و پیامک به نحو گســـترده‌ای منتشر می‌شود. به گفته ســـازمانی که نمایندگی زمین‌داران کوچک را برعهده دارد و در خارج از برنامه‌های دولتی عمل می‌کند، زمین‌داران مســـتقل از قیمت‌های هیئت روغن خرمای مالزی به‌عنوان قیمت مرجع در مذاکره با واســـطه‌ها استفاده می‌کنند. با وجود این، باید به این نکته توجه کرد که واسطه‌ها در قبال پذیرش ریسک عدم پذیرش محصول توسط کارخانه و همچنین تحمل هزینه‌های مرتبط با حمل و گردآوری، اغلب ســـود زیـــادی را به خود اختصاص می‌دهند (که گاهی به ۱۰ تا ۱۵ درصد می‌رسد).

۲-۴-۹ مدیریت ریسک قیمت

نخست اینکه باید توجه داشـــت که پیش‌نیازهای اصلی در محیط معاملاتی که مدیریت ریسک موثر قراردادهای آتی روغن خرمای خام مالزی را میسر می‌سازند به ترتیب زیر است:

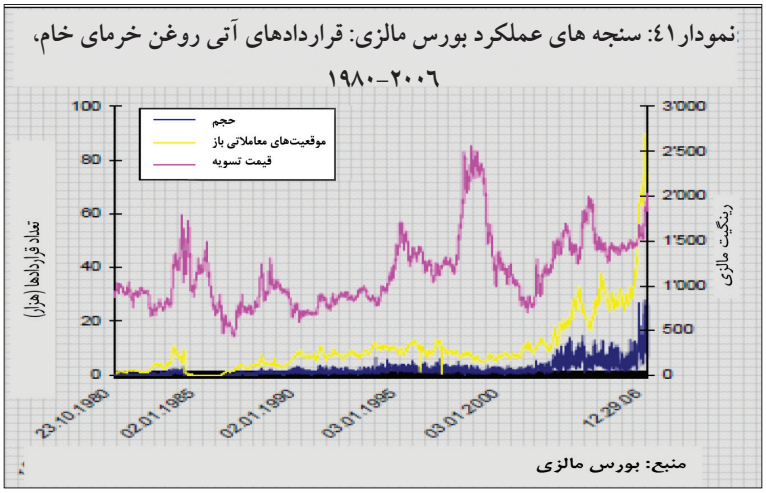
- وجود بازارهای نقد شـــونده (حجم معاملات ۳/۵ برابر تولید فیزیکی در سال ۲۰۰٦ بوده است (افزایش چشمگیر ۱/۹ برابری در سال ۲۰۰۵))؛
- معامله در محیط معاملاتی تحت نظارت و قانونمند، براساس قوانین و آیین‌نامه‌های بورس مالزی و با نظارت کمیسیون اوراق بهادار انجام می‌شود؛
- اطلاعات بازار به‌صورت شفاف منتشر می‌شود تا از نابرابری‌های اطلاعاتی که ممکن است به نفع برخی از گروه‌های همسود باشد جلوگیری شود؛
- اتاق پایاپای بورس به‌عنوان طرف اصلی عمل می‌کند تا عملکرد همه قراردادهایی که از طریق بورس انجام می‌شوند تضمین شود.

گفتگو با بورس و تعدادی از نمایندگان صنعت روغن خرما و فعالان بازار نشـــان داده است که اکثر کشتزارها، فراورها و صادرکنندگان عمده برای پوشش ریسک قیمت خود در بورس مالزی فعالیت می‌کنند و گاهی از این بســـتر به‌عنوان مبنایی برای تحویل یا دریافت کالا هم استفاده می‌کنند. با وجود این، با افزایش سریع قیمت روغن خرما به دلیل تقاضای

جدید برای صنعت سوخت زیستی، کشتزارها کمتر از این بازار استفاده می‌کنند؛ به عبارت دیگر، اعتماد به افزایش قیمت‌ها مدیران برخی کشـــتزارها را متقاعد کرده اســـت که نیاز کمتری به پوشش ریسک هست (به نمودار ٤١ نگاه کنید). برعکس، پالایشگاه‌ها انگیزه‌ی بیشـــتری برای پوشش ریسک دارند و از آن به‌عنوان ابزاری برای کنترل هزینه‌های خود به دلیل افزایش قیمت استفاده می‌کنند.

یک شـــرکت کشتزار و پالایشگاه یکپارچه توضیح می‌دهد که چگونه این شرکت از بازار قراردادهای آتی برای تسهیل فروش روغن خرمای خام برای تحویل در ۳ یا حتی ۵ سال آینده استفاده می‌کند. در طول این دوره، بورس مالزی برای پوشش ریسک قیمت به‌کار می‌رود. این مسئله انعطاف‌پذیری بازاریابی و عقد قرارداد را در این صنعت به نحو چشمگیری افزایش داده و جذابیت روغن خرما در بازارهای صادراتی جهان را بیشتر کرده است.

نمودار ٤١: سنجه های عملکرد بورس مالزی: قراردادهای آتی روغن خرمای خام، ۱۹۸۰-۲۰۰٦



منبع: بورس مالزی

پالایش کنندگان نیـــز معمولاً از این بازار برای پیشـــنهاد قیمت‌های پیمان‌های آتی به صاحبان کشـــتزارها اســـتفاده می‌کنند. در این مدل، کشـــتزار محصول خود را به صورت پیمان‌های آتی به پالایشگاه می‌فروشد و پالایشگاه، ریسک قیمت خود را در بازار معاملات آتی پوشـــش می‌دهد. بدین ترتیب، کشتزار سود فصلی خود را تضمین می‌کند و در عین حال، پالایشگاه هم هزینه‌ی نهاده‌ی اصلی خود را تثبیت می‌کند. این مسئله به نوبه‌ی خود برنامه‌ریزی تجاری، بودجه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای هر یک از طرفین را بهبود می‌بخشد.

وجود بستری محلی، در مقایسه با شرایط قبلی که قیمت پیمان‌های آتی و مدیریت ریسک از طریق فرابورس بازار تحویل در آینده‌ی رتردام انجام می‌شد مزیت‌های زیادی برای صنعت روغن

خرمای مالزی داشته است. هزینه‌ها و ریسک‌های مرتبط با دسترسی به بازار اکنون کاهش یافته‌اند. با نمایش بهتر عوامل بنیادین صنعت مالزی در تشکیل قیمت بازار ریسک مبنا نیز کاهش می‌یابد.

ولی در حال حاضر زمین‌داران کوچک در بازار معاملات آتی حضور ندارند. اکثر زمین‌داران کوچک مالزی بسیاری از ریسک‌های خود را از طریق مشارکت در برنامه‌های دولتی از قبیل فلدا پوشش می‌دهند. علاوه‌بر این، یکی از انگیزه‌های اصلی زمین‌داران کوچک مالزی برای ورود به برنامه‌های حمایتی یا باقی ماندن در این برنامه‌ها، فروش تضمینی به بازارهای بین‌المللی است که ثبات قیمت‌های آن‌ها از بازارهای محلی بیشتر است (موسسه‌ی بین‌المللی محیط زیست و توسعه، ۲۰۰۶:۱۷).

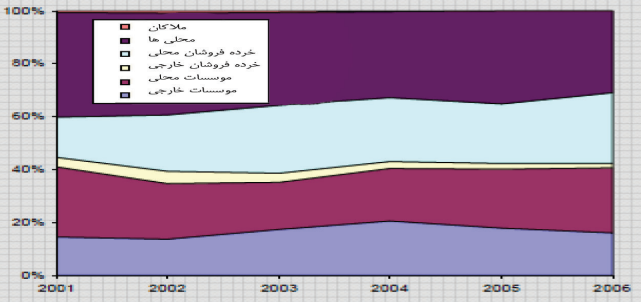
به گفته‌ی انجمن ملی کشاورزان کوچک[1] که نمایندگی زمین‌داران کوچک را برعهده دارد، آن‌ها بیش از مدیریت ریسک قیمت درگیر تولید و مدیریت مزرعه هستند. به دلیل نهاده‌های بی‌کیفیت، تکنیک‌های کشاورزی توسعه نیافته و سرمایه‌گذاری پایین به دلیل بی‌ثباتی در تصدی زمین‌ها و پرهیز از ریسک‌های طبیعی، ریسک حجم محصول نیز از ریسک قیمت اهمیت بیشتری دارد: وقتی درختان خرما بالغ می‌شوند و تولید آن‌ها آغاز می‌شود، کشاورزان کوچک برداشت‌های یکسان یا قابل پیش‌بینی ندارند. دو مطالعه نشان داده است که در میزان تولید خرماکارانی که در یک منطقه زندگی می‌کنند اختلاف حجم تولید بسیار شگفت‌انگیزی مشاهده می‌شود که گاهی حتی به حدود ۵۰ درصد اختلاف با میانگین نیز می‌رسد (موسسه‌ی بین‌المللی محیط زیست و توسعه، ۱۵: ۲۰۰۶). علاوه‌بر این، عدم نگرانی درباره‌ی ریسک قیمت با وضعیت کنونی تقویت می‌شود که در آن، قیمت‌ها بالا هستند و احتمال افزایش آن‌ها نیز وجود دارد.

با وجود این، توسعه‌ی تعاونی‌ها یکی از اولویت‌های اصلی انجمن ملی کشاورزان کوچک است. در حال حاضر، سطح سازماندهی در این بخش پایین است. درصورت افزایش سطح سازماندهی و حل مسایل بنیادین تولید[2] کشاورزان کوچک از مقیاس مورد نیاز برای مشارکت در بازارهای بورس مالزی برخوردار می‌شوند. به گفته‌ی رییس انجمن ملّی کشاورزان کوچک: "بهبود دسترسی به بازار یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل تعاونی است، چون برای آن‌ها بسیار مهم است که به جای پذیرنده‌ی قیمت، از طریق شرکت در بازارهای بورس مالزی به سازنده قیمت تبدیل شوند".

1- National Association of Smallholders (NASH)

۲- افزایش محصول از طریق مکانیزاسیون و حرفه‌ای سازی مدیریت مزرعه، بهبود نهاده‌های مورد نیاز برای کشت مجدد، بهبود کود و آفت‌کش و مواردی از این دست یکی از مشکلات اصلی تولیدکنندگان روغن خرماست.

نمودار۴۲: ترکیب بازار بورس مالزی: آتی‌های روغن خرمای خام، ۲۰۰۱-۲۰۰۶



منبع: بورس مالزی

۳-۴-۹ مکانی برای سرمایه‌گذاری

آنچـــه در زیر آمده، پیش‌نیازهای اصلی در محیط معاملاتی اســـت که قرارداد آتی روغـــن خرمای خام بورس مالزی را به قراردادی جذاب تبدیل می‌کند:

- وجود بازارهای نقدشونده؛
- معامـــلات در محیطی تحت نظـــارت و قانونمند، تحت قوانیـــن و آیین‌نامه‌های بورس مالزی و با نظارت کمیســـیون اوراق بهادار انجام می‌شـــوند (به بخش ۳-۹ نگاه کنید)؛
- اطلاعات بازار به صورت شـــفاف منتشر می‌شود تا از ایجاد نابرابری اطلاعاتی به نفع برخی گروه‌های همسود پرهیز شود؛
- اتاق پایاپای بورس به‌عنـــوان طرف اصلی معاملات عمل می‌کند تا هر قراردادی که از طریق بورس منعقد شده است تضمین شود.

داده‌ها نشـــان می‌دهد که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶، ترکیب قرارداد آتی روغن خرمای خام بازار بورس مالزی شامل ۴۰ درصد معاملات پوشش ریسک است (به نمودار ۴۲ نگاه کنید- پوشـــش دهندگان ریسک با نام موسسه نشان داده شده‌اند). از میان افرادی که در زمینه‌ی پوشش ریسک فعالیت دارند، تنها کمتر از نیمی از آن‌ها خارجی هستند. این وضعیت با ســـوداگران (در نمودار به‌عنوان خرده‌فروش نشان داده شده‌اند) تفاوت دارد که تنها بخش ناچیزی از آن‌ها از خارج از کشـــور هستند.

در دوره‌هـــای اخیر، شـــاهد تغییر قیمت زیادی بوده‌ایم و به دنبال اعلام سیاســـت سوخت زیســـتی دولت در سال‌های اخیر، قیمت‌ها روند صعودی به خود گرفته‌اند. از آنجا که روغن خرما در داخل مالزی مصرف چندانی ندارد و بیشـــتر آن صادر می‌شود،

افزایش قیمت‌ها معمولاً زیان‌آور محسوب نمی‌شوند، بلکه به نفع اقتصاد ملّی و فعالان زنجیره‌ی عرضه روغن خرما ازجمله کشاورزان محسوب می‌شوند.

معلوم نیست سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی روغن خرما تا چه حد در سبد فعالیت‌های سرمایه‌گذاران داخلی یا بین‌المللی نقش داشته است و به چه میزان، سرمایه‌گذاران و کشاورزان خرده‌پا به شیوه‌هایی که خارج از توان آن‌هاست به سوداگری می‌پردازند. با وجود این، اقدامات نظارتی به اجرا درآمده‌اند (به بخش ۳-۹ نگاه کنید) که سطح سوداگری در بازارها را کنترل، امکان نکول را محدود و سرمایه‌گذاری مسئولانه را ترویج کنند.

۹-۴-۴ تسهیل معامله فیزیکی کالا

در هنگام معرفی قرارداد آتی روغن خرمای خام بورس مالزی در سال ۱۹۸۰، بازارهای نقدی روغن خرما به خوبی توسعه یافته بودند و توسط سازمان‌هایی که قبل از هیئت روغن خرمای مالزی فعالیت داشتند مورد نظارت قرار می‌گرفتند. درنتیجه، بورس کالا برای تحریک بیشتر توسعه‌ی بازارهای فیزیکی فضای چندانی نداشت. مشخصات کیفی براساس درجه‌های صنعتی جا افتاده تعیین می‌شوند و عملکردهای بازار نقدی را دنبال کرده‌اند. سه نقطه‌ی تحویل به تسهیلات تانکرهای موجود در بندری در شمال (پنانگ/باترورث)، جنوب (جوهور) و مرکز (پورت کلانگ) در شبه جزیره مالزی متکی هستند. قیمت‌های مرجع نقدی توسط هیئت روغن خرمای مالزی ارائه می‌شوند و از پذیرش همه فعالان بازار برخوردارند.

با وجود این، بورس مالزی و قبل از آن بورس کالای کوالالامپور، کانال حمل قابل اعتمادی را برای روغن خرمای خام به‌عنوان آخرین چاره ایجاد کرده‌اند. پرسنل بورس، فعالان بازار و نمایندگان صنعت تأیید کرده‌اند که این صنعت به‌طور مستمر از قرارداد آتی روغن خرمای خام بورس مالزی به‌عنوان راهی معتبر برای دریافت و تحویل کالا استفاده می‌کند. با وجود این، فعالان بازار به دو محدودیت توجه کرده‌اند که برخی از فعالان این صنعت را در استفاده از فرایند تحویل محدود می‌کند: (۱) فقدان نقطه تحویل در شرق مالزی یعنی در ایالت‌های سباح و سراواک در جزیره‌ی برونئو که ۴۳ درصد منطقه تولید روغن خرما در سال ۲۰۰۵ را تشکیل می‌دهد؛ (۲) تحویل ممکن است در هر یک از این سه بندر باشد و این مسئله هزینه‌های بالقوه را نامشخص می‌کند. داده‌های تحویل برای سنجش اعتبار این نظرات در دست نیست.

۹-۴-۵ تسهیل تأمین مالی بخش کشاورزی

در حال حاضر، به نظر نمی‌رسد عملیات بورس با تأمین مالی بخش روغن خرمای مالزی ارتباط داشته باشد. کشاورزان کوچک مستقیماً با خود روغن خرما که محصول پالایش شده است ارتباط ندارند. به هر صورت، بسیاری از آن‌ها از طریق برنامه‌های دولتی عمل می‌کنند که خطوط اعتباری یارانه‌ای ارائه می‌دهند. ولی شاید باید برای هدایت منابع مالی به‌سوی کشاورزان کوچک مستقل راه‌های بهتری پیدا کرد. "از نظر دسترسی به سرمایه،... بانک‌های بین‌المللی داخلی وام‌های بزرگی را در اختیار زمین‌دارن بزرگ قرار می‌دهند، ولی به دلایلی نظیر فقدان صلاحیت اعتباری و حجم پایین معاملات و در نتیجه بالا بودن صرف ریسک برای مراوده با کشاورزان کوچک، با آن‌ها همکاری نمی‌کنند "(موسسه‌ی بین‌المللی محیط زیست و توسعه، ۱۹: ۲۰۰۶). خوشه‌های تازه‌ی خرما ظرف ۲۴ ساعت به‌کارخانه‌ها تحویل می‌شوند تا مانع از کاهش کیفیت آن‌ها شود و بنابراین، مدل تأمین مالی براساس قبض انبار برای کشاورزان کوچک عملی نیست. شاید مدل دریافت وثیقه (که با استفاده از ابزارهای تأمین مالی روستایی در برزیل شباهت دارد) برای این منظور مناسب‌تر باشد.

۹-۴-۶ توسعه‌ی بازار

آموزش و ظرفیت‌سازی: بورس مالزی با همکاری واسطه‌ها سمینارهای ماهیانه‌ای را در زمینه‌های منتخب مرتبط با مالزی برگزار می‌کند تا سرمایه‌گذاران را از محصولات این کشور آگاه کند. بورس همچنین کنفرانس و نمایشگاه سالانه خرما و روغن‌های لوریک و چشم‌اندازهای آینده روغن خرما را نیز برگزار می‌کند که رخداد برجسته‌ای در تقویم سالیانه روغن‌ها و چربی‌هاست. بورس مالزی و بورس کالای دالیان به‌صورت مشترک کنفرانس بین‌المللی روغن و دانه‌های روغنی چین را سازماندهی می‌کنند. بورس مالزی همچنین در کنفرانس‌های بین‌المللی و بازدیدهایی که شورای روغن خرمای مالزی برگزار می‌کند نیز شرکت دارد.

سایر تأثیرات توسعه‌ی بازار: به‌طور غیرمستقیم، تأمین بستری برای کشف قیمت و مدیریت ریسک جهانی (به نظر دولت و صنایع) توسعه‌ی صنعت روغن خرمای مالزی را تسهیل کرده و رشد بازارهای صادراتی مهم را میسر ساخته است. صدور مجوز قیمت‌های تسویه‌ی قراردادهای معاملات آتی روغن خرما به بورس کالای هند و همکاری با بورس کالای دالیان برای توسعه‌ی قرارداد چینی روغن خرما (که قبلاً به آن اشاره کردیم) نیز ممکن است یکی از عوامل هر چند فرعی در تسهیل گسترش

بازارهای صادراتی اصلی باشـــد. دومین تأثیر غیرمســـتقیم را انجمن ملّی کشـــاورزان کوچک مطرح کرده اســـت که نمایندگی کشـــاورزان کوچک مستقل مالزی را برعهده دارد. بالاتریـــن اولویت برای این انجمن (یعنی سیاســـت دولـــت در ارتباط با بخش کشاورزان کوچک) تجاری‌سازی و تشکیل تعاونی است. رییس انجمن ملّی کشاورزان کوچک گفته است که یکی از انگیزه‌های اصلی افزایش سازماندهی کشاورزان خرده‌پا، تســـهیل دسترسی به بازارها برای فعالیت‌هایی از قبیل مدیریت ریسک قیمت است.

فصل ۱۰- آفریقای جنوبی

۱-۱۰ توسعه‌ی تاریخی بازارهای کشاورزی و بازارهای کالاهای مورد مطالعه

۱-۱-۱۰ وضعیت کشور

تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار آمریکا، به قیمت‌های جاری) سال ۲۰۰۶:	۲۵۵	میانگین رشد تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۵/۳
سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی (دلار آمریکا، به قیمت‌های جاری) سال ۲۰۰۶:	۵۳۸۴	رشد سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۷۷
جمعیت (میلیون نفر) در سال ۲۰۰۶:	۴۷	رشد جمعیت طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۰:	٪۲۹
شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۱۹۹۰ (سال ۲۰۰۰ به‌عنوان ۱۰۰):	۴۲	شاخص قیمت مصرف کننده در سال ۲۰۰۵ (سال ۲۰۰۰ به‌عنوان ۱۰۰)	۱۲۸
تراز حساب جاری (میلیارد دلار آمریکا) سال ۱۹۹۰:	۱/۵	تراز حساب جاری (میلیارد دلار آمریکا) سال ۲۰۰۶:	-۱۶/۴
کشاورزی- سهم از تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۶:	٪۳	سهم کشاورزی از درآمدهای صادراتی ۲۰۰۵:	٪۱۰
کشاورزی- سهم از اشتغال در سال ۲۰۰۳:	٪۱۰	سهم ۲۰٪ فقیرترین افراد از درآمد ملی:	٪۳/۵
مساحت (میلیون کیلومتر مربع) سال ۲۰۰۵:	۱/۲	امید به زندگی در بدو تولد (سال) در سال ۲۰۰۵:	۴۸
نرخ باسوادی بزرگسالان ۲۰۰۶:	٪۸۲		

۲-۱-۱۰ توسعه‌ی تاریخی

آفریقای جنوبی دارای بزرگ‌ترین اقتصاد آفریقا و بیشترین سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی در این قاره است که چهار برابر میانگین سطح آفریقاست. با وجود این، رفاه نسبی، نابرابری‌های گسترده در توزیع و دسترسی به منابع را که میراث نظام تبعیض نژادی آپارتاید است پنهان می‌سازد. همین میراث را می‌توان در ساختار دوگانه‌ی کشاورزی آفریقای جنوبی نیز دید که در آن، بخش کشاورزی تجاری توسعه یافته با بخش کشاورزان کوچک و کشاورزی معیشتی که به بخش کشاورزان نوپا معروف است همزیستی دارد.

بعد از سال ۱۹۴۵، ویژگی کشاورزی آفریقای جنوبی سخت‌گیرانه‌تر شدن قوانین تبعیض نژادی همراه با افزایش سطوح دخالت دولت بود. این دخالت‌ها از رویکردی دو سویه پیروی می‌کرد. از یک سو، بخش کشاورزی تجاری با یارانه‌های سخاوتمندانه، حمایت‌های قیمتی،

حمایت در برابر رقابت خارجی و تجاری‌سازی با حمایت دولت در چارچوب جایگزینی واردات تقویت شد (وان زیل فنیز و وینک، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۲). از سوی دیگر، سرزمین‌های مادری سیاهان از طریق پروژه‌های بزرگی که به صورت متمرکز مدیریت می‌شدند و جوامع محلی هیچ دخالتی در اداره آن‌ها نداشتند فشار روزافزونی را تجربه می‌کردند" (وینک و کریستن، ۱۱: ۲۰۰۰).

کادر ۲٦: ویژگی‌های کشاورزی آفریقای جنوبی در طول دوران آپارتاید

- هزینه‌های زیاد ناشی از موازی کاری نهادی چشمگیر در زمینه‌ی نظارت و بازاریابی؛
- تفاوت‌های گسترده در دسترسی به زمین و سرویس‌های خدماتی؛
- صادرات منظم مازاد مواد خوراکی با وجود سوء تغذیه گسترده در میان جمعیت؛
- افزایش چشمگیر قیمت نهاده‌های کشاورزی با سرعتی بیش از قیمت محصولات؛
- آسیب زیست محیطی شدید در مناطق کشاورزی تجاری و مناطق سیاه‌پوست نشین؛
- نرخ‌های بالای رشد قیمت زمین‌های زراعی به دلیل یارانه‌ها و تحریف‌های ناشی از سیاست‌های قیمتی؛
- آسیب‌پذیری در برابر خشکسالی‌هایی از قبیل خشکسالی‌ای که در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ این قاره را دچار خود کرد؛
- سطح بالای عدم قطعیت در میان کشاورزان سیاه‌پوست و سفیدپوست، درباره‌ی حمایت‌های قانونی با توجه به کوچ‌های اجباری و تثبیت سرزمین‌های سیاه‌پوست نشین.

منبع: وینک و کریستن ۲۰۰۰

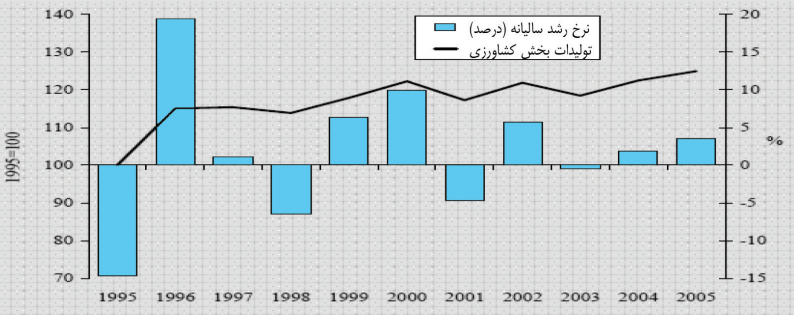
درحالی‌که نظام آپارتاید در کشاورزی، زیرساخت‌های توسعه یافته‌ای را برای انبارش و تدارکات ایجاد کرد، تحریف‌ها و ناکارایی‌های ناشی از این ساختار بسیار گسترده بود (به کادر ۲٦ نگاه کنید). تا سال ۱۹۸۰، مدت‌ها قبل از گذار دموکراتیک، عملکرد کشاورزی نامطلوب نمایانگر نیاز فوری به اصلاحات بود. به دنبال آزادسازی مالی آفریقای جنوبی در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، نخستین دوره‌ی آزادسازی کشاورزی شاهد کاهش سخت‌گیری در زمینه‌ی کنترل قیمت‌ها و کاهش حمایت دولت بود. با وجود این، جدی‌ترین دوره‌ی اصلاحات در دهه‌ی ۱۹۹۰ و پس از سقوط نظام آپارتاید بود.

تغییر در سیســـتم کشاورزی آفریقای جنوبی نمایانگر تغییر در جامعه‌ی گسترده‌تر است و بنابراین موضوع بسیاری از همان الزامات دوران بعد از آپارتاید، "ازجمله باز توزیع زمین، برنامه‌های حمایتی کشـــاورزی برای جوامع کشاورزان محروم و برنامه‌ی گسترده‌ی افزایش قدرت اقتصادی جمعیت ســـیاهان بود" (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی ، ۱: ۲۰۰۶). ابزارها و نهادهای جا افتاده‌ی دخالت کشاورزی با جانبداری ساختاری از بخش کشاورزی تجاری مرتبط هستند. بنابراین، دولت دموکراتیک جدید مقررات زدایی را ابزاری برای غلبه بر میراث نظام آپارتاید می‌داند. درنتیجه، کنترل زدایی ناگهانی و گســـترده در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ به کاهش چشـــمگیر تعرفه‌های واردات، حذف کنترل‌های صادراتی و کاهش‌های شدید بیشتر در حمایت از بخش تجاری منجر شد. قانون اصلی که مبنای این اصلاحات بود قانون بازاریابی مصوب سال ۱۹۹۶ است که چهار هدف را دنبال می‌کرد:

- افزایش دسترسی به بازار برای همه فعالان؛
- افزایش کارایی بازاریابی کشاورزی؛
- بهینه‌سازی درآمدهای صادراتی محصولات کشاورزی؛
- افزایش زیست‌پذیری و مقاومت بخش کشاورزی.

علاوه‌بر این، اگرچه دخالت دولت در چارچوب نهادی جدید امکان‌پذیر است، ولی این کار تنها تحت شرایط بسیار خاص و بعد از مشورت با همه‌ی طرف‌هایی که از این دخالت‌ها تأثیر می‌پذیرند مجاز اســـت. این قانون همچنین مسیری را برای حذف ســـریع هیئت‌های بازاریابی دولتی ایجاد کرد. بدین ترتیب از آوریل تا دســـامبر سال ۱۹۹۷ چهارده هیئت منحل شدند که ازجمله می‌توان به هیئت‌های ذرت و گندم اشـــاره کرد. برخی از این هیئت‌ها در فرایندی مشارکتی که این قانون ایجاد کرده بود دوباره تشکیل شدند ولی از اختیارات انحصاری‌ای که قبل از سال ۱۹۹۶ در زمینه‌ی بازاریابی و صادرات داشتند برخوردار نبودند. با این وجود، این مسئله در صنعت غلات رخ نداد.

نمودار۴۳: نوسانات بخش کشاورزی آفریقای جنوبی، ۲۰۰۵-۱۹۹۵



منبع: سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (۲۰۰۷)

قانون بازاریابی "بخشـــی از راهبرد دقیق دولت برای تجدید ســـاختار اقتصاد آفریقای جنوبـــی در دوران پس از آپارتاید بود. دولت چارچوبـــی را برای این کار ایجاد کرد و به بخش‌های مختلف اجازه داد مســـیر حرکت خود را در داخل چارچوب سیاست‌هایی که دولت تعیین می‌کرد انتخاب کنند. خط زمانی برای کنترل‌زدایی ترســـیم گردید و شورای ملّی بازاریابی کشـــاورزی که نماینده‌ی طرف‌های ذینفع بود و در قانون تعریف شده بود، به‌منظور تســـهیل گذار تأسیس گردید" (اسکریمگور و شپارد، ۱۹۹۸:۱٦). به‌ویژه شفافیت و قطعیتـــی که در چارچوب نهادی جدید نهفته بود به‌عنوان یک نقطه‌ی قوت محســـوب می‌شـــود و دولت این تصمیم راهبردی را اتخاذ کرده است که به جای دخالت مستقیم در تصمیم‌گیری‌های تجاری، نقشی نظارتی را ایفا کند. این انضباط با تصمیم آفریقای جنوبی برای عضویت در سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ تقویت شد.

تأثیر این راهبرد دولت (فرایند تعریف شده‌ی ناگهانی ولی شفافی که نقشی را برای هر یک از گروه‌های صنعتی قایل بود) وادار ســـاختن گروه‌های مخالف قبلی به همکاری در طراحی مجموعه‌ی جدیدی از ساختارها و رویه‌ها برای بخش کشاورزی بازارنگر بود که در معرض بازار بسیار رقابتی جهانی قرار دارد.

حذف کنترل‌های قیمت، رویکردی صادراتی به توســـعه‌ی اقتصادی، نرخ متغیر ارز و تغییرات شدید شـــرایط جوی و طبیعی آفریقای جنوبی محیط کشاورزی‌ای را ایجاد کرد که ســـطوح بالای نوسان ستاده‌ها (به نمودار ٤۳ نگاه کنید) و قیمت‌ها (به نمودار ٤٤ نگاه کنید) ویژگی آن بود. در این محیط، افزایش توانمندی بخش کشاورزان نوپا یکی از الزامات اصلی است و اصلاحات ارضی نیز در صدر اولویت‌های سیاستی قرار دارد.

۳-۱-۱۰ چکیده چالش‌های کشاورزی اصلی در طول زمان

- گذار به سیستم بازار محور کشاورزی؛
- ایجاد نهادهای بازار برای تسهیل معاملات؛
- ایجاد بخش کشاورزی ای که از توانایی رقابت در عرصه‌های بین‌المللی برخوردار باشد؛
- حل نابرابری‌های گسترده و دوگانگی ریشه‌دار در این بخش؛
- ایجاد ثبات درآمد در بازارهای پر نوسان کالا.

۴-۱-۱۰ کالاهای مورد مطالعه: ذرت سفید، گندم نان[۱]

ذرت سفید

ویژگی‌ها و فرایند صنعت

ذرت از غلاتی اســـت که در بخش‌های گسترده‌ای از جهان کشت می‌شود. ذرت سفید معمولاً مصرف خوراکی دارد و توســـط آســـیاب‌های ذرت به خوراک ذرت برای مصرف انســـان تبدیل می‌شـــود. برعکس، ذرت زرد معمولاً به‌عنوان خوراک دام کشـــت می‌شود (بورس سهام ژوهانسبورک[۲]/ سافکس[۳] هر دو گونه را معامله می‌کند).

ساختار صنعت و زنجیره‌ی عرضه

ذرت ســـفید مهمترین محصول آفریقای جنوبی است و بیشترین حجم و ارزش تولید را بـــه خود اختصاص داده اســـت و به‌عنوان خوراک دام و غـــذای اکثر جمعیت آفریقای جنوبی کاربرد دارد (کمیته‌ی پایش قیمت مواد خوراکی[۴]، ۲۰۰۳). در سال ۲۰۰۶، ذرت ۴۲ درصـــد از ارزش ناخالص محصولات زراعی و ۱۰ درصد ارزش ناخالص کل محصولات کشاورزی آفریقای جنوبی را تشکیل می‌داد.



مزارع تجاری همراه با کشاورزان غیررسمی و نوپا (یعنی کشاورزانی که دارای زمین‌های کوچک‌تری یا مشاع هســـتند) که معمولاً در طول دوران آپارتاید محروم بودند به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در ســـال ۲۰۰۲، تقریباً ۹۰۰۰ کشـــاورز تجاری ذرت وجود داشت که ۱۵۰۰۰۰ کارگر مزرعه را در اســـتخدام داشـــتند. بیش از ۸۰ درصد تولید این محصول در ایالت فری، اســـتان شـــمال غربی و امپومالانگا در شمال کشور انجام می‌شود و حجم‌های

۱- این بخش به شدت وامدار بخش ۴ (تحلیل زنجیره‌های ارزش مواد خوراکی منتخب) گزارش نهایی کمیته‌ی پایش قیمت‌گذاری مواد خوراکی، ۲۰۰۳ است.

2- JSE

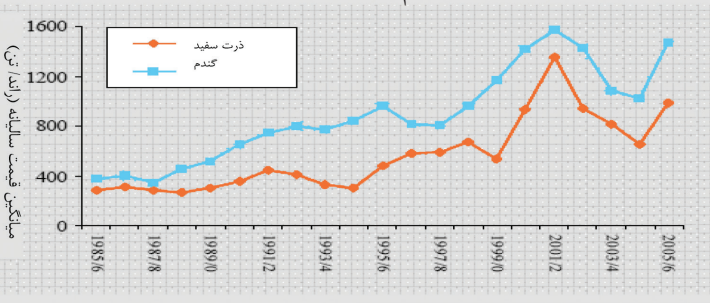
3- South Africa Futures Exchange (SAFEX).

4- Food Pricing Monitoring Committee (FPMC)

کمتری در نقاط دیگر تولید می‌شوند. سیلوهای غلات نیز در شمال کشور متمرکز هستند و اکثراً در مالکیت شرکت‌های تعاونی یا تعاونی‌های سابقی هستند که از زمان کنترل‌زدایی این صنعت به شـــرکت‌های زراعی تبدیل شـــده‌اند. زیرساخت‌های انبارش و حمل و نقل معمولاً از استانداردهای بالایی برخوردارند، چون نظام آپارتاید توسعه‌ی این زیرساخت‌ها را در راهبردهای کشـــاورزی در اولویت قرار داده بود. علاوه‌بر این، جریان منابع مالی در مناطق روستایی، به‌ویژه کشاورزی تجاری کارآمد است.

صنعت آســـیاب ذرت بسیار متمرکز است: چهار شرکت ۷۵ درصد از سهم بازار را در اختیار دارند. این ســـاختار میراث سیســـتم بازاریابی کنترل شده است که در آن، دسترسی گزینشـــی به انبارهـــای ذرت، بخش عمده‌ی ذرت مورد نیاز آســـیاب‌های صنعتی، توزیع کنندگان و خرده‌فروشـــان را تأمین می‌کرد (کمیته‌ی پایـــش قیمت‌گذاری مواد خوراکی، ۲۰۰۳). با وجود این، کارخانه‌های غیررسمی تولید آرد به میزان چشمگیری گسترش یافتند و حدود ۱۹۰ کارخانه‌ی آرد حدود ۵۳۰۰ نفر را در استخدام خود داشتند.

نمودار٤٤: روند قیمت محصولات کشاورزی در آفریقای جنوبی: ذرت سفید و گندم، ۲۰۰٦-۱۹۸۵



منبع: چکیده آمارهای بخش کشاورزی (۲۰۰۶)

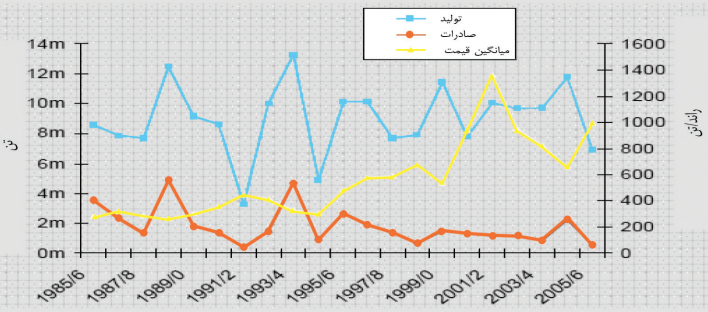
توسعه‌ی صنعت

همان‌طـــور که در بخش قبل توضیح دادیم، صنعت غلات در ســـال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹٦ به‌عنوان بخشـــی از اصلاحات کشاورزی گســـترده‌تر، کنترل‌زدایی سریعی را تجربه کرد. بازارهـــای غلات آفریقـــای جنوبی اکنون آزاد و باز هســـتند و آفریقای جنوبی به یکی از بازیگران فعال بازارهای جهانی رقابتی تبدیل شده است.

معامـــلات جهانی غلات با دلار ایالات متحده آمریکا انجام می‌شـــود و نرخ ارز راند-دلار در سال‌های اخیر نوسانات شدیدی داشته است. در ترکیب با تغییرات جوی سالانه‌ی آفریقای جنوبی، این وضعیت موجب سطوح بالای تغییر قیمت‌ها، ستاده‌ها و صادرات شده

است (به نمودار ٤٥ نگاه کنید). علاوه‌بر این، قیمت‌ها به‌سرعت بین واردات و صادرات در نوسان بود و این نوسانات به اندازه‌ای بود که وارد کردن غلات خارجی و صادرات غلات آفریقای جنوبی به لحاظ هزینه‌ها مقرون به صرفه بود. با توجه به بازارهای جهانی رقابتی و حضور فعال شـــرکت‌های تجاری داخلی و چند ملیتی، شـــفافیت در برابری قیمت‌های واردات و صادرات نشانه‌ی مهمی برای این صنعت است.

نمودار٤٥: عملکرد بازار آفریقای جنوبی: ذرت سفید، ۲۰۰٦-۱۹۸۵



منبع: دپارتمان ملی کشاورزی . چکیده آمار کشاورزی (دسامبر سال ۲۰۰۶)

کاربردها و کاربران

ذرت ســـفید در آفریقای جنوبی در اصل به‌عنوان خوراک انســـان به‌کار می‌رود و در آشـــپزی آفریقایی اهمیت زیادی دارد. هنگامی که آفریقای جنوبی دارای مازاد تولید ذرت باشد، معمولاً ذرت را به جنوب آفریقا و ژاپن صادر می‌کند. آفریقای جنوبی هنوز صنعت ســـوخت زیستی چشمگیری ندارد. ولی دولت در زمینه‌ی مسیر آینده و مقرراتی که برای ایجاد این صنعت ضروری اســـت مشـــورت‌هایی را آغاز کرده است. ذرت و شکر هر دو از نهاده‌های بالقوه‌ی توســـعه‌ی سوخت‌های زیستی هستند. ذرت را نهاده‌ای جذاب برای سوخت زیستی می‌دانند، چون منبع درآمد اضافی برای کشاورزان معیشتی است. با وجود این، با توجه به کمبود منابع آب و نوســـان چشمگیر قیمت ستاده‌ها، نگرانی‌هایی درباره‌ی امنیت غذایی مطرح شده است (AllAfrica.com, ۲۰۰۷).

گندم آرد نان

ویژگی‌ها و فرایند صنعت

گندم از غلاتی اســـت که در سرتاسر جهان کشت می‌شـــود. این غله برای تولید آرد آسیاب می‌شود و در صنعت پخت نان به‌کار می‌رود.



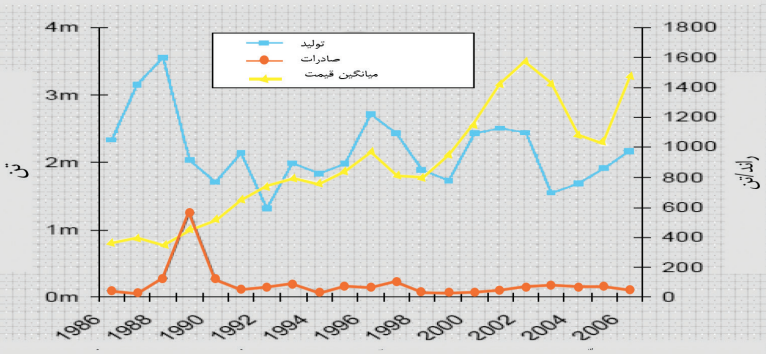
ساختار صنعت و زنجیره‌ی عرضه

گندم بعد از ذرت دومین محصول مهم زراعی آفریقای جنوبی است و در سال ۲۰۰٦، ۱۰ درصد ارزش ناخالص محصولات زراعی و ۳ درصد کل محصولات کشاورزی آفریقای جنوبی را تشکیل می‌داد.

در جنوب آفریقا بین ۵ تا ٦ هزار نفر در زمینه‌ی کشت تجاری گندم فعالیت دارند و تعداد بسیار بیشتری از کشاورزان کوچک نیز به کشت گندم می‌پردازند. تولید گندم بین دو منطقه‌ی تولیدی عمده تقسیم می‌شود: یکی از این مناطق در بخش مرکزی کشور در ایالت فری و منطقه‌ی دیگر در کیپ غربی در منتهی‌الیه جنوب واقع است. این دو منطقه تقریباً ۷۵۰ کیلومتر با یکدیگر فاصله دارند. سیلوهای گندم نیز همچون ذرت، در شمال کشور متمرکز هستند. بنابراین تولیدکنندگان کیپ غربی با بازارهای عمده فاصله زیادی دارند و این به زیان آن‌هاست.

از آنجا که آرد کردن گندم از ذرت گران‌تر است، صنعت آرد سازی گندم دارای تمرکز بیشتری است. چهار کارخانه‌ی عمده‌ی تولید آرد ۸۷ درصد از سهم بازار را در دست دارند. با وجود این، تعدادی از واحدهای آردسازی کوچک‌تر از زمان کنترل زدایی وارد بازار شده‌اند و سطح رقابت را افزایش داده‌اند. علی‌رغم این، استفاده از ظرفیت تولید کاهش یافته و میانگین هزینه‌ها افزایش یافته است. کارخانه‌های بزرگ آرد نسبت به‌کارخانه‌های تازه وارد کوچک مزیت‌هایی دارند. معمولاً این کارخانه‌ها به‌صورت عمودی در صنعت پخت ادغام می‌شوند و در زمینه‌ی خرید و مدیریت ریسک مهارت‌های ویژه‌ای به دست می‌آورند.

نمودار٤٦: عملکرد بازار آفریقای جنوبی: گندم، ۲۰۰٦-۱۹۸۵



منبع: دپارتمان ملی کشاورزی. آمارهای بخش کشاورزی (۲۰۰۶)

واحدهای پخت نان به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

مراکز عمده‌ی پخت نان که در مقیاس صنعتی فعالیت دارند؛ نانوایان مستقل که به‌صورت انفرادی عمل می‌کنند؛ خرده‌فروشـــان که در مغازه‌هایشـــان به پخت نان می‌پردازند؛ نانوایان کوچک که قبلاً از گروه‌های محروم بوده‌اند و معمولاً در مقیاسی کوچک فعالیت دارند. از زمان کنترل‌زدایی، تعداد واحدهای پخت نان از ۳۰۰۰ عدد به بیش از ۷۹۰۰ عدد افزایش یافته است. همچنین طبق برخی برآوردها، بیش از ۵۰۰۰۰ نانوایی غیررســـمی نیز فعالیت دارند. درنتیجه، صنعت پایین دستی گندم منبع چشمگیری از اشتغال در کشور محسوب می‌شود.

توسعه‌ی صنعت

گندم نیز همچون ذرت در ســـال ۱۹۹۷ کنترل‌زدایی را تجربه کرد که به بازاری آزاد و باز منتهی شـــد. این محصول نیز همانند ذرت با نوســـانات زیادی روبروست که ناشی از نوسانات ارزش پول و ستاده‌هاست (به نمودار ٤٦ نگاه کنید).

کاربردها و کاربران

بخش عمده‌ی گندم آفریقای جنوبی به مصرف خوراک انســـان می‌رسد. مقادیر بسیار کمتری از گندم کم کیفیت‌تر به‌عنوان خوراک دام به‌کار می‌رود. گندم آرد شده برای تولید نان و کیک به‌کار می‌رود.

خلاصه: ویژگی‌های برجسته‌ی بازار نقدی

- نوسان زیاد ناشی از تغییرات شرایط جوی و نوسان نرخ ارز؛

- بازارهای آزاد و باز، با حساسیت زیاد در برابر سطوح تعادل قیمت‌های وارداتی و صادراتی؛
- زیرساخت‌های توسعه‌ی یافته فیزیکی (سیلو، تدارکات، صدور گواهی)؛
- یکپارچگی زیاد با بخش مالی؛
- دوگانگی میان تولیدکنندگان تجاری که از راهبردهای بازاریابی پیچیده استفاده می‌کنند و کشاورزان نوپا که هنوز در حال فراگیری تکنیک‌های اساسی تولید و بازاریابی حرفه‌ای هستند.

۲-۱۰ ظهور بورس و توسعه‌ی قراردادها- بورس سهام ژوهانسبورگ/ بخش محصولات کشاورزی بورس آفریقای جنوبی

سال تأسیس: ۱۹۹۵ (بورس معاملات آتی آفریقای جنوبی) ۱۸۸۷/بورس سهام ژوهانسبورگ)	مکان: ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی
ابزارهای مورد معامله: سهام، قراردادهای آتی و اختیار معامله مالی (شاخص سهام، سهام انفرادی، نرخ بهره، ارز)، قراردادهای آتی و اختیار معامله کالا	کالاهای مورد معامله: شش قرارداد برای پنج کالا (ذرت سفید X۲، ذرت زرد، گندم، تخم آفتاب‌گردان، سویا)
مالکیت: شرکت سهامی عام ثبت شده در بورس ژوهانسبورگ	سیستم معاملاتی: سیستم معاملات الکترونیکی از طریق سیستمی که به‌طور سفارشی توسط یک تولیدکننده مستقل نرم‌افزار ساخته شده است
اتاق پایاپای: اتاق پایاپای داخلی	ناظر بازار: هیئت خدمات مالی (FSB[۱۸])
حجم کل معاملات آتی و اختیار در سال ۲۰۰۶: ۱۰۵ میلیون	حجم معاملات آتی و اختیار کالا در سال ۲۰۰۶: ۱/۹ میلیون
رتبه کسب شده بر اساس رتبه‌بندی جهانی FIA در سال ۲۰۰۶ (همه بورس‌های معاملات آتی بر مبنای حجم کل مشتقات) : ۱۹	رتبه کسب شده بر اساس رتبه‌بندی جهانی آنکتاد در سال ۲۰۰۶(بورس‌های کالا – فقط حجم مشتقه‌های کالا):۲۰

وبسایت: http://www.safex.co.za/ap

بورس معاملات آتی آفریقای جنوبی (سافکس) در سال ۱۹۸۸ و بعد از آزادسازی مالی آفریقای جنوبی در دهه‌ی ۱۹۸۰ به‌عنوان بورس قراردادهای آتی مالی تأسیس گردید. بخش بازارهای کشاورزی[۲] (AMC) در سال ۱۹۹۵ به‌عنوان بخشی جداگانه از سافکس تشکیل شد. سافکس تنها بازار فعال قراردادهای آتی کالا در آفریقای جنوبی و کل قاره آفریقا بود و هنوز هم هست.

این واقعیت که قراردادهای آتی مالی در آفریقای جنوبی قبل از قراردادهای آتی کالا روانه‌ی بازار شدند با سایر بازارهای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته که در آن‌ها، مشتقه‌های مالی معمولاً درنتیجه‌ی کاربرد آنچه در بخش کالا جواب داده است در بخش مالی ظاهر می‌شوند تفاوت دارد. دلیل ایجاد این وضعیت در آفریقای جنوبی این است که

1- Financial Services Board (FSB)
2- Agricultural Markets Division (AMD)

آزادسازی بخش مالی قبل از بخش کشاورزی انجام شد[1].

در سافکس، به‌ویژه در بخش محصولات کشاورزی، با فروش ۸٤ کرسی برای تأمین سرمایه‌ی نقدی مورد نیاز برای آغاز فعالیت‌ها اعضای جدیدی جذب شده‌اند. بخش کالاهای کشاورزی از همان ساختار عضویت و سکوی معاملات الکترونیکی بخش مالی بورس سافکس استفاده می‌کند. این بازار با قراردادهای قراردادهای آتی گوشت گوساله و سیب‌زمینی کار خود را آغاز کرد (هر دو قرارداد بر مبنای تسویه‌ی نقدی معامله می‌شدند). این قراردادها طرفدار چندانی را جذب نکردند و بعد از دو سال از فهرست قراردادهای این بورس حذف شدند. در عوض، در ماه می سال ۱۹۹٦ قرارداد پیشرویی[2] روانه‌ی بازار شد که در نهایت موفقیت بخش محصولات کشاورزی را تسهیل کرد (قرارداد قراردادهای آتی ذرت سفید (به بخش زیر نگاه کنید) که همراه با قرارداد قراردادهای آتی ذرت زرد روانه‌ی بازار شد).

زمانبندی روانه کردن این قراردادها به بازار مناسب بود. قراردادهای ذرت کمی قبل از تصویب قانون بازاریابی کشاورزی مصوب سال ۱۹۹٦ روانه‌ی بازار شدند که در اول ژانویه سال ۱۹۹۷ اجرایی شد. این قانون به کنترل‌زدایی گسترده‌ی بازارهای غلات آفریقای جنوبی و از جمله انحلال هیئت‌های بازاریابی منتهی شد. مجموعه‌ی جدیدی از عملکردها و تولیدکنندگان صنعتی باید ایجاد شوند. بنابراین بورس برای ایفای نقشی مهم در هماهنگی با نمایندگان صنعت و تأمین‌کنندگان مالی در جایگاه مناسبی قرار داشت. در فرایندی که با همکاری بسیار نزدیکی همراه بود و ذینفعان صنعت نیز در آن دخیل بودند، سیستم تحویل مستحکمی برای بورس طراحی شد که سیستم رسیدهای سیلوی قابل انتقال را نیز شامل می‌شد. این مسئله یکپارچگی بازارهای نقدی و آتی را تضمین کرد، فعالان بازار را از وجود کانالی امن برای تحویل مطمئن کرد و سطح زیادی از انسجام میان بخش‌های کالا و مالی را میسر ساخت.

از آنجا که شرایط بازار آزاد مفهوم جدیدی بود که برای بخش کشاورزی آفریقای جنوبی تازگی داشت، آموزش عمیق کشاورزان، کارخانه‌های آرد و معامله‌گران درباره‌ی خدمات بورس و نحوه‌ی استفاده‌ی موثر از آن‌ها الزامی بود. پرسنل بورس سفرهای زیادی را آغاز کردند و در جلسات کشاورزان در سرتاسر کشور شرکت می‌کردند تا آنان را در زمینه‌ی مزیت‌های مدیریت ریسک قیمت با استفاده از قراردادهای آتی آگاه کنند. اعضای بورس (که از زمان خرید کرسی‌های بخش بازارهای کشاورزی به این فرایند متعهد شده بودند) نیز در این تلاش آموزشی کمک کردند. حضور معامله‌گران بین‌المللی غلات در آفریقای جنوبی منبع دیگری را برای یادگیری فراهم کرد (معامله‌گران محلی از فرصت

۱- دراین بخش از داده‌های اشتورگس بهره‌ی زیادی برده‌ایم (۲۰۰۵).

2- Flagship contract

کشف شیوه‌های معاملاتی جدید و استفاده از معاملات تفاوت قیمت[1] و ریسک مبنا برای بهبود سود و کاهش ریسک‌ها برخوردار شدند).

همه‌ی افراد از بازار معاملات آتی با آغوش باز استقبال نمی‌کنند. بسیاری از تولیدکنندگان و کارخانه‌های آرد از نوسان قیمت‌های ناشی از بازار آزاد می‌ترسیدند. رقابت جهانی سخت بوده است، به‌ویژه اینکه رقابت کننده‌های جهانی معمولاً از یارانه برخوردارند ولی کشاورزان آفریقای جنوبی از چنین شانسی برخوردار نیستند. بنابراین فعالان بازار که با بیشترین سرعت خود را با ابزارهای جدید بازاریابی و مدیریت ریسک وفق داده‌اند معمولاً بیشترین سود را می‌برند.

در سال ۱۹۹۸، بازار آتی‌های گندم و ذرت زرد به میزانی از بلوغ دست یافته بود که زمینه برای معرفی قراردادهای اختیار مهیا بود. برای اطمینان از درک مزیت‌های استفاده از قراردادهای اختیار برای مدیریت ریسک قیمت توسط پوشش‌دهندگان ریسک، تلاش آموزشی گسترده‌ی دیگری انجام شد. قراردادهای اختیار، نقد شوندگی قراردادهای موجود قراردادهای آتی را افزایش و به بازیگران کوچک‌تر فرصت دادند تا در بازار مشتقه‌ها مشارکت کنند. امروزه پوشش دهندگان ریسک و سوداگران هر دو از راهبردهای پیچیده‌ی معاملات اختیار استفاده می‌کنند. از طریق بازاریابی فعال، بورس هدف افزایش تعداد پذیره‌نویسان اختیار در بازار و اطمینان از قیمت‌گذاری رقابتی را دنبال می‌کند. قراردادهای آتی و اختیارات هر دو در سال ۱۹۹۹ برای دانه‌ی آفتاب‌گردان (بازاری که به دلیل کوچکی بازار مبنا محدود مانده ولی ابزار مدیریت ریسک سودمندی برای کشاورزان و خردکنندگان دانه‌های روغنی است) ارائه شدند. در آگوست سال ۲۰۰۱، اعضای سافکس که هر دو بازار مالی و کشاورزی را دربر می‌گرفتند، پیشنهاد بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ (بورس ملّی سهام آفریقای جنوبی) برای خرید این بورس را پذیرفتند. این خرید شامل پرداخت قیمت یک‌جا به همه‌ی اعضا و عضویت خودکار در یک بخش تازه تأسیسی در بورس ژوهانسبورگ بود. بخش محصولات کشاورزی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ به‌منظور برعهده گرفتن کارکردهای بخش بازارهای کشاورزی تشکیل شد. نام سافکس حفظ شد، چون بازار کشاورزی این بورس را مکانیزمی کارآمد و شفاف برای کشف قیمت در منطقه و آفریقای جنوبی می‌دانست. علاوه‌بر این، حرکت به بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ به اعضا امکان می‌داد به زیرساخت‌های بزرگ‌تر و منابع بیشتری، به‌ویژه در بخش نظارت دسترسی داشته باشند.

1- spreads

بازار مشتقه‌های کشـــاورزی برای کمک به افزایش تعداد فعالان بازار به اعضای خود متکی اســـت. تعداد اعضا از پنـــج کارگزاری که در ابتدا در بازار فعالیت داشـــتند، به ۵۲ عضو افزایش یافت. این اعضا به ۱۲۰۰۰ مشـــتری خدمات ارائه می‌دادند که شامل فعالان زنجیره‌ی عرضه از جمله تولیدکنندگان، کارخانه‌های آرد، بانک‌ها، تعاونی‌ها و شرکت‌های تجاری اســـت. همه‌ی اعضا دارای ناظران رسمی نظارت بر رعایت مقررات هستند که از رعایـــت قوانین و مقررات بورس اطمینان حاصـــل می‌کنند. پایبندی اعضا و روابط خوب میان اعضا و بورس، از عناصر مهم افزایش رشد بورس سهام ژوهاسنبورگ/سافکس است.

این بخش دارای پنج عضو پایاپای است که همه‌ی معاملات و مواضع معاملاتی اعضا و مشـــتریان را تضمین می‌کند. فرایند تضمین در گذشته نیز آزموده شده است: چند عضو این بورس ورشکست شده‌اند. با وجوداین، در همه‌ی موارد عضو اتاق پایاپای همه مواضع و ریســـک‌های نکول‌کننده را برعهده می‌گیرد و هیچ ریســـکی را به طرفین معامله انتقال نمی‌دهد. این فرایند بســـیار خوب عمل می‌کند و به همیـــن دلیل، تعدادی از فعالان بازار نیـــز ترجیح می‌دهند تحویل فیزیکی کالای خود را از طریق بورس انجام دهند و بنابراین، ریسک طرف معامله را از معاملات فیزیکی حذف می‌کنند.

بورس از سیستم معاملات خودکار استفاده می‌کند که برای تأمین نیازها و پردازش همه معامله‌گران طراحی شده است. از آنجا که هیچ تالار معاملاتی برای حراج آزاد وجود ندارد، اعضا ملزم به حضور نزدیک در بورس نیستند. بسیاری ترجیح می‌دهند دفاتری در نزدیکی مشتریانشـــان داشته باشند. بازار کشاورزی در همه روزهای عادی از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ ظهر معامله می‌کند. اخیراً بحث درباره‌ی معاملات در بعد از ظهرها نیز مطرح شده ولی از استقبال چندانی برخوردار نشده است.

قیمت‌گذاری بازار آزاد فرصت‌ها و چالش‌های بســـیاری را ایجاد کرده است. قیمت‌ها ممکن اســـت به شدت نوسان داشته باشند (به دلیل شرایط جوی و نوسانات نرخ ارز) که فرصت‌هایی را برای بورس ایجاد می‌کند تا علاوه‌بر قیمت، ابزارهای مدیریت ریسک ارز و شرایط جوی را نیز ارائه دهد. از زمان معرفی قراردادهای ذرت، بازار شاهد افت و خیز شـــدید قیمت بوده است. در سال ۲۰۰۲، رکورد بی‌سابقه‌ی هر تن ۲۱۰۰ راند (واحد پول آفریقای جنوبی) تجربه شد که به افزایش فشار بر تورم قیمت‌های مصرف‌کننده منجر شد. پس از طرح اتهاماتی مبنی‌بر دســـتکاری قیمت‌ها، ممیزی مســـتقلی توسط کمیته‌ی پایش قیمت‌گذاری مواد خوراکی نشان داد که واکنش قیمت‌ها در برابر تغییرات مبانی بازار قابل توجیه بوده است. فصل ۲۰۰٤/۰۵ نمایانگر تصویری کاملاً متفاوت بود و قیمت‌های ذرت به پایین‌ترین میزان از زمان کنترل‌زدایی بازار رســـید. این مسئله ناشی از مازاد محصول و

موجودی انبار بسیار زیاد، شرایط کشت عالی، انتظار افزایش میانگین برداشت و ثبات نسبی ارزش راند در برابر دلار بود. در طول هر دو مجموعه شرایط، دولت واکنش‌های محتاطانه‌ای نشان داد ولی به تعهدات خود در طول فرایند کنترل‌زدایی مبنی‌بر محترم شمردن مکانیزم قیمت‌گذاری عمل کرد. این تعهد با ایجاد زمینه‌ی مشارکت مطمئن فعالان در بازار، توسعه‌ی بازار را تقویت کرد.

امروزه بورس سهام ژوهانسبورگ/سافکس به‌عنوان مکانیزم کشف قیمت غلات در منطقه‌ی جنوب آفریقا اعتبار گسترده‌ای دارد و قیمت‌های آن در چندین کشور همسایه به‌کار می‌روند. اهمیت منطقه‌ای این بورس اخیراً با موافقت دولت مالاوی با معامله با یکی از بانک‌های آفریقای جنوبی بر مبنای مکانیزم‌های بازار بورس سهام ژوهانسبورک/سافکس افزایش یافته است (به کادر ۲۷ نگاه کنید). یکپارچه‌سازی بازار منطقه‌ای غلات از طریق مشارکت بیشتر تولیدکنندگان آفریقای جنوبی در بازارهای بورس سهام ژوهانسبورگ/سافکس فرصتی برای آینده محسوب می‌شود، ولی ابتدا باید بر موانع حقوقی، سیاستی و قانونی غلبه کند.

مهمترین چالش توسعه‌ی بازار در آفریقای جنوبی، تکرار آموزش و ظرفیت‌سازی در تجاری‌سازی کشاورزان کوچک و سپس ملحق ساختن آنان به سیستم بازار است. این مسئله در حال حاضر در کانون توجه فعالیت‌های آموزشی این صنعت و بورس قرار دارد.

ذرت سفید

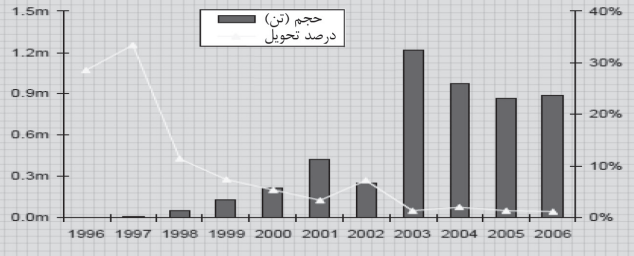
قرارداد معاملات آتی ذرت سفید در مارس سال ۱۹۹٦، همراه با قرارداد ذرت زرد روانه‌ی بازار شد. بازار غلات شهر راندفونتین به‌عنوان مبنای مرجع هر دو قرارداد به‌کار می‌رفت. با کنترل‌زدایی از هیئت‌های غلات، فرصت معرفی غلات به بازارهای آتی به واقعیت بدل شد. استاندارد کردن دو قرارداد بسیار ساده بود: استانداردهای کنونی کیفیت خیلی وقت است که توسط صنعت پذیرفته شده و به‌کار گرفته می‌شد.

چالش اساسی یافتن سیلوهای مورد نظر جهت انبار کردن محصولات و تضمین کیفیت و کمیت محصول مندرج در رسیدهای سیلو بود. در ابتدا، ۱۳ سیلو ثبت نام کردند که شبکه‌ای از تقریباً ۳۵ نقطه تحویل را تشکیل می‌دادند. اگرچه در ابتد مقاومت‌هایی وجود داشت، با گذشت زمان همه‌ی سیلوهای عمده به این شبکه پیوستند و اکنون بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس دارای شبکه‌ای از ۱۹۰ نقطه تحویل است.

در نخستین سال، ۲۱۷۹۰ تن ذرت سفید معامله شد. با گذشت زمان، درصد تحویل‌های فیزیکی از ٥٦ درصد به ۰/۰۸ درصد کاهش یافت (به نمودار ٤۷ نگاه کنید). قراردادهای

اختیار ذرت سفید در ماه مارس سال ۱۹۹۸ روانه‌ی بازار شد و در آوریل سال ۱۹۹۹ نیز قرارداد ثابت ماه روانه‌ی بازار شد. بورس ابتدا پنج ماه مارس، می، جولای، سپتامبر و دسامبر را به‌عنوان ماه‌های اصلی پوشش ریسک تعیین کرد. با وجود این، برای ارائه راهکاری شفاف برای قیمت‌گذاری به بازار نقدی، بورس تصمیم گرفت سایر ماه‌های تقویمی را نیز در این فهرست قرار دهد. این مسئله تعیین قیمت نقدی مرجع استاندارد شده بر مبنای قرارداد ماه بعد را میسر ساخت.

نمودار۴۷: معیارهای عملکرد قرارداد ذرت سفید بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ / سافکس، ۲۰۰۶-۱۹۹۶



منبع: بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس

دومین قرارداد ذرت سفید در جولای سال ۲۰۰۰ و با مشخصات کیفی مختلف روانه‌ی بازار شد. دلیل معرفی این قرارداد، مشکلات درجه‌بندی‌ای بود که در بازار وجود داشت. به نظر می‌رسید نیاز به محصولی باشد که مدیریت ریسک را امکان‌پذیر کند و در همان حال، مکانیزم شفافی را برای کشف تفاوت قیمت میان دو درجه‌ی کیفی مختلف فراهم کند. در جولای سال ۲۰۰۲، ذرت سفید از هر مرجعی و مبدأی در قرارداد شماره ۲ پذیرفته می‌شد. همچنین ذرت سفید از هر مرجعی از طریق قرارداد اولیه نیز قابل تحویل بود، به شرط اینکه با الزامات درجه‌بندی هم‌خوانی داشته و هیچ شرایط محدودکننده‌ای برای آن وجود نمی‌داشت پذیرفته می‌شد. قرارداد نوع دوم در نهایت در نوامبر سال ۲۰۰۲ به دلیل تقاضای کم بازار متوقف گردید. با وجود این، همان قرارداد در جولای سال ۲۰۰۶ بعد از فصل دیگری از تحویل محصولات بی‌کیفیت دوباره روانه‌ی بازار شد.

در اکتبر سال ۲۰۰۳، محدودیت‌های مربوط به موقعیت‌های معاملاتی برای فعالانی که معاملات پوشش ریسک انجام نمی‌دادند معرفی گردید. دلیل این مسئله این بود که مقدار قراردادهای معاملاتی باز به میزان چشمگیری از محصول موجود در آفریقای جنوبی فراتر رفته بود، مشارکت صندوق‌های سفته باز در بازار افزایش یافته بود و باید مانع از دستکاری بالقوه بازار مبنا می‌شدند. بنابراین افرادی که معاملات پوشش ریسک انجام نمی‌دادند به

سقف ۱۵ درصد موقعیت‌های معاملاتی باز دلتا محدود شدند.

در سال ۲۰۰۷، قرارداد ذرت سفید هنوز هم نقدشونده‌ترین قرارداد بورس است و حدود ٦۰ درصد از کل قراردادهای معامله شـــده را تشـــکیل می‌دهـــد. تقریباً یک درصد همه‌ی قراردادهای معامله شـــده به تحویل فیزیکی منجر می‌شوند. امروزه، آفریقای جنوبی هنوز هم دارای تنها قرارداد آتی ذرت سفید در جهان است.

گندم آرد نان

گندم آرد نان نخستین بار در نوامبر سال ۱۹۹۷ معامله شد. این قرارداد با حجم ۱۰۰ تن و بر مبنای قیمت‌های بازار غلات راندفونتین عرضه می‌شـــد. بر خلاف ذرت، نرخ مالیات بر ارزش افزوده‌ی گندم صفر نیست و بنابراین به تحویل آن مالیات بر ارزش افزوده تعلق می‌گیـــرد. بورس با بهره‌گیری از معافیت‌های ویـــژه‌ی اداره‌ی مالیات که به دلیل معامله بر مبنـــای قیمت بدون ارزش افزوده اســـت و تنها ١٤٪ ارزش افـــزوده از تحویل فیزیکی را دریافت می‌کند این کار را تســـهیل می‌کند. در آگوست سال ۱۹۹۸ قراردادهای اختیار نیز روانه‌ی بازار شد.

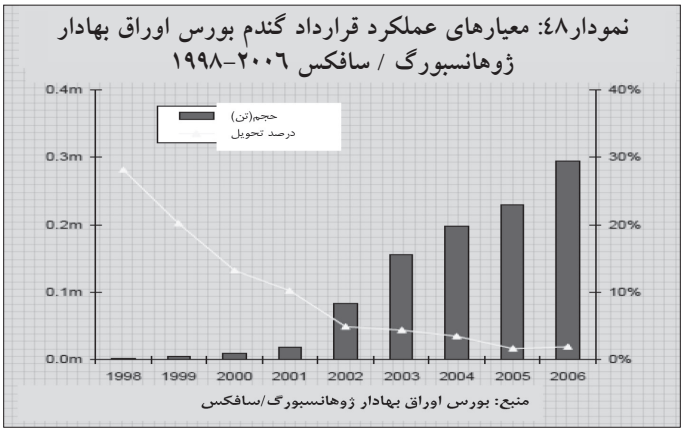
قرارداد گندم آرد نان براســـاس استانداردهای سازمان ملّی کشاورزی بود و چندین بار اصلاح شـــد. ابتدا این قرارداد ۹ درجه‌ی مختلف را بر مبنای میزان پروتئین و وزن معامله می‌کرد. ولی در ســـال‌های اخیر این سیستم ساده‌تر شده و به سه درجه کاهش یافته است. بورس در حال حاضر محصول درجه یک (B۱) را معامله می‌کند و برای دو درجه پایین‌تر در صورت تحویل کســـر قیمت در نظر می‌گیرد (در حال حاضر کسر قیمت برای درجه‌ی B۲ به میزان ۷۵ راند به ازای هر تن و برای B۳ به میزان ۱۵۰ راند به ازای هر تن است). در ســـال ۱۹۹۹، وزن این قرارداد به ۵۰ تن کاهش یافت تا به تولیدکنندگان کوچک برای پوشش ریســـک کمک کند. از سوی دیگر، درجه‌های متفاوت، اطمینان از توانایی رعایت کیفیت استاندارد در حجم مورد نظر را کاهش می‌داد.

از آنجا که دو منطقه‌ی اصلی تولید گندم فاصله زیادی با یکدیگر دارند، در فوریه‌ی سال ۱۹۹۹ تصمیم گرفتند تا براساس نقطه‌ی مرجعی در کیپ غربی، قرارداد گندم جداگانه‌ای را روانه‌ی بازار کنند. با وجود این، تنها تعداد محدودی از قرارداد گندم کیپ معامله شد، چون خریداران علاقه‌ی چندانی به این قرارداد نشـــان ندادند و قرارداد راندفونتین همچنان نقد شونده‌ترین قرارداد بود. درنتیجه، قرارداد گندم کیپ در ماه مارس سال ۲۰۰۰ متوقف شد.

ابتدا منشـــأ گندم در قرارداد ذکر نمی‌شـــد و این بدان معنا بود که گندم خارجی که با

اســـتانداردهای کیفی قرارداد هم‌خوانی داشته باشد نیز در بورس قابل تحویل بود. بعد از واردات و تحویل به بورس مقادیر زیادی از گندم مجارســـتان، که با اســـتانداردهای کیفی هم‌خوانی داشـــت ولی الزامات کیفی آردســـازی و پخت خریـــداران را برآورده نمی‌کرد، تصمیم گرفتند تا منشـــأهای گندم قابل تحویل در بورس را مشخص کنند. به همین دلیل، گندم پنج کشـــور، یعنی آفریقای جنوبی، آرژانتین، استرالیا، کانادا و ایالات متحده آمریکا به‌عنوان گندم قابل تحویل پذیرفته شد.

نمودار۴۸: معیارهای عملکرد قرارداد گندم بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ / سافکس ۲۰۰۶-۱۹۹۸



منبع: بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس

روش درجه‌بندی در آفریقای جنوبی همواره بحث برانگیز بوده است؛ چون تولیدکنندگان ملزم هستند تا بذرهای مورد تأیید را بکارند و این مسئله سبب می‌شود تا محصول دارای ویژگی‌های آردسازی مشخصی باشـــد. تولیدکنندگان می‌گویند که آن‌ها برای این کیفیت پاداش مناسبی دریافت نمی‌کنند و از سوی دیگر خریداران (که اجازه دارند گندم را از هر کشـــوری که بخواهند وارد کنند) می‌توانند برای دستیابی به بهترین کارایی گندم وارداتی را با گندم آفریقای جنوبی مخلوط کنند. بدین دلیل، در ســـال ۲۰۰۵ هر گونه گندم با منشأ خارجی که برای تکمیل یک قرارداد آتی وارد می‌شـــد از کسر قیمت منشأ برخوردار شد. در ارائه‌ی این کســـر قیمت، این مســـئله نیز در نظر گرفته شد که ویژگی‌های آردسازی را نمی‌توان به آســـانی در مشـــخصات درجه‌بندی گندم گنجاند. این کار به‌عنوان مصالحه‌ای برای اطمینان از اینکه قیمت‌های معاملاتی بورس ســـهام ژوهانسبورگ /سافکس نمایانگر گندم آفریقای جنوبی است و در عین حال تحویل گندم خارجی از منشأهای مشخص شده را می‌توان با کسر قیمت منتشر شده تحویل داد انجام گرفت.

قـــرارداد گندم (اگرچه قرارداد پیچیده‌ای با درجه‌های متعدد و کســـر قیمت‌های مختلف است) در حال حاضر ۱۹ درصد همه‌ی قراردادای کشاورزی معامله شده را به خود اختصاص

داده است و حدود دو درصد از قراردادهای معامله شده تحویل فیزیکی می‌شوند. مشخصات استاندارد شده‌ی قراردادها و به‌ویژه نقطه‌ی مرجع (بازار راندفونتین) و استفاده از مابه‌التفاوت محل که درباره‌ی نقاط تحویل کیپ غربی قابل اعمال است همچنان در حال بررسی است. امروزه، حدود ۱۴۰ نقطه‌ی تحویل برای مناطق تولید شمال و جنوب وجود دارد.

دستاورد اصلی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس در داخل

- پر کردن خلأ ناشی از کنترل‌زدایی ناگهانی بازارهای غلات توسط دولت.

عوامل موفقیت

- میزان بالای اعتماد و همکاری میان فعالان صنعت؛
- نقش خیرخواهانه و سازنده‌ی دولت در تعیین چارچوب و خودداری از دخالت؛
- زیرساخت‌های توانمند انبارش، تدارکات و کیفیت؛
- توسعه‌ی مکانیزم خوب تحویل همراه با راه‌حل‌های تأمین مالی؛
- توسعه‌ی زود هنگام بازار نقدشونده‌ی معاملات اختیار؛
- تاکید بر آموزش.

چالش‌ها:

- غلبه بر شکاف میان ذهنیت کشاورزانی که به چارچوب دخالت گرایانه عادت دارند و سیستم حمایتی دولت؛
- مدیریت سطوح طبیعی بالای نوسانات قیمت که ناشی از عوامل جوی و نوسانات نرخ‌های ارز است؛
- ظرفیت‌سازی و توجه بیشتر به بخش کشاورزان نوپا؛
- حفظ محیط سیاسی حمایتی.

فرصت‌های آینده

- یکپارچه‌سازی منطقه‌ای به‌منظور گسترش راه‌حل‌های بورس در سرتاسر منطقه‌ی جنوب آفریقا؛
- تقویت پیوند با سایر بازارهای مناطق جغرافیایی: آرژانتین، چین و هند؛
- قراردادهای کوچک برای مشارکت بیشتر تولیدکنندگان کوچک؛

• راه‌حل‌های مدیریت ریسک برای ریسک‌های شرایط جوی و نرخ ارز.

۳-۱۰ چارچوب نظارتی: هیئت خدمات مالی[1]

هیئت خدمات مالی که در سال ۱۹۹۰ تأسیس شد مرجعی مستقل است که براساس قانون برای نظارت بر صنعت خدمات مالی غیربانکی آفریقای جنوبی به نفع عموم مردم ایجاد شد. این هیئت بیمه‌گران، بیمه‌گران اتکایی، صندوق‌های بازنشستگی، واسطه‌های مالی و مشاوران مالی و نهادهای سرمایه‌گذاری را دربرمی‌گیرد. نهادهای سرمایه‌گذاری شامل نهادهای بازار سرمایه از قبیل بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ و بازارهای کالاهای کشاورزی است که توسط بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس اداره می‌شوند.

قانونی که این بازار براساس آن عمل می‌کند قانون خدمات اوراق بهادار[2] مصوب سال ۲۰۰٤ است که در اول فوریه سال ۲۰۰۵ اجرایی شد. این قانون قوانین قبلی، یعنی قانون کنترل بورس‌های سهام مصوب سال ۱۹۸۵، قانون کنترل بازارهای مالی مصوب ۱۹۸۹، قانون کنترل و اجرای اوراق بهادار مصوب سال ۱۹۹۲ و قانون معاملات داخلی مصوب سال ۱۹۹۸ را تقویت می‌کرد. قانون خدمات اوراق بهادار کارکردها و الزامات بورس را تعیین، جایگاه و محدوده سازمان‌های خود انتظام را تعریف و سوء استفاده از بازار و مجازات این کار را تعیین می‌کند.

بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ براساس این قانون دارای وظایف نظارتی است. این بورس مسئولیت تأیید ورود شرکتها به بورس، نظارت بر معاملات در بازارهای خود، صدور مجوز برای کاربران بازار و نظارت بر رفتار کاربران را برعهده دارد. هدف از مقررات بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ حمایت از سلامت بازارها با اطمینان از معامله‌ی عادلانه و شفاف و حفاظت از منافع و سرمایه‌گذاران از طریق فرایندهای معامله و پایاپای است. برای پایش فعالیت بازارهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ سیستم‌هایی ایجاد شده است. قانون خدمات اوراق بهادار، بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ را ملزم می‌سازد تا صندوق ضمانت یا بیمه‌ای را برای جبران زیان سرمایه‌گذاران در صورت نکول کاربران مجاز ایجاد کند.

علاوه‌بر این، طیفی از مکانیزم‌های مشخص برای اطمینان از انجام معاملات بر اساس اصول موجود، در بازار قراردادهای آتی کالای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس ایجاد شده

1- Financial Services Board (FSB).
2- Securities Services Act (SSA).

اســـت. یکی از تغییرات عمده‌ای که در اواخر سال ۲۰۰۳ ایجاد شد، وضع محدودیت‌هایی در خصوص تعداد مواضع معاملاتی مجاز برای سوداگران قراردادهای آتی ذرت سفید بود. دلیل این مســـئله این بود که حجم موقعیت‌های باز این قرارداد به میزان چشـــمگیری از محصول موجود در آفریقای جنوبی فراتر رفته بود و از سوی دیگر باید مانع از دستکاری بازار مورد نظر می‌شدند. افرادی که معاملات پوشش ریسک انجام نمی‌دهند به سقف ۱۵ درصد موقعیت‌های معاملاتی باز خالص دلتا محدود می‌شوند. الزامات حداقل سرمایه، صلاحیت و خوشنامی اعضا، محدودیت‌های نوسان روزانه‌ی قیمت‌ها و سیستم وجه تضمین (ازجمله وجه تضمین‌های ویژه در طول ماه تحویل و در طول دوره‌های نوســـانات زیاد) نیز از راهکارهای نظارتی استاندارد هستند (برای جزئیات بیشتر به ضمیمه ۲ نگاه کنید).

در این ساختار، بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس محدوده‌ی عمل گسترده‌ای دارد. ایـــن بازار در برابر فعالان خارجی باز اســـت و کارکردهای نظـــارت بر بازار تا حد زیادی در اتاق پایاپای بورس و دپارتمان‌های نظارتی متمرکز هستند. این بورس از پذیرش قراردادهای جدید استقبال می‌کند و در زمینه‌ی ابزارهای معاملاتی رایج از قبیل قراردادهای اختیار معامله یا شاخص محدودیتی ندارد.

دو قانون دیگر در اداره‌ی فعالیت‌های واسطه‌های مالی بازار نقش دارند. قانون خدمات مشاوره‌ای و واســـطه‌گری مالی مصوب سال ۲۰۰۰ به دنبال حمایت از مصرف‌کنندگان و افزایش حرفه‌ای‌گرایی واســـطه‌های مالی اســـت. این قانون ترتیباتی را برای صدور مجوز فعالیت کارگزاران توســـط هیئت خدمات مالی مقرر کرده است و تأمین‌کنندگان خدمات مالی را ملزم می‌کند تـــا آزمون صلاحیت فردی را بگذرانند و بدین‌ترتیب از صلاحیت و تجربه‌ی مناسب آنان اطمینان حاصل شود. قانون مراکز اطلاعات مالی مصوب سال ۲۰۰۱ یک قانون مبارزه با پول‌شویی است که الزام شناسایی مشتری را بر تأمین‌کنندگان خدمات مالی تحمیـــل می‌کند و رعایت مقررات قانون مراکز اطلاعات مالی مصوب ســـال ۲۰۰۱ به اعضا فرصت داده اســـت تا کســـب و کار مشتریان خود را بهتر بشناسند و بدین ترتیب ریسک‌های آن‌ها را بهتر درک کنند.

۱۰-۴ تأثیرات

۱۰-۴-۱ کشف قیمت

انتشـــار قیمت: در حال حاضر، بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس همه‌ی اطلاعات قیمت خود را به‌صورت مجانی منتشـــر می‌کند. این اطلاعات شـــامل فایل‌های پایان روز و قیمت‌های تاخیری سیســـتم معاملاتی است که هر پانزده دقیقه یک بار منتشر

می‌شود و علاوه‌بر این، تاریخچه‌ی قیمت‌ها و اطلاعات تحویل فیزیکی را نیز ارائه می‌دهد. درحالی‌که این بورس به تأمین مستمر و مجانی اطلاعات اصلی پایبند است، درباره‌ی اینکه چه اطلاعاتی باید در ازای دریافت پول ارائه شـــود بحث‌هایی مطرح اســـت. این بحث تا حدی نمایانگر تحولات ســـایر بازارهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ، از قبیل سهام نقدی اســـت که در آن، روال مرســـوم کار بورس‌های جهانی این است که از محل فروش اطلاعات خود کسب درآمد می‌کنند.

بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس از کانال‌های دیگر برای انتشار اطلاعات بازار حمایت می‌کند. ازجمله می‌توان به رادیو، تلویزیون و وب سایت‌های تخصصی اشاره کرد. اعضا همچنین برای مشتریان خود نامه‌های الکترونیکی و قیمت‌های پایان روز را به‌صورت پیام کوتاه برای آن‌ها ارســـال می‌کنند. این بورس روزانه حدود ۲۵۰۰ پیامک ارســـال می‌کند. اعضای بورس همچنین در انتشار اطلاعات قیمت برای مشتریان خود نیز نقش فعالی ایفا می‌کنند و گزارشات روزانه‌ی بازار را همراه با اطلاعات دیگر به آن‌ها ارائه می‌دهند. علاوه بر این، بورس از طریق تأمین‌کنندگان رسمی اطلاعات از قبیل رویترز و بلومبرگ که اطلاعات را به مشترکان خود می‌فروشند، اطلاعات زنده معاملاتی را ارائه می‌دهد.

فرایند موثر تشـــکیل قیمت: بازارهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس قیمت مرجع بین‌المللی صنعت غلات در آفریقای جنوبی را ارائه می‌دهد. بازارهای غلات آفریقای جنوبی از عواملی تأثیر می‌پذیرند که با عواملی که بر تغییرات بین‌المللی قیمت‌ها، به‌ویژه قیمت‌های بورس مرجع بین‌المللی تأثیر می‌گذارند متفاوت هســـتند. بنابراین، یک بستر محلی که نمایانگر عوامل بنیادین محلی و منطقه‌ای است، علایم بهتری را به صنعت غلات منطقه ارسال می‌کنند.

کشـــف قیمت در بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس نیز در بازارهای غلات آفریقـــای جنوبی که با بازارهای بین‌المللی غلات ارتبـــاط دارند نقش مهمی ایفا می‌کند[1]. قیمت‌هایی که برای واردات و صادرات مناســـب هستند براســـاس سطوح برابری قیمت واردات و صادرات تعیین می‌شـــوند. مثلاً اگرکارخانه‌های آرد غلات بتوانند ذرت وارداتی را ارزان‌تر از ذرت داخلی خریداری کنند، این کارخانه‌ها تا زمانی‌که تولیدکنندگان داخلی بتوانند ذرت خود را به همان قیمت ارائه کنند به این کار ادامه می‌دهند. این قیمت را قیمت برابری واردات می‌نامند. برعکس این نیز ممکن اســـت: اگر تولیدکنندگان ذرت آفریقای جنوبی بتوانند ذرت خود را به قیمتی بهتر از قیمت‌های داخلی به‌کارخانجات آردســـازی

۱- در پاراگراف‌های بعد از کمیته پایش قیمت‌گذاری مواد خوراکی استفاده زیادی کرده‌ایم.

خارجی بفروشند، ذرت آفریقای جنوبی تا زمانی که قیمت‌های محلی به سطح قیمت‌های صادراتی برسد به خارج صادر می‌شود. این قیمت را قیمت برابری صادرات می‌گویند. بدین ترتیب به لحاظ نظری، قیمت ذرت در بازار داخلی نمی‌تواند از قیمت برابری واردات بیشتر باشد، چون کارخانه‌های آرد در صورت بالاتر رفتن قیمت از این حد به واردات روی می‌آورند. بنابراین قیمت تعادلی واردات حداکثر قیمت است. به همین ترتیب، قیمت تعادلی صادرات نیز حداقل قیمت است. قیمت‌های تعادلی صادرات و واردات سقف و کف قیمت هستند و قیمت‌های داخلی بین این دو سطح در نوسان هستند.

سطح واقعی قیمت‌های داخلی در این طیف به عوامل بنیادین عرضه و تقاضای آفریقای جنوبی بستگی دارند و باید توجه داشت که میزان تقاضا در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت نسبتاً ثابت است.

کاهش نابرابری‌های اطلاعاتی: بازارهای معاملات آتی غلات در طول فرایند کنترل‌زدایی معرفی شدند. در ساختار نهادی قبلی، هیئت بازاریابی غلات (به جای واسطه‌ها) مکلف بودند غلات را به قیمت‌های از پیش‌تعیین شده خریداری نمایند. امروزه، منابع صنعتی (ازجمله نمایندگان کشاورزان) پیشنهاد می‌کنند که واسطه‌ها به جای نقش استثماری نقشی را ایفا کنند که ارزش افزوده ایجاد کند. این واسطه‌ها معمولاً شرکت‌های تجاری زراعی هستند که در بازار به‌عنوان مدیران زنجیره‌ی عرضه عمل می‌کنند. آن‌ها طیفی از خدمات ازجمله شرایط بازاریابی انعطاف‌پذیر، عرضه نهاده‌ها، امکانات تدارکاتی، انبارش و تأمین مالی را به کشاورزان ارائه می‌دهند. به‌ویژه واسطه‌ها در آفریقای جنوبی معمولاً از مرجع‌های قیمتی که بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس ارائه می‌دهد استفاده می‌کنند تا طیفی از امکان‌های قیمت‌گذاری پیمان‌های آتی را که در قراردادهای فیزیکی نهفته است ارائه دهند.

استفاده از اطلاعات بازار برای تصمیمات برداشت و فروش: نمایندگان صنعت می‌گویند که تقریباً همه‌ی کشاورزان از قیمت‌های این بورس آگاه هستند، چون این قیمت‌ها را به‌عنوان مبنای قیمت‌گذاری در قراردادهای فیزیکی به‌کار می‌برند. در واقع، از آنجا که قراردادها بر مبنای روزانه قابل تحویل هستند، قیمت ماه بعد بورس اوراق بهادار/ سافکس به‌عنوان نرخ نقدی موثر در بازار غلات آفریقای جنوبی به‌کار می‌رود. نمایندگان صنعت می‌گویند که کشاورزان از قیمت‌های آتی برای تصمیمات برداشت و فروش محصولات خود استفاده می‌کنند (به‌ویژه کشاورزان تجاری، ولی زمین‌داران کوچک نیز به تدریج درباره اطلاعات قیمت‌های آتی آموزش می‌بینند). نمایندگان این صنعت به‌عنوان نمونه به این اشاره کردند که چگونه کشاورزان به توصیه‌ی بانک‌ها، توانسته‌اند با استفاده از اطلاعات معاملات آتی بازار، با کاهش کاشت و نگهداری محصولاتشان برای مدتی طولانی‌تر، درآمد خود را افزایش دهند.

۲-۴-۱۰ مدیریت ریسک قیمت

نخســـت اینکه باید توجه داشت که برای معامله‌ی قراردادهای ذرت سفید و گندم در بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس، پیش‌نیازهـــای اصلی در محیط معاملاتی که مدیریت موثر ریسک قیمت را میسر می‌سازد به ترتیب زیر است:

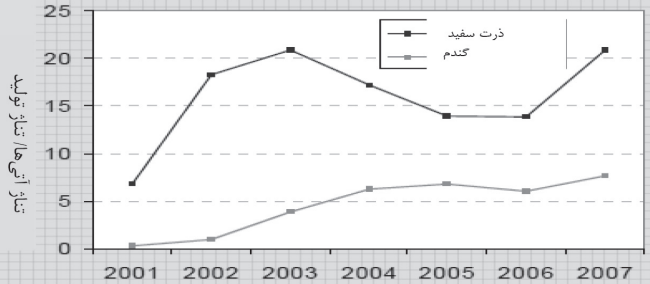
• وجود بازارهای نقد شونده (از سال ۲۰۰۱، حجم معاملات ذرت ۱۵ تا ۲۰ برابر میزان تولید این محصول بوده است. در مورد گندم، حجم معاملات ۸ برابر حجم محصول است که با توجه به شرایط موجود به ۱۰ برابر نزدیک می‌شود (به نمودار ٤۹ نگاه کنید)؛

• معامله در محیطی تحت نظارت و قانونمند، براساس قوانین و آیین‌نامه‌های بورس و با نظارت هیئت خدمات مالی انجام می‌شود (به بخش ۳-۱۰ نگاه کنید)؛

• اطلاعات بازار به صورت شفاف منتشر می‌شود تا از نابرابری‌های اطلاعاتی که ممکن است به نفع برخی از گروه‌ها باشد پرهیز شود؛

• اتـــاق پایاپای بـــورس به‌عنوان طـــرف معامله اصلی عمل می‌کند تـــا عملکرد تمام قراردادهایی که در بورس منعقد می‌شود تضمین شود.

نمودار٤۹: گردش محصولات بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ / سافکس ۲۰۰۷-۲۰۰۱



منبع: بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس

اطلاعاتی که فعالان مختلف بازار ارائه می‌دهند به خوبی نشان می‌دهد که آفریقای جنوبی از نظر امکان‌های موجود برای بازاریابی پویای کالاها که یک بســـتر مدیریت ریسک می‌تواند ارائه دهد، در زمره‌ی کشورهای برجسته است. یکی از تأمین کنندگان پیشروی خدمات بانکی روستایی برآورد می‌کند که تقریباً ۷۰ درصد تولیدکنندگان تجاری آفریقای جنوبی به نوعی از بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس به‌عنوان ابزار پوشش ریسک یا بازاریابی استفاده می‌کنند که تعداد بســـیار زیادی اســـت. پرســـنل بورس بر این باورند که حدود ۲۰ درصد از کشـــاورزان تجاری مستقیماً در پوشش ریسک شرکت دارند. نمایندگان صنعت می‌گویند که بخش زیادی از این میزان بالای مشارکت ناشی از اعتماد به سیستم تحویل تضمینی بورس اوراق

بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس است. ریسک طرف معامله نه تنها برای معامله آتی، بلکه برای معاملات کالای نقدی نیز کاهش می‌یابد (بورس منبعی از محصول با کیفیت را در سیلوهای متعدد در نزدیکی مناطق عمده‌ی کشت ارائه می‌دهد).

کشاورزان آفریقای جنوبی معمولاً ترجیح می‌دهند برای مدیریت ریسک قیمت به جای معاملات آتی از قراردادهای اختیار معامله استفاده کنند. این مسئله عمدتاً به دلیل این است که قراردادهای اختیار معامله به جای اخذ وجه تضمین که ممکن است به دلیل نوسانات بازار سنگین و غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد، مستلزم پرداخت یک پیش‌پرداخت است. همچنین استفاده از قراردادهای اختیار معامله نسبتاً ساده است. با وجود این، هزینه قراردادهای اختیار ممکن است به ۲۰ درصد کل هزینه‌های تولید نیز برسد؛ چون تعداد پذیره‌نویسان قراردادهای اختیار محدود است و میزان نوسان نیز بالاست. اما علی‌رغم این موضوع، بازار معاملات اختیار در آفریقای جنوبی بازاری پویاست و کشاورزان، برای کاهش مبلغ حق‌العمل از راهبردهای پیچیده‌ای استفاده می‌کنند. یک کشاورز تجاری که با ورود به بازارهای مالی و تولید اتانول، فعالیت‌های خود را متنوع کرده است راهبرد پوشش ریسک خود را این گونه تشریح می‌کند:

در آفریقای جنوبی علاوه‌بر ریسک قیمت، باید ریسک محصولات را نیز پوشش دهیم. برای پوشش دادن ریسک محصول، باید به محض اتمام فصل برداشت محصول خود را با اتخاذ موقعیت معاملاتی فروش، جهت فروش عرضه نمایید. بدین ترتیب، اگر محصول مناسب نباشد شما بازار را از دست نمی‌دهید و در غیر این‌صورت، آرامش ذهنی شما ارزش صرف‌نظر از پولی را که برای خرید اختیار خرید[1] *پرداخت کرده‌اید دارد و محصول خوبی بری ارائه به بازار دارید. در همان روزی که دروگر خود را کنار گذاشتم، قراردادهای اختیار خرید را برای مقدار محصولی که می‌خواهم در فصل آینده تولید کنم خریداری می‌کنم. این اختیار معامله خرید (که ماه تحویل آن برای محصول جدید تدارک دیده شده است)، خنثی*[2] *است زیرا در صورت اعمال، سودی نصیب دارنده آن نخواهد شد. قرارداد اختیار خرید خنثی، ریسک محصول و تولید را پوشش می‌دهد زیرا در صورت نامناسب بودن محصول قیمت‌ها بالا خواهد رفت و مقدار پول و یا درآمدی که شما در مزرعه از دست می‌دهید را می‌توانید در بازار جبران نمایید. در همین زمان، من یک قرارداد اختیار خرید برابری واردات*[3] *را نیز برای همان ماه خریداری می‌کنم. این قرارداد اختیار معامله*

1- Call Option
2- At the money
3- “Import parity” Call

خریـــد، در ضرر و یا زیان‌ده[1] می‌باشـــد (درصورت اعمال آن دارنـــده اختیار خرید ضرر می‌کند) و هزینه زیادی به طرف تحمیل نمی‌کند. شاید بپرسید این کار چه فایده‌ای دارد؟ چرا کشاورزان قیمت برابری واردات در ماه ژانویه را نمی‌پذیرند؟ در حال حاضر محصولی در مزرعه نیســـت و آنچه کاشته می‌شود با ریسک‌های مختلف روبروست و بنابراین آن‌ها نمی‌توانند تصمیم بگیرند آنچه را ندارند بفروشـــند. در آن مقطع، فروش و خرید قرارداد اختیار خرید پرهزینه است؛ چون این قیمت بالاست و برای پوشش موضع معاملاتی خود بایـــد قرارداد اختیار خرید را به صورت خنثی خریـــداری نمایید. قرارداد اختیار خرید در ضـــرری که من در ابتدای فصل خریداری می‌کنم هزینه‌ی چندانی ندارد و اکنون می‌توانم محصول خود را بی‌درنگ به قیمت خرید بفروشم. در این مقطع همچنین می‌توانم قرارداد اختیار خرید خنثی را ببندم و منتظر رشـــد محصول شوم. اکنون دارای محصولی هستم که دارای قیمت معینی اســـت. اگر این محصول خوب نباشد، اختیار خرید، فروش را پوشش می‌دهد و قرارداد اختیار خرید خنثی نیز هزینه‌ی نهاده‌ها را پوشـــش می‌دهد. اگرمحصول عالی باشد، قیمت خوبی خواهد داشت.

در مواردی که جریان نقدینگی یک کشـــاورز بســـیار محدود باشد و کشاورز بخواهد از الزامات غیرقطعـــی وجه تضمین قراردادهای آتی و هزینه‌های بالای قراردادهای اختیار خرید پرهیز کند، شـــرکت‌های معامله‌گر و موسســـات مالی بین کشاورز و بازارهای آتی واســـطه می‌شوند. این شـــرکت‌ها معمولاً پیمان‌های آتی را پیشـــنهاد می‌کنند که براساس قراردادهای آتی ســـازمان یافته است. این شـــیوه پوشش ریسک مناسبی را ارائه می‌دهد و مســـئولیت پرداخت همه‌ی وجه تضمین‌ها به واسطه منتقل می‌شود. با استفاده از این ابزار، کشـــاورزان مطمئن می‌شوند که پول بیشتری در اختیار دارند که می‌توانند در جای دیگری از آن استفاده کنند.

معمولاً اســـتفاده از بازار قراردادهای آتی به کشاورزان تجاری محدود است. کشاورزان کوچک و نوپا معمولاً مستقیماً در این بازارها مشارکت نمی‌کنند، ولی به صورت غیرمستقیم و برای کســـب اطلاعات قیمت و به‌عنوان مرجعی برای قراردادهای فیزیکی از آن استفاده می‌کنند. نمایندگان کشاورزان می‌پذیرند که کشاورزان نوپا باید تنها بعد از کسب مهارت‌های تولیدی و مدیریت مزرعه و برخورداری از تخصص و وثیقه‌های مورد نیاز که به آن‌ها امکان حضور پایدار را می‌دهد وارد این بازار شوند. به عبارت دیگر، آن‌ها بعد از میزان مشخصی از تجاری‌ســـازی باید به این بازار ملحق شوند. از ســـوی دیگر، برگزاری برنامه‌هایی برای

1- “Out the Money”

کشاورزان نوپا، آگاهی و درک آن‌ها از بازار قراردادهای آتی و نحوه‌ی استفاده از اطلاعات بازار را افزایش می‌دهد و بدین ترتیب، توانایی بازاریابی آنان را افزایش می‌دهد. بورس نیز استفاده از قراردادهای کوچک، یعنی قراردادهایی که حجم کمتری دارند را به‌عنوان ابزاری برای مناسب کردن بازارهای آتی برای کشاورزان کوچک آزمایش می‌کند.

نمایندگان صنعت تأیید می‌کنند که کارخانه‌های آردسازی آفریقای جنوبی نیز به شدت در بازارهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس فعالیت دارند. یکی از کارگزاران برجسته که به نیابت از کارخانه‌های آردسازی معاملات آتی انجام می‌دهد راهبردی را توضیح می‌دهد که کارخانه‌ها معمولاً برای پوشش ریسک به‌کار می‌بندند:

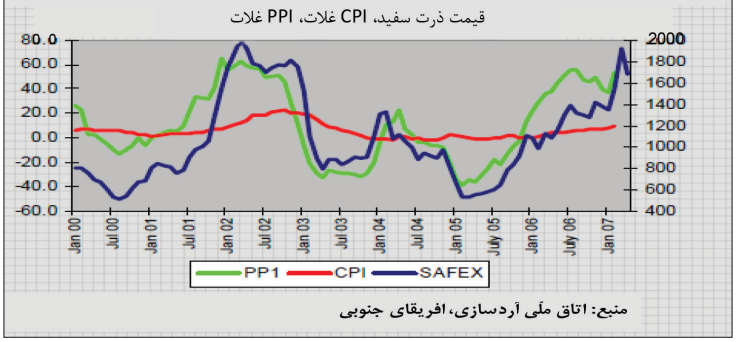
به‌طور کلی کارخانه‌ی آردسازی از اوایل فصل، موضع معاملاتی خرید قراردادهای آتی (با هر سررسیدی) را اتخاذ می‌نماید. معامله‌گر (فروشنده‌ی نهایی کالای فیزیکی به‌کارخانه آرد) کار خود را با ذخیره سازی آغاز می‌کند. معامله‌گر مقدار مشخصی از کالا را در محل‌های استراتژیک برای تحویل به‌کارخانه‌ها خریداری می کند (بدون اینکه بداند خریدار نهایی کیست). معامله‌گر بعد از تثبیت موجودی، موقعیت معاملاتی فروش اتخاذ می‌کند. بدین ترتیب، ریسک قیمت جاری[1] را پوشش می‌دهد و فقط در معرض ریسک مبنا[2] قرار می گیرد. به عبارت دیگر، ممکن است مبنا تغییر کند (قیمت نقدی آن منطقه در مقایسه با قیمت قراردادهای آتی) ولی نوسان قیمت جاری حذف می‌شود. آنگاه کارخانه‌ی آرد در مقطعی برای تحویل کالا به‌کارخانه‌اش مناقصه برگزار می‌کند (قرارداد درب کارخانه). این نوع قرارداد، قراردادی است که قیمت آن بر مبنای تحویل درب کارخانه محاسبه می‌شود و همه اقدامات تدارکاتی نیز به معامله‌گر محول می‌شود. پیشنهاد قیمت‌ها براساس قیمت مبنای آتی ارائه می‌شوند. مثلاً: تحویل به کارخانه JSE در سندتن، به قیمت ۵۰ راند بالاتر از قیمت جولای آتی‌های سافکس برای تحویل جولای و ۲۵ راند بالاتر از قیمت آتی‌های سپتامبر سافکس برای تحویل در آگوست. قرارداد مناقصه منعقد می‌شود اما پوشش ریسک انجام شده همچنان پا برجاست. مبنا تثبیت شده است (کارخانه می‌داند قیمت او نسبت به آتی‌های هر روز چقدر است). با پوشش دادن ریسک قیمت جاری، کارخانه‌ی آرد و معامله‌گر خواهند فهمید که در هر زمان (نسبت به پوشش‌های ریسک آن‌ها) کالا با چه قیمتی معامله خواهد شد. با مشخص شدن قیمت قرارداد، طرفین معامله تنها آتی‌ها را با استفاده از یک معامله ترتیب داده شده در بازار با همدیگر مبادله می‌کنند؛ به عبارتی دیگر، قرارداد آتی را با یکدیگر و با یک قیمت یکسان مبادله می‌نمایند و

1- flat price
2- basis

بدین ترتیب قیمت قرارداد پایه با حاصل جمع قیمت این قرارداد توافقی و صرف یا پاداش مبنا[1] (یا کسر و یا تنزیل) که قبلاً مورد توافق قرار گرفته است، محاسبه خواهد گردید.

از منظر توسعه، استفاده دولت‌ها از بازارهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس برای مدیریت ریسک بین‌المللی بسیار جالب است. یکی از نمونه‌های موفق مدیریت ریسک، قرارداد فرابورسی میان دولت مالاوی و یکی از بانک‌های آفریقای جنوبی می‌باشد که بر اساس آتی‌های ذرت سفید بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس انجام گرفت (به کادر ۲۷ نگاه کنید).

نمودار ۵۰: ثبات قیمت‌های مصرف‌کننده بازار غلات در آفریقای جنوبی: ۲۰۰۰-۲۰۰۷



منبع: اتاق ملّی آردسازی، افریقای جنوبی

این کار پتانسیل دولت‌ها برای استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک مبتنی بر بازار برای دستیابی به اهداف امنیت غذایی را نشان می‌دهد. براساس این موضوع باید بر دو نکته تاکید کرد:

نخست اینکه به‌منظور سود بردن از مدیریت ریسک مبتنی بر بازارهای آتی مشارکت مستقیم در بازار ضروری نیست. در این مورد، بانک به‌عنوان واسطه‌ای برای ایجاد راه‌حلی برای رفع نیازهای مالاوی عمل کرد. همین مسئله برای سایر کاربران (ازجمله کشاورزان کوچک) نیز صادق است که حضور یک واسطه برای تجمیع و ساختاردهی به راه‌حل‌های مدیریت ریسک ممکن است اغلب در مقایسه با مشارکت مستقیم کشاورزان کوچک در بازارها رویکرد مناسب‌تری باشد. دوم اینکه نمونه‌ی مالاوی قدرت قراردادهای اختیار معامله به‌عنوان مکانیزمی برای مدیریت ریسک بدون تحریف بازارهای محلی و تأمین انعطافی که دولت‌ها برای پاسخگویی به موقعیت‌های مختلف دارند نشان می‌دهد. در این

1- Basis Premium

مورد، عدم قطعیت تنها به سطح قیمت‌ها محدود نیست بلکه به موجود بودن غذا در منطقه و حجم و سرعت کمک‌های انسان‌دوستانه نیز بستگی دارد.

کارایی بازارهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس برای مدیریت ریسک را می‌توان از طریق چندین منبع اطلاعات دیگر نیز نشان داد. مقایسه‌ی شاخص قیمت تولیدکننده و بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس برای ذرت، با شاخص قیمت مصرف‌کننده نشان می‌دهد که قیمت‌های مصرف‌کنندگان نسبتاً ثابت مانده است، درحالی‌که بازارهای نقدی و آتی دچار سطوح زیاد نوسان بوده‌اند (به نمودار ۵۰ نگاه کنید). بدون یک ابزار پوشش ریسک موثر، نوسان قیمت‌ها احتمالاً به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود تا زنجیره‌ی عرضه‌ی غلات همچنان سودآور باشد.

نمودار ۵۱: همبستگی قرارداد ذرت سفید بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ / سافکس با بورس معیار بین‌المللی هیأت تجاری شیکاگو، ۲۰۰۵-۱۹۹۵



منبع: بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس

دوم اینکه بین قیمت‌های ذرت سفید در بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس و بورس مرجع بین‌المللی همبستگی ضعیفی وجود دارد (به نمودار ۵۱ نگاه کنید). این نشان می‌دهد که چگونه شرایط بازار آفریقای جنوبی با شرایط موجود در ایالات متحده آمریکا تفاوت دارد و این تفاوت‌ها ناشی از تغییرات جوی، زمان کاشت، شرایط سیاسی و عوامل منطقه‌ای عرضه و تقاضاست. ریسک مبنایی که فعالان بازار آفریقای جنوبی در صورت استفاده از بورس مرجع جهانی متحمل می‌شوند با نوسانات نرخ ارز و تفاوت در کیفیت تشدید می‌شود. این مسئله بر اهمیت بستر مدیریت ریسک محلی به‌منظور کارآمدتر کردن پوشش ریسک و افزایش امکان دسترسی به پوشش ریسک تاکید می‌کند.

کادر ۲۷: مورد پژوهی: استفاده از قراردادهای اختیار خرید[1] توسط دولت مالاوی بر مبنای قیمت‌های بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس

مالاوی از سال ۲۰۰۳ با بحران‌های مکرر در زمینه‌ی مواد خوراکی روبرو بوده و آسیب‌پذیری آن در برابر ناامنی غذایی افزایش یافته است. بسیاری از خانواده‌ها نمی‌توانند نیازهای غذایی خود را برآورده کنند و به شدت از نوسانات قیمت مواد غذایی ضروری، به‌ویژه ذرت آسیب می‌بینند. در فصل کشاورزی ۲۰۰۶ –۲۰۰۵، برآوردهای نهایی نشـــان مـــی‌داد که مالاوی با حدود ۴۰۰/۰۰۰ تن کمبود مواد خوراکی روبروســـت. در واکنش به این شرایط، دولت با استفاده از قرارداد اختیار خرید بر مبنای قیمت‌های ذرت ســـفید بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس، ذخایر مورد نیاز ذرت را با بهای مشخص از آفریقای جنوبی تأمین کرد. این رویکرد به‌عنوان راهی برای تضمین دسترسی به مواد غذایی با قیمت‌های معقول، پیامدهای مهمی برای کشورهای کمک کننده و سازمان‌هایی که کمک‌های انسان‌دوستانه ارائه می‌دهند، به‌ویژه سازمان‌هایی داشت که در زمینه‌ی توزیع کمک‌های غذایی فعالیت داشتند.

در سپتامبر سال ۲۰۰۵، دولت مالاوی قرارداد اختیاری را با بانک استاندارد آفریقای جنوبی منعقد کرد که به آن حق می‌داد (ولی او را ملزم نمی‌کرد) که ذرت بیشتری را به قیمتی که در زمان عقد قرارداد نهایی شده بود خریداری نماید. این قرارداد خرید حداکثر ۶۰/۰۰۰ تن ذرت به قیمت تقریباً ۱۸ میلیون دلار را تضمین می‌کرد که درصورتی‌که حجم عرضه کشورهای کمک کننده و واردات تجاری بخش خصوصی کمتر از مقدار پیش بینی شده می‌بود، برای جبران کمبود مواد غذایی کافی بود. دپارتمان توسعه‌ی بین‌الملل بریتانیا ودیعه مورد نیاز برای این خرید را پرداخت کرد و بانک جهانی نیز کمک‌های فنی مورد نیاز را ارائه داد.

این قرارداد اختیار راهکاری را در اختیار دولت قرار داد تا بتواند ظرف مدت کوتاهی کالای بیشتری را وارد کند، سقف هزینه واردات ذرت از آفریقای جنوبی را تثبیت کرد و از خود در برابر ریسک افزایش قیمت‌ها محافظت کرد. در نهایت، موافقت با انعقاد قرارداد در فرابورس، به معنای این بود که هزینه‌ی حمل به مالاوی نیز در قیمت لحاظ شده و بدین ترتیب تردید درباره‌ی هزینه‌ی حمل نیز کاهش یافت. قبلاً، قابلیت استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک از قبیل قراردادهای آتی و اختیار

1- Call Options

برای کمک به مدیریت نوسان قیمت‌ها در کشورهایی که از امنیت غذایی برخوردار نیستند با توجه به نگرانی‌هایی که درباره‌ی ریسک مبنا (ریسکی که قیمت‌های بورس با قیمت‌های محلی در کشوری که از لحاظ جغرافیایی فاصله زیادی با بورس مورد نظر دارد، هم‌خوانی نداشته باشد) وجود دارد، تا حدی محدود می‌گردید. این ریسک با استفاده از قرارداد اختیار در فرابورس که دولت مالاوی به‌کار گرفت حذف گردید، چون این قرارداد به گونه‌ای طراحی شده بود که ریسک نوسانات قیمت هم از نظر قیمت قرارداد آتی ذرت سفید در بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس و هم از نظر هزینه‌ی حمل به مالاوی، مورد پوشش قرار داده شده بود.

در واکنش به نشـــانه‌های مســـتمر کمبود در بازار و نگرانی درباره‌ی افزایش قیمت‌های داخلی، دولت در ۷ اکتبر ســـال ۲۰۰۵ با خرید ۳۰/۰۰۰ تن ذرت نخســـتین بخش قرارداد اختیار خود را اعمال نمود و بخش دوم آن را نیز با خرید ۳۰/۰۰۰ تن باقیمانده در ۱۵ نوامبر ســـال ۲۰۰۵ به اجرا در آورد. این اقدام در واکنش به کمبود مستمر و نگرانی از افزایش قیمت‌ها بود.

تجربه‌ی مالاوی در زمینه‌ی قراردادهای اختیار تا حد زیادی مثبت بود. اکثر ذرت خریداری شـــده در این فرآیند برای نیازهای انسان‌دوستانه به‌کارگرفته شد و به سمت بازارهای تجاری هدایت نگردید. بنابراین امکان آزمون تأثیر قراردادهای اختیار بر قیمت‌های خرده‌فروشی وجود نداشت. همزمان، ذرتی که با این قرارداد خریداری می‌شـــد نسبت به سایر ذرت‌هایی که به مالاوی وارد شده بود بهترین عملکرد تحویل را داشت و به پرهیز از کمبود شدید در کمک‌های انسان‌دوستانه کمک کرد. علاوه‌بر این، تا زمان تحویل در ماه‌های دســـامبر و ژانویه، قیمت‌ها نسبت به قیمت قرارداد بین ۵۹ تا ۹۰ راند در هر تن افزایش یافته بود. بدون قرارداد اختیار، مالاوی مجبور می‌شد برای خرید ذرت آفریقای جنوبی در ســـال ۲۰۰۵ مبالغ چشمگیر بیشتری را هزینه کند. معلوم شـــد که اســـتفاده از قرارداد اختیار در فرابورس از قراردادی که شامل حمل نبود مقرون به‌صرفه‌تر بود.

رویکرد قرارداد اختیار گامی به‌سوی اطمینان از این است که واکنش‌هایی که در برابر کمبود مواد خوراکی و عدم امنیت غذایی انجام می‌شود رشد بلندمدت را با منحرف کردن قیمت‌ها و انگیزه‌ها و ایجاد اخلال در فعالیت‌های بخش خصوصی به خطر نمی‌اندازد. یکی از چالش‌های اصلی که در برابر بخش خصوصی مالاوی

قرار دارد تردید درباره‌ی زمان دخالت دولت در بازار ذرت است. برای حل این مشکل، قرارداد اختیار از طریق روزنامه‌ی دولت به‌طور علنی منتشر شد تا کمترین اخلال در بازارهای تجاری تضمین شـــود. این انتشار اطلاعات تردید درباره‌ی اقدامات دولت را از بین می‌برد، چون اکنون بخش خصوصی می‌داند که دولت در چه هنگام و با چه قیمتی ذرت وارد می‌کند و می‌تواند تصمیمات آگاهانه‌ای درباره‌ی واردات تجاری بگیرد. معامله‌گران بخش خصوصی در مالاوی و در منطقه از این رویکرد حمایت می‌کنند و به دنبال فرصتی برای مشارکت تجاری هستند. منبع: اسلاتر و دانا (۲۰۰۶)

۳-۴-۱۰ مکانی برای سرمایه گذاری

نخســـت باید به این نکتـــه توجه کرد کـــه پیش‌نیازهای اصلی محیـــط معاملاتی که قراردادهای غلات بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـفاکس را به مکانی امن و جذاب برای سرمایه‌گذاری تبدیل می‌کنند عبارتند از:

- وجود بازارهای نقد شونده؛
- معامله در محیط تحت نظارت و قانونمند، بر اســـاس قوانین و آیین‌نامه‌های بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ و نظارت هیئت خدمات مالی انجام می‌شود؛
- اطلاعات بازار به‌صورت شـــفاف منتشر می‌شود تا از ایجاد نابرابری اطلاعاتی به نفع برخی گروه‌ها پرهیز شود؛
- اتـــاق پایاپای بـــورس به‌عنوان طرف اصلـــی معامه عمل می‌کند تـــا عملکرد کلیه قراردادهایی که در بورس منعقد شده‌اند تضمین شود.

درباره‌ی ترکیب بازار هیچ اطلاعاتی در دســـت نیست، چون این بورس از مشتریان خود نمی‌خواهد تا در هنگام افتتاح حســـاب، خود را به‌عنوان پوشـــش دهنده‌ی ریسک یا سفته‌باز ثبت کنند. با وجود این، بورس به‌صورت غیررســـمی تخمین زده اســـت که تقریباً ۶۰ درصد کل موقعیت‌های باز با پوشـــش ریسک ارتباط دارند. همچنین در مواردی که بازار با نوسانات شدیدی روبروست برخی سفته‌بازان فصلی نیز وارد بازار می‌شوند. محدودیت‌های معاملاتی ۳۰۰۰ قرارداد در هر ماه درباره‌ی همه فعالان بازار اعمال می‌شود، درصورتی‌که شواهدی مبنی‌بر پوشش ریسک بیش از این سقف ارائه شود معافیت‌هایی اعمال می‌شود.

فعالیت معاملاتی ســـوداگرانه به‌عنوان یکی از دلایل احتمالی تورم یکی از مشـــکلات برجسته در آفریقای جنوبی بود که در سال ۲۰۰۲-۲۰۰۱ که قیمت غلات در بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس نوسانات شدیدی داشت مطرح شد (به نمودار ۲۵ نگاه کنید).

قیمت‌ها از ۷۹٤ راند در هر تن در مارس ۲۰۰۱، به ۲۱٤۰ راند در هر تن در مارس سال ۲۰۰۲ رسید و در مارس ۲۰۰۳ به ۷٦۳ راند در هر تن کاهش یافت.

ذرت کالای بسیار حساسی است؛ چون یکی از مواد اصلی در رژیم غذایی آفریقاییان محسوب می‌شود. افزایش قیمت این کالا نگرانی‌هایی را در جامعه و در میان سیاستمداران ایجاد کرد. برخی فعالیت‌های سوداگرانه را دلیل افزایش قیمت‌ها می‌دانستند. این مسئله سبب گردید تا وزارت کشاورزی و امور زمین در ژانویه سال ۲۰۰۳، کمیته‌ی پایش قیمت مواد خوراکی را تشکیل دهد. این کمیته در گزراشی که در دسامبر سال ۲۰۰۳ منتشر شد نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادات خود را اعلام کرد. نخست، این گزارش به نقش قدرتمند تورم قیمت‌های مواد خوراکی در تورم کل اشاره کرد. دومین نکته این بود که براساس گزارش‌های قبلی، دلیل افزایش قیمت‌ها آمیزه‌ای منحصر به فرد از پنج عامل اعلام شد: افزایش قیمت‌های جهانی، فقدان رقابت در بازارهای داخلی، کاهش ارزش پول ملّی، کمبود منطقه‌ای ذرت و جو عمومی نااطمینانی.

نمودار۵۲: روند قیمتی قرارداد ذرت سفید بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس ۲۰۰۷-۱۹۹۸



منبع: بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس

کمیته‌ی پایش قیمت مواد خوراکی در زمینه‌ی کارکرد بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس و به‌ویژه تردید در فعالیت‌های معاملاتی غیرمعمول در بازار غلات به‌عنوان یکی از دلایل بالقوه تورم قیمت‌های مود خوراکی نیز تحقیق کرد. اگرچه نتایج این تحقیق به وجود گزارش‌هایی در خصوص فعالیت‌های غیرمعمول اشاره نموده است اما اولین چیزی که در این گزارش به آن اشاره گردیده، فهرست اقداماتی است که بورس برای حفاظت از سلامت بازار در آستانه‌ی چنین رخدادهایی انجام داده است که از این جمله می‌توان به بهبود ساختاری در رویه‌های بورس نظیر معرفی محدودیت‌های مواضع معاملاتی در بازار اشاره نمود. به عبارت دیگر، این گزارش چنین نتیجه‌گیری کرد که "با وجود این بی‌نظمی‌ها... کمیته از این مسئله رضایت دارد که مدارک کافی نشان می‌دهد روندهای

قیمـــت تولیدکنندگان در طول این مدت اکثراً به دقت نمایانگر عوامل بنیادی بازار بوده‌اند و این مســـئله نشان می‌دهد که صرف نظر از برخی دوره‌ها، دستکاری کمترین تأثیر را در روند قیمت‌ها داشـــته است. کمیته همچنین مطمئن شده است که مقررات مورد نیاز برای پیشـــگیری از سوء اســـتفاده از بازار معاملات آتی اکنون ایجاد شـــده‌اند"(کمیته‌ی پایش قیمت‌های مواد خوراکی، ١٤٤: ٢٠٠٣). در سال ٢٠٠٥-٢٠٠٤، که قیمت‌ها به ٤٧١ راند در هر تن سقوط کرد، مسأله‌ای برعکس این موضوع دقیقاً رخ داد.

یکـــی از ویژگی‌های بارز قراردادهای آتی غلات بورس اوراق بهادار ژوهانســـبورگ/ ســـافکس این است که غلات دارای منشـــأ خارجی را نیز می‌توان برای عمل به تعهدات قرارداد ارائه داد. در اصل، هر نوع غله‌ای که با مشـــخصات قرارداد هم‌خوانی داشته باشد را می‌توان تحویل داد، ولی دولت (همان‌طور که قبلاً گفتیم) اکنون تنها واردات غلات از پنج کشور را مجاز شمرده است و برای آن کسر مبدأ در نظر می‌گیرد. یکی از دلایل اصلی مجاز شـــمردن تحویل غلات دارای مبدأ خارجی محدود ساختن احتمال نوسان در بازار است زیرا میزان غلات قابل تحویل خود آفریقای جنوبی محدود اســـت. گندم خارجی در سال ۲۰۰۵ بـــرای تکمیل یکی از قراردادهای آتی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس وارد شـــد که شامل مقداری گندم مجارستانی، ۱۰ هزار تن گندم آرژانتینی و چند هزار تن گندم از ایالات متحده آمریکا بود. اما از زمان اعمال کسر قیمت مبدأ، هیچ غله‌ی خارجی به این بورس تحویل داده نشـــده است. با این همه، می‌توان گفت که امکان تحویل غلات دارای منشأ خارجی یکی از موانع مهم در برابر اعمال فشار بر بازار و دریچه‌ی اطمینان در مواقع افزایش شدید قیمت‌هاست.

معلوم نیست که سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی قراردادهای آتی غلات بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس تا چه حد در سبد فعالیت‌های سرمایه‌گذاران داخلی یا بین‌المللی جا باز کرده است. با وجود این برخی از بازیگران مالی (مشتریان و صندوق‌های کوچک) هنگامی که ســـود بازار سهام محدود بوده، به سرمایه‌گذاری در بازار ذرت روی آورده‌اند. بورس به این نکته اشاره می‌کند که این مسئله به‌ویژه در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ رخ داد که نوسان قیمت ارز فرصت‌های زیادی را در بازار ذرت ایجاد کرد. با وجود این، با بازگشت فرصت‌های بازار ســـهام، بازیگران مالی بازار کشـــاورزی را ترک کردند و به بازارهایی که ترجیح می‌دادند بازگشتند. علاوه‌بر این، در طول این دوره، یکی از بانک‌ها حساب ویژه‌ای را برای جذب مشـــتریان مالی به سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی معاملات مابه‌التفاوت ماهیانه‌ی قیمت ذرت ایجاد کرد. این ابزار نخســـتین بار در ســـال ۲۰۰۳ مورد استفاده قرار گرفت و احتمالاً در سال ۲۰۰۹ نیز تکرار گردد.

همچنین معلوم نیست سرمایه‌گذاران خرد و کشاورزان تا چه حد به سوداگری‌هایی که خارج از توان آن‌هاست دست می‌زنند. از سوی دیگر، درباره‌ی فعالیت در سطح مشتریان تحقیقات مختلفی انجام شده است که همراه با شهادت نمایندگان صنایع، نشان داده است که تعداد محدودی از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران خرد، معاملاتی خارج از توان خود انجام داده‌اند. از سوی دیگر، اقدامات نظارتی برقرارند (به بخش ۳-۱۰ نگاه کنید) که سطح سوداگری در بازارها را کنترل می‌کنند، امکان نکول را کاهش می‌دهند و سرمایه‌گذاری مسئولانه را تشویق می‌کنند.

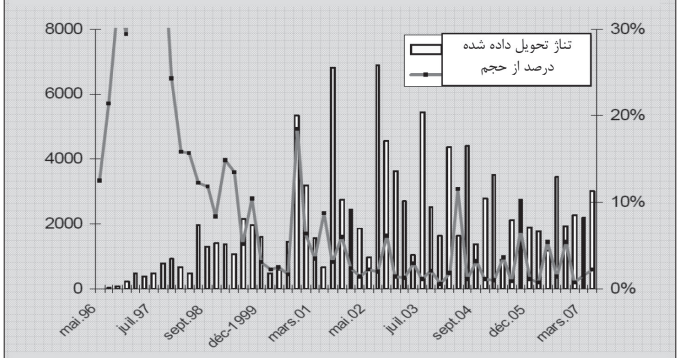
۴-۴-۱۰ تسهیل معامله فیزیکی کالا

بهبود قیمت‌گذاری نقدی: بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس در تولید داده‌های قیمت‌های نقدی برای این صنعت نقش مهمی ایفا می‌کند. از آنجا که هیچ بازار شفاف یا رسمی نقدی برای غلات در آفریقای جنوبی وجود ندارد، این صنعت از بازار آتی‌ها برای تعیین قیمت‌های نقدی استفاده می‌کند. با قرارداد بورس اوراق ژوهانسبورگ/ سافکس که سررسید آن در هر ماه تقویمی است، همیشه یک قرارداد تحویل ماهیانه وجود دارد. این بدان معناست که تولیدکنندگان همیشه می‌توانند برای تحویل فوری از یکی از قراردادهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس استفاده کنند. بنابراین، قیمت ماه تحویل در اصل نمایانگر قیمت نقدی بازار است.

بازار آفریقای جنوبی قبل از اصلاحات بازاری چندپاره نبود، زیرا در سیستم تحت نظارت این کشور یک قیمت در سراسر کشور حکم فرما بود. ولی از زمان کنترل‌زدایی، توافق بر سر قیمت‌های حمل به یکی از متغیرهای مهم شرایط قرارداد میان فروشندگان و خریداران سرتاسر کشور تبدیل شده است. بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس از طریق ایجاد و انتشار "مابه‌التفاوت‌های محلی" شفاف، تأثیر ملموسی بر این حوزه گذاشته است.

قراردادهای غلات بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس از بازار راندفونتین به‌عنوان قیمت مرجع استفاده می‌کنند. تولیدکنندگانی که محصولات را به سیلوهای مختلف در سرتاسر کشور تحویل می‌دهند باید نسبت به قیمت‌های این بورس تخفیف بدهند که این تخفیف نمایانگر هزینه‌های حمل بین سیلو و راندفونتین است. این تخفیف (یا مابه‌التفاوت محل تحویل) هر سال برای هر نقطه‌ی تحویل محاسبه می‌شود و توسط بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس منتشر می‌شود.

نمودار۵۳: میزان تحویل ماهیانه قرارداد ذرت سفید بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ / سافکس ۲۰۰۷-۱۹۹۶



منبع: بورس اوراق بهادر ژوهانسبورگ/ سافکس

با وجود این، اگر تولیدکننده‌ای بخواهد ذرت را در محل یا سیلویی که در این بورس ثبت نشده است بفروشد و مابه‌التفاوت قیمت محل را ندارد، تولیدکننده مجبور است برای تعیین قیمت مستقیماً با خریدار وارد مذاکره شود. این مسئله به‌ویژه درباره‌ی تولیدکنندگان ذرت در استان کیپ شرقی صادق است.

در حالیکه مابه‌التفاوت‌های محل تحویل به قیمت‌گذاری موثر کمک کرده‌اند، برخی کشاورزان درباره‌ی نقش بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس در تعیین این مابه‌التفاوت‌ها ابراز تردید کرده‌اند. برخی احساس می‌کنند که مابه‌التفاوت‌های محل تحویلی که بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس ارائه می‌کند ممکن است همواره با هزینه‌های حمل واقعی همخوانی نداشته باشد.

تقویت مبادلات در بازار نقدی: نمایندگان صنعت و فعالان بازار به اتفاق آرا موافقند که سیستم تحویل بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس مکانیزمی بسیار توسعه یافته و قابل پذیرش برای تحویل و خرید غلات در آفریقای جنوبی است. این گفته از حمایت داده‌های موجود نیز برخوردار است (به نمودار ۵۳ نگاه کنید). اگرچه میانگین تحویل‌ها ۲ تا ۳ درصد کل تناژ معامله شده است، این مقدار در برخی از دوره‌های فصل به ۷ درصد می‌رسد. بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس در سال ۲۰۰۶ بالغ بر ۲۱۰۰ تن ذرت را در هر ماه تحویل می‌داد. شکی نیست که این مسئله نمایانگر اعتماد چشمگیر بازار به مکانیزم تحویل این بورس است.

تقویت زیرساخت‌ها: زیرساخت‌های انبارش و تدارکات در آفریقای جنوبی، قبل از کنترل‌زدایی این صنعت نیز بسیار توسعه یافته بود و برخی می‌گویند که از زمان کنترل‌زدایی، ممکن است حتی شاهد پس‌رفتی جزئی در زمینه‌ی تدارکات بوده باشیم که ناشی از کاهش

خدمات راه آهن بین سیلوهاســـت که دیگر برای اپراتور خط آهن سودآور نبود. با وجود این، صنعت حمل و نقل جاده‌ای تا میزان زیادی این کاهش‌ها را جبران کرده است. همچنین، براساس داده‌های صنعت ســـیلوی آفریقای جنوبی، ظرفیت انبارش از سال ۱۹۹۰ در حدود ۱۵ میلیون تن ثابت مانده است. برخی از سیلوها در مناطقی که اقتصادی نبود تعطیل شدند. با وجود این، با معرفی ســـیلوهای کیسه‌ای که انبارســـازی قابل حمل غلات در مزارع را میسر می‌سازد این کاهش جبران شده است. سیلوهای کیسه‌ای اکنون حدود ٤۰۰ هزار تن ظرفیت ذخیره‌سازی در آفریقای جنوبی ایجاد کرده‌اند. با وجود این، بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس به‌طور غیرمســـتقیم از دو لحاظ تأثیر بزرگی داشته است. نخست اینکه این بورس یکی ازطرف‌های اصلی توسعه‌ی سیستم رســـید انبار/سیلو بوده است که بازار آتی‌ها را با بازار فیزیکی ترکیب می‌کند و بخش کالا را با بخش مالی ترکیب کرده است (به کادر ۲۸ نگاه کنید). باید بر این نکته تأکید کرد که با بیش از ۲۰۰ نقطه‌ی تحویل رسمی و تحویل روزانه‌ی قرارداد اصلی ذرت سفید، بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس یکی از پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین سیستم‌های تحویل بورس‌های کالای جهان را اداره می‌کند. گستردگی شبکه انبارهای این بورس، مشارکت گسترده‌ی تولیدکنندگان از مناطق تولید غلات سرتاسر آفریقای جنوبی را میسر می‌سازد. تنها تعداد معدودی از تولیدکنندگان به دلیل دوری از نقاط تحویل از شبکه این بورس حذف شده‌اند. علاوه‌بر این، سیستم تحویل بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس به توسعه‌ی سیستم‌های مدیریت وثایقی که با سیستم‌های جهانی برابری می‌کنند کمک کرده است. ازجمله می‌توان به نرم‌افزار پیشگام مدیریت انبارش و توزیع غله اشاره کرد.

ارتقای کیفیت: استانداردهای کیفی‌ای که بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس به کار می‌برد از اســـتانداردهای این صنعت برگرفته شده است. با وجود این، در مقایسه با ترتیبات ســـابق در دوره‌ی کنترل دولتی، اکنون جایزه‌هایی وضع شده است که به تحویل غلات با کیفیت‌تر پاداش می‌دهد و این مســـئله انگیزه‌هایی را برای کشاورزان ایجاد کرده است تا کیفیت محصولات خود را افزایش دهند. اتاق ملّی آردسازی مشاهده کرده است که از زمانی که تفاوت قیمتی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس بین درجه‌های اول و دوم کیفیت به ۷۵ راند افزایش یافت، تولیدکنندگان به‌منظور دســـتیابی به استانداردهای بهتر مقدار کود محصول گندم خود را افزایش داده‌اند. همچنین مشخص گردیده است که شفافیت تعیین درجه‌ی کیفیت به کشاورزان نوپا کمک می‌کند تا کیفیت محصولی را که از آنان انتظار می‌رود در تصمیمات تولیدی و مدیریت مزارع خود در نظر بگیرند.

کادر ۲۸: مکانیزم تحویل بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس و رسیدهای سیلو

صنعت غلهی آفریقای جنوبی با بهرهگیری از زیرساختهای فیزیکی توسعهیافته در زمان کنترلزدایی، سیستم تحویل فیزیکی خوبی را ایجاد کرده است که قراداد آتیها را با بازار نقدی (ازجمله صاحبان سیلو) و کالا را با بخش مالی ترکیب کرده است. علاوهبر زیرساختهای موجود، دو عنصر دیگر نقش مهمی در توسعهی این سیستم ایفا کردهاند: چارچوب قانونی برای صدور و انتقالپذیری رسیدهای سیلو و همکاری همه طرفها (بورس، صاحبان سیلوها، تأمینکنندگان مالی و فعالان صنعت غلات) برای طراحی سیستمی که الزامات صنعت را برآورده سازد. درنتیجه، بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس مجرایی تضمین شده را برای تحویل فیزیکی و خرید فراهم میآورد و از همبستگی بالای میان بازارهای نقدی و آتی اطمینان حاصل میکند و دسترسی آسان کشاورزان و سایر فعالان صنعت غلات به منابع مالی با استفاده از محصول خود بهعنوان وثیقه را تضمین میکند. عناصر اصلی این سیستم به ترتیب زیر است:

دورهی تحویل: در بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس، تحویل فیزیکی میتواند در هر زمان در طول ماه تحویل مورد نظر رخ دهد (مثلاً یک قرارداد معامله آتی ماه جولای تنها در طول ماه جولای قابل تحویل است). با معرفی قراردادهای ماه ثابت، این بدان معناست که ذرت و گندم را میتوان در طول تمام ماههای سال تحویل داد.

فرایند تحویل: تحویل فیزیکی در بورس ظرف دورهای دو روزه (یعنی روز اعلام و روز تحویل) انجام میشود. از دیدگاه بورس، تحویل زمانی انجام میشود که رسید سیلوی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس که نمایانگر تحویل خوب است در انتهای یک قرارداد آتی ارائه شود. تحویل خوب را میتوان بهعنوان رسید سیلویی تعریف کرد که دسترسی به محصول را در برابر رسید اپراتور سیلو مجاز میشمارد.

صدور قبض سیلوی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس: کشاورز برای صدور رسید سیلوی این بورس باید مقدار مندرج در قرارداد آتی استاندارد را به یکی از بیش از ۲۰۰ نقطه تحویل (سیلوی) مورد تایید در آفریقای جنوبی

تحویل دهد. وجود مراکز بسیار زیاد تحویل در مقایسه با استانداردهای جهانی خارق العاده است (مثلاً بورس مرجع بین‌المللی هیأت تجاری شیکاگو CBOT تنها دارای چهار نقطه تحویل است). بر حسب درخواست، صاحب سیلو یک رسید سیلوی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس را به نام کشاورز صادر می‌کند. این سندی بسیار مطمئن است که در سه نسخه صادر می‌شود و تا کنون هیچ موردی از جعل این رسیدها گزارش نشده است. این رسید آزادانه قابل انتقال است ولی جزئیات مندرج در آن قابل مذاکره نیست و نمایانگر مالکیت مقداری مشخص از کالایی با کیفیت مشخص، درکنار خط راه‌آهن در سیلوی ثبت شده بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس است. رسید سیلو را می‌توان به‌صورت الکترونیکی نیز صادر کرد؛ چون برخی از مشتریان اخیراً چنین رسیدهایی را می‌پذیرند و تعداد محدودی از اداره‌کنندگان سیلوهای بزرگ نیز چنین رسیدهایی را صادر کرده‌اند.

تضمین عملکرد: تحویل یا خرید هر یک از کالاهای ثبت شده در بورس همواره از ضمانت بورس برخوردار است. درصورتی‌که یکی از فعالان بازار نتواند طبق قراردادش عمل کند، کارگزار او موضعش را برعهده می‌گیرد. اگر کارگزار نتواند موضع یکی از فعالان بازار را تقبل کند، اتاق پایاپای کارگزار وارد عمل می‌شود و موضع را برعهده می‌گیرد. این سیستم تضمین می‌کند که فعال بازاری که در سوی دیگر معامله قرار دارد همواره از تحقق موضع معاملاتی خود اطمینان داشته باشد.

انتقال قبض: بعد از دریافت رسید سیلوی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس (که توسط صاحب آن امضا شده است) توسط بورس، این قبض به خریدار جدید تحویل می‌شود که آن را امضا می‌کند و مالکیتش را می‌پذیرد. این انتقال مالکیت ممکن است قبل از تحویل کالا بارها انجام شود.

تأمین مالی از طریق قبض‌های سیلو: تعدادی از موسسات، براساس قبض‌های سیلو به‌عنوان وثیقه، به ارائه خدمات مالی می‌پردازند. در این صورت، رسید سیلو به نام موسسه صادر و تحویل می‌شود که آن را به‌عنوان وثیقه نزد خود نگه می‌دارد. در صورت نکول مشتری، موسسه قبض سیلو را در بازار می‌فروشد تا وام را تسویه کند.

تحویل موجودی فیزیکی و ابطال قبض: وقتی صاحب قبض انبار تصمیم

گرفت محصول فیزیکی مندرج در قبض را تحویل بگیرد، قبض سیلوی اصلی به مالک سیلویی که این قبض را صادر کرده ارائه می‌شود. صاحب سیلو اعتبار قبض سیلو را کنترل می‌کند و بعد از پرداخت همه هزینه‌های انبارش، محصول را براساس دستورات خریدار بارگیری می‌کند. در این مرحله قبض سیلو باطل می‌شود و دیگر قابل معامله نیست.

۱۰-۴-۵ تسهیل تأمین مالی بخش کشاورزی

یکی از نقاط قوت مدل بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس، یکپارچه‌سازی بخش کالا با بخش مالی است. یکی از جنبه‌های اصلی این موضوع، سیستم تحویل روان، گسترده و امن بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس است که در بخش بالا مطرح گردید. نمایندگان بانک‌ها تایید کرده‌اند که در این سیستم توانایی آن‌ها برای پرداخت اعتبارات با نرخ‌های بهره کمتر افزایش یافته است. این مسئله نمایانگر ریسک پایین وام دادن به کشاورزان است؛ چون بانک می‌تواند با اطمینان، رسیدهای سیلوی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس را به‌عنوان وثیقه بپذیرد. آن‌ها مطمئن هستند که رسید سیلو در صورت نکول کشاورز، دسترسی آنان به کالا را میسر می‌سازد. علاوه‌بر این، بورس مجرای آسانی را برای ارزشیابی کالا و نقدشوندگی وثیقه در صورت نکول فراهم می‌کند. در نتیجه، جنبه‌های فیزیکی و مالی بازاریابی غلات در یک بسته بازاریابی، تأمین مالی و مدیریت ریسک که در دسترس تولیدکننده قرار دارد یکپارچه شده است (به کادر ۲۹ نگاه کنید). یکی از بانک‌های پیشرو برآورد کرده است که ارزش کل سالیانه‌ی تأمین مالی از طریق رسید سیلو در آفریقای جنوبی ۵/۵ میلیارد راند (یا ۷۷۵ میلیون دلار با نرخ‌های آگوست سال ۲۰۰۷) است. تنها خطری که مطرح شده این است که به دلیل حداقل تناژی که در قراردادهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس ذکر شده، فعالان کوچک بازار ممکن است تأمین منابع مالی مورد نیاز برای خرید مواد خام را دشوار بیابند (کمیسیون پایش قیمت‌های مواد خوراکی، ۲۰۰۳).

۱۰-۴-۶ توسعه‌ی بازار

آموزش و ظرفیت سازی: بازارهای آتی کشاورزی در بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس در سال ۱۹۹۹، یعنی دو سال قبل از انحلال هیئت بازاریابی غلات آغاز به کار کرد. نمایندگان این صنعت گفته‌اند که در روزهای نخست بازار، این بورس رهبری آموزش فعالان بازار را در دست گرفت و سمینارهای متعددی در سرتاسر کشور برگزار کرد. در

سال ۱۹۹۹، انجمن غلات آفریقای جنوبی[1] (یک انجمن مستقل و داوطلب تولیدکنندگان غله) تأسیس گردید و از آن پس نقش مهمی در تلاش‌های آموزشی در زمینه‌ی بازارهای نقدی و آتی غلات ایفا کرده است. ساختار آموزش بازار برای کشاورزان آفریقای جنوبی ماهیتی غیررسمی دارد و کشاورزان در میان خود گروه‌های مطالعه‌ای را برای به اشتراک گذاشتن دانش و تجربه تشکیل می‌دهند. یکی از کشاورزان آفریقای جنوبی این مسئله را این گونه توضیح می‌دهد:

فکر می‌کنم از میان همه سازمان‌های کشاورزی، گروه مطالعه سازمانی است که بیش از همه به کشاورزان نزدیک است و به پیشرفت آنان کمک می‌کند. براساس تجربه‌ی فردی من، گروه‌های مطالعه همه اطلاعات غیرضرروی را حذف می‌کنند و تنها بر چیزی که برای اعضا مهم است تمرکز می‌کنند. درنتیجه، نیازهای مشخصی مطرح می‌شود و گروه برای پاسخ دادن به این نیازها راه‌هایی پیدا می‌کند. فکر نمی‌کنم ارائه‌ی خدمات بازاریابی که انجام معامله را تسهیل می‌کند چیزی بر ارزش کشاورزان اضافه کند؛ چون کشاورز به گروه متکی می‌شود و یاد نمی‌گیرد که چگونه از بازار خوب استفاده کند. آنچه بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس می‌تواند انجام دهد این است که فرصت‌های دسترسی مستقیم به دانش بورس را در اختیار گروه قرار دهد. به عبارت دیگر، وقتی نیازی در گروه مطالعه ایجاد می‌شود، باید به راحتی بتوانند از بورس جواب بگیرند یا کسی از بورس باشد که بتواند به سطح آن‌ها بیاید و نیازشان را برآورده کند.

تا سال ۲۰۰۵، انجمن غلات آفریقای جنوبی دوره‌های مقدماتی آشنایی با بازاریابی غلات را به تولیدکنندگان مناطق مختلف تولید غله ارائه می‌داد. در سال ۲۰۰۵، دوره‌های برنامه‌ریزی شده قطع شد ولی دوره‌ها براساس تقاضای گروه‌های مطالعه، اتحادیه‌های کشاورزی و مواردی از این دست برگزار می‌شوند. با افزایش روزافزون مهارت صنعت کشاورزی در استفاده از بازار معاملات آتی، ممکن است کشاورزان نیازمند آموزش‌های بیشتری باشند.

اکثر شرکت‌های زراعی و شرکت‌های معامله غلات نیز دوره‌هایی را برای تولیدکنندگان برگزار می‌کنند. این شرکت‌ها اغلب قبل از فصل جدید کاشت به دیدار تولیدکنندگان می‌روند و وضعیت کلی بازار را برای آنان تشریح می‌کنند و در زمینه‌ی راهبردهای خوب بازاریابی و پوشش ریسک محصول جدید نیز پیشنهاداتی ارائه می‌دهند.

1- Grain South Africa (Grain SA).

کادر ۲۹: یکپارچه‌سازی بخش‌های کالا و مالی در آفریقای جنوبی: "بسته ابزارهای مالی غلات"[1] فرست نشنال بانک آفریقای جنوبی بر مبنای ابزارهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس

قرارداد نقدی:

- خرید یک‌جای کالاهای غله بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس.

قرارداد پیش از کاشت:

- تأمین مالی نهاده‌های غلات در برابر بیمه‌ی محصول و معامله غلات (پوشش ریسک)؛
- معامله شامل ترکیبی از سافکس، فرابورس و مواضع مدیریت ریسک است؛
- تحویل فیزیکی غلات اجباری است.

قرارداد رپو:

- تأمین مالی غله در برابر گواهی رسید سیلو به‌عنوان وثیقه و خرید ۲۵ درصد از قراردادهای اختیار فروش در ضرر سافکس[2] برای دوره‌ی تأمین مالی. محدود به ۷۵ درصد ارزش روزانه‌ی کالا در بازار؛
- مشتری مسئول انبارش و نرخ بهره در طول دوره‌ی تأمین مالی است؛
- بانک باید ترجیحاً غله را در سررسید قرارداد رپو خریداری کند.

قرادا قیمت پیش خرید:

- خرید نقدی غلات با پیش پرداخت؛
- قرارداد آتی خرید و قرارداد اختیار فروش. پرداخت نهایی در سررسید قرارداد در صورتی‌که موضع فروش در سود[3] باشد؛
- انبارداری و بهره به حساب مشتری نیست (با رپو تفاوت دارد).

قرارداد خرید پیمان آتی با قیمت ثابت:

- خرید کالاهای غله سافکس براساس پیمان آتی با شرایط زیر:
- محصول کاملاً رسیده و سفت باشد، حداکثر ۶۵ درصد کل محصول، ثبت

۱- این بسته همان‌طور که از اسم آن پیداست، مجموعه‌ای از خدمات مالی فرست نشنال بانک آفریقای جنوبی است که در آن با استفاده از ابزارهای بورس ژوهانسبورگ/ سافکس، قراردادهای انعطاف پذیری برای معاملات غلات در این کشور در اختیار فعالان بازار قرار می‌گیرد. مترجم

2- Of Out Of the Money SAFEX Puts

3- Long Position in the Money

مالی و ریسک، گزارشات برآورد محصول؛
• تحویل فیزیکی غله موضوع قرارداد اجباری است.

قرارداد میانگین حداقل/حداکثر پیمان آتی خرید:

• قرارداد اختیار فرابورس؛
• تضمین حداقل و حداکثر قیمت در دوره‌ی قرارداد؛
• تحویل فیزیکی غله معامله شده اجباری است.

قرارداد میانگین متعادل پیمان آتی خرید:

• قرارداد اختیار فرابورس؛
• مشتری در افزایش قیمت‌های بازار بر مبنای میانگین سهیم است؛
• حداقل قیمت برای دوره قرارداد تضمین می‌شود؛
• تحویل فیزیکی غله معامله شده اجباری است.

قرارداد حداقل پیمان آتی خرید:

• قرارداد اختیار فروش سافکس؛
• حداقل قیمت در دوره‌ی قرارداد تضمین می‌شود؛
• مشتری می‌تواند قیمت را در طول دوره قرارداد تثبیت کند؛
• تحویل فیزیکی غله‌ی معامله شده اجباری است.

قرارداد میانگین اختیار خرید:

• معامله در فرابورس. مشتری در افزایش قیمت بازار بر مبنای میانگین در دوره‌ی قرارداد سهیم است؛
• تسویه‌ی نقدی، درصورتی‌که بسته شدن اختیار با سود همراه باشد؛
• نیازی به تحویل فیزیکی غله نیست؛
• نیازی به وجه تضمین نقدی نیست. جایزه به صورت پیش پرداخت قابل پرداخت است.

کارگزاری:

• معامله آتی‌ها و اختیارهای سافکس از طریق بانک کارگزار.

آموزش سافکس:

• دوره آموزشی یک روزه در سافکس. برون سپاری به طرف ثالث؛

حساب فِرست نشنال بانک **برای معاملات غلات:**

- این حساب فقط برای معالات غلات کاربرد دارد؛
- حساب برای پوشش هزینه‌های اختیار، هزینه‌های فورس ماژور و سایر هزینه‌های اداری.

منبع: فِرست نشنال بانک، آفریقای جنوبی.

در سال‌های اخیر، فعالیت‌های آموزشی بیشتر بر کشاورزان کوچک یا نوپا متمرکز بوده است. رهبری این تلاش را انجمن غلات آفریقای جنوبی برعهده دارد. "برنامه‌ی توسعه‌ی تولیدکنندگان"هدف توانمندسازی کشاورزان نوپا و حرکت به سوی تولید پایدار و خود اتکا و ترویج اصول تجاری کشاورزی در میان اعضای انجمن را دنبال می‌کند" (وب سایت انجمن غلات آفریقای جنوبی، آگوست ۲۰۰۷). بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس با برگزاری سمینارهای آموزشی برای گروه‌های مطالعه‌ی کشاورزان، در زمینه‌ی بازاریابی و مدیریت ریسک قیمت، از این برنامه پشتیبانی می‌کند. انجمن غلات آفریقای جنوبی از متخصصان داخلی که در زمینه‌ی عملیات بازارهای آتی تخصص بالایی دارند نیز برخوردار است.

نمایندگان صنعت غلات آفریقای جنوبی عقیده دارند که آموزش در زمینه‌ی استفاده از بازارهای معاملات آتی برای مدیریت ریسک قیمت دومین اولویت است و بعد از مسایل بنیادین‌تر تولید و مدیریت مزرعه قراردارد. با وجود این، حتی مقدماتی‌ترین دوره‌ی آموزش کشاورزان کوچک نیز معمولاً شامل افزایش آگاهی درباره‌ی نقش بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس و نحوه‌ی استفاده از اطلاعاتی که این بورس تولید می‌کند در تصمیم‌گیری درباره‌ی تولید و بازاریابی است. این مسئله نشان می‌دهد بورس کالا چه نقش مهم و سودمندی در معیشت تولیدکنندگان کوچک دارد.

سایر تأثیرات توسعه بازار: تأثیراتی که در پی می‌آید براساس بحث‌هایی که با نمایندگان صنعت غلات آفریقای جنوبی انجام گرفته مستند شده است.

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات: تأثیر غیرمستقیم ناشی از فعالیت‌های بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس، بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده است. به‌ویژه سیستم تحویل گسترده و خوب این بورس، تولیدکنندگان نرم‌افزار را تشویق کرده است تا بهترین سیستم‌های مدیریت غلات و سیلو را تولید کنند که کارکرد و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در این صنعت را تقویت می‌کند.

تسهیل معاملات بین‌المللی: بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس با ایجاد مرجعی برای بازارهای غلات آفریقای جنوبی، در متصل ساختن بازار آفریقای جنوبی با همسایگان منطقه‌ای‌اش نیز نقش ایفا کرده است. این نقش هنگامی مشاهده شد که دولت مالاوی برای خرید از طریق یکی از بانک‌های آفریقای جنوبی از معاملات اختیار براســـاس قیمت‌های بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس استفاده کرد (به کادر ۲۵ نگاه کنید). با وجود این، یکپارچه‌سازی منطقه‌ای بیشتر (مثلاً از طریق ایجاد نقاط تحویل یا پایانه‌های معاملاتی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس) با موانعی روبروست که با کنترل‌های واقعی یا بالقوه‌ی جریان آزاد کالاها و سرمایه ارتباط دارد. دومین تأثیر ناشی از شفافیت قیمت‌های برابری واردات و صادرات است که این بورس آن را امکان‌پذیر می‌کند (قبلاً به این مسئله اشاره کردیم). این مسئله به صادرکنندگان و واردکنندگان درباره‌ی شرایط مناسب معامله‌ی بین‌المللی غلات علامت‌های خوبی می‌دهد.

دسترسی به بازارها و تأمین کنندگان خدمات: بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس از زمان کنترل‌زدایی در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰، دسترســـی و استفاده‌ی کشاورزان به بازارها را افزایش داده است، در حال حاضر عمدتاً کشاورزان تجاری به این بازارها دسترسی دارند، ولـــی انتظار می‌رود زمین‌داران کوچک به‌طور غیرمســـتقیم از طریـــق تعاونی‌ها و بعد از تجاری‌سازی بتوانند به‌طور غیرمستقیم از این بازارها استفاده کنند. به دلیل یکپارچه‌سازی بخش‌های کالا و مالی از طریق سیستم تحویل بورس، بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ ســـافکس دسترسی تولیدکنندگان به موسســـات مالی را تسهیل کرده است. یکی از دلایل اصلی این مســـئله این است که اکثر بانک‌های بزرگ کشـــور، رسید سیلوی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس را به‌عنوان وثیقه می‌پذیرند.



بخش سه

خلاصه یافته‌ها و پیامدهای توسعه

فصل ۱۱- خلاصه‌ی یافته‌ها

۱-۱۱ توسعه‌ی تاریخی بازارهای کشاورزی و بازارهای کالاهای خاص مورد مطالعه

۱-۱-۱۱ وضعیت کشور

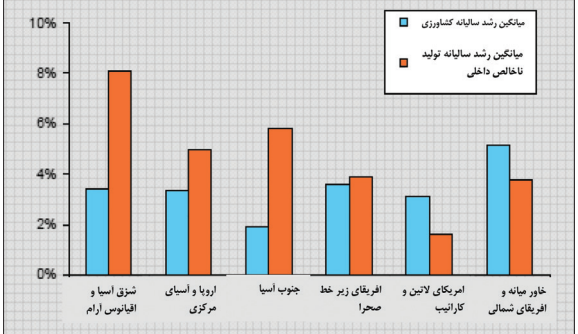
پنج کشوری که در این گزارش بررسی شده‌اند را می‌توان در زمره‌ی کشورهای دارای درآمد متوسط محسوب کرد. با وجود این، وضعیت آن‌ها با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری دارد (به تصویر ۹ نگاه کنید). در این میان سه غول، یعنی برزیل، چین و هند دارای مساحت و جمعیت عظیمی هستند که مالزی و آفریقای جنوبی در مقایسه با آن‌ها کوچک به نظر می‌رسند. از نظر اقتصادی، برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی دارای سطوح درآمد سرانه‌ی بیش از ۵۰۰۰ دلار (به قیمت‌های جاری) هستند (که از درآمد سرانه‌ی ۲۰۰۲ دلاری چین و درآمد سرانه‌ی ۷۹۷ دلاری هند بسیار بیشتر است). با وجود این، چین و به میزان کمتری هند، دارای سریعترین نرخ رشد هستند. نرخ میانگین رشد تولید ناخالص داخلی چین از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ بسیار بالاتر از رشد ۶/۷ درصدی هند است که در رده‌ی دوم قرار دارد، ولی باید توجه داشت که هند اخیراً نرخ رشد سالیانه‌ی خود را به حدود ۹ درصد رسانده است. علاوه‌بر این، داده‌های سطح بالای اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی و درآمدی گسترده را که در سه کشور ثروتمندتر این گروه وجود دارد پنهان می‌کند. همان‌طور که به تفصیل خواهیم گفت، این نابرابری در بخش‌های کشاورزی منعکس است که ویژگی آن، دوگانگی شدید میان فعالیت‌های تجاری توسعه یافته و گروه‌های کمتر توسعه یافته‌ی کشاورزان کوچک است که با تمرکز شدید فقر روبروست.

۲-۱-۱۱ اهمیت کشاورزی در اقتصاد

در هر یک از کشورهای مورد مطالعه، به استثنای هند، کشاورزی در تولید ناخالص ملّی نقش کوچک و رو به کاهشی دارد. در آفریقای جنوبی، نقش کشاورزی در اقتصاد تنها ۳ درصد است. این امر نمایانگر دگرگونی اقتصادی ناشی از فرایند صنعتی سازی است که

اغلب شـــتاب زیادی دارد. در این سناریوها، بخش تولید (و در برخی شرایط، بخش‌های معدن کاوی، مواد معدنی و خدمات) این رشـــد را تســـریع کرده‌اند. در مقابل، کشاورزی اغلب با سیاست‌های دولت برای هدایت مقادیر کافی غذای ارزان برای جمعیت‌هایی که به تدریج شهری می‌شوند در داخل چارچوب کنترل‌های سنگین و راهبرد جایگزینی واردات برای پیشبرد توسعه ملّی محدود می‌شود.

نمودار ٥٤: مقایسه نرخ‌های میانگین رشد سالیانه: کشاورزی و تولید ناخالص داخلی بر اساس منطقه، ۲۰۰٤-۲۰۰۰



منبع: شاخصهای جهانی توسعه(۲۰۰۶)

با وجود این، به رغم سهم کم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، این بخش همچنان در هـــر یک از این پنج اقتصاد اهمیت ویژه‌ای دارد. در هند و چین، کشـــاورزی به ترتیب ٥٦ و ٤٠ درصد از اشـــتغال را به خود اختصاص داده اســـت (ســـهم بزرگی از کل نیروی کار که نمایانگر ســـاختار چندپاره‌ی کشـــاورزی مبتنی‌بر زمین‌داران خرده‌پا در هر یک از این کشورهاست). یکی از پیامدهای مهم این مسئله این است که کشاورزان خرده‌پا گروه بزرگی را تشـــکیل می‌دهند که رهبران سیاسی باید به آن‌ها توجه کنند. بنابراین در هر دو کشـــور، به حرکت درآوردن رشد در کشاورزی یکی از اولویت‌های اصلی است و یکی از دلایل اصلی این مسئله این است که این بخش بسیار عقب‌تر از سایر بخش‌های اقتصاد این کشورهاست (به نمودار ٥٤ نگاه کنید).

تصویر ۹ : آمارهای مقایسه‌ای کشورهای مورد مطالعه



در برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی، کشاورزی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد از کل نیروی کار را به خود اختصاص داده و بنابراین هنوز از اهمیت زیادی برخوردار اســـت، به‌ویژه اینکه در هر مورد، سهم آن از درآمدهای صادرات ملّی ۱۰ درصد یا بیشتر است. به‌ویژه می‌توان به برزیل اشاره کرد که محصولات کشاورزی ۲۸ درصد از درآمدهای صادراتی آن را تشکیل می‌دهد. در واقع، سرعت رشد کشاورزی بیشتر از رشد کلی اقتصاد در کشورهای آمریکای لاتین است. این نشانه اهمیت روزافزون این قاره به‌عنوان سبد نان سایر کشورهای جهان، به‌ویژه آسیاست که در آن، زمین و آب به نحو روزافزونی کمیاب می‌شوند.

۳-۱-۱۱ اصلاحات

برنامه‌ی اصلاحی گسترده در توسعه‌ی بازارهای کشاورزی، در چهار کشور از کشورهای مورد مطالعه نقش مهمی ایفا می‌کند. با وجود این، برای اصلاحات انگیزه‌های متفاوتی وجود داشته است. در برزیل و آفریقای جنوبی اصلاحات کشاورزی به‌عنوان یکی از پیامدهای گذار بود که در اصل ماهیتی سیاسی داشت. در این کشورها نیاز به دست کشیدن از اقدامات گذشته و پرداختن به نابرابری‌های ریشـــه‌داری که میراث رژیم گذشته بود احساس می‌شد. مثلاً در

آفریقای جنوبی، دستگاه مداخله‌گر دولت با ساختارهای آپارتاید ارتباط نزدیکی داشت که به شدت به کشاورزی تجاری تحت کنترل سفید پوستان گرایش داشت و سیاهپوستان که کشاورزان کوچک را تشکیل می‌دادند در نظر نمی‌گرفت. در این کشورها، اصلاحات ارضی و توانمند سازی جوامعی که سابقاً محروم بودند از الزامات اصلی دولت است.

در مقابل، اصلاحات کشاورزی در چین و هند اصلاحات گسترده‌تری بود که در اصل ماهیتی اقتصادی داشت و به دست رژیم سیاسی موجود انجام می‌شد[1]. در این کشورها، ارتقای بهره‌وری و زیرساخت‌ها و اخیراً تحکیم و تجاری‌سازی ساختارهای چندپاره تولیدی زمین‌داران کوچک، در کانون توجه قرار داشته است.

مالزی وضعیتی استثنایی دارد و اصلاحات یا گذار نقش چندانی در توسعه‌ی کشاورزی آن ایفا نمی‌کرد. در عوض، دولت از زمان استقلال کشور در سال ۱۹۵۷ مسیر توسعه‌ی مستمری را در پیش گرفته است. این مسئله بیش از هر چیز در برنامه‌های توسعه‌ی زمین و اسکان مجدد از یک سو و توسعه‌ی حساب شده‌ی بازارهای اصلی صادراتی از سوی دیگر جلوه‌گر است.

سرعت اصلاحات در کشورهای مختلف متفاوت است. در چین، اصلاحات به تدریج و در دو مرحله رخ داد:

هدف اصلاحات مقدماتی ایجاد انگیزه و افزایش بهره‌وری بود و مرحله بعدی اصلاحات با آزادسازی بازار ارتباط داشت. برعکس، درحالی‌که آفریقای جنوبی در دهه‌ی ۱۹۸۰ مرحله‌ی اصلاحات ملایمی را به پایان رساند، بسته‌ی اصلاحات موسوم به انفجار بزرگ که سرآغاز آن، قانون بازاریابی سال ۱۹۹٦ بود تغییرات چشمگیری را سبب گردید. ازجمله می‌توان به انحلال چهارده هیئت بازاریابی در سال ۱۹۹۷ اشاره کرد که بازار کالاهای اصلی را به شدت کنترل می‌کردند.

همچنین در زمینه‌ی ترتیب اصلاحات نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. فن براون، گولاتی و فن (الف ۲۰۰۵) بین چین و هند تمایزی را قایل می‌شوند. در چین، اصلاح ساختاری کشاورزی قبل از اصلاحات عمومی اقتصاد بود. ولی اصلاحات هند، با اصلاحات اقتصاد کلان و اقتصاد خرد آغاز شد. برخی می‌گویند که رویکرد چینی‌ها فقر زدایی گسترده‌تری را در پی داشت. برزیل و آفریقای جنوبی را می‌توان دنباله رو مدل هند دانست که اصلاحات اقتصادی کلان دهه‌ی ۱۹۸۰ را، قبل از اصلاحات ارضی انجام دادند که در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ آغاز شد.

۱- اصلاحات در چین با مرگ مائو در سال ۱۹۷۵ میسر شد؛ مردی که با بسیاری از سیاست‌هایی که بعدها دنگ شیائوپنگ و جانشینانش در پیش گرفتند مخالف بود (ران شنگ، ۲۰۰۶).

۴-۱-۱۱ چالش‌های اصلی کشاورزی

منحنی توسعه‌ی هر کشـــور، مخصوص به همان کشور است و به سایر کشورها قابل تعمیم نیســـت. گذار سیاســـی در برزیل و آفریقای جنوبی در تاریـــخ منحصر به فرد این کشورها ریشه داشت. اصلاحات اقتصادی چین و هند در کشورهایی رخ داد که با توجه به وسعت آن‌ها و توسعه‌ای که بعد از سال ۱۹۴۵ تجربه کرده بودند شرایطی استثنایی داشتند.

با وجود این، برخی از چالش‌هایی که ناشـــی از شرایط هر کشور است شباهت‌هایی با یکدیگر دارند. ازجمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گذار به اقتصاد بازار (چین، هند، آفریقای جنوبی)؛
- ایجاد نهادهای بازار برای تسهیل معاملات (چین، هند، مالزی، آفریقای جنوبی)؛
- تلاش برای حل نابرابری‌های گســـترده و دوگانگی ریشه‌دار در کشاورزی (برزیل، مالزی، آفریقای جنوبی)؛
- تحکیم و تجاری‌سازی بخش زمین‌داران کوچک (برزیل، چین، مالزی، آفریقای جنوبی)؛
- تثبیت بازارهای داخلی پرنوسان و حساس (چین، هند، آفریقای جنوبی)؛
- ایجاد بازارهای رقابتی و پویای صادراتی (برزیل، هند، مالزی، آفریقای جنوبی).

برای هر یک از کشـــورهایی که در این پژوهش بررســـی شده‌اند، در نتیجه‌ی تغییرات ســـاختاری در اقتصاد جهانی چالش‌های جدیدی ایجاد شـــده اســـت. ازجمله می‌توان به جهانی ســـازی گردش تجارت، سرمایه و نیروی کار، آزادســـازی بازارها و ایجاد سازمان تجـــارت جهانی به‌عنوان یک مرجع جهانی وضع و تنفیذ قوانین بین‌المللی، تخصص‌ها و الزامات معاملاتی جدید بین‌المللی در داخل و در میان کشورها و مناطق و تحکیم زنجیره‌ی عرضه‌ی جهانی اشـــاره کرد که ارزش را در بخش‌های پایین دستی زنجیره متمرکز می‌کند و شرایط سخت‌گیرانه‌ای را بر تولیدکنندگان و فراوران تحمیل می‌کند.

درنتیجه، دولت‌ها دیگر نمی‌توانند تنها بر جنبه‌های داخلی اصلاحات تمرکز کنند، بلکه باید بر شـــرایط بیرونی پویایی که الزامات جدیدی را برای هر یک از بازارهای مورد نظر ایجاد کرده نیز تمرکز کنند:

- برزیل: تبدیل شدن به منبع صادرات کشاورزی که یکی از تأمین کنندگان اصلی برای اقتصادهای نوظهور بزرگ آسیایی است؛
- چین: تضمین امنیت غذایی با جهانی سازی بازارهای کالا که ویژگی آن، محدودیت‌های بیشتر عرضه و افزایش قیمت‌هاست؛
- هند: تنوع بخشـــیدن به مبنای کشاورزی این کشـــور و حرکت به‌سوی محصولات دارای ارزش افزوده‌ی بیشتر که توان رقابت در بازارهای صادراتی جهان را دارد؛

• مالزی: یافتن کاربردهای جدید و دارای ارزش افزوده بیشتر و / یا بازارهای بیشتر برای روغن خرما (از قبیل سوخت‌های زیستی و مواد شیمیایی چرب) که به مالزی اجازه می‌دهد سهم خود از حجم و درآمد معاملات بازار جهانی را در برابر چالش‌های روزافزون صادرکنندگان دیگر حفظ کند؛

• آفریقای جنوبی: مدیریت نوسان شدید قیمت به‌عنوان بازیگری ستیزه‌جو در بازارهای آزاد و رقابتی غلات جهان.

۵-۱-۱۱ چالش‌های خاص کالاهای مورد مطالعه

برای هر یک از کالاهایی که در پژوهش حاضر بررسی کرده‌ایم، مجموعه‌ی متفاوتی از چالش‌ها که ناشی از شرایط تولید و معاملات در بازار است ایجاد می‌شود:

• **الگوهای تولید:** ویژگی برخی بازارها، تولید توسط زمین‌داران کوچک است (چین، هند)، درحالی‌که برخی بازارهای دیگر بین زمین‌داران تجاری و زمین‌داران کوچک تقسیم شده‌اند (برزیل، مالزی، آفریقای جنوبی). هر یک از این بازارها دارای مسایل مخصوص به خوداست (در بازارهای نوع اول می‌توان به مسایلی همچون تقویت تولید، فقدان واسطه‌های مناسب و بهبود مقاومت در برابر ریسک اشاره کرد و در نوع دوم با مسایلی همچون تجاری‌سازی زمین‌داران کوچک به‌منظور افزایش بهره‌وری و توان رقابت و گنجاندن آن‌ها در میان زنجیره‌های جدید یا از پیش موجود عرضه روبرو هستیم).

• **الگوهای معامله:** برخی محصولات عمدتاً برای بازارهای داخلی تولید می‌شوند (غلات و سویا در چین، غلات در آفریقای جنوبی)، ولی برخی دیگر عمدتاً برای بازارهای صادراتی تولید می‌شوند (قهوه و دام زنده از برزیل، هل و نعنا از هند، روغن خرما از مالزی). تولید برای بازارهای داخلی نگرانی‌هایی را درباره‌ی یکپارچه‌سازی زنجیره‌ی عرضه‌ی جهانی، رعایت الزامات سخت‌گیرانه‌ی کیفی و رویارویی با رقابت‌های بین‌المللی مطرح می‌سازد.

• **آزاد بودن اقتصاد:** برخی بازارها بسته یا محدود هستند (چین، هند) ولی برخی دیگر (برزیل، مالزی، آفریقای جنوبی) باز و بین‌اللملی هستند. دولت‌های هر یک از این کشورها سعی می‌کنند بین نگرانی‌های مرتبط با امنیت غذایی و نگرانی درباره‌ی رقابت بین‌المللی، کارایی و رشد تعادل برقرار کنند. با تغییر شرایط بازار (مثلاً تبدیل شدن چین به واردکننده‌ی غلات) چارچوب سیاست‌های کشاورزی نیز تغییر می‌کند.

• **شرایط زیرساخت‌ها:** برخی از کالاهای مورد مطالعه در بازارهای فیزیکی توسعه یافته‌ای عمل می‌کنند (روغن خرمای مالزی، غلات آفریقای جنوبی) و برخی دیگر، در بازار

فیزیکی‌ای عمل می‌کنند که نیازمند توسعه‌ی زیرساخت‌ها هستند (روغن نعنا و هل هند، غلات و سویای چین). وضعیت نخست چالش بیشینه سازی مزیت‌های زیرساخت‌های قدرتمند برای بسیاری از زمین‌داران کوچک این کشورها را ایجاد می‌کند و وضعیت دوم، برای سرمایه‌گذاری‌های جدید در زمینه‌ی زیرساخت‌ها براساس راهبرد منسجم توسعه برابر بخش‌ها چالش‌هایی را برمی‌انگیزد.

۱۱-۲ ظهور بورس و توسعه‌ی قراردادها

۱۱-۲-۱ ظهور بورس و ساختار بازار

بورس‌های کشورهای مورد مطالعه از نظر ظهور بورس و ساختار بازار دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند. نخست اینکه سه کشور (برزیل، چین و هند) دارای میراث معاملاتی هستند که به مدت‌ها قبل باز می‌گردد. چین و هند هر دو در اوایل سده‌ی بیستم و قبل از اینکه فعالیت بورس‌ها با منع قانونی روبرو شود دارای بورس‌ها و معاملات آتی شکوفایی بودند (در مورد هند، پیشینه‌ی این بورس‌ها به اواخر سده‌ی نوزدهم باز می‌گردد). به شهادت مقامات بورس‌ها و فعالان بازار، این تجربه‌های زود هنگام ممکن است نقش مهمی در پذیرش سریع بورس‌ها و معاملات بورس در این جوامع پس از قانونی شدن مجددشان ایفا کرده باشد. شاید دلیل این امر، خاطراتی بود که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده بود و شاید هم به دلیل این بود که بازار خاکستری بعد از منع قانونی رسمی نیز، احتمالاً به دلیل سایر عوامل فرهنگی به فعالیت خود ادامه داد. در برزیل، معاملات بورس از نخستین روز آغاز در بورس کالای سائوپولو [1] در اوایل سده‌ی بیستم قانونی بوده است. با وجود این، نوسان سطح دخالت دولت در کشاورزی فضای فعالیت بورس در زمان‌های مختلف را دستخوش تغییراتی ساخته است. همچون سایر کشورهای آمریکای لاتین، تلاش بورس‌ها برای یافتن جای پایی در بازارهای کالا که اغلب به دلیل دخالت‌های دولت تحت فشار هستند، باعث ایجاد موجی از ابتکارات در زمینه‌ی راهکارهای بورس شده است.

دومین تمایز را می‌توان بین کشورهایی که دولت آن‌ها محرک اصلی توسعه‌ی بورس بود (چین، هند) و کشورهایی ترسیم کرد که در آن‌ها بخش خصوصی ابتکار عمل را در دست داشت (برزیل، مالزی، آفریقای جنوبی). در چین، به دنبال رویکرد آزادسازی توسعه‌ی بورس، دولت در دو نوبت بر قراردادهای آتی کالا در سه بورس که قراردادهای معدودی را معامله می‌کردند تمرکز کرد و این مبنایی برای دوران تقویت قبل از رشد سریع

1- São Paulo Commodities Exchange (BMSP)

فعالیت‌های بازار بود. در هند، دولت طرح جامعی را برای توسعه‌ی سه بورس ملّی کالا تنظیم کرد که معیارهایی را مستقر می‌ساخت که هر بورس جدید باید رعایت می‌کرد:

تبدیل شدن به شرکت سهامی عام از همان ابتدا، فعالیت در سطح ملّی و فعالیت در زمینه‌ی کالاهای متعدد و محدود ساختن معاملات خود به معاملات الکترونیکی. نتیجه‌ی این کار، رشد چشمگیر حجم معاملات در هر یک از این سه بورس بود که آن‌ها را در زمره‌ی ده بورس برتر کالای جهان قرار داد. در سه کشور دیگر، دولت در تأمین چارچوب نظارتی، نقشی حمایتی ایفا کرده و در برزیل، دولت از مکانیزم‌های بورس برای اجرای سیاست‌های خود استفاده کرده است. با وجود این، این بخش خصوصی بود که محرک رشد و توسعه بود.

سومین تمایز، تعداد بورس‌ها در هر کشور است. در برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی، معامله‌ی قراردادهای آتی کالا در یک بورس در هر یک از این کشورها متمرکز بوده است. در مورد برزیل، باید بورس‌های بازار نقدی محلی را نیز به این افزود که تعدادی از آن‌ها اکنون به شعبه‌ی بازار فیزیکی بورس کالای برزیل پیوسته‌اند. با وجود این، فعالیت قراردادهای آتی کالا و بسیاری از پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی معاملات بازار فیزیکی به دست آمده است، در بورس کالای برزیل متمرکز هستند. علاوه‌بر این، در هر یک از این سه کشور، بورس کالا با قراردادهای آتی مالی و بازارهای نقدی سهام به صورت یکپارچه درآمده است تا معامله‌ی طیف گسترده‌ای از دارایی‌ها را امکان‌پذیر کند.

چین و هند هر دو دارای سه بورس آتی کالا هستند که هر یک تنها بر قراردادهای آتی کالا[1] متمرکز است و براساس قانون نمی‌تواند در زمینه‌ی سایر ابزارها یا گروه‌های دارایی معامله کند. دلیل اصلی این تفاوت این است که همان‌طور که قبلاً گفتیم، ساختار بورس در چین و هند برخاسته از برنامه‌ی دولتی برای توسعه‌ی بازار بعد از دوره‌ای طولانی از ممنوعیت بازارهای قراردادهای آتی کالاست. این مسئله ممکن است نمایانگر عواملی از قبیل بزرگی و ماهیت متنوع منابع و وسعت جغرافیایی و جمعیت هر کشور باشد.

بازار هند دارای دو ویژگی تقریباً منحصر به فرد است. نخستین ویژگی، معامله‌ی قراردادهای آتی طیف گسترده‌ای از کالاهاست که از کشاورزی گرفته تا فلزات و انرژی را در بر می‌گیرند. این مسئله سبب گردیده است تا هر بورس قراردادهایی را برای کالاهایی ارائه دهد که از هر بورسی در جهان بیشتر است. دوم اینکه این ساختار به گونه‌ای تنظیم

۱- هند دارای بیش از بیست بورس منطقه‌ای کوچک‌تر نیز هست. برای جزئیات بیشتر به http://www.fmc.gov.in نگاه کنید

شـــده است که آشکارا رقابت میان این سه بورس را تقویت کند. نقدشوندگی قراردادهایی که حتی دارای بیشترین حجم هستند در هر بورس همچنان با رقابت سنگین سایر بورس‌ها روبروست. درنتیجه، بسیاری از بخش‌های کالا، فرایند پویای توسعه‌ی قرارداد و گسترش مزیت‌ها را ایجاد کرده‌اند.

۲-۲-۱۱ ساختار بورس

گستره‌ی ســـبد فعالیت‌ها: در دو ســـوی ســـبد خدمات بورس، هند (که هر یک از بورس‌های کالای ملّی آن قراردادهایی را برای بیش از ۵۰ کالا ارائه می‌دهد) و مالزی (که بورس مالزی تقریباً به‌طور کامل فعالیت‌های خود را بر قراردادهای آتی روغن خرمای خام متمرکز کرده اســـت) قرار دارند. برزیل، چین و آفریقـــای جنوبی در این میانه قرار دارند. این مســـئله تا حدی نمایانگر پتانسیلی است که تنوع منابع هند ایجاد کرده است. از سوی دیگر، این مســـئله نمایانگر تأثیرپذیری زیاد جمعیت کشـــور از بازارهای کالا نیز هســـت که به‌عنوان تولیدکننده، مصرف‌کننده یا ســـایر عناصر زنجیره‌ی عرضه از این بازارها تأثیر می‌پذیرند. چین نیز از پتانســـیل مشابهی برخوردار اســـت، ولی دولت این کشور رویکرد نظارتی محتاطانه‌تری را در پیش گرفته و هر یک از بورس‌های معاملات آتی کالا را به تنها تعداد اندکی از کالاها محدود کرده است و به آن‌ها اجازه نمی‌دهد با ارائه قراردادهای یک کالا در دو یا چند بورس با یکدیگر رقابت کنند.

ابزارها/خدمات: هر پنج بورس در زمینـــه‌ی قراردادهای آتی کالا معامله می‌کنند. بورس کالای ژوهانسبورگ/سافکس نیز بازار نقدشونده‌ای را برای معاملات اختیار ایجاد کرده و حجم کوچکـــی از قراردادهای اختیار در بـــورس کالای برزیل نیز ارائه می‌کند. بورس کالای دالیان، بورس کالای مالزی و بورس مالزی همچنان بر قراردادهای آتی متمرکز هســـتند و بورس‌های چینی و هندی با محدودیت‌های نظارتی انواع ابزارهای قابل معامله محدود می‌شوند.

بـــا وجود این، هند (همراه با برزیـــل) در زمینه‌ی ایجاد ابتکارات یا خدمات برای رفع نیازهای بازار فیزیکی بســـیار فعال بوده‌اند. این امر نمایانگـــر میراث بازارهای فیزیکی و زیرساخت‌های از هم گسسته در هر دو کشور است که باید ارتقاء یابند. بورس در حل این مشکلات نقش مهمی ایفا کرده است. شعبه‌ی بورس کالا و معاملات آتی برزیل پیشرفته‌ترین جلوه‌ی این امر اســـت و بازارهای طیف گســـترده‌ای از ابزارهای نقدی، قراردادهای آتی، پیمان‌های آتی و اوراق بهادار مالی را که مخصوص تجارت کشـــاورزی هستند ایجاد کرده است. در آفریقای جنوبی، اگرچه زیرساخت‌های توسعه یافته‌ای وجود داشت، کنترل‌زدایی ســـبب گردید تا بخش کشاورزی نیازمند چارچوب و رویه‌هایی جدید برای کارکرد بازار

آزاد باشـــد. در چنین موقعیتی، بورس کالای ژوهانسبورگ/سافکس به نهاد محوری تبدیل شد که راهکارهای کارآمد قیمت‌گذاری، تحویل و مدیریت ریسک پیرامون آن سازمان یافته‌اند. این مسئله گذار ملایم به بازار آزاد و یکپارچه‌سازی با بخش مالی برای تسهیل جریان مالی در میان فعالان زنجیره‌ی عرضه را تســـهیل می‌کند. در مقابل، بورس مالزی در شرایطی ایجاد شد که بازار فیزیکی، عملکردهای خوبی وجود داشت و از ساختارهای حمایتی، بازار ملّی یکپارچه و زیرساخت‌های مناسب برخوردار بود. این مسئله سبب گردید تا بورس‌ها علاوه‌بر وظیفه‌ی اصلی کشف قیمت و مدیریت ریسک، نقش محدودی بر عهده داشته باشند.

جدول ۹: ویژگی های ساختاری بورس های مورد مطالعه

	سیستم معاملاتی	ساختار مالکیت	اتاق پایاپای
بورس کالا و معاملات آتی برزیل	حراج باز و معامله‌ی الکترونیکی	در مالکیت اعضا (ولی سهامی عام)	داخلی
بورس کالای دالیان	کاملاً الکترونیکی، ولی با تالار معاملات فیزیکی	در مالکیت اعضا	داخلی
بورس کالای مالزی	کاملاً الکترونیکی	مالکیت خصوصی	داخلی
بورس مالزی	کاملاً الکترونیکی	سهامی عام	داخلی
بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس	کاملاً الکترونیکی	سهامی عام	داخلی

به‌منظور خلاصه کردن تجربیاتی که در کشـــورهای مورد مطالعه به عمل آمده اســـت، می‌توان نتیجه گرفت که بورس‌ها در برآورده ســـاختن نیازهـــای بازارهای خود عملکرد خوبی داشته‌اند. در مواردی که نیاز به توسعه‌ی بازار چشمگیر بوده است، نهادهای بورس در خـــط مقدم ارضای این نیازها از طریق خدمات جدید و مبتکرانه برای ارتقای عملکرد بخش قرار داشته‌اند.

سیستم معاملاتی: در ســـال‌های اخیر حرکت به‌سوی معامله‌ی الکترونیکی آغاز شده است. این مســـئله ناشی از پیشرفت‌های فناوری و پیشـــرفت در زمینه‌ی سرعت، هزینه، شـــفافیت و کارایی این سیستم‌ها درمقایسه با حراج باز اســـت که معامله‌گران را در تالار معاملاتـــی گرد هم می‌آورد. معامله‌ی الکترونیکی معمـــولاً مزیت‌های بالقوه‌ی دیگری نیز دارد. ازجمله می‌توان به محدود ســـاختن نابرابری‌های اطلاعاتی میان گروه‌های معاملاتی، میســـر ساختن ساعات طولانی‌تر معامله و افزایش دسترسی به بازارها بدون توجه به محل جغرافیایی اشاره کرد. با وجود این، حامیان حراج باز می‌گویند که این نوع معامله، به دلیل فعالیت‌های محلی‌ها و افزایش ســـاعات معامله که با معاملات الکترونیکی میسر می‌گردید نقدشـــوندگی بیشتر در طول ساعات معامله را تضمین می‌کند و گاهی لحظه‌هایی را ایجاد

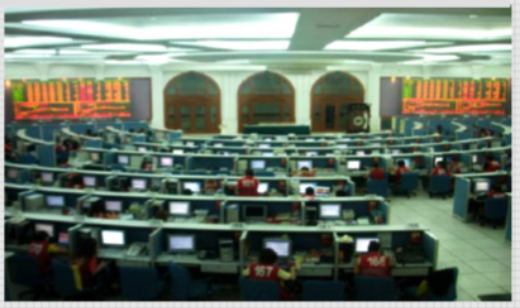
می‌کند که بازار از نقدشوندگی برخوردار نیست. آن‌ها همچنین به تجربه‌ی تاریخی طولانی با سیستم‌های حراج آزاد و راحتی گروه‌های معامله‌گران سنتی با این شیوه معامله اشاره می‌کنند. همه بورس‌هایی که در پژوهش حاضر بررسی شدند اکنون به ارائه‌ی معاملات الکترونیکی می‌پردازند. تنها بورس کالا و معاملات آتی برزیل تالار معاملاتی خود را حفظ کرده است. با وجود این، این تالار اکنون به موازات سیستم معاملات الکترونیکی کار می‌کند که بیش از ۵۰ درصد حجم و ارزش معاملات این بورس را به خود اختصاص داده است. بورس کالای دالیان تالار معاملاتی خود را حفظ کرده است، ولی همچون دو بورس دیگر قراردادهای آتی کالای چین، کلیه‌ی معاملات آن به صورت الکترونیکی است.

کادر ۳۰: تالارهای معاملاتی بورس

(۱) تالار معاملاتی حراج بورس کالا و معاملات آتی برزیل



(۲) تالار معاملات الکترونیکی بورس کالای دالیان



ساختار مالکیت: بسیاری از بورس‌های کالا به‌عنوان نهادهایی جهت خدمت به اعضای خود ایجاد گردیده‌اند. بنابراین، بورس‌ها اغلب به سازمان‌های مشاع عمل می‌کنند که در مالکیت اعضای خود هستند (معمولاً افراد یا شرکت‌هایی که دارای منافع معاملاتی چشمگیری هستند). با وجوداین، تفکیک مدیریت بورس از مالکیت و منافع معاملاتی یکی از مستمرترین روندهای پنج سال اخیر در بورس‌های کالای سرتاسر جهان بوده است. انگیزه‌ی اصلی این حرکت، نگرانی درباره‌ی حکمرانی خوب، خود انتظامی، اعتماد کاربران بازار و تسهیل دسترسی به نقدینگی برای

سرمایه‌گذاری بوده است. از سوی دیگر، مدل مالکیت مشترک ممکن است برای یک بورس جوان مزیت‌هایی داشته باشد. به‌ویژه اعضا ممکن است موافقت کنند تا هزینه‌های چشمگیری که معمولاً در مراحل نخست توسعه‌ی بورس ایجاد می‌شوند را پوشش دهند. یک رویکرد دیگر، یعنی مالکیت دولتی بورس‌ها، درصورتی‌که دولت بتواند به جذب سرمایه و مشارکت بپردازد و موانع اداری را برطرف کند سودمند است. همزمان، دولت باید گروه‌های همسود معاملاتی را قانع کند که از بورس برای اهداف سیاسی استفاده نمی‌کند و بورس را به گونه‌ای مدیریت می‌کند که به بهترین نحو ممکن منافع بازار را برآورده سازد. از پنج بورسی که در این مطالعه بررسی شده‌اند سه بورس به‌صورت سهامی عام درآمده‌اند و بورس کالا و معاملات آتی برزیل این فرایند را آغاز کرده است (در هند، تفکیک مدیریت از مالکیت یکی از شرایط کسب جایگاه بورس ملّی کالا بود و بنابراین، بورس کالای هند (MCX) از همان بدو آغاز به‌کار، سهامی عام بود). تنها بورس کالای دالیان تا آینده‌ی قابل پیش بینی به همین صورت مالکیت مشترک باقی می‌ماند. با وجود این، ساختار مالکیت بورس چین با مدل استاندارد بورس مشاع[1] تفاوت دارد. اگرچه این بورس رسماً در تملک اعضای خود است، دولت از طریق کمیسیون تنظیم اوراق بهادار چین[2] در زمینه‌ی انتصاب مدیران و تصمیم‌گیری‌ها اختیارات مهمی دارد.

اتاق پایاپای: اتاق پایاپای دارای دو کارکرد حساس در پایاپای و تسویه‌ی قراردادهایی است که در بورس منعقد شده‌اند:

مدیریت ریسک سیستمی ناشی از معاملات بورس و حمایت از سلامت بازار. برخی از بورس‌های کالای برجسته‌ی جهان از اتاق پایاپای مستقل و برخی دیگر، از اتاق‌های پایاپای داخلی استفاده می‌کنند. همچنین برخی از بورس‌ها از اتاق‌های پایاپای مشترک میان دو یا چند بورس استفاده می‌کنند. این تنوع ساختارها نشان می‌دهد که درباره‌ی مدل مطلوب بورس اجماعی وجود ندارد. در عوض، به نظر می‌رسد انتخاب مدل به ویژگی‌های وضعیت بورس بستگی داشته باشد. اتاق‌های پایاپای مستقل ممکن است با تفکیک شفاف میان کارکردهای معامله و پایاپای، به سلامت بازار کمک کنند. شاید این برای بورسی که هنوز اعتماد کامل جامعه‌ی سرمایه‌گذاران را جلب نکرده است سودمند باشد. از سوی دیگر، بدین ترتیب اطمینان حاصل می‌شود که کارکردهای پایاپای و تسویه به سایر جنبه‌های عملیات بورس منوط نشوند مثلاً یک شرکت پایاپای مستقل در زمینه‌ی کسب سرمایه از آزادی عمل برخوردار است و برای خدمات خود به بازارهای گسترده‌تری دسترسی دارد. از سوی دیگر، یک اتاق پایاپای داخلی، در مواردی همچون معرفی قراردادهای جدید

1- Mutual
2- China`s Securities Regulatory Commission (CSRC)

یـــا ابزارهای معاملاتی جدید همکاری بهتری را میـــان کارکردهای معامله و پایاپای ایجاد می‌کند. علاوه‌بر این، در بازارهایی که بورس اعتماد زیادی را به خود جلب کرده اســـت، ممکن اســـت یک ساختار جداگانه برای اتاق پایاپای چندان منطقی نباشد. هر پنج بورسی که در این مطالعه بررسی شده‌اند دارای اتاق‌های پایاپای داخلی بوده‌اند. تنها بورس کالا و معاملات آتی برزیل که گروه‌های دارایی بسیار متنوعی را معامله می‌کند، برای مشتقه‌ها، ارز خارجی و اوراق بهادار خود دارای اتاق‌های پایاپای تخصصی و جداگانه است.

۳-۲-۱۱ دستاورد اصلی بورس در شرایط محلی

هر یک از بورس‌های مورد مطالعه در شـــرایط داخلی کشـــورهای محل استقرار خود دستاوردهای مهمی داشته‌اند که در جدول ۱۰ آمده است:

بورس کالا و معاملات آتی برزیل: تأمین ابزارها و خدماتی که به تجاری‌ســـازی اقتصاد کشاورزی برزیل کمک کرده است. دستیابی به این هدف با بهره گیری از خدماتی بوده اســـت که این بورس فراهم نموده که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشـــاره نمود: ایجاد امکان گردش موثر ســـرمایه در بخش از طریق تأمین بازارهای ثانویه برای ابزارهای مالی، پوشـــش ریســـک قیمت از طریق بازار آتی ها، افزایش کارایی، شفافیت و پایداری سیاست‌های دولت با تأمین مکانیزیم‌های مبادلاتی برای خریدها و دخالت‌های مالی دولت، یکپارچه‌ســـازی بازارهای فیزیکی داخلی از طریق بورس کالای برزیل که یکی از شعبات آن اســـت و تسهیل توسعه‌ی بازارهای صادراتی اصلی سویا از طریق فعالیت‌های مختلف در تحکیم پیوندهای میان این کشور و چین برخی از این دلایل است.

جدول ۱۰: مشخصات کلیدی توسعه بورس های کالایی مورد مطالعه

	بورس کالای هند	بورس مالزی	بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس	بورس کالا و معاملات آتی برزیل	چین
دستاورد اصلی در شرایط محلی	تسریع توسعه اکوسیستم جامعه	ارتقای جایگاه مالزی در بازار صادراتی به عنوان قیمت گذار	پر کردن خلا ناشی از کنترل‌زدایی ناگهانی بازارهای غلات	تقویت تجاری‌سازی اقتصاد کشاورزی برزیل	افزایش سطوح نقد شوندگی بازار محصولات کشاورزی اصلی
عوامل موفقیت	- ایجاد بازارهای نقد شونده برای محصولات داخلی - مدیریت سبد بزرگی از محصولات - توسعه اثربخش و کارآمد فناوریها - فرهنگ تجاری قدرتمند در هند - تأکید بر آموزش	- هم راستا با بازار فیزیکی قوی و تحت نظارت- تنها قرارداد روغن خرما در جهان - رشد بالای بازار فیزیکی مبنا - پایبندی دولت به احترام به مکانیزم قیمت گذاری	- سطح بالای پایبندی دولت به مکانیزم قیمت گذاری - زیرساخت‌های قدرتمند موجود - ایجاد مکانیزم تحویل خوب همراه با راه حل مالی - توسعه زودهنگام بازار اختیار معامله - تأکید بر آموزش	- رویکردی گسترده به توسعه بازار، شامل ابزارهای آتی، نقدی و مالی - نوآوری در ارائه خدمات - رابطه کاری با دولت و بانک مرکزی برزیل - تأکید بر آموزش	- توسعه سریع حجم معاملات قراردادهای جدید - استفاده از تخصص گروه‌های تجاری و نهادی - ایجاد محیطی امن برای مشارکت سرمایه گذاران خرد

	بورس کالای هند	بورس مالزی	بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس	بورس کالا و معاملات آتی برزیل	چین
چالش‌ها	- افزایش مشارکت پوشش دهندگان ریسک - افزایش قدرت و انسجام مکانیزم تحویل - مدیریت با وجود محدودیت‌های متعدد سیاسی و نظارتی و نااطمینانی	- غلبه بر نکول شدید در سال ۱۹۸۵ - توسعه درجه نقدشوندگی بازار قراردادهای اختیار معامله	- غلبه بر شکاف ذهنی ناشی از سیستم قبلی - مدیریت نوساسان شدید - مشارکت بیشتر در بخش کشاورزان نوظهور و افزایش ظرفیت این بخش - حفظ محیط سیاسی حمایتی	- توسعه دامنه حضور جغرافیایی در برزیل - متنوع ساختن مشارکت کنندگان در بازار - توسعه درجه نقدشوندگی در بازار قراردادهای اختیار معامله	- تثبیت سود کشاورزان از کشف قیمت و مدیریت ریسک - مدیریت با وجود محدودیت‌های متعدد سیاسی و نظارتی
فرصت‌های آتی	- مشارکت سرمایه‌گذاران نهادی و خارجی - توسعه‌ی قراردادهای اختیار معامله، شاخص و سایر کالاهای غیر ملموس - یکپارچه‌سازی بیشتر آتی‌ها و بازار فیزیکی -راه‌اندازی بورس ملّی الکترونیکی نقدی	- رشد بیشتر بازار فیزیکی با توجه به توسعه سوخت‌های زیستی - محصولات تکمیلی نظیر شاخص و قرارداد آتی روغن خرمای خام که بر اساس دلار آمریکا قیمت گذاری شده است - صدور مجوز راه اندازی قرارداد آتی روغن خرمای خام برای بورس‌های خارجی - مشارکت با بخش سازمان یافته‌تر کشاورزان خرد	- یکپارچه‌سازی منطقه‌ای در آفریقای جنوبی - تقویت پیوندها با سایر بازارهای نوظهور - قراردادهای آتی کوچک برای میسر ساختن مشارکت بیشتر تولیدکنندگان کوچک - مدیریت ریسک برای ریسک‌های مربوط به شرایط جوی و نرخ ارز	- راهبردهای یکپارچه‌سازی منطقه‌ای در بازارهای کالای امریکای لاتین - تحکیم و تعمیق پیوندهای صادراتی با چین	- توسعه‌ی فرصت‌های تأمین مالی - مشارکت سرمایه‌گذاران نهادی و خارجی - معامله قراردادهای اختیار معامله و شاخص

بورس کالای دالیان: ایجاد سطوح بالای نقدشوندگی برای کالاهای کشاورزی اصلی: قراردادهای آتی که بورس کالای دالیان برای کالاهای استراتژیک در حوزه امنیت غذایی این کشور راه اندازی و روانه بازار نموده است بعد از مدت زمان کوتاهی از آغاز به کار خود، حجم معاملاتی قابل توجهی را تجربه نموده است. این مسئله به خریداران امکان داده است فعالیت‌های تجاری خود را بهتر برنامه‌ریزی کنند و در عین حال، از طریق بهبود شفافیت بازار معاملات آتی به کشاورزان امکان داده است درآمد بهتری کسب کنند. هر دو نوع قراردادی که در این مطالعه بررسی شد، نقش بورس در استفاده از پویایی‌های جدید در بازارهای مهم را نشان می‌دهد. تکامل قرارداد سویا به دو قرارداد مجزا (برای سویای اصلاح ژنتیکی نشده داخلی و سویای وارداتی که از نظر ژنتیکی اصلاح شده است) سیاست دولت چین در قبال سویای اصلاح ژنتیکی شده را تقویت کرد و نیازهای صنایع مختلف چین را که هر یک به یکی از این دو نوع سویا نیاز داشتند برآورده کرد. معرفی و توسعه‌ی سریع قرارداد ذرت نخستین گام و گامی مهم در آزادسازی بازار ذرت چین بوده است که به موازات الزامات سازمان تجارت جهانی برای ورود این کشور به این سازمان و

تبدیل این کشور به واردکننده‌ی ذرت بود.

بورس کالای هند: تسریع توسعه اکوسیستم گسترده‌تر کالا: بورس کالای هند نه تنها برای بسیاری از کالاهایی که در این بورس معامله می‌گردد مکانیزم قراردادهای آتی برای مدیریت ریسک قیمت معرفی نموده است بلکه گردش اطلاعات برای دست اندرکاران و فعالانی را که در فواصل دور زندگی می‌کنند نیز بهبود بخشیده، زیرساخت‌های فیزیکی در مراکز معاملاتی عمده را توسعه داده و استانداردهای کیفی قابل اتکا و مورد قبولی را ایجاد کرده که به خریداران و صادر کنندگان اطمینان می‌دهد با فراغ بال فعالیت‌های خود در زنجیره عرضه کالا را افزایش دهند. بورس ملّی الکترونیکی معاملات نقدی هند در آینده‌ی نزدیک برای یکپارچه‌سازی و تقویت کارایی بازارهای کالای نقدی راه‌اندازی می‌شود.

بورس مالزی: ارتقای جایگاه این کشور در بازار صادراتی محصولات خود به عنوان قیمت گذار. عملکرد بورس مالزی از نظر ایجاد "بورس مرجع" (بورسی که قیمت مرجع کالایی را که در سطح جهان معامله می‌شود تعیین می کند)، میان کشورهای در حال توسعه منحصر به فرد است. قیمت‌های مرجع بسیاری از کالاهایی که در بورس کالایی جهان مورد معامله قرار می‌گیرند، توسط بورس‌های کشورهای توسعه یافته تعیین می‌شود و این در حالی است که این بورس‌ها اغلب از بازارهای تولید دور هستند. اما در مورد مالزی، این کشور که بیشترین میزان روغن خرمای جهان را تولید می‌کند محل استقرار بورسی است که قیمت مرجع را تعیین می‌کند. اهمیت این مسئله در این است که تضمین می‌کند کشور تولید کننده، در جایگاه سازنده قیمت به جای پذیرندهٔ قیمت، از قدرت تعیین قیمت محصول صادراتی اصلی خود در بازارهای جهانی برخوردار می‌باشد. این موضوع بیش از هر چیز دیگری بیانگر به ثمر نشستن راهبرد متنوع سازی محصولات روغن خرمای دولت مالزی است که نخستین بار در دههٔ ۱۹۶۰ آغاز شد. علاوه بر این، با افزایش تقاضا برای روغن خرما به عنوان یکی از نهاده های تولید سوخت زیستی، بازار قراردادهای آتی روغن خرمای خام به عنوان دماسنج تغییرات عوامل بنیادین بازار، به شفافیت بازار و همچنین تسهیل این فرآیند کمک می‌نماید.

بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس: پر کردن خلایی که با کنترل‌زدایی ناگهانی بازارها توسط دولت ایجاد شده است: این بورس بعد از عقب نشینی ناگهانی دولت که سال‌های درازی کنترل بازار غلات را در دست داشت، به نهاد اصلی بازارهای غلات کنترل‌زدایی شده آفریقای جنوبی تبدیل شد. بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس نه تنها مکانیسم مناسبی برای پوشش ریسک ارائه می‌کند، بلکه معاملات بازار فیزیکی را تسهیل می‌نماید، به شفافیت وضعیت واردات- صادرات کمک می‌کند، اطلاعات

قیمت‌گذاری را فراهم می‌سازد، دسترسی به اعتبار برای زنجیره عرضه را تسهیل می‌کند، و پیوستن غلات آفریقای جنوبی به بازارهای جهانی غلات را از طریق مکانیزم کارآمد قیمت‌گذاری تسهیل می‌کند.

با مطالعه این بخش می‌توان به دو نتیجه گیری کلی رسید: نخست اینکه بورس کالا نهادی است که نقش سازنده‌ای در مجموعه‌ی متنوعی از شرایط ایفا کرده است: در گذارهای اقتصادی (چین، هند) و در گذارهای سیاسی (برزیل، آفریقای جنوبی)؛ در بازارهای نقدی چندپاره یا بازارهایی که با ضعف زیرساخت‌ها روبرو هستند (هند، برزیل) و در بازارهای بسیار توسعه یافته صادرات‌نگر (مالزی، آفریقای جنوبی)؛ در سیستم‌های تولیدی مبتنی‌بر زمین‌داران کوچک (چین، هند) و در زنجیره‌های کالای تجاری (برزیل، مالزی، آفریقای جنوبی).

دومین نتیجه‌گیری مهم این است که بورس‌ها نهادهایی پویا هستند که علاوه‌بر پرداختن به چالش‌های موجود، می‌توانند به رویارویی با چالش‌های جدیدی که با گذشت زمان ایجاد می‌شوند نیز کمک کنند: توسعه‌ی محصولات جدید دارای ارزش افزوده‌ی بالا (هند، مالزی) و بازارهای صادراتی مهم (برزیل، هند، مالزی)؛ اجرای آزادسازی به‌عنوان بخشی از تعهدات در برابر سازمان تجارت جهانی (چین)؛ کمک به صنعت برای انطباق با تغییر شرایط در مواردی که کشور از یک صادرکننده به یک وارد کننده تبدیل می‌شود (آفریقای جنوبی و به‌طور بالقوه چین) و پرداختن به استانداردهای کیفی سخت‌گیرانه‌تری که دولت‌ها (مثلاً سیاست دولت چین درباره‌ی دانه‌های سویایی که به لحاظ ژنتیکی دستکاری شده‌اند) یا صادرکنندگان/وارد کنندگان طلب می‌کنند (مثلاً صادرکنندگان هل و روغن نعنا در هند).

۴-۲-۱۱ عوامل موفقیت، چالش‌ها و فرصت‌های هر بازار

علاوه‌بر آنچه در بخش قبل گفتیم، مشخص گردیده است که هر یک از بورس‌ها آمیزه‌ی منحصر به فردی از عوامل موفقیت و چالش‌ها را تجربه کرده و با فرصت‌های متفاوتی برای رشد در آینده روبرو شده است (برای نمایش منظم این عوامل و فرصت‌ها به جدول ۱۰ نگاه کنید). در این زمینه می‌توان شش موضوع گسترده را شناسایی کرد:

تأکید آموزشی: آموزش فعالان بازار یکی از عناصر مهمی بوده که به بورس نیرو می‌داده است که مسیر رشد را طی کند. همان‌طور که یکی از مقامات ارشد یکی از بورس‌هایی که در این پژوهش شرکت کرده‌اند می‌گوید[1]: "مهم است که بتوانید مجانی

1- Gravelet-Blondin R and Sturgess C, writing in UNCTAD (2006b).

در هر لحظه به هر کجا که می‌خواهید بروید". آموزش علاوه‌بر اینکه برای فعالان بیشتری امکان استفاده از بورس را فراهم می‌کند، به اطمینان از پایداری و تداوم افزایش مشارکت از طریق رفتار مسئولانه‌ی کاربران براساس درک کامل اینکه کارکرد بازار چگونه می‌تواند به نفع پوشش دهندگان ریسک، سوداگران وآربیتراژگران باشد نیز کمک می‌کند.

چالش زیرساخت‌ها: بین بازارهایی که در موقعیت‌هایی گسترش یافته‌اند که زیرساخت‌های فیزیکی مناسبی وجود دارد (مثل مالزی و آفریقای جنوبی) و بازارهایی که در شرایط کاملاً مطلوبی فعالیت نمی‌کنند (به‌ویژه هند) تفاوتی وجود دارد. در مورد آفریقای جنوبی (و البته تا حدی در مورد مالزی) بورس به‌عنوان عاملی برای تسریع توسعه‌ی زیرساخت‌های حمایتی که برای معاملات بازار ضروری است عمل کرده است.

محیط سیاسی: طیف تأثیراتی که هر بورس می‌تواند ایجاد کند به محیط سیاسی و نظارتی که بورس در آن عمل می‌کند بستگی دارد. دولت باید در زمینه‌ی توانمند سازی نقش مهمی ایفا کند: از طریق چارچوب نظارتی، محیط قانونی و اقتصادی گسترده‌تر و زیرساخت‌های فیزیکی. دولت می‌تواند با نمایش پایبندی خود به صیانت از سلامت مکانیزم قیمت‌گذاری بورس و استفاده‌ی مستقیم از آن برای دخالت‌های خود در زمینه‌ی سیاست‌های اقتصادی به تقویت بازارها کمک کند. این همان کاری است که دولت برزیل در بورس کالا و معاملات آتی برزیل انجام داده است. دولت همچنین می‌تواند مجموعه سخت‌گیرانه‌ای از محدودیت‌های سیاسی و نظارتی را تحمیل کند که ممکن است محدوده‌ی تأثیرگذاری بالقوه‌ی بورس را کاهش دهد. اگرچه این مسئله ممکن است گاهی بسیار ضروری و سودمند باشد، گاهی نیز شاید پیامدهای غیربهینه و حتی نامطلوبی برای بورس که به دنبال افزایش سودمندی خود برای بخش کالاست داشته باشد.

زمین‌داران کوچک: در مفهوم گسترده، دو نوع محیط در میان پنج کشور مورد مطالعه شناسایی شده است: محیط‌هایی که در آن، تولید عمدتاً توسط زمین‌داران کوچک انجام می‌شود (چین، هند) و محیط‌هایی که در آن‌ها، تولید توسط زمین‌داران کوچک و زمین‌داران تجاری انجام می‌شود (برزیل، مالزی، آفریقای جنوبی). در مورد نخست و به‌ویژه در هند، بورس‌ها ملزم بوده‌اند در معاملات و برآورده ساختن نیازهای بازاریابی کشاورزان کوچک نقش مستقیم و مهمی ایفا کنند. در مورد دوم، بورس نقش غیرمستقیم‌تری ایفا کرده و یکی از دلایل این امر، وجود ساختارهای مورد حمایت دولت بوده است که از کشاورزان کوچک حمایت می‌کرده است. حتی در این کشورها نیز، اطلاعات، تأمین مالی و فعالیت‌های توسعه بازار بورس، همراه با توانایی دولت در استفاده از بورس برای اجرای برنامه‌های حمایت از کشاورزان کوچک به‌طور غیرمستقیم سودمند بوده است. علاوه‌بر این، از آنجا که دولت‌های این کشورها تقویت

و تجاری‌سازی کشاورزان کوچک را به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست‌های خود محسوب می‌کنند، بورس‌ها به‌طور بالقوه می‌توانند در آینده نقش مستقیم خود را در ایجاد بخش سازمان یافته‌تر و تجاری کشاورزان کوچک افزایش دهند.

معامـــلات قراردادهای اختیار معامله: از میان پنج بورس مورد مطالعه، تنها بورس اوراق بهادار ژوهانســـبورگ/ سافکس موفق شده است بازار نقد شونده‌ای را برای قراردادهای اختیار معامله ایجاد کند. در بورس کالا و معاملات آتی برزیل نیز حجم کوچکی از قراردادهای اختیار معامله می‌شود. درحالی‌که بورس کالای دالیان و بورس کالای هند به دلیل محدودیت‌های دولتی حق ورود به معاملات اختیار را ندارند، بورس مالزی و به میزان کمتری بورس کالا و معاملات آتی برزیل نتوانسته‌اند نقدشوندگی مورد نیاز را برای بازار قراردادهای اختیار خود فراهم آورند. با وجود این، معاملات قراردادهای اختیار معامله ممکن است ابزار مهمی برای افزایش سودمندی بورس برای کشـــاورزان باشد (استفاده از این قراردادها آسان‌تر و دستیابی به آن‌ها نیز ارزان‌تر است). از سوی دیگر، این قراردادها طیف گسترده‌تری از امکان‌های بازاریابی و مدیریت ریسک را برای همه‌ی فعالان بازار فراهم می‌آورند.

یکپارچه‌سازی اقتصادی منطقه‌ای: درحالی‌که چین و هند از بازارهای داخلی بزرگی برخوردارند که هنوز دست کم تا حدی بسته است، برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی بازارهای کوچک‌تری هســـتند که باز و صادرات‌نگر هســـتند. برزیل و آفریقای جنوبی قدرت‌های اقتصادی برتر در منطقه‌ی خود هســـتند و دارای توســـعه‌یافته‌ترین بازارهای کالا هستند. بورس کالا و معاملات آتی برزیل و بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس از توانایی بالقوه‌ی یکپارچه‌سازی و گسترش منافع بازارهای کارآمد معاملات آتی کالا به کشورهای کمتر توســـعه یافته‌ی منطقه و بهبود جریان‌های کالاها و سرمایه‌ی میان آن‌ها برخوردارند. بورس مالزی از فرصت نسبتا متفاوتی برخوردار است، ولی پتانسیل یکپارچه‌سازی منطقه آسه آن نیز ممکن است برای این کشور جذاب باشد.

۳-۱۱ چارچوب نظارتی

براســـاس یافته‌های این پژوهش، ســـه هدف نظارت بر بـــازار عبارتند از حمایت از ســـرمایه‌گذاران؛ اطمینان از منصفانه، کارآمد و شـــفاف بودن بازارها و کاهش ریسک‌های سیســـتمی. این پژوهش همچنین نشان داده اســـت که هر یک از بازارهای معاملات آتی مورد مطالعه تحت نظارت مناسبی قرار داشته است (البته این به معنای نظارت بیش از حد نیســـت). همان‌طور که در ضمیمه‌ی ۲ می‌بینیم، در هر کشـــور برای نظارت بر بازار طیف

گســـترده‌ای از مکانیزم‌ها و ابزارها وجود دارد که در سطح ناظر خارجی، یک مرجع خود انتظام صنعت و یا خود بورس به شیوه‌ی خود انتظامی عمل می‌کنند.

دولت در این ســـاختار معمولاً نقشـــی دوگانه ایفا می‌کند: نقش نظارتی (مهار ساختن کســـانی که می‌کوشند بازارها را در جهت منافع خود دستکاری کنند و اطمینان از رعایت قراردادها) و نقش توانمند سازی (تأمین چارچوب حقوقی و نظارتی مورد نیاز و در برخی شرایط، تأمین عناصر زیرساخت‌های فیزیکی‌ای که بدون آن، کنش‌گران بازار نمی‌توانند به خوبی عمل کنند (مثلاً انبارداری، تدارکات، مخابرات و شبکه‌های اطلاعاتی).

تعادل میان مزیت‌ها و هزینه‌های نظارت اهمیت بســـیاری دارد و در متناســـب ساختن چارچوب و رویه‌های نظارتی برای نیازهای شرایط داخلی نقش مهمی ایفا می‌کند. از سوی دیگـــر، چارچوب نظارتی که بیش از حد ضعیف باشـــد، یا همچون چین در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ اصلا وجود نداشـــته باشـــد، هرج و مرج را بر بازارها حاکم می‌کند که در آن، اکثر طرف‌هـــا ضرر می‌کنند. در چین، با افزایـــش اطمینان دولت به عملکرد بازارها، رویکردی اتخاذ گردیده که کمتر محافظه کارانه اســـت. اجازه قراردادهـــای جدید صادر گردیده و دراوایل ســـال ۲۰۰۷ چارچوب نظارتی جدیدی معرفی شد که برخی از ممنوعیت‌هایی را که در هنگام هرج و مرج بازارها وضع شـــده بود حفظ می‌کند. در هند نیز، چالشی که در برابر دولت هند قرار دارد همراســـتا کردن انتظارات زیاد برای اســـتفاده مستقیم کشاورزان از بازار معاملات آتی، با چارچوبی نظارتی اســـت که به جای اینکه برای دســـتیابی به این هدف مشکل ایجاد کند، آنرا تسهیل نماید. یکی از موانع عمده در برابر استفاده کشاورزان از بورس منع معاملات قراردادهای اختیار اســـت. مانع دیگر، منع مشارکت نهادهای مالی در بازارهای معاملات آتی کالاســـت: بانک‌ها می‌تواننـــد به‌عنوان تجمیع کننده‌ی نیازهای معاملاتی کشـــاورزان کوچک، تأمین کننده‌ی مالی هزینه‌های مشـــارکت در بازار و تأمین کننده‌ی طیفی از راه‌حل‌های یکپارچه‌ی مالی و ریســـک عمل کنند (مثلاً همان‌طور که در آفریقای جنوبی رخ داد).

ســـوداگری نقش مهمی ایفا می‌کند. از میان کشورهای مورد مطالعه، دو کشور (هند و آفریقای جنوبی) افزایش قیمت در کالاهای حســـاس را تجربه کردند که سرآغاز تحقیقات دولت شـــد. در هر دو مورد، سوداگری یا دستکاری بازار به‌عنوان دلیل احتمالی ذکر شد. درحالی‌که در تجربه‌ی آفریقای جنوبی در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۱ شاهد آن هستیم که قبل از اینکه دولت تصمیم به انجام اقدامی نماید تحقیقاتی انجام گردیده بود (که در نهایت به تصمیم دولت جهت عدم اقدام و مداخله در بازار منجر شـــد) تجربه‌ی هند در سال ۲۰۰۷ شـــاهد روندی معکوس بوده است. معامله‌ی چهار کالا قبل از گزارش کمیته‌ی تحقیق که

قرار بود در اواخر سال ۲۰۰۷ منتشر شود به تعلیق درآمد.

سوداگری فاکتور نقدشوندگی را که بدون آن، بازار قادر به فعالیت نیست فراهم می‌نماید. با وجود این، بدون کنترل‌های مناسب، ممکن است سوداگری بیش از حد باشد و به بی‌ثباتی بازار منجر شود (همان‌طور که در چین در دهه ۱۹۹۰ رخ داد). تمایز میان سوداگری، سوداگری افراطی و دستکاری مهم است و نیاز به تحلیل بی‌طرفانه قبل از دخالت برای تنظیم بازار نیز اهمیت بسزایی دارد. در عین حال، بازارهای کالا اغلب دچار نوسان هستند. چنین نوسانی را اغلب می‌توان براساس مبانی عرضه و تقاضای بازار توجیه کرد (همان نتیجه‌ای که تحقیق دولت آفریقای جنوبی درباره‌ی شرایط بورس‌ها در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ به آن دست یافت). اقدامات مناسب برای برخورد با دوره‌های نوسان ناشی از شرایط عرضه/تقاضا را می‌توان بدون نیاز به دخالت‌های مستقیم و پراکنده‌ی دولت در بازار انجام داد. در سطح بورس، می‌توان وجه تضمین را افزایش داد، سقف معاملات را محدودتر کرد و نظارت بر الگوهای معاملاتی مشکوک را تشدید کرد. چالش‌های ساختاری یا زیرساختی گسترده‌تر را نیز می‌توان در نظر گرفت. مثلاً تحقیقاتی که در آفریقای جنوبی انجام گرفت به این نتیجه رسید که بخشی از نوسانی که در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ رخ داد، ناشی از تردید فعالان بازار بود که در فقدان اطلاعات مناسب درباره‌ی وضعیت بازارهای فیزیکی ریشه داشت.

۱۱-۴ تأثیرات

۱۱-۴-۱ چکیده تأثیرات

تجزیه و تحلیل پنج بورس مورد مطالعه، طیف گسترده‌ای از تأثیرات توسعه‌ای بورس‌های کالایی (بر کشاورزان و سایر فعالان بازار) را نمایان می‌کند. فرضیاتی که درباره‌ی این تأثیرات وجود دارد را می‌توان به شش گروه گسترده تقسیم کرد. از این میان سه گروه را می‌توان کارکردهای اصلی نامید: کشف قیمت، مدیریت ریسک قیمت و مکانی برای سرمایه‌گذاری. سه کارکرد دیگر را می‌توان کارکردهای گسترده‌تری دانست که ناشی از عملکرد کارکردهای اصلی هستند: تسهیل بازارهای نقدی کالا، تسهیل تأمین مالی کالا و توسعه‌ی بیشتر این صنعت (ازجمله ظرفیت سازی، بین‌المللی سازی بازار و استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات). به‌طور کلی، ۸۱ فرضیه‌ی در خصوص تأثیرات بورس‌های کالایی در این مطالعه بررسی شدند: ۳۷ تأثیری که صرفاً یا عمدتاً مخصوص کشاورزان هستند و ٤٤ تأثیر دیگر که با جامعه یا کل اقتصاد ارتباط دارند. پنج فرضیه دارای پیامدهای

منفی هستند (به ضمیمه ۳ نگاه کنید).

جدول ۱۱: تأثیرات توسعه ای بورس های مورد مطالعه بر کشورهای مربوطه

	تأثیرات بر کشاورزان	سایر تأثیرات شناسایی شده	تأثیرات کلی شناسایی شده	تأثیراتی که تنها در یک کشور مشاهده شده
کشف قیمت	۸	۵	۱۳	۴
مدیریت ریسک قیمت	۴	۴	۸	۰
مکانی برای سرمایه گذاری: تأثیرات مثبت	۱	۶	۷	۱
مکانی برای سرمایه گذاری: تأثیرات منفی	۱	۲	۳	۰
تسهیل معاملات فیزیکی	۴	۹	۱۳	۴
تسهیل تأمین مالی	۴	۳	۷	۳
توسعه‌ی بازار	۹	۹	۱۸	۵
کل تأثیرات مثبت	۳۰	۳۶	۶۶	۱۷
کل تأثیرات منفی	۱	۲	۳	۰

در این مطالعه مدارکی در حمایت از وقوع ٦٦ مورد از ٧٦ فرضیه‌ی تأثیرات مثبت در یک یا چند بازار مورد مطالعه ارائه شـــده اســـت (به ضمیمه ٤ نگاه کنید). از این میان ۳۰ فرضیه با کشـــاورزان ارتباط دارد و ۳٦ فرضیه با بخش‌های گسترده‌تر یا کل اقتصاد ارتباط دارد. علاوه‌بر این، تأثیرات در زمینه هر شـــش کارکرد وجود داشـــت. تنها دو فرضیه تأثیر مثبت بر مبنای تجربیات موجود در بازارهای مورد مطالعه نفی شدند (هیچ مدرکی دال بر اینکه بورس‌های بازارهای مورد مطالعه، پوشـــش ریسک در برابر تورم را انجام می‌دهند یا بورس، در صورت بهبود کیفیت محصولات داخلی وابستگی به واردات را کاهش می‌دهد مشـــاهده نشده اســـت). درباره‌ی ده فرضیه‌ی تأثیرات مثبت در این حوزه‌ها پژوهش‌های دیگری باید انجام شود. از میان ٦٦ فرضیه‌ی تأثیرات مثبتی که شواهدی در حمایت از آن‌ها ارائه شده، ۳۸ مورد بر داده‌های غیرکمّی مبتنی بوده‌اند (ناشی از شهادت دست‌اندرکاران یا منابع اطلاعات فرعی). برخی از این تأثیرات ذاتاً به گونه‌ای هستند که کمیّت‌پذیر نیستند. برخی دیگر نیازمند کار بیشتر در زمینه‌ی طراحی ابزاری مناسب برای سنجش و گردآوری هستند. همچنین، از میان ٦٦ فرضیه‌ی تأثیر مثبتی که برای آن‌ها شواهدی یافت شده است، ۱۷ مورد تنها در یکی از بازارهای مورد مطالعه رخ داده‌اند. این مسئله فرصت‌های مطالعاتی بالقوه‌ی مهمی را برای تجزیه و تحلیل دقیق‌تر ســـایر بازارهای مورد مطالعه و بورس‌های کالای مناطقی که تحت پوشش این مطالعه نبوده‌اند ارائه می‌دهد.

در این مطالعه شـــواهدی در حمایت از سه فرضیه از فرضیات پنج گانه منفی، در یک یا چند بازار مورد مطالعه به دســـت آمد. یکی از این فرضیات، با کشـــاورزان و دو فرضیه دیگر با بخش‌های گســـترده‌تر یا کل اقتصاد ارتبـــاط دارد. درباره‌ی دو فرضیه منفی دیگر،

شـــواهد کافی در حمایت یا مخالفت با این فرضیات یافت نشـــده است، در این حوزه‌ها باید پژوهش‌های بیشـــتری انجام شود. از میان این سه فرضیه‌ی تأثیر منفی که شواهدی در حمایت از آن‌ها به دســـت آمده، همه شـــواهدی که ارائه گردیده است بر مبنای داده‌های غیرکمّی بوده‌اند که ناشی از شهادت فعالان بازار یا منابع فرعی است. با توجه به حساسیت و اهمیت این تأثیرات که با ســـوداگری بیش از حد ارتباط دارد، باید در این حوزه‌ها کار بیشتری صورت پذیرد. همچنین تفسیر صحیح نتیجه‌گیری‌ها نیز از اهمیت زیادی برخوردار اســـت. در هر یک از شرایطی که تأثیرات منفی شناســـایی شده‌اند، این تأثیرات یکسان یا همگانی نبوده‌اند. بنابراین، نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که بورس‌های کالا باعث ســـوداگری بیش از حد شـــده‌اند. در برخی موارد، مثلاً در مورد روغن نعنا در هند، سوداگری‌ای که از مدت‌ها قبل در بازارهای فیزیکی وجود داشـــته به بازارهای معاملات آتی نیز سرایت کرده است. با وجود این، بازار معاملات آتی محیط تحت نظارت مناسبی را فراهم می‌کند که از ســـرمایه‌گذاران بیشتر حمایت می‌کند. بدین ترتیب، نتیجه‌گیری‌های ممکن باید از ظرافت و دقت کافی برخوردار باشد.

هر پنج بورس مورد مطالعه در زمینه‌ی کارکردهای اصلی کشف قیمت، مدیریت ریسک قیمت و مکانی برای ســـرمایه‌گذاری تأثیرگذار بوده‌اند. هر یک از این بورس‌ها بازارهای نقدشـــونده، طرف معامله مرکزی که ریسک طرف معامله را حذف می‌کند، داده‌های بازار که آزادانه و با شـــفافیت منتشر می‌شـــوند و بازارهای معاملات آتی را ایجاد می‌کنند که با بازارهای نقدی ارتباط خوبی دارند تا مدیریت اثربخش ریســـک میسر شود. علاوه‌بر این، بـــورس مالزی خود را به‌عنوان بورس معیار بین‌المللی بـــرای صنعت روغن خرمای خام جهان تثبیت کرده و این تنها موردی اســـت که قدرت قیمت‌گذاری کالایی که به صورت جهانی معامله می‌شود در یکی از کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌شود.

از نظر میزان توزیع این تأثیرات تفاوت‌هایی وجود دارد. تنها در هند، این انتظار وجود دارد که کشـــاورزان کوچک به‌طور مســـتقیم برای راه‌حل‌های مدیریت ریسک قیمت در بازارهای معاملات آتی مشـــارکت کنند. با وجود این، درحالی‌که بدین منظور تلاش‌های فراوانی انجام شده است، مشـــارکت مستقیم کشاورزان همچنان محدود است. این مسئله ممکن است ناشی از تنگناهای نظارتی و ساختاری مختلفی باشد: منع معاملات قراردادهای اختیار معامله و شاخص؛ محدودیت‌های مشارکت بانک‌ها در بازار؛ نیاز بیشتر به آموزش؛ افزایش آگاهی و ظرفیت سازی در میان کشاورزان کوچک و بازارهای فیزیکی‌ای که هنوز متمرکز نشـــده‌اند و با کمبود امکانات زیربنایی دســـت و پنجه نرم می‌کنند. در چین، یکی دیگر از بازارهای مورد مطالعه که الگوهای تولیدی کشـــاورزان کوچک بر بازار آن مسلط

است، سایر دست‌اندرکاران زنجیره‌ی عرضه (خریداران، معامله‌گران، توزیع کنندگان، و صادرکنندگان) آسیب‌پذیری خود در برابر ریسک قیمت را در بازار پوشش می‌دهند و تشویق می‌شوند تا بخشی از سود را به کشاورزان کوچک منتقل کنند. در برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی، بسیاری از کشاورزان و صاحبان کشتزارها از ابزارهای مدیریت ریسک قیمت استفاده می‌کنند ولی کشاورزان کوچک وارد این میدان نمی‌شوند. یکی از دلایل این مسئله این است که کشاورزان کوچک اغلب در چارچوب برنامه‌های حمایتی دولتی عمل می‌کنند که برخی از ریسک‌های عمده‌ای را که در برابر آن‌ها قرار دارد خنثی می‌کند. دلیل دیگر این است که تجاری‌سازی کشاورزان کوچک در این کشورها پیش شرط مشارکت مستقیم در بازارها محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، کشاورزان کوچک در هر یک از بازارهای مورد مطالعه از انتشار داده‌های بازار منتفع می‌شوند. هر بورس با اعضای خود و رسانه‌ها در زمینه‌ی انتشار اطلاعات از طریق مجاری مختلف ازجمله کشاورزان کوچک، فعالیت دارد. به‌ویژه می‌توان به استفاده روزافزون از پیام‌های کوتاه اشاره کرد که مستقیماً به تلفن همراه کشاورزان ارسال می‌شود. به‌ویژه فعالیت‌هایی که در دو بورس در این ارتباط انجام می‌شود اهمیت زیادی دارد. در چین، انتشار قیمت‌ها در کانون تلاش‌هایی قرار داشت که برای کمک به منتفع شدن کشاورزان کوچک از بازار معاملات آتی انجام می‌شود. یکی از تلاش‌های آموزشی عمده‌ای که بورس کالای دالیان با حمایت دولت در کلیه‌ی زمینه‌ها انجام داد، کشاورزان را تشویق می‌کند تا از اطلاعات بازار قراردادهای آتی برای تعیین الگوهای برداشت محصول فصل آینده استفاده کنند. بازار معاملات آتی به کشاورزان در زمینه‌ی مذاکره برسر قیمت‌های بهتر با واسطه‌ها نیز کمک کرده است. در هند، بورس کالای هند و سایر بورس‌های ملّی کالا در زمینه‌ی انتشار اطلاعات بازار ازطریق صفحات نمایشگر الکترونیکی قیمت در بازارهای محلی یا همان ماندی‌ها و سایر مکان‌های رویت‌پذیر، سرمایه‌گذاری چشمگیری کرده‌اند. علاوه‌بر این، مشارکت بورس کالای هند با شرکت پست هند برای انتقال اطلاعات به روستاییان ابتکاری راهگشاست. اکنون اطلاعات به کشاورزانی که در نقاط دوردست سکونت دارند و گاهی از امکانات زیر بنایی حمل و نقل و مخابرات بی‌بهره‌اند می‌رسد. در هند نیز همچون چین، کشاورزان قیمت‌های بهتری را از واسطه‌ها دریافت می‌کنند و به نحو روزافزونی از اطلاعات بازار معاملات آتی آگاه می‌شوند تا برای تصمیم‌گیری در زمینه‌ی الگوی برداشت محصول در فصل آینده از این اطلاعات استفاده کنند.

در زمینه‌ی سه کارکرد گسترده‌تر، یعنی تسهیل تأمین مالی، معامله‌ی فیزیکی کالا و

توسعه‌ی بازار تفاوت‌های بیشتری در عملکرد بورس‌ها قابل تشخیص است. بورس مالزی که شاید بیش از تمام بورس‌ها بر کارکردهای اصلی متمرکز است، با توجه به اینکه نتیجه‌ی بازارهای نقدی توسعه یافته‌تر و منظم‌تری است که از قبل وجود داشته‌اند از اینرو تأثیر گذاری چندانی از طریق سه کارکرد گسترده‌تر مورد نظر نداشته است.

برعکس، بورس کالا و معاملات آتی برزیل و بورس کالای هند شاید هر دو گسترده‌ترین محدوده و بیشترین انگیزه را برای اثرگذاری بر کارکردهای گسترده‌تر داشته‌اند. بورس کالا و معاملات آتی برزیل که در شرایط بازارهای نقدی از هم گسیخته‌ای فعالیت می‌کند که از طریق شعبه بورس کالای برزیل درصدد یکپارچه‌سازی آن بود، طیفی از راه‌حل‌های مبتکرانه را برای تسریع و تسهیل عملکرد این بخش ارائه داده است: ارائه طیفی از ابزارهای نقدی، پیمان‌های آتی و قراردادهای اختیار با امکان تسویه و اعمال ابزار مورد نظر و همچنین امکان ثبت برای قرادادهای فرابورس؛ همکاری با سایر نهادهای فعال در تأمین خدمات ثبت و بازارهای فرعی برای طیفی از ابزارهای مالی؛ ایجاد پیوندها و تسهیل معامله با بازارهای صادراتی اصلی و تأمین مکانیزمی شفاف و کارآمد برای اجرای سیاست‌های دولت در حمایت از کشاورزی و به‌ویژه بخش کشاورزان کوچک. بورس کالای هند در موقعیتی تأسیس گردید که بازارهای نقدی چندپاره بودند و در زمینه‌ی زیرساخت‌ها کمبودهایی وجود داشت. این بورس به کنش‌گری مهم در تسریع توسعه‌ی بازارهای نقدی، بهبود گردش اعتبار در بخش کشاورزی و تحریک توسعه‌ی بازار، به‌ویژه از طریق کاربرد مبتکرانه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات تبدیل شد. انتظار می‌رود با گسترش بورس نقدی الکترونیکی ملّی و مقرراتی که تأمین مالی براساس قبض انبار را در این کشور تقویت می‌کند تأثیرات بالقوه‌ی بیشتری نمایان شود.

بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس و بورس کالای دالیان در میانه‌ی این طیف قرار دارد. بازارهای کشاورزی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس درطول دوره‌ی کنترل‌زدایی ناگهانی بازار غلات در کشور آغاز به‌کار کرد. این بازارها از زیرساخت‌های فیزیکی توسعه یافته برخوردار بودند. این بورس با هماهنگی با نمایندگان صنایع، به یکی از نهادهای اصلی در توسعه‌ی سیستم تحویلی تبدیل شده که از مقبولیت گسترده‌ای برخوردار است. این سیستم (و به‌ویژه رسید سیلوی قابل انتقال) بخش‌های تأمین مالی و کالا را به گونه‌ای بدون نقص به یکدیگر متصل کرده است. بورس کالای دالیان در توسعه‌ی زیرساخت‌های مرتبط با سیستم تحویل بورس مؤثر بوده است. ازجمله می‌توان به ارتقای تأسیسات انبارش، توسعه استانداردهای کیفی که به خوبی نمایانگر و تقویت کننده سیاست‌های دولت در زمینه‌ی دانه‌های سویای اصلاح شده ژنتیکی می‌باشد و ارائه

آموزش‌های گسترده در زمینه‌ی بازار اشاره کرد.

تسهیل تأمین مالی کالا شاید حوزه‌ای است که بورس‌ها بیشترین امکان یادگیری از تجارب یکدیگر را دارند. تسهیل مکانیزم‌های کارآمد تأمین مالی برای کشاورزان یکی از مهمترین تأثیراتی بوده است که بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس و بورس کالا و معاملات آتی برزیل ایجاد کرده‌اند. با وجود این، مکانیزم‌هایی که به‌کار رفته‌اند (تأمین مالی مبتنی بر رسید سیلو در آفریقای جنوبی و ثبت و معامله وثایق کشاورزی در برزیل) کاملاً متفاوت بوده‌اند. در هند، جایی که در این حوزه پیشرفت چشمگیری به دست آمده بود، شواهد حکایت از این دارد که به شرط برچیدن موانع قانونی هنوز هم پتانسیل زیادی وجود دارد. محدودیت‌های قانونی مانع از توسعه‌ی تأمین مالی کالا در چین نیز شده‌اند. این محدودیت‌ها در سال ۲۰۰۷ تا حدی سهل گیرانه‌تر شد، ولی چین هنوز از این نظر بسیار عقب‌تر از هند است. در مالزی، تسهیل تأمین مالی ناشی از فعالیت‌های بورس نبوده است. با وجود این، تأکید دولت بر تجاری‌سازی بخش تولیدکنندگان کوچک ممکن است نیازی را ایجاد کند که بورس در آینده باید پاسخ دهد.

نگاهی به تأثیرات منفی بالقوه‌ای که ممکن است به واسطه عملیات بازار ایجاد گردید، نشان می‌دهد که مدارک کافی که حاکی از نقش بورس‌ها در تورم و نوسان قیمت‌ها در بازار فیزیکی باشد وجود ندارد. هند، که اخیراً بورس‌های ملّی کالا را به‌کار گرفته است، شاید بهترین زمین آزمون هر دو فرضیه باشد. از زمان آغاز به‌کار قراردادهای آتی بورس کالای هند برای هل و نعنا، قیمت‌ها روندی افزایشی را آغاز کرده است. با وجود این، معلوم نیست این مسئله تا چه حد ناشی از تغییر عوامل بنیادی بازار، یا تغییرات ساختار بازار که از افزایش شفافیت قیمت‌ها برای تولیدکنندگان نشات گرفته و یا پیامد "سوداگری افراطی" بوده است. اگرچه دولت اقدام پیش‌گیرانه‌ی تعلیق معاملات در چهار قرارداد را اتخاذ کرده است، باید در زمینه‌ی این موضوع پژوهش‌های تجربی انجام شود. بدون چنین پژوهشی (که در این مطالعه جای پرداختن به آن نیست) نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد. با وجود این، انتظار می‌رود کمیته‌ی پژوهشی دولتی گزارش قطعی خود در این مورد را در اواخر سال ۲۰۰۷ منتشر کند.

شاید بتوان در تجربه‌ی بازار غلات آفریقای جنوبی از سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ پیشینه‌ای برای این موضوع یافت. ذرت سفید افزایش شدید قیمت‌ها را تجربه کرد و نرخ نقدی آن به سه برابر افزایش یافت و بعد دوباره به سطح قبلی خود برگشت. یک کمیته‌ی تحقیق دولتی که در طول این دوره فعالیت بازار معاملات آتی را بررسی می‌کرد دریافت که این افزایش قیمت تا حد زیادی ناشی از تغییر در عوامل بنیادی بازار بوده است و به"

آمیزه‌ای منحصر به فرد از پنج عامل" اشاره کرد (کمیته پایش قیمت محصولات خوراکی، ۲۰۰۳). در ارتباط با گزارشات مربوط به حرکات غیرمعمول ادعایی در بازارهای معاملات آتی در طول این دوره، باید به سه جنبه از پاسخی که در پی می‌آید توجه کرد: نخست، برنامه‌های نظارتی توانستند الگوهای غیرمعمول بازار را شناسایی کنند؛ دوم، بورس برای ارتقای مکانیزم بازار به‌منظور پیشگیری از تکرار شرایط گذشته، از طریق معرفی محدودیت موقعیت‌های معاملاتی برای هر یک از فعالان بازار گام‌هایی را برداشت (گام‌هایی که کمیته تحقیق از آن‌ها ابراز رضایت کرد) و سوم، دولت قبل از تصمیم‌گیری در زمینه اینکه چه باید کرد (که در این مورد خاص عدم اقدام بود) منتظر گزارش کمیته ماند. به دنبال آن، در سال ۲۰۰۳ قیمت‌ها به سطح قبلی خود بازگشت و در سال‌های ۲۰۰٤ تا ۲۰۰۵ عکس این روند رخ داد و قیمت‌ها به شدت کاهش یافت.

تأثیر بازارهای معاملات آتی بر نوسان قیمت‌های نقدی یکی دیگر از پدیده‌های بحث انگیزی است که به بهترین نحو در هند قابل مشاهده است (از میان کشورهای مورد مطالعه فقط هند است که در آن بازارهای آتی بلافاصله بعد از شکل گیری بازارهای آزاد معرفی شده است). اگرچه این بازارها جوان هستند و هنوز برای نتیجه‌گیری نهایی زود است، مشاهدات اولیه در این مرحله‌ی ابتدایی نشان دهنده‌ی تأثیری ناهمگون در این زمینه است: کاهش نوسان قیمت برخی کالاها و افزایش نوسان قیمت برخی کالاهای دیگر. دلایل این واکنش ناهمگون ممکن است شامل عدم کفایت گردآوری داده‌های قیمت‌های نقدی قبل از معرفی بورس‌های معاملات آتی، محدودیت‌ها و تنگناهای مختلفی که در بازارهای فیزیکی هر کالا وجود دارد و تفاوت‌های ساختار بازار برای هر کالا باشد.

شکاف‌های اطلاعاتی مانع از گردآوری اطلاعات مناسب برای گزارش در زمینه‌ی سطح نکول کشاورزان یا سرمایه‌گذاران یا بدهی‌های ناشی از مشارکت در بازار معاملات آتی می‌شود. داده‌های نکول مشتریان معمولاً در سطح کارگزاری است نه در سطح بورس. گواهی فعالان بازار و منابع اطلاعات فرعی درباره‌ی هند و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که ممکن است برخی از فعالان بازار در این زمینه نگران باشند، ولی میزان این نگرانی مشخص نیست. با وجود این، هر یک از بازارهای معاملات آتی دارای طیفی از ویژگی‌های نظارتی است که برای محدود ساختن امکان نکول طراحی شده است: الزامات حداقل سرمایه مورد نیاز برای مشارکت کاربران در بازارها؛ تعیین روزانه‌ی وجه تضمین‌ها به گونه‌ای که حداکثر زیان روزانه را بتوان با وجوه وجه تضمین شده پوشش داد؛ تعیین محدودیت حداکثر میزان موقعیت‌های باز معاملاتی در بازار و محدودیت حداکثر تغییر روزانه‌ی قیمت‌ها.

با وجود این، دو پرسش همچنان بدون پاسخ مانده است: (۱) آیا این کنترل‌های نظارتی به اندازه‌ای سخت‌گیرانه هستند که از تولیدکنندگان کوچک یا فعالانی که با محدودیت نقدینگی روبرو هستند حمایت کنند (شاید در مواردی که حداکثر هزینه‌ی نگه داشتن یک موقعیت تعهدی مشخص باشد، قرارداد اختیار در مقایسه با قرارداد آتی برای حمایت از فعالان بازار مناسب‌تر باشد) و (۲) حتی بدون نکول نیز، یک فعال بازار ممکن است وجوهی را به‌سوی بازار معاملات قراردادهای آتی هدایت کند که برای مخارج مهم خانواده مورد نیاز است. بدون مطالعه فعالان کوچک بازار، آزمودن این فرضیه دشوار است.

۲-۴-۱۱ تأثیرات توزیعی و به‌ویژه تأثیرات بر کشاورزان کوچک

رویکرد علمی "تحلیل ارزیابی تأثیرات" که در این پژوهش به‌کار گرفته شده است، بین تأثیرات بورس‌های کالا بر کشاورزان و تأثیرات آن‌ها بر بخش گسترده‌تر جامعه یا کل اقتصاد تمایز قایل شده است. درصورتی‌که امکان پذیر باشد، تأثیر بورس‌ها بر بخشهای کشاورزی تجاری با تأثیر آن بر کشاورزان خرده‌پا نیز مقایسه می‌شود. کشاورزان خرده‌پا معمولاً درصورتی‌که به دنبال مشارکت در بازار باشند با سنگین‌ترین هزینه‌های معامله روبرو خواهند بود. این مسئله ناشی از عواملی همچون زیرساخت‌های ضعیف حمل و نقل، انبارش و ارتباطات، فقدان دسترسی به اطلاعات و تخصص مورد نیاز و دسترسی محدود به تأمین مالی به دلیل فقدان وثیقه است. این وضعیت نامساعد است که اغلب این تولیدکنندگان را به تأمین منابع مورد نیاز برای معیشت محدود می‌کند. بر عکس، کشاورزان تجاری معمولاً از زیرساخت‌های گسترده‌تر و بهتر، دسترسی بهتر به بازار و اطلاعات بازار بهتری برخوردارند. عملیات آن‌ها پیچیده‌تر است و درک دقیق‌تری از ریسک‌ها و چالش‌های بازار کشاورزی دارند.

نخست اینکه این مطالعه به تفاوت‌های ساختاری میان بخش‌های کشاورزی چین و هند که ویژگی آن‌ها تسلط کشاورزان خرده‌پاست و برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی که ویژگی آن‌ها دوگانگی میان بخش‌های کشاورزان خرده‌پا و تجاری است توجه کرده است. درنتیجه‌ی این تفاوت بنیادین در ساختار بازار، هر یک از این بورس‌ها با الزامات متفاوتی روبرو هستند.

دوم اینکه برای کشاورزان تجاری و کشتزارها، تجربه‌ی برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که بورس کالا و ابزارهای مدیریت ریسک قیمت، مکانیزم مهمی را برای پوشش ریسک قیمت فراهم می‌سازد. سایر تأثیرات تأیید شده شامل استفاده از اطلاعات بازار برای بهبود تصمیم گیری‌های بازاریابی و تجارت، تسهیل دسترسی بیشتر به

منابع مالی و تحریک تجارت بین‌المللی است.

سوم اینکه این مطالعه نشان داده است بورس‌های ملّی کالا در هند بیشترین هماهنگی را با نیازهای کشـــاورزان خرده‌پا داشته‌اند؛ این بورس‌ها بیشترین تلاش را برای انطباق فعالیت‌های خود با نیازمندی‌های این بخش داشته‌اند. اگرچه مشارکت مستقیم کشاورزان خرده‌پا در بازار معاملات قراردادهای آتی همچنان محدود اســـت، این مسئله بر کشاورزان کوچک هل و نعنا نیز تأثیراتی گذاشـــته که ناشی از تسهیل توسعه‌ی بازار فیزیکی و انتشار اطلاعات بازار توسط بورس کالای هند بوده اســـت. انتشـــار اطلاعات بازار نیز یکی از تأثیرات اصلی بورس‌ها بر کشاورزان خرده‌پا در چین است. بورس کالای دالیان در کمک به کشاورزان برای استفاده‌ی بهتر از اطلاعات بازار معاملات آتی و تصمیمات بازاریابی فعالیت زیادی داشـــته است. در چین و هند، فعالیت‌های آموزشی اهمیت بسیاری داشته و به افزایش آگاهی کشاورزان کوچک درباره سیستم مبتنی‌بر بازار کشاورزی و افزایش ظرفیت آنان برای فعالیت در چارچوب این سیستم انجامیده است. همچنین نشـــانه‌هایی حکایت از این دارد که استفاده‌ی غیرمستقیم کشاورزان کوچک از ابزارهای پوشش ریسک، چه از طریق تعاونی‌های کشاورزان (مثل هند)، چه از طریق استراتژی‌های پوشش ریسک خریداران (مثل چین) و یا از طریق بانک‌ها و اتاق‌های معامله (مثل آفریقای جنوبی) مدلی توجیه‌پذیر و موفق است.

کادر ۳۱: اهمیت بورس‌های کالا برای کشـــاورزان کوچک: خلاصه‌ی کشورهای مورد مطالعه

- برزیـــل: برنامه‌های دولت از بســـیاری از کشـــاورزان کوچک حمایت می‌کند. بورس کالا و معاملات آتی برزیل با تأمین راهکارهای بازار برای اجرای اهداف سیاست‌های روستایی دولت (از قبیل برگزاری حراج برای انجام خریدهای دولتی و ایجاد یک بازار فرعی برای ابزارهای تأمین مالی روســـتایی[1]) به‌طور غیرمستقیم بر کشـــاورزان خرده‌پا تأثیر گذارده است. پتانســـیل فعالیت بیشتر شامل قراردادن سایر ابزارهای مبتکرانه (به‌ویژه از طریق بورس کالای برزیل) در اختیار کشاورزان خرده‌پاست.
- چین: مشـــارکت مستقیم کشاورزان خرده‌پا تشـــویق نمی‌شود و انتظار نمـــی‌رود که رخ دهد. بورس کالای دالیـــان از اطلاعات بازار برای کمک به کشـــاورزان خرده‌پا در زمینه‌ی بهبود تصمیمات برداشـــت محصول و

1- Rural Product Note

تصمیمات بازاریابی اســـتفاده می‌کند. همچنین این بورس شـــرکای پایین دستی را به انتقال سود پوشش ریسک به کشاورزان خرده‌پا ترغیب می‌کند.

• هند: دولت هند و بورس‌های ملّی کالای این کشـــور مشـــارکت فعال کشـــاورزان خرده‌پا در بازارها را تایید و تشـــویق می‌کنند. در حال حاضر اســـتفاده‌ی کشاورزان از این بازارها محدود است ولی تأثیرات غیرمستقیم اطلاعات و بهبود وضعیت بازار، گســـترده بوده است. درباره‌ی مشارکت کشاورزان خرده‌پا از طریق تعاونی‌ها اسنادی گردآوری شده است (برگ، ۲۰۰۷). منع معاملات قراردادهای اختیار و مشارکت نهادهای مالی در بازار برخی از موانعی هستند که بر سر راه مشارکت کشاورزان خرده‌پا قرار دارند.

• مالزی: در این کشور تمرکزی بر کشاورزان خرده‌پا مشاهده نشده و تأثیرات بورس در حوزه‌های دیگری ایجاد شده است. علاوه بر این، برنامه‌های دولتی از بسیاری از کشاورزان خرده‌پا حمایت می‌کنند. این کشاورزان، سازماندهی خود را پیش‌شرط استفاده از بازار می‌دانند و بر این باورند که بعد از افزایش جنبه‌های تجاری فعالیت خود، بورس کالا می‌تواند برای آن‌ها سودمند باشد.

• آفریقای جنوبی: بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس، با مشارکت سایر سازمان‌ها از برنامه‌های ظرفیت سازی در کشاورزان کوچک حمایت می‌کند. استفاده‌ی غیرمستقیم از اطلاعات بازار بورس نیز در این کشور تشویق شده است.

چهارم اینکه این مطالعه نشان داده است که با کاربرد مبتکرانه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، اکنون پتانسیل مورد نیاز برای غلبه بر موانع دیرپای زیرساختی و گنجاندن بهتر تولیدکنندگان خرده‌پا در بازارهای کالا فراهم شـــده است. هند پویاترین بازار از این لحاظ است و نمونه‌هایی که در این گزارش برجسته شده‌اند شامل موارد زیر است:

• معامله بر خط ملّی و الکترونیکی برای یکپارچه‌سازی بازارهای ازهم گسیخته و بهبود فرایند تشکیل قیمت؛

• شبکه‌های الکترونیکی انتشـــار قیمت برای کاهش نابرابری‌های اطلاعاتی و توانمند سازی کشاورزان؛

• ارتباط ماهواره‌ای بورس برای غلبه بر ضعف زیرساخت‌ها؛

• مشـــارکت با ســـایر نهادها جهت توزیع اطلاعات بازار با بهره‌گیری از فناوری برای ارائه خدمات به تولیدکنندگان جوامع محلی که در مناطق صعب‌العبور و دور از دســـترس

زندگی می‌کنند؛

• مدیریت یکپارچه‌ی وثایق (ازجمله سیستم‌های رسید الکترونیکی انبار) برای بهبود کارایی تدارکات و پشتیبانی و کاهش هزینه‌های جابجایی؛

• برنامه‌های تعاملی یادگیری از راه دور برای ظرفیت سازی و توسعه‌ی منابع انسانی.

پنجم اینکه ارائه‌ی خدمات تأمین مالی کالا با حمایت بورس که در حال حاضر در برزیل و آفریقای جنوبی موفقیت بسیاری را کسب کرده است، امکان‌های بیشتری را برای توانمند سازی کشاورزان خرده‌پا برای سود بردن از بازارهای معاملات آتی فراهم می‌سازد. با ارتقای چارچوب حقوقی، بهبود زیرساخت‌ها و قابلیت ارتباط و درگیر ساختن بخش بانکداری تجاری، هند در این زمینه از پتانسیل بیشتری برخوردار می‌شود. در چین نیز پتانسیل مشابهی وجود دارد، ولی این کشور در مقایسه با هند کار خود را از موقعیت بسیار پایین‌تری آغاز کرده است. یکی از دلایل اصلی این مسئله، منع تقریباً کامل ارتباط بانک‌ها با بورس‌های کالا می باشد (نخستین گام‌های آزمایشی در این ارتباط در سال ۲۰۰۷ برداشته شد).

ششم اینکه اگرچه تأثیرات مستقیم بر کشاورزان خرده‌پا در برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی محدود بوده است، باید بر دو عامل تأکید کرد. نخست، قسمت‌های چشمگیری از بخش کشاورزان خرده‌پا اغلب در چارچوب حمایت دولتی عمل می‌کنند (مثلاً برنامه‌ی توسعه‌ی زمین و اسکان مجدد فلدا در مالزی). در برزیل، چین و هند دولت‌ها قیمت‌های حمایتی حداقلی را برای کالاهای اساسی اعمال می‌کنند و علاوه‌بر این، برنامه‌های اعتبارات یارانه‌ای را ارائه می‌نمایند (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۷). بدین ترتیب، کشاورزان خرده‌پا می‌توانند در برابر برخی از ریسک‌های مرتبط با بازارهای آزاد از حمایت برخوردار باشند. دوم اینکه برنامه‌های تجاری‌سازی و انگیزه‌های سازماندهی بیشتر کشاورزان خرده‌پا از ویژگی‌های مهم آمیزه‌ی سیاستی در این کشورها و همچنین در چین هستند. در بسیاری از این برنامه‌ها، مبانی تولید و مدیریت مزرعه پیش‌نیاز مشارکت بیشتر کشاورزان در بازارها محسوب می‌شوند.

بر این مبنا، می‌توان نتیجه گرفت که کارکرد اصلی بورس‌های کالا در زمینه‌ی پوشش ریسک هنوز برای اکثر کشاورزان خرده‌پای اکثر کشورها مناسب نیست. با وجود این، همان‌طور که تجربه‌ی چین و هند و برنامه‌های جدید آموزش کشاورزان در آفریقای جنوبی نشان می‌دهد، استفاده‌ی مفید از اطلاعات بازار که بورس‌های کالا منتشر می‌کنند یکی از عناصر مهم حتی ابتدایی‌ترین برنامه‌های تجاری‌سازی بخش کشاورزی خرده‌پاست. همین مسئله درباره‌ی آموزش درباره مشخصات کیفی مناسب بورس‌ها نیز صادق است. سایر کارکردهای گسترده‌تر (توسعه‌ی بازارهای نقدی و تسهیل تأمین مالی) نیز به نفع کشاورزان خرده‌پا هستند.

۳-۴-۱۱ خلاصه‌ی تأثیرات بورس

۱-۳-۴-۱۱ کشف قیمت

انتشار قیمت: هر پنج بورس مورد مطالعه بر انتشار اطلاعات بازار تأکید زیادی دارند که مهمترین آن‌ها به‌صورت مجانی توزیع می‌شـــود. اطلاعات به‌صورت مستقیم از بورس به دریافت‌کنندگان می‌رسد و به‌طور غیرمستقیم نیز، از طریق تجمیع‌کنندگان/توزیع‌کنندگان اطلاعـــات و از طریق رســـانه‌های مختلفی همچون رادیو، تلویزیـــون، اینترنت و به نحو روزافزونی گوشی‌های همراه در اختیار آنان قرار می‌گیرد. تلفن‌های همراه به ابزار مستقیم اتصال کشاورزان به اطلاعات بازارهای معاملات آتی تبدیل شده‌اند (مثلاً در چین، بورس کالای دالیان ٤١٠٠٠٠ پیام کوتاه در ســـال ٢٠٠٦ ارسال کرده است). در هند، بورس کالای هند و ســـایر بورس‌های ملّی کالا نمایشـــگرهای الکترونیکی قیمت را در بازارهای اصلی کشـــاورزان و در سایر نقاطی که تماشاگران زیادی دارند نصب کرده‌اند. بورس کالای هند در زمینه‌ی غلبه بر موانع زیرســـاختی و جغرافیایی برای توزیـــع اطلاعات بازار از طریق مشـــارکت با ایندیا پست که شرکت خدمات پســـتی ملّی هند است، ابتکارات ارزشمندی را به اجرا درآورده اســـت. در برزیل، بورس کالا و معاملات آتی برزیل، تنها بورسی است که از میان بورس‌های مورد مطالعه که معاملات حراج آزاد برگزار می‌کند و تســـهیلات و خدماتی را ارائه می‌دهد که به خبرنگاران شبکه‌های تلویزیونی مختلف که در محل حاضر هستند امکان می‌دهد گزارشات زنده‌ی خود را از تالار بورس پخش کنند. در حال حاضر، همـــه‌ی بورس‌ها اطلاعات را به‌صورت مجانی ارائه می‌کننـــد، ولی یک تهدید بالقوه این است که بورس‌ها ممکن است برای اطلاعات بازار هزینه‌ای را دریافت کنند (همان مدلی که بورس‌هایی که معاملات ســـایر دارایی‌ها از قبیل سهام و قراردادهای آتی مالی را انجام می‌دهند به نحو گســـترده‌ای به‌کار می‌بندند). این رویکرد توسط بورس‌های کالای ایالات متحده آمریکا نیز به نحو نســـبتاً گســـترده‌ای به‌کار مـــی‌رود. بورس‌هایی که برای حرکت به‌ســـوی مدل قیمت‌گذاری برای خدمات فروش داده‌ها تحت بیشترین فشار قرار دارند، بورس‌های انتفاعی و بورس‌هایی هستند که سایر گروه‌های دارایی را نیز معامله می‌کنند که در آن‌ها فروش اطلاعات به خوبی جا افتاده است.

استفاده از اطلاعات بازار: بورس کالای دالیان شواهدی را ارائه می‌دهد که براساس آن، اطلاعات بازار معاملات آتی به کشاورزان قدرت داده است تا تصمیمات فروش و برداشت محصول بهتری را اتخاذ کنند. تصمیمات فروش بر مبنای پیش‌بینی‌های قیمت‌های نقدی و آتی اتخاذ می‌شـــود. تصمیمات برداشت محصول براساس مقایسه‌ی میان قیمت‌های نسبی قراردادهای آتی ذرت و ســـویا در زمان برداشـــت در فصل بعد گرفته می‌شوند. کشاورزان

چینی در شـــمال شرقی کشـــور می‌توانند بین این دو نوع محصول انتخاب کنند و شواهد موجود نشان می‌دهد که تولید ذرت به دلیل جذابیت نسبی قیمت‌های آن افزایش یافته است. نمایندگان صنعت در آفریقای جنوبی نیز به رخداد مشابهی اشاره می‌کنند. در هند نیز، به‌ویژه کشاورزان نعنا از اطلاعات بازار برای بهبود تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند؛ تولید محصول به دلیل پیش‌بینی افزایش چشمگیر قیمت‌ها افزایش یافته است. در برزیل، شواهدی حکایت از این دارد که استفاده نظام‌مند از اطلاعات قیمت بازارهای آتی توسط کشاورزان به آن‌ها امکان داده اســـت تا تصمیمات تولید و بازاریابی بهتـــری را اتخاذ کنند. ازجمله می‌توان به متنوع سازی محصولات بر مبنای مقایسه‌ی قیمت‌های نسبی اشاره کرد. در مالزی، اطلاعات بازار قبل از معرفی قرارداد آتی روغن خرما منتشر شده و مورد استفاده قرار می‌گرفت.

کاهش نابرابری‌های اطلاعاتی: هند مدارک قدرتمندی را در حمایت از کاهش ســـود واسطه‌ها به دلیل معرفی قراردادهای آتی هل و نعنا ارائه داده است. ظرف دو سال از آغاز این قرارداد، زنجیره‌های عرضه‌ی هر دو کالا کوچک‌تر شـــده‌اند و کشاورز می‌تواند درآمد خود را افزایش دهد. در چین نیز تأثیر مشـــابهی ایجاد شده و بورس کالای دالیان با انجام یک مطالعه موردی از این ادعا دفاع کرده است. در آفریقای جنوبی، منابع صنعتی (از جمله نمایندگان کشاورزان) می‌گویند که واسطه‌ها به جای اینکه نقشی استثماری داشته باشند، از طریق تأمین خدماتی همچون قراردادهای انعطاف‌پذیر، عرضه‌ی نهاده‌ها، پشتیبانی، انبارش و تأمین مالی نقشـــی را ایفا می‌کنند که ارزش افزوده ایجاد می‌کند. در مالزی، قیمت‌های نقـــدی که هیئت روغن خرمای مالزی منتشـــر می‌کند قبل از معرفی قـــرارداد آتی روغن خرما در مقیاس گســـترده‌ای منتشر می‌شد و همچنان برای کشاورزان خرده‌پا در مبادلات با آسیاب‌ها و واسطه‌ها قیمت مرجع محسوب می‌شود. با وجود این، در سطح بین‌المللی، معاملـــه‌ی روغن خرما قبلاً در بازار غیر شـــفاف فرابورس رتـــردام متمرکز بود که اغلب قیمت‌هایی را تولید می‌کرد که به زیان صنعت روغن خرمای مالزی بود. با ایجاد ســـکوی کشـــف قیمت محلی، مالزی به جای پذیرنده‌ی قیمت، بـــه جایگاه قیمت‌گذار در صنعت روغن خرما تبدیل شده و این مسئله نابرابری‌های اطلاعاتی در سطح بین‌اللملی را کاهش داده است. در برزیل، در این ارتباط نتیجه‌گیری‌ای انجام نشده است.

نوســـان قیمت‌های نقدی: از میان بازارهای مورد بررســـی، مطالعه موردی که در هند انجام گرفته اســـت، بهترین مطالعه در خصوص نوســـان قیمت‌های نقدی اســـت. در این مطالعه ابتدا میان قیمت‌های کالاهایی که از طریق بازار آزاد و باز تعیین می‌شود، قبل و بعد از معرفی قرارداد آتی در بورس مقایســـه‌ای انجام گرفته است. داده‌های این مقایسه نشان می‌دهد که معرفی قراردادهای آتی بر نوسان قیمت‌های نقدی تأثیری ناهمگون داشته است.

از یک ســـو، هل و روغن نعنا هر دو از زمان معرفی قراردادهای آتی نوسانات روزافزونی را در قیمت نقدی تجربه کرده‌اند. در مورد نعنا، این افزایش چشمگیر بوده است. از سوی دیگر، نوســـان قیمت‌های نقدی ســـایر کالاها ازجمله گندم، روغن سویای پالایش شده و لوبیای چشم بلبلی کاهش یافته است. دلایل این واکنش ناهمگون ممکن است عدم کفایت گردآوری داده‌های قیمت‌های نقدی قبل از معرفی بورس‌های معاملات آتی، محدودیت‌ها و تنگناهـــای مختلفی که در بازارهـــای فیزیکی هر یک از کالاها وجود دارد و تفاوت‌های موجود در ســـاختار بازار هر کالا باشـــد. در برزیل، چین و آفریقـــای جنوبی کنترل‌های قیمت‌گذاری دولتی قبل از معرفی بازارهای معاملات آتی وجود داشته است و علاوه‌بر این، قیمت‌گذاری این کالاها معمولاً بیش از شـــرایط بازارهای محلی از بازارهای جهانی تأثیر می‌پذیرد و این بدان معناست که نوسان قیمت معمولاً تابعی از عوامل ساختاری داخلی از قبیل راه‌اندازی یک بورس کالا نیست.

کارایی تشـــکیل قیمت: پیش از هر چیز، به این نکته اشـــاره شده است که در هر یک از بازارهای مورد مطالعه، معاملات آتی از نقدشوندگی بسیاری برخوردار است و طیف گسترده‌ای از فعالان بازار را که جزئی از زنجیره‌های عرضه هستند در آن مشارکت دارند. در محدوده‌ی این مطالعه، امکان بررسی تأثیرات بازارهای معاملات آتی در بورس بر کارایی فرآیند تشکیل قیمت و تخصیص منابع محدود بوده است (تحلیل دقیق اقتصادسنجی در این زمینه نیازمند است و پیشنهاد می‌شود در آینده انجام گردد). به‌ویژه در مورد مالزی، عوامل بنیادین عرضه و تقاضای صنعت روغن خرمای این کشور در فرآیند شکل گیری قیمت قرارداد آتی روغن خرمای خام (که بزرگ‌ترین بازار تولیدکننده به راحتی به آن دسترسی دارد) به خوبی نمایان می‌گردد. بورس کالای دالیان نقدشونده‌ترین قرارداد سویای بدون دستکاری ژنتیکی را ایجاد کرده است (مرجع مهمی برای تولیدکنندگان داخلی چین که یک محصول غیردستکاری ژنتیک شده را می‌کارند). هل و نعنای بورس کالای هند قراردادهای جدیدی هســـتند که از پتانسیل تبدیل به معیارهای جهانی برخوردارند. با وجود این، موانعی که در برابر مشارکت خارجی و کنترل جریان سرمایه و ارز وجود دارد در حال حاضر این پتانسیل را محدود می‌کند. قیمت‌های غلات بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس در مواردی که واردات و صادرات در بازارهای آزاد غلات آفریقای جنوبی مقرون به‌صرفه باشد، شرایط موجود را شفاف می‌کند.

۲-۳-۴-۱۱ مدیریت ریسک قیمت:

نخســـت اینکه باید به این نکته توجه داشت که مدیریت اثربخش ریسک قیمت در هر یک از بورس‌های مورد مطالعه دارای سه پیش‌شرط اساسی است:

• بازارهای نقد شونده؛
• محیط معاملاتی قانونمند و تحت نظارت؛
• اتاق‌های پایاپایی که به‌عنوان طرف معامله‌ی مرکزی، عملکرد هر قراردادی را که در بورس منعقد شده است تضمین می‌کند.

دوم اینکه به نظر می‌رسد بازارهای برزیل، چین، مالزی و آفریقای جنوبی مکان‌های مناسبی برای مدیریت ریسک قیمت هستند. نهادهای تجاری از این بازارها برای پوشش ریسک قیمت خود استفاده می‌کنند. بازارهای معاملات آتی همچنین به تولیدکنندگان تجاری و صاحبان کشتزارها امکان می‌دهند تا قیمت‌های تحویل در آینده را در اختیار مشتریان خود قرار دهند و بدین ترتیب، ترتیبات بازاریابی در این بخش را بهبود می‌بخشد. این اطمینان روزافزون به فعالان بازار اجازه می‌دهد تا مدیریت، بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های تجاری خود را بهبود بخشند. این مسئله شامل کشاورزان تجاری غلات در آفریقای جنوبی، دامداران برزیل، شرکت‌های دولتی در چین و کشتزارهای روغن خرما در مالزی می‌شود و علاوه‌بر این، کاربرد غیرمستقیم بازارهای معاملات آتی غلات بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس توسط دولت مالاوی را نیز در بر می‌گیرد.

در هند، بازارها نوپا هستند. مدارکی حکایت از این دارد که پوشش دهندگان ریسک در بازار مشارکت دارند. با وجود این، براساس اطلاعاتی که ارائه شده است، میزان مشارکت پوشش دهندگان ریسک و تأثیرات ناشی از آن همچنان نامشخص است. همزمان، به نظر می‌رسد برخی محدودیت‌های نظارتی مشارکت پوشش دهندگان ریسک را محدود می‌کنند (ظاهراً منع معاملات قراردادهای اختیار و مشارکت بانک‌ها ممکن است مشارکت کشاورزان خرده‌پا را محدود کند و چندین شرکت خرید کالا، از محدودیت‌های سخت‌گیرانه در خصوص تعداد موقعیت‌های معاملاتی مجاز به‌عنوان تنگناهایی یاد کرده‌اند که مانع از مشارکت آن‌ها می‌شود).

در مورد مناسب بودن ابزارهای مدیریت ریسک قیمت برای کشاورزان خرده‌پا، در بورس‌ها و بازارهای مختلف دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. برخی (مثل بورس کالا و معاملات آتی برزیل، بورس مالزی و به‌ویژه بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس) کشاورزان خرده‌پا را برای مشارکت مستقیم در بازارهای معاملات آتی مناسب نمی‌دانند. با وجود این، برنامه‌های تجاری‌سازی و تعاونی سازی در مالزی و آفریقای جنوبی هدف متصل ساختن بهتر کشاورزان خرده‌پا به بازارها، ازجمله افزایش دسترسی به ابزارهای مدیریت ریسک قیمت را ایفا می‌کنند. در مقابل، دولت هند و بورس‌های ملّی کالای این کشور مصمم هستند تا با شیوه‌هایی از قبیل مشارکت مستقیم کشاورزان در بازار معاملات

آتی، خدمات خود را با نیازهای کشاورزان خرده‌پا منطبق کنند. علاوه‌بر این، به نظر می‌رسد مشارکت مستقیم کشاورزان خرده‌پا در حال حاضر در سطح پایینی باشد. در چین (کشور دیگری که بخش عمده‌ی تولیدات کشاورزی آن توسط کشاورزان خرده‌پا انجام می‌شود) تلاش‌ها بر کمک به کشـــاورزان برای انتفاع غیرمستقیم از مدیریت ریسک قیمت متمرکز بوده است. بورس کالای دالیان خریداران را تشویق کرده است تا قیمت‌های ثابت پیمان‌های آتی را به کشـــاورزان پیشنهاد دهند و در مقابل، ریســـک قیمت آن‌ها را در بازار معاملات آتی پوشـــش دهند. از سوی دیگر، استفاده‌ی مســـتقیم حداقلی کشاورزان خرده‌پا در حال حاضر و امکان‌پذیری دسترسی غیرمستقیم به ابزارهای مدیریت ریسک از طریق خریداران (چین)، تعاونی‌ها (هند) و واســـطه‌های تجاری یا موسسات مالی (آفریقای جنوبی) نشان می‌دهد که مدل غیرمستقیم ممکن است پایدارتر باشد. از سوی دیگر، با افزایش دقت عمل و پیچیدگی کشـــاورزان، ممکن است آن‌ها توقع داشته باشند که مشارکت مستقیم‌تری در بازار داشته باشند. علاوه‌بر این، تأثیرات مدل‌های دسترسی غیرمستقیمی که تشریح شدند بر توزیع درآمد مبهم است (آیا این مدل‌ها معمولاً به نفع کشاورزان بزرگ‌تر و مرفه‌تر است، یا اینکه آیا این مدل‌ها راه‌حل‌های مناسبی برای تولیدکنندگان کوچک‌تر که با مشکل نقدینگی روبرو هستند محسوب می‌شوند؟)

شاید یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، توسعه‌ی مدل‌های تحویل کالا که امکان دسترسی فقرا به راه‌حل‌های مدیریت ریسک قیمت را افزایش دهد، باشد؛ دقیقاً همان‌طور که اعتبارات خرد دسترســـی فقرا به منابع مالی را افزایش داده اســـت. شواهدی که در این مطالعه ارائه شده نشان می‌دهد که:

- واسطه‌ها می‌توانند به‌عنوان تجمیع کننده‌ی نیازهای تولیدکنندگان خرده‌پا عمل کنند؛
- خدمات تأمین مالی و مدیریت ریسک را می‌توان در بسته‌های یکپارچه‌ای ارائه کرد؛
- تســـهیل دسترسی فقرا به تأمین کنندگان خدمات از الزامات اصلی استفاده‌ی آن‌ها از خدمات مالی است.

بنابراین، ممکن اســـت ســـازمانهای تأمین منابع مالی خرد (که از شبکه های روستایی گســـترده و پیشینهٔ ارائه خدمات مالی مناسب به فقرا برخوردارند) به‌طور بالقوه بتوانند به عنوان ابزاری برای هدایت راه حل‌های مدیریت ریســـک قیمت به‌سوی فقرا عمل کنند و شاید بتوانندا‌ین کار را از طریق راه حل‌های قراردادهای کوچک اختیار معامله انجام دهند.

خدمـــات یا ابزارهای ابتکاری دیگری که در بـــورس کالا و معاملات آتی برزیل ارائه

می‌شود (صندوق معاملات کشاورزی[1] و معاملات اینترنتی) نیز ممکن است به‌طور بالقوه برای افزایش مشارکت کشاورزان در بازارها مناسب باشند. با وجود این، این ابتکارات در حال حاضر بر سایر بخش‌های بازار متمرکز هستند.

یکی از محدودیت‌های بالقوه، منع یـــا محدودیت کاربرد معاملات قراردادهای اختیار معامله در اکثر بازارهای مورد مطالعه است. از میان بورس‌هایی که در پژوهش حاضر بررسی شدند، تنها بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس بازار معاملات اختیار نقدشونده‌ای را اداره می‌کند، ولی معاملات اختیار در بورس کالا و معاملات آتی برزیل نیز آغاز شده و اخیراً حجم آن افزایش یافته اســـت. برنامه‌ی گروه ضربت بین‌المللی مدیریت ریسک کالا درکشورهای توســـعه یافته[2] بر معاملات قراردادهای اختیار به‌عنوان بهترین ابزار مدیریت ریسک کشاورزان تمرکز کرده است. با وجود این، در چین و هند (کشورهایی که ویژگی کشاورزی آن‌ها تولید توسط کشاورزان خرده‌پاست) براساس قانون، معاملات اختیار ممنوع هســـتند. ولی به نظر می‌رسد در هر دو کشـــور در زمینه‌ی مقررات نظارتی پیشرفت‌هایی حاصل شده است. برخی بر این باورند که معاملات اختیار در چین ممکن است به زودی آزاد شـــود. همچنین تنظیم کنندگان بازارهای هند نیز برای حذف ممنوعیت‌های معاملات آتی تحت فشـــار شدیدی هســـتند. مثلاً کار گروه دولت هند در زمینه‌ی مدیریت ریسک کشـــاورزی در گزارش خود درباره‌ی یازدهمین برنامه‌ی پنج ســـاله‌ی هند (۷: ب ۲۰۰۷) می‌گویـــد: "دولت باید معاملات قراردادهای اختیار را قانونی اعلام کند. به نظر می‌رســـد پوشش ریسک از طریق قراردادهای اختیار معامله، در مقایسه با معاملات آتی بهترین گزینه برای کشاورزان باشد".

در نهایت، تجربه‌ی بورس کالای دالیان و بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس نشـــان دهنده‌ی مزیت‌های وجود سکویی محلی برای مدیریت ریسک قیمت است. در هر دو مورد، بین تشکیل قیمت در بازار داخلی و تشکیل قیمت در بورس بین‌المللی که مرجع قیمت بـــازار جهانی را تولید می‌کند تفاوت‌هایی وجود دارد. قیمت‌هایی که در ســـکوی محلی تولید می‌شـــوند بهتر می‌توانند شرایط بازار داخلی را منعکس کنند و ریسک مبنای کمتری را ایجاد می‌کنند و بنابراین ســـکوی بهتری برای پوشـــش ریسک هستند. علاوه‌بر این، یک ســـکوی محلی تحویل کارآمد محصولات فیزیکی را میسر می‌سازد. این مسئله می‌تواند قیمت‌های نقدی و آتی را در ارتباط نزدیک با یکدیگر نگه دارد و به فعالان بازار

1- Agricultural Market Trading Fund
2- The Internationa Task force on Commodity Risk Management in Developing Countries (ITF-CRM).

امـــکان بدهد تا از کارکردهای یک قرارداد آتی تحویل فیزیکی کاملاً بهره‌مند شـــوند. یک سکوی محلی همچنین می‌تواند بر برخی از موانعی که به‌ویژه موسسات کوچک در هنگام دسترســـی به بازارهای بین‌المللی با آن مواجه می‌شوند غلبه کند: چالش‌های ریسک مبنا، ریســـک ارز خارجی، قوانین شناسایی مشـــتری، بزرگی ابعاد قراردادها و مدیریت جریان نقدینگی.

۳-۳-۴-۱۱ مکانی برای سرمایه‌گذاری

نخســـت اینکه باید به این نکته توجه داشـــت که همان چهار ویژگی بورس‌های مورد مطالعه که مدیریت اثربخش ریسک قیمت را میسر می‌سازند، باعث می‌شوند این بورس‌ها به مکان جذابی برای سرمایه‌گذاری تبدیل شوند:

- بازارهای نقدشونده؛
- محیط معاملاتی قانونمند و تحت نظارت؛
- انتشار شفاف اطلاعات بازار؛
- اتاق‌های پایاپایی که به‌عنوان طـــرف معامله مرکزی، عملکرد هر قراردادی را که در بورس منعقد شده است تضمین می‌کند.

برای بازارهایی که ترکیب مشـــخصی دارند (بورس کالا و معاملات آتی برزیل، بورس کالای دالیان و بورس مالزی) داده‌های موجود حکایت از حضور قدرتمند سوداگرای دارد، ولی این فعالیت‌ها توسط پوشش دهندگان ریسک به خوبی متعادل می‌شوند. با وجود این، باید به خاطر داشـــت که نمی‌توان بین پوشش دهندگان ریسک و سوداگران تمایز روشنی قایل شد. این مسئله حتی در کشورهایی که از سیستم گزارش بازار پیشرفته‌ای برخوردارند، از قبیل ایالات متحده آمریکا نیز صادق است. بسیاری از فعالان بازار هر دو فعالیت پوشش ریسک و سوداگری را انجام می‌دهند و بنابراین نمی‌توان فعالان این دو حوزه را به راحتی گروه‌بندی کرد.

بـــورس کالا و معاملات آتی برزیـــل و بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس شـــواهدی غیرکمّی ارائه می‌دهد که حکایت از این دارد که ســـرمایه‌گذاران در کشورهای در حال توســـعه از کالاها برای تنوع بخشیدن به سبد سرمایه‌گذاری خود استفاده می‌کنند (بورس کالا و معاملات آتی برزیل از طریق تأمین مالی وثایق روســـتایی که تولیدکنندگان قهوه صادر می‌کنند و بورس ژوهانسبورگ از طریق مشارکت بیشتر در بازارهای کشاورزی در زمانی که عملکرد بازار ســـهام محدود بـــود). با وجود این، درباره‌ی اینکه آیا هیچ یک از بورس‌های کالایی که سرمایه‌گذاران استفاده می‌کنند توسط سرمایه‌گذاران برای پوشش

ریسک تورم به‌کار می‌روند یا خیر، اطلاعات چندانی وجود ندارد. در واقع، سبد کالاهایی که چهار بورس مورد مطالعه معامله می‌کنند شـــاید آنقدر محدود است که چنین راهبردی امکان‌پذیر نیســـت (اگرچه شاید بتوان برای دســـتیابی به این تأثیر، قراردادهای آن‌ها را در شاخص کالای بین‌المللی گنجاند). با وجود این، بورس کالای هند و سایر بورس‌های ملّی کالا در هند به دلیل گســـترهٔ کالاهایی که معامله می‌شوند از پتانسیل مورد نیاز برای این راهبرد برخوردارند. با وجود این، معاملهٔ شـــاخص‌ها (مناســـب‌ترین شیوه برای پوشش ریســـک تورم) در حال حاضر در هند ممنوع است. شـــاید در اینجا طنز دوگانه‌ای نهفته اســـت: نخســـت اینکه به رغم اینکه دولت بورس‌های کالا را یکی از دلایل تورم می‌داند، بورس‌های ملّی کالا به‌طور بالقوه راه‌حلی برای کاهش تأثیرات تورم هستند و دوم اینکه با وجود نگرانی دولت هند دربارهٔ کاهش فشارهای تورمی، امکان پوشش ریسک تورم در این بازارها به دلیل ساختار نظارتی کنونی آن‌ها وجود ندارد.

از نظر تأثیرات منفی بالقوهٔ معاملات آتی کالاها بر سطوح قیمت و تورم، این مسئله در هند بســـیار بحث انگیز است و معاملهٔ چهار کالا در اوایل سال ۲۰۰۷ به تعلیق درآمد. بدون تحلیل عمیق (که در این مطالعه مجال آن نیست) نمی‌توان در این زمینه نتیجه‌گیری کرد. با وجود این، انتظار می‌رود یک کمیتهٔ دولتی در اواخر سال ۲۰۰۷ در این باره گزارشی منتشر کند. در آفریقای جنوبی نیز از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ وضعیت مشابهی ایجاد شد و یک کمیتهٔ تحقیق دولتی، عوامل بنیادی بازار و برخی عوامل ساختاری را به‌عنوان دلیل اصلی افزایش قیمت‌ها در بازارهای بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس اعلام کرد. درحالی‌که گزارشاتی از حرکات غیرمعمول و عدم رعایت برخی مقررات ارائه شده بود، کمیتهٔ تحقیق عقیده داشت که اقداماتی که بورس انجام داده است برای مقابله با این مشکلات کفایت می‌کند. در دو سال گذشته قیمت روغن خرما در مالزی نیز افزایش شـــدیدی را تجربه کرده است، ولی دلیل اصلی این افزایش قیمت را سیاست سوخت زیستی دولت می‌دانند که به افزایش شدید نقدشوندگی این محصول منجر و باعث نوسان و افزایش قیمت‌ها در بورس شده است. بدین ترتیب، بورس تنها پیام بازار را منتقل کرده و خود نقشی در افزایش قیمت‌ها نداشته است.

شکاف داده‌ها مانع از گردآوری اطلاعات کافی برای ارائهٔ گزارش دربارهٔ سطح نکول و بدهی کشاورزان یا سرمایه‌گذاران درنتیجهٔ مشارکت در بازار معاملات آتی شده است. داده‌های موجود در زمینهٔ نکول مشـــتریان معمولاً به جای بورس، در سطح کارگزاری است. گواهی فعالان بازار و داده‌های فرعی که درباره هند و آفریقای جنوبی موجود است، نشان می‌دهد که شـــاید این موضوع یکی از دغدغه‌های فعالان بازار بوده است، ولی میزان آن مشخص نیست. در برزیل، چین و مالزی، اطلاعات کافی برای نتیجه‌گیری در این زمینه وجود ندارد. با وجود

این، در مطالعه‌ی حاضر به این نکته توجه شده است که محیط نظارتی بورس‌های مورد مطالعه حاوی راهکارهایی برای کنترل سطح سوداگری در این بازارها، محدود ساختن امکان نکول و تشویق سرمایه‌گذاری مسئولانه است.

۴-۳-۴-۱۱ تسهیل معامله‌ی کالای فیزیکی

بازار روغن خرمای مالزی از رویکردی پیروی کرده اســـت که می‌توان رویکرد صحیح به توســـعه‌ی بازار معاملات آتی نامید و بازار قراردادهای آتی را بر مبنای بازار فیزیکی که عملکرد خوبی دارد بنا نهاده است.

ســـایر بورس‌ها، به میزان‌های متفاوت، در این شیوه تغییراتی ایجاد کرده‌اند. چین در طول دوران گذار اقتصادی خود بورس‌های کالا را راه‌اندازی کرد و در مورد ذرت، این کار را قبل از آزادسازی بازار انجام داده است. این مسئله سبب گردید تا بورس در یکپارچه‌سازی بازارهای ملّی نقشی ایفا کند و زیرساخت‌های انبارش و عملکرد کیفی بازار مبنا را بهبود بخشد. آفریقای جنوبی گذار به بازارهای کنترل‌زدایی شـــده را با زیرساخت‌های قدرتمند انبارش، پشتیبانی و درجه‌بندی که از قبل برای بخش کشاورزی تجاری موجود بود آغاز کرد. این بورس مکانیزم تحویلی در سطح استانداردهای جهانی را ایجاد کرد که از پذیرش گسترده‌ای در بازار برخوردار است. با وجود این، این بورس با چالش دوگانه‌ی ایجاد بازار نقدی آزاد و گسترش سطوح مشابه زیرساخت‌های بازار برای بخش کشاورزان نوپا روبرو بود.

برزیل و هند دو کشوری هستند که بورس‌های آن‌ها بیشترین تأثیرگذاری را داشته‌اند. بورس کالا و معامـــلات آتی برزیل بازارهای فیزیکی‌ای را که قبلاً به صورت پراکنده بودند یکپارچه کرده و مکانیزمی را برای معامله‌ی کارآمد طیفی از ابزارها، ازجمله معاملات نقدی، پیمان‌های آتی، اختیار معامله و اوراق بهادار روستایی ایجاد کرده است. این بورس همچنین برای حمایت از اجرای سیاست دولت در بخش کشاورزی نیز راهکارهایی مبتنی بر بازار ارائه نموده است. بورس کالای هند زیرســـاخت‌های انبارش و فرایندهای درجه‌بندی کیفی را به شـــدت بهبود بخشیده است. این مسئله نه تنها دسترسی کشاورزان به انبار سازی را بهبود بخشیده و اطمینان خریداران به کیفیت کالا را افزایش داده اســـت، بلکه پیوند با تأمین کنندگان مالی برای بهبود چشمگیر جریان اعتبارات مالی به‌سوی بخش‌های جوامع محلی را نیز تسهیل کرده است. در آینده، بورس کالای هند، به شرط راه‌اندازی بورس الکترونیک نقدی ملّی خود ممکن است در زمینه‌ی یکپارچه‌سازی بازارهای پراکنده‌ی کشاورزی نیز نقشی ایفا کند.

۵-۳-۴-۱۱ تسهیل تأمین مالی برای بخش کشاورزی

در برزیل و آفریقای جنوبی، مدل‌های موفق یکپارچه‌سازی بورس‌های کالا و تأمین مالی کالا توسعه یافته‌اند. در هر دو کشور، مدل‌های متناسب با شرایط بازار محلی، تأمین حجم چشمگیری از اعتبار برای تولیدکنندگان کالا را آسان‌تر کرده است. مکانیزم تحویل بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس به‌منظور یکپارچه‌سازی بخش‌های کالا و تأمین مالی در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ و بعد از کنترل‌زدایی بازارها ایجاد شد. بانک‌های بزرگ، با همکاری بورس، مدیران وثایق، اپراتورهای سیلو و سایر طرف‌های ذینفع در طراحی سیستم رسید سیلوی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس مشارکت داشته‌اند. در مقابل، توسعه‌ی سیستم تأمین مالی برزیلی توسط بانک مرکزی برزیل در سال ۱۹۹٤ اجرا شد که ابزار قبض تولید روستایی را به‌عنوان ابزار تأمین مالی روستایی ایجاد کرد. با گذشت زمان، بورس کالا و معاملات آتی برزیل راهکارهایی را برای افزایش کارایی و نقدشوندگی این ابزار تأمین مالی ایجاد کرده است که از مکانیزم‌های معاملاتی بورس، به‌ویژه از طریق بورس کالای برزیل که شعبه‌ی این بورس است استفاده می‌کند.

با تقویت چارچوب قانونی، بهبود زیرساخت‌ها و قابلیت ارتباط و مشارکت بخش بانکداری تجاری، هند از پتانسیل چشمگیری برای توسعه‌ی تأمین مالی کالا براساس رسیدهای انبار برخوردار است (پتانسیلی که به تازگی در حال اجرایی شدن است). در چین نیز پتانسیل مشابهی وجود دارد، ولی این کشور در این زمینه از هند عقب‌تر است (نخستین گام‌های آزمایشی دراین ارتباط در سال ۲۰۰۷ برداشته شد). در مالزی، نشانه‌هایی که از پرسنل بورس و فعالان بازار دریافت شده است تا به امروز از ارتباط چشمگیر میان بورس و مکانیزم‌های تأمین مالی حکایت نمی‌کند.

۶-۳-۴-۱۱ توسعه‌ی بازار

آموزش و توانمندسازی: باید توجه داشت که بورس‌های مورد مطاله برای آموزش فعالان بازار اهمیت زیادی قایل هستند. به‌ویژه برنامه‌های آموزشی بورس کالا و معاملات آتی برزیل، بورس کالای دالیان، بورس کالای هند و بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس آشکارا برای کشاورزان طراحی شده‌اند. مثلاً برنامه‌ی ۱۰۰۰ روستا، ۱۰۰۰۰ کشاورز بورس کالای دالیان، به دنبال انتقال سود بازار معاملات آتی به کشاورزانی است که در غیر این صورت انگیزه‌ای برای مشارکت مستقیم در بازارها ندارند. در این برنامه بر آشناسازی کشاورزان با اطلاعات بازار معاملات آتی، به‌عنوان ابزاری برای راهنمایی تصمیمات و در وهله‌ی بعد تصمیم‌گیری در زمینه‌ی کاشت محصول سال بعد و تصمیم‌گیری درباره‌ی زمان

بهینه‌ی فروش در بازارهای نقدی تأکید می‌شـــود. در آفریقای جنوبی، بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس از برنامه‌های آموزشـــی و ظرفیت سازی سایر سازمان‌ها حمایت می‌کند. ازجمله می‌توان به برنامه‌های تجاری‌سازی کشاورزان کوچک اشاره کرد که در آن، استفاده‌ی غیرمستقیم از اطلاعات بازار بورس تشویق می‌شود.

تسهیل معاملات بین‌الملل: بورس‌های دو کشور مورد مطالعه در این زمینه تأثیر زیادی برجای گذاشـــته‌اند: برزیل و مالزی. بورس کالا و معاملات آتی برزیل در ایجاد پیوندهای تجاری میان برزیل و چین، به‌ویژه در صنعت سویا نقش مهمی ایفا کرده است. این بورس در زمینه‌ی ترویج صادرات و فعالیت‌های یکپارچگی منطقه‌ای نیز نقش فعالی ایفا می‌کند. ایجاد راهکار شـــفاف و قابل دسترسی کشـــف قیمت جهانی توسط بورس مالزی و ایجاد ســـکویی برای مدیریت ریسک، توســـعه‌ی صنعت روغن خرمای مالزی و رشد بازارهای صادراتی مهم را تسریع کرده اســـت. نقش بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس به این اندازه عمیق نبوده اســـت، ولی قیمت مرجع معاملات غله‌ی آفریقای جنوبی را تعیین می‌کند. امـــا در مورد هند و چین، محدودیت‌های جنبه‌هـــای بین‌المللی بازارهای این دو کشـــور تأثیرات در این حوزه‌ها را کاهش داده اســـت. با وجود این، نظرسنجی‌های هل و نعنا نشان می‌دهد که معاملات آتی بورس کالای هند در تسهیل گسترش صادرات این دو محصول نقش مهمی ایفا کرده است.

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات: در این حوزه بیشترین تأثیر در هند مشاهده شده است. یکی از دلایل این مسئله این بوده است که بورس‌های ملّی کالا در این کشور فعالانه به دنبال اطلاع رســـانی به جوامع کشاورزی دور افتاده و کوچک‌تر بوده‌اند. از سوی دیگر، نیاز به غلبه بر نقایص زیرســـاختی که مانع از رشد بازار می‌شد یکی دیگر از دلایل این مسئله بوده است. همچنین این نکته که شرکت مادر بورس کالای هند از شرکت‌های تخصصی ارائه راه‌حل‌های فناوری است اهمیت زیادی دارد و سبب گردیده است که این شرکت بتواند از هم افزایی میان کسب و کارهای بورس و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات خود استفاده کند.

رشـــد صنعت: دراین زمینه تأثیرات متعددی وجود دارد و بورس کالا و معاملات آتی برزیـــل و بورس کالای هند در زمینه‌ی توســـعه‌ی محصـــولات و خدمات جدید فعالیت زیادی داشته‌اند. هر بورس به دنبال گسترش تسهیلات معاملاتی خود در سرتاسر حوزه‌ی جغرافیایی فعالیت‌های خود بوده است. بورس کالا و معاملات آتی برزیل در حال حاضر به دنبال افزایش حضور منطقه‌ای خود ازطریق راه‌اندازی کارگزاران منطقه‌ای متحرک است. بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ســـافکس با یکپارچه‌ســـازی بخش کالا با بخش مالی، دسترســـی به موسســـات مالی را از طریق مکانیزم تحویل خود تسهیل کرده است. بورس

کالای هند با راه‌اندازی قراردادهای هل و روغن نعنا اشتغال زیادی ایجاد کرده است.

توسعه‌ی محصولات و خدمات جدید: سامانه معاملاتی کربن بورس کالا و معاملات آتی برزیل از مکانیزم‌های بورس برای تسهیل استفاده از مکانیزم توسعه‌ی پاک پروتکل کیوتو استفاده می‌کند. به شرط دریافت مجوز از مراجع نظارتی، بورس کالای دالیان و بورس کالای هند به دنبال معرفی مشتقه‌های وضعیت جوی هستند تا امکان مدیریت ریسک تولید را برای تولیدکنندگان فراهم سازند. همچنین در بازارهای بین‌المللی ابزارهای دیگری نیز هستند که می‌توان از آن‌ها در کشورهای در حال توسعه استفاده کرد. ازجمله می‌توان به مشتقه‌های حمل برای مدیریت ریسک‌های حمل و نقل اشاره کرد.

۴-۴-۱۱ خلاصه‌ی اقدامات ابتکاری

در طول این مطالعه، اقدامات ابتکاری متعددی مشخص گردید که در جدول ۱۲ ارائه شده‌اند. نگاهی اجمالی به هر یک از این ابتکارات را می‌توان در بخش مربوطه در گزارش مشاهده کرد.

جدول ۱۲: خلاصه‌ی اقدامات ابتکاری

	برزیل	چین	هند	مالزی	آفریقای جنوبی
کشف قیمت	--	--	- توافق نامه توزیع اطلاعات بازار با ایندیا پست (پست ملی هند) - تحول در زنجیره عرضه	- ایجاد بستری بین المللی برای کشف قیمت	- قیمت گذاری باتوجه به قیمت‌های صادراتی/ وارداتی
مدیریت ریسک قیمت	-	- برنامه "شرکت + مزرعه، قراردادهای آتی + سفارش"	- ارائه مدل تعاونی به عنوان تجمیع کننده محصولات کشاورزان خرده پا	- مدل‌های قیمت‌گذاری بلند مدت در قرارداد پیمان آتی	- بازار معاملات قراردادهای اختیار معامله - راهبردهای پوشش ریسک پیچیده کشاورزان - پوشش ریسک توسط دولت
مکانی برای سرمایه‌گذاری	- صندوق معاملات بازار کشاورزی (FOMA) - سیستم معاملات اینترنتی	-	-	-	-
تسهیل معاملات فیزیکی	-بورس معاملات کالایی برزیلی، شامل برنامه‌های دولت جهت خرید کالاها بر اساس بازار	- معرفی قراراد سویای از لحاظ ژنتیکی دستکاری شده و دستکاری نشده	- توسعه زیرساخت‌ها - بورس نقدی الکترونیکی ملّی	-	- مکانیزم تحویل کالا و رسیدهای سیلو
تسهیل تأمین مالی	- قبض محصولات کشاورزی	-	- رواج تأمین مالی بر اساس قبض انبار	-	-یکپارچه‌سازی امور تأمین مالی و پوشش ریسک
توسعه‌ی بازار	- مرکز تماس صادرکنندکان - پیوندهای تجاری با چین	- برنامه "۱۰۰۰ دهکده، ۱۰۰۰۰ کشاورز"	- استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات - توسعه صنعت		

فصل ۱۲- پیامدهای توسعه

پیام ۱: شرایط موفقیت بورس کالا

بورس‌هـــای کالا همواره موفق نمی‌شـــوند. حتـــی در بورس‌هـــای کالای موفق نیز، قراردادهای برخی کالاها موفق نیســـتند. درک شرایطی که در آن بورس‌ها در تحقق منافع مورد نظر موفق عمـــل می‌نمایند، گامی مهم برای ذینفعان در تصمیم‌گیری درباره‌ی ایجاد یک بورس کالاست.

دو مقالـــه در این زمینه دید خوبی را ارائه می‌دهنـــد. آنکتاد (۱۹۹۷)، عناصر اصلی‌ای را تشـــریح می‌کند که احتمال موفقیت یک بورس کالا را تعیین می‌کنند. این مقاله به‌ویژه انتخاب‌های راهبردی اصلی را که در هنگام تأســـیس یک بورس کالا در برابر ذینفعان قرار دارد تحلیل می‌کند و نوع ساختار بورس، تمرکز کاربران، ابزارها و قراردادهای مناسب در شرایط مختلف بازار را ارزیابی می‌کند.

به‌ویژه در حوزه‌ی بورس‌های معاملات آتی کالا، شـــیم (۲۰۰۶) پژوهشی را که اخیراً در زمینه‌ی شـــرایط ضروری برای موفقیت انجام گرفته ارائـــه می‌دهد و در این ارتباط به هفت بورس در کشـــورهای در حال توسعه اشاره می‌کند. از این میان پنج بورس از سطح نقدشـــوندگی کم و بیش مناسبی برخوردارند ولی دو بورس در این زمینه مشکلاتی دارند. در اینجا بد نیست نگاهی به نتیجه‌گیری‌های این تحقیق داشته باشیم:

ثبات اقتصاد کلان و مقررات دولتی که برای معاملات آتی مساعد باشند تقریباً پیش‌شرط موفقیت بورس‌های محلی معاملات آتی محســـوب می‌شوند. پس از تحقق این پیش‌شرط‌ها، قراردادی که با قراردادهای موجود تفاوت چشمگیری داشته باشد یا ریسک مبنای بزرگی که از حمایت بازار فیزیکی بزرگی برخوردار است، یکی از عناصر اصلی‌ای است که به یک بورس جدید امکان می‌دهد سطح پایداری از نقدشوندگی را جذب کند. حتی در صورت تحقق همه‌ی این شرایط، درصورتیکه واسطه‌های مالی توسعه یافته‌ای در بازار حضور نداشته باشند بورس با شکست مواجه می‌شود. واسطه‌های مالی کانال‌های توزیع بازارهای آتی هستند و هنگامی‌که این

کانال‌ها مسدود باشند، گسترش بازار دشوار است (شیم، ٤٦:۲۰۰٦).

مطالعه‌ی حاضر برخـــی از نتیجه‌گیری‌های تحقیق شـــیم را تأیید می‌کند و اطلاعات دیگری را نیز درباره‌ی مبانی موفقیت می‌افزاید. نخســـت اینکه باید به این نکته توجه کرد که وجود حجم بالایی از مبادلات (نقدشـــوندگی) شـــاخص اصلی موفقیت است. بدون نقدشـــوندگی، سطح قیمت بازار ممکن است با یک معامله به راحتی تغییر کند و بنابراین بازار را با خطر بالقوه‌ی دســـتکاری روبرو کند. همچنین بدون نقدشـــوندگی، فعالان بازار ممکن است به دلیل عدم وجود طرف معامله نتوانند به راحتی موقعیت‌های معاملاتی اتخاذ و یا از آن‌ها خارج شـــوند. در چنین شرایطی، فعالان بازار ممکن است مجبور شوند برای معامله در بازار قیمت‌های نامطلوبی را بپذیرند. در نهایت، نقدشوندگی یکی از پیش‌نیازهای پوشش ریسک موثر و بنابراین، مشارکت فعالان بخش کالاست. بدون نقدشوندگی، قیمت معاملات آتی یک کالا با بازارهای نقدی مبنا هم‌خوانی ندارد. در چنین شـــرایطی، پوشش ریسک به اقدامی بیهوده و شاید هدر رفتن گسترده‌ی منابع منجر می‌شود.

این مطالعه تأیید می‌کند که نظارت بر بازار یکی از شـــرایط اصلی موفقیت بوده است. سال‌های ابتدایی توسعه‌ی بورس در چین در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ روشن‌ترین تجلی خطرات ناشـــی از فقدان چارچوب نظارتی متمرکز و با ثبات است. اگرچه بورس‌های چین در این خلاء نظارتی توانســـتند نقدشوندگی خود را افزایش دهند، این نقدشوندگی منظم و پایدار نبود. بازارها شکننده و بی‌ثبات بودند، اقدامات نامناسب زیادی در آن‌ها صورت می‌گرفت، فعالان زیان‌های ســـنگینی را تحمل می‌کردند و تعداد بورس‌هـــا و قراردادها به اندازه‌ای افزایش یافت که مانع از کشف قیمت و مدیریت ریسک مناسب می‌شد. در سایر کشورهای مورد مطالعه و در چین پس از اصلاحات بازار به دست دولت، چارچوب نظارتی منسجمی زیربنای توسعه‌ی بورس و رشد نقدشوندگی بوده است. در همه‌ی کشورهای مورد مطالعه، ویژگی این چارچوب تقسیم مسئولیت میان بورس به‌عنوان سازمان خود انتظام و یک نهاد ناظر خارجی بوده است که در برابر دولت پاسخگوست.

بـــا وجود این، این گزارش بر حوزه‌هایی نیز تأکید می‌کند که فعالیت‌های نظارتی بیش از حد مانع از توسعه‌ی بازار شده است. در چین و هند، منع برخی از انواع ابزارها (به‌ویژه معاملات اختیار) و ممنوعیت مشـــارکت برخی از فعالان بازار (به‌ویژه بانک‌ها) سودمندی خدمات بورس کالا به‌ویژه برای کشـــاورزان خرده‌پا را محـــدود می‌کند. این وضعیت را می‌توان با آفریقای جنوبی مقایسه کرد که بخش نسبتاً زیادی از کشاورزان (البته کشاورزانی که درمقایسه با کشاورزان معمولی چینی یا هندی تجاری‌تر هستند) با استفاده از ابزارهای اختیار در بازار معاملات آتی مشـــارکت کرده‌اند. همان‌طور که در بخش ۵ توضیح دادیم،

قراردادهای اختیار معمولاً بیشـــتر از قراردادهای آتی برای مشـــارکت کشاورزان مناسب هســـتند. علاوه‌بر این بانک‌های آفریقای جنوبی اغلب نقش مهمی در تســـهیل دسترسی کشاورزان به راه‌حل‌های مدیریت ریسک که معمولاً همراه با موافقت‌نامه‌های قرارداد خرید کالای فیزیکی و تأمین مالیارائه می‌گردد، ایفا کرده اند. این به معنای آن نیســـت که وضع چنین محدودیت‌هایی در چین و هند اشـــتباه بوده است (شاید دولت برای محدود کردن ابزارهای معاملاتی و نوع فعالان بازار، دست کم در مراحل نخست توسعه‌ی بورس دلایل خوبی داشته باشـــد). با وجود این، با توسعه و رشد بازارها در این دو کشور، معلوم شده است که برخی از منافعی که بورس کالا می‌تواند ایجاد کند به دلیل تداوم این منوعیت‌های نظارتی حذف شده است.

مطالعه‌ی حاضر نیز تا میزان زیادی این دیدگاه شیم را تأیید می‌کند که: "بورس‌ها نیازمند قراردادی هستند که با قراردادهای موجود تفاوت چشمگیری داشته باشد یا دارای ریسک مبنایی باشـــد که از حمایت یک بازار فیزیکی بزرگ برخوردار اســـت". مسلماً این مسئله در بورس مالزی صادق اســـت که سطوح نقدشـــوندگی خوبی را برای قرارداد آتی روغن خرمای خام خود فراهم نموده است (نخستین قرارداد معاملات آتی روغن خرما در بورس در ســـطح جهان) اما در مورد سایر قراردادهای کالا که آن‌ها سعی درتوسعه آن‌را داشته‌اند صادق نیست. قراردادهای آتی هل و روغن نعنا در هند نیز در نوع خود نخستین قرارداد در جهان هستند. در برزیل، چین و آفریقای جنوبی، بازارهای فیزیکی بزرگی فعالیت دارند. در زمینه‌ی کالاهای مورد مطالعه مشـــخص گردید که درصورتی‌که کاربران داخلی سعی کنند معاملات خود را با بورس‌های مرجع بین‌المللی پوشـــش دهند، ریسک مبنا پدیدار خواهد گردید. این مســـئله ناشی از عوامل مختلفی است: شـــرایط جوی و زمانبندی‌های فصلی متفاوت (آفریقای جنوبی)، محدودیت‌های معاملات بین‌المللی و داخلی (چین) و تفاوت در مشخصات کیفی و دشواری تحویل به بازارهای خارجی (برزیل).

با وجود این، برخلاف نتیجه‌گیری شـــیم، بورس‌های هند قراردادهای نقد شونده‌ای را برای کالاهایی که در نقاط دیگر جهان معامله می‌شـــوند، از قبیل طلا، روغن خام و گندم ایجاد کرده‌اند. این دســـتاورد ناشـــی از وجود یک بازار فیزیکی داخلی بزرگ و علاقه‌ی چشـــمگیر به سوداگری و تأمین بستری داخلی است که کاربرد آن آسان‌تر از بورس معیار جهانی است. برای برخی از کالاهایی که در بازارهای جهانی معامله می‌شوند، بورس‌های هند با اســـتفاده از مشخصات و قیمت‌های تسویه‌ی بورس معیار جهانی، همان قرارداد را با پول داخلی ارائه داده‌اند. این مســـئله تحویل کالا را برای فعالان بازار داخلی امکان‌پذیر ســـاخته و در عین حال، از ریســـک ارز خارجی و کنترل منابع ارزی پرهیز کرده اســـت.

آربیتراژ بین بورس‌های هند و بورس‌های مرجع جهانی تضمین می‌کند که قیمت‌های داخلی و جهانی با یکدیگر هماهنگ باشند.

در ارتباط با اهمیت ثبات اقتصادی کلان و حضور واسطه‌های مالی باید به پژوهشی که در مطالعه شیم ذکر شده توجه کرد. با وجود این، این گزارش سه عنصر دیگر را نیز روشن می‌کند که از رشد بورس در بازارهای مورد مطالعه حمایت می‌کنند: مشارکت طیف وسیعی از نهادهایی که به‌عنوان پوشش دهنده‌ی ریسک و سوداگر عمل می‌کنند، تأکید آموزشی بر توسعه‌ی بازار و وضعیت زیرساخت‌های بازار.

حضورطیف گسترده‌ای از نهادهای مختلف به‌عنوان پوشش دهنده‌ی ریسک و سوداگر یکی از عناصر مهمی است که در همه‌ی بازارهای مورد مطالعه وجود داشته است. بسیاری از این کشورها می‌توانند نقدشوندگی را با اتکا به بازارهای فیزیکی بزرگ ایجاد کنند. این نقدینگی ممکن است عمدتاً از سوی فعالان ملّی تأمین شود. ازجمله می‌توان به چین و هند اشاره کرد که در حال حاضر ممنوعیت‌ها مانع از مشارکت نهادهای خارجی است. یکی دیگر از منابع این نقدشوندگی می‌تواند فعالان خارجی باشد. ازجمله می‌توان به قرارداد آتی روغن خرمای خام بورس مالزی اشاره کرد که به‌عنوان بورس مرجع صنعت روغن خرمای جهان محسوب می‌شود. در مواردی که مجموعه‌ی گسترده‌ای از صنایع و گروه‌های هم‌سود که در معرض ریسک کالای پایه قرارداد قرار دارند در زنجیره‌ی عرضه حضور داشته باشند ایجاد نقدشوندگی آسان‌تر است. این مسئله درباره‌ی اکثر کالاهای مورد مطالعه صادق است. مثلاً زنجیره کالای گاو برزیلی شامل دامداران، کشتارگاه‌ها، فراوران و صادرکنندگان گوشت، تولید کنندگان غذا و رستوران‌های کوچک و زنجیره‌ای، همراه با تولیدکنندگان و خریداران پوست و چرم است. در نهایت، طیفی از فعالان بازار که به سوداگری اشتغال دارند، ازجمله شرکت‌های معاملاتی، بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری یکی دیگر از عناصر موفقیت در چهار کشور مورد مطالعه بوده‌اند. ولی در چین، منع مشارکت فعالان نهادی با حجم بزرگی از فعالیت‌های سوداگرانه که ناشی از سرمایه‌گذاران کوچک است جبران می‌شود.

تأکید آموزشی بر توسعه‌ی بازار و گنجاندن آگاهی بخشی و ظرفیت سازی در این برنامه‌ها، یکی از عناصر افزایش نقدشوندگی در هر یک از کشورهای مورد مطالعه بوده است. در مواردی که بورس‌های کالا و خدماتی که ارائه می‌دهند جدید و ناآشنا باشند، فعالان بازار برای غلبه برکمبود دانش و همچنین تسهیل تغییر ذهنیتی که اغلب ضروری است، نیازمند آموزش هستند. علاوه‌بر این، آموزش کلید اطمینان از این است که از طریق ایجاد ظرفیت استفاده‌ی مناسب از بازارها در میان کشاورزان خرده‌پا و نهادهایی

که با محدودیت منابع روبرو هستند، مزیت‌های بورس به صورت عادلانه و برابر توزیع می‌شوند. بدین ترتیب، اغلب بورس یا شرکای آن کشاورزان را در اولویت برنامه‌های آموزشی خود قرار می‌دهند. این مسئله به‌ویژه در چین و هند مصداق دارد که بخش عمده‌ای از تولید توسط کشاورزان خرده‌پا انجام می‌شود. برنامه‌های آموزشی را می‌توان در برنامه‌های تجاری‌سازی کسب و کار کشاورزان خرده مالک و توسعه‌ی تعاونی‌ها که در همه‌ی بازارهای مورد مطالعه در صدر اولویت‌ها قرار دارند نیز گنجاند.

زیرساخت‌های کارآمد بازار یکی از عناصر مهم موفقیت بازار معاملات آتی است. با وجود این، این مطالعه نشان داده است که برای موفقیت یک بورس، لزومی ندارد که زیرساخت‌های بازار قبل از معرفی بورس به خوبی توسعه یافته باشند. به لحاظ نظری بازار معاملات آتی باید بر مبنای بازارهای فیزیکی توسعه یافته ایجاد شوند (نیر، ۲۰۰٤). بورس‌های مالزی و آفریقای جنوبی براساس چنین زیرساخت‌هایی متولد شدند. به‌ویژه در آفریقای جنوبی، شبکه گسترده‌ای از انبارها پیش از ایجاد بورس وجود داشت و بورس در مراحل نخست توسعه خود، نظام قبض انبار یکپارچه‌ای را ایجاد کرد که به‌سرعت مورد پذیرش متصدیان انبارها، فعالان زنجیره‌ی کالا و تأمین کنندگان خدمات مالی قرار گرفت.

با وجود این، این مطالعه همچنین نشان داده است که چگونه بازارهای معاملات آتی کالا می‌توانند در بازارهای فیزیکی پراکنده یا بازارهایی که زیرساخت‌های ضعیفی دارند نیز فعالیت نموده و به یکپارچه‌سازی و ارتقای آن‌ها کمک کنند. در چنین شرایطی، بورس را می‌توان "جزیره تعالی" دانست که در آن سایر کارکردهای بورس به‌دنبال کارکردهای سه‌گانه اصلی آن آشکار گردیده و در خدمت بازار فیزیکی مربوطه قرار می‌گیرد. این حالت در برزیل و هند ایجاد شده است که بورس معاملات آتی محرک ایجاد یا بهبود زیرساخت‌های بازار از قبیل انبار بوده است، استانداردهای کیفی را اعمال یا تقویت کرده است، قیمت‌های مرجع نقدی بهتری را ایجاد کرده و برای تقویت مبادلات بازارهای نقدی کانال‌های تحویل فیزیکی مناسبی را ایجاد کرده است. علی‌رغم این‌که کشورها نشان می‌دهند که زیرساخت‌های توسعه یافته پیش‌شرط موفقیت بورس نیست، اما لازم است بر این نکته تأکید کرد که زیرساخت‌های بازار باید به موازات رشد بازار بهبود بیابند تا بورس بتواند به فعالیت خود ادامه دهد (یک بورس معاملات آتی کالا باید به‌سرعت ثابت کند که از سیستم تحویل کارآمدی برخوردار است که هم گرایی میان قیمت‌های نقدی و آتی را تضمین می‌کند).

همچنین باید به دو پیش‌شرط عملیاتی دیگر در محیط معاملاتی نیز توجه کرد که به بازارهای معاملات آتی کالا امکان می‌دهد اثربخش و پایدار باشند: اطلاعات بازار

که به صورت شـــفاف برای پرهیز از نابرابری‌هایی که ممکن اســـت به نفع برخی گروه‌ها باشد منتشر می‌شـــوند و اتاق پایاپایی که به‌عنوان طرف مرکزی برای تضمین عملکرد هر قراردادی که از طریق بورس منعقد شده است عمل می‌نماید.

خلاصه اینکه به دولت‌های کشـــورهای در حال توســـعه که به دنبال ایجاد بورس‌های معاملات آتی کالا هســـتند توصیه می‌شود تا قبل از تأسیس یک بورس، دقیقاً بررسی کنند که آیا بازارهای آن‌ها از پتانســـیل ایجاد نقدشوندگی کافی برخوردارند یا خیر؟ اگر چنین نباشد، می‌توان دو گزینه را دنبال کرد:

نخستین گزینه، اتخاذ رویکردی منطقه‌ای به توسعه‌ی بورس است. این رویکرد می‌تواند پتانسیل نقدشـــوندگی معاملات از طریق تعدادی از بازارهای ملّی مختلف کالا را افزایش دهد. با وجود این، درحالی‌که رویکرد محلی ممکن است بر محدودیت‌هایی که بازارهای فیزیکـــی کوچک و طیف محدود فعالان بالقـــوه‌ی بازار تحمیل می‌کنند غلبه کند، الزاماً بر چالش‌هایی که ضعف زیرســـاخت‌های بازار ایجاد می‌کنند غلبه نمی‌کند. همچنین شـــاید ایجـــاد یک چارچوب نظارتی منطقه‌ای چالش برانگیز باشـــد. این چارچوب باید علاوه‌بر موثر بودن، با بازارهای ملّی نیز هم‌خوانی داشته باشد.

گزینه‌ی دوم، توســـعه‌ی بورس‌های کالایی اســـت که ابتدا معامله‌ی ابزارهایی را ارائه می‌دهد که از قراردادهای معاملات آتی ساده‌تر هستند. از جمله می‌توان به معاملات نقدی یا حتی تنها ثبت خدمات اشاره کرد. در مرحله بعد چنین نهادهایی می‌توانند در جایگاهی قرار بگیرند که براســـاس شرایط بازار، ابزارهای پیچیده‌تری را ارائه کنند. شرایط موفقیت بورسی که معاملات نقدی یا پیمان‌های آتی را ارائه می‌دهد به میزان چشمگیری آسان‌تر از معاملات قراردادهای آتی کالاست. نقدشوندگی از اولویت‌های اصلی نیست اگرچه حجم معاملات بالاتر مناســـب‌تر است، چنین بورسی حتی براســـاس معاملات کم نیز می‌تواند فعالیت نماید. چنین بورســـی الزامات نظارتی ساده‌تری داشته و از نظر حضور واسطه‌های مالی نیز ضوابط سهل گیرانه‌تری دارد.

پیام ۲: انطباق‌پذیری برای کار در شرایط محلی مختلف در کشورهای در حال توسعه

این مطالعه نشـــان می‌دهد که چگونه بورس‌ها در شرایط متفاوتی ایجاد شده‌اند و هر یک در بازار محلی خود نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. پنج کشـــورمورد مطالعه شرایط بسیار متفاوتی دارند. از این میان دو کشور دوران گذار اقتصادی را از سر گذرانده‌اند، دو کشور گذار سیاســـی را تجربه کرده‌اند و یک کشور هیچ گذاری را تجربه نکرده است. همچنین

تولید در دو کشـــور عمدتاً به دســـت تولیدکنندگان کوچک و خرده‌پا انجام می‌گیرد و سه کشور به تولیدکنندگان کوچک و تولیدکنندگان تجاری متکی هستند. برخی از این کشورها گسترش بازارهای صادراتی را در اولویت قرار داده و برخی دیگر، تثبیت بازارهای داخلی را در دســـتور کار خود قرار داده‌اند و برخی نیز آمیزه‌ای از این دو را برگزیده‌اند. بورس‌ها در کشورهایی که از نظر اقتصادی باز هستند و همین‌طور در کشورهایی که از این نظر بسته می‌باشند، عملکرد موفقی داشـــته اند. درحالی‌که بسیاری از بورس‌ها در کشورهایی عمل می‌کنند که زیرســـاخت‌های بازار، نهادها و رویه‌ها بســـیار توسعه یافته‌اند و بازارهای ملّی در آن‌ها یکپارچه هستند، مطالعه حاضر نشان می‌دهد که تأسیس بورس در کشورهایی که بازارها نیازمند توسعه و یکپارچگی بیشتر هستند نیز با موفقیت همراه بوده است. بنابراین می‌توان گفت کـــه بورس‌های کالا، نهادهای انعطاف‌پذیری هســـتند که می‌توانند خود را با شـــرایط متفاوتی تطبیق داده و به موفقیت دســـت یابند. انعطاف‌پذیری دارای جنبه‌های مختلفی است. این بدان معناست که بورس معمولاً بیشترین تأثیر را در حوزه‌هایی که دارای بیشترین آزادی عمل است بر جای می‌گذارد. بنابراین، نقشی که بورس در تسهیل و تسریع توسعه‌ی بازارهای کالای نقدی ایفا می‌کند تا حد زیادی به جایگاه بازارهایی که محل آغاز فعالیت بورس هســـتند بستگی دارد. تمایز میان مالزی که بازارهای نقدی آن بسیار توسعه یافته و قانونمند بودند، با برزیل و هند که در آن بازارهای نقدی چندپاره و زیرســـاخت‌ها ضعیف بود، شاید بارزترین مثال باشد. با وجود این، بورس مالزی بر جنبه‌ی دیگری که در آن از محدوده‌ی عمل بیشتری برخوردار بوده تأثیر شگرفی گذارده است. جایگاه نخستین بورس جهان که قرارداد نقدشـــونده‌ای را برای روغن خرمای خام ارائه داده است، به این بورس امکان داده است تا برای نخستین بار بتواند قدرت قیمت‌گذاری کالایی که در سطح جهانی معامله می شود را به یکی از کشورهای درحال توسعه منتقل کند.

درباره‌ی اهمیت بورس‌ها برای تولیدکنندگان خرده‌پا نیز می‌توان نتیجه‌گیری مشابهی را انجام داد (در این باره در پیام ٤ بیشـــتر سخن می‌گوییم). در مواردی همچون چین و هند که در آن شـــیوه تولید عمدتاً براساس تولیدکنندگان خرده پا استوار است، بورس بیشترین امکان را برای برقراری ارتباط مســـتقیم با تولیدکنندگان کوچک دارد. در مواردی همچون مالزی و برزیل که هم‌زمان با کشاورزان خرده پا و تجاری مواجه هستیم و بخش کشاورزان خرده‌پا در چارچوب حمایت دولتی عمل می‌کند، بورس‌ها نمی‌توانند تأثیر مستقیم چندانی بر کشـــاورزان خرده‌پا بگذارند. با وجود این، با در دســـتور کار قرار دادن تجاری‌ســـازی کشـــاورزان خرده‌پا به‌عنوان بخشی از اصلاحات بخش کشـــاورزی در اکثر این کشورها، می‌توان انتظار داشت که با افزایش دانش، منابع و ظرفیت کشاورزان خرده‌پا برای مشارکت

در بازارها، اهمیت بورس برای آن‌ها بیشتر شود.

انطباق‌پذیری درباره‌ی خدماتی که یک بورس ارائه می‌دهد نیز صادق است. بورس مجموعه نیازهایی را برآورده می‌کند و این موضوع فقط به مدیریت ریسک قیمت خلاصه نمی‌گردد. بدین ترتیب، شـــعبه‌ی کالای بورس کالا و معاملات آتی برزیل طیف گسترده‌ای از خدمات را ارائه می‌دهد که ازجمله می‌توان به معامله‌ی کالاهای فیزیکی، پیمان‌های آتی، اوراق بهادار روستایی، اعتبارات اسنادی کشاورزی، مزایده‌ی موجودی انبارهای دولتی، مناقصات عمومی و خریدهای خصوصی اشاره کرد. بورس کالای هند به زودی بورس ملّی معاملات نقدی الکترونیکی را برای معامله نقدی کالا راه‌اندازی می‌کند (این ابتکاری است که هدف یکپارچه‌سازی بازارهای پراکنده هند را دنبال می‌کند). برای صنعت غلات آفریقای جنوبی، بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ ســـافکس در هدایت منابع مالی به سمت فعالان بخش کشاورزی نقش مهمی ایفا کرده است. بورس کالای دالیان با توجه به نیاز تولیدکنندگان چینی به پوشش ریسک تولید و ریسک قیمت، در حال ایجاد قرارداد مشتقه‌های وضعیت جوی است.

علاوه‌بر این، انعطاف‌پذیری به معنای این اســـت که خدماتی که ارائه می‌شـــود ممکن اســـت برحسب نیازهای فعالان مختلف، در یک کشـــور هم دارای تفاوت‌هایی باشد. در این زمینه برزیل نمونه‌ی خوبی اســـت. در بخش کشاورزی برزیل که بخش‌های تجاری و تولیدکنندگان کوچک نیازهای متفاوتی دارند این دوگانگی به چشم می‌خورد. از یک سو، بخش تجاری نیازمند مدیریت ریســـک نوسان شدید قیمت و افزایش رقابت در بازارهای صادراتی اســـت. با وجود این چالش‌ها، خدمات مدیریت ریســـک قیمت، کشف قیمت و تســـهیل صادرات بورس کالا و معامـــلات آتی برزیل نیاز مهمی را بـــرآورده می‌کنند. از ســـوی دیگر، کشاورزان کوچک، به‌ویژه کشـــاورزانی که در برنامه‌ی اصلاحات ارضی دولت هســـتند، از بسته‌های کمکی دولت ازجمله حمایت در زمینه‌ی قیمت، خرید دولتی و اعتبارات یارانه‌ای بهره‌مند می‌شـــوند. دولت از مکانیزم‌های بورس کالا و معاملات آتی برزیل برای تأمین این تســـهیلات، افزایش کارایی ارائه خدمات و کاهش بار مالی بر منابع بودجه‌ای استفاده می‌کند.

پیامدهای توســـعه‌ای انعطاف‌پذیری بورس این اســـت که بـــورس می‌تواند یک ابزار سیاستی سودمند در مجموعه‌ای از شرایط مختلف باشد. بنابراین بورس به‌طور بالقوه برای همه‌ی کشـــورهای در حال توسعه سودمند است. اگرچه هر پنج بورسی که در این مطالعه بررسی شـــدند در کشورهای در حال توســـعه‌ای که دارای درآمد متوسط هستند فعالیت دارند، شرایط محلی و چالش‌هایی که این شرایط ایجاد می‌کنند، نمایانگر شرایطی هستند که در برابر ســـایر کشورهای درحال توسعه (بزرگ و کوچک، فقیر و غنی) نیز قرار دارد.

همان‌طور که در بخش‌های بعد خواهیم گفت، این بدان معنا نیســت که هر کشور در حال توســعه‌ای باید الزاماً بورس کالا را راه‌اندازی کند، یا اینکه بورس کالا نوشــدارویی است که به تنهایی می‌تواند همه‌ی دردهای بخش کالایی یک کشور را درمان کند. با وجود این، واقعیت‌های موجود نشــان می‌دهد که بورس به‌طور بالقــوه نهاد مهمی در راهبرد بخش کالایی یک کشور است.

پیام ۳: اهمیت بورس در کشورهایی که کمترین میزان توسعه را دارند

کشورهایی که کمترین میزان توسعه را تجربه کرده‌اند کشورهایی هستند که در زمینه‌ی بهره‌مندی از اقتصاد جهانی کمترین توان را دارند. این کشــورها اغلب برای کسب درآمد، اشــتغال و ارز خارجی به تولید و صادرات تعداد محدودی از کالاها وابسته‌اند. برعکس، نوســان قیمتی کالاهای مهم وارداتی (مثلاً مواد خوراکی اصلی یا نفت خام) می‌تواند ثبات مالی این کشــورها را با چالش بزرگی روبــرو کند و ذخایر محدود ارزهای خارجی آن‌ها را تحت فشــار بگذارد. بنابراین، حمایت در برابر حرکت‌های ناگهانی قیمت کالاها یکی از الزامات حســاس این کشورهاست. برای کمک به این کشورها در این حوزه گزینه‌های سیاســتی مختلفی وجود دارد. یکی از این گزینه‌ها مدیریت ریسک قیمت است (به بخش ۲ نگاه کنید).

می‌توان گفت که مطالعه‌ی پنج کشور در حال توسعه که دارای درآمد متوسطی هستند، به دلیل تفاوت‌های موجود در عملکرد اقتصادی، شرایط زیرساخت‌ها و یکپارچه‌سازی در اقتصاد جهانی، ممکن است نتواند اطلاعاتی را فراهم کند که برای کشورهایی که کمترین میزان توســعه را یافته‌اند سودمند باشد. با وجود این، هر یک از کشورهای مورد مطالعه از نظر درآمد سرانه، دسترســی به زمین و فرصت‌ها و الگوهای معیشت دارای نابرابری‌های گســترده‌ای نیز هستند. هر یک از این کشــورها دارای بخش بزرگی از کشاورزان خرده‌پا هســتند که گاهی بار اصلی تولید را بر دوش می‌کشــند (چین و هنــد) و گاهی همراه با بخش کشــاورزی تجاری فعالیت می‌کنند (برزیل، مالــزی و آفریقای جنوبی). درس‌های مرتبط با ســودمندی (یا سودمندی بالقوه) بورس برای کشاورزان و تولیدکنندگان کوچک در این کشــورها، برای سایر کشــورهای در حال توسعه (از جمله کشورهایی که کمترین میزان توســعه را دارا هســتند) نیز اهمیت دارد. در بخش زیر درباره‌ی ارتباط بورس‌ها با تولیدکنندگان و کشاورزان کوچک بیشتر سخن گفته‌ایم.

کشــورهایی که از کمترین درجه توســعه یافتگی برخوردارند، نیازی ندارند که برای

دسترسی به ابزارهای مدیریت ریسک قیمت، یک بورس داخلی معاملات قراردادهای آتی ایجاد کنند و تقریباً در همه‌ی شراط باید از چنین کاری پرهیز کنند. با وجود این، تا جایی که بازارهای نقدشونده‌ی بین‌المللی مدیریت ریسک برای کالاهایی که این کشورها به آن وابسته هستند وجود دارد، نهادهایی که از توانمندی‌های مدیریتی و فنی مورد نیاز برخوردارند (دولت‌ها، تعاونی‌های تولیدکنندگان و موسسات مالی) باید در زمینه‌ی نحوه‌ی استفاده‌ی سودمند از این ابزارها آموزش ببینند. برای نمونه می‌توان به مورد مالاوی اشاره کرد که بانک جهانی، با استفاده از راه‌حل معاملات اختیار در فرابورس که پیرامون قرارداد ذرت سفید بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس ساختار یافته بود، خرید غله توسط دولت آن کشور را تسهیل کرد.

دومین گزینه، رویکردی منطقه‌ای به توسعه‌ی بورس است که تعدادی از بازارهای کوچک یا بازارهای کشورهایی را که کمترین میزان توسعه را دارند دربر می‌گیرد. شاید تأسیس بورس آفریقا بهترین نمونه از این رویکرد باشد. در سال ۱۹۹۱، سازمانی که قبل از اتحادیه‌ی آفریقا وجود داشت متوجه شد که یک بورس کالا می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای یکپارچه‌سازی آفریقا عمل کند[1]. آنکتاد در زمینه‌ی ایجاد بورس کالا و مشقه‌های آفریقا با اتحادیه‌ی آفریقا، دولت‌های ملّی و بخش خصوصی همکاری کرده است. مرکزی در بوتسوانا بورس‌های محلی و انبارهای کشورهای مختلف را به یکدیگر متصل می‌کند. بورس‌های محلی از یک سیستم معاملاتی و ستاد مشترک استفاده می‌کنند. گذشته از ایجاد امکان معاملات داخلی، این سیستم مشترک، هماهنگ سازی معاملات بورس‌های کالای کشورهای مختلف را فراهم می‌سازد. این روش (یعنی مدل هسته مرکزی و اعضا) نه تنها بر مشکل هزینه‌های اولیه‌ی سنگین تاسیس بورس که اغلب کشورهای آفریقایی از تامین آن ناتوان هستند غلبه می‌نماید، بلکه با افزایش درجه نقدشوندگی معاملات و کشف قیمت بهتر، به تولیدکنندگان آفریقایی اجازه می‌دهد محصولات خود را به بازار عرضه کرده و ریسک نوسانات قیمت را مدیریت نمایند. در حال حاضر رویکرد منطقه‌ای مشابهی، با حمایت آنکتاد مراحل نخست خود را در آمریکای مرکزی طی می‌کند.

در نهایت، ممکن است برای بورس کالا در کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای که می‌کوشد در زمینه‌هایی بجز مشقه‌ها معامله کند، محدوده‌ی کار واقع بینانه‌ای وجود داشته باشد. چنین بورسی می‌تواند بر تسهیل معامله در بازارهای نقدی کالا، از طریق حراج یا خدمات ثبت متمرکز شود. این مسئله می‌تواند راه مهمی برای کاهش هزینه‌های معامله مرتبط با

۱- معاهده‌ی ابوجا برای تشکیل جامعه‌ی اقتصادی آفریقا، ۱۹۹۱

یافتن طرف معامله‌ی مناســـب باشد. در مرحله بعد بر مبنای این مبادلات نقدی می‌توان به تدریج خدمات دیگری را نیز به‌منظور کنترل ســـایر هزینه‌ها و ریســـک‌های مهم مرتبط با معامله در این کشورها ارائه داد. ازجمله می‌توان به خدمات رده‌بندی کیفی و صدور گواهی و مکانیزم‌های آربیتراژ برای حل مشـــاجرات اشاره کرد. یکی از نمونه‌های چنین بورسی، بورس کالاهای کشاورزی آفریقاست که در اواخر سال ۲۰۰۶ در مالاوی تأسیس شد.

پیام ۴: ارتباط با کشاورزان خرده‌پا

تولیدکنندگان خرده‌پا در ساختار کشـــاورزی هر یک از کشورهای مورد مطالعه نقش مهمـــی ایفا می‌کنند. در چین و هند، "کشـــاورزان خرده‌پا بخـــش عمده‌ی محصولات را تولید می‌کنند... و کشاورزان ممکن است به دلیل اینکه از نقدینگی و اطلاعات کافی برای مدیریت ریسک‌های فعالیت‌های کشـــاورزی برخوردار نیستند به شدت زیان ببینند" (فن براون، گولاتی و فن، ۹: الف ۲۰۰۵). در هر دو کشور، بررسی وضعیت کشاورزان خرده‌پا در حل چالش‌های خاص کشـــاورزی و همچنیـــن چالش‌های کلی مرتبط با کاهش فقر و ایجاد مسیری عادلانه و مبتنی بر مساوات برای رشد اهمیت زیادی دارد.

ساختار بخش کشاورزی در سه کشور دیگر (برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی) به گونه‌ای است که در آن بطور هم‌زمان می‌توان الگوی تولید تجاری و الگوی تولید کشاورزان خرده پا را مشاهده نمود. در این کشورها، توسعه‌ی کشاورزان خرده‌پا از اولویت‌های سیاست‌ها نیز هست و در بی‌عدالتی‌های قبلی ریشه دارد: در آفریقای جنوبی، توانمند سازی اقتصادی ســـیاهان در کشـــاورزی در قلب حل نابرابری‌های رژیم آپارتاید قـــرار دارد و در برزیل، اصلاحات ارضی برای حل نابرابری‌های شدید، از زمان دولت کاردوسو در سال ۱۹۹۵ در صدر اولویت‌ها قرار گرفته و اکنون در دوران زمامداری رییس جمهور لولا نیز چنین است؛ در مالزی، دولت توســـعه‌ی کشـــاورزان کوچک را کلید تبدیل کشاورزی به "موتور سوم رشد" می‌داند. در این کشورها، حل مشکلات کشاورزان کوچک در قلب ایجاد همبستگی، انسجام و شمول ملّی قراردارد.

در چهار کشـــور از کشورهای مورد مطالعه، از کشـــاورزان خرده‌پا انتظار نمی‌رود که مســـتقیماً در بازارهای معاملات آتی شرکت کنند (دســـت کم تا زمانی که از دانش، منابع و ظرفیت‌های لازم برخوردار نشـــده‌اند). با وجود این، این مطالعه مســـتند کرده است که چگونه تعاونی‌های کشاورزی (همان‌طور که در ارتباط با هند مستند شده است) توانسته‌اند درنتیجه‌ی راهبردهای پوشـــش ریسک خریداران (که در ارتباط با چین مستند شده است)

یا از طریق بانک‌ها و اتاق‌های پایاپای (که در ارتباط با آفریقای جنوبی مستند شده است) دسترسی غیرمستقیم به بازارهای معاملات آتی را فراهم سازند. بدین ترتیب، کشاورز خرده‌پا می‌تواند بدون نیاز به صرف وقت و منابع قابل توجهی که دخالت مستقیم در بازارهای معاملات آتی کالا را طلب می‌کند، از منافع مدیریت ریسک بهره‌مند شود.

در هند، تمایل به تشویق مشارکت کشاورزان خرده‌پا در بازارها (از طریق تجمیع کنندگان یا مشارکت مستقیم) بیشتر است. بورس ملّی نقدی الکترونیکی که بورس کالای هند پیشنهاد کرده است می‌تواند به‌عنوان عاملی برای بهبود مشارکت کشاورزان در بازارهای معاملات آتی عمل کند. با آشناسازی کشاورزان با معاملات الکترونیکی که دسترسی به بازار، قیمت‌گذاری شفاف و تحویل آسان را فراهم می‌سازد، یکپارچه‌سازی بازارهای نقدی و آتی می‌تواند مشارکت کشاورزان در بازارهای معاملات آتی را تسهیل کند.

مدیریت ریسک قیمت اغلب مهمترین مزیتی نیست که بورس‌های کالا نصیب کشاورزان می‌کنند. این مطالعه مستند کرده است که برخی از مهمترین تأثیرات ناشی از کارکردهای کشف قیمت، توسعه‌ی بازار فیزیکی و تسهیل تأمین مالی هستند که بورس‌ها ارائه می‌کنند. شاید بزرگ‌ترین تأثیر ناشی از انتشار قیمت‌ها و سایر اطلاعات بازار باشد که در صورت آموزش کشاورزان در زمینه‌ی نحوه‌ی استفاده‌ی مناسب از این اطلاعات، مکانیزمی مهم برای افزایش ظرفیت کشاورزان است. در چین، بورس کالای دالیان در سال ۲۰۰٤ برنامه‌ی آموزشی ۱۰۰۰ دهکده، ۱۰۰۰۰ کشاورز را آغاز کرد. تا اوایل سال ۲۰۰۷، بیش از ٤۰۰۰۰ کشاورز در زمینه‌ی نحوه‌ی استفاده از قیمت‌های معاملات آتی برای بهبود تصمیمات برداشت محصول آموزش دیدند. در هند، دسترسی به بازارها، اطلاعات بازار و کمک تکنولوژیک از طریق شراکت مبتکرانه بورس کالای هندی با شرکت بورس هند ارائه شده است. در هر دو کشور، نابرابری‌های اطلاعاتی کاهش یافته و قدرت چانه‌زنی کشاورزان با واسطه‌ها بهبود یافته است. یکپارچه‌سازی و ارتقای بازارهای فیزیکی که کشاورزان در آن معامله می‌کنند (برزیل و هند)، تسهیل مکانیزم‌های تأمین مالی (برزیل و هند و به‌طور بالقوه آفریقای جنوبی و چین) و برنامه‌های آموزشی (برزیل، چین، هند و آفریقای جنوبی) از دیگر تأثیرات فعالیت بورس بوده است.

باید بر پتانسیل توسعه‌ی بیشتر در این حوزه تأکید کرد. این مطالعه دو نکته اصلی را نشان می‌دهد. نخست اینکه با سازماندهی کشاورزان خرده‌پا در قالب تعاونی‌ها، احتمال دارد طیف گسترده‌تری از خدمات بورس‌های کالا (ازجمله مدیریت ریسک قیمت) برای کشاورزان اهمیت یابد و در دسترس آنان قرار بگیرد. این خدمات اکنون در دسترس کشاورزان تجاری و کشتزارهای برزیل، مالزی و آفریقای جنوبی قرار دارند.

دوم اینکه به نظر می‌رسد برای توسعه‌ی ابزارها و مکانیزم‌های تحویلی که می‌توانند در شرایط کنونی به نفع کشاورزان خرده‌پا و فقیر باشد فضای بیشتری وجود دارد. به‌طور کلی این مطالعه می‌گوید که بازارهای معاملات آتی در نقطه‌ی نسبتا پایینی از منحنی توسعه‌ی ابزارهای مبتنی‌بر بازار برای استفاده‌ی مفید کشاورزان خرده‌پا قرار دارند. علاوه‌بر این، هنوز حتی بسیاری از متخصصین فنی نیز درباره‌ی اینکه می‌توان مدل تحویل مناسبی را برای چنین ابزارهایی ایجاد کرد تردید دارند (مثلاً فورنس، ۲۰۰۵). دیدگاه‌های رایج درباره‌ی اهمیت این ابزارها برای کشاورزان خرده‌پا را می‌توان با دیدگاه‌های رایج درباره‌ی اهمیت تأمین مالی برای فقرا قبل از اقدام راهگشای پروفسور یونوس و بانک گرامین در دهه‌ی ۱۹۷۰ مقایسه کرد. به رغم تردیدهای گسترده در بخش بانکداری درباره‌ی اینکه می‌توان منابع مالی را به‌سوی فقرایی که فاقد وثیقه هستند هدایت کرد، راه‌حلی پیدا شد که در زمینه‌ی کاهش فقر تأثیر ثابت شده و ماندگاری را بر جا گذاشته است (مردوک ۱۹۹۹؛ مردوک و هالی ۲۰۰۲). این مطالعه شواهد محیطی قدرتمندی را ارائه می‌دهد که می‌توان در زمینه‌ی بازاریابی کالا براساس بازار و راه‌حل‌های مدیریت ریسک نیز اقدام راهگشایی را طراحی کرد. برای کارآفرینانی که به سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی توسعه ابزارهای مناسب و مدل تحویل اثربخش علاقه دارند، فرصت تجاری و توسعه‌ای چشمگیری وجود دارد.

پیام ۵: پویش پاسخگویی به چالش‌های نوظهور جهانی سازی

بورس‌ها نهادهای پویایی هستند که نه تنها به چالش‌های موجود پاسخ می‌دهند، بلکه می‌توانند به رفع چالش‌های جدیدی که با گذشت زمان پدیدار می‌شوند نیز کمک کنند. هر یک از این نهادها (اغلب با همراهی بخش عمومی و بخش خصوصی) در کمک به کشور خود برای استفاده از برخی از این فرصت‌های جدید و غلبه بر برخی از چالش‌های مهمی که در برابر آن‌ها قرار دارد و انطباق با اقتصاد کالایی جهانی که به‌سرعت در حال تغییر است کمک کرده است. در این مطالعه نمونه‌های بسیاری به‌صورت مستند ارائه شده‌اند:

• توانمند سازی فعالان صنعت برای مقابله با نوسانات شدید قیمت: قیمت ذرت سفید در آفریقای جنوبی از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۲ سه برابر شد و از ۷۳۰ راند در هر تن به ۲۱۴۰ راند در هر تن افزایش یافت و دوباره به سطوح قبلی بازگشت. این قیمت‌ها در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به شدت کاهش یافت و به ۴۱۰ راند در هر تن رسید. بدون دسترسی به ابزارهای موثر مدیریت ریسک، کشاورزان آفریقای جنوبی ادامه‌ی حیات در چنین بازار پر نوسانی را بسیار دشوار می‌یافتند.

• توسعه‌ی بازار برای محصولات جدید پر ارزش: به شهادت فعالان بازار، بورس مالزی به جهت کشف قیمت شفاف و ارائه ابزارهای مدیریت ریسک، نقش مهمی در تحریک توسعه‌ی صنعت روغن خرمای جهان ایفا کرده است. همچنین بورس کالای هند نیز در تسهیل توسعه‌ی تولید و صادرات هل و روغن نعنا در هند نقش مهمی داشته است.

• توسعه‌ی بازارهای صادراتی مهم: شواهد موجود درباره‌ی برزیل نشان می‌دهد که بورس کالا و معاملات آتی برزیل از توسعه‌ی بازارهای صادراتی تولیدکنندگان برزیلی حمایت کرده است. ازجمله می‌توان به ایجاد مراکز تماس صادراتی و فعالیت‌های مختلفی اشاره کرد که با هدف مرتبط ساختن تولیدکنندگان برزیلی دانه‌های سویا با خریداران این محصول در چین انجام گرفته است.

• رعایت تعهدات در برابر سازمان تجارت جهانی: راه‌اندازی قرارداد آتی ذرت بورس کالای دالیان گامی مهم به‌سوی آزادسازی بازار ذرت چین بوده است (رویترز، ۲۰۰٤).

• کمک به صنعت برای انطباق با تغییر شرایط در هنگامی که کشوری بین واردکننده و صادرکننده‌ی خالص در نوسان است: به گواه فعالان بازار، شفافیت قیمت‌های آتی غلات در بازارهای محلی و جهانی، همراه با پذیرش غلات خارجی برای تحویل از طریق بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس، جریان غلات به داخل و خارج از این کشور را هدایت می‌کند. به‌طور بالقوه، اگر قرار باشد چین به واردکننده‌ی خالص ذرت تبدیل شود، قرارداد آتی ذرت بورس کالای دالیان ابزار مناسبی برای واردکنندگان چینی و صادرکنندگان خارجی فراهم می‌کند تا ریسک قیمت خود را پوشش دهند.

• انطباق با استانداردهای کیفی سخت‌گیرانه‌تری که دولت درخواست می‌کند: به دنبال وضع قانون مدیریت ملّی سویای دستکاری ژنتیکی شده در سال ۲۰۰۲، بورس کالای دالیان قرارداد سویای خود را به گونه‌ای تغییر داد که الزامات این مقررات جدید را رعایت کند و بدین ترتیب، بازاری را ایجاد کرد که به بزرگ‌ترین مرکز کشف قیمت جهان برای سویای بدون دستکاری ژنتیکی تبدیل شد.

• مطمئن ساختن خریداران و صادرکنندگان از کیفیت محصولات: قرارداد هل که در فوریه‌ی سال ۲۰۰٦ توسط بورس کالای هند روانه‌ی بازار شد استاندارد کیفی‌ای را برگزید که به هل بورس کالای هند معروف شد. از آنجا که هلی که در بورس کالای هند ارائه می‌شود در بازار به‌عنوان با کیفیت‌ترین هل محسوب می‌شود، خریداران و صادرکنندگان از دریافت محصولی با کیفیت از طریق بورس اطمینان دارند. این استاندارد از مقبولیت گسترده‌ای برخوردار شده و در معاملات فیزیکی بازار، به‌ویژه در بازارهای صادراتی که تضمین کیفیت بالا یکی از

پیش‌شرط‌های اساسی تجارت است رواج یافته است.

• معرفی ابزارها و راه‌حل‌های جدید برای رفع چالش‌های نوظهور: این مطالعه توسعه‌ی خدمات جدید در بورس‌ها را مستند کرده است. سامانه‌ی کربن بورس کالا و معاملات آتی برزیل از مکانیزم‌های بورس برای تسهیل استفاده از مکانیزم توسعه‌ی پاک پروتکل کیوتو استفاده می‌کند. به شرط صدور مجوز از سوی مراجع نظارتی، بورس کالای دالیان و بورس کالای هند به دنبال معرفی مشتقه‌های وضعیت جوی هستند تا به تولیدکنندگان امکان دهند آسیب‌پذیری خود در برابر ریسک شرایط آب و هوایی را پوشش قرار دهند. در بازارهای بین‌المللی ابزارهای دیگری وجود دارد که ممکن است بتوان در کشورهای در حال توسعه به‌کار برد. ازجمله می‌توان به مشتقه‌های حمل برای مدیریت ریسک حمل و نقل اشاره کرد.

پیام ۶: طیف گسترده‌ی تأثیرات

همان‌طور که قبلاً گفتیم، این مطالعه نشان داده است که بورس‌های کالا در کشورهای در حال توسعه می‌توانند طیف گسترده‌ای از تأثیرات واقعی و بالقوه را برای کشاورزان و سایر دست‌اندرکاران توسعه‌ی اقتصادی (ازجمله دولت، بخش خصوصی و خانواده‌ها) ایجاد کنند.

فرضیات تأثیرات براساس شش کارکرد گسترده طبقه‌بندی شده‌اند. از این میان سه کارکرد در زمره‌ی کارکردهای اصلی محسوب می‌شوند: کشف قیمت، مدیریت ریسک قیمت و مکانی برای سرمایه‌گذاری. سه کارکرد دیگر را می‌توان کارکردهای گسترده‌تری دانست که از عملکرد کارکرهای اصلی ناشی می‌شوند: تسهیل بازارهای نقدی کالا، تسهیل تأمین مالی کالا و توسعه‌ی بیشتر صنعت (ازجمله ظرفیت سازی، بین‌المللی سازی بازار و استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات). در این خصوص ۸۱ فرضیه در زمینه تاثیرات بورس‌های کالایی مطرح گردید که مطالعه‌ی حاضر در حمایت از وقوع ٦٩ تأثیر در یک یا چند بازار مورد مطالعه شواهدی یافت. سی و یک تأثیر تنها یا عمدتاً به کشاورزان اختصاص دارند و ۳۸ تأثیر دیگر بر بخش گسترده‌تر کالا یا کل اقتصاد تأثیر می‌گذارند. از میان این تأثیرات، شصت و شش تأثیر مثبت و سه تأثیر منفی هستند.

در حمایت از این ادعا که تأثیرات مثبت ناشی از استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک (از قبیل قراردادهای آتی و اختیار) در هر یک از بورس‌های مورد مطالعه مشاهده گردیده است شواهدی به دست آمد. با وجود این، این ابزارها معمولاً توسط کشاورزان تجاری

نوپا و گاهی به صورت غیرمستقیم توسط کشاورزان خرده‌پا از طریق عقد قرارداد با تعاونی‌های کشاورزی، بانک‌ها یا خریداران به‌کار می‌روند. ولی در این زمینه باید تلاش بیشتری صورت بگیرد و از هم اکنون جذابیت گنجاندن راه‌حل‌های مدیریت ریسک در جعبه ابزارهای تأمین مالی کوچک، همراه با خدمات اعتبارات مالی، پس‌انداز و بیمه آشکار شده است.

با وجود این، بر این نکته نیز تأکید شده است که مدیریت ریسک قیمت ممکن است همواره بیشترین فایده‌ی بورس برای کشاورزان (و به‌ویژه کشاورزان خرده‌پا) نباشد. به‌ویژه در چین و هند، کهتولید عمدتاً توسط کشاورزان خرده پا صورت می گیرد، مطالعه‌ی حاضر به این نتیجه رسید که بورس‌ها می‌توانند تأثیرات مهم دیگری نیز داشته باشند: گسترش دسترسی به بازارها؛ توانمند سازی کشاورزان برای اتخاذ تصمیمات برداشت و فروش بهتر؛ کاهش نابرابری‌های اطلاعاتی که قبلاً به نفع کنش‌گران قدرتمندتر بازار بود؛ بهبود زیرساخت‌های انبارداری، درجه‌بندی و فناوری و گسترش دسترسی به منابع تأمین مالی ارزان‌تر. درنتیجه، بسیاری از تأثیرات مثبت ناشی از بورس‌های کالا به مشارکت مستقیم کشاورزان در بازار قراردادهای آتی وابسته نمی‌باشد.

علاوه‌بر این، بسیاری از این تأثیرات می‌تواند توسط بورس‌هایی که خدمات مربوط به قراردادهای آتی ارائه نمی‌کنند نیز حادث می‌گردد. این موضوع برای کشورهایی که در آن‌ها با توجه به وضعیت توسعه‌یافتگی موجود، لزومی به راه‌اندازی قراردادهای آتی جهت رفع نیازهای فعالان بازار وجود ندارد، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. چنین کشورهایی نباید از سایر تأثیرات مثبت بورس‌های کالا محروم گردند. ازجمله می‌توان به تأثیرات مرتبط با توسعه‌ی بازارهای نقدی کالا و سیستم‌های اطلاعات بازار و برخی از جنبه‌های تسهیل تأمین مالی و توسعه‌ی صنعت اشاره کرد. مثلاً یک بورس کالا که کالاهای نقدی را معامله می‌کند و کارکردهای درجه‌بندی کیفی و صدور گواهی و تأیید انبارها و تضمین عملکرد را ارائه می‌دهد، می‌تواند به ارتقای زیرساخت‌های بازار فیزیکی و یکپارچه‌سازی بازارهای کالایی نقدی ملّی منجر شود. درصورتی‌که قیمت‌های نقدی معتبری که در چنین بورسی کشف می‌شوند در سطح گسترده‌ای در میان کشاورزان منتشر شوند، تشکیل و شفافیت قیمت‌ها بهبود می‌یابد. همانطور که استفاده از مکانیسم‌های بورس کالا برای معاملات اوراق بهادار کشاورزان می‌تواند به تامین مالی کالایی کمک نماید، راه‌اندازی یک سیستم قبض انبار قابل اعتماد و همچنین یک کانال مناسب برای نقد کردن وثایق، به‌عنوان بخشی از کارکردهای بورس‌های کالایی، می‌تواند کمک شایانی به گسترش تامین مالی بخش کالایی نماید. این مهم از طریق بورس کالا قابل انجام است.

در انتها باید بر این نکته تأکید کرد که بورس‌های کالا بر عملکرد بخش‌هایی که

معیشـــت بخش عمده‌ای از جمعیت کشورهای در حال توســـعه به آن وابسته است تأثیر می‌گذارند. بنابراین، به ذینفعان توصیه می‌شـــود در رویکرد خود به تأســـیس و توسعه‌ی بورس مراقب باشند. تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که بازارهای آتی ثبات آفرین هستند. ولـــی در کوتاه‌مدت، به‌ویژه بعد از معرفی یک بورس یا یک قرارداد جدید، ممکن اســـت شاهد دوره‌ای از تعدیل و انطباق باشیم. آموزش، کلید اطمینان از این است که مزیت‌های بورس به صورت برابر و همگانی تقســـیم می‌شـــوند. بنابراین، باید مطمئن شد که همه‌ی ذینفعان درباره‌ی بازارها آگاهی کامل دارند و درباره‌ی نحوه‌ی اســـتفاده ســـازنده از آن‌ها آمـــوزش دیده‌اند. همچنین این نکته نیز مهم اســـت که بورس‌ها با دولت و ســـازمان‌های نظارتی، در زمینه‌ی توســـعه‌ی یک چارچوب حقوقی- نظارتی همکاری کنند. این مسئله باید فضایی را برای رشـــد بازارها فراهم کند و در عین حال، از ســـرمایه‌گذارانی که ابتدا از تجربه‌ی کافی برخوردار نیســـتند و گاهی در برابر فرصت‌های جدیدی که بورس ارائه می‌دهد مسئولانه عمل نمی‌کنند حمایت کند.

پیام ۷: دولت نقش مهمی ایفا می‌کند

بورس‌ها در یک محیط تحت نظارت بالا (که الزاما به معنای نظارت ســـنگین نیست) عمـــل می‌کنند. دولت‌ها مســـئولیت ایجاد چارچوب قانونی- نظارتی مـــورد نیاز و تأمین نظارت مســـتمر را برعهده دارند. در هر یک از پنج کشور مورد مطالعه، دولت نقش مهمی در توسعه‌ی بازار و بورس ایفا کرده است:

• برزیل: دولت از مکانیزم‌های بازار برای بســـیاری از سیاســـت‌های خرید، حمایت و اعتباری خود در ارتباط با بخش تولیدکنندگان کوچک استفاده کرده است. ازجمله می‌توان به استفاده از شعبه‌ی کالای بورس کالا و معاملات آتی برزیل به‌عنوان بازاری برای اجرای سیاست‌های دولت اشاره کرد.

• چیـــن: دولت چین برای اصلاح هرج و مرج حاکم بر بـــازار در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ دوبار دخالت کرد. بازارهای معاملات آتی کالا تجدید ساختار شدند تا نقدشوندگی به‌سوی نهادهای مطمئن و قابل اتکا و بازارهای عمودی کالا که نیازمند بستری برای کشف قیمت شفاف و مدیریت ریسک قیمت مطمئن بودند هدایت شوند.

• هند: دولت هند ساختاری را ایجاد کرد که در آن، سه بورس ملّی جدید در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ تأســـیس شدند. این مسئله این انتظار را ایجاد کرده است که این موسسات چالش‌های عمیق در بخش کشـــاورزی هند، ازجمله شـــرایط کشاورزان کوچک پر شمار

کشور را که اغلب از بازارها حذف شده و به حاشیه رانده می‌شوند حل کند.

• مالزی: صنعت روغن خرما در محیطی که راهبرد توسعه‌ی ملی دولت فراهم کرده است با موفقیت توسعه یافته است. از همان ابتدا، دولت مالزی این تصمیم راهبردی را اتخاذ کرد که قیمت‌گذاری را به بازار محول کند، چون این کار شرایط بهتری را برای رشد، انعطاف‌پذیری و یکپارچگی با بخش خصوصی فراهم می‌کند. همچنین، تأسیس و توسعه‌ی بورس مالزی در متن طرح جامع بازار سرمایه‌ی دولت انجام شده که برای افزایش توان رقابت بین‌المللی و استفاده از منابع مزیت رقابتی طراحی شده است.

• آفریقای جنوبی: به گفته‌ی اسکریمگور و و شپارد (۱: ۱۹۹۸)، اصلاحات در آفریقای جنوبی از جنبه‌های بسیار، مدلی مدرسه‌ای از اقدامی کاملاً حساب شده بوده است. دولت چارچوب را تعیین کرد، بجز در شرایط کاملاً تعریف شده به سیاست عدم دخالت پایبند ماند و به بخش کشاورزی امکان داد تا در راستای دیدگاه‌های حساب شده‌ی صنعت که با مکانیزم‌های قیمت‌گذاری بازار هدایت می‌شد توسعه یابد.

اگرچه دخالت دولت در بازارهای کالا (فیزیکی و آتی) ممکن است ضروری و سودمند باشد، ممکن است دولت‌ها بخواهند شیوه‌ها و اهداف چنین دخالت‌هایی را کاملاً بررسی کنند. همچنین هر یک از بورس‌های مورد مطالعه از سطح بالای مسئولیت‌پذیری و خود انتظامی برخوردارند. بنابراین، تقویت روابط نزدیک و سازنده‌ی میان بورس‌ها، نهادهای نظارتی و سایر ذینفعان دولتی یکی از الزامات اصلی برای همه‌ی طرف‌های ذیربط است.

پیام ۸: بورس به تنهایی عمل نمی‌کند

یک بورس کالا نمی‌تواند در خلا ایجاد شود. بورس برای بقای خود به مجموعه‌ی قدرتمندی از سازمان‌ها، نهادها و ساختارهای حمایتی یا تکمیلی وابسته است. ازجمله می‌توان به مراجع نظارتی، کارگزاران، نهادهای مالی، انبارها، نهادهای پشتیبانی و تأمین کنندگان خدمات مدیریت وثایق، آژانس‌های رده‌بندی و تأیید کیفی و سازمان‌های گردآوری و انتشار اطلاعات اشاره کرد که در بازارهای نقدی و آتی فعالیت دارند. چارچوب مناسب قانونی- نظارتی نیز برای حمایت از سرمایه‌گذاران، حفظ یکپارچگی بازار و مدیریت ریسک‌های سیستمی از اهمیت زیادی برخوردار است. این چارچوب باید قوانین عمومی (از قبیل قوانین مالکیت، قراردادها، جرایم، بانکداری، ورشکستگی و قانون تجارت عمومی) و قوانین اختصاصی عملیات بازار (از قبیل قوانینی که روابط حقوقی میان مشتریان، کارگزاران، بورس‌ها، اتاق‌های پایاپای و بانک‌های تسویه را تعریف

می‌کنند، حقوق مالکیت و حقوق قراردادی موجود در بازار و ورشکستگی فعالان بازار) را با یکدیگر ترکیب کند (کورکوران و همکاران، ۲۰۰۲).

بورس همچنین تنها بخشـــی از چارچوب سیاستی کالا و البته بخشی پویاست. بنابراین، نباید بورس را نوش‌داروی تمام دردهای بخش‌های کالای کشورهای در حال توسعه دانست. سرمایه‌گذاری دولت در زمینه‌ی زیرساخت‌ها، نهادهای بازار و ظرفیت سازی در کشاورزان اهمیت بنیادینی دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه برنامه‌های تجاری‌سازی و تشکیل تعاونی برای کشاورزان کوچک در اولویت برنامه‌های اقتصادهای مورد مطالعه قرار دارد و اغلب پیش‌شرط مشارکت موفقیت آمیز کشـــاورزان خرده‌پا در بازارها محسوب می‌شود. آژانس‌های پژوهش، توسعه و گسترش کشاورزی ابزارهای سیاستی ثابت شده‌ای در راستای ارتقای بخش‌های کالا و معیشت کشاورزان هستند. آژانس‌های ترویج صادرات و چارچوب‌های حاکم بر کشاورزی بین‌المللی از عوامل اصلی تعیین کننده‌ی توسعه‌ی بازار هستند. سایر ابتکارات سیاستی که برای حمایت و تقویت سطوح درآمد کشاورزان به‌کار رفته‌اند شامل حداقل قیمت‌های تضمینی و خرید دولتی، اعتبارات یارانه‌ای، نهاده‌ها و تجهیزات، بیمه‌ی کشاورزی، برنامه‌های متنوع سازی کالاها و انگیزش‌ها یا معافیت‌های مالیاتی است.

پیام ۹: وجود فضا برای پژوهش بیشتر

این مطالعه چارچوبی برای درک تأثیرات توسعه‌ای بورس‌های کالا در کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کند. از آنجا که این حوزه به‌سرعت در حال توسعه است و اهمیت آن به تازگی مشخص گردیده است، پیشنهاد می‌شود گام‌های دیگری برای تعمیق درک در این حوزه برداشته شود: افزایش سطح پایش، ارزیابی و تحلیل تأثیرات بورس در محیط‌های مختلف کشورهای در حال توسعه؛ تأسیس محافلی برای به اشتراک گذاشتن تجربیات و چشم‌اندازهای ذینفعان سازمان‌های مختلف (دولت‌ها، بورس‌ها، بخش خصوصی، جامعه‌ی مدنی و دانشگاه‌ها)؛ تولید ایده‌هایی درباره‌ی خط مشـــی‌های مورد استفاده در سایر کشورهای در حال توسعه و آگاهی بخشی مستمر درباره‌ی راز گشایی از بورس‌های کالا.

به‌ویژه این مطالعه با شکاف‌های اطلاعاتی زیادی در ارزیابی از تأثیرات بورس‌های کالا روبروست. بسیاری از تأثیرات براساس گواهی فعالان بازار یا منابع فرعی تأیید شده‌اند. از ٦٦ فرضیه‌ی تأثیر مثبتی که برای آن‌ها شـــواهدی یافت شده است، ۳۸ فرضیه (همان‌طور که در ضمیمه‌ی ٤ مشـــخص است) بر داده‌های غیرکمّی استوار بوده‌اند. درنتیجه، از عمق

و گســـتره و توزیع آن‌ها اطلاعاتی در دست نیست[۱]. در مورد ده فرضیه‌ی تأثیر دیگر، هیچ نوع مدرک و شـــواهدی در دفاع یا نفی این فرضیات در بازارهای مورد مطالعه پیدا نشد. دربـــاره‌ی ۳۸ فرضیه‌ای که بر داده‌هـــای غیرکمّی مبتنی بودند و ده فرضیه‌ای که هیچ گونه مدرکی برای نفی یا اثبات آن وجود نداشت فضای کافی برای پژوهش وجود دارد. به‌ویژه می‌توان به مطالعه در ســـطح خرد، یعنی در ســـطح کشاورزان یا سرمایه‌گذاران اشاره کرد. نخســـتین گام در این راه طراحی ابزاری مناسب برای سنجش و گردآوری است. با وجود این، باید پذیرفت که شاید سنجش همه تأثیرات عملی یا آسان نباشد.

همچنیـــن باید به این نکته توجه کرد که در حمایت از ۱۷ فرضیه‌ی تأثیر مثبت در تنها یکی از بازارهای مورد مطالعه شواهدی به دست آمد. در بازارهای دیگر، شواهد موجود یا برخلاف وقوع این تأثیرات بود یا اینکه در حمایت یا در نفی این فرضیات مدرکی به دست نیامـــد. بنابراین، برای تأیید اینکه این تأثیرات در جاهـــای دیگری نیز رخ داده‌اند یا اینکه منحصر به فرد هســـتند نیاز به پژوهش بیشتر است. اگر حالت دوم صحیح باشد، می‌توان برای یافتن دلایل اینکه برخی تأثیرات تنها در یک کشـــور رخ دادند مطالعات بیشـــتری را انجام داد. شـــاید دلیل این مسئله به‌کار گیری رویکردی مبتکرانه در یکی از بورس‌ها باشد که درس‌هایش باید به سایر بورس‌های کشورهای در حال توسعه نیز منتقل شود، یا شرایط محلی، یعنی شرایط اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی منحصر به فرد بازار خاصی باشد که رویکرد منحصر به فردی را به توسعه‌ی بورس برگزیده است.

۱- در اینجا منظور از گستره، تعداد کسانی است که از یک تاثیر مثبت سود می‌برند. عمق، به مقیاس تاثیرات مثبتی اشاره دارد که برای هر ذینفع ایجاد می‌شود (مثلاً کدام اقشار جامعه یا چه نوع کشاورزی یا مواردی از این دست).

فصل ۱۳- پیشنهادات

برای کشورهای در حال توسعه:

• هنگامی که بورس (یا بورس‌های) کالا از قبل موجود نباشـــد، ارزیابی توجیه‌پذیری تأسیس بورس کالا (یا بورس‌های کالا)؛ تعیین اینکه آیا بورس باید خدمات ثبت و تسهیل معامله را انجام دهد یا بازارهایی را برای ابزارهای نقدی، تحویل در آینده، تأمین مالی و / یا ابزارهای آتی فراهم کند؛

• اطمینان از چارچوب نظارتی کلی‌ای که شـــفافیت و سلامت بازارهای کالا را حفظ کند، از فعالان بازار در برابر اقدامات غیرمســـئولانه حمایت کند و ریســـک‌های ناشی از عملیات بازار را به خوبی مدیریت کند؛

• اطمینان از اینکه چارچوب گسترده‌تر حقوقی- اقتصادی، فعالیت‌های بورس و رفع موانـــع نابجایی که کارکردهای بورس را محدود می‌کنند (بجز مواردی که ســـایر الزامات بنیادین یا راهبردی توسعه‌ی ملّی ضروری می‌سازد) را تضمین می‌کند؛

• توســـعه‌ی عناصری از زیرساخت‌های فیزیکی که از توســـعه‌ی بورس کالا و بازار حمایت می‌کند (ازجمله فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، برق، انبار سازی و تدارکات)؛

• آگاهـــی از اینکه رویکردی قانون محور یا اصول‌مند (به جای رویکرد دل‌بخواهی یا تصادفی) بنیان اصلی توسعه‌ی بازار و موفقیت بورس است؛

• همراستا سازی سایر عناصر سیاست کالا برای حمایت از گسترش مزیت‌های مثبت بورس‌های کالا در بخش‌های کشـــاورزی، ازجمله برای کشاورزان خرده‌پا با شیوه‌هایی از قبیل گنجاندن درک کارکردهای بازار در برنامه‌های تجاری‌سازی و تشکیل تعاونی؛

• پیشـــبرد یکپارچه ســـازی بخش‌های کالا و مالی، با حذف محدودیت‌های بی‌مورد مشارکت نهادهای مالی در بازارها و حمایت از توسعه‌ی بازار؛

• نمایش حمایت از بازار و بدین وســـیله ایجاد اعتماد به ســـایر نهادها برای مشارکت در بورس. یکی از نشانه‌های قدرتمند می‌تواند هدایت سیاست‌های امنیت غذایی دولت از طریق مکانیزم‌های بورس باشد. یکی دیگر از نشانه‌های قدرتمند می‌تواند پوشش ریسک سازمان‌های

دولتی در برابر نوسان قیمت‌ها با استفاده از مکانیزم‌های مدیریت ریسک قیمت بورس باشد.

برای بورس‌های با سابقه در کشورهای درحال توسعه:

• افزایش آگاهی از تأثیرات واقعی و بالقوه‌ی توسعه که ناشی از خدمات بورس‌های کالا در کشورهای در حال توسعه هستند و پذیرش اینکه تعقیب این تأثیرات نمایانگر راه‌حل برد- برد برای بورس و اقتصاد است؛

• آموزش ذینفعان اصلی درباره‌ی کارکردها، فعالیت‌ها، خدمات و مزیت‌های بورس (ازجمله کاربران بازار، فعالان بخش کالا، دولت، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و جامعه مدنی)؛

• مشارکت با سایر نهادهایی که برای تحویل خدمات بورس به‌کاربران بازار و افزایش تأثیر آن‌ها بر کاربران بازار، به‌ویژه جوامع روستایی در جایگاه مناسبی قرار دارند. چنین نهادهایی ممکن است شامل تعاونی‌ها/ انجمن‌های کشاورزی، آژانس‌های دولتی، موسسات پژوهشی، سازمان‌های گسترش خدمات، موسسات مالی و موسسات تخصصی ارائه اعتبارات خرد و سازمان‌های جامعه‌ی مدنی باشد؛

• به اشتراک گذاردن تجربیات و بهترین عملکردها با سایر بورس‌های کالا در کشورهای در حال توسعه؛

• حمایت از پژوهش‌های بیشتر درباره‌ی نقش و مزیت‌های بورس‌های کالا در کشورهای در حال توسعه.

برای تعاونی‌ها/انجمن‌های کشاورزی کشورهای در حال توسعه:

• طرفداری از ارائه‌ی خدمات بورس‌های کالا به اعضای خود و دولت و حمایت از ایجاد آن‌ها در صورت امکان؛

• افزایش آگاهی، آموزش و ظرفیت سازی در میان کشاورزان درباره‌ی کارکردها، عملیات، خدمات و مزیت‌های بورس کالا (ازجمله کاربرد مناسب مدیریت ریسک قیمت، اطلاعات بازار و مکانیزم‌های مالی)؛

• بررسی توجیه‌پذیری واسطگی میان بورس‌ها و کشاورزان، به‌ویژه برای تجمیع الزامات کشاورزان کوچک و اقدام از طریق بورس؛

• ارزیابی محدوده‌ی اختیارات خود برای مدیریت ریسک قیمت، به‌ویژه در مواردی که سازمان نهاده‌ها، اعتبار، خدمات بازاریابی یا فراوری را به اعضای خود ارائه می‌دهد؛

• پایش و گزارش تأثیرات بورس‌های کالا بر جوامع روستایی برای پر کردن بخشی از شکاف اطلاعاتی کنونی. این مسئله با نگاهی به آگاه ساختن بورس‌ها از بهترین شیوه‌ی

بهبود تأثیرگذاری خدماتی که به جوامع تولیدکننده ارائه می‌دهند انجام می‌شود.

برای سازمان‌های جامعه‌ی مدنی کشورهای در حال توسعه:

• شناسایی فرصت بزرگی که برای مشارکت سازمان‌های جامعه‌ی مدنی در مشارکت‌هایی که دارای ذینفعان متعدد است برای ایجاد و توسعه‌ی بورس‌های کالا در کشورهای در حال توسعه؛

• آگاهی بخشی، آموزش و ظرفیت سازی در میان کشاورزان درباره‌ی کارکردها، عملیات، خدمات و مزیت‌های بورس کالا؛

• ایجاد مجرایی برای انتشار اطلاعات بازار در میان کشاورزان خرده‌پا یا کشاورزانی که در نقاط دورافتاده زندگی می‌کنند؛

• بررسی توجیه‌پذیری واسطگی میان بورس‌ها و کشاورزان، به‌ویژه برای تجمیع نیازمندی‌های کشاورزان کوچک و اجرای این فعالیت‌ها ازطریق بورس؛

• پایش و گزارش تأثیرات بورس‌های کالا بر جوامع روستایی برای پر کردن بخشی از شکاف اطلاعاتی کنونی. این مسئله با نگاهی به مطلع ساختن بورس‌ها از بهترین شیوه‌ی بهبود تأثیرگذاری خدماتشان بر جوامع تولیدکننده انجام می‌شود.

برای بخش خصوصی کشورهای درحال توسعه:

• برای متصدیان نهادهای حمایتی یا تکمیلی (از قبیل بانک‌ها، کارگزاران، متصدیان انبار، سازمان‌های درجه‌بندی)، همکاری با بورس‌های کالا در توسعه‌ی بازار؛

• برای اتاق‌های پایاپای، موسسات مالی و کارآفرینان، شناسایی فرصت‌های بزرگ بالقوه (تجاری و توسعه‌ای) با تأمین دسترسی تولیدکنندگان خرده‌پای کالا به ابزارهایی که در بورس معامله می‌شوند و توسعه‌ی ابزارهای موثر و مجراهای تحویل برای میسر ساختن استفاده‌ی سودمند از آن‌ها.

برای جامعه بین‌المللی:

• آگاهی بخشی و کمک به دولت‌ها، جامعه‌ی محلی، دانشگاهیان و بخش خصوصی؛

• ارائه‌ی دیدگاهی متعادل درباره‌ی مزیت‌ها و محدودیت‌های بورس‌های کالا و خدماتی که ارائه می‌دهند، براساس پژوهش‌های کاربردی تجربی؛

• ارائه‌ی کمک‌های حمایتی و فنی به کشورهایی که به دنبال تأسیس و توسعه‌ی بورس کالای موفق و چارچوب نظارتی موفق هستند؛

• تسهیل به اشتراک گذاردن اطلاعات، بهترین عملکردها، تجربیات و تخصص‌ها در داخل کشورهای در حال توسعه و در میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه؛

• در نظر گرفتن بورس‌های کالا به‌عنوان دریافت کنندگان ارزشمند حمایت‌های مالی سازمان‌های ارائه دهنده‌ی کمک‌های دوجانبه و چندجانبه و همچنین کمک‌های سازمان‌های مجری.

فصل ۱۴- فهرست منابع

1- Ahmad F (2001). Sustainable agriculture system in Malaysia. Paper presented at Regional Workshop on Integrated Plant Nutrition System, Development in Rural Poverty Alleviation. 18–20 September 2001. Available at: http://banktani.tripod.com/faridah.pdf.
2- AllAfrica. com (2007). South Africa: Government seeking biofuels clarity. Online edition. 31 July 2007. Available at: http://allafrica.com/stories/200707310213.html
4- Arshad F and Shamsudin M (1997). Rural development model in Malaysia. Universiti Putra Malaysia paper. Available at: http://www.econ.upm.edu.my/~fatimah/rural.pdf
5- Bank for International Settlements (2007). Financial investors and commodity markets. BIS Quarterly Review. March 2007.
6- Banque de France (2006). Commodities: an asset class in their own right? Banque de France Financial Stability Review. No. 9. December 2006.
7- Beenen J (2005). Commodities as a strategic investment for PGGM. In: Lewis M, ed. An investor guide to commodities. Deutsche Bank.
8- Berg A (2007). The HAFED experience – wheat hedging on the NCDEX. USAID report for the Government of India. Available at: http://www.fmi-inc.net/news/pdfs/HAFEDExperience.pdf.
10- Brazzil Magazine (2007). Leather in Brazil is a US$21 billion industry. Online edition. 11 May 2007. Available at: http://www.brazzilmag.com/content/view/8254/54/.
11- Bunge Limited (2006). The role of Brazilian agriculture in human development. Available at http://www.bunge.com/US/en/media/Role_of_Brazilian_Agriculture.pdf.
12- Business Standard (2007). MCX to churn out 10,000 industry professionals. Online edition. 14 May 2007. Available at: http://businessstandard.in/common/storypage_c.php?leftnm=10andautono=284331.
13- Cattaneo A (2002). Balancing agricultural development and deforestation in the Brazilian Amazon. In: International Food Policy Research Institute (IFPRI) Research Report. No. 129.
14- Chaddad F and Jank M (2006). The evolution of agricultural policies and agribusiness development in Brazil. In: Choices. American Agricultural Economics Association: 21 (2).
15- Chandler A (1977). The Visible Hand. Cambridge, Massachusetts. Harvard University Press.
16- Chin F (Datuk) (2006). Opening speech by the Minister of Plantation Industries and Commodities. Annual Palm Oil Conference 2006/07. 23 February 2006. Malaysia.
17- China Business Weekly (2005). China dealers strive for influence in global pricing. Online edition. 27 January 2007. Available at: http://www.dce.com.cn.
18- China Daily (2007). New rules on financial futures issued. Online edition. 17 March 2007. Available At: http://www.chinadaily.com.cn/china/2007-03/17/content_830175.htm.
19- China Economic Net (2006). Nation becoming net corn importer. Online edition. 24 November. Available at: http://en.ce.cn/Industries/Basic-industries/200611/24/t20061124_9562919_1.shtml.
20- China Economic Net (2007). Futures market boosts China's grain production. Online edition. 5 July 2007. Available at: http://en.ce.cn/Insight/200707/05/t20070705_12064438.shtml.
21- China Statistical Yearbook (1996 and 2006).

22- Choices Magazine (2006). Modern beef production in Brazil and Argentina. 21 (2). Available at: http://www.choicesmagazine.org/2006-2/tilling/2006-2-12.htm.
23- Claessens S and Qian Y (1991). Risk management in sub-Saharan Africa. Working paper. WPS 593. World Bank. February 1991.
24- Claessens S and Duncan R, eds. (1993). Managing Commodity Price Risk in Developing Countries. Johns Hopkins University Press. Baltimore.
25- Commodity Online (2007). India to witness warehousing boom. 9 July 2007. Available at: http://www.commodityonline.com/newnews.php?id=1975.
26- Corcoran A et al. (2003). Designing a derivatives complement to cash markets in developing countries. In: Dowers K and Maschi P, eds. (2003). Focus on capital: New approaches to designing Latin American capital markets. Inter-American Development Bank. Washington.
27- De Almeida L and Zylbersztajn D (2007). The determinants of capital structure choice for soybean production in Brazil. Paper delivered to the International Agribusiness Management Association (IAMA) conference, 2007. Available at:
http://www.ifama.org/conferences/2007Conference/SymposiumPapers_files/1040_Paper.pdf.
28- De Brauw A, Huang J, and Rozelle S (2004). The sequencing of reform policies in China's agricultural transition. In: Economics of Transition. 12 (3).
29- Department of Agriculture of China (2006). Abstract of Agricultural Statistics. December 2006.
30- Driskill R, McCafferty S and Sheffrin S (1991). Speculative intensity and spot and futures price variability. In: Economic Inquiry. 29.
31- Economic Times (2007a). Mentha oil dabba trade flourishes in Uttar Pradesh (UP). Online edition. 27 July 2007. Available at:
http://economictimes.indiatimes.com/Markets/Commodities/Mentha_oil_dabba_trade_flourishes_in_UP/articleshow/2237678.cms.
32- Economic Times (2007b). Farmers bet future on market they don't grasp. Online edition. 29 July 2007. Available at: http://economictimes.indiatimes.com/articleshow/2241613.cms.
33- Economist (2007). Get the gangsters out of the food chain: New commodities exchanges may help feed more of the starving. Online edition. 7 June 2007.
34- Fafchamps M (2000). Farmers and Price Fluctuations in Poor Countries. Annual World Bank conference in development economics. University of Oxford, Department of Economics. Oxford.
35- Fan S and Cohen M J (1999). Critical choices for China's agricultural policy. IFPRI 2020 Vision Brief. No. 60. Available at: http://www.ifpri.org/2020/briefs/number60.htm.
36- Food and Agriculture Organization of the United Nations (2004). The State of Food Insecurity in the World 2004.
37- Food Pricing Monitoring Committee (2003). Final Report – Food Pricing Monitoring Committee (South Africa). Available at http://www.nda.agric.za.
38- Furness C (2005). Agricultural and soft commodities: Benefiting from the rise in overall liquidity.
39- FOA Derivatives Conference. 2005. China.
40- Global Agriculture Information Network (GAIN) (2007). China Grain and Feed Annual 2007. GAIN report CH7015. Available at: http://www.fas.usda.gov/gainfiles/200703/146280323.pdf
41- Gilbert C (2004). Trends and volatility in agricultural commodity prices. Paper presented to the Symposium on the state of research and future directions in agricultural commodity markets and trade. Held at FAO, Rome. December 16–17, 2003.
42- Globo Rural (2006a). Safra de verão. Online edition. 1 October 2006. Available at:
http://globoruraltv.globo.com/GRural/0,27062,LTO0-4370-245120,00.html
43- Globo Rural (2006b). Safra de verão. Online edition. 31 October 2006. Available at:
http://globoruraltv.globo.com/GRural/0,27062,LTO0-4370-249970,00.html
44- Globo Rural (2007a). De olho na safra: soja. Online edition. 15 January 2007. Available at:
http://globoruraltv.globo.com/GRural/0,27062,LTO0-4370-261631,00.html.

45- Globo Rural (2007b). Mercado do boi gordo. Online edition. 13 March 2007. Available at: http://globoruraltv.globo.com/GRural/0,27062,LTO0-4370-270737,00.html.
46- Globo Rural (2007c). Engorda do gado. Online edition. 24 June 2007. Available at: http://globoruraltv.globo.com/GRural/0,27062,LTO0-4370-287925,00.html.
47- Government of India (2002). Agriculture. Tenth Five-Year Plan (2002–2007). 2 (5.1).
48- Government of India (2007a). Economic Survey 2006/07.
49- Government of India (2007b). Working Group on Risk Management in Agriculture for the Eleventh.
50- Five-Year Plan (2007–2012). Government of India Planning Commission. January 2007.
51- Government of India (2007c). Working Group on Agricultural Marketing Infrastructure and Policy.
52- Required for Internal and External Trade for the Eleventh Five-Year Plan (2007–12). Government of India Planning Commission. January 2007.
53- Government of Malaysia (2005). The National Biofuel Policy. Available at: http://www.palmoil.com/index.php?q=D1VTW1tASgIEAhEbVg9RAgsIBw.
54- Government of Malaysia (2006). The Ninth Malaysia Plan, 2006-2010.
55- Habibullah W (2003). Report of the inter-ministerial task force on convergence of securities and commodity derivative markets. Available at: http://www.fmc.gov.in/htmldocs/reports/rep03.htm.
56- Haigh M, Hranaiova J and Oswald J (2005). Price dynamics, price discovery and large futures trader interactions in the energy complex. United States Commodity Futures Trading Commission Working Paper. Available at http://www.cftc.gov/files/opa/press05/opacftc-managed-moneytrader-study.pdf.
57- Hardiker J (2006). One suicide every 8 hours. Article in Daily News and Analysis newspaper. Online edition. 26 August 2007. Available at: http://www.dnaindia.com/report.asp?NewsID=1049554.
58- Hathaway K (2007). The potential effects of government intervention in a market economy. United States Agency for International Development (USAID) report for the Government of India. Available at: http://www.fmi-inc.net/news/pdfs/EffectsGovtIntervention.pdf
59- Hazell P et al. (2007). The future of small farms for poverty reduction and growth. IFPRI 2020 discussion paper 42. May 2007.
60- Hindu Business Line (2007). Geojit reports rise in deliveries of contracts. Online edition. 15 April 2007. Available at: http://www.thehindubusinessline.com/2007/04/15/stories/2007041500130400.htm.
61- Hudson R, ed. (1997). Brazil: A Country Study. Washington. Government Printing Office (GPO) for the Library of Congress.
62- Ibbotson Associates (2006). Strategic asset allocation and commodities. Available at: http://www.pimco.com/LeftNav/Viewpoints/2006/Ibbotson+Commodity+Study.htm.
63- India eNews (2007). Farm suicides spiral in Vidarbha, 401 dead since January. Online edition. 28 May 2007. Available at: http://www.indiaenews.com/politics/20070528/53705.htm.
64- International Institute for Environment and Development (2006). Towards better practice in smallholder palm oil production. Available at: http://www.iied.org/pubs/pdf/full/13533IIED.pdf.
65- International Institute for Sustainable Development (2007). Back to basics: getting to the fundamentals of poverty reduction by addressing commodity-price volatility. Available at: http://www.iisd.org/markets/policy/price.asp.
66- International Monetary Fund (2006a). Global Financial Stability Report. Available at: http://www.imf.org/external/pubs/ft/GFSR/2006/01/index.htm.
67- International Monetary Fund (2006b). World Economic Outlook. Available at: http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2006/01/index.htm.
68- International Task Force on Commodity Risk Management in Developing Countries (2003).

Making markets work for the smallholder producers – mitigating inter-season price volatility. ITF–CRM. Available at: http://www.itf-commrisk.org/documents/interseason.pdf.
69- International Organization of Securities Commissions (2003). Objectives and principles of securities regulation. Available at: http://www.iosco.org.
70- Ismail A, Simeh A and Noor M (2003). The production cost of oil palm fresh fruit bunches: the case of independent smallholders in Johor. Malaysian Palm Oil Board. Available at: http://palmoilis.mpob.gov.my/publications/opiejv3n1-1.pdf.
71- Jha R (2007). Investment and subsidies in Indian agriculture. Australia South Asia Research Centre working paper. Australia South Asia Research Centre, Research School of Pacific and Asian Studies, Australian National University, Canberra.
Available at: http://rspas.anu.edu.au/papers/asarc/WP2007_03.pdf.
72- Larson D, Anderson J and Varangis P (2004). Policies in managing risk in agricultural markets. In: The World Bank Research Observer. 19 (2).
73- Li X (2007). Developments of commodity exchanges in China. Presentation made at the Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO) Conference on Commodity Exchanges.
74- Istanbul. 15 May 2007. China National Grains and Oilseed Information Centre.
75- Mahadevan R (2003). Productivity growth in Indian agriculture: the role of globalization and economic reform. Asia-Pacific Development Journal. 10 (2).
76- Majid, Dato M (1996). Introduction to futures regulation in Malaysia. Speech given by the chairman of the Securities Commission, Malaysia, to the Asia Pacific Futures Regulators' Forum.
77- Mallick R, Dasgupta S and Ahmed M (2002). Exploring Impact Assessment Methodology for Farming Systems Research and Development. Prepared for the seventeenth symposium of the International Farming Systems Association. Florida, United States. November 2002. Available at: http://conference.ifas.ufl.edu/ifsa/posters/Mallick.doc.
78- Mint (2007a). Futures trading ban no solution. Printed edition. 3–4 March.
79- Mint (2007b). NBHC receipts help more farmers with credit. Online edition. 18 July 2007. Available At: http://www.livemint.com/Articles/2007/07/18010505/NBHC-warehousing-receipts-help.html.
80- Morduch J (1999). The Microfinance Promise. Journal of Economic Literature. December: 37 (4).
81- Morduch J and Haley B (2002). Analysis of the effects of microfinance on poverty reduction. NYU Wagner working paper no. 1014. New York University.
82- Morgan C (1999). Futures markets and spot price volatility: a case study. Journal of Agricultural Economics. 50 (2).
83- Nair, C K G (2004) "Commodity Futures Markets in India: Ready for 'Take off'?" A paper for NSE India, available: http://www.nse-india.com/.
84- National Bureau of Economic Research (2004a) "Managing volatility and crises: A practitioner's guide overview", NBER Working Paper 10602, available: http://www.nber.org/papers/w10602.
85- National Bureau of Economic Research (2004b) "Facts and fantasies about commodity markets", NBER Working Paper 10595, available: http://www.nber.org/papers/w10595.
86- National Agricultural Marketing Committee, South Africa (1999) "The Wheat To Bread Value Chain", Section 7 Committee Evaluating the Deregulation Process.
87- OECD (2005) "Agricultural Policy Reform in China", OECD Policy Brief, October 2005.
88- OECD (2005) "Agricultural Policy Reform in Brazil", OECD Policy Brief, October 2005.
89- OECD (2006) "Agricultural Policy Reform in South Africa", OECD Policy Brief, April 2006.
90- International Task Force on Commodity Risk Management in Developing Countries (2003). Making markets work for the smallholder producers – mitigating inter-season price volatility. ITF–CRM. Available at: http://www.itf-commrisk.org/documents/interseason.pdf.
91- International Organization of Securities Commissions (2003). Objectives and principles of securities regulation. Available at: http://www.iosco.org.

92- Ismail A, Simeh A and Noor M (2003). The production cost of oil palm fresh fruit bunches: the case of independent smallholders in Johor. Malaysian Palm Oil Board. Available at: http://palmoilis.mpob.gov.my/publications/opiejv3n1-1.pdf.
93- Jha R (2007). Investment and subsidies in Indian agriculture. Australia South Asia Research Centre working paper. Australia South Asia Research Centre, Research School of Pacific and Asian Studies, Australian National University, Canberra. Available at: http://rspas.anu.edu.au/papers/asarc/WP2007_03.pdf.
94- Larson D, Anderson J and Varangis P (2004). Policies in managing risk in agricultural markets. In: The World Bank Research Observer. 19 (2).
95- Li X (2007). Developments of commodity exchanges in China. Presentation made at the Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO) Conference on Commodity Exchanges.
96- Istanbul. 15 May 2007. China National Grains and Oilseed Information Centre.
97- Mahadevan R (2003). Productivity growth in Indian agriculture: the role of globalization and economic reform. Asia-Pacific Development Journal. 10 (2).
98- Majid, Dato M (1996). Introduction to futures regulation in Malaysia. Speech given by the chairman of the Securities Commission, Malaysia, to the Asia Pacific Futures Regulators' Forum.
99- Mallick R, Dasgupta S and Ahmed M (2002). Exploring Impact Assessment Methodology for Farming Systems Research and Development. Prepared for the seventeenth symposium of the International Farming Systems Association. Florida, United States. November 2002. Available at: http://conference.ifas.ufl.edu/ifsa/posters/Mallick.doc.
100- Mint (2007a). Futures trading ban no solution. Printed edition. 3–4 March.
101- Mint (2007b). NBHC receipts help more farmers with credit. Online edition. 18 July 2007. Available At: http://www.livemint.com/Articles/2007/07/18010505/NBHC-warehousing-receipts-help.html.
102- Morduch J (1999). The Microfinance Promise. Journal of Economic Literature. December: 37 (4).
103- Morduch J and Haley B (2002). Analysis of the effects of microfinance on poverty reduction. NYU Wagner working paper no. 1014. New York University.
104- Morgan C (1999). Futures markets and spot price volatility: a case study. Journal of Agricultural Economics. 50 (2).
105- Nair, C K G (2004) "Commodity Futures Markets in India: Ready for 'Take off'?" A paper for NSE India, available: http://www.nse-india.com/.
106- National Bureau of Economic Research (2004a) "Managing volatility and crises: A practitioner's guide overview", NBER Working Paper 10602, available: http://www.nber.org/papers/w10602.
107- National Bureau of Economic Research (2004b) "Facts and fantasies about commodity markets", NBER Working Paper 10595, available: http://www.nber.org/papers/w10595.
108- National Agricultural Marketing Committee, South Africa (1999) "The Wheat To Bread Value Chain", Section 7 Committee Evaluating the Deregulation Process.
109- OECD (2005) "Agricultural Policy Reform in China", OECD Policy Brief, October 2005.
110- OECD (2005) "Agricultural Policy Reform in Brazil", OECD Policy Brief, October 2005.
111- OECD (2006) "Agricultural Policy Reform in South Africa", OECD Policy Brief, April 2006.
112- OECD (2007) "Agricultural Policy in Non-OECD Countries: Monitoring and Evaluation", available: http://www.oecd.org/dataoecd/58/45/35314840.pdf.
113- Osorio, N (2004) "Lessons from the world coffee crisis: A serious problem for sustainable development", Submission to UNCTAD XI, São Paulo, Brazil, June 2004, available: http://dev.ico.org/documents/ed1922e.pdf
114- Peck, A E (2004) "The Development of Futures Markets in China: Evidence of Some Unique Trading Characteristics", Symposium on Risk Management in Less Developed and More Developed Countries, November 2004, Monash University, Melbourne Australia.

115- Peng, W, Yong, I and Suo,R (2006) “Commodity futures market in Mainland China: Recent developments and issues”, China Economic Issues, No. 6 (6), December 2006.
116- Portal Exame (2007) “Eles são a elite do agronegócio”, online edition (12/07/07), available: http://portalexame.abril.com.br/revista/exame/edicoes/0897/negocios/m0133400.html.
117- Prahalad, C.K. (2004), The Fortune at the Bottom of the Pyramid: Eradicating Poverty through Profits (Wharton School Publishing).
118- Reuters (2004) “China corn futures debut fires hopes for free market”, 20/09/2004, available: http://www.dce.com.cn.
119- Rothstein, M (1966) “The International Market for Agricultural Commodities, 1850-1873”, in D T Gilchrist and W D Lewis (eds.) Economic Change in the Civil War Era. (Delaware: Eleutherian Mills-Hagley Foundation).
120- Runsheng, D (2006) “The course of China’s rural reform”, IFPRI, available: http://www.ifpri.org/pubs/books/oc52.pdf.
121- Rutten, L and Youssef, F (2007) “Market-based price-risk management: An exploration of commodity income stabilization options for coffee farmers”, a paper for the International Institute for Sustainable Development (IISD), available: http://www.iisd.org/pdf/2007/trade_price_risk.pdf.
122- Sahadevan, K G (2007) “Advantages of commodity futures trading through electronic trading platform for farmers of Uttar Pradesh: A study of potato and mentha”, a report for Multi Commodity Exchange of India Limited.
123- Santos, J (2002) “Did futures markets stabilize US grain prices”, Journal of Agricultural Economics, Volume 53, Number 1 (March 2002).
124- Scrimgeour, F and Sheppard, R (1998) “An Economic Analysis of the Deregulation of Selected Israeli, South African and South American Producer Boards”, MAF Policy Information Paper no. 20, available: http://www.maf.govt.nz/mafnet/rural-nz/profitability-and-economics/trends/deregulationanalysis/ httoc.htm.
125- Seeger, C (2004) “Roadmap: Commodity Futures Markets Development in India 2005 and Forward”, USAID, December 2004, available: http://www.fmi-inc.net/news/pdfs/Roadmap.pdf.
126- Sen, S (2005) “The exchange-traded option and the minimum support price”, Financing Agriculture, volume 37, number 4 (Oct - Dec 2005).
127- Simeh, A and Ahmad, T M A T (2001) “The case study on the Malaysian palm oil”, UNCTAD Regional Workshop on Commodity Export Diversification and Poverty Reduction in South and South-East Asia (Bangkok, April 2001).
128- Shim, E (2006) “Success factors of agricultural futures markets in developing countries and their implication on existing and new local exchanges in developing countries”, Thesis submitted to The Fletcher School, Tufts University, 26 April 2006, available: http://fletcher.tufts.edu/research/2006/Shim.pdf.
129- Sinha, Y (2002), Union Budget Speech 2002–2003, Government of India, available: http://indiabudget.nic.in/ub2002-03/bs/speech_a.htm
130- Slater, R and Dana, J (2006) “Tackling Vulnerability to Hunger in Malawi Through Market-based Options Contracts: Implications for Humanitarian Agencies”, Humanitarian Exchange 33, available: http://www.odihpn.org/report.asp?ID=2790.
131- South Centre (2004) “Commodity market stabilization and commodity risk management: Could the demise of the former justify the latter?”, South Centre Analytical Note (SC/TADP/AN/COM/1.
132- State Council of the People’s Republic of China (2007), Regulations on the Administration of Futures Trading, Decree no. 498 issued on February 7th 2007.
133- Sturgess, C (2005) “Agricultural derivatives celebrate 10 years of providing price-risk management”, SAFEX, available http://www.safex.co.za/ap/docs/about/Ten per cent20years per cent20later per cent20APD.pdf.
134- Solot, I B (2006) “China’s agricultural policy trilemma”, Perspectives Magazine, Vol. 7, No.1

(March. 2006): 36-46.
135- vUNCTAD (1997) “Emerging commodity exchanges: From potential to success” (UNCTAD/ITCD/COM/4).
136- UNCTAD (1998) “A survey of commodity risk management instruments” (UNCTAD/COM/15/Rev.2).
137- UNCTAD (2001) “Potential and constraints of the agricultural commodities in the United Republic of Tanzania”, UNCTAD/Common Fund for Commodities Workshop, Geneva, 22-23 March.
138- UNCTAD (2002) “Farmers and farmers’ associations in developing countries and their use of modern financial instruments” (UNCTAD/ITCD/COM/35).
139- UNCTAD (2006a) “Enabling small commodity producers and processors in developing countries to reach global markets” (TD/B/COM.1/EM.32/2).
140- UNCTAD (2006b) “The world’s commodity exchanges: Past, present, future”, available: http://www.unctad.org/commodities.
141- UNCTAD (2007) “The development role of commodity exchanges” (TD/B/COM.1/EM.33/2).
142- USDA (2005) “Brazil: Issues and analysis”, USDA website, updated May 2005, available: http://www.ers.usda.gov/Briefing/Brazil/domsupport.htm.
143- United States Government, Commodity Exchange Act, 1936. United States Federal Act, US Code Title 7, available: http://www.access.gpo.gov/uscode/title7/chapter1_.html.
144- United States Securities and Exchange Commission (SEC) (2007), text taken from website (01/08/07), available: http://www.sec.gov/answers/tmanipul.htm.
145- Van Zyl, J, Fenyes, T I, and Vink, N (1987) “Labour related structural trends in South African maize production”, Agricultural Economics, 1(3).
146- Van Zyl, J, Fenyes, T I, and Vink, N (1992) “Effects of the farmer support programme and changes in marketing policies on maize production in South Africa”. Journal of Agricultural Economics, 43 (3).
147- Varangis, P and Larson, D (1996) “Dealing with Commodity Price Uncertainty”, World Bank Policy Research Working Paper 1667.
148- Varangis, P, Larson, D, and Anderson, J (2002) “Agricultural markets and risks: management of the latter, not the former”, World Bank Policy Research Working Paper 2793.
149- Vink, N and Kirsten, J (2000) “Deregulation of agricultural marketing in South Africa: Lessons learned”, Free Market Foundation Monograph no. 25, May 2000.
150- Von Braun, J, Gulati, A, and Fan, S (2005a) “Agricultural and economic development strategies and the transformation of China and India”, IFPRI 2004–2005 Annual Report Essay
151- Von Braun, J, Gulati, A, Hazell, P, Rosegrant, M W, and Ruel, M (2005b)”Indian agriculture and rural development: Strategic issues and reform options”, IFPRI Strategy Paper, available: http://www.ifpri.org/pubs/ib/ib35.pdf.
152- Wong, L.C.Y. (2007) “Development of Malaysia’s Agricultural Sector: Agriculture as an Engine of Growth”, ISEAS ‘Conference on the Malaysian Economy: Development and Challenges’, 25–26 January 2007, ISEAS Singapore.
153- World Bank (2001) The World Development Report 2000/2001: Attacking poverty, Washington: Oxford University Press.
154- World Bank (2004) “Expanding post-harvest finance through warehouse receipts and related instruments”, Agricultural and Rural Development Notes, Issue 8 2006.
155- WWF (2002) “The palm oil industry in Malaysia: From seed to frying pan”, available: http://assets.panda.org/downloads/oilpalmchainpartaandb_esri.pdf.
156- Xueqin, W and Gorham, M (2002) “The Short Dramatic History of Futures Markets in China”, Global Financial Markets, Spring 2002.
157- Xinhua (2007) “China to Phase Out Corn-based Ethanol Production”, online edition (11/06/07), available: http://www.china.org.cn/english/GS-e/213504.htm.

158- Zhang (2006) “Domestic and foreign soybeans spot market price correlation analysis”, Dalian Commodity Exchange report, September 2006.

ضمیمه ۱- مشخصات مهم قراردادها

	اندازه‌ی قرارداد	خلاصه‌ی تعاریف کیفی	ماه‌های معامله	تعداد و مالکیت مکان‌های تحویل
قهوه‌ی عربی بورس کالا و معاملات آتی برزیل	۶۰۰۰ کیلوگرم (۱۰۰ کیسه ۶۰ کیلوگرمی)	دانه‌های سبز قهوه که در برزیل تولید شده‌اند، نوع ۶ یا بهتر (درجه‌های پایین‌تر قابل قبول نیست)، قهوه‌ی خوب یا بهتر، تحویل در شهر سائوپولو، ایالت سائوپولوی برزیل	۵ ماه: مارس، می، جولای، سپتامبر و دسامبر	تحویل فیزیکی تنها در ۶۴ انبار مورد تایید هر زمان تحویل در شهری بجز سائوپولو انجام شود، هزینه‌های حمل در هنگام تسویه‌ی نقدی کسر می‌شود
گاو زنده‌ی بورس کالا و معاملات آتی برزیل	۳۳۰ آروبای خالص (۱ آروبا = ۱۵ کیلوگرم)	گاو زنده وزن نهایی برای سلاخی نوع: نر، اخته، پروار در چراگاه یا دامداری محصور. وزن: از حداقل ۴۵۰ کیلوگرم تا حداکثر ۵۵۰ کیلوگرم براساس وزن باسکول در محل تحویل	همه‌ی ماه‌ها	بدون تحویل فیزیکی؛ تنها تسویه‌ی نقدی
ذرت بورس کالای دالیان	۱۰ تن	استاندارد پایه؛ درجات جایگزین با کسر قیمت مشخص نیز قابل قبول است: (۱) گرم/لیتر ≤۶۸۵ (کسر قیمت برای ≤۶۶۰) (۲) ناخالصی: ≤۱ درصد (۳) رطوبت: ≤۱۴ درصد (۴) هسته‌ی نرم: ≤۲درصد (کسر قیمت برای ≤۴ درصد) (۵) کل دانه‌های نامرغوب: ≤۸ درصد (۶) بو و رنگ طبیعی (۷) الزامات بسته بندی	۶ ماه: ژانویه، مارس، می، جولای، سپتامبر، نوامبر	انبارهای بورس کالای دالیان؛ ۱۴ انبار مورد تایید بورس
سویای بورس کالای دالیان	۱۰ تن	سویای شماره ۱: استاندارد پایه، سویای درجه سه (ملی) است؛ فقط سویای بدون دستکاری ژنتیک؛ با حداقل استانداردها برای پوشش دانه، ناخالصی و رطوبت؛ با صرف و کسر قیمت با توجه به استاندارد ملّی، میزان رطوبت و ناخالصی. سویای شماره‌ی ۲: سویای دستکاری ژنتیک شده مجاز است، با استانداردهای فوق الذکر بعلاوه میزان پروتئین خام، میزان دانه‌های شکسته و آسیب دیده؛ صرف و کسر قیمت با توجه به محتوای چربی، پروتئین، میزان دانه‌های شکسته	۶ ماه : ژانویه، مارس، می، جولای، سپتامبر، نوامبر	انبارهای بورس کالای دالیان: ۲۱ انبار تایید شده‌ی بورس

	اندازه‌ی قرارداد	خلاصه‌ی تعاریف کیفی	ماه‌های معامله	تعداد و مالکیت مکان‌های تحویل
هل بورس کالای هند	۵۰۰ کیلوگرم	(۱) حداقل سایز غلاف: ۷ میلیمتر (از سپتامبر سال ۲۰۰۷ هل با طول غلاف ۶ میلیمتر با ۱۵درصد کسر قیمت ارائه می‌شود). (۲) غلاف قابل قبول نه غلاف‌هایی که رنگ خود را از دست داده باشند. (۳) بدون دانه‌های سیاه و میوه. (۴) هل نرسیده: حداکثر ۵ درصد. (۵) هل شکسته: حداکثر ۵ درصد. (۶) شته: حداکثر ۳ درصد. (۷) دانه‌های نرسیده، شکسته و شته حداکثر باید در محموع ۷درصد باشند (۸) وزت بر حسب گرم در لیتر: +۴۰۰	همه‌ی ماه‌ها	در یک انبار بورس در واندانمدو
روغن نعنای بورس کالای هند	۳۶۰ کیلوگرم (دو بشکه)	مشخصات کیفی متعدد، ازجمله ظاهر، عطر، رنگ، قابلیت حل شوندگی، درجه بر اساس GLC، ترکیب شیمیایی، وجود رسوب، چربی و روغن، نقطه‌ی ماسیدن و بسته بندی	همه‌ی ماه‌ها	در انبار بورس در چاندوسی
روغن خرمای خام بورس مالزی	۲۵ تن	روغن خرمای خام دارای کیفیت تجاری خوب، به‌صورت فله، بدون سفید کردن، براساس مشخصات زیر: (۱) اسیدهای چرب آزاد حداکثر ۴ درصد (۲) رطوبت و ناخالصی حداکثر ۰/۲۵٪ (۳) حداقل شاخص قابلیت سفید شدن در هنگام تحویل ۲/۵	ماه فروش نقدی و پنج ماه بعدی و بعد از آن یک ماه در میان تا ۲۴ ماه بعد	تحویل به یکی از سه تأسیسات ذخیره سازی بندی مورد تایید بورس، به اختیار فروشنده در بندر کلانگ، پنانگ/بالاروث و پاسیر گودانگ (جوهور)
ذرت سفید بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس	۱۰۰ تن	(۱) ذرت سفید از هر کشوری، درجه WMI براساس مقررات درجه‌بندی آفریقای جنوبی، با رعایت همه‌ی الزامات بهداشتی و مقررات واردات (۲) درجه WM۲ با سایر مشخصات فوق الذکر	همه‌ی ماه‌ها	تحویل فیزیکی رسیدهای سیلوی بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس که نشانه‌ی مالکیت ذرت در انبارهای فله در یکی از ۱۷۷ سیلوی مورد تایید، با نرخ انبارش مورد توافق باشد.
گندم آرد نان بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس	۵۰ تن	گندم آرد نان با کیفیت خوب و قابل فروش، مناسب برای مصرف انسان و براساس قوانین طبقه‌بندی و درجه‌بندی گندم آفریقای جنوبی، تولید شده در آفریقای جنوبی،آرژانتین و گونه‌های امریکایی، کانادایی و استرالیایی	همه‌ی ماه‌ها، با رزرو قبلی برای ماه‌های مارس، می، جولای، سپتامبر و دسامبر	تحویل فیزیکی رسیدهای سیلوی بورس اوراق بهادار پوهانسبورگ/سافکس که نشانه‌ی مالکیت گندم در انبارهای فله در یکی از ۱۴۰ سیلوی مورد تایید، با نرخ انبارش مورد توافق باشد.

ضمیمه ۲- خلاصه‌ی ویژگی‌های نظارتی اصلی در هر بازار

مرجع ناظر	ویژگی نظارت	بورس کالا و معاملات آتی برزیل	بورس کالای دالیان	بورس کالای هند	بورس مالزی	بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ / سافکس
بورس	حداکثر سرمایه‌ی مورد نیاز برای اعضا	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	الزامات مناسب بودن/شخصیت خوب برای اعضا	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	صدور مجوز/صلاحیتهای مورد نیاز برای اعضا	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	نیازمند سپردن وجه تضمین اولیه	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	موقعیت‌های معاملاتی هر روز با بازار کنترل می‌شوند و وجه تضمین مابه التفاوت دریافت می‌شود	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	ممیزی منظم همه فعالیت‌های معاملاتی	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	نظارت صوتی/تصویری فعالیت‌های تالار معاملاتی	✓		مصداق ندارد	مصداق ندارد	مصداق ندارد
بورس	انتشار شفاف و مجانی اطلاعات بازار	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	پایش مستمر برای یافتن الگوهای معاملاتی مشکوک	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	تحلیل آنی ریسک موقعیت‌های معاملاتی اعضا	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	محدودیت‌های تعداد موقعیت معاملاتی برای سوداگران	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	وجه تضمین ویژه در طول دوران نوسان شدید	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	فیلترهای مدار/محدودیت‌های روزانه‌ی حرکت قیمت‌ها	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	وجه تضمین بیشتر یا محدودیت موقعیت معاملاتی در طول ماه تحویل	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	درجه‌بندی سختگیرانه‌ی کالاهای تحویلی	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	تایید و پایش تأسیسات تحویل	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	جریمه‌های تعریف شده برای عدم رعایت الزامات تحویل	✓	✓	✓	✓	✓
بورس	صندوق ضمامت اتاق پایاپای	✓	*	✓	✓	✓
بورس	مکانیزم تعهد اور آربیتراژ برای حل اختلافات	✓	✓	✓	✓	✓
کارگزار	الزامات شناسایی مشتری برای کارگزاران	✓	✓	✓	✓	✓
کارگزار	الزامات جداسازی صندوق مشتری از صندوق کارگزاری	✓	✓	✓	✓	✓

مرجع ناظر	ویژگی نظارت	بورس کالا و معاملات آتی برزیل	بورس کالای دالیان	بورس کالای هند	بورس مالزی	بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ / سافکس
نهاد ناظر بازار	مجوز دادن به بورس و اتاق پایاپای	✓	✓	✓	✓	✓
نهاد ناظر بازار	مجوز کارگزاری	✓	✓		✓	
نهاد ناظر بازار	فرایند تایید قرارداد جدید	✓	✓	✓		
نهاد ناظر بازار	گزارش حجم موقعیت‌های معاملاتی معامله‌گران بزرگ همه‌ی بازارها	✓	✓	✓	مصداق ندارد	مصداق ندارد

***این بورس صندوقی به نام صندوق ریسک نکول با یک کارکرد مشابه را اداره می‌کند.**

ضمیمه ۳- فرضیات مربوط به تاثیرات ناشی از کارکردهای بورس

تاثیر	کشاورز/ دیگران؟	کارکرد	کد
افزایش احتمال اینکه کشاورز در زمانی که علایم قیمتی سطح تقاضا را مشخص می‌کنند بتواند بازاری برای محصولاتش پیدا کند.	کشاورز	کشف قیمت	PD۱
همراستایی بهتر قیمت‌های نقدی و آتی بازار با میسر ساختن آربیتراژ میان دو بازار.	کشاورز	کشف قیمت	PD۲
مکانیزم قیمت‌گذاری محلی نمایانگر عوامل بنیادی صنعت محلی است.	دیگران	کشف قیمت	PD۳
تسهیل مبادلات صنعت (به دلیل در دسترس بودن قیمت‌های مرجع).	دیگران	کشف قیمت	PD۴
پرهیز از کمبود، اشباع و سایر انحرافات/ ناهنجاری‌های قیمت‌گذاری بازار به دلیل بهبود علایم قیمت‌ها.	دیگران	کشف قیمت	PD۵
آگاهی بیشتر کشاورزان درباره‌ی بازار و اطلاعات قیمت‌گذاری.	کشاورز	کشف قیمت	PD۶
دریافت قیمت‌های بهتر از واسطه‌ها به دلیل در دسترس بودن قیمت مرجع بی‌طرفانه/معتبر	کشاورز	کشف قیمت	PD۷
افزایش سود کشاورزان به دلیل افزایش توانایی آن‌ها در حفظ قیمت‌ها در سطح مناسب.	کشاورز	کشف قیمت	PD۸
برداشت محصول براساس آتی‌ها به جای قیمت‌های نقدی، سود احتمالی را افزایش می‌دهد.	کشاورز	کشف قیمت	PD۹
متنوع سازی محصول را تسهیل می‌کند و کشاورزان می‌توانند تفاوت‌های قیمت و در نهایت درآمد را بهتر درک کنند.	کشاورز	کشف قیمت	PD۱۰
به کشاورزان امکان می‌دهد در زمینه‌ی ارائه محصولات به بازار تصمیم بگیرند.	کشاورز	کشف قیمت	PD۱۱
واسطه‌های ویژه‌خوار را از زنجیره عرضه بیرون می‌کند.	دیگران	کشف قیمت	PD۱۲
نوسان قیمت درون فصلی را کاهش می دهد.	دیگران	کشف قیمت	PD۱۳
نوسان قیمت بین فصلی را کاهش می‌دهد.	دیگران	کشف قیمت	PD۱۴
به کشاورزان کمک می‌کند در موارد سقوط قیمت‌ها از زیان شدید دوری کنند.	کشاورز	مدیریت ریسک قیمت	PR۱
می‌تواند به کشاورزان امکان دهد قیمت‌های تضمینی را از خریدار یا واسطه دریافت کنند.	کشاورز	مدیریت ریسک قیمت	PR۲
تسهیل، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری اثربخش به دلیل پیش‌بینی پذیری بیشتر درآمد.	کشاورز	مدیریت ریسک قیمت	PR۳
کاهش هزینه‌های مبادله در مقایسه با سایر شیوه‌های مدیریت ریسک.	کشاورز	مدیریت ریسک قیمت	PR۴
قیمت‌گذاری با ثبات‌تر محصول نهایی به دلیل کنترل هزینه‌ی نهاده‌ها توسط استفاده کنندگان کالا.	دیگران	مدیریت ریسک قیمت	PR۵
انعطاف‌پذیری بیشتر در عقد قرارداد/ بازاریابی (شرایط قرارداد، فرمول‌های قیمت گذاری).	دیگران	مدیریت ریسک قیمت	PR۶
بهبود برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و پیش‌بینی‌های تجاری.	دیگران	مدیریت ریسک قیمت	PR۷
پرهیز از هزینه‌ها و ریسک‌های مرتبط با دسترسی به بازارهای جهانی با استفاده از یک بستر معاملاتی محلی.	دیگران	مدیریت ریسک قیمت	PR۸
بازارهای نقدشونده برای پوشش ریسک موثر.	کشاورزان	سرمایه گذاری	IV۱
ممکن است سوداگری سبب افزایش قیمت‌ها و بنابراین سود کشاروزان شود.	کشاورزان	سرمایه گذاری	IV۲
سوداگری ممکن است نوسان آتی‌ها را افزایش دهد و پوشش ریسک را دشوارتر کند.	کشاورزان	سرمایه گذاری	IV۳
گرایش کشاورزان به سوداگری به شیوه‌هایی که از توان آن‌ها خارج است.	کشاورزان	سرمایه گذاری	IV۴
میسر ساختن تنوع سبد فعالیت سرمایه‌گذاران و کاهش آسیب‌پذیری از ریسک.	دیگران	سرمایه گذاری	IV۵
میسر ساختن پوشش ریسک تورم.	دیگران	سرمایه گذاری	IV۶
وقتی سایر دارایی‌ها با رکود مواجه هستند می‌تواند سود مثبتی را ایجاد کند.	دیگران	سرمایه گذاری	IV۷
ریسک طرف معامله در مبادلات مشتقه‌ها را کاهش می‌دهد.	دیگران	سرمایه گالری	IV۸
چارچوب نظارتی سالمی را برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند.	دیگران	سرمایه گذاری	IV۹
انطاف و شفافیت محیط معاملاتی را افزایش می‌دهد.	دیگران	سرمایه گالری	IV۱۰
آربیتراژگران بهتر می‌توانند بین قیمت‌های محلی و بین‌المللی تعادل ایجاد کنند.	دیگران	سرمایه گذاری	۱V۱۱
سوداگری ممکن است فشارهای تورمی ایجاد کند.	دیگران	سرمایه گذاری	IV۱۲

تاثیر	کشاورز/ دیگران؟	کارکرد	کد
به جای فعالیت تولیدی فعالیت سوداگری را تشویق می‌کند.	دیگران	سرمایه گذاری	IV۱۳
گرایش سرمایه‌گذاران کوچک به سوداگری به شیوه‌ای که خارج از توان آن‌هاست.	دیگران	سرمایه گذاری	IV۱۴
دریافت قیمت‌های بهتر از واسطه‌ها به دلیل دسترسی به قیمت‌های مرجع بی‌طرفانه/ معتبر.	کشاورز	معامله فیزیکی	PT۱
بهبود تحرک جغرافیایی کالاها (یکپارچه‌سازی بازار ملّی).	دیگران	معامله فیزیکی	PT۲
تسهیل مبادلات صنعت (به دلیل دسترسی به قیمت مرجع).	دیگران	معامله فیزیکی	PT۳
میسر ساختن امکان مدیریت ریسک قیمت به دلیل شفافیت مبنا (ریسک).	دیگران	معامله فیزیکی	PT۴
تعادل بهتر میان قیمت‌های نقدی و آتی از طریق آربیتراژ میان این دو بازار.	دیگران	معامله فیزیکی	PT۵
مجرای تحویل/ خرید قابل اعتماد به‌عنوان اخرین راه چاره	دیگران	معامله فیزیکی	PT۶
کاهش ریسک طرف معامله در مبادلات بازار نقدی.	دیگران	معامله فیزیکی	PT۷
کاهش نیاز به فروش از روی ناچاری.	کشاورز	معامله فیزیکی	PT۸
دسترسی به بازارهای دوردست‌تر از طریق بهبود امکانات لجستیکی.	کشاورز	معامله فیزیکی	PT۹
سیستم‌های مدیریت وثیقه منابع جدید تأمین مالی کالا را تسهیل می‌کنند.	کشاورز	معامله فیزیکی	PT۱۰
به دلیل زیرساخت‌های صادراتی بهتر، فرصت‌های صادراتی را افزایش می‌دهد.	دیگران	معامله فیزیکی	PT۱۱
پرهیز از ضایعات به دلیل انبارش بهتر.	دیگران	معامله فیزیکی	PT۱۲
معرفی سخت افزارها و عملکردهای انبارش بهتر.	دیگران	معامله فیزیکی	PT۱۳
افزایش میزان تناسب محصولات با خواسته‌های کاربران نهایی.	کشاورز	معامله فیزیکی	PT۱۴
بهبود کیفیت تولید با پاداش دادن به محصولات با کیفیت‌تر.	کشاورز	معامله فیزیکی	PT۱۵
کاهش تنوع درجه‌ها.	دیگران	معامله فیزیکی	PT۱۶
افزایش اعتماد خریداران به کنترل کیفی و صدور گواهی داخلی.	دیگران	معامله فیزیکی	PT۱۷
کاهش وابستگی به واردات درصورتی‌که محصولات محلی با الزامات سازگارتر باشد.	دیگران	معامله فیزیکی	PT۱۸
افزایش دسترسی کشاورزان به منابع مالی.	کشاورز	تأمین مالی	FF۱
کاهش هزینه‌های وام گرفتن با کاهش ریسک وام دهندگان و وام گیرندگان.	کشاورز	تأمین مالی	FF۲
تأمین سرمایه‌ی کاری برای پوشش هزینه‌های مهم و پرهیز از فروش اجباری.	کشاورز	تأمین مالی	FF۳
در نهایت نقدینگی بیشتری را برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند.	کشاورز	تأمین مالی	FF۴
تأمین مالی برای کشاورزان سازمان یافته‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر خواهد شد.	کشاورز	تأمین مالی	FF۵
آبیتراژ خرید نقدی و حمل، منبع تأمین مالی ارزان و جایگزینی را فراهم می‌کند.	کشاورز	تأمین مالی	FF۶
سرمایه‌گذاری به ارتقای عملکرد و رشد بخش کشاورزی منجر می‌شود.	دیگران	تأمین مالی	FF۷
تعمیق مشارکت موسسات مالی در بخش کشاورزی.	دیگران	تأمین مالی	FF۸
فرصت‌های تجاری چشمگیر برای تأمین مالی.	دیگران	تأمین مالی	FF۹
افزایش آگاهی و ارائه‌ی آموزش در زمینه‌ی پوشش ریسک و بازاریابی محصولات.	کشاورز	توسعه بازار	MD۱
مهارت‌های جدیدی را ایجاد می‌کند و ظرفیت متنوع سازی درآمدها را افزایش می‌دهد.	کشاورز	توسعه بازار	MD۲
کشاورزان را به سازماندهی جمعی برای دسترسی و سود بردن از خدمات بورس تشویق می‌کند.	کشاورز	توسعه بازار	MD۳
آگاهی درباره‌ی بازارهای کالا و تاثیرات آن‌ها را افزایش می‌دهد.	دیگران	توسعه بازار	MD۴
یکپارچگی منطقه‌ای بازارهای کالا را افزایش می‌دهد.	دیگران	توسعه بازار	MD۵
افزایش صادرات و پیوندهای معاملاتی جنوب - جنوب را تشویق می‌کند.	دیگران	توسعه بازار	MD۶
شفافیت شرایط واردات و صادرات را بیشتر می‌کند.	دیگران	توسعه بازار	MD۷
افزایش سواد فناوری اطلاعات قدرت، ظرفیت، بهره‌وری و استقلال کشاورزان را افزایش می‌دهد	کشاورز	توسعه بازار	MD۸
بستری برای ارائه‌ی خدمات آتی به کاربران روستایی ایجاد می‌شود.	کشاورز	توسعه بازار	MD۹
کاربران دور افتاده را با یکدیگر پیوند می‌دهد و بر موانع فاصله غلبه می‌کند.	کشاورز	توسعه بازار	MD۱۰
زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات را تقویت می‌کند و افزایش بهره‌وری را میسر می‌کند.	دیگران	توسعه بازار	MD۱۱
فرصت‌هایی برای تأمین کنندگان سایر محصولات و خدمات فراهم می‌کند.	دیگران	توسعه بازار	MD۱۲
افزایش دسترسی به بازارها (معامله، قیمت‌گذاری، سایر خدمات مالی و بازاریابی).	کشاورز	توسعه بازار	MD۱۳
افزایش دسترسی به تأمین کنندگان خدمات (کارگزاران، بانک‌ها و غیره).	کشاورز	توسعه بازار	MD۱۴
توسعه‌ی محصولات و خدمات جدید برای برآورده ساختن نیازهای جدید	کشاورز	توسعه بازار	MD۱۵
این صنعت اشتغال‌زایی می‌کند.	دیگران	توسعه بازار	MD۱۶
این صنعت برای دولت درآمدهای مالیاتی ایجاد می‌کند.	دیگران	توسعه بازار	MD۱۷
حرکت از بخش غیررسمی به بخش رسمی، یا اقتصادی سازمان یافته‌تر را تشویق می‌کند.	دیگران	توسعه بازار	MD۱۸

ضمیمه ۴- عملکرد تاثیرات در هر بورس

کد	کشاورز/دیگران؟	بورس کالا و معاملات آتی برزیل	بورس کالای دالیان	بورس کالای هند	بورس مالزی	بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس
PD۱	کشاورز	?	?	?	?	UQ-S
PD۲	کشاورز	Q-W	Q-W	Q-W	?	Q-S
PD۳	دیگران	UQ-S	UQ-S	Q-S	Q-S	Q-S
PD۴	دیگران	UQ-W	UQ-S	?	UQ-S	UQ-S
PD۵	دیگران	?	?	?	Q-S	X
PD۶	کشاورز	UQ-S	Q-S	Q-S	X	Q-S
PD۷	کشاورز	?	Q-S	Q-S	UQ-S	X
PD۸	کشاورز	?	Q-S	Q-S	X	UQ-S
PD۹	کشاورز	?	Q-S	Q-S	X	?
PD۱۰	کشاورز	UQ-S	Q-S	Q-S	X	Q-W
PD۱۱	کشاورز	UQ-S	Q-S	Q-S	X	UQ-S
PD۱۲	دیگران	?	?	Q-S	X	X
PD۱۳	دیگران	X	X	?	X	X
PD۱۴	دیگران	x	X	UQ-W	X	X
PR۱	کشاورز	UQ-S	UQ-W	UQ-W	UQ-S	UQ-S
PR۲	کشاورز	UQ-S	UQ-S	UQ-W	UQ-S	UQ-S
PR۳	کشاورز	UQ-S	UQ-S	?	UQ-S	UQ-S
PR۴	کشاورز	?	X	?	UQ-S	UQ-S
PR۵	دیگران	?	?	X	UQ-S	UQ-S
PR۶	دیگران	Q-W	X	?	UQ-S	UQ-S
PR۷	دیگران	UQ-W	UQ-S	?	UQ-S	UQ-S
PR۸	دیگران	Q-S	Q-S	Q-S	UQ-S	Q-S
IV۱	کشاورزان	Q-S	Q-S	Q-S	Q-S	Q-S
IV۲	کشاورزان	?	?	?	?	X
IV۳	کشاورزان	?	?	?	?	?
IV۴	کشاورزان	?	?	UQ-S	?	UQ-W
IV۵	دیگران	Q-S	?	?	?	UQ-W
IV۶	دیگران	x	x	x	x	X
IV۷	دیگران	?	?	?	?	UQ-W
IV۸	دیگران	UQ-S	UQ-S	UQ-S	UQ-S	UQ-S
IV۹	دیگران	UQ-S	UQ-S	UQ-S	UQ-S	UQ-S
IV۱۰	دیگران	UQ-S	UQ-S	UQ-S	UQ-S	UQ-S
۱V۱۱	دیگران	?	UQ-S	x	X	UQ-S
IV۱۲	دیگران	?	?	?	x	X
IV۱۳	دیگران	?	?	UQ-S	?	UQ-W
IV۱۴	دیگران	?	?	UQ-S	?	UQ-W
PT۱	کشاورز	X	X	UQ-S	X	?
PT۲	دیگران	UQ-S	UQ-S	X	X	UQ-W
PT۳	دیگران	?	X	?	X	UQ-S
PT۴	دیگران	?	x	UQ-W	X	UQ-S
PT۵	دیگران	?	X	X	?	?
PT۶	دیگران	UQ-S	Q-S	Q-S	Q-S	Q-S
PT۷	دیگران	UQ-S	UQ-S	UQ-S	UQ-S	UQ-S
PT۸	کشاورز	X	X	?	X	X
PT۹	کشاورز	X	X	?	X	X

کد	کشاورز/دیگران؟	بورس کالا و معاملات آتی برزیل	بورس کالای دالیان	بورس کالای هند	بورس مالزی	بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/سافکس
PT۱۰	کشاورز	UQ-S	X	Q-S	X	Q-S
PT۱۱	دیگران	UQ-S	X	UQ-S	X	X
PT۱۲	دیگران	?	?	?	X	X
PT۱۳	دیگران	?	UQ-S	UQ-S	X	X
PT۱۴	کشاورز	?	?	UQ-S	X	X
PT۱۵	کشاورز	?	?	UQ-S	X	UQ-S
PT۱۶	دیگران	?	X	UQ-S	X	X
PT۱۷	دیگران	?	UQ-W	UQ-S	X	X
PT۱۸	دیگران	x	x	X	X	X
FF۱	کشاورز	UQ-S	UQ-W	Q-S	x	UQ-S
FF۲	کشاورز	?	x	Q-S	x	UQ-S
FF۳	کشاورز	?	x	?	x	UQ-S
FF۴	کشاورز	?	x	?	x	UQ-S
FF۵	کشاورز	UQ-S	UQ-W	UQ-S	x	UQ-S
FF۶	کشاورز	?	x	?	x	?
FF۷	دیگران	?	x	?	x	UQ-S
FF۸	دیگران	UQ-S	x	Q-S	x	UQ-S
FF۹	دیگران	UQ-S	x	UQ-S	x	Q-S
MD۱	کشاورز	UQ-S	Q-S	Q-S	x	UQ-S
MD۲	کشاورز	UQ-S	Q-S	UQ-S	x	UQ-W
MD۳	کشاورز	?	UQ-W	UQ-W	UQ-S	UQ-W
MD۴	دیگران	UQ-S	?	UQ-W	UQ-S	UQ-S
MD۵	دیگران	x	x	x	x	UQ-W
MD۶	دیگران	UQ-S	x	UQ-S	UQ-S	X
MD۷	دیگران	UQ-S	x	x	x	Q-S
MD۸	کشاورز	x	?	UQ-W	x	X
MD۹	کشاورز	?	x	UQ-S	x	X
MD۱۰	کشاورز	?	UQ-W	UQ-S	x	X
MD۱۱	دیگران	?	?	UQ-S	x	UQ-W
MD۱۲	دیگران	?	x	UQ-W	x	X
MD۱۳	کشاورز	?	x	UQ-W	x	UQ-S
MD۱۴	کشاورز	?	x	UQ-W	x	UQ-W
MD۱۵	کشاورز	UQ-S	x	UQ-S	x	X
MD۱۶	دیگران	?	x	Q-S	?	UQ-W
MD۱۷	دیگران	?	x	UQ-W	x	X
MD۱۸	دیگران	UQ-S	x	UQ-S	x	?

راهنمای جدول:

UQ-W= تأثیر ضعیف کمّی نشده	Q-W= تأثیر ضعیف کمّی شده
UQ-S= تأثیر قوی کمّی نشده	Q-S = تأثیر قوی کمّی شده
X = بدون تأثیر	?= تأثیر نامعلوم

ضمیمه ۵- منابع داده‌ها

۱)منابع داده‌های مطالعه

کد	بورس کالا و معاملات آتی برزیل	بورس کالای دالیان	بورس کالای هند	بورس مالزی	بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس
PD۱	?	?	?	?	شهادت فعالان
PD۲	همبستگی قیمت‌های نقدی- آتی	همبستگی قیمت‌های نقدی- آتی	همبستگی قیمت‌های نقدی- آتی	؟	همبستگی قیمت‌های نقدی- آتی
PD۳	شهادت فعالان	شهادت فعالان	قرارداد بومی نقدشونده	قیمت مرجع جهانی	اختلاف شدید با بورس مرجع جهانی
PD۴	ادبیات فرعی	مطالعه موردی	؟	شهادت فعالان	شهادت فعالان
PD۵	؟	؟	؟	تاثیر سوخت زیستی بر بازار	X
PD۶	مشاهده‌ی مستقیم	پیام کوتاه	داده‌های بورس	X	پیام کوتاه + شهادت فعالان
PD۷	؟	مطالعه موری	نتایج نظر سنجی	شهادت فعالان	X
PD۸	؟	داده‌های بورس/ مطالعه موردی	نتایج نظر سنجی	X	شهادت فعالان
PD۹	؟	داده‌های بورس/ مطالعه موردی	نتایج نظر سنجی	X	؟
PD۱۰	ادبیات فرعی	داده های بورس/ مطالعه موری	نتایج نظر سنجی	X	داده های کشت محصول و قیمت
PD۱۱	ادبیات فرعی	داده‌های بورس/ مطالعه موردی	نتایج نظر سنجی	X	شهادت فعالان
PD۱۲	؟	؟	نتایج نظر سنجی	X	X
PD۱۳	X	X	؟	X	X
PD۱۴	X	X	نتایج نظر سنجی	X	X
PR۱	ادبیات فرعی	مطالعه موردی بورس کالای دالیان	نتایج نظر سنجی	شهادت فعالان	شهادت فعالان
PR۲	ادبیات فرعی	مطالعه موردی /ادبیات فرعی	ادبیات فرعی	شهادت فعالان	شهادت فعالان
PR۳	ادبیات فرعی	شهادت فعالان	؟	شهادت فعالان	شهادت فعالان
PR۴	؟	X	؟	شهادت فعالان	شهادت فعالان
PR۵	؟	؟	X	شهادت فعالان	قیمت‌های مشتریان/تولید کنندگان
PR۶	ابتکارات بورس/داده‌ها	X	؟	شهادت فعالان	شهادت فعالان
PR۷	ادبیات فرعی	شهادت فعالان	؟	شهادت فعالان	شهادت فعالان
PR۸	همبستگی بورس کالا و معاملات آتی برزیل/بورس مرجع نیویورک	همبستگی بورس کالای دالیان/ بورس مرجع جهانی	داده‌های نقد شوندگی	شهادت فعالان	قیمت‌های مشتریان/تولید کنندگان
IV۱	حجم و داده‌های OI	حجم و داده‌های OI	حجم و داده‌های OI	حجم و داده‌های OI	حجم و داده‌های OI
IV۲	X	X	?	?	X
IV۳	?	?	?	?	?
IV۴	?	?	نظرسنجی/ادبیات فرعی	?	پژوهش بورس
IV۵	ترکیب بازار/ادبیات فرعی	?	?	؟	شهادت فعالان
IV۶	X	X	X	X	X
IV۷	?	?	?	?	شهادت فعالان
IV۸	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس
IV۹	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس
IV۱۰	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس

کد	بورس کالا و معاملات آتی برزیل	بورس کالای دالیان	بورس کالای هند	بورس مالزی	بورس اوراق بهادار ژوهانسبورگ/ سافکس
۱V۱۱	?	شهادت فعالان	X	X	شهادت فعالان
IV۱۲	?	?	?	?	X
IV۱۳	?	X	ادبیات فرعی	?	پژوهش بورس
IV۱۴	?	X	نظرسنجی/ادبیات فرعی	?	پژوهش بورس
PT۱	X	X	نظر سنجی/مشاهده مستقیم	X	?
PT۲	شهادت فعالان	تفاوت قیمت منطقه‌ای	X	X	تفاوتهای منطقه‌ای
PT۳	?	X	?	X	شهادت فعالان
PT۴	?	X	مشاهده‌ی مستقیم	X	شهادت فعالان
PT۵	?	X	X	?	?
PT۶	داده‌های تحویل	داده‌های تحویل	داده‌های تحویل	داده های تحویل/شهادت فعالان	داده‌های تحویل
PT۷	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس	قوانین بورس
PT۸	X	X	?	X	X
PT۹	X	X	?	X	X
PT۱۰	ابتکارات بورس	X	ادبیات فرعی	X	داده‌های بانک و گواهی فعالان
PT۱۱	ابتکارات بورس	X	نتایج نظرسنجی	X	X
PT۱۲	?	?	?	X	X
PT۱۳	?	قوانین بورس	نتایج نظرسنجی	X	X
PT۱۴	?	?	نتایج نظرسنجی	X	X
PT۱۵	?	?	نتایج نظرسنجی (نعنا)	X	شهادت فعالان
PT۱۶	?	X	نتایج نظر سنجی (نعنا)	X	X
PT۱۷	?	قوانین بورس در باره سویای بدون دستکاری ژنتیک	نتایج نظر سنجی (هل)	X	X
PT۱۸	X	X	X	X	X
FF۱	ادبیات فرعی	مطالعه موردی طرح آزمایشی ۲۰۰۷	ادبیات فرعی	X	شهادت فعالان
FF۲	?	X	ادبیات فرعی	X	شهادت فعالان
FF۳	?	X	?	X	شهادت فعالان
FF۴	?	X	?	X	شهادت فعالان
FF۵	ابتکارات بورس/ادبیات فرعی	مطالعه موردی طرح آزمایشی ۲۰۰۷	ادبیات فرعی	X	شهادت فعالان
FF۶	?	X	?	?	?
FF۷	?	X	?	X	شهادت فعالان
FF۸	ابتکارات بورس/ادبیات فرعی	X	بانک مالزی همراه با بورس کالای هند	X	شهادت فعالان
FF۹	ابتکارات بورس/ادبیات فرعی	X	ادبیات فرعی	X	داده‌های بانک و شهادت فعالان
MD۱	ابتکارات بورس	داده‌های بورس	ابتکارات بورس/ادبیات فرعی	X	شهادت فعالان
MD۲	ابتکارات بورس	داده‌های بورس/ادبیات فرعی	ابتکارات بورس/ادبیات فرعی	X	شهادت فعالان
MD۳	?	شهادت فعالان	ابتکارات بورس/ادبیات فرعی	شهادت فعالان	شهادت فعالان
MD۴	ابتکارات بورس	?	نتایج نظر سنجی	ابتکارات بورس	شهادت فعالان
MD۵	X	X	X	X	ابتکار مالاوی
MD۶	ابتکارات بورس	X	نتایج نظرسنجی (هل)	شهادت فعالان	X
MD۷	ابتکارات بورس	X	X	X	داده‌ها/شهادت فعالان
MD۸	X	?		X	X
MD۹	?	X		X	X
MD۱۰	?	ابتکارات بورس	ابتکارات بورس	X	X
MD۱۱	?	?	ابتکارات بورس	X	مشاهده‌ی مستقیم
MD۱۲	?	X	ابتکارات بورس	X	X
MD۱۳	X	X	نتایج نظر سنجی	X	شهادت فعالان
MD۱۴	?	X	ابتکارات بورس/ادبیات فرعی	X	شهادت فعالان
MD۱۵	ابتکارات بورس	X	ابتکارات بورس/ادبیات فرعی	X	X
MD۱۶	?	X	ادبیات فرعی	?	
MD۱۷	?	X	ادبیات فرعی	X	X
MD۱۸	ابتکارات بورس	X	نتایج نظرسنجی (نعنا)	X	?

۲) شاخص‌های بالقوه و منابع داده‌ها: ارزیابی ایده‌آل تاثیرات

کد	شاخص آرمانی/منبع داده‌ها
PD۱	تحلیل اقتصاد سنجی
PD۲	همبستگی قیمت‌های نقدی و آتی
PD۳	همبستگی با قراردادهای بین‌المللی همان کالا
PD۴	نظرسنجی/شهادت فعالان
PD۵	تحلیل اقتصاد سنجی
PD۶	نظرسنجی/شهادت فعالان
PD۷	نظرسنجی/شهادت فعالان
PD۸	نظرسنجی/شهادت فعالان
PD۹	نظرسنجی/شهادت فعالان
PD۱۰	همبستگی داده‌های سطح زیرکشت و حجم محصول با قیمت‌گذاری/نظرسنجی/گواهی فعالان
PD۱۱	نظرسنجی/شهادت فعالان
PD۱۲	نظرسنجی/شهادت فعالان
PD۱۳	تحلیل اقتصاد سنجی
PD۱۴	تحلیل اقتصاد سنجی
PR۱	نظرسنجی/شهادت فعالان
PR۲	نظرسنجی/شهادت فعالان
PR۳	سطوح سرمایه‌گذاری کشاورزان (مثلاً خرید تجهیزات)/نظرسنجی/گواهی فعالان
PR۴	تعیین معیار
PR۵	همبستگی میان قیمت‌های تولیدکننده و مصرف کننده/تحلیل زنجیره‌ی ارزش
PR۶	نظرسنجی/شهادت فعالان
PR۷	نظرسنجی/شهادت فعالان
PR۸	همبستگی با قراردادهای بین‌المللی همان کالا
IV۱	حجم معاملات و موقعیت‌های باز
IV۲	همبستگی سطوح قیمت‌ها با تغییر موقعیت‌های معاملاتی شرکت کنندگان سوداگر
IV۳	همبستگی سطوح نوسان قیمت با تغییر موقعیت‌های معاملاتی شرکت کنندگان سوداگر
IV۴	داده‌های کارگزاران درباره‌ی نکول کشاورزان/نظرسنجی/گواهی فعالان
IV۵	تحلیل اقتصاد سنجی/شهادت فعالان
IV۶	تحلیل اقتصاد سنجی/شهادت فعالان
IV۷	تحلیل اقتصاد سنجی/شهادت فعالان
IV۸	پیامدهای نکول کنندگان برای طرف معامله/قوانین و مقررات بورس
IV۹	قوانین و مقررات بورس
IV۱۰	قوانین و مقررات بورس
۱V۱۱	همبستگی با قراردادهای بین‌المللی همان کالا/ نظرسنجی/گواهی فعالان
IV۱۲	همبستگی سطوح قیمت‌ها با تغییر موقعیت‌های معاملاتی شرکت کنندگان سوداگر
IV۱۳	نظرسنجی/شهادت فعالان
IV۱۴	داده‌های کارگزاران درباره‌ی نکول سرمایه‌گذاران خرده‌پا
PT۱	نظرسنجی/شهادت فعالان
PT۲	اختلاف قیمت نقدی منطقه‌ای
PT۳	نظرسنجی/شهادت فعالان
PT۴	نظرسنجی/شهادت فعالان
PT۵	همبستگی قیمت‌های نقدی و آتی

کد	شاخص آرمانی/منبع داده‌ها
PT۶	داده‌های تحویل بورس
PT۷	قوانین و مقررات بورس
PT۸	نظرسنجی/شهادت فعالان
PT۹	نظرسنجی/شهادت فعالان
PT۱۰	داده‌های بانک/نظرسنجی‌ها/گواهی فعالان
PT۱۱	نظرسنجی/شهادت فعالان
PT۱۲	مقایسه‌ی میان حجم تولید و فروش و ظرفیت انبار/نظرسنجی
PT۱۳	نظرسنجی/شهادت فعالان
PT۱۴	نظرسنجی/شهادت فعالان
PT۱۵	داده‌های تولید برحسب درجه‌ی کیفی/قوانین و رویه‌های بورس/نظرسنجی
PT۱۶	داده‌های تولید برحسب درجه‌ی کیفی/نظر سنجی/گواهی فعالان
PT۱۷	نظرسنجی/شهادت فعالان
PT۱۸	حجم واردات/نظرسنجی/شهادت فعالان
FF۱	داده‌های بانک/نظرسنجی‌ها/گواهی فعالان
FF۲	داده‌های بانک/نظرسنجی-ها/گواهی فعالان
FF۳	نظرسنجی/شهادت فعالان
FF۴	سطوح سرمایه گذاری کشاورزان (مثلاً خرید تجهیزات)/نظر سنجی/گواهی فعالان
FF۵	نظرسنجی/شهادت فعالان
FF۶	نظرسنجی/شهادت فعالان
FF۷	داده‌های بهره‌وری و رشد کشاورزی
FF۸	نظرسنجی/شهادت فعالان
FF۹	داده‌های بانک/نظرسنجی‌ها/گواهی فعالان
MD۱	داده‌های سمینارهای آموزشی بورس و واسطه‌ها و شرکت در دوره ها
MD۲	محتوا/نظرسنجی/گواهی فعالان درباره‌ی سمینارهای آموزشی
MD۳	نظرسنجی/شهادت فعالان
MD۴	نظرسنجی/شهادت فعالان
MD۵	جریان‌های بین‌المللی معامله/حجم مبادلات و تحویلی که از طریق بورس انجام شده است
MD۶	حجم صادرات و حجم براساس مقصد
MD۷	نظرسنجی/شهادت فعالان
MD۸	داده‌های کاربرد روستایی اینترنت و سایر فناوری‌ها/نظرسنجی/شهادت فعالان
MD۹	نظرسنجی/شهادت فعالان
MD۱۰	داده‌های دلالان در باره مکان مشتریان و پایانه ها
MD۱۱	داده‌های سرمایه گذاری در زمینه فناوریهای اطلاعات و ارتباطات و زیر ساخت‌ها
MD۱۲	داده‌های تأمین کنندگان خدمان/نظر سنجی/شهادت فعالان
MD۱۳	داده‌های بورس و تأمین کنندگان خدمات/نظر سنجی/شهادت فعالان
MD۱۴	داده‌های تأمین کنندگان خدمات/نظر سنجی/شهادت فعالان
MD۱۵	سبد محصولات و خدمات بورس
MD۱۶	داده‌های اشتغال
MD۱۷	درآمدهای مالیاتی ناشی از مبادلات بورس، تحویل‌ها یا شاغلان در بورس
MD۱۸	نظرسنجی/شهادت فعالان

ضمیمه ۶- نحوه‌ی پوشش ریسک: راهبردهای ساده با استفاده از قراردادهای آتی و اختیار معامله

(۱) پوشش ریسک با استفاده از قراردادهای آتی

یک قرارداد آتی در اصل یک پیمان استاندارد شده‌ی آتی است که نمایانگر تعهد تحویل دادن یا تحویل گرفتن مقدار معینی از کالایی با کیفیت معین و در مکانی مشخص است. ولی برخلاف پیمان‌های آتی، قراردادهای آتی اغلب به تحویل فیزیکی منجر نمی‌شوند. درعوض، این قراردادها را می‌توان با یک قرارداد برابر و متضاد، قبل از تاریخ سررسید بست.

پوشش ریسک با استفاده از قراردادهای آتی، به معنای کاهش ریسک قیمت با انتقال آن ریسک به یکی دیگر از فعالان بازار که دارای وضعیت ریسک متفاوتی است، یا به یک سرمایه‌گذار است که مایل است به امید سود بردن از پیش‌بینی صحیح حرکت‌های قیمت در بازار، آن ریسک را بپذیرد.

ولی باید توجه داشت که اگرچه پوشش دهنده‌ی ریسک از زیان‌های ناشی از حرکت‌های نامطلوب قیمت مصون می‌شود، فرصت کسب سود بادآورده از حرکت‌های مطلوب قیمت‌ها را نیز از دست می‌دهد.

اجرای پوشش ریسک مستلزم ایجاد موقعیت معاملاتی در بازار معاملات آتی است که برابر ولی در جهت مخالف موقعیت معاملاتی در بازار نقدی است. زیان در یکی از این بازارها باید با سود در بازاری دیگر جبران شود:

• پوشش ریسک خرید[1] شامل خرید قراردادهای آتی برای حمایت در برابر افزایش قیمت‌ها در بازار نقدی است (بدین ترتیب، یک صادر کننده‌ی هل که به دنبال خرید سه ماهه‌ی هل است، قراردادهای آتی هل را خریداری می‌کند). اگر قیمت‌ها در بازار نقدی افزایش پیدا کند، تولیدکننده مجبور است برای هل مبلغ بیشتری بپردازد. ولی این افزایش هزینه‌ها با سود در

1- Long hedge

بازار معاملات آتی جبران می‌شود (و برعکس). بنابراین، پوشش ریسک خرید ابزاری ایده‌آل برای خریداری است که به دنبال تثبیت هزینه‌ی مواد خام خود است. این مسئله به نوبه‌ی خود برای اطمینان از این که خریدار در هنگام خرید مواد خام با کمبود منابع مالی روبرو نمی‌شود و همچنین برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی نیز مفید است.

• پوشش ریسک فروش[1] شامل فروش قراردادهای آتی برای حمایت در برابر کاهش قیمت‌ها در بازار نقدی است (بدین ترتیب یک تولیدکننده‌ی هل که به دنبال فروش سه ماه‌ی هل است، به فروش قراردادهای آتی هل می‌پردازد). اگر قیمت‌ها در بازار نقدی کاهش پیدا کند، تولیدکننده برای هل پول کمتری دریافت می‌کند. با وجود این، این کاهش درآمد با سود در بازار قراردادهای آتی جبران می‌شود (و برعکس). بنابراین، پوشش ریسک فروش ابزاری ایده‌آل برای تولیدکننده‌ای است که به دنبال تثبیت قیمت محصولی در زمان برداشت، یا ابزاری برای تثبیت ارزش کالای انبار شده‌ی خود تا زمان فروش در زمان قیمت‌های جذاب‌تر است. این شیوه برای تضمین حداقل سود تولید و همچنین اطمینان بیشتر درباره‌ی تعیین سطح مخارج و سرمایه‌گذاری‌ای که با وجود آن، فعالیت مورد نظر هنوز سوداور خواهد بود سودمند است.

پوشش ریسک روش موثری است، چون قیمت‌های نقدی و آتی معمولاً با یکدیگر هماهنگ هستند و در هنگام سررسید معامله به یکدیگر نزدیک می‌شوند. اگرچه تفاوت میان قیمت‌های نقدی و آتی (که مبنا نامیده میشود) ممکن است افزایش یا کاهش یابد، ریسک تغییر نامطلوب در این رابطه (ریسک مبنا) معمولاً بسیار پایین‌تر از عدم انجام پوشش ریسک در بازار نقدی است. با وجود این، به دلیل حضور ریسک مبنا است که پوشش ریسک کامل، یعنی حالتی که قیمت‌های بازارهای آتی و نقدی دقیقا یکدیگر را جبران کنند بسیار نادر است.

(۲) پوشش ریسک با استفاده از قراردادهای اختیارمعامله

قرارداد اختیار معامله قراردادی است که به خریدار اختیار حق می‌دهد، ولی او را ملزم نمی‌کند، که یک قرارداد آتی را به قیمتی مشخص در زمانی مشخص (تاریخ سررسید) یا قبل از آن خریداری کند. برای به دست آوردن چنین قراردادی، خریدار باید مبلغی را به‌عنوان قیمت اختیار[2] به فروشنده‌ی قرارداد اختیار پرداخت کند (حداکثر زیان خریدار به این ودیعه محدود می‌شود). فروشنده‌ی اختیار این ودیعه را دریافت می‌کند، ولی زیان

1- Short Hedge
2- Option premium

بالقوه‌ی او به لحاظ نظری نامحدود است (در مواردی که قراردادهای اختیار در بورس معامله شوند، ودیعه‌ی اختیار از طریق معامله در بازار آزاد تعیین می‌شود).

برای یک تولیدکننده‌ی کالا، خرید یک قرارداد اختیار فروش[1] در واقع حداقل قیمتی را که تولیدکننده دریافت می‌کند (قیمت توافقی[2]) تعیین می‌نماید. اگر قیمت در دوره‌ی قبل از سررسید قرارداد اختیار از آن سطح کمتر شود، تولیدکننده می‌تواند اختیار فروش خود را در سطح حداقل قیمت تضمینی اعمال کند. او بدین ترتیب قیمتی را دریافت می‌کند که بالاتر از قیمت بازار است.

برای یک خریدار کالا، خرید یک اختیار خرید در واقع حداکثر قیمت (قیمت توافقی) را تعیین می‌کند که خریدار باید برای کالاهای مورد نیازش بپردازد. اگر قیمت در دوره‌ی قبل از سررسید قرارداد اختیار از آن سطح بیشتر شود، خریدار می‌تواند اختیار خرید خود به حداکثر قیمت تضمینی را اعمال کند و بدین ترتیب، قیمتی را می‌پردازد که کمتر از قیمت روز بازار است.

بنابراین پوشش ریسک با استفاده از قراردادهای اختیار را می‌توان به نوعی بیمه تشبیه کرد که خریدار اختیار، برای حفاظت در برابر زیان احتمالی ودیعه‌ای پرداخت می‌کند. قراردادهای اختیار به چهار دلیل معمولاً از قراردادهای آتی برای پوشش ریسک کشاورزان مناسب‌تر هستند:

- خریداران قراردادهای اختیار می‌توانند در برابر تغییرات نامطلوب قیمت از خود محافظت کنند و در عین حال از تغییرات مطلوب سود ببرند؛
- حداکثر هزینه‌ی نقدی در زمان خرید تثبیت می‌شود و این مسئله مسلما بر جریان نقدینگی تأثیر می‌گذارد؛
- درک و استفاده از قراردادهای اختیار در ساده‌ترین شکل، برای افرادی که با محدودیت نقدینگی یا منابع روبرو هستند (از قبیل کشاورزان خرده‌پا) ساده‌تر است؛
- در سطح پیشرفته‌تر، موقعیت‌های تعهدی اختیار را می‌توان به گونه‌ای ساختار داد که راهبردهای مدیریت ریسکی را فراهم کنند که با الزامات استفاده کنندگان هم‌خوانی داشته باشد.

با وجود این، استفاده از قراردادهای اختیار معامله ممکن است دارای نقاط ضعفی نیز باشد. مثلاً ودیعه‌های اختیار ممکن است در زمانی که به شدت مورد نیازند بسیار گران باشند. از این منظر، ممکن است دولت‌ها بتوانند برای پرداخت ودیعه‌ی کشاورزان خرده‌پا

1- Put option
2- Strike price

یارانه‌ای در نظر بگیرند، یا موسسات مالی ممکن است بتوانند منابع مالی مورد نیاز (یارانه‌ای یا غیریارانه‌ای) را برای حمایت از کشـــاورزان در خرید ودیعه قرارداد اختیار معامله فراهم سازند. در نهایت، از آنجا که قراردادهای اختیار معامله بسیار انعطاف‌پذیر هستند، دولت‌ها، موسســـات مالی و تأمین کنندگان وام‌های کوچک و سایر واسطه‌ها می‌توانند ابزارهایی را توسعه دهند که کاملاً با نیازهای کشـــاورزان خرده‌پا هم‌خوانی دارد. همچنین باید به این نکته اشـــاره کرد که یک بازار کارآمد قراردادهای اختیاری که در بورس معامله می‌شـــوند به بازار نقدشـــونده‌ی قراردادهای آتی متکی است. این بازار به حضور فروشندگان اختیار در بازار (که معمولاً پذیره نویس اختیار نامیده می‌شـــوند) نیز بســـتگی دارد. اینها معمولاً موسســـات مالی‌ای هســـتند که از ســـطح پیچیدگی و دقت عمل مورد نیاز برای مدیریت توانمند ریسکی که ناشی از فروش اختیار است برخوردارند.

ضمیمه ۷- تاریخچه، مقالات و انتشارات آنکتاد

پیشینه‌ی سازمانی

کنفرانس تجارت و توسعه‌ی سازمان ملل متحد (آنکتاد) که در سال ۱۹٦٤ به‌عنوان سازمانی بین دولتی تشکیل شد، ارگان اصلی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در حوزه‌ی تجارت و توسعه است. این سازمان در داخل سازمان ملل متحد، به‌عنوان کانون بررسی یکپارچه‌ی توسعه و مسایل در هم تنیده‌ی تجارت، تأمین مالی، علوم و فناوری، سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی پایدار عمل می‌کند.

اهداف اصلی آنکتاد بیشینه سازی فرصت‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و توسعه برای کشورهای درحال توسعه، کمک به این کشورها برای رویارویی با چالش‌های برخاسته از جهانی سازی و متصل ساختن آن‌ها به اقتصاد جهانی بر مبنایی برابر است. آنکتاد اهداف خود را از طریق پژوهش و تحلیل سیاست‌ها، مشورت‌های بین دولتی، همکاری‌های فنی و تعامل با جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی تعیین می‌کند.

هم اکنون ۱۹۲ کشور در این سازمان عضویت دارند. بسیاری از سازمان‌های بین دولتی و غیردولتی در این سازمان از جایگاه ناظر برخوردارند و در فعالیت‌های آن مشارکت دارند. دبیرخانه‌ی آنکتاد در ژنو واقع است و ٤۰ پرسنل آن بخشی از دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهند.

برای اطلاعات بیشتر به سایت http://www.unctad.org نگاه کنید.

نقش آنکتاد در توسعه بورس‌های کالا

آنکتاد برجسته‌ترین سازمان بین‌المللی است که از تأسیس و توسعه‌ی بورس‌های کالا در کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که دارای اقتصادهای در حال گذار هستند حمایت می‌کند. در بیش از ۱۵ سال گذشته، دبیرخانه‌ی این سازمان از دو جنبه توانسته است حمایت‌های قدرتمندی را ارائه کند:

•کمک فنی مستقیم: برای ایجاد بورس‌های جدید و بهبود عملکرد بورس‌های موجود (ازجمله ارائه‌ی کمک به طراحی قراردادهای جدید)، همراه با مشارکت در اجام طرح‌هایی در جمهوری دومینیکن، قزاقستان، غنا، هند، اندونزی، مالزی، نیجریه، فدراسیون روسیه، سریلانکا، ترکیه و اوکراین و ارائه‌ی مشاوره در زمینه‌ی ایجاد بورس کالا و مشتقه‌های آفریقا و حمایت از تشکیل این بورس (بورس منطقه‌ای آفریقا)؛

• پژوهش و مشورت در زمینه‌ی سیاست‌ها و آگاهی بخشی: آنکتاد از طریق انتشارات، برگزاری سخنرانی و سازماندهی کنفرانس، از جمله برگزاری همایش بازارهای نوظهور که در سال ۱۹۹۹ در حاشیه کنفرانس سالانه‌ی انجمن معاملات آتی و اختیار سوئیس که از کنفرانس‌های بزرگ صنعت آتی در جهان است، به افزایش آگاهی درباره و درک نقش بالقوه‌ی بورس‌های کالا کمک کرده است.

آنکتاد به‌عنوان تنها سازمان بین‌المللی که از دستور کار جامعی در زمینه‌ی کالاها و سابقه‌ی اثبات شده‌ی ۴۰ سال نوآوری‌های اغلب راهگشا برخوردار است، برای غلبه بر شکاف اعتمادی که هنوز بین بخش‌های عمومی و خصوصی کشورهای در حال توسعه وجود دارد و مانع از سرمایه‌گذاری در موسسات مرتبط با تجارت می‌شود از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است.

بنابراین، این سازمان توانسته است با دولت‌ها و بخش خصوصی، برای ایجاد محیطی که به موفقیت بورس‌های کالا کمک کند و همچنین پذیرش اینکه یک بورس کالای موفق نیازمند مقررات نظارتی مناسبی است، همکاری سازنده‌ای داشته باشد. چنین سازمانی می‌تواند در بحث درباره‌ی استفاده از ابزارهای مدرن مدیریت ریسک و تأمین مالی در بخش کالا نقش ناظر بی‌طرفی را ایفا کند و بدین ترتیب، به‌کاربران بالقوه‌ی این ابزارها کمک کند تا راحت‌تر از این ابزارها استفاده کنند. نقش اصلی این سازمان، واسطه‌ی صادقی است که کسانی را که در بخش کالا فعال هستند از امکان‌های جدیدی که در برابر آن‌ها قرار دارد مطلع می‌کند، و به آن‌ها در ارزیابی دقیق مزیت‌های ابزارهای جدید و پیامدهای کاربرد آن‌ها کمک می‌کند.

برای جزئیات بیشتر درباره‌ی برنامه‌ی کاری شاخه کالای این سازمان در زمینه‌ی بورس‌های کالا و همچنین کسب اطلاعات بیشتر، می‌توانید به این سایت مراجعه کنید:
http://www.unctad.org/commodities